@khanabook_book

چند دقیقه با مدیر تألیف

کتاب‌های میکروطبقه‌بندی یا نقره‌ای گاج از خوش‌نام‌ترین و پرفروش‌ترین کتاب‌های آموزشی کشور به‌شمار می‌روند و نیازی به معرفی ندارند. کم‌تر دانش‌آموزی در کشور وجود دارد که در جلسه کنکور حاضر شود و کتابی از کتاب‌های میکروطبقه‌بندی گاج را مطالعه نکرده باشد. در انتشارات گاج، هر سال تعداد هنگفتی کتاب میکروطبقه‌بندی یا جلد نقره‌ای برای پایه‌های تحصیلی دهم، یازدهم، دوازدهم و کنکور رشته‌های تجربی، ریاضی و انسانی تولید می‌شود. این موضوع مهم، وظیفه تیم ما را در واحد کتاب‌های میکروطبقه‌بندی به مراتب سنگین‌تر می‌کند و به‌طور مداوم به ما گوشزد می‌کند که باید تلاشمان را چندین برابر نماییم.

با تغییر نظام آموزشی کشور از سیستم ۵-۳-۴ به ۶-۳-۳ انتشارات بین‌المللی گاج همچنان به تولید کتاب‌های میکروطبقه‌بندی در ۳ سال متوسطه دوم برای آمادگی دانش‌آموزان عزیز در آزمون‌های کنکور سراسری ادامه می‌دهد. امیدوارم که تلاش بنده و همکارانم مورد استفاده شما اساتید گرانقدر و دانش‌آموزان عزیز قرار بگیرد.

▪ **مهندس افشین احمدی**

Shinmadi

@khanehketab_book

تقدیم به روشنی‌بخش راه علم و زندگی‌ام مادر عزیزم

مقدمهٔ مؤلف

در سال‌های اخیر، همواره یکی از دغدغه‌های اصلی نظام آموزش و پرورش ایران، ناکارآمدی کلاس‌های مدارس در آموزش زبان‌های خارجی و به خصوص زبان انگلیسی بوده است؛ یعنی علی‌رغم این‌که دانش‌آموزان، زبان انگلیسی را به مدت هفت سال در برنامهٔ درسی خودشان داشتند، اما به ندرت دانش‌آموزی قادر بود انگلیسی را به کمک کتاب‌های درسی، به نحو کاربردی و مؤثری یاد بگیرد.

دقیقاً به همین دلیل بود که در پی تحول نظام آموزش و پرورش در چند سال اخیر، کتاب‌های درس زبان انگلیسی نیز دچار تحول بنیادین شدند و رویکرد آموزش زبان انگلیسی از اساس دچار تغییر شد. می‌توان گفت در کتاب‌های درسی جدید، تأکید بسیار زیاد کتاب‌های درسی سابق بر روی گرامر و ساختار زبان، تا حدود زیادی به حاشیه رفته و در عوض تلاش شده است به چهار مهارت اصلی زبانی، یعنی Listening (گوش دادن)، Speaking (صحبت کردن)، Reading (خواندن) و Writing (نوشتن) توجه شود.

صرف‌نظر از این‌که آموزش و پرورش در رسیدن به اهداف خود در آموزش زبان‌های خارجی تا چه حد موفق بوده است و این‌که در مدارس ما بسترهای لازم برای آموزش هر چهار مهارت زبان انگلیسی تا چه حد موجود است، عملاً دانش‌آموزان به منظور کسب آمادگی برای کنکور، نیاز دارند به درس زبان انگلیسی با رویکرد کاملاً متفاوتی نگاه کنند.

در واقع همان‌طور که احتمالاً اطلاع دارید، سیستم ارزشیابی کنکور سراسری عملاً دارای محدودیت‌های بسیاری است. یعنی علاوه‌بر این‌که کنکور باید به صورت کتبی و در زمان محدود (حدود چهار ساعت) برگزار شود، سیستم نمره‌دهی نیز باید به صورتی باشد که رویکردهای سلیقه‌ای تا حد امکان در آن، جایی نداشته باشد؛ به همین دلیل می‌توان گفت کنکور سراسری، حداقل در فرمت و ساختار فعلی، نمی‌تواند هیچ جایگاهی برای مهارت‌های Listening (گوش دادن)، Speaking (صحبت کردن) و Writing (نوشتن) قائل باشد و به نظر می‌رسد نهایتاً طراحان کنکور فقط می‌توانند تیپ‌های فعلی سؤالات را اندکی تغییر دهند.

با توجه به تمامی این موارد و این‌که داوطلبان، در کتاب‌های درسی جدید، عملاً با قواعد گرامری، کاربردهای مختلف لغات و حتی مهارت‌های متن‌خوانی، تا حد زیادی آشنا نمی‌شوند و طبیعتاً قادر نخواهند بود از پس تست‌های دشوار کنکور در این بخش‌ها برنیایند، این کتاب در تمامی بخش‌های موردنظر کنکور، دارای درس‌نامه‌های کاملاً جامع و دقیق و تعداد بسیار زیادی تست استاندارد است.

در پایان

جا دارد از تمام عزیزانی که بنده را در مسیر تألیف این کتاب یاری کردند، تشکر کنم؛ به ویژه از:

- جناب آقای مهندس ابوالفضل جوکار، مدیریت محترم انتشارات بین‌المللی گاج؛
- جناب آقای مهندس افشین احمدی؛ مدیریت محترم تألیف کتاب‌های میکروطبقه‌بندی و iQ گاج؛
- سرکار خانم الهه همایون‌زاده، سرکار خانم معصومه غلامی و جناب آقای مهندس افشین پورافشار که دلسوزانه زحمت پیگیری مراحل مختلف تألیف کتاب را برعهده گرفتند؛
- مدیر فنی محترم واحد، جناب آقای کاظم شاکری، حروف‌نگاران محترم، خانم‌ها مهنازسادات کاظمی، سمانه صادقی، رقیه قربانیان و عزیزانی که زحمت صفحه‌آرایی کتاب را کشیدند، خانم‌ها شبنم بیدی، غزاله دانش و حمیده شریفی؛
- جناب آقای فریمان حاجی‌رسولی‌ها و سرکار خانم سمانه سیار که تصاویر زیبای کتاب مدیون زحمات این عزیزان است؛
- دوستان عزیزم آقایان حسین طیبی و صالح بهلولی و جناب آقای ایمان میکائیلی‌زاده که زحمت ویراستاری علمی کتاب را برعهده گرفتند.

سربلند و پیروز باشید.

امید یعقوبی‌فرد

o.yaghoubifard@gmail.com

Fear holds you prisoner. Hope sets you free.
Hope springs eternal.

@khanehbook

دستورالعمل استفاده از کتاب

هر چهار درس این کتاب، فرمت و ساختار کاملاً یکسانی دارند و طبیعتاً دانش‌آموزان برای مطالعهٔ بخش‌های مختلف کتاب، دچار سردرگمی و ابهام نخواهند شد. این بخش‌ها عبارتند از:

۱ **واژگان:** در بخش واژگان، تمام لغات جدید کتاب درسی و کتاب کار و حتی لغات بسیار مهم سال‌های قبل گردآوری و برای تک‌تک آن‌ها مثال‌های دقیق و کاربردی ارائه شده است تا شما بتوانید لغات را به شکل مؤثر و صحیحی به خاطر بسپارید و با کاربرد آن‌ها در جملات آشنا شوید. علاوه بر این، همراه تمامی لغات کتاب، تصاویر جذابی نیز قرار داده شده است تا یادگیری لغات از طریق حافظهٔ بصری، سریع‌تر و ماندگارتر شود. دقت کنید که در تمامی درس‌ها، آموزش بخش واژگان به سه Session (جلسهٔ مطالعاتی) تقسیم شده است. بد نیست بدانید که لغات قرار گرفته در این جلسات مطالعاتی، بر مبنای اهمیت، دسته‌بندی شده‌اند. یعنی لغات جلسهٔ اول بسیار مهم هستند و به احتمال بسیار زیاد، در کنکور بارها مورد توجه قرار خواهند گرفت. لغات جلسهٔ مطالعاتی دوم، لغات مهمی هستند که ممکن است آن‌ها را هر چند وقت یک بار در کنکور داشته باشیم و لغات جلسهٔ مطالعاتی سوم، واژگان کم‌اهمیت‌تر درس‌ها را پوشش می‌دهند.

در پایان بخش واژگان نیز تعداد زیادی از تست‌های استاندارد واژگان داریم که ترکیبی از تست‌های کنکورهای اخیر و تست‌های تألیفی مشابه کنکور هستند. بهتر است بدانید که ترتیب قرار گرفتن تست‌ها در تمامی بخش‌ها از جمله بخش واژگان از آسان به دشوار می‌باشد تا دانش‌آموزان در تست‌ها با روندی منطقی مواجه شوند.

۲ **گرامر:** همان‌طور که احتمالاً می‌دانید، سال‌هاست که در جهان، آموزش گرامر در قالب فرمول‌های خشک و بی‌روح منسوخ شده است. در این کتاب نیز سعی شده است با در نظر گرفتن رویکردهای جدید آموزش گرامر، مباحث با زبانی ساده همراه مثال‌های فراوان و با تصاویر جذاب آموزش داده شود. می‌توان گفت با این رویکرد جدید، قطعاً گرامر برای شما به عنوان یکی از جذاب‌ترین بخش‌های درس زبان انگلیسی تبدیل خواهد شد. در تست‌های گرامر نیز سعی کرده‌ایم تمام تیپ‌ها و مباحث موردنظر طراح کنکور، به طور کامل پوشش داده شوند و در عین حال، تست‌ها با روندی ملایم، از تست‌های نسبتاً ساده‌تر تا تست‌های دشوار دسته‌بندی شوند.

۳ **کلوزتست:** با توجه به این‌که در کنکور، پنج تست، یعنی ۲۰٪ از نمرهٔ درس زبان انگلیسی از یک متن کلوزتست می‌باشد، اهمیت کلوزتست برای کنکور بسیار زیاد است. به همین دلیل، در تمامی درس‌های کتاب، چندین متن کلوزتست قرار گرفته است تا بتوانید تمرین کلوزتست را به طور مستمر در طول سال تحصیلی داشته باشید. البته حواستان باشد که پیش از پاسخ‌گویی به تست‌های کلوزتست، حتماً «درس‌نامهٔ طلایی درک مطلب و کلوزتست» را از ضمیمهٔ کتاب مطالعه بفرمایید.

۴ **درک مطلب:** بی‌شک درک مطلب، سخت‌ترین بخش درس زبان انگلیسی در کنکور است و توانایی پاسخ‌گویی به تست‌های درک مطلب، می‌تواند تفاوت داوطلب قوی و معمولی کنکور را رقم بزند. دقیقاً به همین دلیل است که در تمامی درس‌های این کتاب، تعداد بسیار زیادی متن درک مطلب استاندارد قرار گرفته است تا در تمام طول سال تحصیلی، به متن‌های استاندارد و جدید دسترسی داشته باشید. اما ویژگی منحصر به فرد این کتاب در بخش درک مطلب، درسنامهٔ جامع و بسیار دقیق آن در ضمیمهٔ کتاب است. در «درسنامهٔ طلایی درک مطلب و کلوزتست»، شما با انواع تیپ‌های تست‌های درک مطلب و همین‌طور روش پاسخ‌گویی به همهٔ آن‌ها آشنا خواهید شد؛ بنابراین، قبل از این‌که به سؤالات درک مطلب پاسخ دهید، حتماً این درس‌نامه را با دقت بخوانید و بعدها نیز هر وقت که نیاز داشتید دوباره به آن مراجعه کنید.

۵ **آزمون پایانی:** در پایان تمامی درس‌های کتاب، یک آزمون کاملاً استاندارد مشابه کنکور قرار گرفته است. سعی کنید که آزمون را در وقت اختصاص‌یافته به آن در کنکور (۳۰ دقیقه) پاسخ دهید و در صورتی‌که به تستی اشتباه پاسخ دادید، با علت‌یابی آن، به فکر برطرف کردن ضعف‌های خودتان باشید.

۶ **پاسخ‌های تشریحی:** در پاسخ‌های تشریحی کتاب، سعی شده است ترجمهٔ جملات و متن‌ها به صورت دقیق و به شکل موردنظر داوطلبان کنکور باشد. علاوه بر این، توضیحات پاسخ‌ها به صورتی هستند که عملاً جای هیچ‌گونه ابهامی برای دانش‌آموزان عزیز باقی نمی‌ماند.

@khanehbook

Contents

LESSON 1

Saving Nature 8

Answers 50

LESSON 2

Wonders of Creation 71

Answers 110

LESSON 3

The Value of Knowledge 132

Answers 170

LESSON 4

Traveling the World 192

Answers 228

Appendix 247

@khaneh_book

فهرست علائم اختصاری

معادل فارسی	شکل کامل	شکل مخفف	معادل فارسی	شکل کامل	شکل مخفف
فعل	verb	v.	اسم	noun	n.
قید	adverb	adv.	صفت	adjective	adj.
حرف اضافه	preposition	prep.	ضمیر	pronoun	pron.
جمع	plural	pl	کلمهٔ ربط	conjunction	conj.

راهنمای تلفظ

صامت‌ها

تلفظ مثال	مثال	معادل فارسی	حرف	تلفظ مثال	مثال	معادل فارسی	حرف
/bæd/	bad	ب	b	/pen/	pen	پ	p
/dɪd/	did	د	d	/tiː/	tea	ت	t
/get/	get	گ	g	/kæt/	cat	ک	k
/dʒæm/	jam	ج	dʒ	/tʃeɪn/	chain	چ	tʃ
/væn/	van	و	v	/fɔːl/	fall	ف	f
/ðɪs/	this	ذ (تلفظ عربی)	ð	/θɪn/	thin	ث (تلفظ عربی)	θ
/zuː/	zoo	ز	z	/siː/	see	س	s
/'vɪʒn/	vision	ژ	ʒ	/ʃuː/	shoe	ش	ʃ
/mæn/	man	م	m	/hæt/	hat	ه	h
/sɪŋ/	sing	نگ در بانگ	ŋ	/naʊ/	now	ن	n
/red/	red	ر	r	/leg/	leg	ل	l
/wet/	wet	و (تلفظ عربی)	w	/jes/	yes	ی	j

مصوت‌ها

تلفظ مثال	مثال	معادل فارسی	حرف	تلفظ مثال	مثال	معادل فارسی	حرف
/hæpi/	happy	ایـ	i	/siː/	see	ایـ کشیده	iː
/ten/	ten	اِ	e	/sɪt/	sit	اِ کوتاه	ɪ
/'faːðə(r)/	father	آ کشیده	ɑː	/kæt/	cat	اَ	æ
/sɔː/	saw	آ کشیده	ɔː	/gɒt/	got	ا کشیده (انگلیسی بریتانیایی)	ɒ
/'æktuəl/	actual	او	u	/pʊt/	put	او کوتاه	ʊ
/kʌp/	cup	آ کوتاه	ʌ	/tuː/	too	او کشیده	uː
/əbaʊt/	about	اِ کوتاه	ə	/fɜː(r)/	fur	اِ کشیده	ɜː
/gəʊ/	go	اُو (انگلیسی بریتانیایی)	əʊ	/seɪ/	say	اِی	eɪ
/maɪ/	my	آی	aɪ	/gəʊ/	go	اُو (انگلیسی آمریکایی)	oʊ
/naʊ/	now	آو	aʊ	/bɔɪ/	boy	اُی	ɔɪ
/heə(r)/	hair	اِر (انگلیسی بریتانیایی)	eə	/nɪə(r)/	near	ایر (انگلیسی بریتانیایی)	ɪə
				/pjʊə(r)/	pure	ایو (انگلیسی بریتانیایی)	ʊə

• /'/ نشان‌دهندهٔ تکیهٔ اول کلمه است: /'æktuəl/ • /ˌ/ نشان‌دهندهٔ تکیهٔ دوم کلمه است: /ˌhɑːrd'wɜːrkɪŋ/

@khaneh_book

LESSON 1

Saving Nature

@khaneh_book

New Words & Expressions

Session 1

alive /ə'laɪv/ *adj.* زنده، در قید حیات

My grandmother is alive and living in New Zealand.

مادربزرگم در قید حیات است و در نیوزلند زندگی می‌کند.

amazing /ə'meɪ.zɪŋ/ *adj.* شگفت‌انگیز، حیرت‌انگیز

Her ability to write with her foot is amazing.

توانایی او برای نوشتن با پایش شگفت‌انگیز است.

appropriate /ə'proʊ.pri.ət/ *adj.* مناسب، شایسته

I had to change clothes because what I was wearing wasn't appropriate for the situation.

مجبور بودم لباس عوض کنم چون‌که آن چیزی که پوشیده بودم برای آن موقعیت مناسب نبود.

average /'æv.ər.ɪdʒ/ *n. adj.* ۱- معدل، میانگین ۲- متوسط، معمولی، عادی

How much time does the average teenager watch TV every day?

یک نوجوان معمولی در روز چه مدت زمانی تلویزیون تماشا می‌کند؟

boring /'bɔː.rɪŋ/ *adj.* کسل‌کننده، خسته‌کننده

Tom likes golf, but Mary thinks it's slow and boring.

تام گلف را دوست دارد، اما مری فکر می‌کند آن کند و خسته‌کننده است.

consider /kən'sɪd.ər/ *v.* ۱- به حساب آوردن، در نظر گرفتن ۲- فرض کردن، قلمداد کردن ۳- مورد توجه قرار دادن

I carefully considered my options before making my decision.

من قبل از تصمیم گرفتن، گزینه‌هایم را بادقت مورد توجه قرار دادم.

decrease /'diː.kriːs/ *v. n.* ۱- کم کردن، کاهش دادن ۲- کم شدن، کاهش یافتن ۳- کاهش

The number of students is decreasing year by year.

تعداد دانشجویان سال به سال کاهش می‌یابد.

destroy /dɪ'strɔɪ/ *v.* ۱- خراب کردن، ویران کردن ۲- نابود کردن

The accident destroyed all his hopes for success.

تصادف تمام امیدهای او را برای موفقیت نابود کرد.

die out /daɪ aʊt/ *v.* منقرض شدن، به کلی نابود شدن

Dinosaurs died out millions of years ago.

دایناسورها میلیون‌ها سال قبل منقرض شدند.

endangered /ɪn'deɪn.dʒərd/ *adj.* در معرض خطر، به خطر افتاده

The bald eagle may be endangered.

عقاب سرسفید ممکن است در معرض خطر [انقراض] باشد.

especially /ɪ'speʃ.əl.i/ *adv.* مخصوصاً، به ویژه، به خصوص

The traffic is heavy here, especially in the morning.

ترافیک این‌جا سنگین است، مخصوصاً در [ها].

@khanenbook

forest /'fɔ:r.ɪst/ *n.* جنگل

There was nothing but forest as far as the eye could see.

تا جایی که چشم می‌توانست ببیند، هیچ چیزی به جز جنگل نبود.

hard-working /ˌhɑ:rd'wɜ:r.kɪŋ/ *adj.* سخت‌کوش، پرتلاش

She was always very hard-working at school.

او همیشه در مدرسه خیلی سخت‌کوش بود.

hope /hoop/ *n. v.* ۱- امید، امیدواری ۲- امیدوار بودن (که)، امید داشتن که

We hope that more women will decide to take part in the class.

امیدواریم که خانم‌های بیشتری تصمیم بگیرند در کلاس شرکت کنند.

hopeful /'hoop.fəl/ *adj.* امیدوار

Everyone's feeling pretty hopeful about the future.

همه در مورد آینده نسبتاً احساس امیدواری می‌کنند.

hopefully /'hoop.fə.li/ *adv.* ۱- امیدوارم که ۲- امیدوارانه

Hopefully, dad will get home before his dinner gets cold.

امیدوارم که بابا قبل از این‌که شامش سرد شود، به خانه برسد.

human /'hju:.mən/ *n.* انسان، بشر، آدم

They are studying the effects of pollution on the human and animal population.

آن‌ها اثرات آلودگی را بر روی جمعیت انسان‌ها و حیوانات بررسی می‌کنند.

hunt /hʌnt/ *v. n.* ۱- شکار کردن ۲- شکار رفتن ۳- شکار

These animals sleep in the day and hunt at night.

این حیوانات در روز می‌خوابند و در شب شکار می‌کنند.

hunter /'hʌn.tər/ *n.* شکارچی

Animals in the cat family are hunters.

حیوانات خانوادهٔ گربه‌سانان شکارچی هستند.

increase /ɪn'kri:s/ *v. n.* ۱- افزایش دادن، زیاد کردن ۲- افزایش یافتن، زیاد شدن ۳- افزایش

Statistics show that the population of the world is increasing.

آمارها نشان می‌دهند که جمعیت جهان در حال افزایش است.

injured /'ɪn.dʒərd/ *adj.* مجروح، مصدوم

He can't walk now because he got injured in a traffic accident.

او الان نمی‌تواند راه برود چون‌که در تصادف رانندگی مجروح شد.

instead /ɪn'sted/ *adv.* در عوض، به جایش

I don't feel like working. How about going to the cinema instead?

حس کار کردن ندارم. چه‌طور است به جایش به سینما برویم.

irregular /ɪ'reg.jə.lər/ *adj.* ۱- بی‌قاعده ۲- نامنظم

He's receiving medication for an irregular heartbeat.

او برای ضربان قلب نامنظم دا... دریافت می‌کند.

@khanen_book

jungle /'dʒʌŋ.gəl/ *n.* جنگل

The voices coming from the jungle frightened the children.

صداهایی که از جنگل می‌آمدند بچه‌ها را ترساندند.

natural /'nætʃ.ər.əl/ *adj.* ۱- طبیعی ۲- ذاتی

Every time a species dies out, we lose forever a part of our natural world.

هربار [که] گونه‌ای منقرض می‌شود، ما برای همیشه بخشی از جهان طبیعی خودمان را از دست می‌دهیم.

nature /'neɪ.tʃər/ *n.* ۱- طبیعت ۲- ذات

I think that everyone has to make efforts to save nature.

فکر می‌کنم که همه باید تلاش کنند طبیعت را نجات دهند.

pattern /'pæt.ərn/ *n.* ۱- الگو، روند ۲- طرح، نقش

The pattern of family life changed over the years.

الگوی زندگی خانوادگی در طول سال‌ها تغییر کرد.

pay attention /peɪ ə'ten.ʃən/ دقت کردن، توجه کردن

Most car accidents happen because drivers aren't paying attention.

بیشتر تصادفات رانندگی به این دلیل اتفاق می‌افتند که رانندگان دقت نمی‌کنند.

plain /pleɪn/ *n.* دشت، جلگه

You can see a beautiful plain in the picture.

شما می‌توانید در این تصویر دشت زیبایی را ببینید.

proper /'prɑ:.pər/ *adj.* ۱- مناسب، شایسته ۲- درست، صحیح

If you want to do good work, you should use the proper tools.

اگر می‌خواهید کار خوبی را انجام دهید، باید از ابزار مناسب استفاده کنید.

protect /prə'tekt/ *v.* محافظت کردن از، نگهداری کردن از

There are a number of things we can do to protect our environment.

چندین چیز (کار) هست [که] ما می‌توانیم برای محافظت کردن از محیط زیست خودمان انجام دهیم.

protection /prə'tek.ʃən/ *n.* محافظت، نگهداری

We are responsible for your protection from now on.

از الان به بعد ما مسئول محافظت از شما هستیم.

put out /pʊt aʊt/ *v.* [آتش، لامپ و غیره] خاموش کردن

"Did you put out the lights downstairs?" "I think I did."

«چراغ‌ها را در طبقهٔ پایین خاموش کردی؟» «فکر کنم خاموش کردم.»

recently /'ri:.sənt.li/ *adv.* اخیراً، به تازگی

My father says that recently he isn't able to get enough sleep.

پدرم می‌گوید که اخیراً قادر نیست به اندازهٔ کافی بخوابد.

regular /'reg.jə.lər/ *adj.* ۱- منظم، مرتب ۲- عادی، معمولی

Everything at that store is 10 percent off the regular price.

در آن فروشگاه، همه چیز ۱۰ درصد [کم] از قیمت عادی است.

@khanenbook

safe /seɪf/ *adj.* ۱- امن، مطمئن ۲- ایمن، در امان

It is not safe for a girl to go out by herself so late at night.

برای یک دختر امن نیست که شب این‌قدر دیر تنها بیرون برود.

save /seɪv/ *v.* ۱- نجات دادن ۲- [پول] پس‌انداز کردن ۳- مصرف نکردن

I almost got killed when I went into the burning house to save the little girl.

وقتی که به داخل خانهٔ در حال سوختن رفتم تا دختر بچه را نجات دهم، تقریباً کشته شدم.

simple /'sɪm.pəl/ *adj.* آسان، راحت، ساده

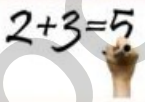

Because the book is in simple English, it's easy to read.

چون این کتاب به انگلیسی ساده است، خواندن آن راحت می‌باشد.

take care of (sb / sth) /teɪk ker ɒv/ *v.* مراقبت کردن از (کسی / چیزی)، مواظبت کردن از (کسی / چیزی)

Don't worry about me, I can take care of myself.

نگران من نباشید، می‌توانم از خودم مراقبت کنم.

voluntary /'vɑ:.lən.ter.i/ *adj.* داوطلبانه

She does voluntary work for the Red Cross two days a week.

او هفته‌ای دو روز برای صلیب سرخ کار داوطلبانه انجام می‌دهد.

Session 2

a few /ə fju:/ *pron.* تعدادی، چندتایی، چند

It is possible for you to read this book in a few days.

برایتان امکان‌پذیر است که این کتاب را در چند روز بخوانید.

common /'kɑ:.mən/ *adj.* ۱- متداول، معمولی ۲- زیاد، فراوان ۳- مشترک

Harry and Ron don't get along. They have nothing in common.

هری و ران با هم کنار نمی‌آیند. آن‌ها هیچ وجه اشتراکی ندارند.

complete /kəm'pli:t/ *adj.* *v.* ۱- کامل ۲- کامل کردن، تکمیل کردن

I think I can complete the project by Monday afternoon.

فکر می‌کنم می‌توانم این پروژه را تا دوشنبه بعدازظهر کامل کنم.

conversation /ˌkɑ:n.vər'seɪ.ʃən/ *n.* گفت‌وگو، مکالمه

I think we should continue this conversation outside.

فکر می‌کنم باید این گفت‌وگو را بیرون ادامه دهیم.

danger /'deɪn.dʒər/ *n.* خطر

He is in danger of losing his job unless he works harder.

او در خطر از دست دادن کارش است مگر این‌که سخت‌تر کار کند.

divide /dɪ'vaɪd/ *v.* تقسیم کردن، قسمت کردن

The teacher wants us to divide the work on this project.

معلم از ما می‌خواهد که کار بر ... پروژه را تقسیم کنیم.

@khanen_book

earth /ɜːrθ/ *n.* [کره] زمین

The distance from the sun to the earth is about 93 million miles.

فاصلهٔ خورشید تا زمین حدود ۹۳ میلیون مایل است.

end /end/ *v. n.* ۱- پایان دادن (به) ۲- تمام شدن، به پایان رسیدن ۳- پایان، آخر ۴- هدف، مقصود

Pejman has to move out of his apartment by the end of the month.

پژمان باید تا آخر ماه از آپارتمانش بیرون برود.

expression /ɪkˈspreʃ.ən/ *n.* ۱- بیان ۲- عبارت، اصطلاح ۳- [چهره] حالت

The teacher said we had to learn all these expressions by heart.

معلم گفت باید همهٔ این اصطلاحات را از حفظ یاد بگیریم.

for example /fɔːr ɪgˈzæm.pəl/ برای مثال، برای نمونه

There are lots of things in that shop, for example, games, toys, and flowers.

در آن مغازه چیزهای زیادی هست، برای مثال بازی، اسباب‌بازی و گل.

free /friː/ *adj.* ۱- آزاد ۲- رایگان، مجانی

Kate spends most of her free time reading books.

کیت بیشتر وقت آزادش را با خواندن کتاب می‌گذراند.

hear /hɪr/ *v.* شنیدن

If you hear anything new from him, please let me know about it.

اگر از او با خبر شدید، لطفاً در موردش به من اطلاع دهید.

however /ˌhaʊˈev.ər/ *adv.* با این حال، با وجود این

That job wasn't very interesting. However, the salary was good.

آن کار، خیلی جالب نبود. با این حال حقوق [آن] خوب بود.

hurt /hɜːrt/ *v.* ۱- به ... صدمه زدن، به ... آسیب رساندن ۲- ناراحت کردن

She hurt her foot when she fell off her bicycle.

او وقتی از دوچرخه‌اش افتاد، پایش آسیب دید.

idea /aɪˈdiː.ə/ *n.* ۱- فکر، ایده ۲- عقیده، نظر

The idea that money can buy everything is wrong.

این عقیده که پول می‌تواند همه چیز را بخرد غلط است.

identify /aɪˈden.tə.faɪ/ *v.* شناسایی کردن، شناختن

You can easily identify Amir because he is very tall.

به راحتی می‌توانی امیر را بشناسی چون‌که خیلی قدبلند است.

information /ˌɪn.fərˈmeɪ.ʃən/ *n.* اطلاعات

The problem is that we don't have enough information yet.

مشکل این است که ما هنوز اطلاعات کافی نداریم.

lake /leɪk/ *n.* دریاچه

Tom spent the night in the small house near the lake.

تام شب را در خانهٔ کوچک نزدیک [illegible] گذراند.

@khanen_book

lifespan /'laɪf.spæn/ *n.* عمر، طول عمر

Men have a shorter lifespan than women.

مردها از زن‌ها طول عمر کوتاه‌تری دارند.

lose /luːz/ *v.* ۱- گم‌کردن ۲- از دست دادن ۳- شکست خوردن در ۴- [وزن] کم‌کردن

He lost her locker key while he was swimming in the pool.

او در حالی که در استخر شنا می‌کرد، کلید کمدش را گم کرد.

match /mætʃ/ *n. v.* ۱- مسابقه ۲- کبریت ۳- جورکردن، جفت کردن

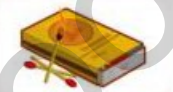

I'm confident that I'll win the tennis match.

مطمئن هستم که برندهٔ مسابقهٔ تنیس خواهم شد.

museum /mjuːˈziːəm/ *n.* موزه

The visitors waited in a long line to get into the museum.

بازدیدکنندگان در صفی طولانی منتظر ماندند تا وارد موزه شوند.

order /ˈɔːr.d ər/ *n. v.* ۱- ترتیب، نظم ۲- دستور ۳- سفارش ۴- دستوردادن ۵- سفارش دادن

The professor ordered some new books from New York.

پروفسور از نیویورک چند کتاب جدید سفارش داد.

pain /peɪn/ *n.* ۱- درد ۲- رنج، ناراحتی

Maybe the doctor can give Tom something for his pain.

شاید دکتر بتواند به تام برای دردش چیزی بدهد.

pilot /ˈpaɪ.lət/ *n.* خلبان

The pilot of an airplane is responsible for the safety of passengers.

خلبان هواپیما مسئول ایمنی مسافران است.

plan /plæn/ *n. v.* ۱- برنامه، طرح ۲- برنامه‌ریزی کردن ۳- قصد داشتن، تصمیم داشتن (که)

I was planning to do my homework, but I fell asleep.

برنامه‌ریزی می‌کردم تا تکالیفم را انجام دهم، اما خوابم برد.

plant /plænt/ *n.* گیاه

The forest is home to many different kinds of plants and animals.

این جنگل خانهٔ انواع بسیار مختلفی از گیاهان و حیوانات است.

poem /ˈpoʊ.əm/ *n.* شعر

He memorized that poem when he was five years old.

او آن شعر را وقتی که پنج سال داشت به خاطر سپرد.

practice /ˈpræk.tɪs/ *n. v.* ۱- تمرین ۲- تمرین کردن

You'll be able to speak English better if you practice hard.

اگر سخت تمرین کنید، قادر خواهید بود بهتر انگلیسی صحبت کنید.

report /rɪˈpɔːrt/ *n. v.* ۱- گزارش ۲- گزارش دادن

The weather report says it will rain tomorrow afternoon.

گزارش هواشناسی می‌گوید فردا [illegible] ظهر باران خواهد بارید.

@khaner_book

rule /ru:l/ *n.* قاعده، قانون

The little boy easily learned the basic rules of the game.

پسربچه قواعد اصلی بازی را به راحتی یاد گرفت.

schedule /'skedʒ.u:l/ *n.* ۱- برنامه ۲- جدول زمان‌بندی

They had to change their schedule because the train arrived late.

آن‌ها مجبور شدند برنامه‌شان را تغییر دهند چون قطار دیر رسید.

stay /steɪ/ *v.* ۱- ماندن، باقی‌ماندن ۲- اقامت‌کردن

My sister likes to stay home and read books on weekends.

خواهرم دوست دارد آخر هفته‌ها در خانه بماند و کتاب بخواند.

strategy /'strɛt.ə.dʒi/ *n.* استراتژی، برنامه، نقشه

We're working on new strategies to sell more cars.

ما بر روی استراتژی‌های جدیدی کار می‌کنیم تا اتومبیل‌های بیشتری بفروشیم.

tower /'taʊ.ər/ *n.* برج

The tower is three hundred and twenty-one meters high.

این برج سیصد و بیست و یک متر ارتفاع دارد.

way /weɪ/ *n.* ۱- راه ۲- روش، شیوه

He was kind enough to show me the way to the station.

او به اندازهٔ کافی مهربان بود که راه ایستگاه را به من نشان دهد.

weather /'weð.ər/ *n.* هوا، آب و هوا، وضع هوا

My grandfather goes for walks on days when the weather is good.

پدربزرگم در روزهایی که هوا خوب است، برای پیاده‌روی می‌رود.

wild /waɪld/ *adj.* وحشی

There are many wild animals in this area.

در این ناحیه حیوانات وحشی زیادی وجود دارد.

wildlife /'waɪld.laɪf/ *n.* حیات وحش

Wildlife in the area includes gazelles, bears, and wolves.

حیات وحش در این ناحیه شامل آهو، خرس و گرگ است.

wonderful /'wʌn.dər.fəl/ *adj.* ۱- شگفت‌انگیز ۲- فوق‌العاده، عالی

I had a really wonderful time at my friend's house.

در خانهٔ دوستم اوقات واقعاً فوق‌العاده‌ای داشتم.

Session 3

aquarium /ə'kwer.i.əm/ *n.* آکواریوم

They have recently bought a large aquarium for their living room.

آن‌ها به تازگی برای اتاق نشیمن خودشان آکواریوم بزرگی خریده‌اند.

Arab /'er.əb/ *n. adj.* عرب

The Arab countries include Iraq, Saudi Arabia, Syria, and Egypt.

کشورهای عرب شامل عراق، عربستان سعودی، سوریه و مصر هستند.

@khanen_book

bear /ber/ *n.* — خرس

The old man was fast asleep when the bear came.

وقتی که خرس [به این‌جا] آمد، پیرمرد در خواب عمیق بود.

box /bɑ:ks/ *n.* — ۱- جعبه، صندوق ۲- [در پرسش‌نامه] خانه، مربع

The box was so heavy that I couldn't move it.

جعبه آن‌قدر سنگین بود که نمی‌توانستم آن را حرکت دهم.

chart /tʃɑ:rt/ *n.* — جدول، چارت

According to the hospital chart he's four kilos underweight.

طبق چارت بیمارستان، او چهار کیلو کمبود وزن دارد.

cheetah /'tʃi:.tə/ *n.* — یوزپلنگ، یوز

Cheetahs are mainly found in Africa.

یوزپلنگ‌ها عمدتاً در آفریقا یافت می‌شوند.

circle /'sɜ:r.kəl/ *n. v.* — ۱- دایره ۲- احاطه کردن ۳- دور ... خط کشیدن

All the children were sitting in a circle on the floor.

همهٔ بچه‌ها در دایره‌ای (به شکل دایره) روی زمین نشسته بودند.

daughter /'dɑ:.tər/ *n.* — [فرزند] دختر

One of his two daughters lives in Shiraz, and the other in Isfahan.

یکی از دو دختر او در شیراز و دیگری در اصفهان زندگی می‌کند.

dolphin /'dɑ:l.fin/ *n.* — دلفین

The dolphin is a very intelligent animal.

دلفین حیوان بسیار باهوشی است.

duck /dʌk/ *n.* — اردک، مرغابی

My grandfather raises ducks.

پدربزرگم اردک پرورش می‌دهد.

elephant /'el.ə.fənt/ *n.* — فیل

Elephants are the world's largest land animals.

فیل‌ها بزرگ‌ترین حیوانات خشکی جهان هستند.

fox /fɑ:ks/ *n.* — روباه

Did you know that some foxes live on this mountain?

آیا می‌دانستید که تعدادی روباه در این کوهستان زندگی می‌کنند؟

future /'fju:.tʃər/ *n.* — آینده

Parents are usually worried about their children's future.

پدر و مادرها معمولاً نگران آیندهٔ فرزندانشان هستند.

gazelle /gə'zel/ *n.* — آهو، غزال

He can run like a gazelle and jump like a kangaroo!

او می‌تواند مثل آهو بدود و مثل [illegible] و ببرد!

@khanen_book

goat /goʊt/ *n.* بز

That cheese is made from goat's milk.

آن پنیر از شیر بُز درست می‌شود.

graph /græf/ *n.* نمودار، منحنی

A graph could show this information more clearly.

یک نمودار می‌توانست این اطلاعات را واضح‌تر نشان دهد.

gulf /gʌlf/ *n.* خلیج

The Persian Gulf will always remain the Persian Gulf.

خلیج فارس همیشه خلیج فارس باقی خواهد ماند.

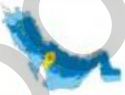

intonation /ˌɪn.təˈneɪ.ʃən/ *n.* آهنگ کلام، زیر و بمی صدا

The end of a sentence that is not a question is usually marked by falling intonation.

آخر جمله‌ای که سؤال نیست، معمولاً با آهنگ افتان علامت‌گذاری می‌شود.

Italian /ɪˈtæl.jən/ *n. adj.* ایتالیایی؛ (مربوط به) ایتالیا

I prefer Italian food to French food.

غذای ایتالیایی را به غذای فرانسوی ترجیح می‌دهم.

leopard /ˈlep.ərd/ *n.* پلنگ

We saw some leopards under the trees.

زیر درخت‌ها تعدادی پلنگ دیدیم.

lion /ˈlaɪ.ən/ *n.* [حیوان] شیر

The lion is the king of the jungle.

شیر سلطان جنگل است.

nowadays /ˈnaʊ.ə.deɪz/ *adv.* امروزه، این روزها

Nowadays, I bake my own bread rather than buy it.

این روزها، به جای این‌که نان بخرم، نان خودم را می‌پزم.

panda /ˈpæn.də/ *n.* پاندا

Last Saturday, my family went to the zoo to see the pandas.

شنبهٔ هفتهٔ قبل، خانواده‌ام به باغ‌وحش رفتند تا پانداها را ببینند.

point /pɔɪnt/ *n. v.* ۱- نکته، مورد ۲- نوک، سر ۳- با انگشت اشاره کردن

You made some interesting points in your speech.

شما در سخنرانی‌تان به چند نکتهٔ جالب اشاره کردید.

relative /ˈrel.ə.tɪv/ *n.* فامیل، [در جمع] بستگان، خویشاوند

Saman has a few relatives living in Canada.

سامان تعدادی خویشاوند دارد که در کانادا زندگی می‌کنند.

road /roʊd/ *n.* جاده

There's not much traffic on this road after 8:00 p.m.

در این جاده، بعد از ساعت ۸ غروب [illegible] زیادی وجود ندارد.

@khanen_book

Rome /rəʊm/ *n.* [شهر] رُم

Rome is famous for its art, its history, and its many beautiful buildings.

رُم برای هنرش، تاریخش و ساختمان‌های زیبای بسیارش مشهور است.

sea /siː/ *n.* دریا

I live near the sea so I often can go to the beach.

نزدیک دریا زندگی می‌کنم بنابراین اغلب می‌توانم به ساحل بروم.

sheep /ʃiːp/ *n.* گوسفند؛ گوسفندان

The sheep are eating grass in the field.

گوسفندان در مزرعه علف می‌خورند.

tiger /ˈtaɪ.gər/ *n.* ببر

A tiger will attack people when it is hungry.

یک ببر وقتی گرسنه است به مردم حمله می‌کند.

till /tɪl/ *prep.* تا؛ تا وقتی که

They made him work from morning till night.

آن‌ها او را مجبور کردند از صبح تا شب کار کند.

today /təˈdeɪ/ *adv.* ۱- امروز ۲- امروزه، این روزها

Today, it's important for young people to study English.

امروزه، برای افراد جوان مهم است که انگلیسی بخوانند.

visitor /ˈvɪz.ɪ.tər/ *n.* ۱- ملاقات‌کننده، بازدیدکننده ۲- مهمان

The number of visitors to Singapore increased year by year.

تعداد بازدیدکنندگان سنگاپور، سال به سال افزایش یافت.

whale /weɪl/ *n.* نهنگ

Whales are very large mammals that live in the ocean.

نهنگ‌ها پستانداران بسیار بزرگی هستند که در اقیانوس زندگی می‌کنند.

whenever /wenˈevər/ *adv.* هر وقت (که)، هر موقع (که)

James usually wears sunglasses whenever he goes outside.

جیمز معمولاً هر وقت که بیرون می‌رود عینک آفتابی می‌زند.

wolf /wʊlf/ *n.* گرگ

Wolves hunt in groups known as packs.

گرگ‌ها در گروه‌هایی که به عنوان دسته شناخته می‌شوند شکار می‌کنند.

zebra /ˈziː.brə/ *n.* گورخر

A zebra looks like a horse but has black and white lines all over its body.

گورخر شبیه اسب است اما در سرتاسر بدنش خطوط سیاه و سفید دارد.

zookeeper /ˈzuːˌkiː.pər/ *n.* مسؤل باغ‌وحش، مأمور باغ‌وحش

Someone who looks after animals in a zoo is called a zookeeper.

کسی که در باغ‌وحش از حیوانا[illegible] می‌کند، مسؤل باغ‌وحش [illegible] می‌شود.

@khanenbook

Vocabulary Tests

1. **Physical exercise can ..... you against heart diseases.** هنر ۸۸ ـ با تغییر

1) increase 2) fill 3) protect 4) destroy

2. **The office is going to ..... working hours from 25 to 30 per week.** تجربی ۸۵ ـ با تغییر

1) protect 2) increase 3) hold 4) put out

3. **Tom always seems to be very busy and doesn't seem to have much ..... time.**

1) blank 2) free 3) safe 4) true

4. **The children were saved but the fire ..... their home.** خارج ۹۶ ـ با تغییر

1) caught 2) suffered 3) destroyed 4) injured

5. **I don't feel like going to the cinema. Let's take a walk ..... .**

1) but 2) rather 3) then 4) instead

6. **The cost of the project has greatly ..... since its construction.** خارج ۸۷ ـ با تغییر

1) introduced 2) completed 3) increased 4) finished

7. **According to the ....., there has been an earthquake in Roodbar.** خارج ۸۶ ـ با تغییر

1) files 2) reports 3) numbers 4) patterns

8. **A planned series of actions for achieving something is called ..... .** زبان ۹۰ ـ با تغییر

1) pattern 2) confidence 3) strategy 4) practice

9. **The people working in this department are ..... and have very little time to sit at a desk.**

1) hard-working 2) common 3) singular 4) boring

10. **A very large animal that lives in the sea and looks like a fish, but is actually a mammal is called a ..... .**

1) whale 2) bear 3) wolf 4) leopard

11. **As is often the case with many young men, he does not ..... much attention to his health.**

1) make 2) pay 3) do 4) get

12. **Smoking ..... your chances of getting cancer.** زبان ۸۸ ـ با تغییر

1) explains 2) produces 3) increases 4) saves

13. **People who are afraid of making mistakes will make no progress in English ..... .**

1) attention 2) information 3) conversation 4) protection

14. **Everyone says that Kate is a genius and will have a successful ..... .**

1) idea 2) past 3) hope 4) future

15. **Before buying a computer, I think we should ..... the cost.** خارج ۸۶ ـ با تغییر

1) believe 2) consider 3) choose 4) identify

16. **The children were found ..... and well after being missing for several days.**

1) regular 2) brave 3) alive 4) pleasant

17. **Every time a species ....., we lose forever a part of our natural world.**

1) puts out 2) [illegible] out 4) takes off

@khanen_book

18. All of the performers played ..... in the concert. ریاضی ۸۹ ـ با تغییر

1) hardly 2) mainly 3) wonderfully 4) commonly

19. A: "Do you have the most ..... version of this software?"

B: "No, it isn't still available in Iran."

1) recent 2) average 3) correct 4) extra

20. My teacher told me to brush my teeth and see my dentist ..... . هنر ۹۰ ـ با تغییر

1) orally 2) regularly 3) safely 4) recently

21. I think it's ..... for a mother to feel sad when her children leave home.

1) endangered 2) natural 3) wonderful 4) amusing

22. The age of the candidates ranged from 29 to 49 with a/an ..... age of 37.

1) deep 2) final 3) average 4) neat

23. It is ..... knowledge that swimming is one of the best forms of exercise. تجربی ۹۱ ـ با تغییر

1) final 2) average 3) common 4) plural

24. The teacher wants us to ..... the work on this project.

1) move 2) pick 3) divide 4) fill

25. My little brother was in a bad mood as he couldn't play football because of bad ..... .

1) weather 2) match 3) point 4) schedule

26. It's important to ..... good care of your teeth so you'll be able to eat well when you get older.

1) grow 2) make 3) give 4) take

27. It's because of your hard work that we were able to ..... this job on time.

1) divide 2) decide 3) complete 4) believe

28. He says that he saw nothing. ....., I don't believe what he says is the truth.

1) However 2) Instead 3) When 4) As if

29. A: "Did you know that Maria's getting married?" هنر ۹۳ ـ با تغییر

B: "No, I didn't. How .....!"

1) hopeful 2) safe 3) wonderful 4) different

30. When lion cubs are young, the mother stays with them while the father ..... for food.

1) hunts 2) takes 3) hurts 4) saves

31. I had a very tight ..... last week, but this week I'm almost free.

1) expression 2) chart 3) practice 4) schedule

32. No one had been forced to help; they were all there on a ..... basis. انسانی ۹۱ ـ با تغییر

1) pleasant 2) selfish 3) voluntary 4) precious

33. It's a good ..... to study the language and culture of the country you're going to visit.

1) idea 2) fact 3) hope 4) chart

34. Finding one's way around this little town is very ..... . All you have to do is look at the street signs.

1) simple 2) hard 3) [illegible] 4) pleasant

@khanen_book

35. The giant panda, found in the wild in southwest China, is one of the world's most ..... species.

1) hopeful 2) divided 3) extra 4) endangered

36. The book was written in a style ..... to the age of the children. خارج ۹۳ ـ با تغییر

1) generous 2) appropriate 3) quiet 4) endangered

37. I stood at the side of the road and waved my hands to warn other drivers of the ..... .

1) jungle 2) danger 3) idea 4) pain

38. These laws may not provide enough ..... for some endangered species.

1) lifespan 2) pattern 3) future 4) protection

39. With many students talking quite loudly, it was difficult to ..... what the teacher was saying.

1) grow 2) hear 3) call 4) take

40. I'll do everything within my power to make sure your children are ..... .

1) easy 2) safe 3) simple 4) common

41. Facial ..... communicate important messages, and can sometimes be more powerful than words. زبان ۹۳ ـ با تغییر

1) questions 2) conversations 3) explanations 4) expressions

42. A good amount of exercise every morning is ..... believed to help you be healthy. خارج ۸۸ ـ با تغییر

1) commonly 2) quietly 3) bravely 4) recently

43. It's ..... that he won the Olympic gold medal at the age of nineteen.

1) selfish 2) amazing 3) cruel 4) hopeful

44. We have a/an ..... right now. Would you mind waiting for a while?

1) average 2) visitor 3) danger 4) schedule

45. This is Sara's first ..... job – she usually does temporary work just for the money.

1) useless 2) generous 3) proper 4) boring

46. She planned to work until she ..... enough money to attend medical school in Tehran.

1) saved 2) reported 3) ended 4) protected

47. Tom ..... his left knee during practice, so John had to play the game in his place.

1) took 2) gave 3) left 4) hurt

48. If you want to ..... weight, you'll have to be careful about what you eat.

1) lose 2) keep 3) save 4) leave

49. As time went on, they added more ..... to the game to make it safer.

1) webs 2) forms 3) examples 4) rules

50. The government has been blamed for not answering ..... to the needs of the homeless. خارج ۹۱ ـ با تغییر

1) appropriately 2) naturally 3) carelessly 4) interestingly

51. Mrs. Brown warned Beth that if she didn't eat ..... she would be permanently overweight.

1) easily 2) carelessly 3) recently 4) properly

52. A large area of water surrounded by land and not connected to the sea except by rivers or streams is called a/an ..... .

1) ocean 2) l... 4) plain

@khanen_book

53. Eighty percent of all ..... on computers around the world is in English.

1) expression 2) strategy 3) information 4) attention

54. It would not be most ..... for all of us to discuss it now before we make any decision. زبان ۸۸ ـ با تغییر

1) singular 2) boring 3) irregular 4) appropriate

55. The students always say nice things about their teacher, ... when he's around.

1) especially 2) hopefully 3) naturally 4) finally

56. I felt a sharp ..... and looked down to see blood pouring from my leg.

1) point 2) circle 3) pain 4) way

57. I'm ..... that when both sides understand the situation better, they will agree to meet and work together.

1) safe 2) hopeful 3) interested 4) recent

58. He was until very ..... the most powerful banker in the city, but some more powerful ones have started work.

1) naturally 2) commonly 3) regularly 4) recently ریاضی ۹۵ ـ با تغییر

59. Your facial ..... can help to emphasize parts of your speech too: try smiling, or raising your eyebrows. تجربی ۹۶ ـ با تغییر

1) expressions 2) connections 3) intonations 4) conversations

60. This type of plant, which is rare here, is ..... found in the mountains of South America. تجربی ۹۴ ـ با تغییر

1) finally 2) safely 3) commonly 4) deeply

61. He didn't pay as much ..... as he had to when the store owner was describing the product, so he later realized what he had bought was of little use to him. انسانی ۹۳ ـ با تغییر

1) intonation 2) strategy 3) increase 4) attention

62. He is by ..... a kind person and is popular with the children in his neighborhood.

1) nature 2) average 3) practice 4) match

63. You should have a regular ..... of going to bed and getting up at the same time every day, whether you are tired or not.

1) pattern 2) number 3) report 4) graph

@khaneh_book

Grammar

Future Tense — زمان آیندهٔ ساده

شکل سادهٔ فعل + will / 'll

در زبان انگلیسی با روش‌های مختلفی می‌توان در مورد آینده صحبت کرد. اما متداول‌ترین و راحت‌ترین روش برای اشاره به زمان آینده، استفاده از زمان آیندهٔ ساده است. در ادامه، کاربردهای اصلی این زمان را به صورت دقیق‌تری بررسی می‌کنیم:

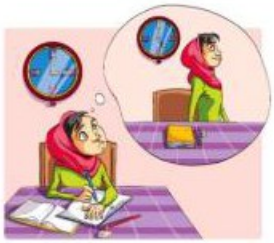

۱) وقتی در مورد کاری صحبت می‌کنیم که قرار است در زمان آینده انجام شود. مثال:

It's three o'clock. She will finish her homework at five.

ساعت سه است. نگانیغش را در ساعت پنج تمام خواهد کرد.

◄ گویندهٔ جمله فکر می‌کند که انجام کاری در زمان مشخصی از آینده (یعنی ساعت ۵) انجام شود. البته طبیعتاً چون جمله به آینده اشاره دارد، پس این امکان وجود دارد که کار مورد نظر کمی زودتر یا دیرتر هم انجام شود.

۲) برای گرفتن تصمیم لحظه‌ای (یعنی وقتی درجا تصمیم می‌گیریم کاری را انجام دهیم). مثال:

A: I'm really hungry. — *A: واقعاً گرسنه هستم.*

B: I'll make you some sandwiches. — *B: برایت چند تا ساندویچ درست می‌کنم.*

◄ در این جمله، شخص دوم از قبل برنامه‌ای برای درست کردن ساندویچ نداشت. اما وقتی شخص اول گفت که گرسنه است، در همان لحظه تصمیم گرفت برایش ساندویچ درست کند!

۳) وقتی قول می‌دهیم در آینده کاری را انجام دهیم یا می‌خواهیم تمایل یا عدم تمایل خودمان را برای انجام کاری در آینده ابراز کنیم. مثال:

I will study medicine at University of Tehran. — *در دانشگاه تهران پزشکی خواهم خواند.*

◄ در این جمله شخص (به خودش) قول می‌دهد در آینده در دانشگاه تهران پزشکی بخواند. پس در این‌جا هم از will (آینده ساده) استفاده کردیم. مثال:

I will not sell my car. I love it. — *ماشینم را نخواهم فروخت. آن را دوست دارم.*

◄ این جمله عدم تمایل به انجام کاری را در زمان آینده بیان می‌کند.

۴) وقتی که در مورد آینده صرفاً بر مبنای نظر شخصی خودمان پیش‌بینی انجام می‌دهیم. مثال:

I think Real Madrid will win against Barcelona.

فکر می‌کنم رئال مادرید در برابر بارسلونا برنده خواهد شد.

◄ در این جمله هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که یکی از دو تیم برندهٔ بازی خواهد شد، اما گویندهٔ جمله صرفاً بر مبنای نظر شخصی خودش، پیش‌بینی می‌کند یکی از این دو تیم برنده شود.

۵) برای اشاره به واقعیت‌های مربوط به آینده و کارهایی که فکر می‌کنیم حتماً در آینده اتفاق خواهند افتاد. مثال:

My little brother will be three years old next week. — *برادر کوچکم هفتهٔ بعد سه ساله خواهد شد.*

◄ اگر اتفاق خاصی رخ ندهد، شخص مورد نظر تا یک‌هفته حتماً سه‌ساله خواهد شد.

@khanehbook

۶ برای انجام درخواست و تقاضا و همین‌طور ارائهٔ پیشنهاد. مثال:

A: Will you open the window, please?

A: ممکن است لطفاً پنجره را باز کنی؟

B: Sure.

B: البته.

همان‌طور که می‌بینید، می‌توان از شکل سؤالی زمان آیندهٔ ساده برای انجام درخواست و تقاضا استفاده کرد.

چند نکته در مورد زمان آیندهٔ ساده

۱ همان‌طور که در همهٔ مثال‌ها هم می‌بینید، در مورد شکل زمان آیندهٔ ساده، اصلاً تفاوتی ندارد فاعل جمله چه کسی است. زمان آیندهٔ ساده در هر صورت با «شکل سادهٔ فعل + will» درست می‌شود. البته یادتان باشد که will را می‌توان به شکل 'll خلاصه کرد.

۲ برای منفی کردن زمان آیندهٔ ساده، بعد از will از not استفاده می‌کنیم. البته می‌توانید به جای will not از شکل مخفف آن (won't) هم استفاده کنید. مثال:

Don't worry. I will not (won't) tell your secret to anyone.

نگران نباش. رازت را به هیچ‌کس نخواهم گفت.

۳ برای سؤالی کردن زمان آیندهٔ ساده، کافی است will را به قبل از فاعل جمله منتقل کنید. مثال:

Will you make dinner tonight?

فاعل

امشب شام درست می‌کنی؟

البته اگر بخواهیم زمان آیندهٔ ساده را با کلمات پرسشی (... و how / why / where / when / whom / who) سؤالی کنیم، کلمهٔ پرسشی را در ابتدای جمله قرار می‌دهیم و will را هم به قبل از فاعل منتقل می‌کنیم. مثال:

A: When will you travel to Shiraz?

کلمهٔ پرسشی فاعل

A: چه زمانی به شیراز سفر خواهید کرد؟

B: Next summer.

B: تابستان سال بعد.

۴ فعل will جزء دسته‌ای از افعال است که به آن‌ها افعال وجهی (Modals) گفته می‌شود. افعالی مثل can، could، may، might، must، should و have to هم از همین دسته از افعال هستند. حواستان باشد که به طور کلی بعد از شکل سادهٔ تمام افعال وجهی (مثل همین will) فعل اصلی جمله را به صورت ساده به کار می‌بریم.

زمان آینده با be going to

be going to

شکل سادهٔ فعل + going to + am / is / are

از be going to می‌توان برای اشاره به زمان آینده استفاده کرد. اما کاربرد آن خیلی جزئی‌تر از will است و از آن فقط در دو مورد زیر می‌توان استفاده کرد:

۱ برای اشاره به کاری که قرار است در زمان آینده (به خصوص آیندهٔ نزدیک) با قصد و برنامه‌ریزی قبلی انجام شود. مثال:

They are going to spend their holidays in Paris.

آن‌ها قصد دارند تعطیلاتشان را در پاریس بگذرانند.

@khaneh_book

وقتی این جمله را با be going to بیان کردیم، در واقع به قصد و برنامه‌ریزی قبلی این افراد برای گذراندن تعطیلاتشان در پاریس اشاره داریم. البته حواستان باشد همان‌طور که قبلاً نیز گفته شد، کاربرد will برای زمان آینده کلی‌تر است و همین مثال را با will هم می‌توان گفت و فقط معنی جمله کمی تغییر می‌کند:

They will spend their holidays in Paris. *آن‌ها تعطیلاتشان را در پاریس خواهند گذراند.*

۲ وقتی که در مورد آینده بر مبنای نشانه‌های موجود پیش‌بینی انجام می‌دهیم. مثال:

Look at the blue sky! It's going to be a sunny day.

به آسمان آبی نگاه کن! روزی آفتابی خواهد بود.

چند نکته در مورد be going to

۱ در ساختار be going to، فعل کمکی be با توجه به فاعل جمله صرف می‌شود. یعنی:

I	am	going to	play go listen ...
He She It	is		
We You They	are		

۲ برای منفی کردن be going to، بعد از فعل کمکی be (در این‌جا am، is یا are) از not استفاده می‌کنیم. البته استفاده از شکل‌های مخفف نیز صحیح است. مثال:

I am not going to take the exam – I am not ready yet. *قصد ندارم امتحان بدهم؛ هنوز آماده نیستم.*

۳ برای سؤالی کردن be going to، کافی است فعل کمکی (در این‌جا am، is یا are) را به قبل از فاعل جمله منتقل کنید. مثال:

Are you going to visit your uncle this weekend? *آیا قصد دارید آخر این هفته به دیدن عمویتان بروید؟*

فاعل

البته اگر بخواهیم be going to را با کلمات پرسشی (who / whom / when / where / why / how و...) سؤالی کنیم، کلمهٔ پرسشی را در ابتدای جمله قرار می‌دهیم و فعل کمکی be (در این‌جا am، is یا are) را هم به قبل از فاعل منتقل می‌کنیم. مثال:

A: When are you going to watch the film? *A: قصد دارید فیلم را کی ببینید؟*

کلمهٔ پرسشی فاعل

B: Tonight. *B: امشب.*

۴ حواستان باشد که بعد از be going to هم مثل will، از شکل سادهٔ فعل استفاده می‌شود.

۵ در صورتی که در ساختار be going to از was یا were استفاده کنیم، مشکل خاصی پیش نمی‌آید و فقط جمله به قصد و برنامه‌ریزی در زمان گذشته اشاره خواهد داشت. مثال:

I was going to help him, but I didn't. *قصد داشتم به او کمک کنم، اما این کار را نکردم.*

@khanen_book

تفاوت be going to با will

همان‌طور که قبلاً هم گفتیم، کاربرد زمان آیندهٔ ساده (شکل سادهٔ فعل + will) برای اشاره به آینده، کلی است و در خیلی موارد می‌توان به جای be going to از will هم استفاده کرد. البته طبیعی است که وقتی در جمله به جای be going to از will استفاده می‌کنیم، معنی جمله کمی تغییر می‌کند. در هر صورت اگر بخواهیم تفاوت این دو مورد را بدانیم، باید هر دو کاربرد be going to را بررسی کنیم:

۱) تصمیم و قصد و برنامه‌ریزی: در صورتی که از قبل قصد داشته باشید کاری را در آینده انجام دهید، از be going to استفاده می‌شود، اما در صورتی که به صورت آنی و بدون برنامه‌ریزی قبلی، تصمیم لحظه‌ای بگیرید، باید از will استفاده کنید. مثال:

A: The phone is ringing.

A: تلفن زنگ می‌خورد.

B: I'll get it.

B: آن را برمی‌دارم.

◄ در این‌جا شخص از قبل برنامه‌ای ندارد تلفن را جواب دهد و وقتی که صدای زنگ آن می‌آید، به صورت آنی و بدون برنامه‌ریزی قبلی تصمیم می‌گیرد به تلفن جواب دهد. بنابراین در این جمله باید از will استفاده کنیم.

I'm going to study English next year.

قصد دارم سال بعد انگلیسی بخوانم.

◄ چون قصد و برنامه‌ریزی قبلی وجود دارد، پس از be going to استفاده می‌شود. (البته چون کاربرد will کلی‌تر است، پس هیچ اشکالی ندارد در این‌جا هم از will استفاده کنیم.)

۲) پیش‌بینی آینده: be going to برای پیش‌بینی در مورد آینده بر مبنای نشانه‌های موجود استفاده می‌شود، در حالی که will پیش‌بینی گویندهٔ جمله را صرفاً برمبنای نظر شخصی‌اش نشان می‌دهد. مثال:

The year 2050 will be a very interesting year.

سال ۲۰۵۰ سال بسیار جالبی خواهد بود.

◄ چون هیچ نشانه‌ای برای این پیش‌بینی وجود ندارد و گوینده صرفاً بر مبنای نظر شخصی‌اش پیش‌بینی کرده، از will استفاده می‌کنیم.

He is driving very carelessly – he's going to have an accident.

او بی‌احتیاط رانندگی می‌کند، او تصادف خواهد کرد.

◄ چون نشانه‌هایی برای پیش‌بینی وجود دارد، بنابراین از be going to استفاده می‌شود. (البته چون کاربرد will کلی‌تر است، پس هیچ اشکالی ندارد در این‌جا از will استفاده کنیم.)

اسم Noun

اسم کلمه‌ای است که برای اشاره به یک شخص، شیء، حیوان، مکان، مفهوم و یا مجموعه‌ای از اشخاص، اشیاء، حیوانات، مکان‌ها و مفاهیم استفاده می‌شود. اسم‌ها ۲ دسته دارند:

۱) اسم عام (Common Noun): اسمی است که مختص شخص، شیء، حیوان، مکان و مفهوم خاصی نیست و بین تمامی اعضای یک گروه مشترک است. مثال:

man (مرد) / cat (گربه) / student (دانش‌آموز)

۲) اسم خاص (Proper Noun) : اسم خاص، تنها به یک شخص، شیء، حیوان، مکان و مفهوم اشاره دارد و شامل تمامی اعضای یک گروه نمی‌باشد. مثال:

Ali (علی) / Spain (اسپانیا) / Persian Gulf (خلیج فارس) / Mr. Ahmadi (آقای احمدی)

دقت کنید که اسامی خاص همواره با حرف بزرگ شروع می‌شوند. (حتی اگر یک اسم خاص چند بخش داشته باشد، تمام بخش‌های آن را با حرف بزرگ شروع می‌کنیم.) اما اسامی عام اصولاً همیشه با حرف کوچک شروع می‌شوند.

نکتهٔ دیگر این‌که قبل از اسامی خاص از حروف تعریف (the) استفاده نمی‌شود، مگر در [illegible]

@khanen_book

نشانه‌های اسم

اسم‌های عام نمی‌توانند در جمله به تنهایی مورد استفاده قرار گیرند و یکی از موارد زیر، باید قبل از آن‌ها قرار گیرد (البته ممکن است بین این نشانه‌های اسم عام و خود اسم، یک یا چند صفت هم وجود داشته باشد):

۱) حرف تعریف the: حرف تعریف the نشان می‌دهد که اسم مورد اشاره معرفه است. در واقع وقتی از the استفاده می‌شود، اسم مورد نظر، برای گوینده و شنونده معلوم است. مثال:

Did you like the shirts I bought yesterday?

پیراهن‌هایی را که دیروز خریدم دوست داشتی؟

◄ گوینده و شنونده هر دو می‌دانند کدام پیراهن‌ها مدنظر است.

Would you pass the salt, please?

ممکن است لطفاً نمک را بدهی؟

◄ گوینده و شنونده هر دو می‌دانند کدام نمک مد نظر است.

I'll see you in front of the cinema.

شما را جلوی سینما می‌بینم.

◄ گوینده و شنونده هر دو می‌دانند کدام سینما مد نظر است.

۲) حرف تعریف a/an: برخلاف the که هم می‌تواند همراه اسامی مفرد استفاده شود و هم همراه اسامی جمع، a و an فقط و فقط قبل از اسامی مفرد استفاده می‌شوند. در واقع خیلی جاها a و an را می‌توان به صورت «یک» ترجمه کرد. تفاوت دیگر a و an با the این است که the نشان می‌دهد اسم مورد نظر معرفه است در حالی که a و an نشان می‌دهند که اسم نکره است. یعنی وقتی a یا an استفاده می‌شود اسم مورد نظر برای گوینده و شنونده معلوم نیست. مثال:

He has an old car.

او یک ماشین کهنه دارد.

◄ گوینده و شنونده نمی‌دانند آن ماشین دقیقاً چیست.

There was a painting in his living room.

در اتاق نشیمن او یک نقاشی وجود داشت.

◄ برای شنونده معلوم نیست کدام نقاشی مدنظر است.

He's a doctor.

او پزشک است.

◄ قبل از عنوان‌های شغلی هم از a یا an استفاده می‌شود.

۳) صفت‌های اشاره (this/that/these/those): مثال:

this boy (قبل از اسم مفرد ـ اشاره به نزدیک) این پسر

that boy (قبل از اسم مفرد ـ اشاره به دور) آن پسر

these boys (قبل از اسم جمع ـ اشاره به نزدیک) این پسرها

those boys (قبل از اسم جمع ـ اشاره به دور) آن پسرها

۴) صفت‌های ملکی (my/your/his/her/its/our/their): این صفت‌ها رابطهٔ مالکیت را نشان می‌دهند. مثال:

He is my brother.

او برادرم است.

Their house is in this street.

خانهٔ آن‌ها در این خیابان است.

Do you know her name?

نامش را می‌دانید؟

۵) کمیت‌سنج‌ها (... و few/a few/many/much / some): مثال:

I made many mistakes in the exam.

در امتحان خیلی اشتباه کردم.

We can trust only a few people.

ما فقط می‌توانیم به افراد کمی اعتماد کنیم.

@khaneh_book

جمع بستن اسم‌های مفرد

۱) به طور کلی در زبان انگلیسی قاعده این است که وقتی به آخر اسمی s اضافه شود، آن اسم جمع بسته می‌شود. مثال:

car → cars	year → years
animal → animals	pen → pens

۲) در صورتی که آخر اسمی به x ،ch ،sh ،s یا o ختم شده باشد، آن را با es جمع می‌بندیم. مثال:

dish → dishes	box → boxes
sandwich → sandwiches	bus → buses
tomato → tomatoes	potato → potatoes

۳) در صورتی که آخر اسمی y داشته باشیم، برای جمع بستن آن، به جای y در آخر اسم از ies استفاده می‌کنیم. مثال:

city → cities	baby → babies

۴) البته در صورتی که قبل از y آخر اسم، حرف صدادار (a,e,i,o,u) داشته باشیم، اسم با قاعده به حساب می‌آید و آن را با s جمع می‌بندیم. مثال:

boy → boys	day → days
key → keys	way → ways

۵) در اسم‌های زیر، برای جمع بستن اسم، f یا fe آخر اسم به ves تبدیل می‌شود.

wolf → wolves	knife → knives
life → lives	thief → thieves
wife → wives	leaf → leaves
half → halves	shelf → shelves

۶) اسم‌های زیر بی‌قاعده هستند و باید شکل جمع آن‌ها را حفظ کنید:

man → men	woman → women
child → children	person → people
tooth → teeth	foot → feet
mouse → mice	bacterium → bacteria

@khanen_book

Grammar Tests

64. **A: "Why are you taking down all the pictures?"**
B: "I ..... the room."
1) am going to paint 2) was painting 3) paint 4) painted

65. **A: "Your face is dirty."**
B: "All right. I ..... it."
1) am going to wash 2) will wash 3) to wash 4) washing

66. **Could you please lend me your rubber? I ..... a mistake and I want to correct it.**
1) am making 2) made 3) was making 4) will make

67. **I ..... the computer at the moment so you can use it.**
1) am using 2) am going to use 3) won't use 4) am not using

68. **A: "..... the phone, please?"**
B: "Sorry, I'm working."
1) Will you answer 2) Are you answering 3) Did you answer 4) Do you answer

69. **John ..... milk every night, but now he ..... tea.**
1) drinks / drinks 2) drinks / is drinking
3) is drinking / is drinking 4) is drinking / drinks

70. **A: "What is Samira studying?"**
B: "Medicine. She ..... a doctor in a few years."
1) is 2) has 3) will be 4) is being

71. **A: "Why do you need so much sugar?"**
B: "I ..... a cake."
1) made 2) was making 3) am going to make 4) be going to make

72. **In the year 2030, all students ..... their own computers in school.**
1) have 2) will have 3) having 4) had

73. **A: "I'm about to fall asleep. I need to stay awake!"**
B: "I ..... you a cup of coffee. That will help you."
1) am going to make 2) am making 3) make 4) will make

74. **Many scientists believe that one million of the species that are alive today ..... in twenty years.**
1) become extinction 2) to become extinct 3) becoming extinction 4) will become extinct

75. **A: "I forgot ..... wallet at home."**
B: "Don't worry. I ..... you some money if you like."
1) me / am going to lend 2) my / will lend
3) my / lending 4) I am going to lend

@khanen_book

76. He is very hard-working. I think he ..... very successful.

1) will being 2) is going be 3) is being 4) will be

77. Because I want to get a better ..... in English, I ..... harder in the future.

1) marks / will study 2) marks / study 3) mark / studied 4) mark / will study

78. A: "Would you prefer coffee or tea?"

B: "I ..... some coffee, please."

1) would have 2) am going to have 3) had 4) will have

79. Be careful with .....! They are very sharp.

1) these knife 2) this knife 3) these knives 4) that knife

80. Tomorrow is my birthday. ..... to my birthday party?

1) Will you coming 2) Do you come 3) Did you coming 4) Will you come

81. Last Saturday my father ..... my friends and me to the zoo. We ..... many wild animals.

1) was taking / was seeing 2) took / saw

3) takes / saw 4) was taking / saw

82. A: "Where are the .....?"

B: "I'm not sure, but I think they ..... outside."

1) child / will play 2) children / are playing 3) child / play 4) children / will play

83. Not a cloud in the sky. Hopefully, it ..... another warm day.

1) was 2) is being 3) is going to be 4) was going to be

84. I ..... a new car this weekend, but I'm a little worried because I don't really know much about ..... .

1) am going buying / car 2) am going to buy / cars 3) will buy / car 4) going buying / cars

85. ..... aside, please? I can't watch ..... television.

1) Will you move / a 2) Are you going to move / the

3) Are you going to move / a 4) Will you move / the

86. I don't think ..... native speaker no matter how much I try.

1) I will ever sound like a 2) ever will I sound like the

3) will ever I sound like the 4) I will ever sound like the

87. I'm sorry I can't hear what you ..... because everybody is talking so loudly.

1) are saying 2) say 3) said 4) will say

88. The children ..... to bed half an hour ago. They ..... now.

1) are going / are sleeping 2) went / are sleeping

3) went / slept 4) go / sleep

89. A: "Why have all these people gathered here?"

B: "The President ..... the new hospital in an hour."

1) opened 2) is go...pen 3) ...ns 4) be opening

@khanen_book

90. **Let me sit down! I have been on my ..... for twenty ..... .**

1) foot / hour 2) feet / hours 3) the feet / hour 4) a foot / hours

91. **A: "What are ..... plans next week?"**

B: "I ..... to New York on business. Probably on Monday but I don't have a ticket yet."

1) your / am going to travel 2) you / am going traveling

3) your / will be going to travel 4) you / will travel

92. **"..... home?" "I will come back next Thursday."**

1) When will you return 2) When were you going to return

3) When you will be going to return 4) What time you are going to return

93. **A: "Where are you going to spend your vacation?"**

B: "I don't know yet. Maybe we ..... next summer."

1) are going to going Italy 2) will go to an Italy 3) are going an Italy 4) will go to Italy

94. **Open your mouth wide, please. I want to see all ..... .**

1) your teeth 2) yourselves teeth 3) yours tooth 4) your tooth

95. **That's much too heavy for one person. I ..... you ..... hand.**

1) will giving / the 2) give / a 3) will give / a 4) am giving / a

96. **A: "I heard you're taking a Spanish class in the evening."**

B: "Yeah, I ..... to Spain next spring and I thought knowing a little Spanish would make ..... trip easier."

1) am going to travel / the 2) will go / a

3) am traveling / a 4) go / the

97. **A: "What time ..... the class start tomorrow morning?"**

B: "I think it ..... start at 10.30 instead of 9.30."

1) does / would 2) will / is 3) does / will 4) has / would

98. **She showed him several ..... that were on ..... top shelf of the bookcase.**

1) book / a 2) books / the 3) book / the 4) books / a

99. **A: "How old are you?"**

B: "I ..... thirty-five in a couple of months."

1) was going to be 2) am being 3) was 4) will be

100. **He is trying hard to learn English. I think he ..... be able to speak English fluently in a few ..... .**

1) is going to / month 2) can / months 3) will / months 4) was going to / month

101. **Amir walked out of ..... office carrying a couple of ..... .**

1) him / boxes 2) he / box 3) his / boxes 4) the / box

102. **A: "The ceiling in this room doesn't look very safe, does it?"**

B: "No, it looks as if it ..... ."

1) is going to fall down 2) [illegible] down 4) will falls down

@khanenbook

103. My brother ..... what our mother tells us to do.

1) is never doing 2) does never 3) never does 4) never doing

104. Most ..... work more than ten hours ..... day at home.

1) housewives / a 2) housewife / a 3) housewives / the 4) housewife / the

105. He lost his parents last year. He ..... with his uncle for the time being until he starts school.

1) lived 2) living 3) is living 4) be living

106. On a typical day, the average person ..... about 48,000 words.

1) speaks 2) speaking 3) spoke 4) is speaking

107. A: "What do you think the weather ..... tomorrow?"

B: "The forecast is sunny."

1) will like be 2) like will being 3) will being like 4) will be like

108. I'm going to wear these ..... with ..... jacket. Do you like them together?

1) shoes / this 2) shoe / these 3) shoes / those 4) shoe / that

109. A: "Look! There's smoke coming out of ..... house. It's on fire!"

B: "Good heavens! I ..... the fire department immediately."

1) that / will call 2) those / am going to call 3) this / am going to call 4) these / will call

110. We are so excited about our trip next month to ..... . We ..... Paris, Nice and Grenoble.

1) the France / visit 2) France / are going to visit 3) the France / will visit 4) France / will visiting

111. A: "Wow, it's freezing out there."

B: "I ..... some coffee to warm us up. Do you want ..... piece of cake as well?"

1) make / the 2) am going to make / a 3) am making / the 4) will make / a

112. Tom is a football fan and there is ..... football match on television this evening. The match ..... at 7.30 and ..... at 9.15.

1) a / begins / ends 2) the / will begin / to end

3) the / is going begins / ends 4) a / beginning / ending

113. Sara can't talk on the phone now because she ..... the dishes.

1) will wash 2) washes 3) is washing 4) wash

114. There's ..... big bear in ..... backyard. I think ..... bear is looking for something to eat.

1) a / a / a 2) the / the / the 3) a / a / the 4) a / the / the

115. A: "..... next weekend?"

B: "It depends. If the weather is fine, we will ..... to the zoo."

1) What will you do / go 2) When are you going to do / go

3) How will you do / going 4) What will you do / going

116. I ..... a taxi home last night, but I didn't have enough money, so I had to walk.

1) am going to take 2) took 3) 4) was going to take

@khanen_book

117. **A: "..... when you grow up?"**

B: "I ..... a very famous writer."

1) Which will you do / will be
2) Which are you doing / am going to be
3) What are you doing / am going to be
4) What will you do / will be

118. **Look over there! What ..... in the middle of the street?**

1) the boys are doing
2) are the boys doing
3) are doing the boys
4) the boys doing

119. **A: "Excuse me, I need to talk to someone about our hotel room. I am afraid it is simply too small for four people."**

B: "That man at the service counter ..... you."

1) is going to help
2) is helping
3) was helping
4) will help

120. **His ..... had to take care of her grandfather. She also had to look after their two little ..... .**

1) wife / child
2) wives / children
3) wife / children
4) wives / child

121. **A: "Look! There's smoke coming out of the photocopier."**

B: "You turn it off and I ..... the safety officer."

1) phone
2) am phoning
3) am going to phone
4) will phone

122. **We ..... a new television, but my husband fixed the old television himself.**

1) were going to buy
2) are buying
3) were buying
4) are going to buy

123. **I just came by to tell you that I ..... this week's meeting – can we reschedule the meeting?**

1) won't be able to attend
2) will be able to attend
3) am going not to attend
4) am attending

124. **A: "Did you travel by train?"**

B: "No, I ..... by train but I changed my mind and ..... by bus instead."

1) am going to travel / traveled
2) am traveling / travel
3) was going to travel / traveled
4) will travel / travel

125. **I ..... in Boston three days ago, but the rest of the family ..... here until tomorrow.**

1) arrived / didn't get
2) was going to arrive / got
3) arrived / won't get
4) was going to arrive / didn't get

126. **When you ..... in Tehran, call my friend Hamid. He ..... you around the city and help you get situated.**

1) arrive / shows
2) arrive / show
3) arrive / will show
4) will arrive / shows

127. **I'm sorry Mr. Afshar ..... back in the clinic until 6. You can leave a message for ..... if you like.**

1) will be / his
2) won't be / him
3) will be / him
4) won't be / he

128. **A: "Oh, look at that mountain of dirty dishes! ..... all of those?"**

B: "I promise I ..... them when I get home from work."

1) Who is going to wash / will do
2) Who will wash / will be going to wash
3) Whom is going to wash / am going to do
4) Whom is going to wash / will do

@khaneh_book

Cloze Tests

لطفاً پیش از پاسخ‌گویی به سؤالات کلوزتست، «درس‌نامهٔ طلایی کلوزتست و درک مطلب» را از صفحهٔ ۲۴۷ مطالعه فرمایید.

Cloze Passage 1

There is concern over the fact that many animals and plants are in danger of dying out, or becoming extinct. But ever since life began, animals and plants have died out, to be replaced by ..... 129 ..... . This process is part of nature. As the conditions on Earth ..... 130 ....., some living things cannot adapt; they eventually become extinct. Scientists believe that 99 percent of all the different plants and animals that ever lived have died out ..... 131 ..... . In prehistoric times there ..... 132 ..... mass extinctions when hundreds of different things died out together. These extinctions were often due to significant changes in climate. About 225 million years ago 90 percent of all the living things in the sea died out. Today animals and plants ..... 133 ..... more quickly because humans damage and destroy the areas where they live.

هنر ۹۲ - با تغییر

129	1) other	2) another	3) others	4) another's
130	1) decrease	2) consider	3) divide	4) change
131	1) efficiently	2) commonly	3) naturally	4) immediately
132	1) were	2) made	3) had	4) did
133	1) dying out	2) will die out	3) are going to die out	4) are dying out

Cloze Passage 2

Tropical rain forests are in danger. For years, people have been cutting down ..... 134 ..... to make room for farms and roads. Many plants and animals are in danger of becoming extinct, or completely gone. "When rain forests are cut down, animals lose ..... 135 ..... homes," says Kerry Zobor. She works at the World Wildlife Fund. "More carbon dioxide ..... 136 ..... the air. Scientists think that makes Earth get warmer. If it gets too hot, it could cause many animals to go extinct." The World Wildlife Fund is a group working to ..... 137 ..... animals and habitats. A habitat is a place in nature where an animal or a plant lives. "We are working every day to help ..... 138 ..... rain forests around the world," says Zobor.

134	1) members	2) fields	3) lakes	4) trees
135	1) their	2) them	3) they	4) theirs
136	1) keeps	2) moves	3) gives	4) fills
137	1) choose	2) hurt	3) protect	4) lose
138	1) divide	2) save	3) put out	4) visit

@khanehbook

Cloze Passage ③

What do people need to light their homes and drive cars? Energy! It gives power to many things we need and use. Most of the energy people use comes from coal, oil, and gas. They are called fossil fuels. Fossils are the remains of plants and animals ..... 139 ..... long ago. Burning fossil fuels pollutes the air. The air ..... 140 ..... dirty. That can be harmful to people, animals, and plants. Now more people are using ..... 141 ..... energy. Such energy does not pollute the air. Two ..... 142 ..... of clean energy are wind power and solar power. Solar means "from the sun." The sun gives Earth heat and light. Some homes have solar panels on the roof. The panels collect sunlight and turn it into electricity. That is a kind of energy. It lets people do many things. ..... 143 ....., we use electricity to light our homes and watch television. Solar power can also be used to warm up the water in our homes.

139	1) that live	2) will live	3) lived	4) that lived
140	1) happens	2) becomes	3) increases	4) destroys
141	1) free	2) singular	3) clean	4) deep
142	1) patterns	2) halves	3) ideas	4) kinds
143	1) For example	2) However	3) Instead	4) But

Cloze Passage ④

Wild tigers could become extinct, or gone completely, according to experts. In 2010, only about 3,200 of the big cats were left in the ..... 144 ..... in the world. That's ..... 145 ..... from 1910. Back then, about 100,000 wild tigers roamed the planet. One threat, or danger, tigers face is habitat loss. Tigers ..... 146 ..... in Asia. Loggers there cut down trees in the forests to make paper and other items people ..... 147 ..... . Less forest means less room for the animals to roam and search for ..... 148 ..... . Another threat is poaching. That is illegal hunting. Tigers are hunted for their fur and bones.

144	1) chart	2) wild	3) circle	4) plain
145	1) a big change	2) big changes	3) a bigger change	4) the big changing
146	1) stay	2) die out	3) move	4) live
147	1) pick	2) buy	3) save	4) put
148	1) protection	2) nature	3) food	4) jungle

Cloze Passage ⑤

Life on Earth could not exist without plants. Humans and animals ..... 149 ..... plants for food and oxygen. The cereal you eat for breakfast, the orange juice you ..... 150 ....., even the jeans you wear, are all made from plants. Plants range from tiny mosses to gigantic coniferous trees so tall you cannot see their tops. What they all have in ..... 151 ..... is their unique ability to capture and use the Sun's light as an energy source. This process is called photosynthesis, and it powers all plant life and growth. About 400,000 plants are already known to us, from rare exotic flowers to common garden ..... 152 ..... . Even more plants await discovery, especially in tropical regions. Today, ... 153 ....., more than 25,000 different trees, flowers, and other plants are in danger of extinction due to the destruction of their natural habitats.

@khanen_book

149 1) need 2) cut down 3) take care 4) destroy

150 1) smell 2) taste 3) drink 4) find

151 1) common 2) average 3) strategy 4) number

152 1) patterns 2) vegetables 3) examples 4) kinds

153 1) unless 2) instead 3) hopefully 4) however

Cloze Passage (6)

You've probably had a drink of water or washed your hands today. But people use water for so many other purposes, like cleaning things, transportation, and generating hydroelectric power. Just as nothing can live without water, not much can be made without it. 154 ..... water is so useful, most people live along coastlines, rivers, and 155 ..... . Where fresh water is limited, people have used many technologies – like wells, dams, and canals – to store and move it. Sometimes these technologies damage habitats. Other species have to compete with 156 ..... for water. This may help explain why so many animals that live in fresh water are 157 ..... . We need to be smarter and more 158 ..... about how we use water in order to make sure that there's enough for all life on Earth.

154 1) However 2) When 3) Because 4) If

155 1) forests 2) lakes 3) plains 4) villages

156 1) animals 2) plants 3) lions 4) humans

157 1) endangered 2) common 3) appropriate 4) regular

158 1) interesting 2) careful 3) correct 4) simple

Cloze Passage (7)

We have known about dinosaurs for only 150 years or so, but these great creatures roamed Earth for 160 million years – long before humans appeared. Scientists first 159 ..... dinosaurs in the 1820s, when they discovered the fossilized bones of unknown creatures. Today these fossils show us where dinosaurs lived, 160 ..... they looked like, and what they ate. Dinosaurs were reptiles and lived on land. 161 ..... means "terrible lizard," and, like lizards, many of them had tough, scaly skin. There were hundreds of different kinds of dinosaurs, 162 ..... into two main groups. Some dinosaurs, such as Tyrannosaurus rex, were meat eaters; others, such as Stegosaurus, plant eaters. About 65 million years ago, dinosaurs and the swimming and flying reptiles that lived at the same time 163 ..... . The reason for this is still uncertain.

159 1) learned about 2) kept talking about 3) took care of 4) paid attention to

160 1) which 2) why 3) where 4) what

161 1) They name 2) Their name 3) They names 4) Theirs names

162 1) planned 2) completed 3) divided 4) picked

163 1) died out 2) [illegible] 3) [illegible] 4) gave up

@khanehbook

Reading Comprehension

لطفاً پیش از پاسخ‌گویی به سؤالات درک‌مطلب، «درس‌نامهٔ طلایی کلوزتست و درک مطلب» را از صفحهٔ ۲۴۷ مطالعه فرمایید.

Passage 1

Lions rival tigers for the title of the biggest cat. In fact, lions and tigers are so similar in their physical features that without their distinctively colored fur, soft hair that covers the bodies of some animals, even scientists have trouble telling them apart. Male lions weigh between 150 and 250 kg (330 and 550 lb) and stand about 123 cm (about 48 in) tall at the shoulder. They measure up to 250 cm (98 in) in length, not including the tail, which measures an additional 90 to 105 cm (35 to 41 in). Female lions are smaller, weighting between 120 and 182 kg (265 and 400 lb). They stand about 107 cm (about 42 in) tall and measure less than 175 cm (less than 69 in) in length, with a slightly shorter tail.

Adult lions have fur that varies in color from light brown to reddish brown. The fur of the tail is darker. Only male lions grow a mane, the long hair around the shoulders, which grows darker and fuller as the animal ages. Cubs are born with thickly spotted fur, which helps them hide from dangerous animals. The spots gradually lose color as the cubs grow up, sometimes remaining on the legs and belly until the lion grows fully. انسانی ۹۰

164 **We can understand from the passage that lions and tigers ..... .**

1) are each other's enemies
2) are very similar in form
3) are both among the endangered species
4) are the biggest animals in some parts of the world

165 **A male lion is ..... long (including its tail).**

1) more than 3 meters
2) less than 3 meters
3) two and a half meters
4) one meter and twenty-three centimeters

166 **According to the passage, we cannot normally find ..... .**

1) a lion with a one-meter-long tail
2) a male lion that is less than 123 cm tall at the shoulder
3) a female lion that is less than 100 kg
4) a female lion smaller in size than a male one

167 **What does paragraph 1 mainly discuss?**

1) physical features of lions
2) difference in length between lions
3) why male and female lions are different
4) what makes scientists confused about lions

168 **Which of the following words is defined in the passage?**

1) cub
2) s… …e
4) spot

@khanehbook

Passage 2

Many people think that deserts are very hot places where nothing can live, but this is not true. Some deserts get very cold when the sun goes down, and some plants and animals can live in the hottest and coldest of these deserts. Deserts are places that get less than ten inches of rain per year. Some desert areas may go as long as a year without any rain.

Because deserts are so dry, the animals that live there must be able to live without much water. The animals have adapted to this condition in different ways. Some insects and toads dig holes in the sand and hide during the day. This keeps them from getting thirsty because they are not in the hot sun. Some toads can hide in holes for up to eight months. They come out only when it rains. Rats and coyotes sleep during the day and hunt for food at night when the desert is cooler.

Plants live in the desert too. Many, like the cactus, have spines instead of leaves, which help them retain water. A cactus can store water in its stem and roots. It has broad, shallow roots that catch rain when it falls. Other plants have very deep roots that allow them to reach water far under the ground.

169 Which of the following sentences is true of most deserts?

1) They get at least twenty inches of rain each year.

2) They get no rain, and no plants can grow there.

3) They get less than ten inches of rain each year.

4) They get rain only once or twice each year.

170 How do animals in hot, dry places live without much water?

1) They try to stay cool.

2) They only go out during the day.

3) They look for water in other places.

4) They sleep most of the time.

171 Which of the following sentences is true of all desert animals?

1) They are always hungry because there is little food.

2) They come out of hiding only when it rains.

3) They move around a lot if it gets too hot and dry.

4) They have learned how to live without much water.

172 The underlined word "it" in line 11 refers to ..... .

1) desert 2) cactus 3) rain 4) stem

173 Why does a cactus plant store water in its stem and roots?

1) so that it can breathe 2) so that it can grow leaves

3) so that it can survive in its dry s...dings 4) ...it can hide during the day

@khanen_book

Passage 3

Cheetahs are animals that have tawny fur coats with round black spots. They belong to the cat family, just like lions and cougars. However, cheetah babies are not called kittens but cubs. The cubs start following their mother on hunts when they are only six weeks old. When they are six months old, the cubs start learning from their mother how to hunt for themselves.

It is amazing that cheetahs in the wild can run up to 60 miles per hour. They are the fastest land animals in the world. When cheetahs hunt, it is usually at night. They creep up on their prey. Then, with a single bound, the cheetah can catch an animal in a burst of speed. If it has to, a cheetah can run for over three miles at an average speed of 45 miles per hour.

Today, cheetahs are struggling to survive on land that once was good hunting ground but is now being farmed. In Africa, Southwest Asia, and India, where the cheetahs live, farmers set traps for these animals. The cheetahs hunt cattle, and the farmers lose money when their livestock is killed. In the past 10 years, for example, farmers in Namibia have trapped and killed over 7,000 cheetahs.

174 Why might someone think that baby cheetahs should be called kittens rather than cubs?

1) Because kitten is the word for baby cats, and cheetahs belong to the cat family.
2) Because kitten is a word that describes small animals with spots and pointed ears.
3) Because kitten is a word used for all cute babies.
4) Because kitten is the word used for baby animals.

175 The underlined word "they" in line 3 refers to ..... .

1) cheetahs
2) lions and cougars
3) kittens
4) cubs

176 How old are cheetah cubs when they learn to hunt for themselves?

1) one year old
2) six weeks old
3) six months old
4) six years old

177 According to the passage, the natural environment where you can find cheetahs is ..... .

1) Africa, China, and India
2) Southwest Asia, Africa, and India
3) Australia, Asia, and India
4) Africa, Namibia, and India

178 Which of the following sentences in NOT true?

1) Cheetahs have more fun hunting cattle than other animals.
2) Cheetahs surprise their prey with bursts of speed.
3) Cheetah mothers teach their cubs to hunt for themselves.
4) In the past 10 years, farmers in Namibia have killed over 7,000 cheetahs.

@khanenbook

Passage 4

Some animals hibernate or go into a deep sleep as an adaptation to the cold months of winter. Hibernation is different from normal sleep. During hibernation, an animal seems to be dead. Its metabolism slows down and its body temperature drops. Its heartbeat slows to only two or three beats a minute. Since its bodily processes are so slow, it needs very little food to stay alive. Some animals which hibernate are toads, skunks, ground squirrels, bees, and bats. Bears sleep during the winter, but they are not true hibernators. They wake up when they hear loud noises.

Some animals estivate, or go into a deep sleep as an adaptation to the hot, dry months of summer. During estivation, an animal's heartbeat and breathing slow down. During estivation, an animal does not grow or move. It does not need to eat because it is not using much energy. Some animals burrow underground, where it is cooler, before they begin to estivate. Some animals which estivate are reptiles, bees, hedgehogs, frogs, toads, and earthworms.

179 **Which animals both hibernate and estivate?**

1) bees and toads
2) bees and bats
3) frogs and toads
4) skunks and reptiles

180 **Hibernation is like estivation because ..... .**

1) both happen in winter
2) both are adaptations
3) both happen in summer
4) the same animals go to sleep

181 **Bears aren't true hibernators because ..... .**

1) they wake up to loud noises
2) they sleep all summer
3) they burrow underground
4) they adapt well to heat

182 **Estivation happens during ..... .**

1) the cold, wet months of winter
2) the hot, wet months of summer
3) the hot, dry months of summer
4) the cold, dry months of winter

183 **When animals burrow, they ..... .**

1) fall asleep
2) sleep during the day
3) dig under the earth
4) ... from estivation

@khaneh_book

Passage 5

Dinosaurs disappeared from the Earth approximately 65 million years ago. There are many theories about what happened to them. So far, no one can prove why these powerful creatures suddenly disappeared. It may remain a mystery forever.

Some scientists believe that a huge asteroid from space hit the Earth. The impact and the heat from the asteroid could have killed the dinosaurs. Others believe that the asteroid gave off too much gas in the Earth's atmosphere. This gas may have blocked rays from the sun. The cooler temperatures could have started an ice age. The low temperatures could have been too cold for the dinosaurs.

Another theory is that a gradual change in climate occurred for thousands of years. Scientists believe that winters became too cold. Summers became too hot for the dinosaurs to survive. Without fur or feathers, dinosaurs could not keep themselves warm in winter. They would have also had a hard time keeping cool in summer. The truth is, we might not ever know what happened. It is a mystery.

184 **When did dinosaurs disappear?**

1) a few thousand years ago
2) about 15 billion years ago
3) less than 1 million years ago
4) about 65 million years ago

185 **Because no one is sure why dinosaurs went extinct, ...**

1) scientists all believe an asteroid killed them
2) the dinosaurs may all still be alive today
3) there is no chance that humans could ever go extinct
4) people have come up with theories to try to explain it

186 **Based on the passage, we can understand that ..... .**

1) there is not enough evidence to prove the extinction theories
2) scientists will definitely figure out the cause of dinosaur extinction at some point
3) most scientists believe the ice age theory of extinction
4) there are many hundreds of different extinction theories

187 **The word "gradual" in the third paragraph means ..... .**

1) unimportant
2) over a long period of time
3) accidental
4) related to plants

188 **The main idea of this passage is ..... .**

1) no one knows how the dinosaurs became extinct
2) an asteroid may have hit the Earth millions of years ago
3) dinosaurs could not adapt to changing temperatures
4) scientists are trying hard to [illegible] why dinosaurs bec[illegible]inct

@khaneh_book

Passage 6

One of the best ways to learn about different kinds of habitats is to go to your local zoo. Zoos are usually set up by habitat. African animals are often together. Elephants, zebras, lions, rhinoceroses and monkeys are in the same habitat. Australian animals, such as koalas, kangaroos, platypuses and emus are kept in another section.

Some parts of the zoo keep animals in indoor habitats. It is easier to control the temperature in indoor habitats. This keeps the animals from getting too hot or too cold. Snakes and reptiles are kept in indoor habitats. Penguins are often kept inside as well. Birds are kept in aviaries. Aviaries are large enclosed spaces that seem like the birds' natural environment. Aviaries keep birds from escaping and keep other animals away from them.

Zookeepers are people that work at zoos. They have studied animals and know how to care for them. Zoos often have animals that are sick. Zookeepers work to make the animals better. Zoos also keep animals that are endangered. There are many programs that breed endangered animals. Zookeepers help the animals transition to life in their natural environments. Then they let them back into the wild.

189 **According to the passage, zoos are usually structured ..... .**

1) by animal
2) by habitat
3) by size
4) by age

190 **According to the passage, an aviary is ..... .**

1) a cage for reptiles
2) a walkway
3) a cage for birds
4) a type of bird

191 **The word "them" in the second paragraph refers to ..... .**

1) spaces
2) birds
3) aviaries
4) animals

192 **Based on the passage, it is likely that zookeepers ..... .**

1) teach animals how to act so they can survive in the wild
2) do not try to take care of sick animals
3) have many pets at home
4) generally do not like working at zoos

193 **What is the main idea of this passage?**

1) Zoos sometimes keep animals indoors.
2) Zoos are fantastic places.
3) Zoos are grouped into habitats.
4) ...ers are people who work in zoos.

@khaneh_book

Passage 7

Lions, like all cats, belong to a group of mammals called felines. They live in groups called prides. A pride may contain four to six adults and their cubs. Male lions usually weigh between 330 and 420 pounds. The job of male lions is to protect the pride from enemies. They also have to look after the young when the females are hunting. Male lions have manes of thick hair that protect them during fights and allow them to look larger and more dangerous to enemies, such as other male lions or hyenas. Adult males stay with a pride only a few years before they are defeated and sent away from the pride by stronger, younger males.

Lions hunt using their razor-sharp teeth, powerful claws, great agility, and sharp senses. Lions generally hunt only when they are hungry. Female lions do all of the hunting. However, the male insists on eating first from any kill. He will not allow any member of the pride to eat, even the female who did the hunting, until he has eaten his fill. A male lion may eat up to sixty-five pounds at one time, and then it may not need to eat for several days. Lions spend most of their time sleeping, often for twenty hours a day. Lions used to be widespread throughout Asia and India, but now only a few survive in a protected reserve in India. Lions flourish on the plains of Africa where they kill large prey, such as zebras.

194 **Which word refers to a place where wild animals are protected from human hunters?**

1) flourish
2) felines
3) reserve
4) pride

195 **Which sentence correctly describes one difference between male and female lions?**

1) Males do the hunting while females care for the young.
2) Females fight for control of the pride while the males eat.
3) Females do the hunting, but the males eat first.
4) Males and females have razor-sharp teeth and powerful claws.

196 **From the context of the passage, what is the meaning of "flourish"?**

1) to wave back and forth
2) to die off
3) to eat well and survive
4) to run fast

197 **What is the name for a group of lions living together?**

1) mane
2) felines
3) pride
4) family

@khaneh_book

Passage 8

In the Pacific Ocean near Hawaii, millions of tons of garbage swirl slowly in the water. The remains of bottles, plastic bags, fishing nets, and other items float gently around. This is the Pacific Garbage Patch, and it's a huge problem. The Pacific Garbage Patch is in a part of the ocean where water moves endlessly in a circle. Trash from thousands of miles away is pulled by ocean currents until it travels to this spot.

Most of the garbage is plastic. This is because plastic doesn't break down easily. It can only break down into small pieces. These small pieces look like food to fish, birds, and other animals. When these animals eat the plastic instead of filling up on real food, they can become sick and starve to death.

Scientists worry that this ocean garbage will hurt more than just marine life. Eventually, sick animals can make their way into the human food supply. But right now, nobody is sure how to solve the problem. One thing that does work, though, is to recycle plastics or throw them away properly. Remember, if your soda bottle doesn't become litter in the first place, it won't get into the ocean.

198 What is the passage mostly about?

1) things made from plastic

2) plastic in the ocean

3) how plastic breaks down

4) the reasons to recycle plastic

199 Why do marine animals mistake plastic for food?

1) Plastic breaks down into small pieces.

2) Plastic smells like food to the animals.

3) Plastic carries pieces of food with it.

4) Plastic provides animals with energy.

200 According to the passage, recycling helps the ocean because ..... .

1) it turns plastics into food

2) it provides jobs for scientists

3) it keeps trash out of the ocean

4) it stops people from throwing plastic away

201 What are scientists worried about?

1) The plastic makes the ocean ugly.

2) The plastic could eventually hurt people.

3) The plastic makes it difficult to swim.

4) The plastic is all coming from

@khaneh_book

Passage 9

If you visit the animal shelter in Salinas, California, you'll see giant wood cutouts of a dog and a cat. These signs were placed in front of the building to catch people's attention. The supersized cutouts make people curious and encourage them to visit the shelter – and maybe even adopt a pet. Each year, the Salinas shelter takes in around 2,000 dogs and 2,000 cats. The animals are either strays or are dropped off by people who couldn't take care of them. Of the 4,000 animals, some of them are eventually adopted into new homes. Some animals are transferred to other shelters. And, unfortunately, some cannot be saved because they are too sick or are considered dangerous.

Animal shelters provide food, medicine, and a safe place for animals to sleep. But they are not ideal homes. The shelters are loud, and the animals stay in small cages. The people who work at shelters do their best to care for the animals, but the animals do not always get the attention or exercise they need.

To prevent so many animals from becoming homeless, pet owners should take good care of their pets. One of the best ways to care for pets is to spay or neuter them. This surgery prevents cats and dogs from having more babies. And that reduces the number of homeless animals that end up in shelters.

202 **What is the passage mainly about?**

1) the city of Salinas, California
2) homeless animals in shelters
3) how to attract visitors to animal shelters
4) people who work at animal shelters

203 **Dogs in shelters probably do not get enough exercise because ..... .**

1) the workers do not enjoy walking them
2) the workers think the dogs will be adopted soon
3) there are too many animals for the workers to care for
4) the workers are afraid of the dogs

204 **What is the result of spaying and neutering?**

1) More puppies and kittens are adopted.
2) Pets need less attention.
3) Fewer animals become homeless.
4) More people work at animal shelters.

205 **What can good homes offer that animal shelters cannot?**

1) plenty of personal care
2) medical attention
3) safe place to sleep
4) food and water

@khanen_book

Passage 10

Recycling is a process where something is reused rather than thrown away. Common items that are recycled include aluminum and steel cans, glass, and newspapers. Recycling can be time-consuming and dirty work. For example, recyclable objects have to be sorted from trash. Then the objects have to be cleaned. Afterwards, the objects are turned into materials that can be used by people and companies. Why should people bother to recycle although it takes a lot of work?

Recycling helps protect the earth. Recycling means less garbage in landfills. These are places where garbage is taken and buried. Recycling also helps conserve the earth's resources. For example, factories use less energy by recycling steel cans than by making new ones. Recycling paper saves trees from being cut down. Trees are used to make paper.

Every time you are about to drop a plastic bottle in the garbage, stop and think. Is it worth harming the earth? Your actions now can help preserve the environment for generations to come. All you have to do is throw that bottle into a recycling bin. Get in the habit. Be proud of recycling. Encourage others to recycle. You can make a difference!

206 **According to the passage, what is recycling?**

1) a process where something is reused
2) a process where something is thrown away
3) a process where something is taken and buried
4) a process where something harms the earth

207 **The word "ones" in the second paragraph refers to ..... .**

1) landfills
2) resources
3) factories
4) cans

208 **How does the author organize the information in this passage?**

1) The author explains the problems with recycling and suggests different solutions.
2) The author describes similarities and differences between recycling and throwing things away.
3) The author lists information about recycling in order of importance, from most to least important.
4) The author describes recycling and shares an argument about why it's important.

209 **What can you conclude from this passage?**

1) The author works for a recycling plant.
2) The author does not believe in recycling.
3) The author believes that all you have to do to save the environment is throw a bottle in a bin.
4) The author believes that everybody can help the earth.

210 **What is the main idea of this passage?**

1) Recycling helps protect the earth and conserve its resources.
2) Many people avoid recycling because it is too difficult.
3) People must make decisions what to recycle.
4) Only certain things can be recy

@khanen_book

Final Exam

Grammar and Vocabulary

211. A:"I can't work out how to use this camera."
B: "It's quite easy. I ..... you."
1) am showing 2) will show 3) show 4) showed

212. Those clouds are very black, aren't they? I think it ..... .
1) is going to rain 2) rained 3) rains 4) was raining

213. Men and ..... between the ages of 25 and 54 have the most stressful ..... .
1) women / lives 2) woman / life 3) women / life 4) woman / lives

214. A: "..... me a favor, Sam?"
B: "Sure, what do you want me to do?"
1) Will you do 2) Did you do 3) Are you going to do 4) Do you do

215. I can't understand why they're such good friends. They have hardly anything in ..... .
1) attention 2) common 3) information 4) nature

216. The house did not suffer much damage because the firefighters quickly ..... the fire.
1) kept on 2) took off 3) put out 4) made up

217. Many scientists believe that global warming is the result of ..... actions.
1) human 2) increasing 3) natural 4) endangered

218. A large area of land covered with trees and plants or the trees or plants themselves is called a ..... .
1) lake 2) nature 3) village 4) forest

219. If you ..... your time well, you can spend less time doing unnecessary things and do the work faster.
1) go 2) put 3) plan 4) take

220. Tom's speech was so ..... that several people in the audience fell asleep.
1) amazing 2) interesting 3) boring 4) amusing

221. I will do my best to make sure that such mistakes do not happen in ..... .
1) schedule 2) future 3) information 4) expression

222. He's resting today, so ..... he'll feel better tomorrow.
1) carefully 2) orally 3) recently 4) hopefully

Cloze Test

Three cheetah cubs are growing up at the Saint Louis Zoo in Missouri. The cubs were .....223..... in November 2006. They were five months old in April 2007. They are the first cheetahs to be born at the zoo in more than 10 years. "The cubs are doing great," the zoo's cheetah expert, Steve Bircher, told reporters. "They are very active. They are playing with .....224..... and with mom." By raising cheetah cubs, the zoo is working to .....225..... cheetahs from dying out. The zoo is also supporting efforts to protect cheetahs in the wild. "We want children to be aware that cheetahs are .....226....." says Bircher. "It is .....227..... to protect their habitat."

@khanehbook

223 1) held 2) born 3) sent 4) found

224 1) each other 2) another 3) the other 4) the another

225 1) decrease 2) identify 3) injure 4) save

226 1) endangered 2) singular 3) natural 4) regular

227 1) common 2) careless 3) important 4) useless

Reading Comprehension

Passage 1

Scientists think that dinosaurs existed on Earth for almost 200 million years. The most popular theory is that dinosaurs were killed off when an asteroid crashed into southern Mexico 65 million years ago. The asteroid's collision caused earthquakes, fires, and tidal waves. Volcanoes erupted, spewing poisonous gases into the sky and lowering the oxygen level in the oceans. Plants died, removing the food source for plant-eating dinosaurs. As these dinosaurs died, there was no food for meat-eating dinosaurs. In a short period of time, the dinosaurs were gone, and the first mammals began to appear.

Many scientists note that, while the asteroid had a major impact, the Earth's climate had already begun to change. The planet was cooling, and the colder temperatures were likely killing plants. Some scientists claim that mammals already on Earth before the asteroid might have facilitated the extinction by eating dinosaur eggs.

228 **How did the asteroid's impact affect the dinosaurs?**

1) It caused a giant explosion which killed most dinosaurs instantly.

2) It caused a drastic change in their environment which killed off their food.

3) It caused earthquakes and tidal waves.

4) It had little effect on the dinosaurs.

229 **The word "lowering" in the first paragraph is closest in meaning to ..... .**

1) hurting 2) decreasing

3) saving 4) destroying

230 **Which of the following is NOT a possible reason for the extinction of dinosaurs?**

1) The planet was cooling. 2) They ran out of food.

3) Early mammals ate their eggs. 4) Humans caused too much pollution.

231 **When did dinosaurs become extinct?**

1) shortly after the asteroid hit Mexico

2) 200 million years ago

3) shortly before the asteroid hit Mexico

4) 65 million years after the aster[illegible]exico

@khaneh_book

Passage 2

We know a lot about chimpanzees because of Jane Goodall. She studied the apes for over 30 years. She crawled through thick forests in Africa to sit still and watch them. During that time, Jane wrote down what she saw and heard.

We now know that chimpanzees live in friendly groups. They greet each other with a hug and a kiss. Mother chimps tickle their babies and make them laugh. Chimpanzees play games together, and they clean each other. They show their feelings, too. Worried chimpanzees pucker their lips. Scared chimpanzees bare their teeth. Calm and happy chimpanzees smile. And each sound a chimpanzee makes means something. For example, chimpanzees bark when they find food.

Chimpanzees also solve problems. They use sticks as tools to get food they cannot reach. They chew leaves and use them as sponges to sop up water.

232 **Which one is probably Jane Goodall's job?**

1) She raises chimpanzees.
2) She is a zoo vet.
3) She is a scientist.
4) She trains animals.

233 **Based on the passage, which one is true about chimpanzees?**

1) They do not like people.
2) They act like people in some ways.
3) They like to live alone.
4) They sing and dance.

234 **Where do chimpanzees live?**

1) only in zoos
2) in forests
3) in deserts
4) in icy areas

235 **Which one shows that chimpanzees act like people?**

1) They show their teeth when they are scared.
2) They bark when they find food.
3) They pucker their lips when they are worried.
4) They play games together.

@khaneh_book

پاسخ‌های تشریحی

۱ ۳ ورزش فیزیکی می‌تواند از شما در برابر بیماری‌های قلبی محافظت کند.
۱) افزایش دادن؛ افزایش یافتن ۲) پُر کردن
۳) محافظت کردن از؛ نگهداری کردن از ۴) خراب کردن، ویران کردن؛ نابود کردن

۲ ۲ اداره قصد دارد ساعات کاری را از ۲۵ [ساعت] به ۳۰ [ساعت] در هفته افزایش دهد.
۱) محافظت کردن از؛ نگهداری کردن از ۲) افزایش دادن؛ افزایش یافتن
۳) نگه‌داشتن؛ برگزار کردن ۴) [آتش، لامپ و غیره] خاموش کردن

۳ ۲ تام همیشه به نظر خیلی گرفتار می‌رسد و به نظر نمی‌رسد وقت آزاد زیادی داشته باشد.
۱) جای خالی؛ [کاغذ] سفید ۲) آزاد؛ رایگان، مجانی ۳) امن، مطمئن؛ ایمن ۴) حقیقی؛ درست

۴ ۳ بچه‌ها نجات یافتند، اما آتش خانهٔ آن‌ها را ویران کرد.
۱) گرفتن؛ به موقع رسیدن به ۲) درد کشیدن، رنج کشیدن
۳) ویران کردن؛ نابود کردن ۴) صدمه زدن به، آسیب رساندن به

۵ ۴ حس رفتن به سینما را ندارم. بیا به جایش پیاده‌روی کنیم.
۱) اما، ولی ۲) نسبتاً، تقریباً، تا حدودی ۳) سپس، بعد، بعداً ۴) در عوض، به جایش

۶ ۳ هزینهٔ پروژه از زمان ساخت آن بسیار افزایش یافته است.
۱) معرفی کردن؛ عرضه کردن ۲) کامل کردن، تکمیل کردن ۳) افزایش دادن؛ افزایش یافتن ۴) تمام کردن؛ تمام شدن

۷ ۲ طبق گزارشات، در رودبار زمین‌لرزه‌ای اتفاق افتاده است.
۱) پرونده، پوشه، فایل ۲) گزارش ۳) عدد؛ تعداد؛ شماره ۴) الگو؛ طرح

۸ ۳ مجموعهٔ برنامه‌ریزی‌شده‌ای از کارها برای دست‌یافتن به یک چیز، برنامه نامیده می‌شود.
۱) الگو، روند؛ طرح ۲) اعتماد؛ اعتماد به نفس ۳) استراتژی، برنامه، نقشه ۴) تمرین

۹ ۱ افرادی که در این بخش کار می‌کنند، سخت‌کوش هستند و وقت خیلی کمی برای نشستن پشت میز دارند.
۱) سخت‌کوش، پرتلاش ۲) متداول، معمولی؛ مشترک ۳) مفرد ۴) کسل‌کننده، خسته‌کننده

۱۰ ۱ حیوان بسیار بزرگی که در دریا زندگی می‌کند و شبیه ماهی بوده، اما در واقع پستاندار است، نهنگ نامیده می‌شود.
۱) نهنگ ۲) خرس ۳) گرگ ۴) پلنگ

۱۱ ۲ او مثل بسیاری از مردان جوان، به سلامتی‌اش توجه زیادی نمی‌کند.
۱) درست کردن؛ باعث ... شدن ۲) پرداخت کردن، پول دادن (به) ۳) انجام دادن ۴) گرفتن؛ شدن؛ رسیدن

دقت کردن، توجه کردن :pay attention

۱۲ ۳ سیگار کشیدن شانس سرطان گرفتن شما را افزایش می‌دهد.
۱) توضیح دادن، شرح دادن ۲) تولید کردن، ساختن ۳) افزایش دادن؛ افزایش یافتن ۴) نجات دادن؛ [پول] پس‌انداز کردن

۱۳ ۳ افرادی که از اشتباه کردن می‌ترسند، در مکالمهٔ انگلیسی هیچ پیشرفتی نخواهند کرد.
۱) دقت، توجه ۲) اطلاعات ۳) گفت‌وگو، مکالمه ۴) محافظت، نگهداری

۱۴ ۴ همه می‌گویند که کیت نابغه است و آیندهٔ موفقی خواهد داشت.
۱) فکر، ایده؛ عقیده ۲) گذشته ۳) امید، امیدواری ۴) آینده

۱۵ ۲ فکر کنم قبل از خرید کامپیوتر باید هزینه را در نظر بگیریم.
۱) باور داشتن، اعتقاد داشتن ۲) در نظر گرفتن؛ فرض کردن ۳) انتخاب کردن، برگزیدن ۴) شناسایی کردن، شناختن

۱۶ ۳ بچه‌ها بعد از چند روز گم شدن، زنده و سالم پیدا شدند.
۱) منظم، مرتب؛ عادی ۲) شجاع ۳) زنده، در ق... ۴) خوشایند

@khaneh_book

۱۷ ۳ هربار که گونه‌ای منقرض می‌شود، ما برای همیشه بخشی از دنیای طبیعی‌مان را از دست می‌دهیم.
۱) [آتش، لامپ و غیره] خاموش کردن ۲) رشد کردن، بزرگ شدن
۳) منقرض شدن، به کلی نابود شدن ۴) [لباس و غیره] دراوردن؛ [هواپیما و غیره] بلند شدن

۱۸ ۳ در کنسرت تمامی اجراکنندگان فوق‌العاده اجرا کردند.
۱) به سختی، به ندرت ۲) بیشتر، عمدتاً، اساساً ۳) به طرز حیرت‌انگیزی؛ فوق‌العاده ۴) معمولاً، عموماً

۱۹ ۱ A: «جدیدترین نسخهٔ این نرم‌افزار را دارید؟» B: «نه، آن هنوز در ایران در دسترس نیست.»
۱) تازه، اخیر، جدید ۲) متوسط، معمولی، عادی ۳) درست، صحیح ۴) اضافی، بیشتر

۲۰ ۲ معلمم به من گفت که دندان‌هایم را مسواک بزنم و دندان‌پزشکم را مرتباً ببینم.
۱) به طور شفاهی ۲) به طور منظم، مرتباً، مرتب ۳) بدون خطر ۴) اخیراً، به تازگی

۲۱ ۲ فکر می‌کنم برای یک مادر طبیعی است وقتی بچه‌هایش خانه را ترک می‌کنند، احساس ناراحتی کند.
۱) در معرض خطر، به خطر افتاده ۲) طبیعی؛ ذاتی ۳) شگفت‌انگیز؛ عالی، فوق‌العاده ۴) سرگرم‌کننده

۲۲ ۳ سن نامزدها از ۲۹ تا ۴۹ متغیر بود، با سن متوسط ۳۷.
۱) عمیق، گود ۲) نهایی، پایانی ۳) متوسط؛ معمولی، عادی ۴) تمیز؛ مرتب

۲۳ ۳ همه اطلاع دارند که شنا یکی از بهترین شکل‌های ورزش است.
۱) نهایی، پایانی ۲) متوسط؛ معمولی، عادی ۳) متداول، معمولی؛ زیاد، مشترک ۴) جمع
◀ همه خبر داشتن؛ دانستن :be common knowledge

۲۴ ۳ معلم از ما می‌خواهد که کار بر روی این پروژه را تقسیم کنیم.
۱) حرکت کردن؛ حرکت دادن ۲) [گل] چیدن؛ انتخاب کردن ۳) تقسیم کردن، قسمت کردن ۴) پُر کردن

۲۵ ۱ برادر کوچکم در حال بدی بود چون‌که به دلیل هوای بد نمی‌توانست فوتبال بازی کند.
۱) هوا، آب و هوا، وضع هوا ۲) مسابقه؛ کبریت ۳) نکته، مورد ۴) برنامه؛ جدول زمان‌بندی

۲۶ ۴ مهم است از دندان‌هایتان به خوبی مراقبت کنید تا وقتی پیرتر شدید، قادر باشید به خوبی غذا بخورید.
۱) رشد کردن؛ پرورش دادن ۲) درست کردن؛ باعثِ ... شدن ۳) دادن ۴) بردن؛ گرفتن
◀ مراقبت کردن از (کسی / چیزی) :take care of (sb / sth)

۲۷ ۳ به دلیل کار سخت شما بود که توانستیم این کار را سر وقت کامل کنیم.
۱) تقسیم کردن، قسمت کردن ۲) تصمیم گرفتن (که) ۳) کامل کردن، تکمیل کردن ۴) باور داشتن، اعتقاد داشتن

۲۸ ۱ او می‌گوید که هیچ چیزی ندید. با وجود این، باور ندارم آن چیزی که می‌گوید واقعیت باشد.
۱) با این حال، با وجود این ۲) در عوض، به جایش ۳) وقتی (که)، هنگامی (که) ۴) گویی که

۲۹ ۳ A: «آیا می‌دانستید که ماریا دارد ازدواج می‌کند؟» B: «نه، نمی‌دانستم. چه فوق‌العاده.»
۱) امیدوار ۲) امن، مطمئن؛ ایمن ۳) شگفت‌انگیز؛ فوق‌العاده، عالی ۴) مختلف، متفاوت

۳۰ ۱ وقتی بچه شیرها کوچک هستند، مادر با آن‌ها می‌ماند، در حالی که پدر برای غذا شکار می‌کند.
۱) شکار کردن؛ شکار رفتن ۲) بردن؛ گرفتن
۳) به ... صدمه زدن، به ... آسیب رساندن ۴) نجات دادن؛ [پول] پس‌انداز کردن

۳۱ ۴ هفتهٔ قبل برنامهٔ بسیار فشرده‌ای داشتم، اما این هفته تقریباً آزاد هستم.
۱) بیان؛ اصطلاح؛ [چهره] حالت ۲) جدول، چارت ۳) تمرین ۴) برنامه؛ جدول زمان‌بندی

۳۲ ۳ هیچ کس مجبور نشده بود کمک کند؛ آن‌ها همگی به صورت داوطلبانه آن‌جا بودند.
۱) خوشایند ۲) خودخواه؛ خودخواهانه ۳) داوطلبانه ۴) ارزشمند، گران‌بها
◀ به صورت داوطلبانه :on a voluntary basis

۳۳ ۱ فکر خوبی است که زبان و فرهنگ کشوری را [که] قصد دارید از آن دیدن کنید، بررسی کنید.
۱) فکر، ایده؛ نظر ۲) حقیقت، واقعیت ۳) امید، امیدواری ۴) جدول، چارت

@khanehbook

۳۴ ۱ پیدا کردن راه در این شهر کوچک خیلی راحت است. تمام کاری که شما باید انجام دهید نگاه کردن به علائم خیابان است.
۱) آسان، راحت، ساده ۲) سخت، دشوار ۳) ساکت، آرام ۴) خوشایند

۳۵ ۴ پاندای غول‌پیکر که در جنوب غربی چین در طبیعت یافت می‌شود، یکی از به خطر افتاده‌ترین گونه‌های حیوانات است.
۱) امیدوار ۲) تقسیم‌شده ۳) اضافی، بیشتر ۴) در معرض خطر، به خطر افتاده

۳۶ ۲ آن کتاب به سبکی نوشته شد [که] برای سن کودکان مناسب [بود].
۱) سخاوتمند؛ سخاوتمندانه ۲) مناسب، شایسته ۳) ساکت، آرام ۴) در معرض خطر، به خطر افتاده

۳۷ ۲ در کنار جاده ایستادم و دست‌هایم را تکان دادم تا به سایر رانندگان در مورد خطر هشدار دهم.
۱) جنگل ۲) خطر ۳) فکر، ایده؛ عقیده ۴) درد؛ رنج، ناراحتی

۳۸ ۴ ممکن است این قوانین برای بعضی از گونه‌های در معرض خطر، محافظت کافی فراهم نکنند.
۱) عمر، طول عمر ۲) الگو؛ طرح ۳) آینده ۴) محافظت، نگهداری

۳۹ ۲ در حالی‌که دانش‌آموزان زیادی نسبتاً بلند صحبت می‌کردند، شنیدن آن چیزی که معلم می‌گفت سخت بود.
۱) رشد کردن؛ پرورش دادن ۲) شنیدن ۳) تلفن کردن؛ صدا زدن ۴) بردن؛ گرفتن

۴۰ ۲ هر چیزی که در توانم هست انجام خواهم داد تا مطمئن شوم بچه‌هایتان امن هستند.
۱) آسان، ساده ۲) امن، مطمئن؛ ایمن ۳) آسان، راحت، ساده ۴) متداول، معمولی؛ مشترک

۴۱ ۴ حالات چهره پیغام‌های مهمی را منتقل می‌کنند و گاهاً می‌توانند از کلمات قوی‌تر باشند.
۱) سؤال، پرسش، مسئله ۲) گفت‌وگو، مکالمه ۳) توضیح ۴) بیان؛ اصطلاح؛ [چهره] حالت

۴۲ ۱ عموماً این باور وجود دارد که هر روز صبح مقدار مناسبی از ورزش به شما کمک می‌کند سالم بمانید.
۱) معمولاً، عموماً ۲) به آرامی ۳) شجاعانه ۴) اخیراً، به تازگی

۴۳ ۲ شگفت‌انگیز است که او مدال طلای المپیک را در سن نوزده سالگی برد.
۱) خودخواه ۲) شگفت‌انگیز، حیرت‌انگیز ۳) بی‌رحم ۴) امیدوار

۴۴ ۲ الان مهمان داریم. ممکن است کمی منتظر بمانید؟
۱) معدل، میانگین ۲) مهمان؛ بازدیدکننده ۳) خطر ۴) برنامه؛ جدول زمان‌بندی

۴۵ ۳ این اولین کار مناسب سارا است؛ او معمولاً فقط برای پول کار موقت انجام می‌دهد.
۱) بی‌فایده، به دردنخور ۲) سخاوتمند ۳) مناسب، شایسته؛ درست ۴) کسل‌کننده، خسته‌کننده

۴۶ ۱ او برنامه‌ریزی کرد تا هنگام پس‌انداز کردن پول کافی برای رفتن به دانشکدهٔ پزشکی در تهران کار کند.
۱) نجات دادن؛ [پول] پس‌انداز کردن ۲) گزارش دادن
۳) پایان دادن (به)؛ تمام شدن ۴) محافظت کردن از، نگهداری کردن از

۴۷ ۴ تام در تمرین زانوی چپش آسیب دید، بنابراین جان مجبور شد در بازی به جای او بازی کند.
۱) بردن؛ گرفتن ۲) دادن ۳) ترک کردن؛ رها کردن ۴) به ... صدمه زدن، به ... آسیب رساندن

۴۸ ۱ اگر می‌خواهید وزن کم کنید، باید در مورد آن چیزی که می‌خورید مراقب باشید.
۱) [وزن] کم کردن؛ گم کردن؛ از دست دادن ۲) نگه داشتن؛ ادامه دادن (به)
۳) نجات دادن؛ [پول] پس‌انداز کردن ۴) ترک کردن؛ رها کردن

۴۹ ۴ هر چه زمان می‌گذشت، آن‌ها قواعد بیشتری را به بازی اضافه می‌کردند تا آن را ایمن‌تر کنند.
۱) شبکه ۲) نوع، شکل ۳) مثال، نمونه ۴) قاعده، قانون

۵۰ ۱ دولت به دلیل عدم پاسخ‌گویی مناسب به نیازهای افراد بی‌خانمان، سرزنش شده است.
۱) به طور مناسبی، به طور شایسته‌ای ۲) به صورت طبیعی، به طور طبیعی
۳) با بی‌دقتی، با بی‌مبالاتی ۴) به نحو جالبی

۵۱ ۴ خانم براون به بث هشدار داد که اگر درست غذا نمی‌خورد، برای همیشه اضافه وزن می‌گرفت.
۱) به آسانی، به راحتی ۲) با بی‌دقتی ۳) اخیراً، به تازگی ۴) درست؛ به‌طور شایسته

@khaneh_book

۵۲ ۲ ناحیهٔ بزرگی از آب که با خشکی احاطه شده است و به‌جز رودخانه‌ها یا چشمه‌ها به دریا متصل نیست، دریاچه نامیده می‌شود.
۱) اقیانوس ۲) دریاچه ۳) جنگل ۴) دشت، جلگه

۵۳ ۳ هشتاد درصد تمام اطلاعات روی کامپیوترهای سرتاسر جهان به انگلیسی است.
۱) بیان؛ اصطلاح؛ [چهره] حالت ۲) استراتژی، برنامه، نقشه ۳) اطلاعات ۴) دقت، توجه

۵۴ ۴ برای همهٔ ما خیلی مناسب نخواهد بود که الان قبل از این‌که هر تصمیمی بگیریم، در مورد آن بحث کنیم.
۱) مفرد ۲) کسل‌کننده، خسته‌کننده ۳) بی‌قاعده؛ نامنظم ۴) مناسب، شایسته

۵۵ ۱ دانش‌آموزان همیشه چیزهای خوبی را در مورد معلم‌شان می‌گویند، به خصوص وقتی او حضور دارد.
۱) مخصوصاً، به ویژه، به خصوص ۲) امیدوارم که؛ امیدوارانه
۳) به صورت طبیعی، به طور طبیعی ۴) در نهایت، بالاخره

۵۶ ۳ درد شدیدی را احساس کردم و پایین را نگاه کردم تا ببینم که از پایم خون می‌ریزد.
۱) نکته، مورد ۲) دایره ۳) درد ۴) راه؛ روش، شیوه

۵۷ ۲ امیدوار هستم که وقتی هر دو طرف شرایط را بهتر درک کنند، توافق خواهند کرد تا ملاقات کنند و با هم کار کنند.
۱) امن، مطمئن؛ ایمن ۲) امیدوار ۳) علاقه‌مند ۴) اخیر، جدید

۵۸ ۴ او تا همین اواخر قوی‌ترین بانک‌دار شهر بود، اما تعدادی [بانک‌دار] قوی‌تر شروع به کار کرده‌اند.
۱) به صورت طبیعی، به طور طبیعی ۲) معمولاً، عموماً
۳) به طور منظم، مرتباً، مرتب ۴) اخیراً، به تازگی

۵۹ ۱ حالات چهرهٔ شما می‌توانند کمک کنند تا روی بخش‌هایی از صحبت‌هایتان نیز تأکید کنید؛ لبخند زدن یا بالا بردن ابروهایتان را امتحان کنید.
۱) بیان؛ عبارت، اصطلاح؛ [چهره] حالت ۲) وصل، اتصال؛ پیوند
۳) آهنگ کلام، زیر و بمی صدا ۴) گفت‌وگو، مکالمه

◀ تا همین اواخر: until very recently

۶۰ ۳ این نوع از گیاه که در این جا نادر است، عموماً در کوهستان‌های آمریکای جنوبی یافت می‌شود.
۱) در نهایت، بالاخره ۲) بدون خطر ۳) معمولاً، عموماً ۴) عمیقاً؛ به شدت

۶۱ ۴ وقتی که صاحب فروشگاه، کالا را توصیف می‌کرد، به اندازه‌ای که باید، توجه نکرد، بنابراین بعداً متوجه شد چیزی که خریده بود برایش فایدهٔ کمی دارد.
۱) آهنگ کلام، زیر و بمی صدا ۲) استراتژی، برنامه، نقشه ۳) افزایش ۴) دقت، توجه

◀ دقت کردن، توجه کردن: pay attention

۶۲ ۱ او ذاتاً شخصی مهربان و در بین بچه‌های محله‌اش محبوب است.
۱) طبیعت؛ ذات ۲) معدل، میانگین ۳) تمرین ۴) مسابقه؛ کبریت

◀ ذاتاً: by nature

۶۳ ۱ چه خسته باشید، چه نباشید، باید الگوی منظمی از زمان مشخص خوابیدن و بیدار شدن در هر روز را داشته باشید.
۱) الگو؛ طرح ۲) عدد؛ تعداد؛ شماره ۳) گزارش ۴) نمودار، منحنی

۶۴ ۱ A: «چرا تمام عکس‌ها را پایین می‌آوری؟» B: «قصد دارم اتاق را رنگ کنم.»

◀ یکی از کاربردهای be going to برای اشاره به کاری است که قرار است در زمان آینده (به خصوص آیندهٔ نزدیک) با قصد و برنامه‌ریزی قبلی انجام شود.

۶۵ ۲ A: «صورتت کثیف است.» B: «بسیار خُب. آن را می‌شویم.»

◀ از زمان آیندهٔ ساده (شکل سادهٔ فعل + will) می‌توان برای تصمیمات لحظه‌ای (یعنی تصمیماتی که در جا گرفته می‌شوند) استفاده کرد. در واقع، با توجه به این‌که نفر دوم از قبل برنامه‌ای برای شستن صورتش نداشت و بر مبنای صحبت نفر اول تصمیم گرفت صورتش را بشوید، از will استفاده می‌کنیم.

۶۶ ۲ ممکن است پاک‌کن خودت را به من قرض دهی؟ اشتباهی کردم و می‌خواهم آن را درست کنم.

◀ برای اشاره به کاری که در زمان مشخصی از گذشته انجام شده و به اتمام رسیده است از زمان گذشتهٔ ساده استفاده می‌کنیم که شکل صحیح آن برای فعل بی‌قاعدهٔ make به صورت made می‌باشد.

@khaneh_book

۶۷ ۴ الان کامپیوتر را استفاده نمی‌کنم بنابراین شما می‌توانید از آن استفاده کنید.

◀ برای اشاره به کاری که در حال حاضر در حال انجام می‌باشد از زمان حال استمراری (فعل ing‌دار + am / is / are) استفاده می‌شود. البته با توجه به مفهوم جمله، در این‌جا فعل حال استمراری به صورت منفی مدنظر است.

۶۸ ۱ A: «ممکن است لطفاً به تلفن جواب دهید؟» B: «شرمنده، دارم کار می‌کنم.»

◀ یکی از کاربردهای زمان آیندهٔ ساده (البته به صورت سؤالی) برای انجام درخواست و تقاضا می‌باشد.

۶۹ ۲ جان هر شب، شیر می‌خورد، اما الان چای می‌خورد.

◀ برای اشاره به کاری که طبق عادت همواره انجام می‌شود، از زمان حال ساده استفاده می‌شود که شکل صحیح آن برای فاعل سوم شخص مفرد (مثل John)، در گزینه‌های (۱) و (۲) آمده است. در مورد کاری که در همین لحظه در حال انجام است، از زمان حال استمراری استفاده می‌کنیم که شکل صحیح آن برای فاعل سوم شخص مفرد در جالی خالی دوم در گزینهٔ (۲) و (۳) آمده است.

۷۰ ۳ A: «سمیرا چه چیزی می‌خواند؟» B: «پزشکی. او در چند سال [آینده] دکتر خواهد شد.»

◀ برای اشاره به واقعیت‌های مربوط به آینده و کارهایی که فکر می‌کنیم حتماً در آینده اتفاق خواهند افتاد، از زمان آیندهٔ ساده (شکل سادهٔ فعل + will) استفاده می‌کنیم.

۷۱ ۳ A: «چرا آن‌قدر شکر نیاز دارید؟» B: «قصد دارم کیک درست کنم.»

◀ یکی از کاربردهای be going to برای اشاره به کاری است که قرار است در زمان آینده (به‌خصوص آیندهٔ نزدیک) با قصد و برنامه‌ریزی قبلی انجام شود. دقت کنید که شکل مناسب فعل be برای فاعل I، به صورت am می‌باشد.

۷۲ ۲ در سال ۲۰۳۰، همهٔ دانش‌آموزان در مدرسه کامپیوترهای خودشان را خواهند داشت.

◀ وقتی که در مورد آینده صرفاً بر مبنای نظر شخصی خودمان پیش‌بینی انجام می‌دهیم، بدون این‌که برای این پیش‌بینی نشانهٔ خاصی وجود داشته باشد، از زمان آیندهٔ ساده (شکل سادهٔ فعل + will) استفاده می‌شود.

۷۳ ۴ A: «دارد خوابم می‌برد. باید بیدار بمانم!» B: «برایت یک فنجان قهوه درست می‌کنم. آن کمکت خواهد کرد.»

◀ از زمان آیندهٔ ساده (شکل سادهٔ فعل + will) می‌توان برای تصمیمات لحظه‌ای (یعنی تصمیماتی که در جا گرفته می‌شوند) استفاده کرد. در واقع، با توجه به این‌که نفر دوم از قبل برنامه‌ای برای درست کردن قهوه نداشت و بر مبنای صحبت نفر اول تصمیم گرفت برایش قهوه درست کند، از will استفاده می‌کنیم.

۷۴ ۴ بسیاری از دانشمندان بر این باورند که یک میلیون از گونه‌هایی که امروز زنده هستند، در بیست سال [آینده] منقرض خواهند شد.

◀ برای اشاره به کاری که در زمان مشخصی از آینده اتفاق خواهد افتاد و یا شرایطی که در زمان مشخصی از آینده وجود خواهد داشت، از زمان آیندهٔ ساده (شکل سادهٔ فعل + will) استفاده می‌شود. دقت کنید که بعد از فعل become (شدن) از صفت (extinct) استفاده می‌شود، نه اسم (extinction).

۷۵ ۲ A: «کیف پولم را در خانه فراموش کردم.» B: «نگران نباش. اگر دوست داری به تو مقداری پول قرض می‌دهم.»

◀ با توجه به وجود اسم (wallet) قبل از جای خالی و وجود رابطهٔ مالکیت در جای خالی اول، در جای خالی اول به صفت ملکی (my) نیاز داریم. در مورد جای خالی دوم دقت کنید که از زمان آیندهٔ ساده (شکل سادهٔ فعل + will) می‌توان برای تصمیمات لحظه‌ای (یعنی تصمیماتی که در جا گرفته می‌شوند) استفاده کرد. در واقع، با توجه به این‌که نفر دوم از قبل برنامه‌ای برای قرض دادن پول نداشت و بر مبنای صحبت نفر اول تصمیم گرفت به او پول قرض دهد، از will استفاده می‌کنیم.

۷۶ ۴ او خیلی سخت‌کوش است. فکر کنم خیلی موفق خواهد بود.

◀ وقتی که در مورد آینده صرفاً بر مبنای نظر شخصی خودمان پیش‌بینی انجام می‌دهیم، از زمان آیندهٔ ساده (شکل سادهٔ فعل + will) استفاده می‌شود. البته همین جمله با کمی تغییر معنی با be going to هم قابل بیان بود که آن را در گزینه‌ها نداریم.

۷۷ ۴ چون می‌خواهم در انگلیسی نمرهٔ بهتری بگیرم، در آینده بیشتر درس خواهم خواند.

◀ با توجه به کاربرد a قبل از جای خالی اول، در جای خالی اول به اسم مفرد (در این‌جا mark) نیاز داریم. در مورد جای خالی دوم دقت کنید که برای اشاره به کارهایی که قرار است در زمان مشخصی از آینده انجام شوند، از زمان آیندهٔ ساده (شکل سادهٔ فعل + will) استفاده می‌کنیم.

۷۸ ۴ A: «قهوه را ترجیح می‌دهید یا چای را؟» B: «مقداری قهوه می‌خورم، لطفاً.»

◀ از زمان آیندهٔ ساده (شکل سادهٔ فعل + will) می‌توان برای تصمیمات لحظه‌ای (یعنی تصمیماتی که در جا گرفته می‌شوند) استفاده کرد. در واقع، با توجه به این‌که نفر دوم از قبل برنامه‌ای برای خورد[illegible]شت و بر مبنای پیشنهاد[illegible]صمیم گرفت قهوه بخورد، از will استفاده می‌کنیم.

@khanenbook

۷۹ ۳ مراقب این چاقوها باشید! آن‌ها خیلی تیز هستند.

◀ با توجه به کاربرد they در جملهٔ دوم، در جای خالی به اسم جمع (در این‌جا knives) نیاز داریم. دقت کنید که اسم جمع knives را فقط می‌توان با صفت‌های اشارهٔ جمع (these / those) استفاده کرد، نه صفت‌های اشارهٔ مفرد (this / that).

۸۰ ۴ فردا تولد من است. به جشن تولدم خواهید آمد؟

◀ از زمان آیندهٔ ساده می‌توان برای ارائهٔ پیشنهاد و همین‌طور ارائهٔ درخواست و تقاضا استفاده کرد.

۸۱ ۲ شنبهٔ هفتهٔ قبل، پدرم، من و دوستانم را به باغ وحش برد. ما حیوانات وحشی زیادی را دیدیم.

◀ هر دو جای خالی به کارهایی اشاره دارند که در زمان مشخصی از گذشته (در این تست شنبهٔ هفتهٔ گذشته) انجام شده‌اند و به اتمام رسیده‌اند. بنابراین در هر دو مورد به زمان گذشتهٔ ساده نیاز داریم که شکل صحیح آن‌ها در گزینهٔ (۲) آمده است.

۸۲ ۲ A: «بچه‌ها کجا هستند.» B: «مطمئن نیستم، اما فکر می‌کنم بیرون بازی می‌کنند.»

◀ با توجه به کاربرد they در جملهٔ دوم، اسم مورد نظر در جملهٔ اول نیز به صورت جمع (children) مدنظر است. دقت کنید که برای اشاره به کاری که در حال حاضر در حال انجام می‌باشد، از زمان حال استمراری (در این‌جا are playing) استفاده می‌شود.

۸۳ ۳ هیچ ابری در آسمان نیست. امیدوارم که روز گرم دیگری باشد.

◀ وقتی که در مورد آینده بر مبنای نشانه‌های موجود (در این‌جا وجود نداشتن هیچ ابری در آسمان)، پیش‌بینی انجام می‌دهیم، برای انجام پیش‌بینی از ساختار be going to استفاده می‌شود. دقت کنید که was going to be در گزینهٔ (۴) به انجام پیش‌بینی در گذشته اشاره دارد و با توجه به معنی جمله، در این‌جا نمی‌تواند صحیح باشد.

۸۴ ۲ قصد دارم آخر این هفته ماشین جدیدی بخرم، اما کمی نگران هستم چون که در مورد ماشین‌ها واقعاً چیز زیادی نمی‌دانم.

◀ یکی از کاربردهای be going to برای اشاره به کاری است که قرار است در زمان آینده (به خصوص آیندهٔ نزدیک) با قصد و برنامه‌ریزی قبلی انجام شود. در مورد جای خالی دوم، علاوه بر این‌که از نظر معنایی در این‌جا به اسم جمع (cars) نیاز داریم، دقت به این مورد نیز ضروری است که اسم مفرد (car) به تنهایی به کار نمی‌رود و همراه آن از مواردی مثل حروف تعریف، صفت‌های اشاره، صفت‌های ملکی یا کمیت‌سنج‌ها استفاده می‌گردد.

۸۵ ۴ ممکن است لطفاً کنار بروید؟ نمی‌توانم تلویزیون را تماشا کنم.

◀ از زمان آیندهٔ ساده می‌توان برای ارائهٔ پیشنهاد و همین‌طور ارائهٔ درخواست و تقاضا استفاده کرد. دقت کنید که television در جملهٔ دوم، برای گوینده و شنونده معرفه و شناخته شده است و بنابراین حرف تعریف مناسب برای آن the می‌باشد، نه a.

۸۶ ۱ فکر نمی‌کنم هرگز مثل یک سخنگوی بومی به نظر برسم، هر چه‌قدر که تلاش کنم.

◀ با توجه به ساختار خبری جمله، فاعل یا ضمیر فاعلی (در این‌جا I) باید پیش از will به کار رود (یکی از گزینه‌های ۱ و ۴). به دلیل این‌که در این‌جا native speaker (سخنگوی بومی) به شخص خاصی اشاره ندارد، معرفه به حساب نمی‌آید و پیش از آن a استفاده می‌شود، نه the.

۸۷ ۱ شرمنده‌ام [که] نمی‌توانم بشنوم چه چیزی می‌گویید چون‌که همه خیلی بلند حرف می‌زنند.

◀ برای اشاره به کاری که در حال حاضر در حال انجام می‌باشد، از زمان حال استمراری استفاده می‌کنیم که شکل صحیح آن در گزینهٔ (۱) آمده است.

۸۸ ۲ بچه‌ها نیم ساعت قبل به تخت‌خواب رفتند. آن‌ها الان خواب هستند.

◀ برای اشاره به کاری که در زمان مشخصی از گذشته (نیم ساعت قبل) انجام شده و به اتمام رسیده است، به زمان گذشتهٔ ساده نیاز داریم که شکل مناسب آن برای فعل بی‌قاعدهٔ go به صورت went می‌باشد. در جای خالی دوم، از زمان حال استمراری استفاده می‌شود، چون‌که فعل مورد نظر در حال حاضر در حال انجام می‌باشد.

۸۹ ۲ A: «چرا همهٔ این افراد این‌جا جمع شده‌اند؟» B: «رئیس‌جمهور قصد دارد بیمارستان جدید را تا یک ساعت افتتاح کند.»

◀ یکی از کاربردهای be going to برای اشاره به کاری است که قرار است در زمان آینده (به خصوص آیندهٔ نزدیک) با قصد و برنامه‌ریزی قبلی انجام شود.

۹۰ ۲ اجازه بدهید بنشینم! بیست ساعت است سرپا بوده‌ام.

◀ در جای خالی اول با توجه به مفهوم جمله و در جای خالی دوم با توجه به کاربرد twenty (بیست)، به اسم جمع (در این‌جا feet و hours) نیاز داریم. دقت کنید که کاربرد حروف تعریف (the / a / an) در کنار صفت‌های ملکی (در این‌جا my) صحیح نیست.

۹۱ ۱ A: «هفتهٔ بعد برنامه‌هایت چیست؟» B: «قصد دارم به سفر کاری به نیویورک بروم. شاید دوشنبه اما هنوز بلیت ندارم.»

◀ با توجه به کاربرد اسم (plans) بعد از جای خالی اول و وجود رابطهٔ مالکیت بین آن و کلمهٔ جای خالی، در جای خالی اول به صفت ملکی (در این‌جا your) نیاز داریم. در جای خالی دوم از be going to استفاده می‌شود، چراکه برای اشاره به کاری که قرار است در زمان آینده (به خصوص آیندهٔ نزدیک) با قصد و برنامه‌ریزی قبلی انجام شود، ای[illegible] ا به کار می‌بریم.

@khanenbook

۹۲ ۱ «کی به خانه برمی‌گردید؟» «پنج‌شنبهٔ هفتهٔ بعد برخواهم گشت.»

◄ با توجه به کاربرد کلمهٔ پرسشی when یا what time در ابتدای همهٔ گزینه‌ها، فقط گزینه‌هایی می‌توانند صحیح باشند که در آن‌ها، will و to be به قبل از فاعل (یعنی you) منتقل شده‌اند. بنابراین در بین گزینه‌های این تست، فقط گزینه‌های (۱) و (۲) می‌توانند صحیح باشند. از آن‌جایی که was / were going to (گزینهٔ ۲) به قصد و برنامه‌ریزی در زمان گذشته اشاره دارد، این گزینه نیز با مفهوم جمله منطبق نیست. همان‌طور که پیش‌تر نیز گفته شد از will (آیندهٔ ساده) می‌توان برای اشاره به کاری استفاده کرد که در زمان آینده انجام خواهد شد.

۹۳ ۴ A: «قصد دارید تعطیلاتتان را در کجا بگذرانید؟» B: «هنوز نمی‌دانم. شاید تابستان بعد به ایتالیا برویم.»

◄ برای اشاره به کاری که احتمال دارد در زمان مشخصی از آینده اتفاق بیفتد و یا شرایطی که ممکن است در زمان مشخصی از آینده وجود داشته باشد، از زمان آیندهٔ ساده (شکل سادهٔ فعل + will) استفاده می‌شود. دقت کنید که Italy (ایتالیا) یک اسم خاص است و همان‌طور که گفته شد، همراه اسامی خاص اصولاً از حروف تعریف (a / an / the) استفاده نمی‌شود.

۹۴ ۱ لطفاً دهانتان را کامل باز کنید. می‌خواهم تمام دندان‌هایتان را ببینم.

◄ کاربرد all قبل از جای خالی نشان می‌دهد اسم tooth (دندان) را به صورت جمع نیاز داریم (یعنی teeth). علاوه بر این، به دلیل وجود رابطهٔ مالکیت در جای خالی، در این‌جا صفت ملکی (your) مدنظر است.

۹۵ ۳ آن برای یک نفر بسیار سنگین است، کمکتان خواهم کرد.

◄ از زمان آیندهٔ ساده (شکل سادهٔ فعل + will) می‌توان برای تصمیمات لحظه‌ای (یعنی تصمیماتی که درجاگرفته می‌شوند) استفاده کرد. در واقع با توجه به این‌که گویندهٔ جمله از قبل برنامه‌ای برای کمک کردن نداشت و بر مبنای شرایط موجود تصمیم گرفت به کسی کمک کند، از will استفاده می‌کنیم.
دقت کنید که عبارت give sb a hand حالت تایی دارد و به معنی «کمک کردن به کسی» می‌باشد.

۹۶ ۱ A: «شنیدم عصر به کلاس اسپانیایی می‌روی؟» B: «آره، قصد دارم بهار سال بعد به اسپانیا سفر کنم و فکر کردم دانستن کمی اسپانیایی سفر را آسان‌تر خواهد کرد.»

◄ یکی از کاربردهای be going to برای اشاره به کاری است که قرار است در زمان آینده (به خصوص آیندهٔ نزدیک) با قصد و برنامه‌ریزی قبلی انجام شود.
دقت کنید که در این تست، trip (سفر) برای گوینده و شنونده معرفه و شناخته شده است و بنابراین حرف تعریف مناسب برای آن the می‌باشد، نه a.

۹۷ ۳ A: «کلاس فردا صبح در چه ساعتی آغاز می‌شود؟» B: «فکر کنم به جای ساعت ۹:۳۰، ساعت ۱۰:۳۰ شروع خواهد شد.»

◄ وقتی برای انجام کاری در زمان آینده، برنامه‌ریزی رسمی وجود داشته باشد و آن کار طبق برنامه‌ریزی رسمی، در زمان خاصی از آینده انجام شود، به جای زمان آیندهٔ ساده، می‌توان از زمان حال ساده هم استفاده کرد. در این تست با توجه به این‌که شروع کلاس در آینده، طبق برنامه‌ریزی دقیقی است، هم می‌توان از حال ساده استفاده کرد و هم آیندهٔ ساده. بنابراین همان‌طور که می‌بینید در جای خالی اول از زمان حال ساده استفاده شده است و در جای خالی دوم از زمان آیندهٔ ساده.

۹۸ ۲ او (مؤنث) به او (مذکر) چند کتاب نشان داد که در قفسهٔ بالای کتابخانه بودند.

◄ در جای خالی اول، با توجه به کاربرد several (چند، چندین)، اسم book (کتاب) را به صورت جمع (books) نیاز داریم. در مورد جای خالی دوم نیز دقت کنید که چون top shelf of the bookcase (قفسهٔ بالای کتابخانه) برای گوینده و شنونده معرفه و معلوم است، حرف تعریف مناسب برای آن the می‌باشد، نه a.

۹۹ ۴ A: «چند سال دارید؟» B: «تا چند ماه سی و پنج ساله خواهم شد.»

◄ برای اشاره به واقعیت‌های مربوط به آینده و کارهایی که فکر می‌کنیم حتماً در آینده اتفاق خواهند افتاد از زمان آیندهٔ ساده (شکل سادهٔ فعل + will) استفاده می‌شود.

۱۰۰ ۳ او سخت تلاش می‌کند تا انگلیسی یاد بگیرد، فکر می‌کنم او در چند ماه قادر خواهد بود انگلیسی را روان صحبت کند.

◄ وقتی‌که در مورد آینده صرفاً بر مبنای نظر شخصی خودمان پیش‌بینی انجام می‌دهیم، بدون این‌که برای این پیش‌بینی نشانهٔ خاصی وجود داشته باشد، از زمان آیندهٔ ساده (شکل سادهٔ فعل + will) استفاده می‌شود. علاوه بر این، با توجه به کاربرد a few (چند) قبل از جای خالی دوم، month (ماه) به صورت جمع (months) مدنظر می‌باشد.

۱۰۱ ۳ امیر از دفتر کارش بیرون آمد در حالی‌که چند جعبه را حمل می‌کرد.

◄ با توجه به کاربرد office (اداره، دفتر کار) بعد از جای خالی اول و وجود رابطهٔ مالکیت بین آن و کلمهٔ جای خالی اول، در جای خالی اول به صفت ملکی نیاز داریم که شکل صحیح آن برای Amir (امیر)، his می‌باشد. علاوه بر این، با توجه به کاربرد a couple of (چند) قبل از جای خالی دوم، box (جعبه) به صورت جمع (boxes) باشد.

@khanehbook

۱۰۲ ۱ A: «سقف این اتاق خیلی امن به نظر نمی‌رسد، درست است؟» B: «نه، به نظر می‌رسد که گویی قرار است بریزد.»

◄ وقتی که در مورد آینده، بر مبنای نشانه‌های موجود (در این‌جا امن به نظر نرسیدن سقف)، پیش‌بینی انجام می‌دهیم، برای انجام پیش‌بینی از ساختار be going to استفاده می‌شود.

۱۰۳ ۳ برادرم هرگز کاری را که مادرمان به ما می‌گوید انجام دهیم، انجام نمی‌دهد.

◄ از زمان حال ساده می‌توان برای اشاره به کارهایی استفاده کرد که از روی عادت و یا همواره انجام می‌شوند. دقت کنید که در زمان حال ساده، قید تکرار (در این‌جا never) قبل از فعل اصلی (does) استفاده می‌شود.

۱۰۴ ۱ بیشتر خانم‌های خانه‌دار روزی بیشتر از ده ساعت در خانه کار می‌کنند.

◄ در جای خالی اول، با توجه به کاربرد most (بیشتر)، housewife (خانم خانه‌دار) را به صورت جمع نیاز داریم که شکل صحیح آن housewives می‌باشد. در مورد جای خالی دوم نیز دقت کنید که با توجه به این‌که day (روز) به روز خاصی اشاره ندارد، نکره به حساب می‌آید و حرف تعریف مناسب برای آن a خواهد بود، نه the.

۱۰۵ ۳ او پارسال پدر و مادرش را از دست داد. او در حال حاضر با عمویش زندگی می‌کند تا این‌که مدرسه را شروع کند.

◄ برای اشاره به کار و عملی که در حال حاضر در حال انجام می‌باشد، از زمان حال استمراری (فعل ing‌دار + am / is / are) استفاده می‌شود. با توجه به کاربرد for the time being (در حال حاضر)، در این‌جا از این زمان (حال استمراری) استفاده می‌شود.

۱۰۶ ۱ در یک روز معمولی، یک شخص عادی حدود ۴۸۰۰ کلمه تکلم می‌کند.

◄ برای اشاره به حقایق کلی و یا کارهایی که از روی عادت انجام می‌شوند، از زمان حال ساده استفاده می‌کنیم. در این تست، شکل صحیح فعل در زمان حال ساده، برای فاعل سوم شخص مفرد (the average person)، speaks می‌باشد.

۱۰۷ ۴ A: «فکر می‌کنید فردا هوا چه‌طور خواهد بود؟» B: «پیش‌بینی افتلی است.»

◄ به طور کلی برای انجام پیش‌بینی در مورد زمان آینده می‌توان از زمان آیندهٔ ساده (شکل سادهٔ فعل + will) استفاده کرد.

۱۰۸ ۱ قصد دارم این کفش‌ها را با این کُت بپوشم. آن‌ها را با هم دوست داری؟

◄ بعد از these (به عنوان صفت اشارهٔ جمع) به اسم جمع (در این‌جا shoes) نیاز داریم. اما قبل از jacket (کُت) که یک اسم مفرد است، به صفت اشارهٔ مفرد (this یا that) نیاز است.

۱۰۹ ۱ A: «نگاه کن! از آن خانه دود می‌آید. آتش گرفته است!» B: «خدای من! فوراً به آتش‌نشانی زنگ خواهم زد.»

◄ در جملهٔ اول، قبل از اسم مفرد (house) به ضمیر اشارهٔ مفرد (this / that) نیاز داریم. در مورد جای خالی دوم، دقت کنید که برای اشاره به تصمیمات لحظه‌ای (یعنی تصمیماتی که درجا گرفته می‌شوند)، از زمان آیندهٔ ساده (شکل سادهٔ فعل + will) استفاده می‌شود.

۱۱۰ ۲ دربارهٔ سفر ماه بعد خودمان به فرانسه خیلی هیجان‌زده هستیم. قصد داریم از پاریس، نیس و گرونوبل دیدن کنیم.

◄ France (کشور فرانسه) اسم خاص است. اصولاً قبل از اسامی خاص، از حروف تعریف (a، an و the) استفاده نمی‌شود. در مورد جای خالی دوم دقت کنید که یکی از کاربردهای be going to برای اشاره به کاری است که قرار است در زمان آینده (به خصوص آیندهٔ نزدیک) با قصد و برنامه‌ریزی قبلی انجام شود.

۱۱۱ ۴ A: «وای، آن بیرون یخ زده است.» B: «کمی قهوه درست می‌کنم تا گرممان کند. یک تکه کیک هم می‌خواهی؟»

◄ از زمان آیندهٔ ساده (شکل سادهٔ فعل + will) می‌توان برای تصمیمات لحظه‌ای (یعنی تصمیماتی که درجا گرفته می‌شوند) استفاده کرد. در واقع، با توجه به این‌که نفر دوم از قبل برنامه‌ای برای درست کردن قهوه نداشت و بر مبنای صحبت نفر اول تصمیم گرفت قهوه درست کند، از will استفاده می‌کنیم. علاوه بر این، piece در جای خالی دوم مفرد و نکره است و در نتیجه پیش از آن به a نیاز داریم.

۱۱۲ ۱ تام هوادار فوتبال است و امروز عصر در تلویزیون یک مسابقهٔ فوتبال هست. مسابقه ساعت ۷:۳۰ شروع و ساعت ۹:۱۵ تمام می‌شود.

◄ با توجه به مفهوم جمله، football match (مسابقهٔ فوتبال) نکره است و معلوم نیست به کدام مسابقهٔ فوتبال اشاره دارد. در مورد جاهای خالی دوم و سوم دقت کنید که وقتی برای انجام کاری در زمان آینده، برنامه‌ریزی رسمی وجود داشته باشد و آن کار طبق برنامه‌ریزی رسمی، در زمان خاصی از آینده انجام شود، به جای زمان آیندهٔ ساده از زمان حال ساده هم می‌توان استفاده کرد. در این تست، با توجه به این‌که شروع و پایان مسابقهٔ فوتبال، طبق برنامه‌ریزی زمانی دقیقی است، در هر دو مورد از زمان حال ساده هم می‌توان استفاده کرد (گزینهٔ ۱).

۱۱۳ ۳ سارا الان نمی‌تواند با تلفن صحبت کند چون‌که ظرف‌ها را می‌شوید.

◄ برای اشاره به کاری که در حال حاضر در حال انجام می‌باشد، از زمان حال استمراری استفاده می‌کنیم که شکل صحیح آن برای فاعل سوم شخص مفرد (در این‌جا Sara / she) در گزینهٔ (۳) آمده است.

@khanehketab

۱۱۴ ۴ در حیاط پشتی یک خرس بزرگ هست. فکر کنم آن خرس دنبال چیزی برای خوردن می‌گردد.

◀ در جای خالی اول، bear (خرس) برای گوینده و شنونده نکره و نامعلوم است. بنابراین در جای خالی اول، از حرف تعریف نامعلوم a استفاده می‌شود. در مورد جای خالی دوم، با توجه به این‌که backyard (حیاط پشتی) برای گوینده و شنونده معلوم است، قبل آن از حرف تعریف معین the استفاده می‌شود. با توجه به این‌که bear (خرس) در جملهٔ اول استفاده شده، در جملهٔ دوم معرفه به حساب می‌آید، و قبل از آن از حرف تعریف معین the استفاده می‌کنیم.

۱۱۵ ۱ A: «آخر هفتهٔ بعد چه‌کار خواهید کرد؟» B: «بستگی دارد. اگر هوا خوب باشد، به باغ‌وحش خواهیم رفت.»

◀ با توجه به مفهوم جمله، کلمهٔ پرسشی مناسب برای جای خالی اول what (چه، چه‌چیزی) است (گزینه‌های ۱ و ۴). دقت کنید که بعد از will، فعل اصلی همواره به شکل ساده مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۱۱۶ ۴ قصد داشتم دیشب برای [رفتن به] خانه تاکسی بگیرم، اما پول کافی نداشتم، پس مجبور بودم پیاده بروم.

◀ در صورتی‌که در ساختار be going to، در جایگاه be از was یا were استفاده شود، به قصد و برنامه‌ریزی در زمان گذشته اشاره خواهد داشت. در این تست، طبق مفهوم جمله، شخص در گذشته قصد داشته کاری را انجام دهد، اما به دلیل نداشتن پول نتوانسته است آن کار را انجام دهد.

۱۱۷ ۴ A: «وقتی بزرگ شوی چه‌کاره خواهی شد؟» B: «نویسندهٔ بسیار مشهوری خواهم شد.»

◀ وقتی‌که در مورد آینده صرفاً بر مبنای نظر شخصی خودمان پیش‌بینی انجام می‌دهیم، بدون این‌که برای پیش‌بینی نشانهٔ خاصی وجود داشته باشد، از زمان آیندهٔ ساده (شکل سادهٔ فعل + will) استفاده می‌شود. در هر دو جای خالی این تست، شخص در مورد آینده بدون وجود نشانه‌ای خاص پیش‌بینی انجام می‌دهد و will صحیح می‌باشد. دقت کنید که برای پرسش در مورد شغل افراد، از what استفاده می‌شود، نه which.

۱۱۸ ۲ آن‌جا را نگاه کن! آن پسرها وسط خیابان چه‌کار می‌کنند؟

◀ برای اشاره به کاری که در زمان حال، در حال انجام می‌باشد، از زمان حال استمراری استفاده می‌کنیم. دقت کنید که در زمان حال استمراری، برای سؤالی کردن جمله، فعل to be (am، is و are) را به قبل از فاعل (در این‌جا the boys) منتقل می‌کنیم.

۱۱۹ ۴ A: «می‌بخشید، باید در مورد اتاق هتل‌مان با کسی صحبت کنم. متأسفانه آن برای چهار نفر صرفاً خیلی کوچک است.»
B: «آقایی که در دفتر خدمات است به شما کمک خواهد داد.»

◀ از زمان آیندهٔ ساده (شکل سادهٔ فعل + will) می‌توان برای تصمیمات لحظه‌ای (یعنی تصمیماتی که به صورت آنی گرفته می‌شوند) استفاده کرد. در واقع، با توجه به این‌که شخص دوم در جواب به شخص اول به این شکل پاسخ می‌دهد، از will استفاده می‌کنیم.

۱۲۰ ۳ همسر او مجبور بود از پدربزرگش مراقبت کند. او همچنین مجبور بود از دو بچهٔ کوچکشان مراقبت کند.

◀ با توجه به مفهوم جمله و کاربرد her بعد از جای خالی، اسم wife را به صورت مفرد نیاز داریم (گزینه‌های ۱ و ۳). ولی در جای خالی دوم، با توجه به کاربرد two اسم child را به صورت جمع (children) نیاز داریم.

۱۲۱ ۴ A: «نگاه کن! از دستگاه فتوکپی دود بیرون می‌آید.» B: «تو آن را خاموش کن و من به مأمور ایمنی زنگ می‌زنم.»

◀ از زمان آیندهٔ ساده (شکل سادهٔ فعل + will) می‌توان برای تصمیمات لحظه‌ای (یعنی تصمیماتی که به صورت آنی گرفته می‌شوند) استفاده کرد. در واقع، با توجه به این‌که نفر دوم از قبل برنامه‌ای برای زنگ زدن به افسر ایمنی نداشت و بر مبنای شرایط موجود (بلند شدن دود از دستگاه فتوکپی) تصمیم گرفت این کار را انجام دهد، از will استفاده می‌کنیم.

۱۲۲ ۱ قصد داشتیم یک تلویزیون نو بخریم، اما شوهرم تلویزیون قدیمی را خودش تعمیر کرد.

◀ در صورتی‌که در ساختار be going to، در جایگاه be از was یا were استفاده شود، به قصد و برنامه‌ریزی در زمان گذشته اشاره خواهد داشت. در این تست، طبق مفهوم جمله، گوینده در گذشته قصد داشته یک تلویزیون نو بخرد، اما چون تلویزیون کهنه تعمیرشده، از انجام این تصمیم منصرف شده است.

۱۲۳ ۱ این‌جا آمدم تا فقط به شما بگویم که قادر نخواهم بود در جلسهٔ این هفته شرکت کنم؛ آیا می‌توانیم تاریخ جلسه را تغییر دهیم؟

◀ وقتی در مورد کاری صحبت می‌کنیم که قرار است در زمان آینده انجام شود (یا مثل همین تست، در زمان آینده قابل انجام نیست)، از زمان آیندهٔ ساده (شکل سادهٔ فعل + will) استفاده می‌شود. دقت کنید که گزینهٔ (۲) علی‌رغم صحیح بودن از نظر ساختار گرامری، به دلیل مثبت بودن، از نظر معنایی در این جمله صحیح نیست.

@khaneh_book

۱۲۴ ۳ A: «آیا با قطار سفر کردید؟» B: «نه، قصد داشتم با قطار سفر کنم، اما نظرم را عوض کردم و به جایش با اتوبوس سفر کردم.»

◄ در صورتی‌که در ساختار be going to، در جایگاه be از was یا were استفاده شود، به قصد و برنامه‌ریزی در زمان گذشته اشاره خواهد داشت. در این تست، طبق مفهوم جمله، گوینده در گذشته قصد داشته با قطار سفر کند، بنابراین در جای خالی اول از was going to استفاده کردیم. دقت کنید با توجه به این‌که جای خالی دوم به انجام کاری اشاره دارد که در زمان مشخصی از گذشته انجام شده است، در جای خالی دوم به فعل در زمان گذشتهٔ ساده (در این‌جا traveled) نیاز داریم.

۱۲۵ ۳ من سه روز پیش به بوستون رسیدم، اما بقیهٔ خانواده تا فردا به این‌جا نخواهند رسید.

◄ در جای خالی اول، به انجام کاری اشاره شده که در زمان مشخصی از گذشته (در این‌جا سه روز قبل) انجام شده، بنابراین در این جای خالی به یک فعل گذشتهٔ ساده (در این تست arrived) نیاز داریم. اما طبق مفهوم جمله، جای خالی دوم به انجام کاری اشاره دارد که در زمان آینده (فردا) انجام خواهد شد، بنابراین در جای خالی دوم به فعل در زمان آیندهٔ ساده (شکل سادهٔ فعل + will) نیاز داریم که در این‌جا شکل منفی آن مدّنظر است.

۱۲۶ ۳ وقتی به تهران رسیدی به دوستم حمید زنگ بزن. او همه جای شهر را به تو نشان خواهد داد و کمک خواهد کرد جا بیفتی.

◄ یکی از کاربردهای زمان حال ساده برای اشاره به زمان آینده (مثل arrive در این تست) در صورتی است که بخواهیم بعد از کلماتی مثل when، after و until از فعلی استفاده کنیم که اشارهٔ آن به زمان آینده است. در مورد جای خالی دوم دقت کنید که در این مورد، با توجه به این‌که فعل به عملی اشاره دارد که در آینده انجام خواهد شد، از فعل آیندهٔ ساده (شکل سادهٔ فعل + will) استفاده می‌کنیم.

۱۲۷ ۲ متأسفم آقای افشار تا ساعت ۶ به کلینیک برنخواهد گشت. اگر دوست داشته باشید می‌توانید برای او پیغام بگذارید.

◄ با توجه به مفهوم جمله و کاربرد I'm sorry (متأسفم) در ابتدای آن، فعل آیندهٔ ساده به صورت منفی (won't be) مدنظر است. دقت کنید که در جای خالی دوم به مفعول نیاز داریم و بنابراین به جای آن می‌توان از ضمیر مفعولی (در این‌جا him) استفاده کرد، نه ضمیر فاعلی (he) یا صفت ملکی (his).

۱۲۸ ۱ A: «اوه، به آن کوه ظرف‌های کثیف نگاه کن! چه کسی همهٔ آن‌ها را خواهد شست؟» B: «قول می‌دهم وقتی از کار به خانه برسم، آن‌ها را خواهم شست.»

◄ در جای خالی اول، کلمهٔ پرسشی (who / whom) نقش فاعلی دارد و گوینده می‌خواهد بداند چه کسی انجام‌دهندهٔ این کار خواهد بود، بنابراین از who استفاده می‌شود، نه whom. در مورد جای خالی دوم نیز دقت کنید که از زمان آیندهٔ ساده (شکل سادهٔ فعل + will) می‌توان برای تصمیمات لحظه‌ای (یعنی تصمیماتی که به صورت آنی گرفته می‌شوند) استفاده کرد.

متن کلوز (۱)

در مورد این حقیقت که بسیاری از حیوانات و گیاهان در خطر از بین رفتن یا [به عبارت دیگر] منقرض شدن هستند، نگرانی وجود دارد. اما از زمانی که حیات آغاز شد، حیوانات و گیاهان از بین رفته‌اند تا توسط سایرین جایگزین شوند. این فرایند بخشی از طبیعت است. با تغییر کردن شرایط روی زمین، بعضی از موجودات زنده نمی‌توانند [با شرایط جدید] منطبق شوند؛ آن‌ها در نهایت منقرض می‌شوند. دانشمندان بر این باورند که ۹۹ درصد از تمام گیاهان و حیوانات مختلفی که تاکنون زندگی کرده‌اند، به صورت طبیعی از بین رفته‌اند. در زمان‌های ماقبل تاریخ، وقتی که صدها چیز (موجود زندهٔ) مختلف با هم از بین می‌رفتند، انقراض‌های دسته‌جمعی وجود داشت. این انقراض‌ها اغلب به دلیل تغییرات چشمگیر در اقلیم بودند. حدود ۲۲۵ میلیون سال قبل، ۹۰ درصد تمام موجودات زنده در دریا از بین رفتند. امروزه حیوانات و گیاهان سریع‌تر نابود می‌شوند چون‌که انسان‌ها مناطقی که آن‌ها زندگی می‌کنند را تخریب و ویران می‌کنند.

۱۲۹ ۳ ◄ با توجه به این‌که کلمهٔ جای خالی به جای animals and plants (حیوانات و گیاهان) استفاده شده است، به جای آن باید از ضمیر جمع استفاده کنید. در بین گزینه‌ها، فقط others یک ضمیر جمع می‌باشد.

۱۳۰ ۴ ۱) کاهش دادن؛ کاهش یافتن ۲) به حساب آوردن، در نظر گرفتن؛ فرض کردن
۳) تقسیم کردن، قسمت کردن ۴) عوض کردن؛ عوض شدن

۱۳۱ ۳ ۱) به‌طور مؤثری، به نحو کارآمدی ۲) معمولاً، عموماً
۳) به صورت طبیعی، به طور طبیعی ۴) فوراً، بی‌درنگ

۱۳۲ ۱ ◄ همان‌طور که می‌دانید، از there is / are و شکل گذشتهٔ آن‌ها (یعنی there was / were) برای اشاره به وجود داشتن و بودن موضوع و شرایطی خاص استفاده می‌شود.

۱۳۳ ۴ ◄ با توجه به مفهوم جمله و این‌که در این تست، today در معنی «امروزه، این روزها» به کار رفته است، برای اشاره به شرایط کلی این روزهای جهان از زمان حال استمراری استفاده می‌کنیم که شکل مناسب گزینهٔ (۴) آمده است.

@khanenbook

متن کلوز (۲)

جنگل‌های بارانی گرمسیری در خطر هستند. برای سال‌ها، انسان‌ها درختان را قطع کرده‌اند تا برای مزارع و جاده‌ها جا باز کنند. بسیاری از گیاهان و حیوانات در خطر منقرض شدن یا نابودی کامل هستند. کری زوبور می‌گوید: «وقتی جنگل‌های بارانی قطع می‌شوند، حیوانات خانه‌هایشان را از دست می‌دهند.» او در صندوق جهانی طبیعت کار می‌کند. [او می‌گوید:] «دی‌اکسید کربن بیشتری هوا را پُر می‌کند. دانشمندان فکر می‌کنند آن باعث می‌شود زمین گرم‌تر شود. اگر هوا خیلی گرم شود، می‌تواند باعث منقرض شدن بسیاری از حیوانات شود.» صندوق جهانی طبیعت گروهی است که برای محافظت کردن از حیوانات و زیستگاه‌ها کار می‌کند. زیستگاه جایی در طبیعت است که حیوان یا گیاه [در آن] زندگی می‌کند. زوبور می‌گوید: «ما هر روز کار می‌کنیم تا به نجات جنگل‌های بارانی در سراسر جهان کمک کنیم.»

۱۳۴ ۴ ۱) عضو ۲) زمین؛ زمینه، رشته ۳) دریاچه ۴) درخت

۱۳۵ ۱ ◀ با توجه به کاربرد اسم (homes) بعد از جای خالی و وجود رابطهٔ مالکیت بین آن و کلمهٔ جای خالی، در این‌جا به صفت ملکی نیاز داریم که شکل مناسب آن در این تست their می‌باشد.

۱۳۶ ۴ ۱) نگه داشتن؛ ادامه دادن (به) ۲) حرکت کردن؛ حرکت دادن
۳) دادن ۴) پُر کردن

۱۳۷ ۳ ۱) انتخاب کردن، برگزیدن ۲) به ... صدمه زدن، به ... آسیب رساندن
۳) محافظت کردن از، نگهداری کردن از ۴) گم کردن؛ از دست دادن؛ شکست خوردن از

۱۳۸ ۲ ۱) تقسیم کردن، قسمت کردن ۲) نجات دادن؛ [پول] پس‌انداز کردن
۳) [آتش و غیره] خاموش کردن ۴) دیدن؛ به دیدنِ ... رفتن

متن کلوز (۳)

مردم برای روشن کردن خانه‌هایشان و راندن ماشین‌ها به چه چیزی نیاز دارند؟ انرژی! آن به چیزهای زیادی [که] ما نیاز داریم و استفاده می‌کنیم، نیرو می‌دهد. بیشتر انرژی [که] مردم استفاده می‌کنند از زغال، نفت و گاز می‌آید. آن‌ها سوخت‌های فسیلی نامیده می‌شوند. فسیل‌ها بقایای گیاهان و حیواناتی هستند که مدت‌ها قبل زندگی می‌کردند. سوزاندن سوخت‌های فسیلی هوا را آلوده می‌کند. هوا آلوده می‌شود. آن می‌تواند برای انسان‌ها، حیوانات و گیاهان مضر باشد. در حال حاضر، افراد بیشتری از انرژی پاک استفاده می‌کنند. این‌گونه انرژی هوا را آلوده نمی‌کند. دو نوع انرژی پاک، نیروی بادی و نیروی خورشیدی هستند. خورشیدی به معنی «از خورشید» است. خورشید به زمین حرارت و نور می‌دهد. بعضی از خانه‌ها روی پشت‌بام، صفحات خورشیدی دارند. صفحات، نور آفتاب را جمع‌آوری و آن را به برق تبدیل می‌کنند. آن نوعی از انرژی است. آن به مردم اجازه می‌دهد کارهای زیادی را انجام دهند. برای مثال، ما از برق برای روشن کردن خانه‌هایمان و تماشای تلویزیون استفاده می‌کنیم. نیروی خورشیدی هم‌چنین می‌تواند برای گرم کردن آب در خانه‌هایمان استفاده شود.

۱۳۹ ۴ ◀ با توجه به مفهوم جمله، در بین دو بخش آن به ضمیر موصولی (در این‌جا that) نیاز داریم تا توسط آن دو بخش جمله را به هم وصل کنیم. برای اشاره به عمل یا شرایطی که در زمان مشخصی از گذشته وجود داشتند، از زمان گذشتهٔ ساده استفاده می‌شود که شکل صحیح آن برای فعل با قاعدهٔ dive، به صورت lived می‌باشد.

۱۴۰ ۲ ۱) اتفاق افتادن، رخ دادن ۲) شدن
۳) افزایش دادن؛ افزایش یافتن ۴) خراب کردن، ویران کردن؛ نابود کردن

۱۴۱ ۳ ۱) آزاد؛ رایگان ۲) مفرد ۳) تمیز، پاک ۴) عمیق، گود

۱۴۲ ۴ ۱) الگو؛ طرح ۲) نیم، نصف ۳) ایده، نظر ۴) نوع، گونه

۱۴۳ ۱ ۱) برای مثال، برای نمونه ۲) با این حال، با وجود این ۳) در عوض، به جایش ۴) اما، ولی

متن کلوز (۴)

به گفتهٔ متخصصان، ببرهای وحشی می‌توانند منقرض شوند یا به طور کلی از بین بروند. در سال ۲۰۱۰، در جهان فقط حدود ۳۲۰۰ تا از این گربه‌سانان بزرگ در طبیعت باقی‌مانده بود. آن یک تغییر بزرگ از سال ۱۹۱۰ می‌باشد. در آن زمان، حدود ۱۰۰۰۰۰ ببر وحشی در سیاره [ی ما] پرسه می‌زدند. یک تهدید یا خطری که ببرها با آن روبه‌رو هستند، از بین رفتن زیستگاه است. ببرها در آسیا زندگی می‌کنند. جوب‌برهای آن‌جا درختان را در جنگل‌ها قطع می‌کنند تا کاغذ و اقلام دیگری را که مردم می‌خرند، درست کنند. جنگل کم‌تر به معنی فضای کم‌تر برای حیوانات به منظور پرسه زدن و گشتن دنبال غذا است. تهدید دیگر، شکار مخفیانه است. آن شکار غیرقانونی می‌باشد. ببرها برای خز و استخوان‌هایشان شکا شوند.

@khaneh_book

۱۴۴ ۲ ۱) جدول، چارت ۲) طبیعت، حیات‌وحش ۳) دایره ۴) دشت، جلگه

۱۴۵ ۱ ◄ با توجه به مفهوم جمله، change در این‌جا به صورت نکره مدنظر می‌باشد و بنابراین حرف تعریف مناسب برای آن a می‌باشد، نه the. دقت کنید که در این‌جا مقایسه‌ای صورت نگرفته است که بتوانیم از صفت تفضیلی (در این تست bigger) استفاده کنیم.

۱۴۶ ۴ ۱) ماندن؛ اقامت کردن ۲) منقرض شدن، به کلی نابود شدن
۳) حرکت کردن؛ حرکت دادن ۴) زندگی کردن

۱۴۷ ۲ ۱) انتخاب کردن؛ [گل و غیره] چیدن ۲) خریدن
۳) نجات دادن؛ [پول] پس‌انداز کردن ۴) قرار دادن، گذاشتن

۱۴۸ ۳ ۱) محافظت، نگهداری ۲) طبیعت؛ ذات
۳) غذا ۴) جنگل

متن کلوز ۵

حیات روی زمین، نمی‌توانست بدون گیاهان وجود داشته باشد. انسان‌ها و حیوانات، برای غذا و اکسیژن به گیاهان نیاز دارند. غلاتی که شما برای صبحانه می‌خورید، آب پرتقالی که می‌نوشید [و] حتی شلوار جینی که می‌پوشید، همگی از گیاهان درست می‌شوند. گسترهٔ گیاهان، از خزه‌های کوچک تا درختان مخروط غول‌پیکر بسیار بلندی که نمی‌توانید بالای آن‌ها را ببینید، است. چیزی که در بین همهٔ آن‌ها مشترک است، توانایی منحصر به فرد آن‌ها برای دریافت و استفاده از نور خورشید به عنوان منبع انرژی است. این فرایند فتوسنتز نامیده می‌شود و نیروی تمام حیات گیاهی و رشد را تأمین می‌کند. همین الان حدود ۴۰۰۰۰۰ گیاه برای ما شناخته‌شده هستند، از گل‌های عجیب نادر تا سبزیجات متداول باغ. حتی گیاهان بیشتری در انتظار کشف شدن هستند، به خصوص در نواحی استوایی. با وجود این، امروزه بیش از ۲۵۰۰۰ درخت، گل و گیاهان دیگر به سبب تخریب زیستگاه‌های طبیعی‌شان در خطر انقراض هستند.

۱۴۹ ۱ ۱) نیاز داشتن؛ مجبور بودن ۲) [درخت] قطع کردن، انداختن
۳) مراقبت کردن، مواظبت کردن ۴) خراب کردن، ویران کردن؛ نابود کردن

۱۵۰ ۳ ۱) بو کردن؛ بوی ... دادن ۲) چشیدن، مزهٔ ... داشتن ۳) نوشیدن ۴) پیدا کردن، یافتن

۱۵۱ ۱ ۱) متداول، معمولی؛ مشترک ۲) معدل، میانگین ۳) استراتژی، برنامه، نقشه ۴) عدد، شماره

◄ چیزی مشترک داشتن: have sth in common

۱۵۲ ۲ ۱) الگو؛ طرح ۲) گیاه خوراکی؛ [در جمع] سبزیجات
۳) مثال، نمونه ۴) نوع، گونه

۱۵۳ ۴ ۱) مگر این‌که ۲) در عوض، به جایش ۳) امیدوارانه؛ امیدوارانه ۴) با این حال، با وجود این

متن کلوز ۶

احتمالاً امروز آب نوشیده‌اید یا دست‌هایتان را شسته‌اید. اما انسان‌ها از آب برای مقاصد بسیار دیگری مثل نمیز کردن چیزها، حمل و نقل و تولید برق آبی استفاده می‌کنند. درست همان‌طور که هیچ‌چیزی نمی‌تواند بدون آب زندگی کند، بدون آن چیز زیادی قابل درست شدن نیست. چون‌که آب بسیار مفید است، بیشتر مردم در امتداد سواحل، رودخانه‌ها و دریاچه‌ها زندگی می‌کنند. جایی‌که [میزان] آب محدود است، مردم از فناوری‌های زیادی مثل چاه، سد و کانال استفاده کرده‌اند، تا آن را ذخیره و منتقل کنند. گاهی اوقات، این فناوری‌ها به زیستگاه‌ها آسیب می‌زنند. سایر گونه‌ها مجبور هستند با انسان‌ها برای آب رقابت کنند. ممکن است این به توضیح این موضوع کمک کند که چرا تعداد زیادی از حیواناتی که در آب‌های شیرین زندگی می‌کنند، در معرض خطر هستند. ما باید در مورد این‌که چگونه از آب استفاده می‌کنیم، باهوش‌تر و محتاط‌تر باشیم تا مطمئن شویم که [آب] کافی برای تمام [انواع] حیات روی زمین وجود دارد.

۱۵۴ ۳ ۱) با این حال، با وجود این ۲) وقتی که، هنگامی که ۳) چون، چون‌که ۴) اگر

۱۵۵ ۲ ۱) جنگل ۲) دریاچه ۳) دشت، جلگه ۴) روستا

۱۵۶ ۴ ۱) حیوان ۲) گیاه ۳) شیر ۴) انسان، بشر

۱۵۷ ۱ ۱) در معرض خطر، به خطر افتاده ۲) رایج؛ مشترک ۳) مناسب، شایسته ۴) منظم، مرتب؛ عادی، معمولی

۱۵۸ ۲ ۱) جالب ۲) دقیق، مراقب، ... ۳) درست، صحیح ۴) آسان، راحت، ساده

@khanehbook

متن کلوز (۷)

ما فقط برای ۱۵۰ سال یا در این حدود در مورد دایناسورها اطلاع داریم، اما این موجودات غول‌پیکر، برای ۱۶۰ میلیون سال در زمین پرسه می‌زدند؛ مدت‌ها قبل از این‌که انسان‌ها [در زمین] ظاهر شوند. دانشمندان اولین بار در دههٔ ۱۸۲۰، [و] هنگامی که استخوان‌های فسیل‌شدهٔ موجودات ناشناخته‌ای را کشف کردند از [وجود داشتن] دایناسورها باخبر شدند. امروزه، این فسیل‌ها به ما نشان می‌دهند دایناسورها کجا زندگی می‌کردند، چه شکلی داشتند و چه چیزی می‌خوردند. دایناسورها خزنده بودند و بر روی خشکی می‌زیستند. نام آن‌ها به معنی «سوسمار وحشتناک» است و بسیاری از آن‌ها، مثل سوسمارها، پوست سخت زبری داشتند. صدها نوع مختلف دایناسور وجود داشت که به دو گروه اصلی تقسیم می‌شدند. بعضی از دایناسورها، مثل تیرانوسوروس رکس، گوشت‌خوار بودند؛ بقیه مثل استگوسور، گیاه‌خوار [بودند]. حدود ۶۵ میلیون سال قبل، دایناسورها و خزندگان شناگر و پرنده‌ای که در یک زمان زندگی می‌کردند، منقرض شدند. دلیل این هنوز نامشخص است.

۱۵۹ ۱ ۱) از ... باخبر شدن ۲) به صحبت کردن دربارهٔ ... ادامه دادن
۳) مراقبت کردن از، مواظبت کردن از ۴) دقت کردن به، توجه کردن به

۱۶۰ ۴ ۱) کدام‌یک ۲) چرا ۳) جایی که ۴) چه، چه‌چیزی

۱۶۱ ۲ با توجه به وجود رابطهٔ مالکیت بین دو کلمهٔ موجود در گزینه‌ها، کلمهٔ اول آن صفت ملکی خواهد بود که شکل صحیح آن در بین گزینه‌ها their می‌باشد. در گزینه‌های این تست، فقط در گزینهٔ (۲)، their را داریم.

۱۶۲ ۳ ۱) برنامه‌ریزی کردن؛ قصد داشتن ۲) کامل کردن، تکمیل کردن
۳) تقسیم کردن، قسمت کردن ۴) انتخاب کردن؛ [گل و غیره] چیدن

۱۶۳ ۱ ۱) منقرض شدن، به کلی نابود شدن ۲) [آتش، لامپ و غیره] خاموش کردن
۳) به مسیر خود ادامه دادن ۴) ترک کردن؛ رها کردن

متن ۱

شیر در عنوان بزرگ‌ترین گربه‌سان با ببر رقابت می‌کند. در واقع، شیر و ببر در ویژگی‌های جسمانی‌شان آن‌قدر شبیه [هم] هستند که بدون خَز متمایز رنگشان [یعنی] موی نرمی که بدن برخی از حیوانات را می‌پوشاند، حتی دانشمندان [نیز] در تشخیص آن‌ها از یک‌دیگر مشکل دارند. وزن شیرهای نر بین ۱۵۰ و ۲۵۰ کیلوگرم (۳۳۰ و ۵۵۰ پوند) و قد آن‌ها تا شانه حدود ۱۲۳ سانتی‌متر (حدود ۴۸ اینچ) می‌باشد. طول آن‌ها بدون دُم که ۹۰ تا ۱۰۵ سانتی‌متر (۳۵ تا ۴۱ اینچ) اضافه‌تر طول دارد، تا ۲۵۰ سانتی‌متر (۹۸ اینچ) می‌باشد. شیرهای ماده کوچک‌تر هستند، [و] وزنشان بین ۱۲۰ و ۱۸۲ کیلوگرم (۲۶۵ و ۴۰۰ پوند) می‌باشد. قد آن‌ها حدود ۱۰۷ سانتی‌متر (حدود ۴۲ اینچ) و طولشان کم‌تر از ۱۷۵ سانتی‌متر (کم‌تر از ۶۹ اینچ) می‌باشد، یا دمی نسبتاً کوتاه‌تر.

شیرهای بالغ خزهایی دارند که از نظر رنگ از قهوه‌ای روشن تا قهوه‌ای مایل به قرمز متفاوت است. خز دُم تیره‌تر است. تنها شیرهای نر، یال [یعنی] موی بلند اطراف شانه را دارند، که با پیرتر شدن حیوان، تیره‌تر و پرپشت‌تر می‌شود. توله [شیر]ها با خزهای انبوه [و] خال‌خالی به دنیا می‌آیند که به آن‌ها کمک می‌کند از حیوانات خطرناک مخفی شوند. با بزرگ شدن توله‌ها، خال‌ها به مرور رنگ [خود] را از دست می‌دهند، [و] گاهی اوقات تا زمانی که شیر به طور کامل رشد کند، روی پاها و شکم [آن] باقی می‌مانند.

۱۶۴ ۲ می‌توانیم از متن متوجه شویم که شیرها و ببرها ..... .
۱) دشمنان یک‌دیگر هستند ۲) از نظر شکل بسیار شبیه [هم] هستند
۳) هر دو بین گونه‌های در معرض خطر هستند ۴) بزرگ‌ترین حیوانات در بعضی از بخش‌های جهان هستند

۱۶۵ ۱ یک شیر نر (با دُمش) ..... طول دارد.
۱) بالای ۳ متر ۲) کم‌تر از ۳ متر ۳) دو متر و نیم ۴) یک متر و بیست و سه سانتی‌متر

۱۶۶ ۳ طبق متن، ما معمولاً نمی‌توانیم ..... را ببینیم.
۱) شیری با دُم یک متری ۲) شیر نری که در شانه قدش کم‌تر از ۱۲۳ سانتی‌متر می‌باشد
۳) شیر ماده‌ای که [وزنش] کم‌تر از ۱۰۰ کیلوگرم باشد ۴) شیر ماده‌ای که اندازه‌اش از شیر نر کوچک‌تر است

۱۶۷ ۱ پاراگراف ۱ عمدتاً در چه موردی بحث می‌کند؟
۱) ویژگی‌های جسمانی شیرها ۲) تفاوت طول بین شیرها
۳) چرا شیرهای نر و ماده متفاوت هستند ۴) آن چیزی که مردم درباره شیرها فکر می‌کنند

@khanehbook

۱۶۸ ۳ کدام یک از کلمات زیر در متن تعریف شده است؟

۱) توله ۲) شانه ۳) یال ۴) خال، لک

متن ۲

بسیاری از مردم فکر می‌کنند که بیابان‌ها محل‌های بسیار گرمی هستند که در آن هیچ چیزی نمی‌تواند زندگی کند، اما این درست نیست. بعضی از بیابان‌ها وقتی خورشید غروب می‌کند، خیلی سرد می‌شوند و بعضی از گیاهان و حیوانات می‌توانند در گرم‌ترین و سردترین این بیابان‌ها زندگی کنند. بیابان‌ها محل‌هایی هستند که هر سال کم‌تر از ده اینچ باران دریافت می‌کنند. بعضی از نواحی بیابانی ممکن است تا یک سال را بدونِ باران طی کنند.

چون‌که بیابان‌ها این‌قدر خشک هستند، حیواناتی که آن‌جا زندگی می‌کنند، باید قادر باشند بدون آب زیاد زندگی کنند. حیوانات به اشکال مختلف، با این وضعیت منطبق شده‌اند. بعضی از حشرات و وزغ‌ها، در شن حفره‌هایی را حفر می‌کنند و در طول روز مخفی می‌شوند. این مانع تشنه شدن آن‌ها می‌شود، چون‌که در آفتاب داغ نیستند. بعضی از وزغ‌ها می‌توانند تا هشت ماه در حفره‌ها پنهان شوند. آن‌ها فقط وقتی که باران می‌بارد، بیرون می‌آیند. موش‌های صحرایی و گرگ‌های صحرایی در طول روز می‌خوابند و شب، هنگامی که بیابان خنک‌تر است، برای [یافتن] غذا شکار می‌کنند.

گیاهان نیز در بیابان زندگی می‌کنند. بسیاری مثل کاکتوس، به جای برگ‌ها، تیغ دارند که به آن‌ها کمک می‌کند آب را حفظ کنند. یک کاکتوس می‌تواند آب را در ساقه و ریشه‌هایش ذخیره کند. آن ریشه‌های پهن کم‌عمقی دارد که وقتی باران می‌بارد، آن را می‌گیرد. سایر گیاهان ریشه‌های بسیار عمیقی دارند که به آن‌ها اجازه می‌دهد تا در اعماق بسیار زیاد زمین به آب برسند.

۱۶۹ ۳ کدام‌یک از جملات زیر، در مورد بیشتر بیابان‌ها صحیح است؟

۱) آن‌ها هر سال حداقل بیست اینچ باران دریافت می‌کنند.
۲) آن‌ها هیچ بارانی را دریافت نمی‌کنند و هیچ گیاهی نمی‌تواند در آن‌جا رشد کند.
۳) آن‌ها هر سال کم‌تر از ده اینچ باران دریافت می‌کنند.
۴) آن‌ها هر سال، فقط یک یا دو بار، باران دریافت می‌کنند.

۱۷۰ ۱ حیوانات در محل‌های گرم خشک چگونه بدون آب زیاد زندگی می‌کنند؟

۱) آن‌ها تلاش می‌کنند خنک بمانند.
۲) آن‌ها فقط در طول روز بیرون می‌روند.
۳) آن‌ها در مکان‌های دیگر دنبال آب می‌گردند.
۴) آن‌ها بیشتر اوقات می‌خوابند.

۱۷۱ ۴ کدام‌یک از جملات زیر، در مورد تمام حیوانات بیابان صحیح است؟

۱) آن‌ها همواره گرسنه هستند چون‌که غذای کمی وجود دارد.
۲) آن‌ها فقط هنگامی که باران می‌بارد، از مخفی‌گاه بیرون می‌آیند.
۳) اگر هوا خیلی گرم و خشک شود، آن‌ها زیاد جابه‌جا می‌شوند.
۴) آن‌ها یاد گرفته‌اند چه‌طور بدون آب زیاد زنده بمانند.

۱۷۲ ۳ کلمهٔ "it" که در سطر ۱۱ زیر آن خط کشیده شده به "rain" اشاره دارد.

۱) بیابان، صحرا ۲) کاکتوس ۳) باران ۴) ساقه

۱۷۳ ۳ چرا یک گیاه کاکتوس، آب را در ساقه و ریشه‌هایش ذخیره می‌کند؟

۱) تا بتواند نفس بکشد
۲) تا بتواند برگ‌هایش را پرورش دهد
۳) تا بتواند در محیط خشک خودش زنده بماند
۴) تا بتواند در طول روز مخفی شود

متن ۳

یوزپلنگ‌ها حیواناتی هستند که پوشش خزی زرد سوخته با لکه‌های سیاه گرد دارند. آن‌ها به خانوادهٔ گربه‌سانان تعلق دارند، درست مثل شیر و گربهٔ وحشی پشمالو. با وجود این، بچه یوزپلنگ‌ها، بچه گربه نامیده نمی‌شوند، بلکه توله [نام دارند]. توله‌ها وقتی‌که تنها شش هفته عمر دارند، دنبال کردن مادرشان را در شکارها آغاز می‌کنند. توله‌ها وقتی‌که شش ماه عمر دارند، شروع می‌کنند به یاد گرفتن از مادرشان [که] چه طور برای خودشان شکار کنند.

شگفت‌انگیز است که یوزپلنگ‌ها در طبیعت می‌توانند تا ۶۰ مایل در ساعت بدوند. آن‌ها سریع‌ترین حیوانات خشکی در جهان هستند. وقتی یوزپلنگ‌ها شکار می‌کنند، معمولاً در شب است. آن‌ها به سوی شکارشان می‌خزند. سپس یوزپلنگ با یک خیز می‌تواند یک حیوان را در یک انفجار سرعت بگیرد. یوزپلنگ اگر مجبور باشد می‌تواند بیش از سه مایل را با سرعت متوسط ۴۵ مایل در ساعت بدود.

امروزه، یوزپلنگ‌ها در زمینی که روزی زمین شکار خوبی بود اما امروزه تحت کشاورزی است، برای زنده ماندن تقلا می‌کنند. در آفریقا، جنوب‌غربی آسیا و هند، جاهایی که یوزپلنگ‌ها زندگی می‌کنند، کشاورزان برای این حیوانات دام می‌گذارند. یوزپلنگ‌ها گاو شکار می‌کنند و کشاورزان وقتی دام‌هایشان کشته می‌شوند، پول از دست می‌دهند. برای مثال، در ۱۰ سال گذشته، کشاورزان در نامیبیا [illegible] از ۷۰۰۰ یوزپلنگ را به دام انداخته، کشته‌اند.

@khanehbook

۱۷۴ ۱ چرا ممکن است کسی فکر کند که بچه یوزپلنگ‌ها باید به جای توله، بچه گربه نامیده شوند؟
۱) چون بچه گربه کلمهٔ [مورد استفاده] برای گربه‌ها است و یوزپلنگ‌ها به خانوادهٔ گربه‌سانان تعلق دارند.
۲) چون بچه گربه کلمه‌ای است که حیوانات کوچک با لکه‌ها و گوش‌های تیز را توصیف می‌کند.
۳) چون بچه گربه کلمه‌ای است که برای تمام نوزادان جذاب استفاده می‌شود.
۴) چون بچه گربه کلمه‌ای است که برای بچه‌های حیوانات استفاده می‌شود.

۱۷۵ ۴ کلمهٔ "they" که در سطر ۳ زیر آن خط کشیده شده به "cubs" اشاره دارد.
۱) یوزپلنگ‌ها ۲) شیرها و گربه‌های وحشی پشمالو ۳) بچه گربه‌ها ۴) توله‌ها

۱۷۶ ۳ وقتی یوزپلنگ‌ها یاد می‌گیرند برای خودشان شکار کنند، چه سنی دارند؟
۱) یک ساله ۲) شش هفته‌ای ۳) شش ماهه ۴) شش ساله

۱۷۷ ۲ طبق متن، محیط طبیعی که شما می‌توانید یوزپلنگ‌ها را در آن بیابید ..... می‌باشد.
۱) آفریقا، چین و هند ۲) جنوب‌غرب آسیا، آفریقا و هند ۳) استرالیا، آسیا و هند ۴) آفریقا، نامیبیا و هند

۱۷۸ ۱ کدام‌یک از جملات زیر درست نیست؟
۱) یوزپلنگ‌ها از شکار گاوها بیشتر از سایر حیوانات لذت می‌برند.
۲) یوزپلنگ‌ها با انفجارهای سرعت، شکارشان را غافلگیر می‌کنند.
۳) یوزپلنگ‌های مادر به توله‌هایشان یاد می‌دهند تا برای خودشان شکار کنند.
۴) در ۱۰ سال اخیر، کشاورزان در نامیبیا بیش از ۷۰۰۰ یوزپلنگ را کشته‌اند.

متن ۴

بعضی از حیوانات به خواب زمستانی می‌روند، یا [به عبارت دیگر] برای انطباق با ماه‌های سرد زمستان، به خوابی عمیق می‌روند. خواب زمستانی با خواب عادی متفاوت است. در طول خواب زمستانی، به نظر می‌رسد که حیوان مرده است. سوخت و ساز [بدن] آن کند می‌شود و دمای بدنش کاهش می‌یابد. ضربان قلب آن به فقط دو یا سه تپش در دقیقه کاهش می‌یابد. از آن‌جایی‌که فرایندهای بدن آن، تا این حد کند هستند، برای زنده ماندن، به غذای خیلی کمی نیاز دارد. بعضی از حیواناتی که به خواب زمستانی می‌روند، وزغ‌ها، راسوها، سنجاب‌های زمینی، زنبورهای عسل و خفاش‌ها هستند. خرس‌ها در طول زمستان می‌خوابند، اما آن‌ها دارای خواب زمستانی واقعی نیستند. آن‌ها وقتی سر و صداهای بلند را می‌شنوند، بیدار می‌شوند.

بعضی از حیوانات به خواب تابستانی می‌روند، یا [به عبارت دیگر] برای انطباق با ماه‌های گرم خشک تابستان، به خوابی عمیق می‌روند. در طول خواب تابستانی، ضربان قلب و تنفس حیوان کند می‌شود. در طول خواب تابستانی، حیوان رشد یا حرکت نمی‌کند. آن نیازی به غذا خوردن ندارد، چون‌که انرژی زیادی مصرف نمی‌کند. بعضی از حیوانات، قبل از این‌که خواب تابستانی را شروع کنند، در زیر زمین، جایی‌که هوا خنک‌تر است، لانه می‌کنند. بعضی از حیواناتی که به خواب تابستانی می‌روند، خزندگان، زنبورهای عسل، خارپشت‌ها، قورباغه‌ها، وزغ‌ها و کرم‌های خاکی هستند.

۱۷۹ ۱ کدام حیوانات هم به خواب زمستانی می‌روند و هم خواب تابستانی؟
۱) زنبورهای عسل و وزغ‌ها ۲) زنبورهای عسل و خفاش‌ها ۳) قورباغه‌ها و وزغ‌ها ۴) راسوها و خزندگان

۱۸۰ ۲ خواب زمستانی مثل خواب تابستانی است، چون‌که ..... .
۱) هر دو در زمستان اتفاق می‌افتند ۲) هر دو انطباق‌پذیری هستند
۳) هر دو در تابستان اتفاق می‌افتند ۴) حیوانات یکسانی به خواب می‌روند

۱۸۱ ۱ خرس‌ها واقعاً به خواب زمستانی نمی‌روند، چون‌که ..... .
۱) با سر و صداهای بلند بیدار می‌شوند ۲) آن‌ها تمام تابستان را می‌خوابند
۳) آن‌ها در زیر زمین لانه می‌کنند ۴) آن‌ها با گرما به خوبی منطبق می‌شوند

۱۸۲ ۳ خواب تابستانی در طول ..... اتفاق می‌افتد.
۱) ماه‌های سرد مرطوب زمستان ۲) ماه‌های گرم مرطوب تابستان ۳) ماه‌های گرم خشک تابستان ۴) ماه‌های سرد خشک زمستان

۱۸۳ ۳ وقتی حیوانات زیر زمین لانه می‌کنند، آن‌ها ..... .
۱) به خواب فرو می‌روند ۲) در طول روز می‌خوابند
۳) زیر زمین [حفره‌ای را] حفر می‌کنند ۴) از خواب [illegible] می‌شوند

@khanen_book

متن ۵

دایناسورها تقریباً ۶۵ میلیون سال قبل از زمین محو شدند. در مورد این‌که برای آن‌ها چه اتفاقی افتاد، تئوری‌های زیادی وجود دارد. تا این لحظه، هیچ‌کس نمی‌تواند اثبات کند چرا این موجودات قدرتمند به طور ناگهانی نابود شدند. ممکن است آن برای همیشه یک راز باقی بماند.

بعضی از دانشمندان بر این باورند که شهاب آسمانی غول‌پیکری از فضا به زمین برخورد کرد. ضربه و حرارت شهاب آسمانی می‌توانسته دایناسورها را بکشد. سایرین بر این باورند که این شهاب‌سنگ در جوّ زمین، گاز زیادی را آزاد کرد. شاید این گاز مانع اشعه‌های خورشید شده باشد. ممکن است دماهای خنک‌تر، عصر یخبندانی را آغاز کرده باشد. دماهای پایین ممکن است برای دایناسورها بیش از حد سرد بوده باشد.

تئوری دیگر این است که تغییر تدریجی اقلیم برای هزاران سال اتفاق افتاد. دانشمندان بر این باورند که زمستان‌ها بیش از حد سرد شدند. تابستان‌ها آن‌قدر گرم شدند که دایناسورها نمی‌توانستند زنده بمانند. دایناسورها بدون خز یا پر، نمی‌توانستند خودشان را در زمستان گرم نگه دارند. آن‌ها هم‌چنین برای خنک ماندن در تابستان شرایط سختی داشتند. حقیقت این است که، ممکن است ما هرگز ندانیم چه اتفاقی افتاد. آن یک راز است.

۱۸۴ ۴ دایناسورها چه زمانی نابود شدند؟

۱) چند هزار سال قبل ۲) حدود ۱۵ میلیارد سال قبل ۳) کم‌تر از ۱ میلیون سال قبل ۴) حدود ۶۵ میلیون سال قبل

۱۸۵ ۴ چون‌که هیچ‌کس مطمئن نیست چرا دایناسورها منقرض شدند، ..... .

۱) دانشمندان همه باور دارند یک شهاب‌سنگ آن‌ها را کشت ۲) ممکن است دایناسورها همگی امروزه هنوز زنده باشند

۳) هیچ احتمالی وجود ندارد که انسان‌ها در هر زمانی منقرض شوند ۴) انسان‌ها تئوری‌هایی را ارائه کرده‌اند تا تلاش کنند آن را توضیح دهند

۱۸۶ ۱ بر مبنای متن، می‌توانیم متوجه شویم که ..... .

۱) دلیل کافی وجود ندارد تا تئوری‌های انقراض [دایناسورها] را اثبات کند

۲) دانشمندان قطعاً علت انقراض دایناسورها را در نقطه‌ای [از زمان] متوجه خواهند شد

۳) بیشتر دانشمندان تئوری عصر یخبندان انقراض را باور دارند

۴) چندصد تئوری انقراض مختلف وجود دارد

۱۸۷ ۲ کلمهٔ "gradual" (تدریجی) در پاراگراف سوم به معنی "over a long period of time" می‌باشد.

۱) بی‌اهمیت ۲) در طول مدت زمانی طولانی ۳) تصادفی، اتفاقی ۴) وابسته به گیاهان

۱۸۸ ۱ ایدهٔ اصلی این متن ..... می‌باشد.

۱) هیچ‌کس نمی‌داند دایناسورها چگونه منقرض شدند

۲) ممکن است میلیون‌ها سال قبل یک شهاب‌سنگ به زمین برخورد کرده باشد

۳) دایناسورها نمی‌توانستند با دماهای در حال تغییر منطبق شوند

۴) دانشمندان سخت تلاش می‌کنند تا پی ببرند چرا دایناسورها منقرض شدند

متن ۶

یکی از بهترین راه‌های یاد گرفتن در مورد زیستگاه‌های مختلف، رفتن به باغ‌وحش محلی‌تان است. معمولاً باغ‌وحش‌ها بر مبنای زیستگاه برپا می‌شوند. اغلب حیوانات آفریقایی با هم هستند. فیل‌ها، گورخرها، شیرها، کرگدن‌ها و میمون‌ها در یک زیستگاه هستند. حیوانات استرالیایی، هم‌چون کوالاها، کانگوروها، نوک‌اردکی‌ها و شترمرغ‌های استرالیایی در بخش دیگری نگه داشته می‌شوند.

بعضی بخش‌های باغ‌وحش حیوانات را در زیستگاه‌های محیط بسته نگه می‌دارند. کنترل دما در زیستگاه‌های محیط بسته راحت‌تر است. این مانع بیش از حد گرم شدن یا بیش از حد سرد شدن حیوان می‌شود. مارها و خزندگان در زیستگاه‌های فضای بسته نگهداری می‌شوند. پنگوئن‌ها نیز اغلب داخل نگه داشته می‌شوند. پرندگان در لانه‌های پرندگان نگه داشته می‌شوند. لانه‌های پرندگان فضاهای بزرگ بسته‌ای هستند که شبیه محیط طبیعی پرندگان به نظر می‌رسند. لانه‌های پرندگان مانع فرار کردن پرندگان می‌شوند و سایر حیوانات را از آن‌ها دور نگه می‌دارند.

مسئولان باغ‌وحش افرادی هستند که در باغ‌وحش‌ها کار می‌کنند. آن‌ها در مورد پرندگان مطالعه کرده‌اند و می‌دانند از آن‌ها چه طور مراقبت کنند. باغ‌وحش‌ها اغلب حیواناتی دارند که بیمار هستند. مسئولان باغ‌وحش کار می‌کنند تا [حال] حیوانات را بهتر کنند. باغ‌وحش‌ها هم‌چنین حیواناتی را نگه می‌دارند که در معرض خطر هستند. برنامه‌های زیادی وجود دارد که حیوانات به خطرافتاده را پرورش می‌دهند. مسئولان باغ‌وحش به انتقال حیوانات به زندگی در محیط‌های طبیعی‌شان کمک می‌کنند. سپس آن‌ها را به طبیعت برمی‌گردانند.

@khanehbook

۱۸۹ ۲ طبق متن، معمولاً باغ‌وحش‌ها ..... سازمان‌دهی می‌شوند.
۱) بر مبنای حیوان ۲) بر مبنای زیستگاه ۳) بر مبنای اندازه ۴) بر مبنای سن

۱۹۰ ۳ طبق متن، لانهٔ پرندگان ..... است.
۱) قفس خزندگان ۲) یک گردشگاه ۳) قفس پرندگان ۴) نوعی پرنده

۱۹۱ ۲ کلمهٔ "them" در پاراگراف دوم به "birds" اشاره دارد.
۱) فضاها ۲) پرندگان ۳) لانه‌های پرندگان ۴) حیوانات

۱۹۲ ۱ بر مبنای متن، محتمل است که مسئولان باغ‌وحش ..... .
۱) به حیوانات تعلیم دهند چگونه رفتار کنند تا بتوانند در طبیعت زنده بمانند
۲) تلاش نکنند تا از حیوانات بیمار مراقبت کنند
۳) در خانه حیوانات خانگی زیادی داشته باشند
۴) عموماً کار کردن در باغ‌وحش‌ها را دوست نداشته باشند

۱۹۳ ۳ ایدهٔ اصلی این متن چیست؟
۱) گاهی اوقات باغ‌وحش‌ها حیوانات را در فضای بسته نگه می‌دارند. ۲) باغ‌وحش‌ها محل‌های خارق‌العاده‌ای هستند.
۳) باغ‌وحش‌ها به زیستگاه‌هایی دسته‌بندی می‌شوند. ۴) مسئولان باغ‌وحش‌ها افرادی هستند که در باغ‌وحش کار می‌کنند.

متن ۷

شیرها هم‌چون تمام گربه‌ها به گروهی از پستانداران به نام گربه‌سانان تعلق دارند. آن‌ها در گروه‌هایی به نام دسته زندگی می‌کنند. یک دسته ممکن است شامل چهار تا شش [شیر] بالغ و توله‌های آن‌ها باشد. معمولاً شیرهای نر، بین ۳۳۰ و ۴۲۰ پوند وزن دارند. وظیفهٔ شیرهای نر محافظت کردن از دسته در مقابل دشمنان است. آن‌ها هم‌چنین وقتی‌که ماده‌ها شکار می‌کنند، باید از بچه‌ها مراقبت کنند. شیرهای نر یال‌هایی از موهای پرپشت دارند که از آن‌ها در جریان مبارزات محافظت می‌کند و به آن‌ها اجازه می‌دهد تا در مقابل دشمنان مثل بقیهٔ شیرهای نر یا کفتارها، بزرگ‌تر و خطرناک‌تر به نظر برسند. نرهای بالغ پیش از این‌که توسط نرهای قوی‌تر جوان‌تر شکست بخورند، فقط چند سال با دسته می‌مانند.

شیرها با استفاده از دندان‌های تیز تیغی، پنجه‌های قدرتمند، چابکی بسیار و حواس تیز، شکار می‌کنند. شیرها عموماً فقط وقتی شکار می‌کنند که گرسنه هستند. شیرهای ماده تمام شکار را انجام می‌دهند. با وجود این، [شیر] نر اصرار دارد که از هر شکاری ابتدا بخورد. او تا وقتی‌که شکم سیر خودش را بخورد، به هیچ عضوی از دسته اجازه نخواهد داد غذا بخورد، حتی ماده‌ای که شکار را انجام داده است. یک شیر نر ممکن است در یک‌بار تا شصت‌وپنج پوند غذا بخورد و بعد ممکن است تا چندین روز نیاز به خوردن غذا نداشته باشد. شیرها بیشتر وقتشان را صرف خوابیدن می‌کنند، اغلب برای بیست ساعت در روز. در گذشته شیرها در سرتاسر آسیا و هند متداول بودند، اما در حال حاضر فقط تعداد اندکی در منطقهٔ حفاظت‌شده‌ای در هند زنده مانده‌اند. شیرها در دشت‌های آفریقا جایی‌که شکارهای بزرگ مثل گورخرها را می‌کشند، نشو و نما می‌کنند.

۱۹۴ ۳ کدام کلمه به محلی اشاره دارد که حیوانات وحشی از شکارچیان انسان حفاظت می‌شوند؟
۱) نشو و نما کردن ۲) گربه‌سانان ۳) منطقهٔ حفاظت‌شده ۴) دسته، گروه

۱۹۵ ۳ کدام جمله یک تفاوت بین شیرهای نر و ماده را به درستی توصیف می‌کند؟
۱) نرها شکار را انجام می‌دهند در حالی‌که ماده‌ها از بچه‌ها مراقبت می‌کنند.
۲) ماده‌ها برای کنترل دسته مبارزه می‌کنند در حالی‌که نرها غذا می‌خورند.
۳) ماده‌ها شکار را انجام می‌دهند، اما نرها اول غذا می‌خورند.
۴) نرها و ماده‌ها دندان‌های تیز تیغی و پنجه‌های قدرتمندی دارند.

۱۹۶ ۳ طبق محتوای متن، معنی "flourish" (رشد کردن، شکوفا شدن، نشو و نما کردن) چیست؟
۱) به عقب و جلو دست تکان دادن ۲) منقرض شدن، به کلی نابود شدن
۳) به خوبی غذا خوردن و زنده ماندن ۴) به سرعت دویدن

۱۹۷ ۳ اسم گروهی از شیرها که با هم زندگی می‌کنند چیست؟
۱) یال ۲) گربه‌سانان ۳) دسته، گروه ۴) خانواده

@khaneh_book

متن ۸

در اقیانوس آرام نزدیک هاوایی، میلیون‌ها تن زباله به آرامی در آب می‌چرخند. باقی‌مانده‌های بطری‌ها، کیسه‌های پلاستیکی، تورهای ماهی‌گیری و سایر اقلام به آرامی در اطراف شناور هستند. این، زباله‌دان بزرگ اقیانوس آرام است و مشکل بزرگی می‌باشد. زباله‌دان بزرگ اقیانوس آرام، در بخشی از اقیانوس است که در آن آب به صورت بی‌انتهایی در یک دایره حرکت می‌کند. زباله‌ها از هزاران مایل دورتر، توسط جریان‌های اقیانوسی کشیده می‌شوند تا وقتی که به این نقطه برسند.

بیشتر زباله‌ها، پلاستیک است. این بدین علت است که پلاستیک به راحتی متلاشی نمی‌شود. آن فقط می‌تواند به قطعات کوچک خرد شود. این قطعه‌های کوچک، برای ماهی‌ها، پرندگان و سایر حیوانات شبیه غذا هستند. وقتی‌که این حیوانات به جای پر کردن شکم خودشان با غذای واقعی، پلاستیک را می‌خورند، می‌توانند بیمار شوند و از گرسنگی بمیرند.

دانشمندان نگرانند که این زباله‌دان اقیانوس به بیش از فقط حیات دریایی آسیب بزند. در نهایت، حیوانات بیمار می‌توانند راهشان را به منبع غذایی انسان‌ها پیدا کنند. اما در حال حاضر، هیچ‌کس مطمئن نیست چه‌طور این مشکل را حل کند. با وجود این، یک چیزی که کار می‌کند (مؤثر است)، بازیافت کردن پلاستیک‌ها یا دور انداختن درست آن‌ها است. به یاد داشته باشید، اگر بطری نوشابهٔ شما در مرحلهٔ اول به آشغال تبدیل نشود، وارد اقیانوس نخواهد شد.

۱۹۸ ۲ این متن عمدتاً در چه موردی است؟

۱) چیزهای درست‌شده از پلاستیک ۲) پلاستیک در اقیانوس ۳) پلاستیک چه‌طور خرد می‌شود ۴) دلایل بازیافت کردن زباله

۱۹۹ ۱ چرا حیوانات دریایی پلاستیک را با غذا اشتباه می‌گیرند؟

۱) پلاستیک به قطعات کوچک خرد می‌شود.
۲) پلاستیک برای حیوانات بویی مثل غذا دارد.
۳) پلاستیک با خودش تکه‌های غذا را حمل می‌کند.
۴) پلاستیک برای حیوانات انرژی فراهم می‌کند.

۲۰۰ ۳ طبق متن، بازیافت به اقیانوس کمک می‌کند چون‌که .....

۱) پلاستیک را به غذا تبدیل می‌کند
۲) برای دانشمندان کار فراهم می‌کند
۳) زباله‌ها را از اقیانوس دور نگه می‌دارد
۴) جلوی دور انداختن پلاستیک از طرف مردم را می‌گیرد

۲۰۱ ۲ دانشمندان نگران چه‌چیزی هستند؟

۱) پلاستیک اقیانوس را زشت می‌کند.
۲) پلاستیک در نهایت می‌تواند به انسان‌ها آسیب بزند.
۳) پلاستیک شنا کردن را سخت می‌کند.
۴) تمام پلاستیک‌ها از هاوایی می‌آیند.

متن ۹

اگر از پناهگاه حیوانات در [شهر] سالیناس کالیفرنیا دیدن کنید، برش‌های چوبی غول‌پیکری از یک سگ و یک گربه را خواهید دید. این علائم در مقابل ساختمان قرار داده شدند تا توجه مردم را جلب کنند. این برش‌ها [ی چوبی] بزرگ، مردم را کنجکاو و آن‌ها را تشویق می‌کنند تا از پناهگاه دیدن کنند؛ و شاید حتی سرپرستی یک حیوان خانگی را قبول کنند. هر سال، پناهگاه سالیناس، حدود ۲۰۰۰ سگ و ۲۰۰۰ گربه را پذیرش می‌کند. این حیوانات یا ولگرد هستند یا توسط افرادی که نمی‌توانستند از آن‌ها مراقبت کنند رها می‌شوند. از این ۴۰۰۰ حیوان، در نهایت بعضی از آن‌ها در خانه‌های جدیدی به سرپرستی گرفته می‌شوند. بعضی از حیوانات به پناهگاه‌های دیگری منتقل می‌شوند و متأسفانه بعضی قابل نجات نیستند چون‌که بیش از حد بیمار هستند یا خطرناک در نظر گرفته می‌شوند.

پناهگاه‌های حیوانات، غذا، دارو و محل امنی برای خوابیدن حیوانات فراهم می‌کنند. اما آن‌ها خانه‌های ایده‌آلی نیستند. پناهگاه‌ها پر سر و صدا هستند و حیوانات در قفس‌های کوچکی می‌مانند. افرادی که در پناهگاه‌ها کار می‌کنند، نهایت تلاش خودشان را می‌کنند تا از حیوانات مراقبت کنند، اما حیوانات همیشه توجه یا ورزشی که نیاز دارند را دریافت نمی‌کنند.

صاحبان حیوانات خانگی برای جلوگیری از بی‌خانمان شدن آن همه حیوان، باید از حیوانات خانگی‌شان به خوبی مراقبت کنند. یکی از بهترین راه‌های مراقبت از حیوانات خانگی، عقیم کردن یا اخته کردن آن‌ها است. این جراحی مانع داشتن بچه‌های بیشتر گربه‌ها و سگ‌ها می‌شود، و آن [کار] تعداد حیوانات بی‌خانمانی را که در نهایت به پناهگاه‌ها می‌رسند، کاهش می‌دهد.

۲۰۲ ۲ متن عمدتاً در چه موردی می‌باشد؟

۱) شهر سالیناس کالیفرنیا
۲) حیوانات بی‌خانمان در پناهگاه‌ها
۳) چه‌طور بازدیدکنندگان را به پناهگاه‌های حیوانات جلب کنیم
۴) افرادی که در پناهگاه‌های حیوانات کار می‌کنند

۲۰۳ ۳ احتمالاً سگ‌ها در پناهگاه‌ها به اندازهٔ کافی ورزش نمی‌کنند چون‌که .....

۱) کارگران از پیاده‌روی بردن آن‌ها لذت نمی‌برند
۲) کارگران فکر می‌کنند [که] سگ‌ها به زودی به سرپرستی گرفته خواهند شد
۳) آن‌قدر تعداد حیوانات زیاد است که کارگران نمی‌توانند از [ ] کنند ۴) کارگران از سگ‌ها [ ]

@khanehbook

۲۰۴ ۳ نتیجهٔ عقیم کردن و اخته کردن [حیوانات] چیست؟
۱) توله‌سگ‌ها و بچه‌گربه‌های بیشتری به سرپرستی گرفته می‌شوند. ۲) حیوانات خانگی به توجه کم‌تری نیاز دارند.
۳) حیوانات کم‌تری بی‌خانمان می‌شوند. ۴) افراد بیشتری در پناهگاه‌های حیوانات کار می‌کنند.

۲۰۵ ۱ خانه‌های خوب می‌توانند چه چیزی را در اختیار [حیوانات] قرار دهند که پناهگاه‌های حیوانات نمی‌توانند؟
۱) مقدار زیادی از مراقبت شخصی ۲) مراقبت پزشکی ۳) محل امنی برای خوابیدن ۴) غذا و آب

متن ۱۰

بازیافت فرایندی است که در طی آن یک چیز به جای دور انداخته شدن، مجدداً استفاده می‌شود. اقلام متداولی که بازیافت می‌شوند شامل قوطی‌های آلومینیومی و فولادی، شیشه و روزنامه است. بازیافت می‌تواند کاری وقت‌گیر و کثیف باشد. برای مثال، اشیاء قابل بازیافت باید از زباله جدا شوند. سپس این اشیاء باید تمیز شوند. در ادامه، این اشیاء به موادی تبدیل می‌شوند که می‌توانند توسط افراد و شرکت‌ها استفاده شوند. چرا مردم باید علی‌رغم این‌که بازیافت [مستلزم] کار زیادی است، به خودشان زحمت بازیافت را بدهند؟

بازیافت به محافظت از زمین کمک می‌کند. بازیافت به معنی زباله‌های کم‌تر در محل‌های دفن زباله است. این‌ها مکان‌هایی هستند که زباله به آن‌ها برده شده و دفن می‌شود. بازیافت هم‌چنین به حفظ منابع زمین کمک می‌کند. برای مثال، کارخانه‌ها با بازیافت قوطی‌های فولادی به جای تولید کردن قوطی‌های نو، انرژی کم‌تری مصرف می‌کنند. بازیافت کاغذ، درختان را از قطع شدن نجات می‌دهد. [در غیر این صورت] درختان برای درست کردن کاغذ استفاده می‌شوند.

هر بار که در حال انداختن یک بطری پلاستیکی در [سطل] آشغال هستید، دست نگه دارید و فکر کنید. آیا ارزش صدمه‌زدن به زمین را دارد؟ اقدامات امروز شما می‌تواند به حفظ محیط‌زیست برای نسل‌های آتی کمک کند. تمام کاری که شما باید انجام دهید، انداختن آن بطری در سطل بازیافت است. این عادت را کسب کنید. از بازیافت مفتخر باشید. سایرین را به بازیافت تشویق کنید. شما می‌توانید تفاوت ایجاد کنید!

۲۰۶ ۱ طبق متن، بازیافت چیست؟
۱) فرایندی که در آن چیزی مجدداً استفاده می‌شود ۲) فرایندی که در آن چیزی دور انداخته می‌شود
۳) فرایندی که در آن چیزی برده و دفن می‌شود ۴) فرایندی که در آن چیزی به زمین آسیب می‌زند

۲۰۷ ۴ کلمهٔ "ones" در پاراگراف دوم به "cans" اشاره دارد.
۱) محل‌های دفن زباله ۲) منابع ۳) کارخانه‌ها ۴) قوطی‌ها

۲۰۸ ۴ نویسنده اطلاعات را در این متن چگونه سازمان‌دهی می‌کند؟
۱) نویسنده مشکلات بازیافت را توضیح می‌دهد و [برای آن] راه‌حل‌های متفاوتی را پیشنهاد می‌کند.
۲) نویسنده شباهت‌ها و تفاوت‌های بین بازیافت و دور ریختن چیزها را توصیف می‌کند.
۳) نویسنده اطلاعات مربوط به بازیافت را به ترتیب اهمیت، از بیشترین به کم‌ترین اهمیت فهرست می‌کند.
۴) نویسنده بازیافت را شرح می‌دهد و استدلالی را دربارهٔ این‌که چرا مهم است، به اشتراک می‌گذارد.

۲۰۹ ۴ شما می‌توانید از این متن چه‌چیزی را برداشت کنید؟
۱) نویسنده برای یک کارخانهٔ بازیافت کار می‌کند.
۲) نویسنده به بازیافت اعتقاد ندارد.
۳) نویسنده اعتقاد دارد تمام آن چیزی‌که شما برای حفظ محیط‌زیست باید انجام دهید، انداختن یک بطری در یک سطل است.
۴) نویسنده اعتقاد دارد که همه می‌توانند به زمین کمک کنند.

۲۱۰ ۱ ایدهٔ اصلی این متن چیست؟
۱) بازیافت به حفاظت از زمین و حفظ منابع آن کمک می‌کند. ۲) افراد بسیاری از بازیافت امتناع می‌کنند چون‌که بیش از حد سخت است.
۳) انسان‌ها باید تصمیم بگیرند چه چیزهایی را بازیافت کنند. ۴) تنها چیزهای خاصی قابل بازیافت هستند.

۲۱۱ ۲ A: «نمی‌توانم متوجه شوم از این دوربین چه‌طور استفاده کنم.» B: «کاملاً آسان است. نشانت می‌دهم.»
از زمان آیندهٔ ساده (شکل سادهٔ فعل + will) می‌توان برای تصمیمات لحظه‌ای (یعنی تصمیماتی که به صورت آنی گرفته می‌شوند) استفاده کرد. در واقع، با توجه به این‌که نفر دوم از قبل برنامه‌ای برای آموزش روش استفاده کردن از دوربین نداشت و بر مبنای صحبت نفر اول تصمیم گرفت این کار را انجام دهد، از will استفاده می‌کنیم.

@khaneh_book

۲۱۲ ۱ آن ابرها خیلی سیاه هستند، مگه نه؟ فکر کنم قرار است باران ببارد.

◀ وقتی‌که در مورد آینده بر مبنای نشانه‌های موجود (در این‌جا وجود داشتن ابرهای سیاه زیاد) پیش‌بینی انجام می‌دهیم، برای انجام پیش‌بینی از ساختار be going to استفاده می‌شود.

۲۱۳ ۱ مردان و زنان بین سن‌های ۲۵ تا ۵۴ سال، پراسترس‌ترین زندگی‌ها را دارند.

◀ با توجه به مفهوم جمله، هم woman و هم life به صورت جمع مورد نیاز هستند. شکل جمع این دو اسم بی‌قاعده در گزینهٔ (۱) آمده است.

۲۱۴ ۱ A: «در حقم لطفی می‌کنی، سام؟» B: «البته، می‌خواهی چه‌کار کنم؟»

◀ یکی از کاربردهای زمان آیندهٔ ساده (شکل سادهٔ فعل + will) برای انجام درخواست و تقاضا و همین‌طور ارائهٔ پیشنهاد است.

۲۱۵ ۲ نمی‌توانم درک کنم چرا آن‌ها چنان دوستان خوبی هستند. آن‌ها به سختی هیچ‌چیز مشترکی دارند (اصلاً وجه اشتراک ندارند).

۱) دقت، توجه ۲) متداول، معمولی؛ مشترک ۳) اطلاعات ۴) طبیعت

◀ have sth in common: چیزی مشترک داشتن

۲۱۶ ۳ خانه خسارت زیادی ندید چون‌که آتش‌نشانان آتش را به سرعت خاموش کردند.

۱) ادامه دادن (به) ۲) [لباس و غیره] دراوردن؛ [هواپیما و غیره] بلند شدن

۳) [آتش و غیره] خاموش کردن ۴) تشکیل دادن، ساختن

۲۱۷ ۱ بسیاری از دانشمندان بر این باورند که گرم شدن زمین، نتیجهٔ اقدامات انسان است.

۱) انسان، بشر ۲) فزاینده، رو به افزایش ۳) طبیعی ۴) در معرض خطر، به خطر افتاده

۲۱۸ ۴ ناحیهٔ بزرگی از زمین که با درختان و گیاهان پوشیده شده یا خود درختان یا گیاهان، جنگل نامیده می‌شود.

۱) دریاچه ۲) طبیعت؛ ذات ۳) روستا ۴) جنگل

۲۱۹ ۳ اگر وقتتان را خوب برنامه‌ریزی کنید، می‌توانید وقت کم‌تری را صرف انجام کارهای غیرضروری کنید و کار را سریع‌تر انجام دهید.

۱) رفتن ۲) قرار دادن، گذاشتن ۳) برنامه‌ریزی کردن؛ قصد داشتن ۴) بردن؛ گرفتن

۲۲۰ ۳ سخنرانی تام آن‌قدر کسل‌کننده بود که چند نفر از حضار خوابشان برد.

۱) شگفت‌انگیز، حیرت‌انگیز ۲) جالب ۳) کسل‌کننده، خسته‌کننده ۴) سرگرم‌کننده

۲۲۱ ۲ حداکثر تلاشم را خواهم کرد تا مطمئن شوم که این‌گونه اشتباهات در آینده اتفاق نمی‌افتند.

۱) برنامه؛ جدول زمان‌بندی ۲) آینده ۳) اطلاعات ۴) بیان؛ عبارت؛ [چهره] حالت

۲۲۲ ۴ او امروز استراحت می‌کند، بنابراین امیدوارم که فردا حالش بهتر شود.

۱) با دقت، با احتیاط ۲) به طور شفاهی ۳) اخیراً، به تازگی ۴) امیدوارم که؛ امیدوارانه

متن کلوز

سه توله یوزپلنگ در باغ‌وحش سنت لوئیس در میزوری بزرگ می‌شوند. این توله‌ها در نوامبر سال ۲۰۰۶ متولد شدند. آن‌ها در آوریل سال ۲۰۰۷، پنج ماهه بودند. آن‌ها اولین یوزپلنگ‌هایی هستند که در مدت بیش از ده سال در باغ‌وحش به دنیا آمده‌اند. استیو بیرجر، متخصص یوزپلنگ باغ‌وحش به خبرنگاران گفت: «وضعیت توله‌ها فوق‌العاده است. آن‌ها بسیار فعال هستند. آن‌ها با یک‌دیگر و با مادر[شان] بازی می‌کنند.» این باغ‌وحش با بزرگ کردن توله یوزپلنگ‌ها برای نجات یوزپلنگ‌ها از انقراض کار می‌کند. این باغ‌وحش هم‌چنین از تلاش‌ها برای حفاظت از یوزپلنگ‌ها در حیات‌وحش حمایت می‌کند. بیرجر می‌گوید: «ما می‌خواهیم بچه‌ها آگاه باشند که یوزپلنگ‌ها در معرض خطر هستند. مهم است که از زیستگاه آن‌ها محافظت کنیم.»

۲۲۳ ۲ ۱) نگه داشتن؛ برگزار کردن ۲) متولد شدن ۳) فرستادن، ارسال کردن ۴) پیدا کردن، یافتن

◀ be born: متولد شدن، به دنیا آمدن

۲۲۴ ۱ ◀ with each other: با یک‌دیگر

۲۲۵ ۴ ۱) کاهش دادن؛ کاهش یافتن ۲) شناسایی کردن، شناختن

۳) مجروح کردن، صدمه زدن به ۴) نجات دادن؛ [پول و غیره] پس‌انداز کردن

۲۲۶ ۱ ۱) در معرض خطر، به خطر افتاده ۲) مفرد

۳) طبیعی؛ ذاتی ۴) منظم، مرتب؛ عادی، معمولی

۲۲۷ ۳ ۱) رایج؛ مشترک ۲) بی‌دقت، بی‌احتیاط ۳) مهم، با اهمیت ۴) بی‌فایده

@khanehbook

متن ۱

دانشمندان فکر می‌کنند که دایناسورها برای تقریباً ۲۰۰ میلیون سال بر روی زمین وجود داشتند. محبوب‌ترین تئوری این است که دایناسورها ۶۵ میلیون سال قبل وقتی‌که یک شهاب‌سنگ به جنوب مکزیک برخورد کرد، نابود شدند. برخورد شهاب‌سنگ باعث زمین‌لرزه‌ها، آتش‌سوزی‌ها و امواج جزر و مدی شد. آتش‌فشان‌ها فوران کردند، در حالی‌که گازهای سمّی را با فشار به آسمان می‌فرستادند و سطح اکسیژن را در اقیانوس‌ها پایین می‌آوردند. گیاهان مردند [و] منبع غذایی دایناسورهای گیاه‌خوار را از بین بردند. با مردن این دایناسورها، برای دایناسورهای گوشت‌خوار هیچ غذایی نبود. در مدت‌زمانی کوتاه، دایناسورها [از بین] رفته بودند و ظاهر شدن اولین پستانداران آغاز شد.

بسیاری از دانشمندان اشاره می‌کنند که هر چند آن شهاب‌سنگ تأثیری مهم داشت، اقلیم زمین از قبل شروع به تغییر کرده بود. سیاره داشت خنک می‌شد و احتمالاً دماهای سردتر، گیاهان را می‌کشت. بعضی از دانشمندان ادعا می‌کنند که احتمالاً پستاندارانی که پیش از شهاب‌سنگ قبلاً روی زمین بودند، انقراض را با خوردن تخم‌های دایناسورها، تسهیل کرده بودند.

۲۲۸ ۲ برخورد شهاب‌سنگ چگونه بر روی دایناسورها تأثیر گذاشت؟

۱) آن باعث انفجاری بزرگ شد که بیشتر دایناسورها را فوراً از بین برد.
۲) آن باعث تغییری شدید در محیط‌زیست آن‌ها شد که غذای آن‌ها را نابود کرد.
۳) آن باعث زمین‌لرزه‌ها و امواج جزر و مدی شد.
۴) آن تأثیر کمی بر روی دایناسورها داشت.

۲۲۹ ۲ کلمهٔ "lowering" (پایین آوردن؛ پایین آمدن) در پاراگراف اول نزدیک‌ترین معنی را به "decreasing" دارد.

۱) به ... صدمه زدن، به ... آسیب رساندن
۲) کاهش دادن؛ کاهش یافتن
۳) نجات دادن؛ [پول] پس‌انداز کردن
۴) خراب کردن، ویران کردن؛ نابود کردن

۲۳۰ ۴ کدام‌یک از موارد زیر دلیل احتمالی انقراض دایناسورها نیست؟

۱) سیاره خنک می‌شد.
۲) آن‌ها غذایشان تمام شد.
۳) پستانداران ابتدایی تخم‌هایشان را خوردند.
۴) انسان‌ها باعث آلودگی بسیار زیاد شدند.

۲۳۱ ۱ دایناسورها چه‌زمانی منقرض شدند؟

۱) مدت کوتاهی پس از برخورد شهاب‌سنگ به مکزیک
۲) ۲۰۰ میلیون سال قبل
۳) مدت کوتاهی پیش از برخورد شهاب‌سنگ به مکزیک
۴) ۶۵ میلیون سال بعد از برخورد شهاب‌سنگ به مکزیک

متن ۲

ما به خاطر جین گودال، در مورد شامپانزه‌ها چیزهای زیادی را می‌دانیم. او به مدت بیش از ۳۰ سال در مورد این میمون‌ها مطالعه کرد. او از میان جنگل‌های انبوه در آفریقا می‌خزید تا آرام بنشیند و آن‌ها را تماشا کند. در آن دوران، جین آن‌چه را که می‌دید و می‌شنید، می‌نوشت.

ما در حال حاضر می‌دانیم که شامپانزه‌ها در گروه‌های صمیمی زندگی می‌کنند. آن‌ها با در آغوش گرفتن و بوسیدن، به یک‌دیگر خوش‌آمد می‌گویند. شامپانزه‌های مادر، بچه‌هایشان را غلغلک می‌دهند و آن‌ها را می‌خندانند. شامپانزه‌ها با یک‌دیگر بازی می‌کنند و یک‌دیگر را تمیز می‌کنند. آن‌ها احساساتشان را هم نشان می‌دهند. شامپانزه‌های نگران، لب‌هایشان را درهم می‌کشند. شامپانزه‌های ترسیده، دندان‌هایشان را نشان می‌دهند. شامپانزه‌های آرام و شاد، لبخند می‌زنند و هر صدایی که شامپانزه تولید می‌کند، معنایی دارد. برای مثال، شامپانزه‌ها وقتی غذا پیدا می‌کنند، وغ‌وغ می‌کنند.

شامپانزه‌ها هم‌چنین مسائل را حل می‌کنند. آن‌ها از چوب‌ها برای رسیدن به غذاهایی استفاده می‌کنند که دستشان به آن‌ها نمی‌رسد. آن‌ها برگ‌ها را می‌جوند و از آن‌ها به عنوان اسفنج‌هایی برای جذب کردن آب استفاده می‌کنند.

۲۳۲ ۳ احتمالاً شغل جین گودال کدام یکی است؟

۱) او شامپانزه پرورش می‌دهد.
۲) او دامپزشک باغ‌وحش است.
۳) او دانشمند است.
۴) او حیوانات را تعلیم می‌دهد.

۲۳۳ ۲ بر مبنای متن، کدام‌یک در مورد شامپانزه‌ها صحیح است؟

۱) آن‌ها انسان را دوست ندارند.
۲) آن‌ها از بعضی جهات مثل انسان‌ها رفتار می‌کنند.
۳) آن‌ها دوست دارند تنها زندگی کنند.
۴) آن‌ها آواز می‌خوانند و می‌رقصند.

۲۳۴ ۲ شامپانزه‌ها کجا زندگی می‌کنند؟

۱) فقط در باغ‌وحش‌ها
۲) در جنگل‌ها
۳) در بیابان‌ها
۴) در نواحی پوشیده از یخ

۲۳۵ ۴ کدام‌یک نشان می‌دهد که شامپانزه‌ها مثل انسان‌ها رفتار می‌کنند؟

۱) آن‌ها وقتی ترسیده‌اند، دندان‌هایشان را نشان می‌دهند.
۲) آن‌ها وقتی غذا پیدا می‌کنند، وغ‌وغ می‌کنند.
۳) آن‌ها وقتی نگران هستند، لب‌هایشان را در هم
۴) آن‌ها با یک ... می‌کنند.

@khaneh_book

LESSON 2

Wonders of Creation

@khanebook

New Words & Expressions

Session 1

abroad /ə'brɔ:d/ *adv.* — در خارج؛ به خارج؛ از خارج

My father is going abroad next week.

پدرم هفتهٔ بعد به ۳خارج می‌رود.

actually /'æk.tʃu.ə.li/ *adv.* — ۱ـ در واقع، در عمل ۲ـ واقعاً

I don't know what actually happened.

نمی‌دانم واقعاً چه اتفاقی افتاد.

alike /ə'laɪk/ *adj.* — همانند، شبیه، یکسان

Ken and his brother are very much alike.

کن و برادرش خیلی شبیه هستند.

area /'er.i.ə/ *n.* — ناحیه، منطقه

There are many wild animals in this area.

در این منطقه حیوانات وحشی زیادی وجود دارد.

attack /ə'tæk/ *v. n.* — ۱- حمله کردن به، هجوم بردن به ۲- حمله

Wolves usually don't attack people.

گرگ‌ها معمولاً به انسان‌ها حمله نمی‌کنند.

blood /blʌd/ *n.* — خون

She lost a lot of blood in the accident.

او در تصادف خون زیادی از دست داد.

carry /'ker.i/ *v.* — ۱- حمل کردن، بردن ۲- (همراه) داشتن

Tom always carries a camera with him wherever he goes.

تام همیشه هر جایی‌که می‌رود همراه خودش دوربین دارد.

clear /klɪr/ *adj. v.* — ۱- واضح، روشن ۲- [آسمان] صاف ۳- پاک کردن، تمیز کردن

It's clear that Tom doesn't want to talk about his problem.

واضح است که تام نمی‌خواهد در مورد مشکلش صحبت کند.

collect /kə'lekt/ *v.* — ۱- جمع کردن، جمع‌آوری کردن ۲- وصول کردن

We collect stamps from all around the world.

ما از سرتاسر جهان تمبر جمع می‌کنیم.

compare /kəm'per/ *v.* — مقایسه کردن، سنجیدن

Compared to you, I'm only a beginner at this game.

من در مقایسه با شما، در این بازی فقط یک مبتدی هستم.

control /kən'troʊl/ *v. n.* — ۱- کنترل کردن؛ اداره کردن ۲- کنترل، نظارت

It was very difficult for her to control her emotions.

برایش خیلی سخت بود که احساساتش را کنترل کند.

@khanen_book

dangerous /'deɪn.dʒər.əs/ *adj.* خطرناک، پرخطر

It is dangerous for children to go out alone at night.

برای بچه‌ها خطرناک است که شب تنها بیرون بروند.

defend /dɪ'fend/ *v.* دفاع کردن از؛ پشتیبانی کردن از

Young men and women fought to defend their country.

مردان و زنان جوان برای دفاع کردن از کشورشان مبارزه کردند.

delicious /dɪ'lɪʃ.əs/ *adj.* خوش‌مزه، لذیذ؛ مطبوع

Thank you for the chocolate. It was delicious.

برای شکلات ممنون. خوش‌مزه بود.

describe /dɪ'skraɪb/ *v.* توصیف کردن، شرح دادن

I couldn't find the right words to describe my feelings for Mary.

نمی‌توانستم کلمات مناسب را پیدا کنم تا احساساتم را برای مری توصیف کنم.

detail /dɪ'teɪl/ *n.* جزء [در جمع] جزئیات

If you come to my house, I will tell you the story in detail.

اگر به خانه‌ام بیایید، داستان را با جزئیات به شما خواهم گفت.

disease /dɪ'ziːz/ *n.* بیماری

We know very little about the cause of this disease.

ما در مورد علت این بیماری خیلی کم می‌دانیم.

do exercise /duː 'ek.sər.saɪz/ *v.* ورزش کردن

The doctor advised him to do more exercise.

دکتر به او توصیه کرد بیشتر ورزش کند.

donate /'doʊ.neɪt/ *v.* [پول، خون و غیره] اهدا کردن، بخشیدن

Please get plenty of sleep the day before donating blood.

لطفاً روز قبل از اهدا کردن خون، خیلی بخوابید.

fact /fækt/ *n.* حقیقت، واقعیت

No decision will be made until we know all the facts.

تا وقتی‌که تمام حقایق را بدانیم، هیچ تصمیمی گرفته نخواهد شد.

fresh /freʃ/ *adj.* ۱- تازه ۲- [هوا] خنک، پاک ۳- [آب] شیرین

I love the way the air is so fresh and clean after it rains.

وضعیتی را که هوا بعد از باران باریدن این‌قدر خنک و تمیز است دوست دارم.

go around /goʊ ə'raʊnd/ *v.* ۱- به دور ... چرخیدن ۲- این ور و آن ور رفتن

The Earth takes approximately 365 days to go around the Sun.

تقریباً ۳۶۵ روز طول می‌کشد زمین به دور خورشید بچرخد.

healthy /'hel.θi/ *adj.* سالم؛ تندرست

The doctor examined the child and said she was healthy.

دکتر بچه را معاینه کرد و گفت سالم است.

@khanen_book

heart /hɑ:rt/ *n.* قلب

When you exercise your heart beats faster.

وقتی ورزش می‌کنید قلبتان سریع‌تر می‌تپد.

interest /'ɪn.trɪst/ *n.* علاقه، دلبستگی

I lost interest halfway through the book, and I never finished it.

وسط کتاب علاقه [ام] را از دست دادم و هرگز آن را تمام نکردم.

liquid /'lɪk.wɪd/ *n.* مایع

How much liquid do you think this bottle contains?

فکر می‌کنید این بطری حاوی چه‌مقدار مایع است؟

nation /'neɪ.ʃən/ *n.* ۱- ملت ۲- کشور

If you are to know a nation, you must learn its history.

اگر می‌خواهید ملتی را بشناسید، باید تاریخ آن را یاد بگیرید.

nationality /ˌnæʃ.ən'æl.ə.ti/ *n.* ملیت

New York City is home to people of many nationalities.

شهر نیویورک خانهٔ افرادی از ملیت‌های بسیار است.

opinion /ə'pɪn.jən/ *n.* نظر، عقیده

In my opinion, French is a hard language to learn.

به نظر من، فرانسوی برای یاد گرفتن، زبان سختی است.

orbit /'ɔ:r.bɪt/ *n. v.* ۱- مدار ۲- دور ... چرخیدن

Once in space, the spacecraft will go into orbit around Earth.

سفینهٔ فضایی وقتی به فضا رفت، به مدار دور زمین خواهد رفت.

place /pleɪs/ *v. n.* ۱- قرار دادن، گذاشتن ۲- محل، مکان ۳- ناحیه، منطقه ۴- مقام، مرتبه

Isfahan is one of the places I visited last summer.

اصفهان یکی از محل‌هایی است که پارسال تابستان رفتم.

planet /'plæn.ɪt/ *n.* سیاره

I can't imagine what life on another planet would be like.

نمی‌توانم تصور کنم زندگی در سیاره‌ای دیگر به چه شکل خواهد بود.

powerful /'paʊ.ɚ.fəl/ *adj.* قوی، نیرومند

This computer is powerful, efficient, and easy to use.

این کامپیوتر قوی، کارآمد و استفاده از آن آسان است.

pump /pʌmp/ *v.* تلمبه کردن، پمپاژ کردن

The heart pumps blood round the body.

قلب خون را به سرتاسر بدن پمپاژ می‌کند.

quality /'kwɑ:.lə.ti/ *n.* ۱- کیفیت ۲- ویژگی، خصوصیت

The price is low, but the quality isn't very good.

قیمت پایین است، اما کیفیت ... خوب نیست.

@khanebook

strange /streɪndʒ/ *adj.* ۱- عجیب، غیرعادی ۲- ناآشنا

It's strange that you don't know anything about that matter.

عجیب است که در مورد آن موضوع هیچ‌چیزی نمی‌دانید.

suitable /'su:.tə.bəl/ *adj.* مناسب، شایسته

This movie is not suitable for small children.

این فیلم برای بچه‌های کوچک مناسب نیست.

useful /'ju:s.fəl/ *adj.* مفید، سودمند

You can't get a job if you don't have useful skills.

اگر مهارت‌های مفیدی ندارید، نمی‌توانید کار پیدا کنید.

wonder /'wʌn.dər/ *n. v.* ۱- شگفتی، معجزه ۲- حیرت، تعجب ۳- از خود پرسیدن

We spent a week visiting the wonders of Ancient Greek civilization.

یک هفته را صرف دیدن شگفتی‌های تمدن یونان باستان کردیم.

worry /'wɜ:r.i/ *v. n.* ۱- نگران بودن، دلواپس بودن ۲- نگرانی، دلواپسی

Don't worry about it. Everything's going to be fine.

نگران آن نباش. همه چیز درست خواهد شد.

Session 2

against /ə'genst/ *prep.* ۱- برخلاف، مخالف، (بر) علیه ۲- مقابل

Some people are for the plan, and others are against it.

بعضی از افراد موافق این طرح و بقیه مخالف آن هستند.

base on /beɪs ɑ:n/ *v.* براساس ... قرار دادن، براساس ... بنا کردن

We shouldn't judge people based on their appearance.

ما نباید افراد را بر اساس ظاهرشان قضاوت کنیم.

brave /breɪv/ *adj.* ۱- شجاع، دلیر، بی‌باک ۲- شجاعانه، جسورانه

It was brave of you to go into the burning house to save the children.

این کارتان شجاعانه بود که برای نجات دادن بچه‌ها، داخل خانهٔ در حال سوختن رفتید.

cell /sel/ *n.* سلول

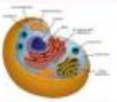

The human body is composed of billions of small cells.

بدن انسان از میلیاردها سلول کوچک تشکیل شده است.

creation /kri'eɪ.ʃən/ *n.* آفرینش، خلق؛ پدید آوردن

She was responsible for the creation of a new company.

او بانی پدید آوردن شرکت جدید بود.

cross /krɑ:s/ *v.* [خیابان و غیره] عبور کردن از، رد شدن از

Amin looked both ways before he crossed the busy street.

امین قبل از رد شدن از خیابان شلوغ به هر دو طرف نگاه کرد.

@khanen_book

dark /dɑ:rk/ *adj. n.* ۱- تاریک ۲- [رنگ] تیره ۳- تاریکی

Tom always dresses in black or some other dark color.

تام همیشه سیاه یا یک رنگ تیرهٔ دیگر را می‌پوشد.

drop /drɑ:p/ *n. v.* ۱- قطره ۲- انداختن

We did not have a single drop of rain for two months.

برای دو ماه یک قطره باران [هم] نداشتیم.

element /'el.ə.mənt/ *n.* ۱- عنصر، عامل ۲- بخش، قسمت

List the elements that make up a perfect dinner party.

عواملی را که یک مهمانی شام بی‌نقص را تشکیل می‌دهند، فهرست کنید.

energy /'en.ər.dʒi/ *n.* ۱- نیرو، توان ۲- انرژی

I didn't even have the energy to get out of bed.

حتی انرژی نداشتم از تخت خارج شوم.

famous /'feɪ.məs/ *adj.* مشهور، معروف

In addition to being a doctor, he was a very famous novelist.

او علاوه بر پزشک بودن، یک رمان‌نویس بسیار مشهور بود.

fight /faɪt/ *v. n.* ۱- دعوا کردن (با)، جنگیدن (با)، مبارزه کردن (با) ۲- دعوا، جنگ، مبارزه

Nasim and Bahar were always fighting when they were younger.

نسیم و بهار وقتی کوچک‌تر بودند همیشه دعوا می‌کردند.

form /fɔ:rm/ *v. n.* ۱- تشکیل دادن ۲- شکل دادن (به) ۳- شکل، صورت ۴- فُرم

It is easy to form a plan, but it is difficult to carry it out.

تشکیل دادن یک طرح آسان است، اما اجرا کردن آن دشوار است.

gift /gɪft/ *n.* هدیه، کادو

Mary received many gifts for her birthday.

مری برای تولدش هدیه‌های زیادی گرفت.

golden /'gool.dən/ *adj.* طلایی

The little girl has beautiful golden hair.

آن دختربچه موهای طلایی زیبایی دارد.

hint /hɪnt/ *n.* ۱- اشاره ۲- سرنخ، نشانه ۳- نکته

When I didn't know how to answer the question, he gave me a hint.

وقتی‌که نمی‌دانستم چه‌طور به سؤال جواب دهم، به من سرنخ داد.

in terms of /ɪn tɜ:rmz ɑ:v/ از نظر، در چارچوب

We must think about these plans in terms of what they would cost.

ما باید در مورد این طرح‌ها از نظر [این‌که] چقدر هزینه خواهند داشت فکر کنیم.

irregular /ɪ'reg.jə.lər/ *adj.* ۱- بی‌قاعده ۲- نامنظم

Some weeks, I work long, irregular hours.

بعضی هفته‌ها من ساعات طولانی و نامنظمی را کار می‌کنم.

@khanehbook

laugh /læf/ *v. n.* ۱- خندیدن ۲- خنده

When I entered the room, Reza and Pejman were laughing at something.

وقتی وارد اتاق شدم، رضا و پژمان به چیزی می‌خندیدند.

light /laɪt/ *n. v.* ۱- روشنایی، نور ۲- چراغ ۳- [چراغ و غیره] روشن کردن

Harry ran out of matches, so he couldn't light the fire.

هری کبریت‌هایش تمام شد، پس نتوانست آتش را روشن کند.

material /məˈtɪr.i.əl/ *n.* ۱- ماده ۲- مطلب، اطلاعات

Those two shirts are made from the same material.

آن دو پیراهن از یک ماده درست شده‌اند.

neighbor /ˈneɪ.bər/ *n.* همسایه

We don't like our neighbors, and they don't like us either.

ما همسایه‌هایمان را دوست نداریم و آن‌ها هم ما را دوست ندارند.

observatory /əbˈzɜːr.və.tɔːr.i/ *n.* رصدخانه

The observatory has two telescopes.

آن رصدخانه دو تلسکوپ دارد.

on one's own /ɑːn wʌnz oʊn/ به تنهایی، تنها

Brian learned to tie his shoes on his own when he was three.

برایان وقتی سه سال داشت، یاد گرفت بندهای کفش‌هایش را به تنهایی ببندد.

organ /ˈɔːr.gən/ *n.* اندام، عضو

Your ears, eyes, tongue, nose, and skin are your sense organs.

گوش‌ها، چشم‌ها، زبان، بینی و پوست شما اندام‌های حسی‌تان هستند.

paint /peɪnt/ *n. v.* ۱- رنگ ۲- رنگ زدن، نقاشی کردن

My mother suggested that I paint my room a light blue.

مادرم پیشنهاد کرد که اتاقم را آبی روشن رنگ کنم.

plasma /ˈplæz.mə/ *n.* [بخشی از خون] پلاسما

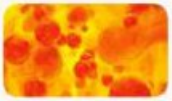

Plasma is the liquid part of blood that carries the blood cells.

پلاسما بخش مایع خون است که سلول‌های خونی را حمل می‌کند.

polite /pəˈlaɪt/ *adj.* ۱- مؤدب، با تربیت ۲- مؤدبانه

My mother taught me that it's not polite to point.

مادرم به من یاد داد که اشاره کردن [به بقیه] مؤدبانه نیست.

red blood cell /ˌred ˈblʌd ˌsel/ *n.* گلبول قرمز خون

Any of the cells that carry oxygen around the body is a red blood cell.

هر کدام از سلول‌هایی که اکسیژن را در تاسر بدن حمل می‌کند گلبول قرمز خون است.

@khaneh_book

ring /rɪŋ/ *n.* حلقه، انگشتر

I'll give Sophia a ring for her birthday.

به سوفیا برای تولدش یک حلقه خواهم داد.

rise /raɪz/ *v. n.* ۱- بالا رفتن، افزایش پیدا کردن ۲- [خورشید] طلوع کردن ۳- افزایش

The sun rises in the east and sets in the west.

خورشید در شرق طلوع و در غرب غروب می‌کند.

rock /rɑ:k/ *n.* سنگ، صخره

Daniel threw a rock at the bottle, hit it and broke it.

دانیل یک سنگ به طرف بطری پرتاب کرد، آن را زد و آن را شکست.

rocky /'rɑ:.ki/ *adj.* پر از سنگ، سنگلاخ، سنگی

They were walking along a rocky path.

آن‌ها در امتداد یک مسیر سنگلاخ راه می‌رفتند.

sign /saɪn / *n. v.* ۱- علامت، نشانه ۲- تابلو ۳- (اسم خود را) امضا کردن

Mehran couldn't understand what the sign meant.

مهران نمی‌توانست بفهمد آن تابلو به چه معنی است.

soldier /'soʊl.dʒər/ *n.* سرباز

The soldiers were ready to die for their country.

سربازان حاضر بودند برای کشورشان بمیرند.

star /stɑ:r/ *n.* ستاره

There are so many stars in the sky. I can't count them all.

در آسمان تعداد خیلی زیادی ستاره وجود دارد. نمی‌توانم همهٔ آن‌ها را بشمارم.

turn /tɜ:rn/ *n. v.* ۱- نوبت ۲- چرخش، پیچ ۳- چرخیدن، پیچیدن

In this game if you give the wrong answer, you have to miss a turn.

در این بازی اگر جواب غلط بدهید، باید یک نوبت را از دست بدهید.

ugly /'ʌg.li/ *adj.* زشت، بدقیافه

Some parts of this city are very ugly.

بعضی از بخش‌های این شهر خیلی زشت هستند.

white blood cell /ˌwaɪt 'blʌd ˌsel/ *n.* گلبول سفید خون

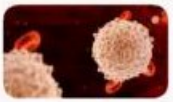

A white blood cell is involved in the fight against infection.

گلبول سفید خون در مبارزه علیه عفونت درگیر است.

without /wɪ'ðaʊt/ *prep.* بدون

You shouldn't drive for more than three hours without taking a break.

شما نباید بدون استراحت کردن [illegible] از سه ساعت رانندگی کنید.

@khaneh_book

Session 3

ant /ænt/ *n.* مورچه

They studied the behavior of ants.

آن‌ها رفتار مورچه‌ها را مطالعه می‌کردند.

arrow /'er.oʊ/ *n.* ۱- (علامتِ) فلش ۲- تیر

I followed the arrows to the car park.

فلش‌ها را به سمت پارکینگ دنبال کردم.

bacteria /bæk'tɪr.i.ə/ *n.* [جمع] باکتری‌ها

There are many different types of bacteria.

انواع بسیار مختلفی از باکتری‌ها وجود دارد.

better /'bet.ər/ *adj.* [صفت تفضیلی] بهتر

If we sit near the front of the bus, we'll have a better view.

اگر نزدیک به جلوی اتوبوس بنشینیم، دید بهتری خواهیم داشت.

black and white /blæk ænd waɪt/ سیاه و سفید

The old movies were filmed in black and white.

فیلم‌های قدیمی به صورت سیاه و سفید فیلم‌برداری می‌شدند.

camel /'kæm.əl/ *n.* شتر

The camel can go a long time without water and food.

شتر می‌تواند بدون آب و غذا، مدتی طولانی دوام بیاورد.

carbon dioxide /ˌkɑːr.bən daɪ'ɑːk.saɪd/ *n.* دی‌اکسید کربن

A molecule of carbon dioxide (CO_2) has one carbon atom and two oxygen atoms.

یک مولکول دی‌اکسید کربن (CO_2) یک اتم کربن و دو اتم اکسیژن دارد.

downward /'daʊn.wərd/ *adj.* *adv.* ۱- رو به پایین، نزولی ۲- به طرف پایین

As the river flows downward, it widens.

در حالی‌که رودخانه به طرف پایین جریان پیدا می‌کند، پهن می‌شود.

farther /'fɑːr.ðər/ *adj.* [صفت تفضیلی] دورتر؛ بیشتر

He was too tired to go any farther.

او آن‌قدر خسته بود که نمی‌توانست اصلاً دورتر برود.

farthest /'fɑːr.ðɪst/ *adj.* [صفت عالی] دورترین؛ بیشترین

What's the farthest you've ever run in your life?

دورترین [مسیری] که تاکنون در زندگی‌ات دویده‌ای چیست؟

fatty /'fæt.i/ *adj.* [غذا و غیره] چرب، پر چربی

Fatty meat is unhealthy for you.

گوشت چرب برایتان ناسالم است.

@khaneh_book

gas /gæs/ *n.* گاز

Oxygen, hydrogen, and nitrogen are all gases.

اکسیژن، هیدروژن و نیتروژن همه گاز هستند.

half /hæf/ *n.* نیم، نصف

I want to see you in your office in half an hour.

می‌خواهم شما را در دفتر کارتان ظرف نیم ساعت ببینم.

heaven /'hev.ən/ *n.* ۱- بهشت ۲- [در جمع] آسمان

They rolled their eyes toward the heavens.

آن‌ها چشمانشان را به سمت آسمان چرخاندند.

Hubble Telescope /ˌhʌbəl 'tel.ə.skoop/ *n.* تلسکوپ هابل

The Hubble Telescope is a very powerful telescope which is attached to a satellite in space.

تلسکوپ هابل، تلسکوپ بسیار نیرومندی است که به یک ماهواره در فضا متصل شده است.

Jupiter /'dʒu:.pə.tər/ *n.* [سیاره] مشتری

Jupiter is the planet fifth in order of distance from the Sun, after Mars and before Saturn.

مشتری پنجمین سیاره از نظر فاصله از خورشید است، بعد از مریخ و قبل از زحل.

lens /lenz/ *n.* [دوربین و غیره] لنز، عدسی

This camera has a zoom lens.

این دوربین لنز زوم دارد.

Mars /mɑ:rz/ *n.* [سیاره] مریخ، بهرام

Mars is sometimes called the Red Planet because of its distinctive color.

گاهی مریخ به دلیل رنگ متمایز خودش سیارهٔ سرخ نامیده می‌شود.

medium /'mi:.di.əm/ *adj. n.* ۱- حد متوسط، متوسط ۲- ابزار، وسیله

I take a medium size in clothes.

من در لباس‌ها، سایز متوسط می‌خرم.

Mercury /'mɜ:r.kjə.ri/ *n.* [سیاره] تیر، عطارد

Mercury is the planet closest in distance to the Sun.

عطارد نزدیک‌ترین سیاره از نظر فاصله به خورشید است.

microbe /'maɪ.kroob/ *n.* میکروب

A microbe is a very small living thing that causes disease.

میکروب یک موجود زندهٔ بسیار کوچک است که باعث بیماری می‌شود.

microscope /'maɪ.krə.skoop/ *n.* میکروسکوپ

They looked at the blood samples under the microscope.

آن‌ها زیر میکروسکوپ به نمونه‌های خون نگاه کردند.

moon /mu:n/ *n.* ماه، قمر

Neil Armstrong was the first person to set foot on the surface of the moon.

نیل آرمسترانگ اولین شخصی [illegible] بر روی سطح ماه قدم گذاشت.

@khaneh_book

Neptune /'nep.tu:n/ *n.* [سیاره] نپتون

Neptune is the planet eighth in order of distance and farthest from the Sun, after Uranus.

نپتون از نظر فاصله هشتمین و دورترین سیاره از خورشید بعد از اورانوس است.

Nile /'naɪl/ *n.* [رود] نیل

The Nile is the longest river in the world.

نیل طولانی‌ترین رود جهان است.

pepper /'pep.ər/ *n.* ۱- فلفل ۲- پودر فلفل

Sarah asked me to pass her the salt and pepper.

سارا از من خواست که نمک و فلفل را به او بدهم.

plastic /'plæs.tɪk/ *n. adj.* ۱- پلاستیک ۲- پلاستیکی

Those flowers aren't real – they're made of plastic.

آن گل‌ها واقعی نیستند؛ آن‌ها از پلاستیک درست شده‌اند.

Pluto /'plu:.too/ *n.* [سیارک] پلوتون

Astronomers decided that Pluto is too small and too far away from our sun to be called a planet.

ستاره‌شناسان تصمیم گرفتند که پلوتون آن‌قدر کوچک و آن‌قدر دور از خورشید ما است که نمی‌تواند سیاره نامیده شود.

Russia /'rʌʃ.ə/ *n.* روسیه

The weather in Russia in the winter is freezing.

در زمستان آب‌وهوا در روسیه خیلی سرد است.

Saturn /'sæt.ərn/ *n.* [سیاره] زحل

Saturn is the planet sixth in order of distance from the Sun, after Jupiter and before Uranus.

زحل سیارهٔ ششم از نظر مسافت از خورشید است، بعد از مشتری و قبل از اورانوس.

seafood /'si:.fu:d/ *n.* غذای دریایی

In Japan, seafood is very important.

در ژاپن، غذای دریایی خیلی مهم است.

shark /ʃɑ:rk/ *n.* کوسه

Some species of shark are now endangered.

بعضی از گونه‌های کوسه الان در معرض خطر هستند.

silver /'sɪl.vər/ *n. adj.* ۱- نقره ۲- نقره‌ای

I prefer silver rings to gold ones.

حلقه‌های نقره را به حلقه‌های طلا ترجیح می‌دهم.

size /saɪz/ *n.* اندازه، سایز

The size of the carpet is 120 by 160 centimeters.

اندازهٔ فرش ۱۲۰ سانتی‌متر در ۱۶۰ سانتی‌متر است.

Sun /sʌn/ *n.* خورشید

It takes 165 years for Neptune to orbit around the Sun.

۱۶۵ سال طول می‌کشد تا نپتون د[illegible] خورشید بچرخد.

@khanehbook

telescope /'tel.ə.skoop/ *n.* تلسکوپ

With a good telescope, you can see distant stars.

شما با یک تلسکوپ خوب می‌توانید ستاره‌های دوردست را ببینید.

thousand /'θaʊ.zənd/ *n.* هزار

The population of the village is about three thousand.

جمعیت روستا حدود سه هزار [نفر] است.

upward /'ʌp.wərd/ *adj. adv.* ۱- رو به بالا، صعودی ۲- به طرف بالا

Mike found it difficult to swim in the strong upward river.

مایک احساس کرد که شنا کردن در رودخانهٔ رو به بالای قوی سخت است.

Uranus /'jʊr.ən.əs/ *n.* [سیاره] اورانوس

Uranus is the planet seventh in order of distance from the Sun, after Saturn and before Neptune.

اورانوس سیارهٔ هفتم از نظر مسافت از خورشید است، بعد از زحل و قبل از نپتون.

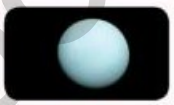

Venus /'viː.nəs/ *n.* [سیاره] زهره، ناهید

The surface temperature of Venus is very high.

دمای سطحی زهره خیلی بالا است.

virus /'vaɪ.rəs/ *n.* ویروس

It's possible to pass on the virus to others through physical contact.

منتقل کردن این ویروس به بقیه از طریق تماس فیزیکی ممکن است.

watch /wɑːtʃ/ *n.* ساعت مچی

I usually don't wear a watch.

من معمولاً ساعت مچی نمی‌بندم.

wooden /'wʊd.ən/ *adj.* چوبی، ساخته شده از چوب

Please use this wooden box in place of a chair.

لطفاً از این جعبهٔ چوبی به جای صندلی استفاده کنید.

worse /wɜːrs/ *adj.* [صفت تفضیلی] بدتر

If the rain gets any worse we'll have to go back.

اگر باران از این هم بدتر شود، باید برگردیم.

worst /wɜːrst/ *adj.* [صفت عالی] بدترین

That was the worst meal of my life.

آن بدترین غذای زندگی‌ام بود.

@khaneh_book

Vocabulary Tests

زبان ۸۴ ـ با تغییر

1. I didn't ..... see him – I just heard his voice.
   1) finally 2) actually 3) safely 4) especially

تجربی ۸۷

2. Here is some ..... information about the history of Iran.
   1) useful 2) careful 3) successful 4) powerful
3. The book ..... the life of the Japanese as it was a hundred years ago.
   1) orbits 2) describes 3) rises 4) creates
4. Washing your hands regularly is a good way to prevent catching some ..... .
   1) diseases 2) elements 3) cells 4) wonders
5. Mary looked through her closet trying to find something ..... to wear.
   1) fresh 2) delicious 3) suitable 4) daily
6. I was going to go out this evening, but I just haven't got the ..... .
   1) element 2) liquid 3) energy 4) opinion
7. There are so many ..... in the night sky that I can't count them all.
   1) planets 2) wonders 3) stars 4) cells
8. Every time Uncle George visited our house, he always brought us a ..... .
   1) heart 2) wonder 3) gift 4) hint
9. When I saw my aunt, for an instant, I thought it was my mother because they look very much ..... .
   1) suitable 2) common 3) near 4) alike
10. English has now become the common language of several ..... in the world.
    1) neighbors 2) nations 3) materials 4) wonders
11. The picture quality is bad because the TV signal isn't ..... enough.
    1) interesting 2) clean 3) powerful 4) healthy
12. There are big differences in Internet speed and ..... from country to country.
    1) medium 2) pattern 3) example 4) quality
13. That's ..... – I'm sure I put my glasses in my bag, but they're not there.
    1) ugly 2) dangerous 3) strange 4) common
14. The sky is ....., and the wind is refreshingly cool. It's a perfect day to spend outdoors.
    1) deep 2) clear 3) hard 4) near
15. Henry was just sitting in the dark when I entered the room and turned on the ..... .
    1) rings 2) lights 3) signs 4) materials
16. The planet second in order of the distance from the Sun, after Mercury and before Earth is called ..... .
    1) Mars 2) Venus 3) Jupiter 4) Saturn
17. When he yawned and looked at his watch, I took it as a ..... that we should leave.
    1) fact 2) h... 4) hope

@khanen_book

18. Everyone was shouting at me for my mistake, and I never got a chance to ..... myself.

1) defend 2) remember 3) become 4) collect

19. Tom emptied the water out of the bottle before he refilled it with ..... water.

1) active 2) fresh 3) delicious 4) farther

20. The teacher drew a diagram showing how the ..... flows through the heart.

1) cell 2) drop 3) blood 4) liquid

21. The reason Hossein is fat is because he eats too much and doesn't get enough ..... .

1) ability 2) detail 3) interest 4) exercise

22. Our minds function through the brain, nervous system, and sense ..... .

1) places 2) organs 3) hints 4) facts

23. The police ..... the copy with the original, but there was not much difference.

عنر ۹۲ ـ با تغییر

1) collected 2) connected 3) compared 4) considered

24. Bob gave Tina almost all the stamps he had ....., and kept only a few for himself.

1) collected 2) described 3) identified 4) compared

25. I told you it was ..... . The reason you got hurt was because you didn't listen.

1) dangerous 2) boring 3) common 4) powerful

26. "Who, in your ....., is the best football player in the world?" "I think Lionel Messi is the best one."

1) subject 2) opinion 3) fact 4) term

27. Is there any ..... in particular that you'd recommend I visit while I'm in Tehran?

1) hint 2) number 3) detail 4) place

28. The ..... Jupiter radiates twice as much heat from inside as it receives from the Sun.

1) star 2) telescope 3) oxygen 4) planet

29. The red blood ..... is a small bag containing hemoglobin molecules for transporting oxygen.

1) heart 2) cell 3) organ 4) virus

30. It's hard to know exactly what to do – we'll just have to take a shot in the ..... .

1) dark 2) hint 3) act 4) sign

31. Many great thinkers who were unknown while alive became ..... after death.

1) polite 2) famous 3) clear 4) helpful

32. There are times when you need to ..... for what's right, even at the risk of your own life.

1) keep 2) hold 3) stay 4) fight

33. Our next-door ..... asked us to look after his plants while he was away on vacation.

1) neighbor 2) apartment 3) opinion 4) organ

34. It is rather cold again today, but tomorrow we expect the temperature to ..... .

1) rise 2) get 3) move 4) hold

35. A person who is in an army and wears its uniform, especially someone who fights when there is a war is called a/an ..... .

1) soldier 2) pilot 3) [illegible] 4) worker

@khanen_book

36. Hamid told Mahdi that he loved his shoes although he thought they were ..... .

1) right 2) safe 3) ugly 4) useful

37. Rain forests are filled with ..... animals. We still don't know many of these animals.

1) dark 2) daily 3) amazing 4) helpful

38. He wanted the best for his children – good schools, a nice house, and trips ..... .

1) over 2) abroad 3) inside 4) outside

39. The finely detailed design of the stamp made it a valuable piece among her ..... . خارج ۸۵ ـ با تغییر

1) collection 2) information 3) intonation 4) celebration

40. One hundred and sixteen people died as a result of a bomb ..... in Pakistan.

1) material 2) attack 3) detail 4) element

41. My grandfather ..... moderate exercise every morning, which is why he is strong and healthy.

1) makes 2) does 3) goes 4) gives

42. James ..... money to the Red Cross to help survivors of the earthquake.

1) saved 2) cleared 3) added 4) donated

43. Amir said he liked what she had made for dinner, but he was only being ..... .

1) worried 2) brave 3) polite 4) careless

44. I don't know exactly what's wrong with her – I think she has some kind of ..... .

1) virus 2) hospital 3) nature 4) medicine

45. Once in space, the spacecraft will go into ..... around Earth. It will take place next January.

1) orbit 2) planet 3) moon 4) creation

46. Without going into ....., I can tell you that we have had a very successful year. ریاضی ۸۶

1) details 2) events 3) terms 4) effects

47. That restaurant's food is ..... and their prices are low. However, their location isn't good.

1) helpful 2) delicious 3) irregular 4) simple

48. I have lost ..... in studying, so I don't think there is any point in going to university.

1) fact 2) pattern 3) interest 4) opinion

49. Leave the main road and ..... the bridge, and keep going until you see a gate on the left-hand side.

1) cross 2) wonder 3) plow 4) place

50. I asked Ali how much he thought it would cost to get someone to ..... our house.

1) make 2) carry 3) paint 4) stay

51. Elham sat there for a moment ..... saying anything, and then she got up and left the room.

1) without 2) unless 3) if 4) while

52. If you are ..... his progress, do discuss it with one of his teachers. خارج ۸۶ ـ با تغییر

1) tired of 2) necessary for 3) happy with 4) worried about

53. I heard that people who eat fruits and vegetables every day are less likely to have a/an ..... attack.

1) cell 2) l... 4) organ

@khanen_book

54. We placed the bowls on the floor to catch the ..... of water coming through the roof.

1) rings 2) liquids 3) drops 4) cells

55. The application form asks you to state your name, age, and ..... .

1) collection 2) nationality 3) opinion 4) detail

56. A building from which scientists can watch the planets, the stars, the weather, etc. is a/an ..... .

1) observatory 2) plasma 3) satellite 4) telescope

57. To build the tunnel, they had to cut through 500 feet of solid ..... . It was an extremely hard work.

1) energy 2) ring 3) arrow 4) rock

58. A good teacher should encourage the students to discover basic scientific ..... . خارج ۹۲ ـ با تغییر

1) facts 2) signs 3) goals 4) tasks

59. No matter how hard I tried to be ..... and strong, I couldn't stop myself from crying.

1) healthy 2) brave 3) careful 4) famous

60. I waited so long for my ..... to see the career adviser that I missed my bus.

1) turn 2) hint 3) order 4) number

61. People living in this ..... are dying because of the lack of water. The government should find a way to solve this problem.

1) turn 2) ring 3) hint 4) area

62. She works ..... hours. It means that she works for different amounts of time and at different times on different days.

1) golden 2) common 3) suitable 4) irregular

63. We try to do what is best for our customers in ..... of the quality of our products.

1) terms 2) hints 3) signs 4) cases

64. The old man is very proud of the ..... of valuable stamps he has now available in his album. هنر ۹۵ ـ با تغییر

1) creation 2) interest 3) wonder 4) collection

65. I suggest we both leave now and leave John and Mary to discuss this problem ..... .

1) on their own 2) nevertheless 3) however 4) by the way

66. These changes will lead to the ..... of new businesses, and provide job opportunities for thousands of people.

1) interest 2) creation 3) detail 4) material

67. He's got a place at university which gives him a ..... opportunity to do research on the subject which interests him.

1) brave 2) golden 3) deep 4) healthy

@khanenbook

Grammar

Adjectives صفات

صفت کلمه‌ای است که اسم را توصیف می‌کند و در واقع در مورد آن اطلاعات بیشتری ارائه می‌دهد. در این درس قصد داریم چند نکتهٔ مهم را در مورد صفات مورد بررسی قرار دهیم.

جایگاه صفت در جمله

به طور کلی از صفت در ۲ جا می‌توانیم استفاده کنیم:

۱ پیش از اسم: برعکس زبان فارسی که در آن صفت را بعد از اسم به کار می‌بریم، در زبان انگلیسی صفت قبل از اسم مورد استفاده قرار می‌گیرد. مثال:

My father is a tall man.
اسم صفت
پدرم مرد قدبلندی است.
اسم صفت

They live in a beautiful house.
اسم صفت
آن‌ها در خانهٔ زیبایی زندگی می‌کنند.
اسم صفت

My friend told me a funny joke.
اسم صفت
دوستم به من یوک قشنگی گفت.
اسم صفت

۲ بعد از افعال ربطی و حسی: بعد از افعالی که در ادامه می‌گوییم از صفت استفاده می‌شود. فعلاً این افعال را به همراه معنی‌شان حفظ کنید تا به یک نکتهٔ مهم مربوط به آن‌ها برسیم:

be (am / is / are / was / were / be / being / been)	بودن
stay / remain	ماندن، باقی ماندن
become / get / turn / grow	شدن
seem / look / appear / sound	به نظر رسیدن
feel	احساس ... را داشتن
smell	بوی ... را داشتن
taste	مزهٔ ... را داشتن

مثال:

It is cold today.
صفت فعل ربطی
امروز سرد است.
صفت

The dress looks nice on you.
صفت فعل حسی
این لباس تن شما زیبا به نظر می‌رسد.
صفت

The cake smells good.
صفت فعل حسی
آن کیک بوی خوبی دارد.
صفت

نکته افعالی که در بالا ذکر کردم و از آن‌ها به عنوان «افعال ربطی و حسی» نام بردم، فقط در صورتی جزء افعال ربطی و حسی هستند که دقیقاً در معنی ذکر شده به کار رفته باشند. یعنی هر کدام از این افعال در هر معنی دیگری به کار رفته باشند، دیگر جزء افعال ربطی و حسی نیستند و بعد از آنها قید حالت استفاده می‌شود، نه صفت. مثال:

Children grow quickly.
قید حالت
بچه‌ها به سرعت بزرگ می‌شوند.
قید حالت

@khaneh_book

گفتیم که grow در صورتی فعل ربطی است که در معنی «شدن» به کار رفته باشد اما چون در جملهٔ بالا، grow را در معنی «بزرگ شدن، رشد کردن» داریم، فعل ربطی نیست و پس از آن از قید حالت (quickly) استفاده می‌شود، نه صفت (quick).

انواع صفات

صفت‌ها بر مبنای این‌که کدام‌یک از ویژگی‌های اسم را توصیف می‌کنند، می‌توانند انواع مختلفی داشته باشند. در ادامه انواع صفات را بررسی می‌کنیم:

۱ صفات کیفیت یا عقیده:

beautiful (زیبا)، nice (خوب، زیبا)، interesting (جالب)، cheap (ارزان) و ...

۲ صفات اندازه:

small (کوچک)، large (بزرگ)، medium (متوسط)، big (بزرگ) و ...

۳ صفات سن:

old (پیر)، young (جوان)، new (تازه) و ...

۴ صفات رنگ:

blue (آبی)، green (سبز)، red (قرمز)، white (سفید)، black (سیاه)، pink (صورتی) و ...

۵ صفات ملیت:

Canadian (کانادایی)، Persian (ایرانی)، German (آلمانی) و ...

۶ صفات جنس:

cotton (نخی)، wooden (چوبی)، golden (طلایی) و ...

ترتیب صفات

سابقاً مؤلفان کتاب‌های درسی، ترتیب صفات را به طور دقیق مشخص کرده بودند و این مبحث در کنکور نیز از اهمیت زیادی برخوردار بود. در کتاب‌های درسی جدید، مؤلفان کتاب، به طور مستقیم به مبحث ترتیب صفات نپرداخته‌اند، اما با توجه به این‌که هنگام معرفی انواع صفات آن‌ها را دقیقاً با ترتیب درست ارائه کرده‌اند، می‌توان حدس زد ترتیب صفات ممکن است هم‌چنان در کنکور اهمیت داشته باشد.

به طور کلی، در زبان انگلیسی در صورتی‌که قصد داشته باشیم بیش از یک اسم، بیش از یک صفت را به کار ببریم، این صفات بر مبنای نوع و ماهیت صفت‌ها، باید با ترتیب خاصی قرار گیرند. بد نیست بدانید که صفات با همان ترتیبی مورد استفاده قرار می‌گیرند که در بالا با شماره‌های ۱ تا ۶ مشخص کردم. یعنی:

اسم + صفت جنس + صفت ملیت + صفت رنگ + صفت سن + صفت اندازه + صفت کیفیت / عقیده + تعریف‌کننده

مثال:

There was	a	wonderful	old	Italian	clock	on the wall
	تعریف‌کننده	صفت کیفیت / عقیده	صفت سن	صفت ملیت	اسم	

بر روی دیوار یک ساعت ایتالیایی قدیمی خوش‌نقاره وجود داشت.

@khanen_book

صفات مقایسه‌ای (صفات تفضیلی / صفات عالی / صفات برابری)

در زبان انگلیسی هم مثل زبان فارسی می‌توان از ساختارهایی برای انجام مقایسه بین دو یا چند شخص، چیز، گروه و ... استفاده کرد. برای مثال، وقتی می‌گوییم «علی از برادرش قدبلندتر است.»، بین علی و برادرش مقایسه‌ای انجام شده است. یا مثلاً وقتی گفته می‌شود «قلهٔ اورست بلندترین کوه جهان است.» بین قلهٔ اورست و تمام کوه‌های روی زمین مقایسه‌ای انجام شده است. به طور کلی، صفات مقایسه‌ای ۳ نوع دارند:

۱ صفات تفضیلی (برتر)
۲ صفات عالی (برترین)
۳ صفات برابری (as ... as)

صفات تفضیلی (برتر)

از صفات تفضیلی برای نشان دادن برتری یک شخص، چیز، گروه و ... در مورد یک صفت خاص، از شخص، چیز، گروه و ... دیگر استفاده می‌شود. برای درست کردن صفات تفضیلی به شکل و ظاهر صفت نگاه می‌کنیم:

۱ اگر صفت کوتاه بود و فقط یک بخش داشت، به آخر آن er اضافه می‌کنیم و بعد از صفت هم than به کار می‌بریم.

مثال:

My brother is taller than me. (tall ⇒ taller than)

برادرم از من قدبلندتر است.

Today is colder than yesterday. (cold ⇒ colder than)

امروز از دیروز سردتر است.

نکته در صورتی‌که صفت تک‌بخشی به e ختم شده باشد، به آخر صفت به جای er، فقط r اضافه می‌کنیم و بعد than را قرار می‌دهیم. مثال:

My teacher is wiser than your teacher. (wise ⇒ wiser than)

معلم من از معلم شما عاقل‌تر است.

نکته در صورتی‌که آخر صفت تک‌بخشی حرف بی‌صدا داشته باشیم، اما حرف ماقبل آن صدادار باشد، حرف بی‌صدای آخر صفت تکرار می‌شود و سپس به صفت er than را اضافه می‌کنیم. مثال:

You are fatter than me. (fat ⇒ fatter than)

تو از من چاق‌تر هستی.

البته وقتی آخر صفت y یا w داشته باشیم و یا دو حرف صدادار پشت سر هم آمده باشند، حرف آخر تکرار نمی‌شود. مثال:

cheap ⇒ cheaper than

slow ⇒ slower than

۲ در صورتی‌که صفت فقط ۲ بخش داشت و آخرش هم به y ختم شده بود، برای درست کردن صفت تفضیلی، y آخر صفت به i تبدیل می‌شود و بعد به صفت er than اضافه می‌کنیم. مثال:

These boxes are heavier than those boxes. (heavy ⇒ heavier than)

۳ در صورتی‌که صفت چند بخشی بود یا ۲ بخشی بود (ولی در آخر آن y نداشتیم)، برای درست کردن صفت تفضیلی، قبل از آن more و بعد از آن than را به کار می‌بریم. مثال:

Harry Potter is more interesting than other books. (interesting ⇒ more interesting than)

هری پاتر جالب‌تر از کتاب‌های دیگر است.

نکته در ساختار گفته‌شده، به جای صفات چندبخشی، از قیدهای حالت هم می‌توان استفاده کرد. مثال:

My wife drives more carefully than I do

قید حالت

همسرم از من با احتیاط‌تر رانندگی می‌کند.

@khaneh_book

صفات عالی (برترین)

از صفات عالی برای نشان دادن برتری یک شخص، چیز و ... در مورد یک صفت خاص، از تمام اعضای دیگر گروه خود استفاده می‌شود. برای درست کردن صفات عالی به شکل و ظاهر صفات نگاه می‌کنیم:

۱ اگر صفت کوتاه بود و فقط یک بخش داشت، قبل از صفت the به کار می‌بریم و به آخر صفت هم est را اضافه می‌کنیم. مثال:

Milad Tower is the highest building in Tehran. (high ⇒ the highest)

برج میلاد بلندترین ساختمان در تهران است.

نکته در صورتی‌که صفت تک‌بخشی به e ختم شده باشد، به آخر صفت به جای est، فقط st اضافه کنیم و the را هم قبل از صفت قرار می‌دهیم. مثال:

Azadi is the largest stadium in Iran. (large ⇒ the largest) *آزادی بزرگ‌ترین استادیوم در ایران است.*

نکته در صورتی‌که آخر صفت تک‌بخشی، حرف بی‌صدا داشته باشیم، اما حرف ماقبل آن صدادار باشد، حرف آخر صفت تکرار می‌شود و سپس به آن est اضافه می‌کنیم. البته فراموش نکنید که در این‌جا هم قبل از صفت the قرار می‌گیرد. مثال:

My car is the biggest car in the street. (big ⇒ the biggest) *ماشین من بزرگ‌ترین ماشین در این خیابان است.*

البته وقتی آخر صفت y یا w داشته باشیم و یا دو حرف صدادار پشت سر هم آمده باشند، حرف آخر تکرار نمی‌شود. مثال:

cheap ⇒ the cheapest

slow ⇒ the slowest

deep ⇒ the deepest

۲ در صورتی‌که صفت فقط ۲ بخش داشت و آخرش هم به y ختم شده بود، برای درست کردن صفت عالی، y آخر صفت به i تبدیل می‌شود و بعد به صفت est اضافه می‌کنیم. البته حواستان باشد که the قبل صفت را هم فراموش نکنید. مثال:

Right now, I am the happiest person in the world. (happy ⇒ the happiest) *در حال حاضر من شادترین انسان جهان هستم.*

۳ در صورتی‌که صفت چندبخشی بود یا ۲بخشی بود (ولی در آخر آن y نداشتیم)، برای درست کردن صفت عالی، قبل از آن the most قرار می‌دهیم. مثال:

Einstein was the most intelligent person in the world (intelligent ⇒ the most intelligent)

انیشتین باهوش‌ترین شخص در جهان بود.

نکته در ساختار گفته‌شده، به جای صفات چندبخشی، از قیدهای حالت هم می‌توان استفاده کرد. مثال:

It was the most beautifully designed chair. *آن صندلی دارای زیباترین طراحی بود.*

قید حالت

صفات بی‌قاعده: صفات زیر بی‌قاعده هستند و باید شکل تفضیلی و عالی آن‌ها را حفظ کنید:

صفت	صفت تفضیلی	صفت عالی
good (خوب)	better (بهتر)	the best (بهترین)
bad (بد)	worse (بدتر)	the worst (بدترین)
far (دور)	farther (دورتر)	the farthest (دورترین)
many / much (زیاد)	more (بیشتر)	the most (بیشترین)
little (کم)	less (کم‌تر)	the least (کم‌ترین)

@khaneh_book

مثال:

Your average was better than mine. (good ⇒ better than)

معدل شما از مال من بهتر بود.

It was the worst movie of my life. (bad ⇒ the worst)

آن بدترین فیلم زندگی‌ام بود.

صفات برابری (as ... as)

از صفات برابری برای نشان دادن برابری دو شخص، چیز، گروه و ... در مورد یک صفت خاص استفاده می‌شود. برای درست کردن صفت برابری هم، صفت را بین as اول و as دوم قرار می‌دهیم. مثال:

This building is as high as that building. (high ⇒ as high as)

این ساختمان به بلندی آن ساختمان است.

Your dress is as beautiful as mine. (beautiful ⇒ as beautiful as)

لباس تو به اندازهٔ مال من زیبا است.

نکته در ساختار "as ... as" به جای صفت می‌توان از قید حالت هم استفاده کرد. مثال:

They played as well as the other team. (well ⇒ as well as)

آن‌ها به خوبی آن یکی تیم بازی کردند.

نکته در صورتی‌که قبل از as اول از not استفاده کنیم، می‌خواهیم بیان کنیم دو شخص، چیز، گروه و ... در مورد صفت یا قید حالت برابر نیستند. مثال:

This question is not as hard as that one. (hard ⇒ not as hard as) این سؤال به اندازهٔ آن سؤال سخت نیست. (یعنی آن سؤال سخت‌تر است.)

نکته در صورتی‌که قبل از as اول از کلماتی مثل twice (دو برابر)، three times (سه برابر)، four times (چهار برابر) و ... استفاده کنیم، می‌خواهیم به تفاوت دقیق بین دو شخص، چیز، گروه و ... در مورد یک صفت یا قید حالت خاص اشاره کنیم. مثال:

My brother is 10. Your brother is 20. Your brother is twice as old as my brother. (old ⇒ twice as old as)

برادر من ۱۰ سال دارد. برادر شما ۲۰ سال دارد. برادر شما دوبرابر برادر من سن دارد.

@khanehbook

Grammar Tests

68. When we travel, my suitcase is always ..... my husband's.

1) heavyer than 2) heavy 3) heavier than 4) the heaviest

69. Yesterday was ..... day of the year. I almost froze to death walking home from school!

1) the hottest 2) colder than 3) the coldest 4) hotter than

70. We have only little time for this exercise, but in the examination we'll have even ..... time.

1) more 2) most 3) less 4) least

71. I always buy a top quality product even if it is slightly ..... .

1) as expensive 2) very expensive 3) more expensive 4) the most expensive

72. Didn't the woman look lovely in that ..... silk dress? تجربی ۹۳

1) beautiful long green 2) long beautiful green 3) green beautiful long 4) long green beautiful

73. I love that song! It is ..... song I've heard in a long time.

1) the most good 2) the best 3) better than 4) as good as

74. Athens is a/an ....., which was established thousands of years ago.

1) city ancient 2) new city 3) city new 4) ancient city

75. At one time, the Empire State building in New York was ..... building in the world.

1) the most tall 2) taller than 3) as tall as 4) the tallest

76. The star looks smaller than the sun because it is ..... from us.

1) more farther than 2) most farther 3) much farther 4) as farther as

77. Mary always likes to drive a/an ..... car. تجربی ۸۹

1) little old red 2) little red old 3) red little old 4) old little red

78. He is ..... speaker I have ever heard. Half the audience fell asleep during his speech.

1) the most boring 2) the less boring 3) the least boring 4) the more boring

79. December 21 is ..... day of the year. It is ..... any other day.

1) the shortest / the shortest 2) shorter than / shorter than

3) the shortest / shorter than 4) shorter than / the shortest

80. A: "Can I help you?" انسانی ۹۴

B: "Yes, I'm looking for a ..... dress for my daughter."

1) small pink cotton 2) small cotton pink 3) pink small cotton 4) cotton small pink

81. My room is bigger than yours, so your room is not ..... mine.

1) the biggest 2) more big than 3) as big as 4) as bigger as

82. Yesterday John told me a ..... joke. That joke was ..... joke I've ever heard.

1) funny / the funniest 2) funnier / the funniest 3) funnily / funnier than 4) funnier than / the funniest

83. It was ..... restaurant that we could eat at, and their food wasn't so good either.

1) the less expensive 2) the most expensive 3) less expensive 4) more expensive

84. My friend has a ..... woolen rug on the floor in her bedroom. انسانی ۹۳

1) lovely long grey 2) long grey 3) ely long 4) long grey lovely

@khanen_book

85. **The place that gets ..... in the world is a mountain in Hawaii.**
1) the more rain 2) more than rain 3) as much rain as 4) the most rain

86. **You should go to the doctor as soon as possible. Your cold is ..... it was a few days ago.**
1) worse than 2) the worst 3) as worst as 4) as worse as

87. **My daughter cooks ..... I do, but my husband cooks ..... of all of us.**
1) better than / the best 2) better than / as well as 3) the best / as good as 4) as good as / better than

88. **She always has a smile on her face. She is the ..... person that I know.**
1) most happy 2) happier 3) happy 4) happiest

89. **He has recently bought a ..... car.** تجربی ۹۱
1) white beautiful Japanese big 2) beautiful white big Japanese
3) beautiful big white Japanese 4) Japanese big beautiful white

90. **This river is not long, but it is ..... one in our country.**
1) the wider 2) the widest 3) as wide as 4) wider than

91. **I'm ..... your sister. We were both born in 1986.**
1) so old as 2) as old as 3) as younger than 4) so young as

92. **The tomato soup was ..... the mushroom soup. Both of them ..... .**
1) as delicious as / tasted great 2) as delicious as / great tasted
3) as delicious than / tasted great 4) as delicious than / great tasted

93. **In the cupboard, there are some ..... teacups used for special occasions.** ریاضی ۸۲
1) small beautiful Egyptian 2) beautiful small Egyptian
3) small Egyptian beautiful 4) Egyptian beautiful small

94. **I thought I could do the puzzle, but it was ..... what I expected it to be.**
1) as difficult as 2) the most difficult 3) more difficult than 4) as difficult than

95. **The English language is undoubtedly ..... and at the same time ..... language in the world.**
1) the easiest / the most efficient 2) easier / the most efficient
3) easier / more efficient than 4) the easiest / more efficient than

96. **Many more people die in car accidents than in plane accidents. Statistics show that driving your own car is ..... flying in an airplane.**
1) more dangerously than 2) as dangerous as 3) less dangerous than 4) more dangerous than

97. **In the last holidays, I read ..... book, but my father gave me an even ..... one last weekend.**
1) a better / better than 2) a good / better 3) better / as good as 4) a good / as good as

98. **Most people say that ..... to learn a foreign language is to learn from a native speaker.**
1) good way 2) as good way 3) the best way 4) better way than

99. **I can't believe you're giving Katy the job offer. I thought she was ..... of all of our candidates!**
1) less than qualified 2) fewer qualified than 3) the least qualified 4) the fewest qualified

100. **A: "How are you today?"**
B: "Not very well. In fact, I'm feeling much ..... yesterday."
1) as worse as 2) worst than 3) worse than 4) as worst than

101. **Our apartment is ..... from everything. We want to move to a ..... location.**
1) farther / better 2) f... 'est / best 4) farther / good

@khanehbook

102. That ..... cupboard is very expensive. زبان ۸۸

1) brown Iranian big wood 2) big Iranian brown wood
3) big brown Iranian wood 4) Iranian big brown wood

103. Houses built with wood burn ..... houses built out of stone.

1) more easier than 2) the most easily 3) easy than 4) more easily than

104. This is ..... phone in the store. All the other phones cost a lot more.

1) the less expensive 2) the least expensive 3) the more expensive 4) the most expensive

105. Of all the new classmates, I like Harry ..... . I think he behaves very badly.

1) more 2) most 3) less 4) least

106. When I was young I loved pizza, but my taste has changed. I like it a lot ..... nowadays.

1) the least 2) less than 3) least 4) less

107. The town is a lot ..... these days because of the new shopping center.

1) most crowded 2) as crowded as 3) more crowded 4) crowded than

108. The world's biggest bull is ..... a small elephant. This huge animal weighs well over a ton.

1) as big as 2) more big than 3) as bigger as 4) more bigger than

109. His DVD player was ..... mine. We paid the same price.

1) more expensive than 2) as expensively as 3) less cheaply than 4) as cheap as

110. She ..... to be a teacher. She'll be twenty-two next month.

1) seems very young 2) young seems very 3) very young seems 4) is seeming very young

111. I can't study in this room. It's too noisy. I'm going to find ..... .

1) the quieter place 2) a quieter place 3) as quiet as a place 4) quiet place

112. I really liked that ..... ball my uncle gave me for my birthday. هنر ۹۶

1) beautiful big blue plastic 2) big beautiful plastic
3) blue big plastic beautiful 4) big beautiful plastic big blue

113. This phone is quite ..... that one even if it does cost much less.

1) worse than 2) as good as 3) as better than 4) the worst

114. This supermarket isn't ..... the one across the street, it's much ..... .

1) as expensive as / cheaper 2) so expensive as / cheapest
3) the most expensive / the cheapest 4) more expensive than / cheapest

115. A: "How is Alan?"
B: "He's still ill, but he ..... the day before."

1) looks better than a lot 2) better looks a lot than
3) is looking a lot better than 4) looks a lot better than

116. A lot of people behaved badly at the party, but she behaved ..... of all.

1) as bad as 2) worse 3) worst 4) bad

117. I saw a/an ..... painting in the art gallery. انسانی ۸۹

1) old interesting Japanese 2) interesting old Japanese
3) old Japanese interesting 4) [illegible] old interesting

On Battery

@khaten_book

118. **The store is having a great sale today. Most televisions are 25% ..... they were yesterday.**

1) as cheap as 2) cheaper than 3) the cheapest 4) cheaper

119. **The doctor told me that I can go back to work if I feel ..... tomorrow.**

1) better than 2) the best 3) better 4) as good as

120. **Jerry is ..... in our class. He gets the top grades in every course.**

1) the most intelligent 2) less intelligent than 3) as intelligent as 4) the least intelligent

121. **I'm sorry I'm so late. I got here ..... I could, but there was traffic everywhere.**

1) faster than 2) most fastest 3) so fast as 4) as fast as

122. **A: "What is ..... car at the moment?"**

B: "I'm not sure, but I think it's Rolls-Royce. It's certainly more expensive ..... a Ferrari."

1) the most expensive / than 2) more expensive / than

3) as expensive as / as 4) the least expensive / as

123. **I am not old enough to drive, but my ..... sister Christina has got a car. She is two years ..... I am.**

1) older / older 2) older than / older 3) older / older than 4) older than / older than

124. **She was wearing a ..... shirt.** زبان ۸۶

1) white and black silk beautiful 2) silk beautiful black and white

3) black and white beautiful silk 4) beautiful black and white silk

125. **My father celebrated his seventieth birthday this year, but he's ..... I am.**

1) more energetically from 2) as energetic than

3) more energetic than 4) much energetically from

126. **We didn't buy the house because the owner wanted ..... it was worth.**

1) twice as much as 2) as much as twice 3) as much twice as 4) as twice much as

127. **I couldn't get a seat in the restaurant. It was ..... .**

1) more crowded than usual 2) as crowded than usual

3) more crowded as usual 4) more than usual crowded

128. **Many climbers consider K2, a mountain between Pakistan and China, to be ..... mountain to climb, not Mount Everest.**

1) more difficult than 2) as difficult as 3) difficult 4) the most difficult

129. **Scientists have discovered a planet which weighs 2,500 times ..... the weight of Earth.**

1) as many as 2) most than 3) as much as 4) the most

130. **These new shoes are ..... my old ones. My old shoes are a lot more comfortable than these new shoes.**

1) not nearly as comfortable as 2) as not comfortable as nearly

3) not so comfortable as nearly 4) as comfortable as not nearly

131. **Tom was cooking something in a ..... .**

1) larger pot that smelled really well 2) large pot that smelled really well

3) larger than a pot that smelled really good 4) large pot that smelled really good

132. **There are more accidents on this road because it's ..... .**

1) as narrowly as the others 2) narrower than the others

3) not as narrow as the others 4) narrowest than the others

@khanehketab

Cloze Tests

لطفاً پیش از پاسخ‌گویی به سؤالات کلوزتست، «درس‌نامهٔ طلایی کلوزتست و درک مطلب» را از صفحهٔ ۲۴۷ مطالعه فرمایید.

Cloze Passage 1

The heart is a part of your body. The heart is just slightly to the left of the center of your chest. The heart makes the 133 ..... move through your body. If you press your ear 134 ..... someone's chest, you can hear the heart beating. The heart is very 135 ..... . To keep it 136 ..... and strong, it is good to eat right and 137 ..... . The heart is also a well-known symbol for love. It is pictured on love letters and valentines.

133 1) liquid 2) drop 3) element 4) blood

134 1) against 2) beyond 3) during 4) inside

135 1) careful 2) suitable 3) dangerous 4) important

136 1) correct 2) fresh 3) clear 4) healthy

137 1) collect 2) exercise 3) follow 4) save

Cloze Passage 2

We need oxygen to live, and we get oxygen by breathing air. When we breathe in, air is sucked through the nose or mouth, down the windpipe, and into the lungs, two powerful 138 ..... in the chest. The lungs absorb as much oxygen from the air 139 ..... possible. The oxygen 140 ..... in the blood from the lungs to every part of the body. Our bodies use oxygen to release energy from sugars obtained from the food 141 ..... . This also releases harmful carbon dioxide, which is breathed out of the 142 ..... by the lungs. The whole process is called respiration. The lungs, together with the airways, throat, and nasal passages, form the respiratory system.

138 1) cells 2) materials 3) organs 4) bacteria

139 1) as 2) if 3) when 4) than

140 1) adds 2) divides 3) starts 4) travels

141 1) we eat 2) us eat 3) our eating 4) eat us

142 1) body 2) blood 3) heart 4) cell

Cloze Passage 3

Mars is the fourth planet from the Sun and the next beyond the Earth. It is about one-and-a-half times 143 ..... from the Sun as the Earth, so it does not 144 ..... as much heat. Nevertheless, it is the only planet with conditions anything like those on the Earth, and for a long time was believed to support some form of 145 ..... . Mars is about half the size of the Earth but has 146 ..... one-tenth the Earth's mass, so its gravity is much less. Its distance from the Sun varies, as does its distance from the Earth. When Mars is 147 ..... the Earth, it is said to be "at opposition" and this is the best time for observing it with a telescope.

ریاضی ۸۸ ـ با تغییر

143 1) farther 2) far 3) farthest 4) as far

144 1) receive 2) cover 3) carry 4) finish

145 1) fact 2) idea 3) ring 4) life

146 1) as 2) only 3) any 4) many

147 1) close 2) [illegible] 3) [illegible] 4) as close as

@khanehketab

Cloze Passage (4)

Every second, millions of cells die and millions more replace ..... 148 ..... . A/An ..... 149 ..... cell measures about one-thousandth of an inch (0.025 mm) across, but there are many different ..... 150 ..... of cells in the body, each adapted for a certain job. Nerve cells are long and thin. Like wires, nerve cells conduct (carry) electrical nerve signals. Red blood cells are doughnut-shaped and contain chemicals that carry oxygen ..... 151 ..... the body. Epithelial cells on body surfaces, ... 152 ..... the lining of the mouth, are broad and flat and fit together like paving stones.

148 1) they 2) their 3) it 4) them
149 1) average 2) interesting 3) clear 4) daily
150 1) kinds 2) facts 3) drops 4) hints
151 1) outside 2) after 3) before 4) around
152 1) as if 2) unlike 3) instead of 4) such as

Cloze Passage (5)

An object which revolves around a planet, as the Moon revolves around the Earth, is called a satellite. All satellites move round their parent ..... 153 ..... in paths called orbits. The attractive pull of the planet ..... 154 ..... its satellites in orbit. If the planet has an atmosphere and if the satellite comes close enough to ..... 155 ..... through that atmosphere, the satellite is slowed down and finally ..... 156 ..... to the surface of the planet. In falling through the atmosphere under the influence of the planet's gravity, the satellite may come across enough rubbing to cause ..... 157 ..... to burn up like a meteor.

انسانی ۸۹ ـ با تغییر

153 1) details 2) stars 3) wonders 4) planets
154 1) keeps 2) picks 3) makes 4) saves
155 1) take 2) add 3) move 4) hold
156 1) jumps 2) leaves 3) goes 4) falls
157 1) its 2) them 3) theirs 4) it

Cloze Passage (6)

When early people gazed at the sky, they saw the same things we do – the sun, the moon, and the stars. Sometimes they saw streaks of light shooting across the sky. Even today we ..... 158 ..... these shooting stars, but we know that they are not stars ..... 159 ..... . Shooting stars are ..... 160 ..... meteors – debris from space that has entered the earth's atmosphere. The friction causes the rock and metal to heat up and glow. As it moves, we see it as a streak of ..... 161 ..... . Where do meteors come from? Meteors begin as meteoroids – chunks of ..... 162 ..... or metal traveling through space. They can't be seen until they enter our atmosphere. Then they become meteors, and we can see their trails.

158 1) call 2) look 3) make 4) get
159 1) instead 2) on their own 3) at all 4) too
160 1) deeply 2) hardly 3) actually 4) easily
161 1) earth 2) moon 3) light 4) dust
162 1) paint 2) [illegible]erial 4) element

@khanenbook

Cloze Passage 7

Two hundred and fifty years ago, people lived on average for just 35 years. Today, in the industrialized parts of the world, the average lifespan has increased to ..... 163 ..... 70 years. ..... 164 ..... and hygiene have helped, but one of the main reasons for this ..... 165 ..... is the advances made in medicine. Medicine is the branch of science concerned with the prevention, diagnosis (identification), and treatment of disease and damage to the ..... 166 ..... body. Medical scientists are constantly searching for new ..... 167 ..... of treating diseases. Treatments include drugs, radiation therapy, and surgery. Preventive measures, such as vaccinations against infections, are becoming an increasingly important part of modern medicine.

163	1) more than	2) as few as	3) fewer than	4) the most
164	1) Food better	2) Food good	3) As good as food	4) Better food
165	1) sign	2) disease	3) drop	4) change
166	1) human	2) quality	3) cell	4) organ
167	1) facts	2) cases	3) ways	4) turns

@khaneh_book

Reading Comprehension

لطفاً پیش از پاسخ‌گویی به سؤالات درک‌مطلب، «درس‌نامهٔ طلایی کلوزتست و درک مطلب» را از صفحهٔ ۲۴۷ مطالعه فرمایید.

Passage 1

When you look up on a clear, dark night, you can see small points of light called stars. Actually, stars are not small at all. Some stars may be 50 million miles across! Stars just look like points of light because they are so far from Earth. Our sun is a star. It looks bigger than other stars in the sky because it is closer to us. A star's brightness depends on its mass and distance from Earth. Bigger stars are brighter than smaller ones. Stars also look brighter when they are closer.

To make it easier to study, people have grouped stars into patterns. The patterns are called constellations. They may be large or small. They may have bright or dim stars. Sometimes in a constellation, the bright stars may be in the shape of a person or animal.

Stars, unlike planets, make their own heat and light. The color of a star's light can tell us how much heat it has. The cooler stars give off a reddish light. The hottest stars look blue or blue-white in color. Stars do not last the same amount of time. They all will eventually burn out.

168 Our sun looks bigger than other stars because ..... .

1) it is bigger than any other star in the sky
2) it is closer to the Earth
3) it seems brighter than other stars
4) its mass is more than other stars

169 What does the word "constellation" mean?

1) large and in space
2) different stars people see from Mars
3) different color stars we can see from the Earth
4) a pattern of stars that are grouped together

170 The word "its" in the first paragraph refers to ..... .

1) sun
2) sky
3) star
4) brightness

171 If a star gives off blue-white light, it is ..... .

1) among the hottest stars
2) actually burning out
3) a very cold star
4) far from the Earth

172 What would happen if you traveled through space and got closer and closer to a star?

1) You would see it get smaller.
2) It would look like a rainbow.
3) It would get brighter.
4) Its color would change to blue.

Passage 2

Obesity can cause serious health problems. Many people are not aware of these problems, so they do not try to prevent them. One of the worst problems it causes is Type 2 diabetes. One study found that about 80 percent of people with Type 2 diabetes are obese. People with diabetes do not have insulin in their bodies, which helps absorb sugar. If the body cannot absorb sugar, several bad things can happen. They could suffer from seizures (losing control of the body) or fall into a coma.

Obesity can also cause heart disease. This makes it more likely that such people will suffer from heart attacks, which take place when the heart loses blood supply and cannot pump properly. Furthermore, obesity causes problems with breathing, especially when sleeping. Obese people are at high risk for arthritis as well as certain kinds of cancers.

All of these problems, and others, can be prevented. Of course, losing weight is very difficult. Changing a lifestyle is hard and often painful. Even so, the results of obesity are much worse.

173 What did one study show about people with Type 2 diabetes?

1) 80 percent had insulin in their blood.
2) 80 percent did not have enough insulin in their blood.
3) 80 percent were obese.
4) [illegible]ercent were too thin.

@khanehbook

174 What can cause seizures?

1) the body not absorbing sugar properly
2) heart attacks
3) insulin
4) certain kinds of cancer

175 What occurs when the heart cannot pump properly?

1) obesity
2) insulin
3) cancer
4) heart attacks

176 How can the problems associated with obesity be prevented?

1) by eating more sugar
2) by losing weight
3) by taking more insulin
4) by seeing a doctor regularly

177 Which of the following words is defined in the passage?

1) absorb
2) seizures
3) coma
4) arthritis

Passage 3

Jupiter is the largest planet in our solar system and is made up of many different kinds of gases. It is so big that 1,300 Earths could fit inside Jupiter! And it has 63 moons. Some of its moons are like small planets, and others are pieces of frozen rock and ice. Studying Jupiter's moons has helped scientists learn more about the solar system. But the moon that scientists are most interested in is Europa.

The conditions on Europa make it the most likely place other than Earth to have life in our solar system. It is covered in a layer of ice, and some scientists believe a liquid ocean lies beneath the icy surface. If this is true, Europa may have simple forms of life in these oceans. The creatures on Europa would probably be too small to see without a microscope. But the idea of anything at all living on Europa is very exciting.

Right now, we cannot explore Europa because it is too cold and too far away to send people there. The spacecrafts and robots we have are not sturdy enough to land on the surface. But scientists have big plans. In the future, they hope to send one robot to melt some of the ice on Europa's surface, and another robot to swim through its oceans. The information that these robots gather could change what we think about life beyond Earth.

178 What is the passage mostly about?

1) Jupiter's many moons
2) life on Europa
3) scientists' search for new life
4) the problem with exploring outer space

179 Europa is best described as ..... .

1) warm and full of life
2) cold and uninteresting
3) icy and mysterious
4) cool and dry

180 The word "sturdy" in the third paragraph is closest in meaning to ..... .

1) natural
2) useful
3) strong
4) different

181 What is the main idea of the last paragraph?

1) Exploring Europa is very difficult.
2) People are better than robots.
3) Scientists want to discover new life.
4) Life can only be discovered by machines.

182 Which of these explains why scientists think life could exist on Europa?

1) The creatures would be too small to see without a microscope.
2) Europa is one of Jupiter's 63 moons.
3) Europa has a layer of ice that may have liquid below it.
4) Jupiter is the solar system's lar[illegible]et.

@khanen_book

Passage 4

The Moon is the Earth's only natural satellite. As the Earth moves round the Sun, so the Moon in turn revolves round the Earth. As it orbits the Earth, the Moon also turns on its axis. The time taken to complete one rotation is the same as that taken for one orbit – about 29.5 days. So the same side of the Moon always faces the Earth. Photographs taken by space probes have shown that the far side is similar to the familiar near side.

The Moon releases no light of its own and shines only because it reflects the Sun's light. As it turns on its axis only once in a journey round the Earth, each part of its surface has first about two weeks of darkness and then about two weeks of sunlight. When the Moon comes between the Earth and the Sun, it is invisible because the face turned towards the Earth is in darkness and sunlight is falling on the far side. This is the time of "New Moon". A few days later, a thin crescent Moon is seen low in the western sky, as the Moon advances along its orbit and the Sun begins to light up the side turned towards the Earth. Occasionally, during this crescent phase, the whole disc may be seen faintly lit by Earthshine (light reflected from the Earth). ریاضی ۹۰

183 What does the passage mainly discuss?

1) new discoveries about the Moon
2) different parts of the Moon
3) the Moon's source of movements
4) some facts about the Earth's satellite

184 The word "that" in line 3 refers to ..... .

1) orbit
2) rotation
3) time
4) axis

185 According to paragraph 1, all of the following are true EXCEPT that ..... .

1) photographing the far side of the Moon is possible
2) one side of the Moon is always hidden from us
3) the two sides of the Moon are similar
4) the writer talks about the time the Earth takes to move around the Sun

186 The "journey" referred to in paragraph 2 (line 6) ..... .

1) happens half through darkness and half through sunlight
2) takes about four weeks to complete
3) is the one made by astronauts
4) is the Moon's turning on its axis every four weeks

187 According to paragraph 2, when the Moon becomes invisible to people on the Earth ..... .

1) its far side is towards the Sun
2) the Earth falls into darkness
3) it stops releasing light
4) the time for the "New Moon" ends

188 Which of the following words is defined in the passage?

1) probes
2) satellite
3) Earthshine

@khanehbook

Passage 5

Most people know that not getting enough sleep is not healthy. But is it possible to get too much sleep? Most doctors and scientists seem to think so. In fact, too much sleep can make people feel even more tired than getting a normal night's sleep.

Doctors recommend that people get between seven and nine hours of sleep a night. If a person still feels tired after eight or nine hours of sleep, however, more sleep is not the answer.

In fact, sleeping more than nine hours a night may be a sign of a medical problem. When people sleep too long, they might not get enough sunlight or exercise, and their bodies may tell them that they need more rest. This can make people's bodies weaker, and they may catch colds or even get other, more serious diseases more easily.

Some scientific studies have shown that people who sleep more than nine hours a night are 50% more likely to get diabetes and more than 20% more likely to be obese. Too much sleep has also been linked to having more headaches, back pain, depression, and even heart disease.

189 **According to the passage, what is a reasonable amount of sleep per night?**

1) 6-7 hours 2) 7-9 hours 3) 9-10 hours 4) More than 10 hours

190 **According to the passage, which statement is true about sleeping more than nine hours a night?**

1) Your body will get stronger. 2) You may catch a cold more easily.

3) Your body can fight diseases better. 4) Your body might fall asleep more easily.

191 **Some studies show that people who sleep too much are ..... more likely to get diabetes.**

1) less than 20% 2) 20% 3) 50% 4) more than 50%

192 **Which of these are some of the problems that have been linked with too much sleep?**

1) diabetes and stomachaches 2) headaches and stress

3) back and foot pain 4) depression and heart disease

193 **What is the passage mainly about?**

1) how to fall asleep quickly 2) how to have a long sleep

3) getting too much sleep 4) getting too little sleep

Passage 6

To obtain power from the sun's rays is to use nuclear power developed at no expense in a laboratory 93 million miles away. For the bright energy of the sun is maintained by nuclear transformation of chemical elements occurring in the sun's interior at temperatures of many million degrees, and at pressures of many million atmospheres. The resources of solar power are enormous. If 100 percent efficiency could be secured in the transformation of radiant solar energy into mechanical work, a horsepower per square yard of ground surface would be available under cloudless skies. The expense of collecting solar energy still prevents its competition with the usual power sources. Yet, unless the vague promise of safe thermonuclear power from oceans becomes realized, solar power must supply the enormous and growing requirements of children within two centuries. Because the ground sources (coal, oil, and uranium) may be used up soon, they will become more costly than solar power. انسانی ۹۲

194 **According to the reading, what do we need to produce solar energy?**

1) thermonuclear power sources 2) a constant resource of chemicals

3) something like a laboratory mil[illegible]miles away 4) [illegible]ess sky at temperatures of enormous degrees

@khanenbook

195 **The writer points out that solar energy is not used on a large scale ..... .**

1) though it is clean and safe

2) because the expense of controlling it is enormous

3) because it can create some dangers to the environment

4) since it is costly and less cost-effective than other sources of energy

196 **Which of the following is the best topic for the reading?**

1) Solar Energy: an Impossible Energy Source
2) Solar Energy: Facts and Realities
3) Expenses of Using Solar Energy
4) Different Sources of Energy

197 **According to the reading, an alternative to solar energy can be ..... .**

1) ocean thermonuclear power
2) energy from fossils
3) radiant energy
4) nuclear power

Passage 7

One way we can reduce the amount of pesticides our children are exposed to is to feed them organic produce. These days, most fruits and vegetables have pesticides sprayed on them as they grow. Organic foods are grown without any chemical pesticides.

Recently, the University of Washington conducted a study to compare children who eat normal produce and children who eat organic produce. They watched forty families for three days. Each family wrote a diary of what food their children ate. The doctors analyzed the different chemicals found in the children's body. They discovered that children who ate an organic diet had six to nine times less amount of toxic pesticides in their bodies.

Organic foods are grown without pesticides, synthetic fertilizers, growth hormones, or other genetically engineered substances. Such foods cost more than conventional produce because less of the crop is harvested. When farmers don't use pesticides, insects destroy part of the crops. Also, farmers spend more time taking care of their crops by hand instead of using chemicals.

198 **Why are organic foods good choices for children?**

1) They are studied at the University of Washington.
2) They contain a lot of pesticides.
3) They are not sprayed with a lot of pesticides.
4) They are made from pesticides.

199 **The word "analyzed" in paragraph 2 is closest in meaning to ..... .**

1) studied
2) attended
3) connected
4) installed

200 **How were the children who ate a regular diet different from those who ate an organic one?**

1) They ate toxins.
2) They had 6-9 times more pesticides in their bodies.
3) They ate more.
4) They had 6-9 times fewer pesticides in their bodies.

201 **How is organic farming different from conventional farming?**

1) no difference in particular
2) no pesticides and more work done by hand
3) no more work done by hand
4) esticides and much less work

@khanehbook

Passage 8

If you get really hot, your body sweats to cool down. If you're too cold, your body shivers to warm up. If germs enter your body, you get a fever. Sweating, shivering, and having a fever may seem like bad things, but they are all healthy reactions. They show that your body is working well. And all of those reactions begin in a small part of your brain.

The hypothalamus is only about the size of an almond, but it does very important work. One of its jobs is to control your body temperature. Your body usually stays at a regular temperature, but that temperature can sometimes change. For example, during a fast game of soccer, your body temperature rises. The hypothalamus quickly sends signals to your sweat glands. It says, "Get to work!" When the sweat glands create sweat, your body begins to cool down. It soon returns to a normal temperature.

The hypothalamus also works when you are ill. When nasty germs attack your body, it makes white blood cells. These signal the hypothalamus to raise your body's temperature. You now have a fever. Your skin may look flushed and feel hot to the touch. Your body loses water. The rise in your body's temperature helps to kill the germs. A fever is also your body's way of telling you that you're sick so you can take care of yourself. Your hypothalamus is very hardworking!

202 What is the main reason the author wrote the passage?

1) to tell people not to get sick
2) to explain why people sweat
3) to explain what the hypothalamus does
4) to share opinions about the hypothalamus

203 The word "its" in the second paragraph refers to ..... .

1) brain
2) hypothalamus
3) size
4) almond

204 What probably happens when the cause of the fever goes away?

1) The body shivers to get warm.
2) The body returns to a normal temperature.
3) The body temperature rises.
4) The sweat glands work extra hard.

205 Based on the passage, what advice would a doctor probably give to a person with a fever?

1) Play extra hard.
2) Keep your body hot.
3) Make fewer white blood cells.
4) Drink a lot of water.

206 The author uses the last paragraph to ..... .

1) explain how your body cools down
2) describe the hypothalamus
3) tell what to do when you have a fever
4) tell why people get fevers

Passage 9

In 1954, the American and Soviet governments announced that they would launch artificial satellites during the International Geophysical Year of 1957–58. The Russians were first mistaken about the unmanned satellite Sputnik 1 on 4 October 1957. (Sputnik is Russian for "traveling companion".) Its capsule, weighing 83.6 kilograms, went into Earth orbit carrying a radio transmitter whose "bleeps" (pips) were received on the ground.

Sputnik 1 was followed in November 1957 by the much bigger Sputnik 2, which weighed half a tonne. It carried a dog, Laika, which became the first living creature to orbit the Earth. The first American satellite, Explorer 1, weighed only 14 kilograms. It was launched in January 1958.

The Russian probe, Luna 1, launched in 1959, flew past the Moon at a distance of about 6,000 kilometers. In the same year, the Russians actually hit the Moon with Luna 2, and Luna 3 flew round the Moon and sent back the first photographs of the far side.

هتر ۸۷

@khanen_book

207 **According to the passage, Sputnik 1 ..... .**

1) was a satellite without anyone inside it
2) weighed 83.6 kilograms
3) carried a radio transmitter on the ground
4) was a capsule which went into Earth orbit

208 **The word "artificial" in the first paragraph is closest in meaning to ..... .**

1) special
2) economical
3) unnatural
4) unusual

209 **Which sentence about Sputnik 1 is NOT true?**

1) Sputnik 1 was first launched by the Russians.
2) Sputnik 1 was much bigger than Sputnik 2.
3) The capsule of Sputnik 1 went into the Earth orbit carrying a radio transmitter.
4) Sputnik 1 was followed by another Sputnik carrying a dog.

210 **The passage points out that the Russians got to the Moon with ..... .**

1) Luna 1
2) Luna 2
3) Luna 3
4) three probes

211 **The best title for the passage would be ..... .**

1) International Geophysics
2) Russian Sputniks
3) Types of Satellites
4) First Steps in Space

Passage 10

Astronauts are people who travel in space. The word "astronaut" means "star traveller". The Russians call such people "cosmonauts". A Russian cosmonaut, Yuri Gagarin, was the first person to journey into space, travelling once around the Earth on 12 April 1961 in an orbit that lasted about 90 minutes. The first American astronaut to circle the Earth was John Glenn, who made a three-orbit journey in February 1962.

The early space missions were dangerous, for no one knew at the time how human beings would bear the stresses of space flight. Today manned space flight has become almost routine. Astronauts regularly fly into space and are able to remain there for months at a time without suffering permanent harm. But dangers still exist. Several Russian and United States spacemen have died over the years. One of the worst disasters was in 1986, when seven United States astronauts died as their space shuttle Challenger exploded shortly after lift-off.

The early manned spacecraft, such as Mercury, Gemini, and Apollo in the United States and Vostok in Russia, were small and had restricted crew rooms. Also they could be used only once. The Russians use relatively small "once-only" craft called Soyuz to carry their cosmonauts to and from orbit. In orbit, however, the cosmonauts find larger accommodation in a space station known as Salyut. American astronauts now travel into space in the space shuttle. They fly in a delta-winged orbiter, which looks much like an airliner.

تجربی ۹۰ ـ با تغییر

212 **The passage mainly deals with ..... .**

1) a brief history of space travel
2) risks involved in space travel
3) a comparison between early spaceships and modern ones
4) the competition between R... the U.S. in space

@khanen_book

213 **The first human spaceflight ..... .**

1) was made in one spring in the 20th century

2) took about 90 minutes from and to the Earth

3) was a failed mission in that it involved a one-orbit journey

4) was made by the same person who made the second journey in 1962

214 **According to the passage, it is true that ..... .**

1) even today space missions are not without risks

2) astronauts and cosmonauts represent two different jobs

3) although today astronauts are sometimes hurt, they never die

4) space travel in recent years is as dangerous as it was in the past

215 **All of the following are the names of some spaceships EXCEPT ..... .**

1) Soyuz 2) Mercury 3) Apollo 4) Salyut

216 **It can be understood from the passage that the failure of the spacecraft Challenger is referred to as the worst space disaster because of ..... .**

1) the expense of building the spaceship 2) its explosion earlier than predicted

3) the number of people who lost their lives 4) its highly important space mission

@khaneh_book

Final Exam

Grammar and Vocabulary

217. It was a difficult exercise. But the exercise with an asterisk was ..... on the worksheet.

1) the exercise more difficult
2) as difficult exercise
3) the most difficult exercise
4) more than difficult exercise

218. The coastal city of Barcelona offers plenty of ..... .

1) activities exciting for people young
2) activities excitingly for young people
3) exciting activities for young people
4) exciting activities for people young

219. Robert is never on time. He always arrives ..... the rest of us.

1) as later as
2) later than
3) the latest
4) as later than

220. We could buy a ..... blouse from that store. تجربی ۹۰

1) nice blue cotton Korean
2) nice blue Korean cotton
3) blue nice Korean cotton
4) Korean blue cotton nice

221. In some countries, it's ..... the law to leave children under a certain age alone in the house.

1) outside
2) over
3) under
4) against

222. A/An ..... body will be able to fight off the disease naturally without the use of medicine.

1) healthy
2) alive
3) safe
4) painful

223. When guests visit you, it is ..... to welcome them with kind words and serve them with what you have.

1) clear
2) polite
3) fresh
4) useful

224. My aim is to learn enough English so I don't need to ..... a dictionary with me when I travel.

1) consider
2) divide
3) carry
4) turn

225. She pointed to her watch as a ..... that it was getting late and she wanted to leave.

1) fact
2) sign
3) detail
4) type

226. My ..... of books and magazines is nothing in comparison with that of a library. خارج ۹۱ ـ با تغییر

1) collection
2) schedule
3) strategy
4) nature

227. Kim ..... at some of Mary's jokes, but he thought some of them weren't very funny.

1) cleared
2) listened
3) laughed
4) heard

228. You don't have to speak so loudly. I can hear you very ..... .

1) hardly
2) deeply
3) clearly
4) actually

Cloze Test

If you look at the sky on a clear dark night, it is possible to see up to about 3,000 of the billions of stars in our galaxy. Although they appear as tiny dots, they are, like our .....229..... star the Sun, huge, hot balls of gas, deep in space. Some stars are gigantic – if .....230..... in the center of our solar system, they would stretch beyond Earth's .....231..... . Others are far smaller, about the size of our .....232....., and give off only faint light. Stars are unimaginably distant. .....233..... from even our nearest star (apart from the Sun) takes more than four years to reach us.

@khanehbook

229 1) closer 2) closer than 3) closest 4) as close as

230 1) compared 2) described 3) orbited 4) placed

231 1) orbit 2) ocean 3) forest 4) plain

232 1) creation 2) element 3) planet 4) organ

233 1) Sign 2) Light 3) Detail 4) Ring

Reading Comprehension

Passage 1

The International Space Station is different from laboratories on Earth because of its very low gravity, or micro-gravity. Special experiments can be done in micro-gravity which could never be done properly on Earth.

For example, in micro-gravity, it is possible to grow crystal proteins that are much more pure than those that can be grown on Earth. These crystals could help scientists understand proteins, enzymes, and viruses better. This research could lead to the development of new drugs, which could treat viral infections, such as HIV, as well as other diseases.

Tissue cultures from various parts of the human body are useful for testing new medical treatments. Micro-gravity allows the growth of stronger and more natural tissue cultures than on Earth. These can be tested more thoroughly than Earth-based tissue cultures. The result could be new treatments for cancer, diabetes, and other serious illnesses.

There are many other kinds of research which can only take place on the ISS. All of this research has the potential to improve life on Earth.

234 **What is true of micro-gravity?**

1) It weighs more than gravity on Earth.
2) It can be replicated in a simulator.
3) It makes space travel difficult.
4) It enables unique experimentation.

235 **What could ISS research on crystal proteins lead to?**

1) the development of new drugs
2) a better understanding of gravity
3) the growth of stronger tissue cultures
4) better cooperation in the future

236 **What is NOT true of tissue cultures?**

1) They aid in treating serious diseases.
2) They are taken from human bodies.
3) They can be best tested on Earth.
4) They will react more naturally on the ISS.

237 **Why should experiments be done on the ISS?**

1) to protect crystal proteins
2) to improve life on Earth
3) to use human patients
4) [illegible] space exploration

@khaneh_book

Passage 2

Clench your fist. Place it on your chest a little left of center. Your heart is about the size of your fist and is located about two-thirds down on the left side of your chest. It expands and contracts about 70 times a minute in a healthy adult man. Each expansion and contraction is one heartbeat. An average adult woman's heart beats about 78 times a minute. It beats about 85 to 90 times a minute for a sixth grader and 130 times a minute in a baby.

The heart pumps blood around the body through 16,000 miles of arteries, veins, and capillaries in the circulatory system. Blood is pumped to the lungs to carry oxygen to other parts of the body and from other parts of the body back to the heart to receive more oxygen. Your heart pumps an average of 1,500 gallons of blood every day. Throughout your lifetime, your heart will pump more than thirteen million oil barrels of blood.

You can determine your heartbeat by taking your pulse. Find the beat on your wrist or neck with your index and middle finger. Count the beats for exactly one minute. Do three trials to be sure you are accurate. Run or exercise for five minutes and check your pulse again. It should be much faster. Care for your heart, and it will give you a lifetime of service.

238 **What is the measure of your heartbeats in one minute?**

1) the lungs 2) an expansion 3) a contraction 4) a pulse

239 **According to the passage, what is a male adult's likely heartbeat?**

1) 70 times a minute 2) 130 times a minute 3) 78 times a minute 4) 85 to 90 times a minute

240 **What can you infer about the dangers of breathing contaminated air based on how the heart pumps oxygen to the body?**

1) Contaminated air and smoking reduce the oxygen levels, and less oxygen will be pumped to the body.

2) It doesn't matter what you breathe provided that you are still young.

3) Your body filters out the contamination so it doesn't matter.

4) You aren't affected by smoke until you're forty.

241 **What can you infer about the relationship between heartbeats and the age of healthy people?**

1) Heartbeats are higher in adults than in children.

2) Heartbeats become lower between infancy and adulthood.

3) Age doesn't affect pulse rates in most people.

4) Healthy people have a higher heartbeat in adulthood.

@khaneh_book

پاسخ‌های تشریحی

۱ ۲ در واقع او را ندیدم؛ فقط صدایش را شنیدم.
۱) در نهایت، بالاخره ۲) در واقع، در عمل؛ واقعاً
۳) صحیح و سالم، به طور مطمئنی ۴) به ویژه، به خصوص، خصوصاً

۲ ۱ این هم مقداری اطلاعات مفید دربارهٔ تاریخ ایران.
۱) مفید، سودمند ۲) دقیق؛ مراقب، مواظب ۳) موفق؛ موفقیت‌آمیز ۴) قوی، نیرومند

۳ ۲ این کتاب زندگی ژاپنی‌ها را به آن شکلی که یکصد سال قبل بود، توصیف می‌کند.
۱) به دور ـ چرخیدن ۲) توصیف کردن، شرح دادن
۳) بالا رفتن، افزایش پیدا کردن؛ [خورشید] طلوع کردن ۴) خلق کردن، ایجاد کردن

۴ ۱ شستن منظم دست‌هایتان، راه خوبی برای پیشگیری از ابتلا به بعضی از بیماری‌ها است.
۱) بیماری ۲) عنصر؛ عامل؛ بخش ۳) سلول ۴) شگفتی، معجزه؛ حیرت

۵ ۳ مری در کمدش نگاه کرد در حالی‌که سعی می‌کرد چیز مناسبی برای پوشیدن پیدا کند.
۱) تازه؛ [هوا] خنک؛ [آب] شیرین ۲) خوش‌مزه، لذیذ؛ مطبوع
۳) مناسب، شایسته ۴) روزانه، روزمره

۶ ۳ قصد داشتم امروز عصر بیرون بروم، اما صرفاً توان [این کار را] ندارم.
۱) عنصر؛ عامل؛ بخش ۲) مایع ۳) نیرو، توان؛ انرژی ۴) نظر، عقیده

۷ ۳ در آسمان شب آن‌قدر ستاره وجود دارد که نمی‌توانم همهٔ آن‌ها را بشمارم.
۱) سیاره ۲) شگفتی، معجزه؛ حیرت ۳) ستاره ۴) سلول

۸ ۳ هر بار که عمو جورج به خانهٔ ما می‌آمد، همیشه برایمان یک هدیه می‌آورد.
۱) قلب ۲) شگفتی، معجزه؛ حیرت ۳) هدیه، کادو ۴) اشاره؛ سرنخ، نشانه؛ نکته

۹ ۴ وقتی خاله‌ام را دیدم، برای یک لحظه فکر کردم مادرم است، چون آن‌ها خیلی شبیه [هم] به نظر می‌رسند.
۱) مناسب؛ شایسته ۲) رایج؛ مشترک ۳) نزدیک ۴) همانند، شبیه، یکسان

۱۰ ۲ در حال حاضر انگلیسی زبان مشترک چند کشور در جهان شده است.
۱) همسایه ۲) ملت؛ کشور ۳) ماده؛ مطلب ۴) شگفتی، معجزه؛ حیرت

۱۱ ۳ کیفیت تصویر بد است چون‌که سیگنال تلویزیون به اندازهٔ کافی قوی نیست.
۱) جالب ۲) پاک، تمیز ۳) قوی، نیرومند ۴) سالم؛ تندرست

۱۲ ۴ در [زمینهٔ] سرعت و کیفیت اینترنت از کشوری به کشور دیگر، تفاوت‌های بزرگی وجود دارد.
۱) وسیله، ابزار ۲) الگو؛ طرح ۳) مثال، نمونه ۴) کیفیت

۱۳ ۳ عجیب است؛ مطمئنم عینکم را در کیفم گذاشتم، اما آن‌جا نیست.
۱) زشت، بدقیافه ۲) خطرناک ۳) عجیب، غیرعادی؛ ناآشنا ۴) رایج؛ مشترک

۱۴ ۲ آسمان صاف و هوا به طرز مطبوعی خنک است. این روزی عالی برای گذراندن در بیرون است.
۱) عمیق، گود ۲) واضح، روشن؛ [آسمان] صاف ۳) سخت، دشوار ۴) نزدیک

۱۵ ۲ وقتی که وارد اتاق شدم و چراغ‌ها را روشن کردم، هنری صرفاً در تاریکی نشسته بود.
۱) حلقه، انگشتر ۲) روشنایی، نور؛ چراغ ۳) علامت، نشانه؛ تابلو ۴) ماده؛ مطلب

۱۶ ۲ سیارهٔ دوم از نظر فاصله از خورشید، بعد از عطارد و قبل از زمین، زهره نامیده می‌شود.
۱) [سیارهٔ] مریخ ۲) [سیارهٔ] زهره، ناهید ۳) [سیارهٔ] مشتری ۴) [سیارهٔ] زحل

۱۷ ۲ وقتی خمیازه کشید و به ساعتش نگاه کرد، آن را به عنوان نشانه‌ای برداشت کردم که باید برویم.
۱) حقیقت، واقعیت ۲) اشاره؛ سرنخ ۳) قاعده، قانون ۴) امید، امیدواری

@khanen_book

۱۸ ۱ همه برای اشتباهم سرم داد می‌زدند و من هرگز فرصت پیدا نکردم از خودم دفاع کنم.
۱) دفاع کردن از؛ پشتیبانی کردن از ۲) به یاد آوردن، به خاطر آوردن
۳) شدن ۴) جمع کردن، جمع‌آوری کردن؛ وصول کردن

۱۹ ۲ تام قبل از این‌که بطری را با آب تازه دوباره پر کند، آب را از آن خالی کرد.
۱) فعال، پرجنب‌وجوش ۲) تازه؛ [هوا] خنک؛ [آب] شیرین ۳) خوش‌مزه، لذیذ؛ مطبوع ۴) دورتر؛ بیشتر

۲۰ ۳ معلم شکلی را ترسیم کرد که نشان می‌داد خون چگونه از قلب جریان پیدا می‌کند.
۱) سلول ۲) قطره ۳) خون ۴) مایع

۲۱ ۴ دلیل این‌که حسین چاق است این است که خیلی غذا می‌خورد و به اندازهٔ کافی ورزش نمی‌کند.
۱) توانایی ۲) جزء؛ [در جمع] جزئیات ۳) علاقه ۴) ورزش، تمرین

۲۲ ۲ ذهن‌های ما از طریق مغز، سیستم عصبی و اندام‌های حسی کار می‌کند.
۱) محل، مکان؛ ناحیه ۲) اندام، عضو ۳) اشاره؛ سرنخ، نشانه ۴) حقیقت، واقعیت

۲۳ ۳ پلیس کپی را با اصل مقایسه کرد، اما تفاوت زیادی وجود نداشت.
۱) جمع کردن، جمع‌آوری کردن؛ وصول کردن ۲) وصل کردن، متصل کردن؛ وصل شدن
۳) مقایسه کردن؛ سنجیدن ۴) به حساب آوردن، در نظر گرفتن

۲۴ ۱ باب تقریباً تمامی تمبرهایی را که جمع کرده بود به تینا داد و فقط چند تا را برای خودش نگه داشت.
۱) جمع کردن، جمع‌آوری کردن؛ وصول کردن ۲) توصیف کردن، شرح دادن
۳) شناسایی کردن، شناختن ۴) مقایسه کردن؛ سنجیدن

۲۵ ۱ به شما گفتم خطرناک است. دلیل این‌که آسیب دیدید این بود که گوش ندادید.
۱) خطرناک ۲) خسته‌کننده، کسل‌کننده ۳) رایج؛ مشترک ۴) قوی، نیرومند

۲۶ ۲ «به نظر شما چه کسی بهترین بازیکن فوتبال جهان است؟» «فکر کنم لیونل مسی بهترین است.»
۱) موضوع، مبحث ۲) نظر، عقیده ۳) حقیقت، واقعیت ۴) ترم، نیم‌سال؛ اصطلاح

۲۷ ۴ آیا هیچ مکان به خصوصی هست که پیشنهاد کنید وقتی در تهران هستم از آن دیدن کنم؟
۱) اشاره؛ سرنخ، نشانه ۲) عدد؛ تعداد؛ شماره ۳) جزء؛ [در جمع] جزئیات ۴) محل، مکان؛ ناحیه

۲۸ ۴ سیارهٔ مشتری دو برابر حرارتی را که از خورشید می‌گیرد، از داخل [خودش] ساطع می‌کند.
۱) ستاره ۲) تلسکوپ ۳) اکسیژن ۴) سیاره

۲۹ ۲ گلبول قرمز خون، کیسهٔ کوچکی حاوی مولکول‌های هموگلوبین برای حمل اکسیژن است.
۱) قلب ۲) سلول ۳) اندام، عضو ۴) ویروس
◀ گلبول قرمز خون: red blood cell

۳۰ ۱ دانستن این‌که باید دقیقاً چه‌کار کنیم سخت است؛ ما فقط باید تیری در تاریکی بیندازیم.
۱) تاریکی ۲) اشاره؛ سرنخ، نشانه ۳) کار، عمل ۴) علامت، نشانه؛ تابلو
◀ تیری در تاریکی انداختن: take a shot in the dark

۳۱ ۲ بسیاری از متفکران بزرگ که در طول حیات، ناشناخته بودند، بعد از مرگ مشهور شدند.
۱) مؤدب؛ مؤدبانه ۲) مشهور، معروف ۳) واضح، روشن؛ [آسمان] صاف ۴) مفید، سودمند

۳۲ ۴ زمان‌هایی وجود دارد که شما باید برای آن چیزی که درست است مبارزه کنید، حتی به قیمت جان خودتان.
۱) نگه داشتن؛ ادامه دادن (به) ۲) نگه داشتن؛ برگزار کردن
۳) ماندن؛ اقامت کردن ۴) دعوا کردن (با)، جنگیدن (با)، مبارزه کردن (با)

۳۳ ۱ همسایهٔ کناری‌مان از ما خواست وقتی که در تعطیلات بود از گیاهانش مراقبت کنیم.
۱) همسایه ۲) آپارتمان ۳) نظر، عقیده ۴) اندام، عضو

۳۴ ۱ امروز دوباره نسبتاً سرد است، اما فردا انتظار داریم دما بالا برود.
۱) بالا رفتن، افزایش پیدا کردن ۲) گرفتن شدن ۳) حرکت کردن؛ ۴) نگه داشتن؛ برگزار کردن

@khanehbook

۳۵ ۱ شخصی که در ارتش است و لباس فرم آن را می‌پوشد، به خصوص شخصی که وقتی جنگ هست مبارزه می‌کند، سرباز نامیده می‌شود.
۱) سرباز ۲) خلبان ۳) مهندس ۴) کارگر

۳۶ ۳ حمید به مهدی گفت که کفش‌هایش را دوست دارد اگرچه فکر می‌کرد آن‌ها زشت بودند.
۱) درست؛ مناسب، شایسته ۲) امن؛ ایمن ۳) زشت، بدقیافه ۴) مفید، سودمند

۳۷ ۳ جنگل‌های بارانی پر هستند از حیوانات شگفت‌انگیز. ما هنوز بسیاری از این حیوانات را نمی‌شناسیم.
۱) تاریک؛ [رنگ] تیره ۲) روزانه، روزمره ۳) حیرت‌انگیز، شگفت‌انگیز ۴) [کتاب و غیره] مفید، سودمند

۳۸ ۲ او بهترین‌ها را برای بچه‌هایش می‌خواست، مدرسه‌هایی خوب، خانه‌ای زیبا و سفرهایی به خارج.
۱) بالا؛ از بالا ۲) در خارج؛ به خارج؛ از خارج ۳) داخل؛ در داخل ۴) بیرون؛ از بیرون

۳۹ ۱ طراحی پر از جزئیات دقیق تمبر، آن را به بخشی باارزش در بین کلکسیون او تبدیل کرد.
۱) مجموعه، کلکسیون ۲) اطلاعات ۳) [آواشناسی] آهنگ ۴) جشن، مراسم

۴۰ ۲ یکصد و شانزده نفر در نتیجهٔ حملهٔ بمباران در پاکستان جان باختند.
۱) ماده؛ مطلب ۲) حمله، هجوم ۳) جزء؛ [در جمع] جزئیات ۴) عنصر؛ عامل؛ بخش

۴۱ ۲ پدربزرگم هر روز صبح ورزش ملایمی می‌کند، که علت سالم و قوی بودن او است.
۱) درست کردن؛ مجبور کردن ۲) انجام دادن ۳) رفتن ۴) دادن

ورزش کردن :do exercise

۴۲ ۴ جیمز به صلیب سرخ پول اهدا کرد تا به نجات‌یافتگان زمین‌لرزه کمک کند.
۱) نجات دادن؛ پس‌انداز کردن ۲) پاک کردن، تمیز کردن
۳) افزودن، اضافه کردن ۴) [پول، خون و غیره] اهدا کردن، بخشیدن

۴۳ ۳ امیر گفت آن چیزی را که او برای شام درست کرده بود، دوست دارد، اما فقط مؤدبانه برخورد می‌کرد.
۱) نگران، دلواپس ۲) شجاع؛ شجاعانه ۳) مؤدب، با تربیت؛ مؤدبانه ۴) بی‌دقت، بی‌احتیاط

۴۴ ۱ نمی‌دانم مشکل او دقیقاً چیست؛ فکر کنم نوعی ویروس دارد.
۱) ویروس ۲) بیمارستان ۳) طبیعت؛ ذات ۴) دارو؛ پزشکی

۴۵ ۱ سفینهٔ فضایی وقتی در فضا قرار گرفت به مدار دور زمین خواهد رفت. آن زاویه سال بعد اتفاق خواهد افتاد.
۱) مدار ۲) سیاره ۳) ماه ۴) آفرینش، خلق

۴۶ ۱ بدون این‌که وارد جزئیات شوم، می‌توانم به شما بگویم که سال خیلی موفقی داشته‌ایم.
۱) جزء؛ [در جمع] جزئیات ۲) واقعه؛ رویداد ۳) ترم، نیم‌سال؛ اصطلاح ۴) اثر، تأثیر

۴۷ ۲ غذای آن رستوران خوش‌مزه و قیمت‌هایشان پایین است. با این وجود، مکان آن‌ها خوب نیست.
۱) مفید، سودمند ۲) خوش‌مزه، لذیذ؛ مطبوع ۳) بی‌قاعده؛ نامنظم ۴) آسان، ساده، راحت

۴۸ ۳ علاقه[ام] را به درس خواندن از دست داده‌ام، بنابراین فکر نمی‌کنم دلیلی داشته باشد به دانشگاه بروم.
۱) حقیقت، واقعیت ۲) الگو؛ طرح ۳) علاقه، دلبستگی ۴) نظر، عقیده

۴۹ ۱ از جادهٔ اصلی خارج شوید و از پل رد شوید و به مسیرتان ادامه دهید تا وقتی که در سمت چپ خودتان یک دروازه ببینید.
۱) عبور دادن از، رد شدن از ۲) از خود پرسیدن ۳) شخم زدن ۴) قرار دادن، گذاشتن

۵۰ ۳ از علی پرسیدم فکر می‌کرد چه‌قدر هزینه داشت تا از کسی بخواهیم خانه‌مان را رنگ کند.
۱) درست کردن؛ مجبور کردن ۲) حمل کردن، بردن؛ (همراه) داشتن
۳) رنگ کردن، نقاشی کردن ۴) ماندن؛ اقامت کردن

۵۱ ۱ الهام یک لحظه بدون گفتن چیزی آن‌جا نشست و سپس بلند شد و اتاق را ترک کرد.
۱) بدون ۲) مگر این‌که ۳) اگر ۴) در حالی‌که؛ هنگامی‌که

۵۲ ۴ اگر نگران پیشرفت او هستید، در مورد آن با یکی از معلم‌هایش بحث کنید.
۱) خسته از ۲) لازم برای ۳) راضی از ۴) نگران

@khanenbook

۵۳ ۳ شنیدم که افرادی که هر روز میوه و سبزیجات می‌خورند احتمال کم‌تری دارد که حملهٔ قلبی داشته باشند.
۱) سلول ۲) ریه، شش ۳) قلب ۴) اندام، عضو

۵۴ ۳ کاسه‌ها را روی زمین گذاشتیم تا قطره‌های آبی را که از پشت‌بام می‌آمدند، بگیریم.
۱) حلقه، انگشتر ۲) مایع ۳) قطره ۴) سلول

۵۵ ۲ فرم درخواست از شما می‌خواهد نام، سن و ملیت خودتان را ذکر کنید.
۱) کلکسیون، مجموعه ۲) ملیت ۳) نظر، عقیده ۴) جزء؛ [در جمع] جزئیات

۵۶ ۱ ساختمانی که دانشمندان از آن می‌توانند ناظر سیارات، ستارگان، آب و هوا و ... باشند، رصدخانه نامیده می‌شود.
۱) رصدخانه ۲) [بخشی از خون] پلاسما ۳) ماهواره ۴) تلسکوپ

۵۷ ۴ آن‌ها برای ساختن تونل مجبور بودند از میان ۵۰۰ فوت سنگ سخت حفاری کنند. آن کار بسیار سختی بود.
۱) انرژی ۲) حلقه، انگشتر ۳) (علامتِ) فلش؛ تیر ۴) سنگ، صخره

۵۸ ۱ یک معلم خوب باید دانش‌آموزان را تشویق کند تا حقایق علمی ابتدایی را کشف کنند.
۱) حقیقت، واقعیت ۲) علامت، نشانه؛ تابلو ۳) هدف، مقصود ۴) کار، وظیفه

۵۹ ۲ مهم نیست چه‌قدر سخت تلاش می‌کردم شجاع و قوی باشم؛ نمی‌توانستم جلوی گریهٔ خودم را بگیرم.
۱) سالم، تندرست ۲) شجاع، دلیر؛ شجاعانه ۳) دقیق؛ مراقب، مواظب ۴) مشهور، معروف

۶۰ ۱ آن‌قدر منتظر نوبتم برای دیدن مشاور شغلی ماندم که اتوبوسم را از دست دادم.
۱) نوبت؛ چرخش، پیچ ۲) اشاره؛ سرنخ، نشانه؛ نکته ۳) دستور؛ سفارش ۴) عدد، شماره

۶۱ ۴ مردمی که در این ناحیه زندگی می‌کنند، جان خود را به دلیل کمبود آب از دست می‌دهند. دولت باید راهی پیدا کند تا این مشکل را حل کند.
۱) نوبت؛ چرخش، پیچ ۲) حلقه، انگشتر ۳) اشاره؛ سرنخ، نشانه، نکته ۴) ناحیه، منطقه

۶۲ ۴ او ساعات نامنظمی را کار می‌کند. این به این معنی است که او در روزهای مختلف، در مقادیر مختلف و در زمان‌های مختلف کار می‌کند.
۱) طلایی ۲) رایج؛ مشترک ۳) مناسب؛ شایسته ۴) بی‌قاعده؛ نامنظم

۶۳ ۱ ما سعی می‌کنیم از نظر کیفیت کالاهایمان آن چیزی را انجام دهیم که برای مشتری‌هایمان بهترین است.
۱) ترم، نیم‌سال؛ اصطلاح ۲) اشاره؛ سرنخ، نشانه؛ نکته ۳) علامت، نشانه؛ تابلو ۴) مورد، نمونه
◀ از نظرِ، در چهارچوبِ: in terms of

۶۴ ۴ پیرمرد از کلکسیون تمبرهای باارزشی که الان در آلبومش وجود دارد، خیلی مفتخر است.
۱) آفرینش، خلق ۲) علاقه ۳) شگفتی، معجزه؛ حیرت ۴) کلکسیون، مجموعه

۶۵ ۱ پیشنهاد می‌کنم ما هر دو الان برویم و جان و مری را تنها بگذاریم تا در مورد این مشکل به تنهایی صحبت کنند.
۱) تنها، به تنهایی ۲) با این حال، با وجود این ۳) با این حال، با وجود این ۴) به هر حال

۶۶ ۲ این تغییرات منجر به ایجاد تجارت‌های جدید خواهد شد و فرصت‌های شغلی را برای هزاران نفر فراهم خواهد کرد.
۱) علاقه ۲) آفرینش، خلق ۳) جزء؛ [در جمع] جزئیات ۴) ماده

۶۷ ۲ او در دانشگاه محلی دارد که به او فرصتی طلایی می‌دهد که در موضوعی که برایش جذاب است، تحقیق کند.
۱) شجاع، دلیر؛ شجاعانه ۲) طلایی ۳) عمیق، گود ۴) سالم؛ تندرست

۶۸ ۳ وقتی سفر می‌کنیم، چمدان من همیشه سنگین‌تر از چمدان شوهرم است.
◀ با توجه به این‌که در این تست، دو چمدان از نظر سنگین بودن با هم مقایسه شده‌اند و سنگین‌تر بودن یکی از آن‌ها نسبت به دیگری مورد اشاره قرار گرفته است، در جای خالی به صفت تفضیلی نیاز داریم. دقت کنید که heavy یک صفت دو بخشی است که به y ختم شده. بنابراین برای تبدیل آن به صفت تفضیلی، y آخر صفت به i تبدیل می‌شود و از er than- استفاده می‌کنیم.

۶۹ ۳ دیروز سردترین روز سال بود. در حال پیاده رفتن از مدرسه به خانه تقریباً از سرما مردم!
◀ با توجه به مفهوم جمله متوجه می‌شویم که روز مورد نظر در این سؤال، سردترین روز سال بوده است. بنابراین برای اشاره به آن از cold استفاده می‌شود، نه hot. علاوه بر این، با توجه به این‌که این روز به عنوان سردترین روز سال مورد اشاره قرار گرفته، در جای خالی به صفت عالی نیاز داریم، نه صفت تفضیلی. شکل عالی صفت cold در گزینهٔ (۳

@khanehbook

۷۰ ۳ برای این تمرین فقط وقت اندکی داریم، اما در امتحان حتی وقت کم‌تری خواهیم داشت.

◀ با توجه به مفهوم جمله می‌توان متوجه شد که در این‌جا شکل تفضیلی صفت little (کم) مورد نیاز است. little یک صفت بی‌قاعده است و شکل تفضیلی آن less می‌باشد. دقت کنید که با توجه به نیامدن بخش دوم مقایسه بعد از جای خالی، بعد از less از than استفاده نمی‌کنیم.

۷۱ ۳ همیشه محصول با کیفیت بالا می‌خرم حتی اگر کمی گران‌تر باشد.

◀ در این تست نیز گران‌تر بودن دسته‌ای از کالاها نسبت به دستهٔ دیگری از کالاها مورد اشاره قرار گرفته است و به صفت تفضیلی نیاز داریم که شکل صحیح آن برای صفت چندبخشی expensive در گزینهٔ (۳) آمده است. دقت کنید که با توجه به نیامدن بخش دوم مقایسه بعد از جای خالی (یعنی کالاهای کم کیفیت‌تر)، بعد از صفت expensive از than استفاده نمی‌کنیم.

۷۲ ۱ آیا آن خانم در آن لباس ابریشمی سبز بلند زیبا، دوست‌داشتنی به نظر نمی‌رسید؟

◀ با توجه به ترتیب صحیح قرار گرفتن صفات قبل از اسم، گزینهٔ (۱) صحیح می‌باشد.

اسم + صفت جنس + صفت ملیت + صفت رنگ + صفت سن + صفت اندازه + صفت کیفیت / عقیده + تعریف‌کننده

that	beautiful	long	green	silk	dress
تعریف‌کننده	صفت کیفیت / عقیده	صفت اندازه	صفت رنگ	صفت جنس	اسم

۷۳ ۲ آن آهنگ را دوست دارم! آن بهترین آهنگی است [که] در مدت‌های طولانی شنیده‌ام.

◀ چون در این تست، یک آهنگ از نظر خوب بودن به عنوان بهترین مورد اشاره قرار گرفته است، در جای خالی به صفت عالی نیاز داریم که شکل مناسب آن برای صفت بی‌قاعدهٔ good، در گزینهٔ (۲) آمده است.

۷۴ ۴ آتن شهری باستانی است که هزاران سال قبل بنا شد.

◀ با توجه به مفهوم جمله و این‌که طبق جمله، آتن شهری باستانی (ancient) است، نه شهری جدید (new)، یکی از گزینه‌های (۱) یا (۴) می‌تواند صحیح باشد. دقت کنید که در انگلیسی، صفت (در این‌جا ancient) قبل از اسم (در این‌جا city) به کار می‌رود، نه بعد از آن.

۷۵ ۴ سابقاً ساختمان امپایر استیت در نیویورک بلندترین ساختمان جهان بود.

◀ با توجه به مفهوم جمله، ساختمان امپایر استیت در گذشته عنوان بلندترین ساختمان جهان را در اختیار داشته و بنابراین در جای خالی به صفت عالی نیاز داریم که شکل مناسب آن برای صفت تک‌بخشی tall در گزینهٔ (۴) آمده است.

۷۶ ۳ آن ستاره کوچک‌تر از خورشید به نظر می‌رسد، چون بسیار دورتر از ماست.

◀ همان‌طور که می‌دانید دلیل کوچک‌تر به نظر رسیدن ستاره‌های آسمان از خورشید، فاصلهٔ بیشتر آن‌هاست. بنابراین با توجه به این‌که در این تست مسافت یک ستاره با زمین، با مسافت خورشید از زمین مقایسه شده است، در جای خالی به صفت تفضیلی نیاز داریم. دقت کنید که برای بیان شدت و اختلاف بیشتر صفات تفضیلی، بسته به معنی جمله از much یا far استفاده می‌شود.

۷۷ ۱ مری همیشه دوست دارد یک اتومبیل قرمز قدیمی کوچک را براند.

◀ با توجه به ترتیب صحیح قرار گرفتن صفات قبل از اسم، گزینهٔ (۱) صحیح می‌باشد.

اسم + صفت جنس + صفت ملیت + صفت رنگ + صفت سن + صفت اندازه + صفت کیفیت / عقیده + تعریف‌کننده

a	little	old	red	car
تعریف‌کننده	صفت اندازه	صفت سن	صفت رنگ	اسم

۷۸ ۱ او کسل‌کننده‌ترین سخنرانی است که تاکنون شنیده‌ام. نیمی از حضار در طول سخنرانی‌اش خوابشان برد.

◀ با توجه به مفهوم جمله، سخنران موردنظر بسیار کسل‌کننده بوده است، بنابراین more یا most می‌تواند صحیح باشد. دقت کنید که قبل از صفت تفضیلی (در این‌جا more boring) از the استفاده نمی‌شود و از the قبل از صفات عالی استفاده می‌کنیم.

۷۹ ۳ ۳۱ دسامبر کوتاه‌ترین روز سال است. آن کوتاه‌تر از هر روز دیگری می‌باشد.

◀ در جای خالی اول، ۳۱ دسامبر به عنوان کوتاه‌ترین روز سال مورد اشاره قرار گرفته و بنابراین برای آن از صفت عالی استفاده می‌کنیم که شکل مناسب آن برای صفت تک‌بخشی short در گزینه‌های (۱) و (۳) آمده است. اما با توجه به این‌که در جای خالی دوم، مقایسه‌ای صورت گرفته است، در این مورد به صفت تفضیلی نیاز داریم. شکل ... در گزینه‌های (۲) و (۳) ...

@khanehbook

۸۰ ۱ A: «می‌توانم کمکتان کنم؟» B: «بله، دنبال یک لباس نخی صورتی کوچک برای دخترم می‌گردم.»

◀ با توجه به ترتیب صحیح قرار گرفتن صفات قبل از اسم، گزینهٔ (۱) صحیح می‌باشد:

اسم + صفت جنس + صفت ملیت + صفت رنگ + صفت سن + صفت اندازه + صفت کیفیت / عقیده + تعریف‌کننده

a	small	pink	cotton	dress
تعریف‌کننده	صفت اندازه	صفت رنگ	صفت جنس	اسم

۸۱ ۳ اتاق من بزرگ‌تر از مال شماست، بنابراین اتاق شما به اندازهٔ اتاق من بزرگ نیست.

◀ با توجه به مفهوم جمله و کاربرد not قبل از جای خالی، در جای خالی به صفت برابری نیاز داریم که شکل صحیح آن در گزینهٔ (۳) آمده است.

۸۲ ۱ دیروز جان به من یک جوک بامزه گفت. آن بامزه‌ترین جوکی بود [که] تا حالا شنیده‌ام.

◀ در جای خالی اول مقایسه‌ای صورت نگرفته و بنابراین کاربرد صفت تفضیلی (در این‌جا funnier) صحیح نیست. علاوه بر این، با توجه به این‌که کلمه، قبل از اسم (در این‌جا joke) به کار رفته، از صفت (در این‌جا funny) استفاده می‌شود، نه قید حالت (funnily). در جای خالی دوم نیز با توجه به مفهوم جمله به صفت عالی نیاز داریم که شکل صحیح آن برای صفت دوبخشی منتهی به y (یعنی funny) در گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴) آمده است.

۸۳ ۲ آن گران‌ترین رستورانی بود که می‌توانستیم در آن غذا بخوریم و غذایشان هم خیلی خوب نبود.

◀ با توجه به مفهوم جمله، رستوران ذکر شده در این سؤال گران‌ترین رستوران بوده است و بنابراین برای اشاره به آن از صفت عالی استفاده می‌شود. expensive یک صفت چندبخشی است و برای تبدیل آن به صفت عالی از the most استفاده می‌کنیم.

۸۴ ۱ دوستم در کف اتاق خوابش یک فرش پشمی خاکستری بلند زیبا دارد.

◀ با توجه به ترتیب صحیح قرار گرفتن صفات قبل از اسم، گزینهٔ (۱) صحیح می‌باشد:

اسم + صفت جنس + صفت ملیت + صفت رنگ + صفت سن + صفت اندازه + صفت کیفیت / عقیده + تعریف‌کننده

a	lovely	long	grey	woolen	rug
تعریف‌کننده	صفت کیفیت / عقیده	صفت اندازه	صفت رنگ	صفت جنس	اسم

۸۵ ۴ مکانی که بیشترین باران را در جهان دریافت می‌کند، کوهی در هاوایی است.

◀ با توجه به این‌که در این تست، یک کوه از نظر میزان بارش باران به عنوان برترین کوه جهان مورد اشاره قرار گرفته است، در جای خالی به صفت عالی نیاز داریم که شکل مناسب آن در گزینهٔ (۴) آمده است.

۸۶ ۱ باید در اسرع وقت پیش دکتر بروید. سرماخوردگی‌تان از چند روز قبل بدتر است.

◀ در این تست، با توجه به مقایسهٔ صورت گرفته بین وضعیت سرماخوردگی در دو روز متفاوت، از صفت تفضیلی استفاده می‌شود که شکل مناسب آن برای صفت بی‌قاعدهٔ bad در گزینهٔ (۱) آمده است.

۸۷ ۱ دخترم از من بهتر آشپزی می‌کند، اما شوهرم از همهٔ ما بهتر آشپزی می‌کند.

◀ در جای خالی اول، بهتر بودن آشپزی یک نفر نسبت به شخص دیگری مدنظر است و در نتیجه به صفت تفضیلی نیاز داریم. اما در جای خالی دوم، آشپزی یک نفر بهتر از تمام افراد دیگر یک گروه مورد اشاره قرار گرفته و صفت عالی را به کار می‌بریم.

۸۸ ۴ او همیشه بر روی صورتش لبخندی دارد. او شادترین فردی است که می‌شناسم.

◀ با توجه به مفهوم جمله که نشان می‌دهد یک نفر در مورد شاد بودن در میان همهٔ اعضای گروهش برترین است و همین‌طور با توجه به کاربرد the قبل از جای خالی، در این تست از صفت عالی استفاده می‌کنیم.

۸۹ ۳ او اخیراً یک اتومبیل ژاپنی سفید بزرگ زیبا خریده است.

◀ با توجه به ترتیب صحیح قرار گفتن صفات قبل از اسم، گزینهٔ (۳) صحیح می‌باشد:

اسم + صفت جنس + صفت ملیت + صفت رنگ + صفت سن + صفت اندازه + صفت کیفیت / عقیده + تعریف‌کننده

a	beautiful	big	white	Japanese	car
تعریف‌کننده	صفت کیفیت / عقیده	صفت اندازه	صفت رنگ	صفت ملیت	اسم

@khanehbook

۹۰ ۲ این رودخانه طولانی نیست اما پهن‌ترین رودخانه در کشور ما است.

◄ با توجه به مفهوم جمله، یک رودخانه به عنوان پهن‌ترین رودخانهٔ یک کشور مورد اشاره قرار گرفته است و بنابراین برای اشاره به آن از صفت عالی (در این‌جا the widest) استفاده می‌شود.

۹۱ ۲ من هم‌سن خواهرتان هستم. ما هر دو در سال ۱۹۸۶ به دنیا آمدیم.

◄ با توجه به جملهٔ دوم متوجه می‌شویم که دو شخص موردنظر در سؤال هم‌سن هستند و بنابراین در جای خالی به صفت برابری نیاز داریم که شکل مناسب آن در گزینهٔ (۲) آمده است.

۹۲ ۱ سوپ گوجه‌فرنگی به اندازهٔ سوپ قارچ خوش‌مزه بود. هر دوی آن‌ها طعم خوبی داشتند.

◄ با توجه به مفهوم جمله، گوینده قصد دارد بگوید دو نوع سوپ ذکر شده به یک اندازه خوش‌مزه بودند و بنابراین در جای خالی اول از صفت برابری استفاده می‌شود که شکل صحیح آن را در گزینه‌های (۱) و (۲) داریم. در مورد جای خالی دوم دقت کنید که بعد از افعال ربطی و حسی (مانند taste در معنی طعم ... داشتن) از صفت استفاده می‌شود و نمی‌توانیم صفت را به قبل از این افعال منتقل کنیم.

۹۳ ۲ در قفسه، تعدادی فنجان چای مصری کوچک زیبا وجود دارد که برای مناسبت‌های خاص استفاده می‌شوند.

◄ با توجه به ترتیب صحیح قرار گرفتن صفات قبل از اسم، گزینهٔ (۲) صحیح می‌باشد.

اسم + صفت جنس + صفت ملیت + صفت رنگ + صفت سن + صفت اندازه + صفت کیفیت / عقیده + تعریف‌کننده

some	beautiful	small	Egyptian	teacups
تعریف‌کننده	صفت کیفیت / عقیده	صفت اندازه	صفت ملیت	اسم

۹۴ ۳ فکر می‌کردم می‌توانم پازل را انجام دهم، اما از آن چیزی که انتظار داشتم سخت‌تر بود.

◄ با توجه به این‌که گویندهٔ جمله بین دشواری پازل و سطح انتظار خودش از دشواری آن، مقایسه‌ای را انجام داده است، در جای خالی به صفت تفضیلی نیاز داریم که شکل صحیح آن برای صفت چندبخشی difficult در گزینهٔ (۳) آمده است.

۹۵ ۱ بدون شک زبان انگلیسی آسان‌ترین و به طور همزمان کارآمدترین زبان در جهان است.

◄ چون در این تست، زبان انگلیسی هم از نظر آسان بودن و هم از نظر کارآمد بودن، برتر از تمامی سایر زبان‌های دیگر جهان ذکر شده است، در هر دو جای خالی به صفت عالی نیاز داریم که شکل مناسب دو مورد آن در گزینهٔ (۱) آمده است.

۹۶ ۴ افراد بسیار بیشتری جان خود را در تصادفات جاده‌ای از دست می‌دهند تا سوانح هوایی. آمارها نشان می‌دهند که راندن اتومبیل خودتان خطرناک‌تر از پرواز با هواپیما است.

◄ با توجه به این‌که طبق مفهوم جمله، رانندگی با اتومبیل خطرناک‌تر از پرواز با هواپیما است، در جای خالی به صفت تفضیلی نیاز داریم. دقت کنید که برای صفات چندبخشی (مانند dangerous در این تست) برای بیان مقدار یا تعداد بیشتر از more استفاده می‌شود، نه less. نکتهٔ آخر این‌که is قبل از جای خالی فعل ربطی است و پس از آن به صفت (dangerous) نیاز داریم، نه قید حالت (dangerously).

۹۷ ۲ در آخرین تعطیلات کتاب خوبی را خواندم، اما پدرم آخر هفتهٔ قبل حتی یکی بهتر از آن را به من داد.

◄ در جای خالی اول مقایسه‌ای صورت نگرفته است و بنابراین از شکل سادهٔ صفت (در این‌جا good) به همراه حرف تعریف مناسب برای اسم مفرد نکرهٔ book (یعنی a) استفاده می‌شود. اما در جای خالی دوم با توجه به این‌که کتاب دوم بهتر از کتاب اول بوده است، از صفت تفضیلی (در این‌جا better) استفاده می‌شود. البته دقت کنید که چون دو طرف مقایسه، قبل و بعد از صفت تفضیلی نیامده‌اند، در این‌جا کاربرد than صحیح نیست.

۹۸ ۳ بیشتر افراد می‌گویند که بهترین روش یاد گرفتن یک زبان خارجی، یاد گرفتن از سخنگوی بومی است.

◄ با توجه به مفهوم جمله و این‌که طبق جمله، بهترین روش یاد گرفتن زبان خارجی، یاد گرفتن آن از سخنگوی بومی است، در جای خالی از صفت عالی استفاده می‌شود. البته دقت کنید که اگر در گزینهٔ (۱) نیز قبل از good، حرف تعریف a را داشتیم، این گزینه نیز می‌توانست با تغییر مفهوم جمله صحیح باشد.

۹۹ ۳ نمی‌توانم باور کنم دارید پیشنهاد کار را به کیتی می‌دهید. فکر می‌کردم او در بین تمام داوطلبان ما دارای کم‌ترین شایستگی است!

◄ با توجه به مفهوم جمله، در این تست نیز به صفت عالی نیاز داریم. دقت کنید که در این تست، طبق نظر گویندهٔ جمله، شخص موردنظر دارای کم‌ترین شایستگی است و بنابراین قبل از صفت، از شکل متضاد most، یعنی least استفاده می‌شود.

۱۰۰ ۳ A: «امروز حالتان چه‌طور است؟» B: «خیلی خوب نیستم. در واقع، حالم خیلی بدتر از دیروز است.»

◄ چون‌که گویندهٔ جملهٔ B، بین حال خودش در دو روز مقایسه انجام می‌دهد، در جای خالی به صفت تفضیلی نیاز داریم که شکل صحیح آن در گزینهٔ (۳) آمده است. دقت کنید که در [illegible] ای بیان [illegible] بیشتر [illegible] استفاده شده است.

@khanehketab

۱۰۱ ۲ آپارتمان ما از همه چیز دور است. می‌خواهیم به محل بهتری نقل مکان کنیم.

◀ با توجه به این‌که در جای خالی اول مقایسه‌ای صورت نگرفته است، برای اشاره به آن از شکل سادهٔ صفت (در این‌جا far) استفاده می‌شود. یعنی در بین گزینه‌ها فقط گزینهٔ (۲) می‌تواند صحیح باشد.

۱۰۲ ۳ آن کمد چوبی ایرانی قهوه‌ای بزرگ خیلی گران است.

◀ با توجه به ترتیب صحیح قرار گرفتن صفات قبل از اسم، گزینهٔ (۳) صحیح می‌باشد.

اسم + صفت جنس + صفت ملیت + صفت رنگ + صفت سن + صفت اندازه + صفت کیفیت / عقیده + تعریف‌کننده

that	big	brown	Iranian	wood	cupboard
تعریف‌کننده	صفت اندازه	صفت رنگ	صفت ملیت	صفت جنس	اسم

۱۰۳ ۴ خانه‌های ساخته‌شده از چوب آسان‌تر از خانه‌های ساخته‌شده از سنگ می‌سوزند.

◀ با توجه به مقایسهٔ صورت‌گرفته، در این تست از قید تفضیلی استفاده می‌شود. دقت کنید که در این‌جا با توجه به این‌که قبل از جای خالی، فعل اصلی (burn) را داریم، در جای خالی از قید حالت (easily) استفاده می‌شود، نه صفت (easy).

۱۰۴ ۲ این ارزان‌ترین تلفن فروشگاه است. تمام تلفن‌های دیگر خیلی گران‌تر هستند.

◀ با توجه به مفهوم جمله، تلفن مورد اشاره در جملهٔ اول در میان تمام تلفن‌های فروشگاه ارزان‌ترین است و بنابراین برای اشاره به آن از صفت عالی استفاده می‌شود. البته به دلیل این‌که تلفن ذکرشده گران‌ترین تلفن فروشگاه نبوده، کاربرد most از نظر معنایی صحیح نیست و باید از least استفاده کنیم.

۱۰۵ ۴ در بین تمام هم‌کلاسی‌های جدید، هری را از همه کم‌تر دوست دارم. فکر می‌کنم او خیلی بد رفتار می‌کند.

◀ در این تست نیز با توجه به این‌که گویندهٔ جمله از یک شخص کم‌تر از همهٔ اعضای دیگر یک گروه خوشش می‌آید، از least استفاده می‌شود.

۱۰۶ ۴ وقتی کوچک بودم، پیتزا دوست داشتم، اما ذائقه‌ام عوض شده است. در حال حاضر آن را خیلی کم‌تر دوست دارم.

◀ در این تست، با توجه به این‌که گوینده در حال حاضر، پیتزا را از گذشته کم‌تر دوست دارد، از صفت تفضیلی (less) استفاده می‌شود. البته چون طرف دوم مقایسه بعد از less نیامده است، کاربرد than صحیح نمی‌باشد.

۱۰۷ ۳ این روزها شهر به دلیل مرکز خرید جدید، خیلی شلوغ‌تر است.

◀ با توجه به این‌که در این تست، گوینده قصد دارد شلوغ‌تر بودن این روزهای شهر را نسبت به حالت عادی بیان کند، در جای خالی از صفت تفضیلی استفاده می‌شود. البته چون crowded یک صفت چندبخشی است، برای ساختن شکل تفضیلی آن از more استفاده می‌کنیم. دقت کنید که به دلیل عدم ذکر بخش دوم مقایسه بعد از جای خالی، در این‌جا کاربرد than صحیح نیست.

۱۰۸ ۱ بزرگ‌ترین گاو نر جهان هم‌اندازهٔ یک فیل کوچک است. وزن این حیوان غول‌پیکر بسیار بیشتر از یک تن است.

◀ در این تست، گوینده قصد دارد به هم‌وزن بودن بزرگ‌ترین گاو نر و کوچک‌ترین فیل جهان اشاره کند! بنابراین در این مورد از صفت برابری استفاده می‌شود که شکل صحیح آن در گزینهٔ (۱) آمده است.

۱۰۹ ۴ پخش DVD او به اندازهٔ مال من ارزان بود. ما یک قیمت را پرداخت کردیم.

◀ چون که دو نفر برای یک جنس دقیقاً یک قیمت را پرداخت کرده‌اند، برای اشاره به قیمت آن‌ها از صفت برابری استفاده می‌شود که شکل صحیح آن در گزینهٔ (۴) آمده است. دقت کنید که expensively قید حالت است، اما بعد از افعال to be (در این‌جا was) از صفت استفاده می‌کنیم.

۱۱۰ ۱ او برای معلم بودن خیلی جوان به نظر می‌رسد. او ماه بعد بیست‌ودو ساله خواهد شد.

◀ seem جزء افعال حسی است و علاوه بر این‌که حالت استمراری آن (در این‌جا is seeming) صحیح نیست، این فعل قبل از صفت (در این‌جا young) استفاده می‌شود، نه پس از آن.

۱۱۱ ۲ نمی‌توانم در این اتاق درس بخوانم. خیلی پر سروصدا است. قصد دارم جای آرام‌تری را پیدا کنم.

◀ به دلیل این‌که در این تست گوینده از اتاق مورد نظر راضی نیست و قصد دارد برای درس خواندن، اتاق آرام‌تری را پیدا کند، در جای خالی از صفت تفضیلی استفاده می‌شود. دقت کنید که place ... ل شمار ... مفرد و نکره ... از آن از a استفاده می‌کنیم.

@khanehbook

۱۱۲ ۱ من آن توپ پلاستیکی آبی بزرگ زیبا را [که] عمویم در تولدم به من داد، واقعاً دوست داشتم.

◄ با توجه به ترتیب صحیح قرار گرفتن صفات قبل از اسم، گزینهٔ (۱) صحیح می‌باشد.

اسم + صفت جنس + صفت ملیت + صفت رنگ + صفت سن + صفت اندازه + صفت کیفیت / عقیده + تعریف‌کننده

that	beautiful	big	blue	plastic	ball
تعریف‌کننده	صفت کیفیت / عقیده	صفت اندازه	صفت رنگ	صفت جنس	اسم

۱۱۳ ۲ این تلفن تقریباً به‌اندازهٔ آن یکی خوب است، حتی با وجود این‌که بسیار ارزان‌تر است.

◄ با توجه به این‌که در این تست، دو تلفن از نظر کیفیت در یک حد در نظر گرفته شده‌اند، در جای خالی به صفت برابری نیاز داریم که شکل صحیح آن در گزینهٔ (۲) آمده است.

۱۱۴ ۱ این سوپرمارکت به اندازهٔ آن یکی در آن طرف خیابان گران نیست. در واقع این خیلی ارزان‌تر است.

◄ با توجه به کاربرد فعل منفی (isn't) قبل از جای خالی، گوینده به برابر نبودن قیمت کالاها در دو سوپرمارکت اشاره دارد. در واقع not as ... as نشان می‌دهد که در مورد صفتی خاص، برابری وجود ندارد. همین بخش اول جمله نشان می‌دهد که در واقع یکی از سوپرمارکت‌ها از دیگری ارزان‌تر است و بنابراین در جای خالی دوم به صفت تفضیلی نیاز داریم.

۱۱۵ ۴ A: «آلن چه‌طور است؟» B: «او هنوز بیمار است، اما خیلی بهتر از روز قبل به نظر می‌رسد.»

◄ فعل look (در معنی به نظر رسیدن) جزء افعال حسی است و حالت استمراری (در این‌جا is looking) ندارد. دقت کنید که صفت (در این تست better)، بعد از افعال حسی به کار می‌رود، نه قبل از آن. همچنین با توجه به این‌که a lot میزان و شدت better را نشان می‌دهد، باید آن را قبل از better به کار ببریم.

۱۱۶ ۳ افراد زیادی در مهمانی بد رفتار کردند، اما او از همه بدتر رفتار کرد.

◄ چون که در این تست، رفتار یک شخص از همهٔ افراد دیگر حاضر در یک مهمانی بدتر بوده است، برای اشاره به رفتار او از صفت عالی (در این‌جا worst) استفاده می‌شود.

۱۱۷ ۲ در گالری هنری یک نقاشی ژاپنی قدیمی جالب را دیدم.

◄ با توجه به ترتیب صحیح قرار گرفتن صفات قبل از اسم، گزینهٔ (۲) صحیح می‌باشد.

اسم + صفت جنس + صفت ملیت + صفت رنگ + صفت سن + صفت اندازه + صفت کیفیت / عقیده + تعریف‌کننده

an	interesting	old	Japanese	painting
تعریف‌کننده	صفت کیفیت / عقیده	صفت سن	صفت ملیت	اسم

۱۱۸ ۲ امروز فروشگاه حراج فوق‌العاده‌ای دارد. بیشتر تلویزیون‌ها ۲۵٪ ارزان‌تر از چیزی هستند که دیروز بودند.

◄ با توجه به مقایسهٔ صورت‌گرفته بین قیمت دیروز و امروز، در جای خالی به صفت تفضیلی نیاز داریم. دقت کنید که چون طرف دوم مقایسه بعد از جای خالی آمده است، کاربرد than نیز الزامی می‌باشد.

۱۱۹ ۳ دکتر به من گفت که اگر فردا حالم بهتر باشد، می‌توانم به سر کار برگردم.

◄ چون جمله به بهتر شدن حال فرد اشاره دارد، شکل تفضیلی صفت (در این‌جا better) مدنظر می‌باشد. البته دقت کنید که بعد از جای خالی طرف دوم مقایسه را نداریم و در نتیجه نمی‌توانیم از than استفاده کنیم.

۱۲۰ ۱ جری در کلاس ما باهوش‌ترین است. او در هر درسی بهترین نمره‌ها را می‌گیرد.

◄ با توجه به این‌که در این تست، یک شخص به عنوان باهوش‌ترین فرد کلاسش مورد اشاره قرار گرفته، در جای خالی به صفت عالی نیاز داریم که شکل مناسب آن برای صفت چندبخشی intelligent در گزینهٔ (۱) آمده است.

۱۲۱ ۴ متأسفم [که] این‌قدر دیر کردم. با حداکثر سرعتی که می‌توانستم به این‌جا رسیدم، اما همه‌جا ترافیک بود.

◄ عبارت‌های زیر را به خاطر بسپارید:

با حداکثر سرعتی که می‌توانستم: as soon as possible: در اسرع وقت: as fast as I could

@khanehketab

۱۲۲ ۱ A: «در حال حاضر گران‌ترین خودرو چیست؟» B: «مطمئن نیستم، اما فکر می‌کنم رولز-رویس است. آن قطعاً از فراری گران‌تر است.»

◀ با توجه به مفهوم جملات، گوینده در مورد گران‌ترین خودرو جهان سؤال می‌کند. از نظر ساختاری در گزینه‌های (۱) و (۴) صفت عالی داریم. اما فقط در گزینهٔ (۱) به گران‌ترین خودرو اشاره شده و گزینهٔ (۴) می‌تواند در مورد ارزان‌ترین خودرو به کار رود. علاوه بر این، با توجه به کاربرد more expensive قبل از جای خالی دوم، در این‌جا صفت تفضیلی داریم و جمله با than کامل می‌شود.

۱۲۳ ۳ من به اندازهٔ کافی بزرگ نشده‌ام که رانندگی کنم، اما خواهر بزرگ‌ترم کریستینا ماشین دارد. او از من دو سال بزرگ‌تر است.

◀ در جای خالی اول، بین دو فرد مقایسه‌ای انجام نشده است و صفت صرفاً به بزرگ‌تر بودن خواهر اشاره دارد. بنابراین برای اشاره به آن از older استفاده می‌شود. اما با توجه به این‌که در جای خالی دوم بین دو نفر مقایسه‌ای صورت گرفته، برای آن از older than استفاده می‌کنیم.

۱۲۴ ۴ او یک پیراهن ابریشمی سیاه و سفید زیبا پوشیده بود.

◀ با توجه به ترتیب صحیح قرار گرفتن صفات قبل از اسم، گزینهٔ (۴) صحیح می‌باشد.

اسم + صفت جنس + صفت ملیت + صفت رنگ + صفت سن + صفت اندازه + صفت کیفیت / عقیده + تعریف‌کننده

a	beautiful	black and white	silk	shirt
تعریف‌کننده	صفت کیفیت / عقیده	صفت رنگ	صفت جنس	اسم

۱۲۵ ۳ پدرم امسال تولد هفتاد سالگی‌اش را جشن گرفت، اما از من پرانرژی‌تر است.

◀ با توجه به مقایسهٔ صورت‌گرفته بین یک شخص و پدرش، در این تست از صفت تفضیلی استفاده می‌کنیم. دقت کنید که energetic (پرانرژی) یک صفت چند بخشی است و برای تبدیل آن به حالت تفضیلی از more استفاده می‌شود.

۱۲۶ ۱ خانه را نخریدیم چون که صاحب [آن] دو برابر ارزشش [پول] می‌خواست.

◀ به‌طور کلی اگر قصد داشته باشیم همراه as ... as از کلماتی مثل twice (دو برابر)، three times (سه برابر)، four times (چهار برابر) و ... استفاده کنیم، باید آن را قبل از as اول قرار دهیم.

۱۲۷ ۱ نتوانستم در رستوران صندلی بگیرم. آن از حالت عادی شلوغ‌تر بود.

◀ در این تست بین شلوغی رستوران در یک روز خاص و شلوغی آن در حالت عادی مقایسه‌ای صورت گرفته. بنابراین در این‌جا باید از صفت تفضیلی استفاده کنیم که شکل صحیح آن در گزینهٔ (۱) آمده است. دقت کنید که usual طرف دوم این مقایسه است و باید آن را بعد از than قرار دهیم.

۱۲۸ ۴ بسیاری از کوه‌نوردان، کی۲، کوهی بین پاکستان و چین را سخت‌ترین کوه برای صعود در نظر می‌گیرند، به کوه اورست.

◀ از مفهوم جمله متوجه می‌شویم که به‌نظر عدهٔ زیادی از کوه‌نوردان، کی۲ از نظر دشواری صعود، برترین کوه در جهان است و بنابراین برای اشاره به آن از صفت عالی استفاده می‌شود. شکل عالی صفت چند بخشی difficult در گزینهٔ (۴) آمده است.

۱۲۹ ۳ دانشمندان سیاره‌ای را کشف کرده‌اند که ۲۵۰۰ برابر وزن زمین، وزن دارد.

◀ با توجه به کاربرد 2,500 times (۲۵۰۰ برابر) قبل از جای خالی، می‌توان متوجه شدن که as ... as مدنظر طراح است البته دقت کنید که وزن زمین یک مفهوم غیرقابل شمارش است و برای اشاره به آن از much استفاده می‌شود، نه many.

۱۳۰ ۱ این کفش‌های جدید به اندازهٔ کفش‌های قدیمی‌ام راحت نیستند. کفش‌های قدیمی‌ام بسیار راحت‌تر از این کفش‌های جدید هستند.

◀ همان‌طور که در تست‌های قبلی نیز دیدید، twice (دو برابر)، three times (سه برابر) و ... قبل از as ... as به کار می‌روند و شدت اختلاف بین دو چیز را از نظر داشتن صفتی خاص نشان می‌دهند. در این تست به جای موارد ذکرشده، از not nearly (نه به اندازهٔ) استفاده شده است.

۱۳۱ ۴ تام در یک قایلمهٔ بزرگ چیزی را می‌پخت که واقعاً بوی خوبی داشت.

◀ با توجه به این‌که در این تست اصلاً مقایسه‌ای صورت نگرفته، کاربرد larger صحیح نیست و باید از large استفاده کنیم. علاوه بر این، smell در معنی به کار رفته در این تست (بوی ـ داشتن) یک فعل حسی است و بعد از آن از صفت (در این‌جا good) استفاده می‌شود، نه قید حالت (در این‌جا well).

۱۳۲ ۲ در این جاده تصادفات بیشتری وجود دارد، چون‌که باریک‌تر از بقیه است.

◀ با توجه به مقایسهٔ صورت‌گرفته بین یک جاده و بقیهٔ جاده‌ها از نظر باریک بودن، از صفت تفضیلی استفاده می‌کنیم که شکل صحیح آن در گزینهٔ (۲) آمده است. البته این جمله را با صفت عالی نیز می‌توان به صورت زیر بیان کرد:

There are more accidents on this road because it's the narrowest road.

در این جاده تصادفات بیشتری وجود دارد، چون‌که آن ... جاده است.

@khanehbook

متن کلوز (۱)

قلب بخشی از بدن شما است. قلب فقط کمی در سمت چپ مرکز قفسهٔ سینهٔ شما قرار دارد. قلب خون را در سرتاسر بدن شما به حرکت درمی‌آورد. اگر گوشتان را مقابل قفسهٔ سینهٔ کسی فشار دهید، می‌توانید تپیدن قلب را بشنوید. قلب بسیار مهم است. خوب است که برای سالم و قوی نگه داشتن آن، درست غذا بخورید و ورزش کنید. قلب همچنین نماد شناخته‌شده‌ای برای عشق است. آن بر روی نامه‌های عاشقانه و [پاکت‌های] ولنتاین به تصویر کشیده می‌شود.

۱۳۳ ۴) ۱) مایع ۲) قطره ۳) عنصر؛ عامل؛ بخش ۴) خون

۱۳۴ ۱) ۱) بر خلاف، (بر) علیه، مقابل ۲) آن‌سوی، فراسوی ۳) (در) طی، (در) طول ۴) داخل، درون

۱۳۵ ۴) ۱) دقیق؛ مراقب ۲) مناسب؛ شایسته ۳) خطرناک ۴) مهم، بااهمیت

۱۳۶ ۴) ۱) درست، صحیح ۲) تازه؛ [هوا] خنک، پاک؛ [آب] شیرین

۳) واضح، روشن؛ [آسمان] صاف ۴) سالم؛ تندرست

۱۳۷ ۲) ۱) جمع کردن، جمع‌آوری کردن؛ وصول کردن ۲) ورزش کردن

۳) دنبال کردن؛ پیروی کردن ۴) نجات دادن؛ پس‌انداز کردن

متن کلوز (۲)

ما برای زندگی کردن به اکسیژن نیاز داریم و اکسیژن را با تنفس هوا به دست می‌آوریم. وقتی‌که ما عمل دم را انجام می‌دهیم، هوا از طریق بینی یا دهان، به طرف پایین نای و به داخل ریه‌ها، دو عضو قوی در قفسهٔ سینه مکیده می‌شود. ریه‌ها تا حد امکان از هوا اکسیژن جذب می‌کنند. این اکسیژن در خون از ریه‌ها به هر بخشی از بدن می‌رود. بدن ما از اکسیژن برای آزاد کردن انرژی قندهای حاصل از غذایی [که] می‌خوریم استفاده می‌کند. این [فرایند] هم‌چنین دی‌اکسید کربن مضری را آزاد می‌کند که توسط ریه‌ها از بدن خارج می‌شود. تمام این فرایند تنفس نامیده می‌شود. ریه‌ها همراه با راه‌های هوایی، گلو و حفره‌های بینی، دستگاه تنفسی را تشکیل می‌دهند.

۱۳۸ ۳) ۱) سلول ۲) ماده؛ مطلب ۳) اندام، عضو ۴) [جمع] باکتری‌ها

۱۳۹ ۱) ◄ تا حد امکان :as much ... as possible

۱۴۰ ۴) ۱) افزودن؛ جمع بستن ۲) تقسیم کردن؛ بخش کردن ۳) شروع کردن؛ شروع شدن ۴) سفر کردن؛ رفتن

۱۴۱ ۱) ◄ بعد از food به یک جملهٔ کامل نیاز داریم که در مورد آن اطلاعات بیشتری ارائه کند. بنابراین گزینهٔ مورد نظر باید حتماً فاعل (در این‌جا we) و فعل (در این‌جا eat) را داشته باشد.

۱۴۲ ۱) ۱) بدن ۲) خون ۳) قلب ۴) سلول

متن کلوز (۳)

مریخ چهارمین سیاره از خورشید و بعد از کرهٔ زمین است. آن [سیاره] نسبت به زمین تقریباً یک و نیم برابر از خورشید دورتر است [و] بنابراین، به همان اندازه حرارت دریافت نمی‌کند. با این وجود، آن تنها سیاره‌ای است که شرایطی مشابه زمین دارد و برای مدت‌های مدیدی تصور می‌شد که نوعی از حیات را تأمین می‌کند. مریخ تقریباً به اندازهٔ نصف زمین است اما فقط یک دهم جرم زمین را دارد، به همین خاطر جاذبهٔ آن خیلی کم‌تر است. فاصلهٔ آن از خورشید متغیر است، همین‌طور فاصله‌اش تا زمین. وقتی مریخ در نزدیک‌ترین [فاصله] با زمین است، گفته می‌شود که «در مقابل [زمین]» است و این بهترین زمان مشاهدهٔ آن با تلسکوپ می‌باشد.

۱۴۳ ۴) ◄ با توجه به کاربرد one-and-a-half times (یک و نیم برابر) قبل از جای خالی، می‌توانیم متوجه شویم که متن می‌خواهد میزان تفاوت فاصلهٔ زمین و مریخ را تا خورشید بیان کند. بنابراین به ساختار as ... as نیاز داریم. به دلیل این‌که as دوم بعد از جای خالی قرار گرفته است، جمله با as far کامل می‌شود.

۱۴۴ ۱) ۱) دریافت کردن، گرفتن ۲) پوشاندن ۳) حمل کردن، بردن ۴) تمام کردن، به پایان رساندن

۱۴۵ ۴) ۱) حقیقت، واقعیت ۲) فکر، ایده؛ نظر ۳) حلقه، انگشتر ۴) زندگی، حیات

۱۴۶ ۲) ۱) مثل، مانند ۲) فقط، تنها ۳) هیچ؛ هر ۴) تعداد زیادی

۱۴۷ ۲) ◄ با توجه به مفهوم جمله می‌توانیم متوجه شویم که جمله به نزدیک‌ترین فاصلهٔ مریخ تا زمین اشاره دارد و بنابراین در جای خالی از شکل عالی صفت استفاده می‌کنیم.

@khanenbook

متن کلوز ۴

هر ثانیه میلیون‌ها سلول می‌میرند و میلیون‌ها [سلول] بیشتر جایگزین آن‌ها می‌شوند. یک سلول عادی حدود یک هزارم اینچ (۰/۰۲۵ میلی‌متر) قطر دارد، اما در بدن انواع بسیار متفاوتی از سلول‌ها وجود دارد که هر کدام برای کار خاصی سازگار شده‌اند. سلول‌های عصبی بلند و باریک هستند. سلول‌های عصبی، مثل سیم‌ها، سیگنال‌های الکتریکی عصبی را عبور می‌دهند (حمل می کنند). گلبول‌های قرمز خون به شکل دونات هستند و حاوی موادی شیمیایی هستند که اکسیژن را به دور تا دور بدن حمل می‌کنند. سلول‌های مخاطی بر روی سطوح بدن، همچون دیواره‌های دهان، پهن و صاف هستند و مانند سنگ‌های سنگ‌فرش به‌هم می‌خورند.

۱۴۸ ۴ ◄ با توجه به این‌که در این تست، ضمیر در جایگاه مفعول جمله به کار رفته، در جای خالی به ضمیر مفعولی نیاز داریم که شکل مناسب آن برای millions of cells (میلیون‌ها سلول)، them می‌باشد.

۱۴۹ ۲ ۱) متوسط؛ عادی، معمولی ۲) جالب ۳) واضح، روشن؛ [آسمان] صاف ۴) روزانه، روزمره

۱۵۰ ۱ ۱) نوع، گونه ۲) حقیقت، واقعیت ۳) قطره ۴) اشاره؛ سرنخ، نشانه؛ نکته

۱۵۱ ۴ ۱) بیرون ۲) بعد از ۳) قبل از، پیش از ۴) دور تا دور، اطراف

۱۵۲ ۴ ۱) گویی‌که ۲) برخلاف، برعکس؛ متفاوت با ۳) به جای ۴) مثل، مانند

متن کلوز ۵

شیئی که به دور یک سیاره می‌چرخد، همان‌طور که ماه به دور زمین می‌چرخد، قمر نام دارد. تمامی قمرها در مسیرهایی که مدار نام دارند به دور سیارهٔ مادر خود حرکت می‌کنند. قوهٔ جاذبهٔ سیاره، قمرهای آن را در مدار نگه می‌دارد. اگر سیاره دارای جو باشد و اگر قمر به اندازهٔ کافی نزدیک شود تا از آن جو عبور کند، سرعت قمر کم می‌شود و در نهایت به سطح سیاره سقوط می‌کند. ممکن است قمر در حال سقوط از جو، تحت تأثیر قوهٔ جاذبهٔ سیاره، به اندازهٔ کافی مورد اصطکاک قرار گیرد که موجب شود آن هم‌چون یک شهاب‌سنگ آتش بگیرد.

۱۵۳ ۴ ۱) جزء؛ [در جمع] جزئیات ۲) ستاره ۳) شگفتی، معجزه؛ حیرت ۴) سیاره

۱۵۴ ۱ ۱) نگه داشتن؛ ادامه دادن (به) ۲) [گل و غیره] چیدن؛ انتخاب کردن
۳) درست کردن؛ مجبور کردن ۴) نجات دادن؛ پس‌انداز کردن

۱۵۵ ۳ ۱) بردن؛ گرفتن ۲) افزودن، اضافه کردن ۳) حرکت کردن؛ حرکت دادن ۴) نگه داشتن؛ برگزار کردن
◄ عبور کردن از: move through

۱۵۶ ۴ ۱) پریدن ۲) ترک کردن؛ رها کردن ۳) رفتن ۴) افتادن؛ سقوط کردن

۱۵۷ ۴ ◄ با توجه به این که در این تست، ضمیر در جایگاه مفعول جمله به کار رفته، در جای خالی به ضمیر مفعولی نیاز داریم که شکل مناسب آن برای satellite (قمر)، it می‌باشد.

متن کلوز ۶

وقتی انسان‌های اولیه به آسمان خیره می‌شدند، همان چیزهایی را می‌دیدند که ما می‌بینیم؛ خورشید، ماه و ستارگان. گاهی‌اوقات، آن‌ها دنباله‌هایی از نور را می‌دیدند که از این طرف به آن طرف آسمان شلیک می‌شدند. حتی امروزه ما این‌ها را ستارهٔ دنباله‌دار می‌نامیم، اما می‌دانیم که آن‌ها اصلاً ستاره نیستند. ستاره‌های دنباله‌دار در واقع شهاب هستند؛ زبالهٔ فضایی که وارد جو زمین شده است. اصطکاک [با جو زمین] باعث می‌شود سنگ و فلز گرم شده و بدرخشند. در حالی که آن حرکت می‌کند، ما آن را به صورت دنباله‌ای از نور می‌بینیم. شهاب‌ها از کجا می‌آیند؟ شهاب‌ها به صورت شهاب‌سنگ [یعنی] قطعاتی از سنگ یا فلز که در فضا حرکت می‌کنند، آغاز می‌شوند (به وجود می‌آیند). آن‌ها تا وقتی که وارد جو ما شوند، قابل رؤیت نیستند. سپس آن‌ها تبدیل به شهاب می‌شوند و ما می‌توانیم دنباله‌هایشان را ببینیم.

۱۵۸ ۱ ۱) نامیدن؛ تلفن کردن؛ فریاد زدن ۲) نگاه کردن
۳) درست کردن؛ باعث ... شدن ۴) رسیدن؛ شدن

۱۵۹ ۳ ۱) در عوض، به جایش ۲) به تنهایی، تنها ۳) اصلاً، ابداً ۴) نیز، هم‌چنین

۱۶۰ ۳ ۱) عمیقاً؛ به شدت ۲) به سختی، به ندرت ۳) در واقع، در حقیقت ۴) به آسانی، به راحتی

۱۶۱ ۳ ۱) زمین ۲) ماه ۳) نور، روشنایی؛ چراغ ۴) خاک، گردوخاک

۱۶۲ ۲ ۱) رنگ ۲) سنگ، صخره ۳) ساده؛ مطلب ۴) عنصر؛ عامل؛ بخش

@khanehbook

متن کلوز (۷)

دویست‌وپنجاه سال قبل مردم به طور متوسط فقط ۳۵ سال زندگی می‌کردند. امروزه در بخش‌های صنعتی جهان، طول عمر متوسط، به بیش از ۷۰ سال افزایش یافته است. غذای بهتر و بهداشت کمک کرده‌اند، اما یکی از دلایل اصلی این تغییر، پیشرفت‌های صورت‌گرفته در پزشکی است. پزشکی شاخه‌ای از علم است که به پیش‌گیری، تشخیص (شناسایی) و درمان بیماری‌ها و آسیب‌ها به بدن انسان مربوط می‌شود. دانشمندان [حوزهٔ] پزشکی دائماً در حال جست‌وجو برای روش‌های جدید درمان بیماری‌ها هستند. درمان‌ها شامل داروها، پرتودرمانی و جراحی هستند. اقدامات پیش‌گیرانه همچون واکسیناسیون در برابر عفونت‌ها، در حال تبدیل شدن به بخش بیش از پیش مهمی از پزشکی مدرن هستند.

۱۶۳ ۱ ◄ با توجه به مفهوم جمله و این‌که نویسندهٔ متن در این‌جا قصد دارد به سن بیش از ۷۰ سال اشاره کند، گزینهٔ (۱) صحیح می‌باشد.

۱۶۴ ۴ ◄ food اسم است و صفت (در این تست good یا better) باید پیش از آن مورد استفاده قرار گیرد. دقت کنید که گزینهٔ (۳) از نظر معنایی نمی‌تواند در این‌جا صحیح باشد.

۱۶۵ ۴ ۱) علامت، نشانه؛ تابلو ۲) بیماری ۳) قطره ۴) تغییر، دگرگونی

۱۶۶ ۱ ۱) انسان، بشر ۲) کیفیت ۳) سلول ۴) اندام، عضو

۱۶۷ ۳ ۱) حقیقت، واقعیت ۲) مورد، نمونه ۳) روش؛ راه ۴) نوبت؛ چرخش، پیچ

متن ۱

وقتی در آسمان تاریک صاف به بالا نگاه می‌کنید، می‌توانید نقطه‌های کوچکی از نور به اسم ستاره را ببینید. در واقع، ستاره‌ها اصلاً کوچک نیستند. ممکن است بعضی از ستارگان ۵۰ میلیون مایل قطر داشته باشند! ستاره‌ها شبیه نقطه‌های نور به نظر می‌رسند فقط به این دلیل که از زمین بسیار دور هستند. خورشید ما یک ستاره است. آن از بقیهٔ ستاره‌های آسمان بزرگ‌تر به نظر می‌رسد چون‌که به ما نزدیک‌تر است. روشنایی یک ستاره به جرم و فاصله‌اش از زمین بستگی دارد. ستاره‌های بزرگ‌تر درخشان‌تر از ستاره‌های کوچک‌تر هستند. ستاره‌ها هم‌چنین وقتی نزدیک‌تر هستند، درخشان‌تر به نظر می‌رسند.

انسان‌ها ستاره‌ها را برای آسان‌تر کردن مطالعه [آن‌ها] به الگوهایی دسته‌بندی کرده‌اند. این الگوها، صورت فلکی نامیده می‌شوند. آن‌ها ممکن است بزرگ یا کوچک باشند. آن‌ها ممکن است ستارگان درخشان یا کم‌نوری داشته باشند. گاهی‌اوقات ممکن است در یک صورت فلکی، ستارگان درخشان به شکل انسان یا حیوانی باشند.

ستاره‌ها، بر خلاف سیارات، حرارت و نور خودشان را تولید می‌کنند. رنگ نور یک ستاره می‌تواند به ما بگوید آن چه‌مقدار حرارت دارد. ستارگان خنک‌تر، نوری مایل به قرمز را متصاعد می‌کنند. داغ‌ترین ستاره‌ها از نظر رنگ، آبی یا سفید آبی به نظر می‌رسند. ستارگان [همگی] به یک مدت از زمان عمر نمی‌کنند. آن‌ها در نهایت همگی خاموش خواهند شد.

۱۶۸ ۲ خورشید ما بزرگ‌تر از سایر ستارگان به نظر می‌رسد چون‌که ..... .

۱) از هر ستارهٔ دیگری در آسمان بزرگ‌تر است ۲) به زمین نزدیک‌تر است

۳) از سایر ستارگان درخشان‌تر به نظر می‌رسد ۴) جرم آن بیش از سایر ستارگان است

۱۶۹ ۴ کلمهٔ "constellation" (صورت فلکی) به چه معنی است؟

۱) بزرگ و در فضا ۲) ستاره‌های مختلفی که مردم از مریخ می‌بینند

۳) ستارگان با رنگ‌های مختلفی [که] ما می‌توانیم از زمین ببینیم ۴) الگویی از ستاره‌ها که با هم دسته‌بندی می‌شوند

۱۷۰ ۳ کلمهٔ "its" در پاراگراف اول به "star" اشاره دارد.

۱) خورشید ۲) آسمان

۳) ستاره ۴) روشنایی، درخشش

۱۷۱ ۱ اگر ستاره‌ای نور سفید آبی متصاعد کند، آن ..... است.

۱) در بین داغ‌ترین ستارگان ۲) در واقع در حال خاموش شدن

۳) ستاره‌ای بسیار سرد ۴) از زمین دور

۱۷۲ ۳ اگر در فضا سفری می‌کردید و به ستاره‌ای نزدیک‌تر و نزدیک‌تر می‌شدید، چه اتفاقی می‌افتاد؟

۱) می‌دیدید که آن کوچک‌تر می‌شود. ۲) شبیه رنگین‌کمان به نظر می‌رسید.

۳) درخشان‌تر می‌شد. ۴) رنگ آن به آبی تغییر می‌کرد.

@khanehbook

متن کلوز (۷)

دویست‌وپنجاه سال قبل مردم به طور متوسط فقط ۳۵ سال زندگی می‌کردند. امروزه در بخش‌های صنعتی جهان، طول عمر متوسط، به بیش از ۷۰ سال افزایش یافته است. غذای بهتر و بهداشت کمک کرده‌اند، اما یکی از دلایل اصلی این تغییر، پیشرفت‌های صورت‌گرفته در پزشکی است. پزشکی شاخه‌ای از علم است که به پیش‌گیری، تشخیص (شناسایی) و درمان بیماری‌ها و آسیب‌ها به بدن انسان مربوط می‌شود. دانشمندان [حوزهٔ] پزشکی دائماً در حال جست‌وجو برای روش‌های جدید درمان بیماری‌ها هستند. درمان‌ها شامل داروها، پرتودرمانی و جراحی هستند. اقدامات پیش‌گیرانه همچون واکسیناسیون در برابر عفونت‌ها، در حال تبدیل شدن به بخش بیش از پیش مهمی از پزشکی مدرن هستند.

۱۶۳ ۱ ◄ با توجه به مفهوم جمله و این‌که نویسندهٔ متن در این‌جا قصد دارد به سن بیش از ۷۰ سال اشاره کند، گزینهٔ (۱) صحیح می‌باشد.

۱۶۴ ۴ ◄ food اسم است و صفت (در این تست good یا better) باید پیش از آن مورد استفاده قرار گیرد. دقت کنید که گزینهٔ (۳) از نظر معنایی نمی‌تواند در این‌جا صحیح باشد.

۱۶۵ ۴ ۱) علامت، نشانه؛ تابلو ۲) بیماری ۳) قطره ۴) تغییر، دگرگونی

۱۶۶ ۱ ۱) انسان، بشر ۲) کیفیت ۳) سلول ۴) اندام، عضو

۱۶۷ ۳ ۱) حقیقت، واقعیت ۲) مورد، نمونه ۳) روش؛ راه ۴) نوبت؛ چرخش، پیچ

متن ۱

وقتی در آسمان تاریک صاف به بالا نگاه می‌کنید، می‌توانید نقطه‌های کوچکی از نور به اسم ستاره را ببینید. در واقع، ستاره‌ها اصلاً کوچک نیستند. ممکن است بعضی از ستارگان ۵۰ میلیون مایل قطر داشته باشند! ستاره‌ها شبیه نقطه‌های نور به نظر می‌رسند فقط به این دلیل که از زمین بسیار دور هستند. خورشید ما یک ستاره است. آن از بقیهٔ ستاره‌های آسمان بزرگ‌تر به نظر می‌رسد چون‌که به ما نزدیک‌تر است. روشنایی یک ستاره به جرم و فاصله‌اش از زمین بستگی دارد. ستاره‌های بزرگ‌تر درخشان‌تر از ستاره‌های کوچک‌تر هستند. ستاره‌ها هم‌چنین وقتی نزدیک‌تر هستند، درخشان‌تر به نظر می‌رسند.

انسان‌ها ستاره‌ها را برای آسان‌تر کردن مطالعه [آن‌ها] به الگوهایی دسته‌بندی کرده‌اند. این الگوها، صورت فلکی نامیده می‌شوند. آن‌ها ممکن است بزرگ یا کوچک باشند. آن‌ها ممکن است ستارگان درخشان یا کم‌نوری داشته باشند. گاهی‌اوقات ممکن است در یک صورت فلکی، ستارگان درخشان به شکل انسان یا حیوانی باشند.

ستاره‌ها، بر خلاف سیارات، حرارت و نور خودشان را تولید می‌کنند. رنگ نور یک ستاره می‌تواند به ما بگوید آن چه‌مقدار حرارت دارد. ستارگان خنک‌تر، نوری مایل به قرمز را متصاعد می‌کنند. داغ‌ترین ستاره‌ها از نظر رنگ، آبی یا سفید آبی به نظر می‌رسند. ستارگان [همگی] به یک مدت از زمان عمر نمی‌کنند. آن‌ها در نهایت همگی خاموش خواهند شد.

۱۶۸ ۲ خورشید ما بزرگ‌تر از سایر ستارگان به نظر می‌رسد چون‌که ..... .

۱) از هر ستارهٔ دیگری در آسمان بزرگ‌تر است ۲) به زمین نزدیک‌تر است

۳) از سایر ستارگان درخشان‌تر به نظر می‌رسد ۴) جرم آن بیش از سایر ستارگان است

۱۶۹ ۴ کلمهٔ "constellation" (صورت فلکی) به چه معنی است؟

۱) بزرگ و در فضا ۲) ستاره‌های مختلفی که مردم از مریخ می‌بینند

۳) ستارگان با رنگ‌های مختلفی [که] ما می‌توانیم از زمین ببینیم ۴) الگویی از ستاره‌ها که با هم دسته‌بندی می‌شوند

۱۷۰ ۳ کلمهٔ "its" در پاراگراف اول به "star" اشاره دارد.

۱) خورشید ۲) آسمان

۳) ستاره ۴) روشنایی، درخشش

۱۷۱ ۱ اگر ستاره‌ای نور سفید آبی متصاعد کند، آن ..... است.

۱) در بین داغ‌ترین ستارگان ۲) در واقع در حال خاموش شدن

۳) ستاره‌ای بسیار سرد ۴) از زمین دور

۱۷۲ ۳ اگر در فضا سفری می‌کردید و به ستاره‌ای نزدیک‌تر و نزدیک‌تر می‌شدید، چه اتفاقی می‌افتاد؟

۱) می‌دیدید که آن کوچک‌تر می‌شود. ۲) شبیه رنگین‌کمان به نظر می‌رسید.

۳) درخشان‌تر می‌شد. ۴) رنگ آن [illegible] می‌کرد.

@khanehbook

متن ۲

چاقی می‌تواند باعث مشکلات سلامتی جدّی شود. بسیاری از افراد از این مشکلات آگاه نیستند بنابراین تلاش نمی‌کنند از آن‌ها پیش‌گیری کنند. یکی از بدترین مشکلاتی که آن به‌وجود می‌آورد دیابت نوع ۲ است. مطالعه‌ای نشان داد که حدود ۸۰ درصد از افراد دارای دیابت نوع ۲، چاق هستند. افراد دارای دیابت، در بدنشان انسولین، که به جذب قند کمک می‌کند، ندارند. اگر بدن نتواند قند را جذب کند، چند اتفاق بد می‌تواند بیفتد. آن‌ها می‌توانند از تشنج (از دست دادن کنترل بدن) رنج ببرند یا در کُما فرو روند.

چاقی هم‌چنین می‌تواند باعث بیماری قلبی شود. این [موضوع] احتمال این‌که چنین افرادی از حملات قلبی رنج ببرند را بیشتر می‌کند، که وقتی بدن ذخیرهٔ خون خودش را از دست می‌دهد و نمی‌تواند پمپاژ را به درستی انجام دهد، اتفاق می‌افتد. علاوه بر این، چاقی در تنفس مشکلاتی را ایجاد می‌کند، به خصوص در هنگام خواب. افراد چاق در خطر بالای [ابتلا به] آرتروز و هم‌چنین انواع خاصی از سرطان هستند.

تمام این مشکلات و بقیه قابل پیش‌گیری هستند. البته کم کردن وزن خیلی سخت است. تغییر سبک زندگی سخت و اغلب دردناک است. حتی با این وجود، آثار چاقی بسیار بدتر است.

۱۷۳ ۳ یک مطالعه در مورد افراد دارای دیابت نوع ۲ چه‌چیزی را نشان داد؟

۱) ۸۰ درصد در خونشان انسولین داشتند.
۲) ۸۰ درصد در خونشان انسولین کافی نداشتند.
۳) ۸۰ درصد چاق بودند.
۴) ۸۰ درصد بیش از حد لاغر بودند.

۱۷۴ ۱ چه‌چیزی می‌تواند باعث تشنج شود؟

۱) جذب نکردن مناسب قند توسط بدن
۲) حملات قلبی
۳) انسولین
۴) انواع خاصی از سرطان

۱۷۵ ۴ وقتی قلب نمی‌تواند [خون را] به درستی پمپاژ کند چه اتفاقی می‌افتد؟

۱) چاقی ۲) انسولین ۳) سرطان ۴) حملات قلبی

۱۷۶ ۲ مشکلات همراه با چاقی چگونه قابل پیش‌گیری هستند؟

۱) با خوردن قند بیشتر ۲) با کم کردن وزن ۳) با مصرف انسولین بیشتر ۴) با مراجعهٔ منظم به دکتر

۱۷۷ ۲ کدام‌یک از کلمات زیر در متن تعریف شده است؟

۱) جذب کردن؛ جلب کردن ۲) تشنج ۳) کُما، اغماء ۴) آرتروز

متن ۳

مشتری بزرگ‌ترین سیاره در منظومهٔ شمسی ما است و از انواع بسیار متفاوتی از گازها تشکیل شده است. آن به قدری بزرگ است که ۱۳۰۰ (کرهٔ) زمین می‌تواند داخل مشتری جا شود! و آن ۶۳ قمر دارد. بعضی از قمرهای آن مثل سیارات کوچک، و بقیه تکه‌هایی از سنگ و یخ منجمد هستند. مطالعهٔ قمرهای مشتری به دانشمندان کمک کرده است در مورد منظومهٔ شمسی بیشتر بدانند. اما قمری که دانشمندان به آن بیشتر علاقه‌مند هستند اروپا است.

شرایط اروپا، آن را به‌جز زمین، به محتمل‌ترین محل برای داشتن حیات در منظومهٔ شمسی ما تبدیل می‌کند. آن با لایه‌ای از یخ پوشیده شده است و بعضی از دانشمندان بر این باورند [که] اقیانوسی مایع در زیر سطح یخی قرار دارد. اگر این درست باشد، ممکن است اروپا در این اقیانوس‌ها، اشکال ساده‌ای از حیات را داشته باشد. احتمالاً موجودات زندهٔ اروپا آن‌قدر کوچک خواهند بود که بدون میکروسکوپ قابل دیدن نیستند. اما فکر هر موجود زنده‌ای بر روی اروپا بسیار هیجان‌انگیز است.

ما در حال حاضر نمی‌توانیم اروپا را کاوش کنیم، چون‌که بیش از حد سرد است و آن‌قدر دور است که نمی‌توان انسان‌ها را به آن‌جا فرستاد. فضاپیماها و ربات‌هایی [که] ما داریم به اندازهٔ کافی مستحکم نیستند تا بر روی سطح [آن] فرود بیایند. اما دانشمندان برنامه‌های بزرگی دارند. آن‌ها امیدوارند در آینده یک ربات را برای آب کردن بخشی از یخ روی سطح اروپا و ربات دیگری را برای شنا کردن در میان اقیانوس‌های آن بفرستند. اطلاعاتی که این ربات‌ها جمع‌آوری می‌کنند می‌تواند آن چیزی را که ما دربارهٔ حیات ماورای زمین فکر می‌کنیم، تغییر دهد.

۱۷۸ ۲ متن عمدتاً دربارهٔ چیست؟

۱) قمرهای بسیار زیاد مشتری
۲) حیات بر روی اروپا
۳) جست‌وجوی دانشمندان برای حیات جدید
۴) مشکل کاوش فضا

۱۷۹ ۳ اروپا به بهترین شکل به عنوان ..... توصیف می‌شود.

۱) گرم و سرشار از حیات
۲) سرد و کسل‌کنن
۳) پوشیده از یخ
۴) خنک و خشک

@khaneh_book

۱۸۰ ۳ کلمهٔ "sturdy" (محکم، مستحکم) در پاراگراف سوم نزدیک‌ترین معنی را به "strong" دارد.

۱) طبیعی؛ ذاتی ۲) مفید، سودمند ۳) قوی؛ مقاوم، مستحکم ۴) مختلف؛ متفاوت

۱۸۱ ۱ ایدهٔ اصلی پاراگراف آخر چیست؟

۱) کاوش اروپا خیلی دشوار است.
۲) انسان‌ها بهتر از ربات‌ها هستند.
۳) دانشمندان می‌خواهند حیات جدید را کشف کنند.
۴) حیات فقط توسط دستگاه‌ها قابل کشف است.

۱۸۲ ۳ کدام‌یک از این‌ها توضیح می‌دهند [که] چرا دانشمندان فکر می‌کنند ممکن است حیات بر روی اروپا وجود داشته باشد؟

۱) موجودات زندهٔ [اروپا] آن‌قدر کوچک خواهند بود که بدون میکروسکوپ دیده نخواهند شد.
۲) اروپا یکی از ۶۳ قمر مشتری است.
۳) اروپا لایه‌ای از یخ دارد که ممکن است زیر آن مایع داشته باشد.
۴) مشتری بزرگ‌ترین سیارهٔ منظومهٔ شمسی است.

متن ۴

ماه تنها قمر طبیعی زمین است. به همان ترتیبی که زمین دور خورشید حرکت می‌کند، ماه نیز به نوبهٔ خود دور زمین می‌چرخد. ماه در حالی‌که به دور زمین می‌چرخد، در محور خودش هم می‌پیچد. زمانی که طول می‌کشد تا یک دَوران کامل بشود، برابر با زمان یک چرخش [یعنی] حدود ۲۹/۵ روز است. بنابراین همواره سمت ثابتی از ماه رو به زمین است. عکس‌های گرفته‌شده توسط کاوشگران فضایی، نشان داده‌اند که سمت دیگر [ماه] شبیه سمت آشنای نزدیک [به زمین] است.

ماه از خودش اصلاً نور ساطع نمی‌کند و تنها به این دلیل می‌درخشد که نور خورشید را باز می‌تاباند. از آن‌جایی که ماه در هر سفر خود به دور زمین، تنها یک بار دور محور خود می‌پیچد، هر بخشی از سطح آن ابتدا حدود دو هفته تاریکی و سپس حدود دو هفته [از] نور خورشید را دارد. وقتی ماه بین زمین و خورشید قرار می‌گیرد، غیرقابل رؤیت است، چون طرفی که رو به زمین چرخیده است، در تاریکی می‌باشد و نور خورشید به طرف دیگر می‌افتد. این زمانِ «ماه نو» است. چند روز بعد، با پیش رفتن ماه در امتداد مدارش و آغاز روشن شدن سمتی که به طرف زمین چرخیده است توسط خورشید، هلال ماه باریکی در [قسمت] پایین غرب آسمان دیده می‌شود. گاه‌گاهی، ممکن است در طول این فاز هلال، تمام قرص [ماه] که توسط زمین‌تاب (نوری که از زمین بازتابانده می‌شود) روشن شده است، به طور مبهم دیده شود.

۱۸۳ ۴ متن عمدتاً در چه موردی بحث می‌کند؟

۱) اکتشافات جدید دربارهٔ ماه ۲) بخش‌های مختلف ماه ۳) منبع حرکات ماه ۴) حقایقی دربارهٔ قمر زمین

۱۸۴ ۳ کلمهٔ "that" در سطر ۳ به "time" اشاره دارد.

۱) چرخش ۲) دَوران ۳) زمان، مدت ۴) محور

۱۸۵ ۴ طبق پاراگراف ۱، تمام موارد زیر صحیح هستند جز این‌که ..... .

۱) عکس گرفتن از طرف دیگر ماه ممکن است
۲) همواره یک طرف ماه از [دید] ما پنهان است
۳) دو طرف ماه شبیه [هم] هستند
۴) نویسنده در مورد زمانی صحبت می‌کند که طول می‌کشد تا زمین به دور خورشید حرکت کند

۱۸۶ ۲ سفری که در پاراگراف ۲ (سطر ۶) به آن اشاره شده است ..... .

۱) نیمی از مدت در تاریکی و نیمی از مدت در روشنایی اتفاق می‌افتد
۲) حدود چهار هفته طول می‌کشد تا کامل شود
۳) همان سفری است که توسط فضانوردان انجام می‌شود
۴) [همان] چرخش ماه حول محور خودش هر چهار هفته یک‌بار است

۱۸۷ ۱ طبق پاراگراف ۲، وقتی ماه برای افراد روی زمین غیرقابل رؤیت می‌شود ..... .

۱) طرف دیگر آن رو به خورشید است ۲) زمین در تاریکی قرار می‌گیرد
۳) ساطع کردن نور را متوقف می‌کند ۴) زمان «ماه نو» تمام می‌شود

۱۸۸ ۳ کدام‌یک از کلمات زیر در متن تعریف شده است؟

۱) کاوشگران ۲) قمر، ماه ۳) زمین‌تاب ۴) قرص [ماه]

@khanehbook

متن ۵

بیشتر افراد می‌دانند که به اندازهٔ کافی نخوابیدن سالم نیست. اما آیا ممکن است که بیش از حد بخوابید؟ به نظر می‌رسد که بیشتر پزشکان و دانشمندان این گونه فکر می‌کنند. در واقع، خیلی زیاد خوابیدن، می‌تواند حتی بیشتر از داشتن خواب عادی شبانه، باعث احساس خستگی افراد شود.

پزشکان توصیه می‌کنند که افراد هر شب بین هفت تا نه ساعت بخوابند. با وجود این، اگر فردی بعد از هشت یا نه ساعت خواب هنوز احساس خستگی می‌کند، خواب بیشتر راه‌حل [مشکل او] نیست.

در واقع، هر شب بیش از نه ساعت خوابیدن، می‌تواند نشانهٔ مشکل سلامتی باشد. وقتی افراد به مدت خیلی طولانی می‌خوابند، ممکن است به اندازهٔ کافی نور آفتاب یا ورزش نداشته باشند و ممکن است بدن‌هایشان به آن‌ها بگوید که به استراحت بیشتری نیاز دارند. این می‌تواند بدن‌های افراد را ضعیف‌تر کند و ممکن است آن‌ها به سرماخوردگی‌ها مبتلا شوند یا حتی سایر بیماری‌های خطرناک‌تر را راحت‌تر بگیرند.

تعدادی از مطالعات علمی نشان داده‌اند که افرادی که هر شب بیش از نه ساعت می‌خوابند، ۵۰٪ بیشتر احتمال دارد که دیابت بگیرند و بیش از ۲۰٪ بیشتر احتمال دارد که چاق باشند. خواب بیش از حد هم‌چنین با داشتن سردردهای بیشتر، کمردرد، افسردگی و حتی بیماری قلبی ارتباط داده شده است.

۱۸۹ ۲ طبق متن، میزان خواب منطقی هر شب چه‌قدر است؟

۱) ۷ -۶ ساعت ۲) ۹ - ۷ ساعت ۳) ۱۰ - ۹ ساعت ۴) بیش از ۱۰ ساعت

۱۹۰ ۲ طبق متن، کدام جمله در مورد هر شب بیشتر از نه ساعت خوابیدن درست است؟

۱) بدن شما قوی‌تر خواهد شد. ۲) ممکن است راحت‌تر سرما بخورید.

۳) بدن شما می‌تواند بهتر با بیماری‌ها مبارزه کند. ۴) بدن شما ممکن است راحت‌تر به خواب فرو رود.

۱۹۱ ۳ بعضی از مطالعات نشان می‌دهند که افرادی که بیش از حد زیاد می‌خوابند ..... بیشتر احتمال دارد دیابت بگیرند.

۱) کم‌تر از ۲۰٪ ۲) ۲۰٪ ۳) ۵۰٪ ۴) بیش از ۵۰٪

۱۹۲ ۴ کدام‌یک از این‌ها تعدادی از مشکلاتی هستند که با خواب بیش از حد زیاد ارتباط داده شده‌اند؟

۱) دیابت و دل‌دردها ۲) سردردها و استرس ۳) درد کمر و پا ۴) افسردگی و بیماری‌های قلبی

۱۹۳ ۳ متن عمدتاً در چه موردی است؟

۱) چه‌طور سریع به خواب برویم ۲) چه‌طور خواب طولانی داشته باشیم

۳) بیش از حد زیاد خوابیدن ۴) بیش از حد کم خوابیدن

متن ۶

به دست آوردن برق از اشعه‌های خورشید [در اصل] استفاده از برق هسته‌ای تولیدشده بدون هزینه در آزمایشگاهی به فاصلهٔ ۹۳ میلیون مایل است. چون‌که انرژی درخشان خورشید، توسط تغییرات هسته‌ای عناصر شیمیایی تأمین می‌شود که درون خورشید در دمای چند میلیون درجه‌ای و با فشارهای چند میلیون اتمسفری رخ می‌دهند. منابع انرژی خورشیدی، بسیار زیاد است. اگر ۱۰۰ درصد بازدهی در تبدیل انرژی تابشی خورشیدی به کار مکانیکی را می‌شد به دست آورد، در زیر آسمان صاف، در هر یارد مربع از زمین، یک اسب بخار در دسترس می‌بود. هزینهٔ فراهم کردن انرژی خورشیدی هنوز مانع از رقابت آن با منابع انرژی معمولی است. با وجود این، اگر قول نامشخص [تأمین] انرژی گرماهسته‌ای ایمن از اقیانوس‌ها تحقق پیدا نکند، انرژی خورشیدی باید نیازهای فراوان و روز افزون کودکان [ما] را طرف دو قرن [آینده] فراهم نماید. چون که منابع زمینی (زغال‌سنگ، نفت و اورانیوم) ممکن است به زودی تمام شوند، آن‌ها پر هزینه‌تر از انرژی خورشیدی خواهند شد.

۱۹۴ ۳ طبق متن، برای تولید انرژی خورشیدی به چه‌چیزی نیاز داریم؟

۱) منابع انرژی گرماهسته‌ای ۲) منبع شیمیایی دائمی

۳) چیزی مانند آزمایشگاهی به فاصلهٔ میلیون‌ها مایل ۴) آسمان صاف در دماهای بسیار بالا

۱۹۵ ۴ نویسنده خاطر نشان می‌کند که انرژی خورشیدی در مقیاس وسیع استفاده نمی‌شود ..... .

۱) اگرچه پاک و ایمن است ۲) چون‌که هزینهٔ کنترل کردن آن بسیار زیاد است

۳) چون که می‌تواند برای محیط‌زیست خطراتی را ایجاد کند ۴) چون‌که گران و نسبت به منابع دیگر انرژی کم‌تر مقرون‌به‌صرفه است

۱۹۶ ۲ کدام‌یک از موارد زیر بهترین عنوان برای این متن است؟

۱) انرژی خورشیدی، منبع انرژی غیرممکن ۲) انرژی خورشیدی؛ واقعیت‌ها و حقایق

۳) هزینه‌های استفاده از انرژی خورشیدی ۴) منابع مختلف ا...

@khanehbook

۱۹۷ ۱ طبق متن، یک جایگزین برای انرژی خورشیدی می‌تواند ..... باشد.

۱) انرژی گرماهسته‌ای اقیانوس ۲) انرژی فسیل‌ها ۳) انرژی تابشی ۴) انرژی هسته‌ای

متن ۷

یک راهی که ما می‌توانیم مقدار آفت‌کش‌هایی را که بچه‌هایمان در معرض آن‌ها قرار می‌گیرند کاهش دهیم، تغذیهٔ آن‌ها با محصولات ارگانیک است. این روزها، بیشتر میوه‌ها و سبزیجات، آفت‌کش‌هایی دارند که در حال رشد بر روی آن‌ها پاشیده شده‌اند. محصولات ارگانیک بدون هر [نوع] آفت‌کش شیمیایی پرورش داده می‌شوند.

اخیراً دانشگاه واشنگتن تحقیقی را انجام داد تا بچه‌هایی را که محصولات عادی می‌خورند و بچه‌هایی را که محصولات ارگانیک می‌خورند، [با هم] مقایسه کند. آن‌ها چهل خانواده را برای سه روز تحت نظر داشتند. هر خانواده از غذایی که بچه‌هایشان می‌خوردند، یادداشتی نوشت. پزشکان مواد شیمیایی مختلفی را که در بدن بچه‌ها یافت شد، بررسی کردند. آن‌ها پی بردند که کودکانی که یک رژیم غذایی ارگانیک می‌خوردند، در بدن‌هایشان شش تا نه برابر مقدار آفت‌کش سمی کم‌تری داشتند.

غذاهای ارگانیک بدون آفت‌کش‌ها، کودهای شیمیایی، هورمون‌های رشد یا دیگر مواد مهندسی‌شدهٔ ژنتیکی پرورش داده می‌شوند. این‌گونه غذاها گران‌تر از محصولات معمولی هستند چون که میزان کم‌تری از محصول کشاورزی برداشت می‌شود. وقتی کشاورزان از آفت‌کش‌ها استفاده نمی‌کنند، حشرات بخشی از محصولات را نابود می‌کنند. هم‌چنین کشاورزان، برای مراقبت از محصولاتشان به صورت دستی، به جای استفاده از مواد شیمیایی، زمان بیشتری را صرف می‌کنند.

۱۹۸ ۳ چرا غذاهای ارگانیک برای کودکان انتخاب‌های خوبی هستند؟

۱) آن‌ها در دانشگاه واشنگتن مورد بررسی قرار می‌گیرند.
۲) آن‌ها حاوی آفت‌کش‌های زیادی هستند.
۳) آن‌ها با مقدار زیادی آفت‌کش سم‌پاشی نمی‌شوند.
۴) آن‌ها از آفت‌کش‌ها درست می‌شوند.

۱۹۹ ۱ کلمهٔ "analyzed" (بررسی کردن؛ تحلیل کردن) در پاراگراف ۲ نزدیک‌ترین معنی را به "studied" دارد.

۱) تحقیق کردن، بررسی کردن
۲) حاضر شدن در، حضور یافتن در
۳) وصل کردن؛ متصل شدن
۴) نصب کردن، کار گذاشتن

۲۰۰ ۲ بچه‌هایی که رژیم غذایی معمولی می‌خوردند از چه جهت با آن‌هایی که رژیم غذایی ارگانیک می‌خوردند متفاوت بودند؟

۱) آن‌ها سم می‌خوردند.
۲) آن‌ها در بدن‌هایشان ۶ تا ۹ برابر آفت‌کش‌های بیشتری داشتند.
۳) آن‌ها بیشتر غذا می‌خوردند.
۴) آن‌ها در بدن‌هایشان ۶ تا ۹ برابر سم کم‌تری داشتند.

۲۰۱ ۲ کشاورزی ارگانیک از چه جهت با کشاورزی معمولی متفاوت است؟

۱) هیچ تغییر به خصوصی [وجود ندارد]
۲) هیچ آفت‌کشی [مصرف نمی‌شود] و کار بیشتری به صورت دستی [انجام می‌شود]
۳) هیچ کار بیشتری به صورت دستی انجام نمی‌شود
۴) هیچ آفت‌کشی [استفاده نمی‌شود] و کار بسیار کم‌تری [انجام می‌شود]

متن ۸

اگر واقعاً گرمتان شود، بدنتان عرق می‌کند تا خنک شود. اگر بیش از حد سردتان باشد، بدنتان می‌لرزد تا گرم شود. اگر میکروب‌ها وارد بدنتان شوند، تب می‌کنید. ممکن است تعریق، لرزیدن و تب داشتن چیزهای بدی به نظر برسند، اما آن‌ها همگی واکنش‌های سالمی هستند. آن‌ها نشان می‌دهند که بدنتان درست کار می‌کند. و تمام آن واکنش‌ها در بخش کوچکی از مغزتان آغاز می‌شود.

هیپوتالاموس تنها به اندازهٔ بادام است، اما کار بسیار مهمی را انجام می‌دهد. یکی از کارهای آن کنترل کردن دمای بدن شما است. بدن شما معمولاً در دمای ثابتی باقی می‌ماند. اما آن دما گاهی اوقات می‌تواند تغییر کند. برای مثال، در جریان یک بازی سریع فوتبال، دمای بدن شما افزایش می‌یابد. هیپوتالاموس سریعاً به غدد تعریق شما سیگنالی را می‌فرستد. آن می‌گوید: «مشغول کار شوید!» وقتی که غدد تعریق، عرق تولید می‌کنند، بدنتان شروع به خنک شدن می‌کند. آن به زودی به دمای طبیعی بازمی‌گردد.

هیپوتالاموس هم‌چنین وقتی شما بیمار هستید، کار می‌کند. وقتی میکروب‌های خطرناک به بدن شما حمله می‌کنند، آن گلبول‌های سفید خون را تولید می‌کند. این‌ها به هیپوتالاموس سیگنال می‌دهند تا دمای بدنتان را افزایش دهد. الان شما تب دارید. ممکن است پوستتان سرخ به نظر برسد و در [هنگام] لمس کردن احساس داغ بودن داشته باشد. بدنتان آب از دست می‌دهد. افزایش دمای بدن شما به کشتن میکروب‌ها کمک می‌کند. تب هم‌چنین روش بدن شما است تا به شما بگوید که بیمار هستید تا بتوانید از خودتان مراقبت کنید. هیپوتالاموس شما بسیار سخت‌کوش [۲۰۰]

@khanehbook

۲۰۲ ۳ دلیل اصلی [این‌که] نویسنده این متن را نوشت چیست؟

۱) تا به مردم بگوید بیمار نشوند
۲) تا توضیح دهد چرا انسان‌ها عرق می‌کنند
۳) تا توضیح دهد هیپوتالاموس چه‌کار می‌کند
۴) تا در مورد هیپوتالاموس دیدگاه‌هایی را به اشتراک بگذارد

۲۰۳ ۲ کلمهٔ "its" در پاراگراف دوم به "hypothalamus" اشاره دارد.

۱) مغز ۲) هیپوتالاموس ۳) اندازه، سایز ۴) بادام

۲۰۴ ۲ احتمالاً وقتی سبب تب از بین برود، چه اتفاقی می‌افتد؟

۱) بدن می‌لرزد تا گرم شود.
۲) بدن به دمای عادی بازمی‌گردد.
۳) دمای بدن افزایش می‌یابد.
۴) غدد تعریق بسیار سخت‌تر کار می‌کنند.

۲۰۵ ۴ بر مبنای متن، احتمالاً دکتر به شخص دارای تب چه توصیه‌ای خواهد کرد؟

۱) بسیار سخت‌تر بازی کنید.
۲) بدنتان را گرم نگه دارید.
۳) گلبول‌های سفید خون کم‌تری تولید کنید.
۴) آب زیادی بنوشید.

۲۰۶ ۴ نویسنده از پاراگراف آخر استفاده می‌کند تا ..... .

۱) توضیح دهد بدنتان چه‌طور خنک می‌شود
۲) هیپوتالاموس را توصیف کند
۳) بگوید وقتی تب دارید چه‌کار کنید
۴) بگوید چرا مردم تب می‌کنند

متن ۹

در سال ۱۹۵۴، دولت‌های آمریکا و شوروی اعلام کردند که در طول سال ژئوفیزیکی بین‌المللی ۵۸ - ۱۹۵۷، قمرهای مصنوعی (ماهواره‌ها) را [به فضا] پرتاب خواهند کرد. روس‌ها ابتدا در ۴ اکتبر سال ۱۹۵۷ در مورد ماهوارهٔ بدون سرنشین اسپوتنیک ۱ اشتباه کردند. (اسپوتنیک [کلمهٔ] روسی معادل «هم‌سفر» می‌باشد.) کپسول آن که ۸۳/۶ کیلوگرم وزن داشت، در حالی‌که یک فرستندهٔ رادیویی را حمل می‌کرد که «علایم صوتی» (بیپ‌های) آن بر روی زمین دریافت می‌شدند، وارد مدار زمین شد.

اسپوتنیک ۱ در نوامبر سال ۱۹۵۷ اسپوتنیک ۲ بسیار بزرگ‌تر را به دنبال داشت که نیم تن وزن داشت. آن یک سگ [به نام] لایکا را حمل می‌کرد که اولین موجود زنده‌ای شد که به دور زمین چرخید. اولین ماهوارهٔ آمریکایی [یعنی] کاوشگر ۱، تنها ۱۴ کیلوگرم وزن داشت. آن در ژانویهٔ سال ۱۹۵۸ پرتاب شد.

سفینهٔ بدون سرنشین روسی، لونا ۱، که در سال ۱۹۵۹ [به فضا] پرتاب شد، در فاصلهٔ حدود ۶۰۰۰ کیلومتری از کنار ماه پرواز کرد. در همان سال، روس‌ها با لونا ۲ در حقیقت به [خود] ماه رسیدند و لونا ۳ به دور ماه پرواز کرد و اولین عکس‌ها را از سمت دیگر [ماه] بازفرستاد.

۲۰۷ ۱ طبق متن، اسپوتنیک ۱ ..... .

۱) ماهواره‌ای بود که هیچ‌کس درون آن نبود
۲) ۸۳/۶ کیلوگرم وزن داشت
۳) روی زمین یک فرستندهٔ رادیویی حمل می‌کرد
۴) کپسولی بود که وارد مدار زمین شد

۲۰۸ ۳ کلمهٔ "artificial" (مصنوعی) در پاراگراف اول، نزدیک‌ترین معنی را به "unnatural" دارد.

۱) خاص، ویژه ۲) اقتصادی، مقرون‌به‌صرفه ۳) غیرطبیعی ۴) غیرعادی، غیرمعمول

۲۰۹ ۲ کدام جمله در مورد اسپوتنیک ۱ درست نیست؟

۱) اسپوتنیک ۱ در ابتدا توسط روس‌ها [به فضا] پرتاب شد.
۲) اسپوتنیک ۱ خیلی بزرگ‌تر از اسپوتنیک ۲ بود.
۳) کپسول اسپوتنیک ۱ در حالی‌که یک فرستندهٔ رادیویی را حمل می‌کرد، وارد مدار زمین شد.
۴) اسپوتنیک ۱، اسپوتنیک دیگری را به دنبال داشت که یک سگ را حمل می‌کرد.

۲۱۰ ۲ متن اشاره می‌کند که روس‌ها با ..... به ماه رسیدند.

۱) لونا ۱ ۲) لونا ۲ ۳) لونا ۳ ۴) سه سفینهٔ بدون سرنشین

۲۱۱ ۴ بهترین عنوان برای این متن ..... خواهد بود.

۱) ژئوفیزیک بین‌المللی ۲) اسپوتنیک‌های ۳) انواع ماهواره‌ها ۴) نخستین گام‌ها در فضا

@khaneh_book

متن ۱۰

فضانوردان افرادی هستند که در فضا سفر می‌کنند. کلمهٔ "astronaut" (فضانورد) به معنی «مسافر ستارگان» می‌باشد. روس‌ها این گونه افراد را "cosmonauts" (کیهان‌نورد) می‌نامند. کیهان‌نورد روس، یوری گاگارین اولین شخصی بود که به فضا سفر کرد. [و] در ۱۲ آوریل سال ۱۹۶۱ در چرخشی که ۹۰ دقیقه طول کشید، یک بار دور زمین سفر کرد. اولین فضانورد آمریکایی که دور زمین چرخید، جان گلن بود که در فوریهٔ سال ۱۹۶۲ سفری سه چرخشی را انجام داد.

مأموریت‌های فضایی اولیه خطرناک بودند، چون‌که در آن زمان هیچ‌کس نمی‌دانست [که] انسان فشارهای پرواز فضایی را چگونه تحمل خواهد کرد. امروزه، پرواز فضایی سرنشین‌دار تقریباً عادی شده است. فضانوردان مرتباً به فضا سفر می‌کنند و قادر هستند بدون تحمل صدمات پایدار، هربار ماه‌ها در آن‌جا بمانند. اما خطرات هنوز هم وجود دارند. در طول سال‌ها، چندین فضانورد روس و آمریکایی جان خود را از دست داده‌اند. یکی از بدترین فجایع، در سال ۱۹۸۶ بود، هنگامی‌که هفت فضانورد آمریکایی در حالی‌که فضاپیمایشان [به نام] چلنجر مدت کوتاهی پس از پرتاب منفجر شد، جان خود را از دست دادند.

فضاپیماهای سرنشین‌دار اولیه، مانند مرکوری، جمینا و آپولو در ایالات متحده و وستوک در روسیه، کوچک بودند و فضای خدمه‌ای محدودی داشتند. همچنین، از آن‌ها تنها می‌شد یک‌بار استفاده کرد. روس‌ها برای بردن کیهان‌نوردان خود به مدار و از آن‌جا [به زمین] از سفینهٔ «یک‌بار مصرف» کوچکی به نام سایوز استفاده می‌کنند. با این حال، کیهان‌نوردان در مدار [و] در ایستگاه فضایی شناخته‌شده با عنوان سالیوت، فضای بزرگ‌تری را می‌یابند. در حال حاضر، فضانوردان آمریکایی در شاتل‌های فضایی به فضا سفر می‌کنند. آن‌ها در مدار بیمای مثلثی‌شکلی که خیلی شبیه هواپیمای مسافربری است، سفر می‌کنند.

۲۱۲ ۱ متن عمدتاً به ..... می‌پردازد.

۱) تاریخچهٔ مختصری از سفر فضایی
۲) خطرات موجود در سفرهای فضایی
۳) مقایسه‌ای بین فضاپیماهای اولیه و فضاپیماهای امروزی
۴) رقابت بین روسیه و ایالات متحده در سفر فضایی

۲۱۳ ۱ اولین پرواز فضایی سرنشین‌دار ..... .

۱) در یک بهار در قرن بیستم انجام شد
۲) از زمین [به فضا] و [از فضا] به زمین حدود ۹۰ دقیقه طول کشید
۳) از آن‌جایی که شامل سفری یک چرخشی بود، مأموریتی ناموفق بود
۴) توسط همان شخصی انجام شد که سفر دوم را در سال ۱۹۶۲ انجام داد

۲۱۴ ۱ طبق متن [این گفته] درست است که ..... .

۱) حتی امروزه مأموریت‌های فضایی بی‌خطر نیستند
۲) فضانوردان و کیهان‌نوردان مظهر دو شغل متفاوت هستند
۳) اگرچه امروزه فضانوردان گاهی اوقات آسیب می‌بینند، آن‌ها هرگز جان خود را از دست نمی‌دهند
۴) سفر فضایی در سال‌های اخیر به اندازهٔ گذشته خطرناک است

۲۱۵ ۴ تمامی موارد زیر اسامی تعدادی فضاپیما هستند، به‌جز ..... .

۱) سایوز
۲) مرکوری
۳) آپولو
۴) سالیوت

۲۱۶ ۳ می‌توان از متن متوجه شد که ناکامی سفینهٔ فضایی چلنجر به دلیل ..... به عنوان بدترین فاجعهٔ فضایی مورد اشاره قرار گرفته است.

۱) هزینهٔ ساخت فضاپیما
۲) انفجار آن زودتر از [زمان] پیش‌بینی شده
۳) تعداد افرادی که جانشان را از دست دادند
۴) مأموریت فضایی بسیار مهم آن

۲۱۷ ۳ آن تمرین سختی بود اما تمرین ستاره‌دار سخت‌ترین تمرین برگهٔ تمرین بود.

◄ با توجه به مفهوم جمله می‌توانیم متوجه شویم که گویندهٔ جمله قصد دارد یک تمرین را به عنوان سخت‌ترین تمرین یک برگهٔ تمرین مورد اشاره قرار دهد. بنابراین در این‌جا به صفت عالی نیاز داریم که شکل صحیح آن برای صفت چندبخشی difficult در گزینهٔ (۳) آمده است.

۲۱۸ ۳ شهر ساحلی بارسلون فعالیت‌های هیجان‌انگیز زیادی را به افراد جوان ارائه می‌کند.

◄ activities و people هر دو اسم هستند و exciting و young صفت‌هایی هستند که برای توصیف آن‌ها به کار می‌روند. با توجه به این‌که در انگلیسی صفت قبل از اسم به کار می‌رود، نه پس از آن، گزینهٔ (۳) صحیح می‌باشد.

۲۱۹ ۲ رابرت هرگز سروقت نیست. او همیشه دیرتر از بقیهٔ ما می‌رسد.

◄ با توجه به کاربرد the rest of us (بقیهٔ ما)، می‌توانیم متوجه شویم که گوینده قصد دارد مقایسه‌ای را انجام دهد. بنابراین در جای خالی به صفت تفضیلی نیاز داریم که شکل مناسب آن در ۲ دیده است.

@khaneh_book

۲۲۰ ۲ ما توانستیم از آن فروشگاه یک بلوز نخی کره‌ای آبی زیبا بخریم.

◀ با توجه به ترتیب صحیح قرار گرفتن صفات قبل از اسم، گزینهٔ (۲) صحیح می‌باشد:

اسم + صفت جنس + صفت ملیت + صفت رنگ + صفت سن + صفت اندازه + صفت کیفیت / عقیده + تعریف‌کننده

blouse	cotton	Korean	blue	nice	a
اسم	صفت جنس	صفت ملیت	صفت رنگ	صفت کیفیت / عقیده	تعریف‌کننده

۲۲۱ ۴ در بعضی از کشورها، تنها گذاشتن بچه‌های کم‌تر از سن خاصی در خانه برخلاف قانون است.

۱) بیرون، خارج از ۲) بالای، بر فراز

۳) زیر ۴) برخلاف، مخالف، مقابل

۲۲۲ ۱ یک بدن سالم قادر خواهد بود بدون استفاده از دارو با این بیماری مبارزه کند.

۱) سالم؛ تندرست ۲) زنده، در قید حیات

۳) ایمن، در امان؛ امن ۴) دردناک؛ ناراحت‌کننده

۲۲۳ ۲ وقتی مهمانان به دیدن شما می‌آیند، مؤدبانه است که با کلمات محبت‌آمیز به آن‌ها خوشامد بگویید و با آن‌چه [که] دارید از آن‌ها پذیرایی کنید.

۱) واضح، روشن؛ [آسمان] صاف ۲) مؤدب، باتربیت؛ مؤدبانه

۳) تازه؛ [هوا] خنک، پاک؛ [آب] شیرین ۴) مفید، سودمند

۲۲۴ ۳ هدفم یاد گرفتن انگلیسی به اندازهٔ کافی است تا وقتی سفر می‌کنم، مجبور نباشم با خودم دیکشنری ببرم.

۱) به حساب آوردن، در نظر گرفتن ۲) تقسیم کردن، قسمت کردن ۳) حمل کردن، بردن ۴) چرخیدن؛ چرخاندن

۲۲۵ ۲ او به ساعت مچی‌اش اشاره کرد به عنوان نشانه‌ای که داشت دیر می‌شد و او می‌خواست برود.

۱) حقیقت، واقعیت ۲) علامت، نشانه؛ تابلو ۳) جزء؛ [در جمع] جزئیات ۴) نوع، گونه

۲۲۶ ۱ کلکسیون کتاب‌ها و مجلات من در مقایسه با کلکسیون کتابخانه هیچ‌چیزی نیست.

۱) کلکسیون، مجموعه ۲) برنامه؛ برنامهٔ زمان‌بندی‌شده ۳) استراتژی ۴) طبیعت؛ ذات

۲۲۷ ۳ کیم به بعضی از جوک‌های مری خندید، اما فکر می‌کرد بعضی از آن‌ها خیلی خنده‌دار نبودند.

۱) پاک کردن، تمیز کردن ۲) گوش دادن ۳) خندیدن ۴) شنیدن

۲۲۸ ۳ مجبور نیستید آن‌قدر بلند حرف بزنید. می‌توانم صدایتان را خیلی واضح بشنوم.

۱) به سختی؛ به ندرت ۲) عمیقاً؛ به شدت ۳) واضح، به وضوح ۴) در واقع، در حقیقت

متن کلوز

اگر در شب تاریک صاف به آسمان نگاه کنید، ممکن است که تا حدود ۳۰۰۰ تا از میلیاردها ستارهٔ کهکشان ما را ببینید. اگرچه آن‌ها همچون نقاط بسیار کوچکی به‌نظر می‌رسند، آن‌ها همچون نزدیک‌ترین ستاره‌مان [یعنی] خورشید، گوی‌های داغ غول‌پیکری از گاز در اعماق فضا هستند. بعضی از ستارگان بسیار بزرگ هستند؛ اگر آن‌ها در مرکز منظومهٔ شمسی ما قرار بگیرند، به فراتر از مدار زمین کشیده خواهند شد. بقیه بسیار کوچک‌تر هستند، [یعنی] حدود اندازهٔ سیارهٔ ما و تنها نور ضعیفی را ساطع می‌کنند. ستارگان به نحو غیرقابل تصوری دور هستند. نورِ حتی نزدیک‌ترین ستاره به ما (به جز خورشید) بیش از چهار سال طول می‌کشد تا به ما برسد.

۲۲۹ ۳ ◀ با توجه به این‌که خورشید به ما از هر ستارهٔ دیگری در عالم هستی نزدیک‌تر است، در جای خالی از شکل عالی صفت استفاده می‌کنیم.

۲۳۰ ۴ ۱) مقایسه کردن؛ سنجیدن ۲) توصیف کردن، شرح دادن ۳) به دور ... چرخیدن ۴) قرار دادن، گذاشتن

۲۳۱ ۱ ۱) مدار ۲) اقیانوس ۳) جنگل ۴) دشت

۲۳۲ ۳ ۱) آفرینش، خلق ۲) عنصر، عامل؛ بخش ۳) سیاره ۴) اندام، عضو

۲۳۳ ۲ ۱) علامت، نشانه؛ تابلو ۲) نور، روشنایی؛ چ ۳) جزء؛ [در جمع] ... ۴) حلقه، انگشتر

@khaneh_book

متن ۱

ایستگاه فضایی بین‌المللی به دلیل گرانش بسیار پایین، یا میکروگرانش آن، با آزمایشگاه‌های روی زمین متفاوت است. آزمایشات خاصی در میکروگرانش قابل انجام هستند که هرگز بر روی زمین به درستی قابل انجام نبودند.

برای مثال، در میکروگرانش می‌توان کریستال‌های پروتئینی را کشت کرد که بسیار خالص‌تر از آن‌هایی هستند که قابل کشت بر روی زمین هستند. این پروتئین‌ها می‌توانند به دانشمندان کمک کنند پروتئین‌ها، آنزیم‌ها و ویروس‌ها را بهتر درک کنند. این پژوهش می‌تواند منجر به ایجاد داروهای جدیدی شود که می‌توانند عفونت‌های ویروسی همچون HIV و هم‌چنین سایر بیماری‌ها را درمان کنند.

کشت بافت‌ها از بخش‌های مختلف بدن انسان برای آزمایش کردن درمان‌های پزشکی جدید مفید است. میکروگرانش رشد کشت بافت‌های قوی‌تر و طبیعی‌تر از [کشت بافت‌های] روی زمین را امکان‌پذیر می‌کند. این‌ها می‌توانند از کشت بافت‌های واقع بر روی زمین به‌طور کامل‌تری آزمایش شوند. نتیجه می‌تواند درمان‌های جدید برای سرطان، دیابت و بیماری‌های خطرناک دیگر باشد.

انواع بسیار دیگری از تحقیقات وجود دارد که فقط می‌توانند بر روی ایستگاه فضایی بین‌المللی انجام شوند. تمام این تحقیقات این پتانسیل را دارند که زندگی روی زمین را بهبود ببخشند.

۲۳۴ ۴ چه‌چیزی دربارهٔ میکروگرانش صحیح است؟

۱) آن بیش از گرانش روی زمین وزن دارد.
۲) آن قابل شبیه‌سازی در یک شبیه‌ساز است.
۳) آن سفر فضایی را دشوار می‌کند.
۴) آن تحقیقات منحصربه‌فرد را ممکن می‌کند.

۲۳۵ ۱ پژوهش ایستگاه فضایی بین‌المللی بر روی کریستال‌های پروتئین، می‌تواند به چه‌چیزی منتهی شود؟

۱) تولید داروهای جدید
۲) درک بهتری از گرانش
۳) رشد کشت بافت‌های قوی‌تر
۴) همکاری بهتر در آینده

۲۳۶ ۳ چه‌چیزی در مورد کشت بافت‌ها صحیح نیست؟

۱) آن‌ها در درمان بیماری‌های خطرناک کمک می‌کنند.
۲) آن‌ها از بدن انسان گرفته می‌شوند.
۳) آن‌ها را به بهترین شکل می‌توان روی زمین آزمایش کرد.
۴) آن‌ها بر روی ایستگاه فضایی بین‌المللی طبیعی‌تر واکنش نشان خواهند داد.

۲۳۷ ۲ چرا باید آزمایشات بر روی ایستگاه فضایی بین‌المللی انجام شود؟

۱) تا از کریستال‌های پروتئین محافظت شود
۲) تا حیات روی زمین بهبود یابد
۳) تا از بیماران انسان استفاده شود
۴) تا کاوش‌های فضایی توسعه یابد

متن ۲

مشتتان را گره کنید. آن را روی قفسهٔ سینه‌تان کمی در چپ مرکز [قفسهٔ سینه‌تان] قرار دهید. قلب شما در حدود اندازهٔ مشتتان است و حدود دو سوم پایین در سمت چپ قفسهٔ سینه‌تان قرار دارد. آن در یک مرد بالغ سالم، حدود ۷۰ بار در دقیقه منبسط و منقبض می‌شود. هر انبساط و انقباض، یک ضربان قلب است. قلب یک زن بالغ معمولی هر دقیقه حدود ۷۸ بار می‌تپد. آن برای یک دانش‌آموز کلاس ششم حدود ۸۵ تا ۹۰ بار در دقیقه و در [بدن] یک نوزاد، ۱۳۰ بار در دقیقه می‌تپد.

قلب از طریق ۱۶۰۰۰ مایل از شریان‌ها، وریدها و مویرگ‌ها در سیستم گردش خون، خون را در اطراف بدن پمپاژ می‌کند. خون به ریه‌ها پمپاژ می‌شود تا اکسیژن را به بخش‌های دیگر بدن حمل کند و از بخش‌های دیگر بدن به قلب برمی‌گردد تا اکسیژن بیشتری دریافت کند. قلب شما هر روز به طور متوسط ۱۵۰۰ گالن خون پمپاژ می‌کند. قلب شما در طول حیاتتان بیش از سیزده میلیون بشکهٔ نفتی از خون را پمپاژ خواهد کرد.

شما می‌توانید با گرفتن نبض خودتان، ضربان قلبتان را تعیین کنید. ضربان (نبض) را روی مچ دست یا گردنتان با انگشت اشاره و انگشت وسط خودتان پیدا کنید. ضربان‌ها را دقیقاً برای یک دقیقه بشمارید. سه بار امتحان کنید تا مطمئن شوید دقیق هستید. پنج دقیقه بدوید یا ورزش کنید و دوباره ضربان (نبض) خودتان را چک کنید. آن باید خیلی سریع‌تر باشد. از قلبتان مراقبت کنید و آن به شما یک عمر خدمات خواهد داد.

۲۳۸ ۴ مقیاس ضربان قلب شما در یک دقیقه چیست؟

۱) ریه‌ها، شش‌ها
۲) انبساط
۳) انقباض
۴) نبض

@khanen_book

۲۳۹ ۱ طبق متن، ضربان قلب احتمالی یک مرد بالغ چه‌قدر است؟

۱) ۷۰ بار در دقیقه ۲) ۱۳۰ بار در دقیقه ۳) ۷۸ بار در دقیقه ۴) ۸۵ تا ۹۰ بار در دقیقه

۲۴۰ ۱ بر مبنای این‌که قلب چگونه اکسیژن را به بدن پمپاژ می‌کند، می‌توانید چه‌چیزی را دربارهٔ خطرات استنشاق هوای آلوده برداشت کنید؟

۱) هوای آلوده و سیگار کشیدن سطوح اکسیژن را کاهش می‌دهند و اکسیژن کم‌تری به بدن پمپاژ خواهد شد.

۲) اهمیتی ندارد چه چیزی را استنشاق می‌کنید، مشروط بر این‌که هنوز جوان باشید.

۳) بدن شما آلودگی را به بیرون تصفیه می‌کند، بنابراین اهمیتی ندارد.

۴) تا وقتی چهل ساله شوید، تحت تأثیر دود قرار نمی‌گیرید.

۲۴۱ ۲ در مورد پیوند بین ضربان قلب و سن افراد سالم می‌توانید چه‌چیزی را برداشت کنید؟

۱) ضربان قلب در افراد بالغ بیشتر از کودکان است.

۲) ضربان قلب بین طفولیت و بزرگسالی (با افزایش سن) کم‌تر می‌شود.

۳) در بیشتر افراد، سن بر روی ضربان قلب تأثیر نمی‌گذارد.

۴) افراد سالم در دوران بزرگسالی ضربان قلب بالاتری دارند.

@khaneh_book

LESSON 3

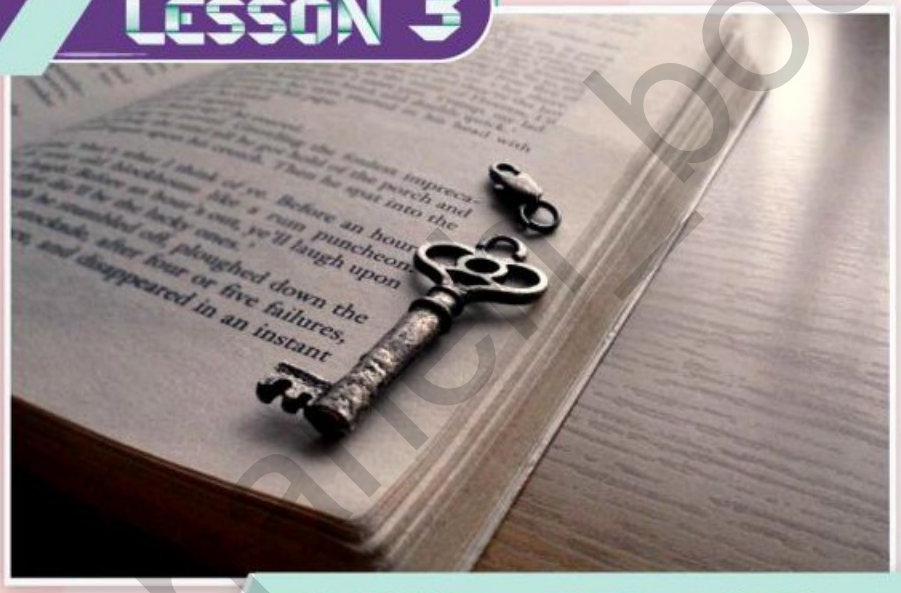

The Value of Knowledge

@khanich_book

New Words & Expressions

Session 1

action /'æk.ʃən/ *n.* اقدام؛ کار؛ فعالیت

The government must take action now to solve the problem.

دولت برای حل مشکل، باید الان اقدام کند.

ashamed /ə'ʃeɪmd/ *adj.* شرمنده، خجالت‌زده

I felt so ashamed of myself for making such a mistake.

به خاطر انجام چنین اشتباهی، از خودم خیلی احساس شرمندگی می‌کردم.

attend /ə'tend/ *v.* [کلاس و غیره] حاضر شدن (در)؛ شرکت کردن (در)

The meeting is on the fifth of June, and we're hoping everyone will attend.

جلسه در پنجم ژوئن است و امیدواریم همه شرکت کنند.

behave /bɪ'heɪv/ *v.* رفتار کردن

They always behave well when their aunts come to visit.

آن‌ها همیشه وقتی عمه‌هایشان برای دیدن [ما] می‌آیند، خوب رفتار می‌کنند.

build /bɪld/ *v.* ساختن، بنا کردن

They're building a new bridge across the river.

آن‌ها از روی رودخانه پل جدیدی می‌سازند.

create /kri'eɪt/ *v.* ۱- خلق کردن، به وجود آوردن؛ درست کردن ۲- ایجاد کردن

He created a wonderful meal from very few ingredients.

او از موادی بسیار کم، غذایی فوق‌العاده درست کرد.

develop /dɪ'vel.əp/ *v.* ۱- پرورش دادن ۲- توسعه دادن، گسترش دادن ۳- [ناحیه] آباد کردن ۴- پرورش یافتن ۵- [ناحیه] آباد شدن

I'm looking for a job which will help me to develop my skills.

دنبال کاری می‌گردم که به من کمک کند تا مهارت‌هایم را گسترش دهم.

device /dɪ'vaɪs/ *n.* ابزار، وسیله

You should not use any personal electronic device, such as a cell phone, while driving.

شما نباید در حال رانندگی هیچ وسیلهٔ الکترونیکی شخصی مثل تلفن همراه را استفاده کنید.

emotion /ɪ'moo.ʃən/ *n.* حس؛ احساس

It was very difficult for her to control her emotions.

برای او کنترل کردن احساساتش خیلی سخت بود.

experiment /ɪk'sper.ə.mənt/ *n. v.* ۱- آزمایش ۲- تجربه ۳- آزمایش کردن

Many people do not like the idea of experiments on animals.

بسیاری از افراد ایدهٔ آزمایشات بر روی حیوانات را دوست ندارند.

finally /'faɪ.nəl.i/ *adv.* در نهایت، سرانجام، بالاخره

After months of looking, she finally found a job.

او بعد از ماه‌ها جست‌وجو، در نهایت [شغلی] پیدا کرد.

@khanenbook

fortunately /ˈfɔːr.tʃən.ət.li/ *adv.* خوشبختانه

Fortunately, we got home before it started to rain.

خوشبختانه، قبل از شروع بارش باران به خانه رسیدیم.

gain /geɪn/ *v. n.* ۱- به دست آوردن، کسب کردن ۲- اضافه کردن، افزودن بر ۳- سود، منفعت

Ali doesn't gain weight even though he eats a lot.

علی اگرچه خیلی غذا می‌خورد، وزن اضافه نمی‌کند.

give up /gɪv ʌp/ *v.* ۱- ناامید شدن از ۲- [کار، عادت و غیره] ترک کردن، دست کشیدن از

Don't offer him a cigarette, he's trying to give it up.

به او سیگار تعارف نکنید، او تلاش می‌کند آن را ترک کند.

interview /ˈɪn.tər.vjuː/ *n. v.* ۱- مصاحبه ۲- مصاحبه کردن با

He was interviewed for the job, but couldn't get it.

او برای آن کار مصاحبه شد، اما نتوانست آن را بگیرد.

invent /ɪnˈvent/ *v.* اختراع کردن؛ ابداع کردن

Alexander Graham Bell invented the telephone.

الکساندر گراهام‌بل تلفن را اختراع کرد.

inventor /ɪnˈven.tər/ *n.* مخترع

Thomas Edison was the inventor of the electric light bulb.

توماس ادیسون مخترع لامپ برقی بود.

knowledge /ˈnɑː.lɪdʒ/ *n.* دانش، معلومات؛ شناخت

You need technical knowledge to understand how this system works.

شما برای درک کردن [این‌که] این سیستم چه‌طور کار می‌کند، باید معلومات فنی داشته باشید.

observe /əbˈzɜːrv/ *v.* مشاهده کردن، دیدن، نگاه کردن (به)

We observed this plant closely for a few weeks.

ما این گیاه را چند هفته از نزدیک مشاهده کردیم.

possible /ˈpɑː.sə.bəl/ *adj.* ممکن، امکان‌پذیر

I can't get the project done by Friday – it's just not possible.

من نمی‌توانم این پروژه را تا جمعه انجام دهم؛ آن صرفاً امکان‌پذیر نیست.

publish /ˈpʌb.lɪʃ/ *v.* منتشر کردن، چاپ کردن

Professor White published his first book last year.

پروفسور وایت اولین کتابش را پارسال منتشر کرد.

quickly /ˈkwɪk.li/ *adv.* به سرعت، تند، زود

We'll have to walk quickly to get there on time.

ما باید تند راه برویم تا سر وقت به آن‌جا برسیم.

quit /kwɪt/ *v.* ۱- ترک کردن ۲- رها کردن، دست از ... کشیدن

I quit working to be at home with the kids.

از کار دست کشیدم تا در خانه [illegible] ها باشم.

@khanehbook

rapidly /ˈræp.ɪdli/ *adv.* به سرعت، سریعاً، با شتاب

Airplanes enable people to travel great distances rapidly.

هواپیماها مردم را قادر می‌کنند تا مسافت‌های طولانی را به سرعت سفر کنند.

research /ˈriː.sɜːrtʃ/ *n. v.* ۱- تحقیق، پژوهش ۲- تحقیق کردن دربارهٔ

He played a very important part in our scientific research.

او در پژوهش علمی ما نقش خیلی مهمی ایفا کرد.

researcher /rɪˈsɜːrtʃər/ *n.* محقق، پژوهشگر

Researchers found links between stress and heart disease.

محققان بین استرس و بیماری قلبی ارتباطی یافتند.

science /ˈsaɪ.əns/ *n.* ۱- علم ۲- علوم

There are some important questions that science cannot answer.

تعدادی سؤال مهم وجود دارد که علم نمی‌تواند پاسخ دهد.

scientist /ˈsaɪən.tɪst/ *n.* دانشمند

I hope that scientists will soon discover a cure for AIDS.

امیدوارم که دانشمندان به زودی درمانی برای ایدز کشف کنند.

seek /siːk/ *v.* ۱- جست‌وجو کردن ۲- به دنبال ... بودن ۳- تلاش کردن، درصدد بودن

The government is seeking ways to reduce the cost of health care.

دولت به دنبال روش‌هایی برای کاهش هزینه‌های درمانی است.

skill /skɪl/ *n.* مهارت، چیره‌دستی

My job doesn't allow me to fully use my skills.

شغلم به من اجازه نمی‌دهد تا از مهارت‌هایم به طور کامل استفاده کنم.

solve /sɑːlv/ *v.* حل کردن

Just calm down – shouting won't solve anything!

فقط آرام باشید؛ داد زدن هیچ‌چیز را حل نخواهد کرد!

special /ˈspeʃ.əl/ *adj.* خاص، ویژه، مخصوص

I have a feeling something very special is going to happen.

احساسی دارم که اتفاق بسیار ویژه‌ای خواهد افتاد.

success /səkˈses/ *n.* موفقیت، پیروزی

Your success depends upon whether you work hard or not.

موفقیت شما به این بستگی دارد که آیا سخت کار کنید یا نه.

successful /səkˈses.fəl/ *adj.* ۱- موفق ۲- موفقیت‌آمیز

He was a successful businessman before becoming a writer.

او قبل از این‌که نویسنده شود، تاجر موفقی بود.

suddenly /ˈsʌd.ən.li/ *adv.* به طور ناگهانی، یک‌هو

"Do you remember much about the accident?" "No, it all happened so suddenly."

«در مورد تصادف چیز زیادی یادت ... ؟» «نه، همه‌چیز خیلی ناگهانی اتفاق افتاد.»

@khanen_book

translate /træns'leɪt/ *v.* ترجمه کردن

She works for a foreign company, translating from Persian into English.

او برای شرکتی خارجی کار می‌کند [و] از فارسی به انگلیسی ترجمه می‌کند.

translation /træns'leɪ.ʃən/ *n.* ترجمه

The translation of the novel was so poor that I stopped reading the book.

ترجمهٔ رمان آن‌قدر ضعیف بود که دست از خواندن کتاب برداشتم.

translator /træns'leɪ.tər/ *n.* مترجم

She works as a translator of technical texts.

او به عنوان مترجم متون فنی کار می‌کند.

unfortunately /ʌn'fɔ:r.tʃən.ət.li/ *adv.* ۱- متأسفانه ۲- با کمال تأسف

We tried to get tickets, but unfortunately they were already sold out.

ما تلاش کردیم بلیت بخریم، اما متأسفانه آن‌ها قبلاً تمام شده بودند.

value /'væl.ju:/ *n. v.* ۱- ارزش؛ اهمیت ۲- قیمت، بها ۳- ارزش قائل شدن برای ۴- قیمت‌گذاری کردن

It is not until you lose your health that you realize its value.

تا وقتی‌که سلامتی‌تان را از دست دهید ارزش آن را متوجه نمی‌شوید.

Session 2

at the moment /æt ðiː 'moʊ.mənt/ در حال حاضر، الان

We're a bit busy at the moment. Can you hang on a minute?

الان کمی مشغول هستیم؛ می‌توانید یک دقیقه منتظر باشید؟

background /'bæk.graʊnd/ *n.* ۱- پس زمینه، زمینه ۲- [شخص] تجربیات، سوابق

With so much noise in the background, I couldn't hear what she was saying.

من با آن همه سر و صدا در پس‌زمینه نمی‌توانستم بشنوم چه‌چیزی می‌گفت.

belief /bɪ'liːf/ *n.* ۱- ایمان، اعتقاد ۲- باور، عقیده

We need to learn to accept people who have different beliefs from ours.

باید یاد بگیریم تا افرادی را که باورهای متفاوتی از ما دارند بپذیریم.

Believe me! /bɪ'liːv miː/ باور کن!

Believe me, I was scared!

باور کن، ترسیده بودم!

description /dɪ'skrɪp.ʃən/ *n.* توصیف، تعریف، شرح

He gave us a clear description of the situation in the city.

او توصیف واضحی از وضعیت در شهر ارائه کرد.

emphasis /'em.fə.sɪs/ *(pl. emphases) n.* تأکید، تکیه؛ اصرار

The emphasis is very much on learning the spoken language.

تأکید تا حد زیادی بر روی یاد[illegible]ان شفاهی است.

@khanen_book

emphatic /em'fæt.ɪk/ *adj.* ۱- قاطعانه، مؤکد ۲- [شخص] مُصر ۳- [کرامر] تأکیدی

He was emphatic that he could not work with me.

او مُصر بود که نمی‌تواند با من کار کند.

energetic /ˌen.ər'dʒet.ɪk/ *adj.* پر جنب‌وجوش، سرشار از نیرو؛ [روز] پر از فعالیت

If you're feeling energetic, we could go out for a run.

اگر احساس می‌کنید سرشار از نیرو هستید، می‌توانیم برای دویدن برویم.

express /ɪk'spres/ *v.* بیان کردن، گفتن؛ اظهار کردن

He didn't express an opinion on the matter.

او در آن مورد نظری را بیان نکرد.

full /fol/ *adj.* پر، سرشار

The class is full, but you can register for next term.

کلاس پر است اما می‌توانید برای ترم بعدی ثبت‌نام کنید.

grow up /groʊ ʌp/ *v.* [شخص] بزرگ شدن

She wants to be a doctor when she grows up.

او می‌خواهد وقتی بزرگ شد پزشک شود.

hearing /'hɪr.ɪŋ/ *n.* شنوایی

He was born with normal hearing, but became deaf at the age of 11.

او با شنوایی طبیعی به دنیا آمد، اما در سن ۱۱ سالگی ناشنوا شد.

jump /dʒʌmp/ *v. n.* ۱- پریدن ۲- پرش

Tom injured himself when he jumped out of the window.

تام وقتی از پنجره به بیرون پرید، خودش را مجروح کرد.

key /kiː/ *n. adj.* ۱- کلید ۲- کلیدی، اصلی، مهم

She played a key role in the dispute.

او در نزاع نقشی کلیدی ایفا می‌کرد.

medicine /'med.ɪ.sən/ *n.* ۱- پزشکی، طب ۲- دارو، دوا

She studied medicine at Johns Hopkins University.

او در دانشگاه جانز هاپکینز، پزشکی خواند.

memory /'mem.ər.i/ *n.* ۱- حافظه ۲- خاطره

He suffered loss of memory for weeks after the accident.

او هفته‌ها بعد از تصادف، [به دلیل] از دست دادن حافظه رنج می‌برد.

modern /'mɑː.dərn/ *adj.* مدرن، امروزی، جدید

Modern technology has made our lives more comfortable.

فناوری مدرن زندگی‌های ما را راحت‌تر کرده است.

moment /'moo.mənt/ *n.* لحظه، دقیقه

The moment I saw him, I knew he was angry with me.

لحظه‌ای که او را دیدم، می‌دانستم [که] از دستم عصبانی است.

@khaneh_book

narrate /nə'reɪt/ v. [داستان و غیره] نقل کردن، بازگو کردن، روایت کردن

The main character narrates the story.

شخصیت اصلی، داستان را بازگو می‌کند.

pass away /pæs ə'weɪ/ v. فوت کردن، در گذشتن، دار فانی را وداع گفتن

She's terribly upset because her father passed away last week.

او به شدت ناراحت است چون پدرش هفتهٔ قبل فوت کرد.

patient /'peɪʃənt/ n. adj. ۱- بیمار، مریض ۲- صبور، شکیبا

Can you please wait outside while the doctor examines the patient?

آیا ممکن است در حالی‌که دکتر بیمار را معاینه می‌کند، بیرون منتظر باشید؟

peace /pi:s/ n. صلح، آرامش

After years of war, the people are waiting for a lasting peace.

مردم بعد از سال‌ها جنگ منتظر صلحی پایدار هستند.

personality /ˌpɜ:rsə'næl.ə.ti/ n. شخصیت

Personality is formed at a very early age.

شخصیت در سن بسیار پایینی شکل می‌گیرد.

power /'paʊ.ər/ n. v. ۱- قدرت، توان ۲- نیرو ۳- برق ۴- نیروی کار ... را تأمین کردن

The doctor did everything in her power to save him.

دکتر هر کاری در توانش را انجام داد تا او را نجات دهد.

put aside /pʊt ə'saɪd/ v. ۱- کنار گذاشتن ۲- نگه داشتن برای ۳- پس‌انداز کردن

He tries to put some time aside every evening to read to the kids.

او تلاش می‌کند هر روز عصر مقداری زمان کنار بگذارد تا برای بچه‌ها [داستان] بخواند.

rather than /'ræð.ər ðæn/ تا، تا این‌که، به جای (این‌که)

I think I'll have a cold drink rather than coffee.

فکر کنم به جای قهوه، نوشیدنی سرد بنوشم.

recite /rɪ'saɪt/ v. ۱- (قطعه‌ای را) از حفظ خواندن ۲- درس جواب دادن

He was nervous about reciting in front of the class.

او از درس جواب دادن جلوی کلاس مضطرب بود.

relate to /rɪ'leɪt tə/ v. ربط داشتن با، مربوط بودن به

He suffers with memory loss related to his disease.

او به دلیل از دست دادن حافظهٔ مربوط به بیماری‌اش رنج می‌برد.

remember /rɪ'mem.bər/ v. ۱- به یاد داشتن، به خاطر داشتن ۲- به یاد آوردن

She suddenly remembered that her keys were in her other bag.

او به طور ناگهانی به یاد آورد که کلیدهایش در کیف دیگرش بودند.

sadly /'sæd.li/ adv. ۱- متأسفانه ۲- به طور تأسف‌آوری ۳- با اندوه

پیرزن با اندوه گفت: «او برای ... رفته است.»

@khanebook

sense /sens/ *n. v.* ۱- حس ۲- احساس ۳- احساس کردن (که)

My cold was so bad I lost my sense of taste.

سرماخوردگی‌ام آن‌قدر بد بود [که] حس چشایی‌ام را از دست دادم.

situation /ˌsɪtʃ.uˈeɪ.ʃən/ *n.* وضع، موقعیت، شرایط

They are doing what they can to improve the situation.

آن‌ها آن‌چه را که می‌توانند انجام می‌دهند تا شرایط را بهبود ببخشند.

state /steɪt/ *n. v.* ۱- وضع، وضعیت؛ حالت ۲- کشور ۳- ایالت ۴- بیان کردن، ابراز کردن

Exercise can make a big difference to your state of health.

ورزش می‌تواند در وضعیت سلامتی شما تفاوت بزرگی ایجاد کند.

stress /stres/ *n. v.* ۱- استرس، فشار روحی ۲- [آواشناسی] تکیه ۳- تأکید کردن بر

Luis is under a lot of stress right now.

لوئیس در حال حاضر تحت فشار روحی زیادی است.

strongly /ˈstrɑːŋ.li/ *adv.* ۱- به شدت ۲- شدید

They strongly believe their children should make choices for themselves.

آن‌ها به شدت اعتقاد دارند بچه‌هایشان باید برای خودشان تصمیم بگیرند.

thought /θɑːt/ *n.* فکر، اندیشه؛ تفکر

Ask me again tomorrow. I'll have to give it some thought.

فردا دوباره از من سؤال کن. باید درباره‌اش کمی فکر کنم.

thousands of /ˈθaʊ.zəndz ɑːv/ هزاران

The damage will cost thousands of dollars to repair.

تعمیر خسارت هزاران دلار خرج خواهد داشت.

try /traɪ/ *v.* ۱- سعی کردن، تلاش کردن ۲- امتحان کردن

I forgot my door-keys – we'd better try the window.

کلیدهای در خودم را فراموش کردم؛ بهتر است پنجره را امتحان کنیم.

type /taɪp/ *n. v.* ۱- نوع ۲- گونه، تیپ ۳- تایپ کردن

It was dark so I didn't notice what type of car it was.

تاریک بود بنابراین متوجه نشدم چه‌نوع اتومبیلی بود.

weak /wiːk/ *adj.* ضعیف

He's still feeling a bit weak after his operation.

او بعد از جراحی‌اش، هنوز کمی احساس ضعف می‌کند.

Session 3

airplane /ˈer.pleɪn/ *n.* هواپیما

We sometimes see airplanes flying over our farm.

ما گاهی هواپیماها را می‌بینیم که از بالای مزرعهٔ ما پرواز می‌کنند.

@khaneh_book

antibiotic /ˌæn.ti.baɪ'ɑ:.tɪk/ *n.* آنتی‌بیوتیک، پادزیست

The drugs company is trying to develop a new type of antibiotic.

شرکت دارویی تلاش می‌کند نوع جدیدی از آنتی‌بیوتیک را توسعه دهد (درست کند).

at all /ˌət 'ɑ:l/ اصلاً، ابداً

I'm afraid I have nothing at all to say.

متأسفم ابداً هیچ چیزی برای گفتن ندارم.

camera /'kæm.rə/ *n.* دوربین عکاسی؛ دوربین فیلم‌برداری

I forgot to take my camera with me to Italy, so I couldn't take any photos.

فراموش کردم دوربین عکاسی خودم را با خودم به ایتالیا ببرم، پس اصلاً نتوانستم عکس بگیرم.

cell phone /'sel foon/ *n.* تلفن همراه

You can reach me by email or cell phone.

شما می‌توانید با ایمیل یا تلفن همراه با من تماس بگیرید.

chocolate /'tʃɑ:.k.lət/ *n.* ۱- کاکائو ۲- شکلات

I took her a box of white chocolates.

برای او یک جعبه شکلات سفید بردم.

Cool! /ku:l/ [عامیانه] عالی! محشر! معرکه!

"Jamie invited us to stay for a few days." "Cool!"

«جیمی ما را دعوت کرد چند روز [پیش او] بمانیم.» «عالی!»

cradle /'kreɪ.dəl/ *n.* گهواره، مهد

The baby rested peacefully in his cradle.

نوزاد در گهواره‌اش با آرامش استراحت کرد.

firefighter /'faɪrˌfaɪ.tər/ *n.* آتش‌نشان، مأمور آتش‌نشانی

It took firefighters over two hours to put out the fire.

برای آتش‌نشانان بیش از دو ساعت طول کشید تا آتش را خاموش کنند.

flu /flu:/ *n.* آنفلوانزا

There are lots of people off school this week with flu.

این هفته افراد زیادی که آنفلوانزا دارند از مدرسه غایب هستند.

get around /get ə'raʊnd/ *v.* این طرف و آن طرف رفتن، جابه‌جا شدن

We had to use public transport to get around.

ما برای جابه‌جا شدن مجبور بودیم از حمل‌ونقل عمومی استفاده کنیم.

go out /goo aʊt/ *v.* بیرون رفتن، خارج شدن

Tony forgot to take an umbrella when he went out. I hope it doesn't rain.

تونی وقتی بیرون رفت فراموش کرد چتر ببرد. امیدوارم باران نبارد.

grave /greɪv/ *n.* قبر، گور؛ مزار

Walter died in 1922 and was buried in the family grave.

والتر در سال ۱۹۲۲ فوت کرد و در خانوادگی دفن شد.

@khaneh_book

herself /hɜːr'self/ *pron.* [ضمیر انعکاسی و تأکیدی سوم شخص مفرد مؤنث] خود، خودش

She was too frightened to go herself, so she sent her son to find out the news.

او آن‌قدر ترسیده بود که نمی‌توانست خودش برود، پس پسرش را فرستاد تا خبر بگیرد.

himself /hɪm'self/ *pron.* [ضمیر انعکاسی و تأکیدی سوم شخص مفرد مذکر] خود، خودش

He put his hands on the side of the pool and pulled himself out of the water.

او دستانش را کنار استخر گذاشت و خودش را از آب بیرون کشید.

holy /'hoo.li/ *adj.* مقدس

The Qur'an is the Islamic holy book.

قرآن کتاب مقدس اسلامی است.

itself /ɪt'self/ *pron.* [ضمیر انعکاسی و تأکیدی سوم شخص مفرد برای اشیاء بی‌جان و حیوانات] خود، خودش

The machine switches itself off when the process is complete.

وقتی فرایند کامل می‌شود، این دستگاه خودش را خاموش می‌کند.

kill /kɪl/ *v.* کشتن

Cancer kills thousands of people every year.

سرطان هر سال هزاران نفر را می‌کشد.

kitty /'kɪt.i/ *n.* [زبان کودکانه] پیشی

Here, kitty!

پیشی، [بیا] این‌جا!

laboratory /'læb.rə.tɔːr.i/ *n.* آزمایشگاه

We have very high safety standards in this laboratory.

ما در این آزمایشگاه استانداردهای ایمنی بسیار بالایی داریم.

light bulb /'laɪt ˌbʌlb/ *n.* لامپ

Before the light bulb, people did not do much at night because it was dark.

قبل از [اختراع] لامپ، مردم در شب کار زیادی انجام نمی‌دادند، چون‌که تاریک بود.

lost /lɑːst/ *adj.* گم‌شده

When we got lost in the forest, we were very frightened.

وقتی در جنگل گم شدیم، خیلی ترسیده بودیم.

meaning /'miː.nɪŋ/ *n.* معنی

The meaning of a sentence often depends on stress and intonation.

معنی یک جمله اغلب به تکیه و آهنگ بستگی دارد.

myself /maɪ'self/ *pron.* [ضمیر انعکاسی و تأکیدی اول شخص مفرد] خود، خودم

I myself don't like a heavy meal at lunchtime.

من خودم در وقت نهار غذای سنگین را دوست ندارم.

no pain, no gain /noo peɪn noo geɪn/ نابرده رنج، گنج میسر نمی‌شود.

@khaneh_book

ourselves /ˌaʊərˈselvz/ *pron.* [ضمیر انعکاسی و تأکیدی اول شخص جمع] خود، خودمان

We went to get ourselves something to eat.

ما رفتیم تا برای خودمان چیزی برای خوردن بگیریم.

pair up /per ʌp/ *v.* دو تا دو تا شدن، جفت شدن

Everyone should pair up for the next exercise.

همه برای تمرین بعدی باید جفت شوند (به گروه‌های دو نفری تقسیم شوند).

penicillin /ˌpen.əˈsɪl.ɪn/ *n.* پنی‌سیلین

The doctor put me on a course of penicillin.

دکتر به من یک دوره پنی‌سیلین تجویز کرد.

poet /ˈpoʊ.ət/ *n.* شاعر

What do you think the poet is getting at in these lines?

به نظرتان مقصود شاعر از این سطرها چیست؟

prophet /ˈprɑː.fɪt/ *n.* پیامبر

A prophet was a person sent by God to teach the people and give them messages from God.

پیامبر شخصی بود که توسط خداوند فرستاده شده بود تا به مردم تعلیم دهد و به آن‌ها پیغام‌هایی را از خداوند بدهد.

themselves /ðəmˈselvz/ *pron.* [ضمیر انعکاسی و تأکیدی سوم شخص جمع] خود، خودشان

They asked themselves where they had gone wrong.

آن‌ها از خود پرسیدند کجا اشتباه کرده بودند.

thinker /ˈθɪŋ.kər/ *n.* متفکر، اندیشمند

Einstein was one of the greatest thinkers of the 20th century.

انیشتین یکی از بزرگ‌ترین متفکران قرن بیستم بود.

unscramble /ʌnˈskræm.bəl/ *v.* ۱- رمزگشایی کردن ۲- [کلمات و غیره] مرتب کردن

The game gives you clues, and you have to unscramble different words.

این بازی به شما سرنخ‌هایی می‌دهد و شما باید کلمات مختلف را مرتب کنید.

uranium /jʊˈreɪ.ni.əm/ *n.* اورانیوم

Radon comes from the uranium that occurs naturally in the ground.

رادون از اورانیومی حاصل می‌شود که به صورت طبیعی در زمین وجود دارد.

yourself /jɔrˈself/ *pron.* [ضمیر انعکاسی و تأکیدی دوم شخص مفرد] خود، خودت، خودتان

Be careful with that knife or you'll cut yourself!

مراقب آن چاقو باشید وگرنه خودتان را می‌برید!

yourselves /jɔrˈselvz/ *pron.* [ضمیر انعکاسی و تأکیدی دوم شخص جمع] خود، خودتان

You can do that yourselves.

شما می‌توانید آن را خودتان انجام دهید.

@khanehbook

Vocabulary Tests

1. The boy's plan was to study ..... and return to his little town as a doctor.
   1) medicine 2) patient 3) experiment 4) research
2. My five-year-old daughter always goes to kindergarten happy and ..... of energy.
   1) deep 2) full 3) weak 4) poor
3. I was walking down the street when ..... someone tapped me on the shoulder and called my name.
   1) easily 2) finally 3) rapidly 4) suddenly
4. The success of the ..... depends on our controlling the conditions carefully. انسانی ۹۲ ـ با تغییر
   1) emergency 2) experiment 3) expression 4) environment
5. ..... the way they had behaved towards their younger brother, the boys decided to be as kind to him as they could from that time on. انسانی ۹۶
   1) Interested in 2) Confused by 3) Surprised by 4) Ashamed of
6. Both of Mike's parents died when he was just a baby, so he doesn't ..... either one of them.
   1) experience 2) express 3) observe 4) remember
7. I didn't actually forget my ..... . I just didn't want to take pictures.
   1) photograph 2) camera 3) telescope 4) microscope
8. Tom sat there for a/an ..... without saying anything, and then he got up and left the room.
   1) expression 2) guess 3) number 4) moment
9. I would like to ..... my thanks for your kindness. خارج ۸۶ ـ با تغییر
   1) describe 2) narrate 3) provide 4) express
10. A person whose job is changing words, especially written words, into a different language is called a ..... .
    1) researcher 2) scientist 3) translator 4) patient
11. Milad didn't like living in the city and moved back to the farm where he ..... .
    1) moved on 2) grew up 3) took care 4) got around
12. I think I'd like to stay at home this evening ..... going out. Would you like to join me?
    1) in spite of 2) in addition to 3) rather than 4) beside
13. David didn't have his ..... phone with him, so he couldn't call Mary to tell her he'd be late.
    1) cell 2) type 3) flight 4) light
14. She is unable to give the police a/an ..... of the robber because she didn't see his face.
    1) description 2) background 3) observation 4) experiment
15. I think we should put as much ..... on preventing disease as we do on curing it.
    1) belief 2) sense 3) creation 4) emphasis
16. We don't have much time, so let's concentrate on the ..... issues.
    1) deep 2) rapid 3) sudden 4) key
17. I have never had a good ..... for learning poems. انسانی ۸۸ ـ با تغییر
    1) report 2) [illegible]vledge 4) influence

@khanehbook

18. We are ..... against the presence of America in that country. تجربی ۸۶ ـ با تغییر

1) strongly 2) emotionally 3) hardly 4) possibly

19. If you cannot work out the problem, you had better ..... a different method.

1) cover 2) give 3) raise 4) try

20. Ali is the ..... of person who gets nervous in front of people, so he's bad at public speaking.

1) type 2) sign 3) end 4) state

21. I ..... a useful experience from doing that job for years. ریاضی ۹۲ ـ با تغییر

1) grew 2) guessed 3) gained 4) guided

22. The government is ..... ways to reduce the cost of health care.

1) looking 2) seeking 3) having 4) quitting

23. Their working system is based on the ..... that people work more productively in a team.

1) science 2) belief 3) skill 4) moment

24. She was so surprised that for a few seconds she lost the ..... of speech.

1) situation 2) power 3) fact 4) device

25. Advances in ..... and technology are opening the way for new treatments for most deadly diseases.

1) science 2) human 3) invention 4) action

26. If you look at a picture of our planet from space at night, you can see how the light ..... changed life on Earth.

1) cover 2) sign 3) model 4) bulb

27. They finally cut down those old trees on our street, but ..... for us one of them fell on our car.

1) luckily 2) unfortunately 3) suddenly 4) strongly

28. It seemed to happen all of a ..... ; I felt terrible and asked to be taken to hospital. زبان ۹۵ ـ با تغییر

1) sudden 2) power 3) trouble 4) sign

29. As the man is lazy and has no ..... of responsibility, he does not work to make money for his family.

1) sense 2) basis 3) habit 4) amount ریاضی ۹۶

30. When I got back home, I was horrified to see what a terrible ..... the kitchen was in.

1) state 2) pattern 3) background 4) term

31. Old words often take on new ..... because of inventions and technology.

1) facts 2) meanings 3) details 4) plans

32. Scientists are still ..... into the causes of cancer. هنر ۸۲ ـ با تغییر

1) caring 2) researching 3) creating 4) reporting

33. To save your life, in times of emergency, you should ..... action as quickly as you can. تجربی ۹۶

1) make 2) put 3) hold 4) take

34. Doctors ..... that the disease only occurs in women over 50. زبان ۸۹

1) handled 2) observed 3) referred 4) measured

35. My little daughter started ..... up and down with anger when she heard she couldn't go to the park.

1) holding 2) keep 3) [illegible] 4) taking

@khanen_book

36. Have you got a certificate to show that you ..... completed the course? انسانی ۸۵ ـ با تغییر

1) suddenly 2) immediately 3) continuously 4) successfully

37. This is one ..... solution to the problem. However, there are others.

1) final 2) full 3) possible 4) careless

38. Make your airplane reservations early since flights fill up ..... around Christmas.

1) actually 2) hardly 3) suddenly 4) quickly

39. It's a shame that I had to ..... my job just when I was getting the hang of things.

1) cover 2) choose 3) quit 4) recite

40. This will be a good opportunity for me to use my language ..... to my advantage and find a much better job.

1) facts 2) gains 3) skills 4) values

41. Even though Jimmy told Katy about his problem, he didn't want to listen to any advice she had on how to ..... it.

1) solve 2) move 3) recite 4) quit

42. It's terribly smoky in here – I'm just ..... for a breath of fresh air.

1) giving up 2) keeping on 3) going out 4) putting aside

43. The ..... of the instructions was so poor they were just meaningless.

1) conversation 2) observation 3) invention 4) translation

44. The data collected in your research is of great ..... both to administrators and to educators.

1) fact 2) case 3) action 4) value

45. Analog computers are general-purpose ..... which employ laws of physics for performing mathematical operations. انسانی ۹۶ ـ با تغییر

1) devices 2) actions 3) patterns 4) terms

46. My husband ..... after having fought against his illness for a long time.

1) passed away 2) grew up 3) gave up 4) put aside

47. They took Alice to hospital immediately, but ..... she died two hours later.

1) bravely 2) personally 3) sadly 4) recently

48. My ankle is rather ....., so I always put a bandage on it to support it when I play tennis.

1) hard 2) deep 3) weak 4) fine

49. It's unlikely that you'll be ..... if you don't study much harder. You don't take your studies seriously.

1) final 2) recent 3) interested 4) successful

50. So far, we haven't been able to find much about this metal, but we are still ..... on it. تجربی ۸۷ ـ با تغییر

1) remembering 2) researching 3) reporting 4) relating

51. The government ..... figures every six months showing how many people are unemployed.

1) invents 2) publishes 3) observes 4) seeks

52. We can no longer use the past to try and predict the future because change occurs at such a / an ..... rate.

1) energetic 2) [illegible] 3) [illegible]nate 4) rapid

@khanehbook

53. If you order food for more than 20 people, we can allow you a ..... discount of 10% on the prices quoted.

1) developing 2) continuous 3) special 4) famous

54. With his mother very sick and a tight deadline at work, Nicholas has a lot on his plate at the ..... .

1) moment 2) interest 3) element 4) number

55. Because of ..... communication and transportation systems, these days the world is getting smaller.

1) modern 2) successful 3) possible 4) weak

56. After World War I, ... lasted in Europe for just over 20 years after 1918 before war broke out again.

1) peace 2) detail 3) sense 4) emphasis

57. If you take a close look, you'll find that your friends and you have similar ..... .

1) translations 2) experiments 3) personalities 4) examples

58. You should ..... some money when you can afford to. Otherwise, you won't have enough money to buy an apartment.

1) put aside 2) give up 3) find out 4) keep on

59. We have to hire a professional actor to ..... the video.

1) attend 2) install 3) connect 4) narrate

60. People under a lot of ..... may experience headaches, minor pains, and sleeping difficulties.

1) emphasis 2) pattern 3) stress 4) knowledge

61. Some people believe that if we try to ..... our feelings openly, it can enhance our health. انسانی ۹۵ ـ با تغییر

1) express 2) involve 3) cover 4) refer

62. The metro system in Tehran is very good. It makes it really easy to ..... .

1) keep up 2) take off 3) make up 4) get around

63. Tom put up with the ..... for a couple of weeks before finally he decided to go to the hospital.

1) sign 2) term 3) organ 4) pain

64. You need to help the kid ..... confidence in his abilities; then he would certainly improve in his schoolwork. زبان ۹۶ ـ با تغییر

1) take 2) guide 3) build 4) hold

65. The ..... estimate that nearly two-thirds of the world has become drier over the past 60 years.

1) inventors 2) narrators 3) scientists 4) translators

66. In the present ....., I don't think it would be a good idea to try to sell your house. The prices are increasing very rapidly.

1) number 2) reason 3) decision 4) situation

67. In general, communication between doctors and their ..... is the most important part of medical treatment.

1) medicine 2) experiments 3) laboratory 4) patients

@khanen_book

Grammar

Past Progressive — زمان گذشتهٔ استمراری

was / were + فعل

همان‌طور که احتمالاً به خاطر دارید، در سال نهم با زمان گذشتهٔ ساده، کاربردهای آن و شیوهٔ تبدیل فعل به گذشتهٔ ساده آشنا شدید. همان‌طور که گفته شد، اصلی‌ترین کاربرد زمان گذشتهٔ ساده برای اشاره به عملی است که در زمان مشخصی از گذشته، انجام شده و به پایان رسیده است. مثال:

We played football last weekend.
گذشتهٔ ساده

آخر هفتهٔ قبل، فوتبال بازی کردیم.

در این درس با زمان گذشتهٔ استمراری و اصلی‌ترین کاربردهای آن آشنا می‌شویم.

اصلی‌ترین کاربردهای زمان گذشتهٔ استمراری

۱ در صورتی‌که در زمان گذشته عملی در حال انجام بوده باشد و در این بین به طور ناگهانی، عمل دیگری انجام شود یا اتفاقی بیفتد، برای اشاره به عمل طولانی‌تر، از گذشتهٔ استمراری و برای اشاره به عمل کوتاه‌تر از زمان گذشتهٔ ساده استفاده می‌شود. مثال:

When I entered the living room, my brothers were watching a movie on television.
گذشتهٔ ساده — گذشتهٔ استمراری

وقتی که وارد اتاق نشیمن شدم، برادرانم در تلویزیون فیلم تماشا می‌کردند.

◀ تماشای فیلم در گذشته عمل طولانی‌تر بوده است و برای اشاره به آن از زمان گذشتهٔ استمراری استفاده شده است. اما وارد شدن به اتاق نشیمن، عمل کوتاه‌تر است و برای آن از فعل گذشتهٔ ساده استفاده می‌کنیم.

While I was writing the email, the computer suddenly went off
گذشتهٔ استمراری — گذشتهٔ ساده

در حالی‌که ایمیل می‌نوشتم، کامپیوتر به طور ناگهانی خاموش شد.

◀ نوشتن ایمیل در گذشته عمل طولانی‌تر است و برای آن از فعل گذشتهٔ استمراری استفاده می‌شود، اما خاموش شدن کامپیوتر در گذشته عمل کوتاه‌تر است و برای آن از فعل گذشتهٔ ساده استفاده می‌کنیم.

نکته معمولاً در این‌گونه جملات، برای متصل کردن دو بخش جمله، از یکی از کلمات ربط while، when یا as (به معنی وقتی‌که، زمانی‌که، وقتی) استفاده می‌شود.

۲ برای اشاره به دو عملی که در گذشته به صورت هم‌زمان در حال انجام بوده‌اند، از گذشتهٔ استمراری استفاده می‌شود. در واقع در این شرایط، هر دو فعل با گذشتهٔ استمراری بیان می‌شوند. مثال:

I was studying while he was making dinner.
گذشتهٔ استمراری — گذشتهٔ استمراری

در حالی‌که او شام درست می‌کرد، من درس می‌خواندم.

◀ در این جمله، دو عمل به صورت هم‌زمان در گذشته استمرار داشته‌اند.

نکته در این‌جا نیز برای وصل کردن دو بخش جمله از while، when یا as استفاده می‌کنیم.

@khaneh_book

۲) در صورتی‌که در گذشته عملی در حال انجام بوده باشد، ولی در جمله زمان دقیق آغاز و پایان آن مشخص نشده باشد، برای اشاره به آن از فعل گذشتهٔ استمراری استفاده می‌شود. مثال:

Yesterday at this time, I was sitting at my desk at work.
گذشتهٔ استمراری

دیروز در این زمان، در سرکار پشت میزم نشسته بودم.

گوینده جمله ذکر می‌کند که در زمان مشخصی از گذشته پشت میز کارش نشسته بود، اما زمان دقیق آغاز و پایان نشستن را ذکر نکرده است. بنابراین در این‌جا از فعل گذشتهٔ استمراری استفاده می‌کنیم.

۳) برای اشاره به شرایط و اوضاع و احوال مربوط به زمان گذشته و به عبارت دیگر برای توصیف شرایط در گذشته، از زمان گذشتهٔ استمراری استفاده می‌شود. مثال:

When she arrived home, it was raining outside, the baby was crying, the birds were singing in their cage, and the
گذشتهٔ استمراری — گذشتهٔ استمراری — گذشتهٔ استمراری

children were playing chess.
گذشتهٔ استمراری

وقتی او وارد خانه شد، بیرون باران می‌بارید، نوزاد گریه می‌کرد، پرنده‌گان در قفس خورشان آواز می‌خواندند و بچه‌ها شطرنج بازی می‌کردند.

با توجه به این‌که هر ۴ فعل مشخص شده، برای توصیف شرایط و اوضاع و احوال در گذشته مورد استفاده قرار گرفته‌اند، برای همهٔ آن‌ها از فعل گذشتهٔ استمراری استفاده می‌شود.

چند نکته در مورد زمان گذشتهٔ استمراری

۱) در زمان گذشتهٔ استمراری از was یا were بر مبنای فاعل جمله استفاده می‌شود. یعنی:

I He She It	was	playing going listening ...
We You They	were	

۲) برای منفی کردن گذشتهٔ استمراری، بعد از was یا were از not استفاده می‌کنیم. البته استفاده از شکل‌های مخفف (wasn't / weren't) نیز صحیح است. مثال:

Ali was not (wasn't) studying when his mother called.
گذشتهٔ استمراری

علی وقتی مادرش زنگ زد، درس نمی‌خواند.

۳) برای سؤالی کردن گذشتهٔ استمراری، کافی است was یا were را به قبل از فاعل جمله منتقل کنید. مثال:

Were you listening to me when I told you to turn the TV off ?
فاعل
گذشتهٔ استمراری

وقتی به شما گفتم تلویزیون را خاموش کنید، به من گوش می‌دادید؟

@khanen_book

Action and State Verbs — افعال کُنشی و افعال حالت

اصولاً به صورت کلی افعال به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱ افعال کُنشی: این‌ها افعالی هستند که انجام یک کار را نشان می‌دهند. برای مثال، وقتی گفته می‌شود: «دیروز درس می‌خواندم»، درس خواندن یک کار یا عمل را نشان می‌دهد و در واقع فعل کُنشی است. مثال:

I was eating lunch at 2 o'clock. — *ساعت دو ناهار می‌خوردم.*

۲ افعال حالت: برخلاف افعال کُنشی که با انجام کار و عمل سروکار دارند، افعال حالت به تفکرات، احساسات و یا حواس پنج‌گانهٔ شما مربوط می‌شوند. برای مثال، وقتی گفته می‌شود: «مادرم را دوست دارم»، دوست داشتن بیانگر یک فعل و کار نیست و بیانگر احساسات شما می‌باشد.

در جدول زیر می‌توانید مهم‌ترین افعال حالت (State Verbs) را یاد بگیرید:

دوست داشتن	like	دوست داشتن، عاشقِ ... بودن	love
متنفر بودن	hate	دوست نداشتن، بدآمدن از	dislike
نیاز داشتن	need	خواستن	want
بودن	be	آرزو داشتن	wish
عقیده داشتن	think	احساسِ ... کردن	feel
بوی ... داشتن	smell	مزهٔ ... داشتن	taste
دانستن	know	باور داشتن، اعتقاد داشتن	believe
مخالف بودن	disagree	موافق بودن	agree
به یاد آوردن	remember	فهمیدن	understand
داشتن	have	تشخیص دادن، فهمیدن	realize
به نظر رسیدن	seem	به نظر رسیدن	look
به نظر رسیدن	appear	به نظر رسیدن	sound
دارای وزنِ ... بودن	weigh	قیمت داشتن، بها داشتن	cost
شاملِ ... بودن	involve	به اندازهٔ ... بودن	measure
به معنیِ ... بودن	mean	اهمیت داشتن	matter

نکتهٔ بسیار مهمی که در این‌جا مطرح است این است که اصولاً افعال حالت (یعنی افعالی که در جدول بالا ذکر شدند) حالت استمراری ندارند و باید آن‌ها را به صورت غیر استمراری استفاده کنید. مثال:

She believed that it is wrong to hurt animals. — *او اعتقاد داشت که آسیب زدن به حیوانات اشتباه است.*
(believed: فعل حالت — is: فعل حالت)

I have a son and two daughters. — *من یک پسر و دو دختر دارم.*
(have: فعل حالت)

نکته حواستان باشد افعال جدول بالا فقط در صورتی فعل حالت هستند و شکل استمراری ندارند که دقیقاً در معنی ذکر شده در جدول به کار رفته باشند. یعنی اگر همین افعال را در معنی دیگری به کار ببریم، کاربرد آن‌ها به صورت استمراری کاملاً صحیح است. مثال:

When he called my name I was looking at the picture. — *وقتی اسمم را صدا زد، به عکس نگاه می‌کردم.*
(was looking: فعل کُنشی)

I am having lunch right now. — *همین الان ناهار می‌خورم.*
(am having: فعل کُنشی)

@khaneh_book

ضمایر انعکاسی و تأکیدی Reflexives

در جدول زیر با تعدادی ضمیر آشنا می‌شوید که در دو کاربرد مختلف «ضمایر انعکاسی» و «ضمایر تأکیدی» مورد استفاده قرار می‌گیرند. ابتدا شکل ظاهری این ضمایر را به همراه معنی آن‌ها یاد بگیرید تا در ادامه کاربردهای آن‌ها را توضیح دهم.

مفرد		جمع	
myself	خودم	ourselves	خودمان
yourself	خودت	yourselves	خودتان
himself	خودش ـ مذکر	themselves	خودشان
herself	خودش ـ مؤنث		
itself	خودش ـ غیر انسان		

۱ ضمایر انعکاسی: در صورتی که فاعل و مفعول جمله‌ای هر دو به یک شخص یا چیز و ... اشاره داشته باشند، به جای مفعول از ضمایر انعکاسی استفاده می‌شود. مثال:

Sama looked at herself in the mirror.
فاعل ضمیر انعکاسی

سما در آینه به خودش نگاه کرد.

◄ چون در این جمله، فاعل جمله (سما) در آینه به خودش نگاه می‌کند، فاعل و مفعول جمله به یک شخص اشاره دارند و به جای مفعول از ضمایر انعکاسی (در این مورد herself) استفاده می‌کنیم.

The girls made themselves sandwiches for lunch.
فاعل ضمیر انعکاسی

دخترها برای خودشان برای ناهار ساندویچ درست کردند.

۲ ضمایر تأکیدی: ضمایری که در جدول بالا ذکر شدند، می‌توانند یک کاربرد دیگر هم داشته باشند و آن ضمایر تأکیدی است. در صورتی‌که در جمله‌ای بخواهیم تأکید کنیم خود فاعل (و نه شخص یا اشخاص دیگری) کاری را انجام داده‌اند، از ضمایر تأکیدی استفاده می‌شود. دقت کنید که به صورت کلی ضمایر تأکیدی را می‌توان بلافاصله بعد از فاعل جمله قرار داد و یا آن را بعد از مفعول جمله به کار برد. مثال:

I wrote this poem myself.
فاعل ضمیر تأکیدی

این شعر را خودم نوشتم.

◄ در این جمله، گوینده از myself استفاده می‌کند تا بر روی فاعل جمله تأکید کند. در واقع او می‌خواهد بیان کند که خود او قطعه شعری را گفته است، نه هیچ کس دیگری.

Alan himself made this dish.
فاعل ضمیر تأکیدی

آلن خودش این غذا را درست کرد.

چند نکته در مورد ضمایر انعکاسی و تأکیدی

۱ عبارت (all) by oneself به معنی «به تنهایی، بدون کمک دیگران» است. مثال:

I'm amazed you managed to move those boxes all by yourself.

تعجب می‌کنم [که] توانستید آن جعبه‌ها را بدون کمک دیگران جابه‌جا کنید.

@khanenbook

۲) از help yourself / yourselves برای تعارف کردن غذا، نوشیدنی و ... استفاده می‌شود. مثال:

Please help yourselves to a drink. *لطفاً از خودتان با نوشیدنی پذیرایی کنید.*

۳) نکته‌ای که در مورد افعال انعکاسی وجود دارد این است که اگر مفعول جمله به فاعل آن اشاره داشته باشد، اما روی مفعول کاری انجام نشده باشد، از ضمایر انعکاسی استفاده نمی‌کنیم. در این شرایط از ضمایر مفعولی استفاده می‌شود. مثال:

I can't take you with me. I need to go alone. *نمی‌توانم تو را با خودم ببرم. باید تنها بروم.*
فاعل ضمیر مفعولی

در این جمله me مفعول جمله است و اتفاقاً به فاعل (I) هم اشاره دارد اما چون‌که بر روی مفعول کاری انجام نشده است، از ضمیر مفعولی استفاده می‌شود، نه ضمیر انعکاسی.

@khaneh_book

Grammar Tests

68. I think she ..... about her house in Paris. I wasn't really listening.
1) talks 2) is talking 3) were talking 4) was talking

69. Nobody wanted to help Ali and his brother, so they cleaned the streets ..... .
1) himself 2) him 3) themselves 4) them

70. At 12:30, Saeed and I went to the cafeteria to buy ..... some lunch.
1) himself 2) myself 3) mine 4) ourselves

71. As a child I ..... my brother, but now we get on wonderfully.
1) was hating 2) am hating 3) hate 4) hated

72. I went for a long walk in the mountains yesterday. But I ..... the right shoes, and now ..... feet really hurt.
1) wasn't wearing / my 2) was wearing / my 3) not wearing / mine 4) wasn't wearing / mine

73. Someone ..... the money from my shirt pocket while I ..... in the river.
1) stole / swam 2) was stealing / swam
3) stealing / was swimming 4) stole / was swimming

74. Reza, did you repair the radio ..... or did someone else do it for you?
1) yours 2) you 3) yourself 4) your

75. A: "..... when the television caught fire?"
B: "Yes, I woke up when I smelled the smoke."
1) Did you sleep 2) Are you sleeping 3) Did you sleeping 4) Were you sleeping

76. ..... this morning? There was a very strange smell coming from the kitchen.
1) You were doing what 2) Did you do what 3) What were you doing 4) What would you do

77. Ali's daughter can paint the picture ..... because she's good at painting.
1) himself 2) themselves 3) herself 4) itself

78. Give me ten minutes, I ..... lunch right now.
1) have 2) was having 3) had 4) am having

79. The film ..... wasn't very good, but I liked the music.
1) it 2) its 3) it's 4) itself

80. When the teacher ....., some of the students ..... in the back of the classroom.
1) arrived / were playing 2) arrived / played
3) was arriving / was playing 4) arrive / play

81. You and Max should be able to do all of the work by ..... .
1) yourself 2) yours 3) you 4) yourselves

82. I ..... a famous football player when I ..... on Oxford Street yesterday.
1) saw / was shopping 2) was seeing / was shopping 3) saw / shopped 4) was seeing / shopped

83. They blamed ..... for what happened to ..... .
1) themselves / they 2) them / herself 3) us / her 4) themselves / herself

84. My father ..... the day will come when there will be no more wars.
1) is believing 2) was [illegible] 3) [illegible] 4) believe

@khanenbook

85. It was a quiet morning: the birds ..... in the trees and the cows ..... . We were walking happily when a terrible storm ..... .

1) sang / ate / started
2) were singing / were eating / started
3) sang / were eating / started
4) were singing / were eating / was starting

86. When Sally saw the accident, she ..... an ambulance immediately.

1) was calling
2) is calling
3) calls
4) called

87. She brought her camera with ..... and was pleased with ..... for remembering it.

1) her / herself
2) she / herself
3) herself / she
4) her / she

88. I used my time well while I ..... for ..... plane – I wrote some emails.

1) waited / myself
2) waited / me
3) was waiting / my
4) was waiting / myself

89. Why did you bring your umbrella? ..... when you left home?

1) Is it raining
2) Does it rain
3) Did it rain
4) Was it raining

90. It was lucky we ..... under that tree when the lightning hit the tree.

1) were sitting
2) sat
3) didn't sit
4) weren't sitting

91. Look! There's a little bird washing ..... in the river.

1) it
2) its
3) it's
4) itself

92. He ..... any kind of physical contact – he doesn't even like to shake ..... hand.

1) dislikes / yourself
2) is disliking / your
3) dislikes / your
4) is disliking / yourself

93. My mother ..... in the garden, so she didn't hear the telephone ..... yesterday.

1) was working / while I was calling herself
2) was working / when I called her
3) worked / while I called her
4) worked / when I was calling herself

94. John bought ..... a new sweater and now he's looking at ..... in the mirror.

1) him / his
2) him / he
3) himself / himself
4) himself / him

95. ..... when the lights went off last night?

1) What were you doing
2) Which were you doing
3) What you were doing
4) Which you were doing

96. My sister always cuts the grass. That is ..... responsibility.

1) her
2) herself
3) hers
4) she

97. I ..... on the test, but the professor thought that I was.

1) was cheating
2) didn't cheat
3) wasn't cheating
4) wouldn't cheat

98. At eight o'clock yesterday evening the plane ..... from Los Angeles to Sydney.

1) flew
2) would fly
3) was flying
4) wouldn't fly

99. As a family we work together, but we also do things by ..... .

1) oneself
2) ourselves
3) myself
4) themselves

100. They ..... a movie in the cinema so they didn't realize it ..... outside.

1) were watching / snowed
2) were watching / was snowing
3) watched / was snowing
4) watched / snowed

101. He ..... his arm while he ..... football. He fell down the stairs.

1) did not break / played
2) wasn't breaking / was playing
3) didn't break / was playing
4) wasn't breaking / played

@khanehbook

102. She ..... that something was wrong, but I didn't tell ..... what was going on.

1) was knowing / herself 2) knew / her 3) knew / herself 4) was knowing / her

103. I'll have to help Sahar fill in ..... form, but Maryam can do it ..... because her English is excellent.

1) her / her 2) herself / herself 3) her / herself 4) herself / her

104. In the library, the students ..... too much, so they were asked to leave.

1) talk 2) weren't talking 3) were talking 4) did not talk

105. They ..... supper when they heard about the accident.

1) had their 2) were having them 3) were having their 4) had themselves

106. I'm amazed you managed to move those boxes all ..... .

1) yourself 2) by yourself 3) yours 4) by yours

107. When we called ..... yesterday you ..... on the phone because we could not get through in any possible way.

1) yourself / were talking 2) your / talked 3) you / talked 4) you / were talking

108. After one hour of cycling in sunshine, a big raincloud suddenly ..... and it ..... to rain.

1) was appearing / started 2) was appearing / was starting

3) appeared / was starting 4) appeared / started

109. I ..... at our little daughter right now, and she ..... very beautiful in that dress.

1) look / looks 2) am looking / looks 3) look / is looking 4) am looking / is looking

110. My parents have ..... own favorite activities. My mother, for example, ... to work in the garden.

1) their / is liking 2) themselves / was liking

3) their / likes 4) themselves / would like

111. They ..... in the park because they ..... to each other.

1) were not seeing me / weren't talking 2) did not see me / were talking

3) did not see myself / were talking 4) were seeing myself / talked

112. They absolutely hate ....., and never speak to one another.

1) themselves 2) another 3) each other 4) together

113. I ..... to buy some bread yesterday, but the shopkeeper ..... any.

1) didn't want / wasn't having 2) wanted / wasn't having

3) wanted / didn't have 4) didn't want / didn't have

114. The cook ..... a delicious food when the guests ..... to arrive.

1) was preparing / started 2) prepared / were starting

3) prepared / started 4) was preparing / was starting

115. My younger brother prepares ..... own lunch before he goes to school.

1) him 2) himself 3) his 4) he

116. ..... on TV when the children finished their homework?

1) Were you watching 2) Did you watch

3) What were you watching 4) Which you were watching

117. When I ..... through your books, I ..... that you have a copy of Harry Potter series.

1) was looking / noticed 2) was looking / was noticing

3) were looking / noticed 4) ...oking / was noticing

@khanehketab

118. **Samira and her husband own ..... own company, so they can ..... any time they like.**

1) their / give themselves a holiday
2) themselves / giving them a holiday
3) their / give them a holiday
4) themselves / give themselves a holiday

119. **Welcome to the party, everyone! Just ..... to sandwiches and snacks.**

1) help yourself
2) helps yourselves
3) help yourselves
4) helps yourself

120. **..... at midnight last night? I ..... house, but you weren't home.**

1) What were you doing / came to your
2) What did you do / come to yourselves
3) What were you doing / was coming to your
4) Were you doing what / came to your

121. **It's a very clever machine. It turns ..... off.**

1) themselves
2) itself
3) oneself
4) by itself

122. **Before we left, ... some warm sleeping bags because it can get cold there, even in summer.**

1) us buying ourselves
2) we bought ourselves
3) us bought ourselves
4) we bought us

123. **If there are things to repair in our house, ... parents do them ..... if they are not too difficult.**

1) my / themselves
2) myself / themselves
3) my / myself
4) themselves / them

124. **While he ..... the flowers it ..... to rain. He ..... his umbrella and went back inside.**

1) was watering / begins / puts up
2) watered / was beginning / was putting up
3) was watering / began / put up
4) watered / began / puts up

125. **They laughed at ..... for the mistakes ..... had made.**

1) themselves / they
2) them / themselves
3) themselves / their
4) them / them

126. **Mike ..... an unexpected sound downstairs, and he immediately ..... and ..... downstairs to check that everything ..... alright.**

1) heard / was getting up / was going / was
2) was hearing / was getting up / was going / was
3) heard / got up / went / was
4) was hearing / got up / went / were

127. **After her husband ....., Mona ..... the two children all by ..... .**

1) died / brought up / her
2) was dying / was bringing up / herself
3) died / was bringing up / her
4) died / brought up / herself

128. **This morning, I ..... along the road when I ..... footsteps behind me. Somebody ..... me.**

1) was walking / heard / followed
2) was walking / heard / was following
3) walked / heard / was following
4) was walking / was hearing / was following

129. **Sandra was unable to take part in the game because ..... .**

1) wasn't feeling well her
2) she wasn't feeling well
3) wasn't feeling well herself
4) herself didn't feel well

130. **I ..... studying in the U.S. next year, but I realized that I needed to help ..... father with his new company first.**

1) considered / myself
2) was considering / mine
3) was considering / my
4) consider / myself

@khanehketab

Cloze Tests

لطفاً پیش از پاسخ‌گویی به سؤالات کلوزتست، «درس‌نامهٔ طلایی کلوزتست و درک مطلب» را از صفحهٔ ۲۴۷ مطالعه فرمایید.

Cloze Passage 1

Five hundred years ago, a man .....[131]..... Leonardo da Vinci lived in Italy. He was born in 1452 and, when .....[132]....., he lived in the beautiful city of Florence. Leonardo was the student of a painter, and he became one of .....[133]..... painters who has ever lived. But Leonardo was also an architect, a/an .....[134]..... and an inventor. He invented many .....[135]..... machines, but a lot of his machines did not work very well.

131 1) called 2) gained 3) recited 4) ordered

132 1) he was young 2) young he was 3) he young was 4) was he young

133 1) more famous 2) as famous as 3) the most famous 4) famous

134 1) experiment 2) medicine 3) traveler 4) scientist

135 1) continuous 2) sudden 3) interesting 4) possible

Cloze Passage 2

Albert Einstein was born near the end of the 1800s in Ulm, Germany. He graduated from the University of Zurich in Switzerland at the .....[136]..... of 26. That was also when he did his famous work in physics. Fourteen years .....[137]..... he won the Nobel Prize for Physics. For the next ten years .....[138]..... in Germany. He also traveled a lot to talk with other scientists. Then in the early 1930s, he had to .....[139]..... Germany because of Hitler and the Nazi Party. He moved to the United States. From that time .....[140]..... his death he lived in Princeton, New Jersey. He died at the age of 74.

136 1) number 2) age 3) state 4) model

137 1) later 2) later than 3) the latest 4) late

138 1) him living 2) he lived 3) lived himself 4) his living

139 1) attend 2) go 3) leave 4) take

140 1) until 2) after 3) when 4) while

Cloze Passage 3

Victor Hugo is a famous character in literature. He was the son of a general who served in the armies of Napoleon I. Hugo went to Paris with .....[141]..... mother at the age of ten. His first book of poetry was so .....[142]..... that he decided to be a writer. He became a chief member of the Romantic movement, which .....[143]..... to change styles and themes of writing. He .....[144]..... a lot of literary works such as: novels, plays, and epic poetry. Many of his novels and plays reflected his .....[145]..... in politics. After France became a republic, Hugo returned to Paris as a hero. In 1878, he fell ill and died. تجربی ۸۵ ـ با تغییر

141 1) himself 2) he 3) him 4) his

142 1) successful 2) fortunate 3) sudden 4) powerful

143 1) is trying 2) was trying 3) will try 4) would try

144 1) published 2) described 3) invented 4) reported

145 1) interest 2) v... 3) ... 4) pattern

@khaneh_book

Cloze Passage (4)

Hippocrates was a famous scientist. He lived in Greece over 2,000 years ago. He [146] ..... medicine. Hippocrates [147] ..... that there are four liquids inside the human body. He wrote that illness happened [148] ..... these liquids are uneven. A lot of people believed Hippocrates' findings. Up until the late 1800s, many things that doctors did were still [149] ..... his work. Many of his findings are not believed in today's medicine. [150] ....., new doctors still take an oath called the Hippocratic Oath. In this oath they promise to be good doctors.

146	1) solved	2) studied	3) tried	4) recited
147	1) believes	2) is believing	3) was believing	4) believed
148	1) although	2) unless	3) before	4) when
149	1) based on	2) confused by	3) interested in	4) different from
150	1) Instead	2) Especially	3) Maybe	4) However

Cloze Passage (5)

The telephone was invented many years ago. Long ago, all telephones were as big as a lunchbox. They had to [151] ..... on a table or wall. Telephones had only one purpose. They were used to speak to other people. Today many people use cellular phones. Cellular phones can be [152] ..... your hand. They can be [153] ..... anywhere. These phones can do many things. You can use them to [154] ..... text messages. You can use them to take [155] ..... . You can use them to play games. There is something else you can use cell phones to do. You can still use them to speak to other people!

151	1) leave	2) hold	3) pass	4) stay
152	1) small	2) the smallest	3) as smaller as	4) smaller than
153	1) moved	2) tried	3) rested	4) covered
154	1) gain	2) attend	3) invent	4) send
155	1) cameras	2) calendars	3) photographs	4) numbers

Cloze Passage (6)

Mozart, [156] ..... was born on January 27, 1756 in the Austrian city of Salzburg, was neither the first nor the last brilliant child, but he was certainly the greatest. From the age of six, when his father [157] ..... him on his first foreign tour, Mozart went to the musical centers of Austria, Germany, France, England, Holland, Switzerland, and Italy. Mozart [158] ..... almost a third of his short life – he died at the age of 35 – traveling.

He was born into a wealthy family where his musical genius made [159] ..... known extremely early. His [160] ..... known work was composed in 1761, when he was only five.

زبان ۸۵ ـ با تغییر

156	1) who	2) he	3) when he	4) that he
157	1) was taking	2) takes	3) is taking	4) took
158	1) held	2) moved	3) took	4) spent
159	1) its	2) it	3) itself	4) that
160	1) earliest	2) earliest	3) earlier	4) earlier than

@khanenbook

Cloze Passage 7

Bacteria cause many of the illnesses that affect humans, so for years [161] ..... tried to find a substance that would kill bacteria but would not harm human tissue. The Scottish bacteriologist Alexander Fleming (1881-1955) was [162] ..... to identify an antibacterial substance. Fleming carried out his [163] ..... in a laboratory at Saint Mary's Hospital, London, England. In 1928, Fleming [164] ..... that a mold that had accidentally developed on a dish of bacteria culture caused the bacteria to die. In 1941, the researchers Howard Florey and Ernst Chain purified the mold, Penicillium, to produce penicillin, the world's first antibiotic. Penicillin is widely used in the treatment of many [165] ....., including meningitis and pneumonia. Fleming shared the 1945 Nobel Prize for Medicine with Florey and Chain.

161 1) thinkers 2) scientists 3) inventors 4) prophets

162 1) first of person 2) the first person 3) person the first 4) person first

163 1) patient 2) invention 3) skill 4) research

164 1) translated 2) based 3) cleared 4) noticed

165 1) experiments 2) cradles 3) diseases 4) devices

@khaneh_book

Reading Comprehension

لطفاً پیش از پاسخ‌گویی به سؤالات درک‌مطلب، «درس‌نامهٔ طلایی کلوزتست و درک مطلب» را از صفحهٔ ۲۴۷ مطالعه فرمایید.

Passage 1

Before Newton's time, scientists knew something about gravity. They knew that gravity makes objects fall to the ground and keeps houses and people from being thrown into space. Could it be, Newton asked himself, that the earth pulls the moon and keeps it from running away? And could it be that the sun pulls the earth and the other planets and helps keep them in their paths? Newton thought so.

At first, he could not prove that his idea was right. He himself decided that he was on the wrong track. But years later, he worked again on the problem and found out that he had been right after all. He wrote a famous book about gravity.

Newton made many other discoveries. Some of them were about light. He found out, for instance, that sunlight is made up of the rainbow colors. He studied sunlight partly by blowing soap bubbles and watching the colors in them. His neighbors were surprised to see a grown man blowing bubbles for hours at a time.

Newton wanted to find out more about the planets and the other heavenly bodies. But he was not satisfied with the telescopes that were available. To get a better one, he invented a new kind – a reflecting telescope. It helped him find out many new things about the sky.

ریاضی ۸۶

166 **Scientists who lived before Newton ..... .**

1) were familiar with what we now call gravity
2) did not know why objects fell to the ground
3) did not understand that some force held them tied to the Earth
4) were amazed at the fact that houses kept sticking to the ground

167 **Newton wrote his first book when he ..... .**

1) realized that his ideas were correct
2) found out he was on the wrong track
3) decided to become famous in his country
4) decided to share his experiments with other scientists

168 **The phrase "made up" in paragraph 3 is closest in meaning to ..... .**

1) bent
2) built
3) composed
4) separated

169 **The word "one" in paragraph 4 refers to ..... .**

1) kind
2) view
3) experiment
4) telescope

Passage 2

Alfred Bernhard Nobel, a Swedish inventor and philanthropist, bequeathed most of his vast fortune in trust as a fund from which annual prizes could be awarded to individuals and organizations who had achieved the greatest benefit to humanity in a particular year. Originally, there were six classifications for outstanding contributions designated in Nobel's will including chemistry, physics, physiology, or medicine, literature, and international peace.

The prizes are administered by the Nobel Foundation in Stockholm. In 1969, a prize for economics endowed by the Central Bank of Sweden was added. Candidates for the prizes must be nominated in writing by a qualified authority in the field of competition. Recipients in physics, chemistry, and economics are selected by the Royal Swedish Academy of Sciences; in physiology or medicine by the Caroline Institute; in literature by the Swedish Academy; and in peace by the Norwegian Nobel Committee appointed by Norway's parliament. The prizes are usually presented in Stockholm on December 10, with the King of Sweden officiating, an appropriate tribute to Alfred Nobel on the anniversary of his death. Each on[illegible]des a gold medal, a [illegible], and a cash award of about one million dollars.

@khanen_book

170 **What does this passage mainly discuss?**

1) Alfred Bernhard Nobel
2) The Nobel prizes
3) Great contributions to mankind
4) Swedish philanthropy

171 **A Nobel prize would NOT be given to ..... .**

1) an author who wrote a novel
2) a doctor who discovered a vaccine
3) a composer who wrote a symphony
4) a diplomat who negotiated a peace settlement

172 **Which individual or organization serves as administrator for the trust?**

1) The King of Sweden
2) The Nobel Foundation
3) The Central Bank of Sweden
4) Swedish and Norwegian academies and institutes

173 **Why are the awards presented on December 10?**

1) It is a tribute to the King of Sweden.
2) Alfred Bernhard Nobel died on that day.
3) That date was established in Alfred Nobel's will.
4) The Central Bank of Sweden administers the trust.

Passage 3

Leonardo da Vinci was born in 1452 in the area of Florence, Italy. He did many things. He was a scientist, inventor, musician, mathematician, and architect. He knew about animals and plants, too. He could do many things well. Leonardo was famous for his painting. He painted the Mona Lisa and The Last Supper. They are his most famous paintings, and many people know about them. He started working on The Last Supper in 1495 in Milan and finished it in 1498. He started working on the Mona Lisa in 1503 in Italy and finished it a short time before he died. It is now in France. Leonardo's paintings were very good. He understood how human bodies worked. Besides, he knew how happy or sad people looked because he knew how emotion looked on people's faces. Since he understood nature, light, and shadow, his paintings looked real. Leonardo had many ideas for inventions. He drew plans for a helicopter as well as a tank. He even had an idea for a calculator. He had an idea for making solar power, which is power that comes from the sun. Leonardo lived at the same time as Michelangelo and Raphael. He was 27 years older than Michelangelo and 31 years older than Raphael. Leonardo died in 1519. النسائی ۹۲

174 **According to the passage, which of the following was Leonardo NOT good at?**

1) Art
2) Biology
3) Chemistry
4) Psychology

175 **What does the word "them" in line 4 refer to?**

1) many people
2) animals and plants
3) all Leonardo's paintings
4) Mona Lisa and The Last Supper

176 **Which of the following can be concluded from the passage?**

1) Mona Lisa took a longer time to finish than The Last Supper.
2) Leonardo painted Mona Lisa when he was still young.
3) Leonardo finished Mona Lisa in a short time.
4) Leonardo painted Mona Lisa in France.

177 **Which of the following do we understand about Leonardo?**

1) He never thought of inventing something that could be used during wartime.
2) He was interested in finding ways of obtaining energy from the sun.
3) He was aware of all natural elements when he made an invention.
4) He died when the famous artis[illegible]ngelo was only 2[illegible]

@khanenet_book

Passage 4

Edison, Thomas Alva (1847 – 1931), an American scientist, was one of the world's greatest inventors; he was born at Milan, Ohio in the United States. As a boy, he had a great deal of imagination and curiosity and was taken away from school because the teacher thought his continual questions were a sign of stupidity. His first great interest was chemistry, and he read all he could about it; he was only ten when he began to grow and sell vegetables so that he could buy chemicals for making experiments at home. When he was 12, he worked selling magazines and fruit on a train.

He then decided to learn telegraphy and worked in several telegraph offices. Then he had the chance to walk into the building of a telegraph company just as the telegraph stopped working. Soon afterwards, he made a large sum of money by selling his design for a telegraphic instrument known as a stock checker, which relayed information about share prices from stock markets.

He then began on his own and set up a workshop and laboratory for making stock checkers and working on his other inventions. He also helped to make the first successful typewriter and found a way of sending as many as six messages together over the same telegraph wire without getting them mixed up. He was very proud of having invented the gramophone in 1877.

انسانی ۸۲

178 **Edison stopped studying at school, for ..... .**

1) he did not study well
2) his mother wanted him to do so
3) he had a great imagination and curiosity
4) the teacher thought he would not make progress at school

179 **At first Edison gave his attention to ..... .**

1) physics
2) telegraphy
3) chemistry
4) typewriting

180 **He became financially successful by ..... .**

1) working in a telegraph company
2) selling his design for a stock checker
3) selling magazines and fruit on a train
4) making chemicals at home

181 **According to his teacher, Edison's continual questions showed his ..... .**

1) stupidity
2) imagination
3) curiosity
4) telegraphy

182 **According to the passage, which sentence is NOT true?**

1) He, in 1877, invented one of the things he was very proud of.
2) He decided to learn telegraphy and worked in several telegraph offices.
3) He began on his own and set up a workshop and laboratory for making stock checkers.
4) By inventing the first typew[illegible] could send as mar[illegible] messages without getting them mixed up.

@khaneh_book

Passage 5

Socrates (c. 470-399 BC) was one of the greatest Greek philosophers. Little is known about Socrates' early life except that he served several times as a soldier and showed great bravery. He was born in Athens when that city was the leader of the world in literature, art, and government.

Socrates knew all the most famous writers and statesmen of his time, but he had no desire to be famous himself. He only wanted to show people how to live wisely and happily, and to convince them that wisdom and honesty are more important than riches or fame. His guiding rule was "know yourself ".

The young men of Athens were eager to learn from him. Socrates did not write down his teachings or invent any system of philosophy. Instead, he talked with the young men wherever he met them, and started them thinking for themselves about what is good in life. Some of these young men later became writers and wrote down Socrates' ideas. The most important of his followers was Plato. Plato's writings are Dialogues in which the main speaker is Socrates, discussing some questions with his young friends. Socrates would ask one of them to give an opinion on a subject. Socrates would then ask him questions. Often the person questioned had not really thought very deeply and had no good reason for his opinion. Then by more questioning they all tried to find the true answer. This method of learning the truth by asking questions has been named "Socratic" or "dialectic". هنر ۹۱

183 **According to the passage, for some time in his life Socrates ..... .**

1) was a soldier
2) served soldiers in Athens
3) encouraged soldiers to be brave
4) taught philosophy to brave soldiers

184 **According to the passage, Socrates ..... .**

1) tried to tell people how to live well
2) attempted to invent a system of philosophy
3) had his students write down his lessons
4) used writers' influence to become famous

185 **All of the following are true about Plato EXCEPT that he ..... .**

1) was an important student of Socrates
2) helped a method of learning the truth develop
3) learned things from Socrates when he was a young man
4) wrote a book in which he used one of the speakers to attack the ideas of Socrates

186 **The word "him" in line 12 refers to ..... .**

1) Socrates
2) Plato himself
3) a speaker in Plato's book
4) a student of Plato

187 **It can be understood from the passage that Socrates was born at a time when ..... .**

1) Greece was under the control of soldiers
2) Athens was in its best days
3) no one lived happily and wisely
4) his country needed more soldi[illegible]rtists

@khanenbook

Passage 6

Many years ago, places in the United States had laws that kept black people and white people apart. In some cities, laws said that black people could not sit next to white people on buses. Other laws did not allow black people to use the same drinking fountains or restrooms as white people.

One day, an African American woman named Rosa Parks got on a bus. After she sat down, the bus became full. The bus driver told Rosa to give up her seat to a white man. Rosa refused. She believed it was not fair that she had to give up her seat.

Rosa was arrested after refusing to move. People heard about Rosa's protest against the law. Some people said there should be fairer laws. Soon, more people began demanding that the law be changed.

Slowly, places in the United States began changing their laws. Bus drivers were no longer allowed to make black people give up their seats. New laws said black people must be able to use the same drinking fountains and restrooms as white people.

Rosa Parks spoke out for what she believed in. She was a person of strong character. We remember Rosa today as a hero who worked for fairness and equality.

188 What did Rosa Parks refuse to do on a bus?

1) sit down instead of standing up
2) give up her seat to a white man
3) give up her seat to an old lady
4) protest against the unfair laws

189 The word "demanding" in the third paragraph is closest in meaning to ..... .

1) calling
2) leaving
3) finding
4) asking

190 Rosa's protest caused some people to start saying the law should be changed. What was an effect of these people demanding change?

1) Nobody paid attention to laws that kept black people and white people apart.
2) Places in the United States slowly began changing their laws.
3) Rosa was arrested for refusing to change seats on the bus.
4) Rosa started to believe that the laws were not fair.

191 Based on the passage, which of the following best describes Rosa Parks?

1) lonely
2) selfish
3) brave
4) friendly

192 What is the main idea of this passage?

1) Rosa Parks wanted to be able to sit down on a bus, but a law stopped her from sitting.
2) The United States had many laws that kept black people and white people apart.
3) Rosa Parks spoke out against a law she thought was unfair by refusing to give up her seat on a bus to a white man.
4) Even today, black people an[illegible] people are kept ap[illegible] ny different ways in the society.

@khaneh_book

Passage 7

In 1610, Galileo left Padua to become "first philosopher and mathematician" to the Duck of Tuscany. This gave him more time for research and in 1613, he published a book called Letters on the Sunspots, and in it, as well as describing for the first time the spots that appear on the face of the Sun, declared his belief in Copernicus' theory that the Earth goes round the Sun. This brought Galileo into conflict with the Roman Catholic Church which still believed in the teaching of Ptolemy and said that all Christians were to believe in it. In 1616, the Pope made him promise not to hold, teach, or defend the ideas of Copernicus. Galileo went to live quietly in Florence and did not give up his studies, but he did not write very much. In 1632, however, he published his Dialogue on the Two Principal Systems of the World in which he again defended the theory of Copernicus. The book was praised all over Europe, but Galileo was called to Rome by the Inquisition and ordered, under threat of torture, to deny his beliefs. He did so, and was permitted to return to his own house, in 1634, on condition that he did not leave it.

In 1638, Galileo published another important book, the Dialogue on Two New Sciences, which explained his ideas about the new science of mechanics, later developed by Sir Isaac Newton. He went blind in 1637 but continued his work up to his death at Arcetri, near Florence, on 8 January 1642. ریاضی ۸۸

193 **According to the passage, Galileo ..... .**

1) did research studies about sunspots in 1613
2) published a letter on the Sun and sent it to the Duke
3) met the Duke of Tuscany, who was a mathematician
4) did not stop his scientific work even after he became blind

194 **In his first book, Galileo ..... .**

1) believed in the teaching of Ptolemy
2) made most Christians accept his idea
3) declared his conflict with the Roman Catholic Church
4) declared his belief in Copernicus' theory about the Earth

195 **The passage points out that in Florence, Galileo ..... .**

1) stayed at home because of being blind
2) wrote a great number of books
3) did not stop studying
4) decided not to talk to anyone

196 **The word "defended" in the first paragraph is closest in meaning to ..... .**

1) supported
2) stated
3) explained
4) changed

197 **Galileo was called to Rome because he published ..... .**

1) New Science of Mechanics
2) a book called Letters on the Sunspots
3) his Dialogue on the Two Principal Systems of the World
4) another important book, the Di[illegible]n Two New Scienc

@khanen_book

Passage 8

In 1876, George Bernard Shaw, a young man of 20, came to London from his birthplace in Dublin, Ireland, looking for his fortune as a writer. He was to become the most famous writer for the theater. His first attempts were not at plays, however. And when his name did begin to be known, it was for his essays, books, and speeches on behalf of the Fabian Society. As a young man, Shaw saw the need for changes and reforms in government, and when he became a socialist, he joined the Fabian Society, which had come into being to make the ideas of socialism more widely known and better understood.

Politics were not Shaw's only interest, for he loved art, music, and theater and wrote about these subjects for newspapers and magazines. He himself had a very clear mind, and he wanted to make other people think as clearly as he did about all kinds of subjects. It was for this that he began writing plays, for he felt that he could best do it through them.

تجربی ۸۵

198 According to the passage, Bernard Shaw came to London to ..... .

1) visit his birthplace
2) learn more about politics
3) get rest and continue his life
4) become a successful writer

199 Which sentence is NOT true according to the passage?

1) He was a great writer before he came to London.
2) Bernard Shaw's first attempts were not writing plays.
3) His fame was because of his essays, books, and speeches.
4) Bernard Shaw had an interest in writing for the theater.

200 Bernard Shaw felt the need for changes and reforms in government when he ..... .

1) was young
2) became a socialist
3) joined the Fabian Society
4) made the social ideas known more widely

201 The passage says that Bernard Shaw's works were directly related to all of the following EXCEPT ..... .

1) plays
2) art of writing
3) art and music
4) theater

202 The word "fortune" in line 2 is closest in meaning to ..... .

1) posture
2) purpose
3) occasion
4) success

Passage 9

Many believe that Alexander Graham Bell's greatest and most important personal goal was to invent the telephone, but this was not the case. Bell, who was born in 1847, called himself "a teacher of the deaf." Bell's father was a well-known speech teacher. Bell also taught speech. He used what he had learned from his father to teach at a school for the deaf in England. Bell went with his family to Canada in 1870. After two years, he opened a school for the deaf in Massachusetts.

The idea for the telephone came to Bell in 1874. At the same time Bell was experimenting with the telephone, he was working on equipment to help the deaf. It was 1876 before Bell uttered the first sentence over the telephone, the well-known words: "Mr. Watson, come here; I want you." (Watson was Bell's assistant.) Bell received a patent for the telephone in the same year.

Hundreds of cases were filed against Bell in court. Many people claimed they had already thought of the telephone. But Bell did not lose his patent. He remains on record as its inventor. The telephone was not Bell's only invention. He received 18 patents for other works and another 12 for work he had done with partners. Fourteen of the patents were for the telephone and telegraph. Others were for inventions such as the photophone, phonograph, and for different types of airplanes.

@khanen_book

203 **What is the main idea of this passage?**

1) Alexander Graham Bell wanted to prove that he could think of many inventions.
2) Alexander Graham Bell invented the telephone.
3) Alexander Graham Bell was a man of many achievements.
4) Alexander Graham Bell received 30 patents in his lifetime.

204 **The word "its" in the third paragraph refers to ..... .**

1) sentence 2) court 3) telephone 4) patent

205 **Which of the following did Bell also invent?**

1) automobile 2) light bulb 3) television 4) phonograph

206 **Which of the following subjects can you infer interested Bell more than others?**

1) electricity 2) sound 3) light 4) water

207 **What was the author's purpose in writing this passage?**

1) to inform 2) to entertain 3) to confuse 4) to understand

Passage 10

John Milton (1608 - 74) is usually thought of as the greatest of all English poets after Shakespeare. His most magnificent poem is Paradise Lost (1667), which tells the story of God's dealings with mankind, from the creation of the world, as told in the Bible.

Milton was born in London and went to St. Paul's School, where he was so eager to learn that, he said, "From the twelfth year of my age, I scarce ever went to bed before midnight". At 16 he went to Christ's College, Cambridge, and when he left after more than seven years, he settled down to continue studying in a Buckinghamshire village called Horton. Already he knew that he wanted to write a great poem, and he believed that to do this he must be not only a learned man but also a good one.

Although he was not ready yet to begin his great task, Milton did write other poems while he lived at Horton. Among them were L'Allegro and Il Penseroso (both 1631 - 32). L'Allegro described the things that a cheerful man likes, and Il Penseroso the things a serious man likes. Also written at Horton were Comus (1634), a masque in praise of purity, and Lycidas (1637), a beautiful, sad poem lamenting the death of Edward King, a fellow-student who had been drowned. هنر ۸۹

208 **The passage is mainly about ..... .**

1) Milton's early life 2) Milton's life and work
3) the way the Bible influenced Milton 4) why Shakespeare is considered a better poet than Milton

209 **The passage points out that Milton started his school ..... .**

1) when he was 10 2) at St. Paul's School
3) in Christ's College 4) because he lived in London

210 **From the sentence, "I scarce ever went to bed before midnight," we conclude that Milton ..... .**

1) had sleeping problems 2) stayed up studying 3) was not tired 4) loved the nighttime

211 **After more than seven years at Christ's College, John Milton ..... .**

1) was not interested in poems yet 2) believed that he had to be a learned man
3) settled down to continue studying in Horton 4) felt he needed peace and quiet

212 **Which statement about Milton's poems is NOT true?**

1) Milton did not write any poems while he was in Horton. 2) L'Allegro described the things that a cheerful man likes.
3) Il Penseroso described the things a serious man likes. 4) He wrote Comus, a masque in praise of purity, and Lycidas.

@khanesh_book

Final Exam

Grammar and Vocabulary

213. I ..... vegetables in the kitchen when I ..... the terrible story on the six o'clock news.
1) am cutting / hear
2) was cutting / was hearing
3) was cutting / heard
4) cut / heard

214. You can buy anything you ....., as long as it ..... more than three hundred dollars.
1) are wanting / isn't cost
2) want / doesn't cost
3) want / is not costing
4) are wanting / does not cost

215. Don't worry about ..... . We can amuse ..... for an hour or two.
1) ourselves / ourselves
2) us / our
3) us / ourselves
4) ourselves / us

216. When my father was working in the garden, an old friend ..... .
1) was passing by to see him
2) is passing by to see himself
3) passes by to see himself
4) passed by to see him

217. We were sitting peacefully at dinner, when all of a / an ..... the lights went out.
1) sudden
2) power
3) influence
4) situation

218. Researchers need to conduct further ..... on this substance. تجربی ۸۹ ـ با تغییر
1) backgrounds
2) experiments
3) opinions
4) descriptions

219. Parents have ..... concern about the amount of violence in some children's shows.
1) recited
2) narrated
3) expressed
4) decided

220. Sorry, I have a terrible ..... for names – I can't remember what your daughter is called.
1) skill
2) fact
3) idea
4) memory

221. If you ..... from your second language into your own native language, you're less likely to make mistakes.
1) translate
2) relate
3) connect
4) emphasize

222. A: "Did you ..... anything unusual in his behavior?" انسانی ۹۲
B: "Yes, and I think he needs to go to a psychologist."
1) create
2) state
3) seek
4) observe

223. I don't feel like doing anything very ..... this evening. I've had a tiring day.
1) possible
2) continuous
3) fortunate
4) energetic

224. I would advise you ..... to do what the boss asked you to do. Otherwise, you may lose your job.
1) bravely
2) recently
3) strongly
4) hardly

Cloze Test

A highly talented artist and scientist, Leonardo da Vinci was years ahead of his time. He was one of the greatest people in the movement called the Renaissance, the revival of art and learning [225] ..... in Italy in the 15th century. Today, many people [226] ..... Leonardo for painting some of the most famous [227] ..... of his time, but he achieved a great deal more than this. He designed castles and weaponry, [228] ..... machines, studied physics and mathematics, and made accurate scientific drawings of plants, animals, and the [229] ..... body. He was probably one of the world's greatest all-around geniuses.

@khanehketab

225 1) which begins 2) which is beginning 3) was beginning 4) that began

226 1) remember 2) understand 3) connect 4) stress

227 1) patterns 2) skills 3) pictures 4) details

228 1) collected 2) invented 3) solved 4) moved

229 1) medical 2) valuable 3) personal 4) human

Reading Comprehension

Passage 1

Louis Pasteur lived long ago. But the things he did help keep you healthy today. He was not a medical doctor. Yet he found new ways to help keep people from getting ill. Pasteur studied germs. He figured out that germs could live almost anywhere. He believed that these germs caused sickness.

Pasteur proved that sicknesses happen when germs get inside a body and multiply. He also found that if a few weak germs were put into an animal, the animal's body would develop its own defense against the germ. He proved this by giving sheep and chickens shots of weak germs. And it worked! Those animals no longer caught the bad sicknesses.

In 1881 he started work on a shot to stop rabies. Four years later, a rabid dog bit a boy. The parents asked Pasteur to save their son. Pasteur did not want to use his shot on a person. He was not sure what would happen. But he knew that the boy was sure to die without it. The shot was his only chance. So Pasteur gave him the first human vaccine. The little boy lived.

Pasteur wanted to come up with a way to keep germs from getting into people's bodies. He found a way to make milk free of germs. He learned that germs could not stand heat. When he heated milk to 140°F and then quickly cooled it and sealed it in clean jars, the germs died. His method is called pasteurization. It has been used on milk ever since. Today it is used to prevent germ growth in other products, too.

230 **Which of these does NOT describe Louis Pasteur?**

1) very smart 2) helpful 3) great doctor 4) willing to take risks

231 **Which of the following events happened later than the others?**

1) A rabid dog bit a boy.
2) Pasteur developed a rabies shot.
3) Pasteur gave a boy a vaccine.
4) The parents begged Pasteur to help.

232 **How does a vaccine work?**

1) It kills germs as they enter the body.
2) It doesn't let germs get into the body.
3) It makes the body produce more red blood cells.
4) It helps the body make a defense against germs.

233 **Why does a pasteurized liquid need to be sealed in a clean jar?**

1) to be sure that no germs are already in the jar or can get into the jar
2) to be sure that the germs cannot get the air they need to breathe
3) to keep the liquid at the right temperature
4) to make the liquid taste better

@khanenbook

Passage 2

Karl Benz invented the modern car in 1888 in Germany. Emile Roger worked for Benz in France. He made cars in France. By 1900, many people were building cars in France and in the U.S. The first company to build only cars was Panhard et Levassor in France. Panhard started in 1889. The Peugeot car company started in 1891 in France. In the US, Frank and Charles Duryea started the Duryea Motor Wagon Company in 1893. It was the first US car company. By 1902, Ransom E. Olds started the Olds Motor Vehicle Company. A year later, Henry Ford started the Ford Motor company. It produced the Cadillac. All these early modern cars burned gasoline or diesel fuel.

Ford opened factories in France and Britain in 1911. Then, they opened a factory in Denmark in 1923. Later, they opened a factory in Germany in 1925. Ford was one of the first manufacturers to use an assembly line. With an assembly line, factory workers could produce cars faster and safer than other production systems.

Most modern cars still burn gasoline or diesel fuel. These cars cause air pollution. They get the air dirty. Now many people are looking for cleaner cars. And, many car companies are looking for cleaner fuels.

234 Which company first built only cars?

1) Benz 2) Ford 3) Duryea 4) Panhard

235 When did the Peugeot car company start?

1) 1888 2) 1889 3) 1890 4) 1891

236 The Ford Motor Company opened a .....

1) factory in Denmark in 1911 2) factory in Germany in 1925

3) factory in Britain in 1929 4) factory in France in 1931

237 Whose idea was the assembly line?

1) Charles Duryea's 2) Emile Roger's 3) Henry Ford's 4) Karl Benz's

@khanen_book

پاسخ‌های تشریحی

۱ ۱ برنامهٔ آن پسر خواندن پزشکی و برگشتن به شهر کوچکش به عنوان دکتر بود.
۱) پزشکی، طب؛ دارو ۲) بیمار، مریض ۳) آزمایش؛ تجربه ۴) تحقیق، پژوهش

۲ ۲ دختر پنج ساله‌ام همیشه شاد و سرشار از انرژی به مهدکودک می‌رود.
۱) عمیق، گود ۲) پُر، سرشار ۳) ضعیف ۴) فقیر؛ ضعیف

۳ ۴ پیاده در خیابان می‌رفتم که یک‌هو یک نفر به شانه‌ام زد و اسمم را صدا زد.
۱) به آسانی، به راحتی ۲) در نهایت، بالاخره ۳) به سرعت، سریعاً، با شتاب ۴) به طور ناگهانی، یک‌هو

۴ ۲ موفقیت آزمایش به کنترل دقیق شرایط از جانب ما بستگی دارد.
۱) وضع فوق‌العاده، حالت اضطراری ۲) آزمایش؛ تجربه ۳) بیان؛ اصطلاح؛ [چهره] حالت ۴) محیط؛ محیط‌زیست

۵ ۴ آن پسرها که از شیوهٔ برخورد خودشان با برادر کوچک‌ترشان خجالت می‌کشیدند، تصمیم گرفتند از آن زمان به بعد، با او تا جایی‌که می‌توانستند مهربان باشند.
۱) علاقه‌مند به ۲) گیج از، سردرگم از ۳) متعجب از، حیرت‌زده از ۴) شرمنده از، خجالت‌زده از

۶ ۴ پدر و مادر مایک هر دو وقتی فوت شدند که او فقط نوزاد بود، بنابراین او هیچ‌کدام از آن‌ها را به یاد نمی‌آورد.
۱) تجربه کردن ۲) بیان کردن، گفتن، اظهار کردن
۳) مشاهده کردن، دیدن ۴) به یاد آوردن؛ به خاطر داشتن

۷ ۲ در واقع دوربین خودم را فراموش نکردم. فقط نمی‌خواستم عکس بگیرم.
۱) عکس ۲) دوربین عکاسی؛ دوربین فیلم‌برداری
۳) تلسکوپ ۴) میکروسکوپ

۸ ۴ تام لحظه‌ای آن‌جا نشست بدون این‌که چیزی بگوید و بعد بلند شد و اتاق را ترک کرد.
۱) بیان؛ اصطلاح؛ [چهره] حالت ۲) حدس، حدس و گمان ۳) عدد؛ تعداد؛ شماره ۴) لحظه، دقیقه

۹ ۴ تمایل دارم تشکر خودم را برای مهربانی‌تان بیان کنم.
۱) توصیف کردن، شرح دادن ۲) [داستان و غیره] نقل کردن، بازگو کردن
۳) تهیه کردن، فراهم کردن، مهیا کردن ۴) بیان کردن، گفتن، اظهار کردن

۱۰ ۳ شخصی که کارش تبدیل کلمات، به خصوص کلمات نوشته، به زبانی دیگر است، مترجم نامیده می‌شود.
۱) محقق، پژوهشگر ۲) دانشمند ۳) مترجم ۴) بیمار، مریض

۱۱ ۲ میلاد زندگی در شهر را دوست نداشت و به مزرعه‌ای برگشت که در آن بزرگ شده بود.
۱) به راه خود ادامه دادن ۲) [شخص] بزرگ شدن
۳) مراقبت کردن، مواظبت کردن ۴) این طرف و آن طرف رفتن، جابه‌جا شدن

۱۲ ۳ فکر کنم دوست دارم امروز عصر به جای بیرون رفتن، در خانه بمانم. دوست دارید به من ملحق شوید؟
۱) علی‌رغم، با وجود ۲) علاوه بر، افزون بر ۳) تا، به جای (این‌که) ۴) کنار، نزدیک

۱۳ ۱ دیوید تلفن همراه خودش را همراهش نداشت، پس نتوانست به مری زنگ بزند تا به او بگوید دیر خواهد کرد.
۱) سلول؛ تلفن همراه ۲) نوع؛ گونه، تیپ ۳) پرواز ۴) روشنایی، نور؛ چراغ
◄ تلفن همراه: cell phone

۱۴ ۱ او قادر نیست به پلیس توصیفی از سارق را ارائه کند چون‌که صورت او را ندید.
۱) توصیف، تعریف، شرح ۲) پس‌زمینه، زمینه؛ تجربیات ۳) مشاهده، ملاحظه ۴) آزمایش؛ تجربه

۱۵ ۴ فکر می‌کنم باید همان مقداری که روی درمان بیماری تأکید می‌کنیم، روی پیش‌گیری از آن تأکید کنیم.
۱) ایمان، اعتقاد؛ باور ۲) خبر، اخ... ۳) آفرینش، ... ۴) تأکید، تکیه؛ اصرار

@khareh_book

۱۶ ۴ وقت زیادی نداریم، پس بیایید روی مسائل مهم تمرکز کنیم.
۱) عمیق، گود ۲) سریع، تند ۳) ناگهانی، غیرمنتظره ۴) کلیدی، اصلی، مهم

۱۷ ۲ هرگز برای یاد گرفتن شعر حافظهٔ خوبی نداشته‌ام.
۱) گزارش ۲) حافظه؛ خاطره ۳) دانش، معلومات؛ شناخت ۴) اثر، تأثیر

۱۸ ۱ ما به شدت مخالف حضور آمریکا در آن کشور هستیم.
۱) به شدت؛ شدیداً ۲) از نظر عاطفی ۳) به سختی؛ به ندرت ۴) احتمالاً، شاید

۱۹ ۴ اگر نمی‌توانید این مسأله را حل کنید، بهتر است روش دیگری را امتحان کنید.
۱) پوشاندن ۲) دادن
۳) بالا بردن؛ افزایش دادن؛ [بچه] بزرگ کردن ۴) سعی کردن، تلاش کردن؛ امتحان کردن

۲۰ ۱ علی از آن نوع افرادی است که در مقابل مردم عصبی می‌شود، پس در صحبت کردن در مقابل جمع خوب نیست.
۱) نوع؛ گونه، تیپ ۲) علامت، نشانه ۳) پایان، آخر؛ هدف ۴) وضع، وضعیت؛ حالت؛ کشور؛ ایالت

۲۱ ۳ از سال‌ها انجام دادن آن کار تجربهٔ مفیدی کسب کردم.
۱) رشد کردن، بزرگ شدن؛ [گیاه] پرورش دادن ۲) حدس زدن
۳) به دست آوردن، کسب کردن ۴) راهنمایی کردن، هدایت کردن

۲۲ ۲ دولت به دنبال روش‌هایی برای کاهش هزینه‌های درمانی است.
۱) نگاه کردن؛ به نظر رسیدن ۲) جست‌وجو کردن؛ به دنبال ... بودن
۳) داشتن؛ خوردن ۴) ترک کردن؛ رها کردن

۲۳ ۲ سیستم کاری آن‌ها بر مبنای این باور است که مردم به صورت تیمی بهتر کار می‌کنند.
۱) علم؛ علوم ۲) ایمان، اعتقاد؛ باور، عقیده ۳) مهارت ۴) لحظه، دقیقه

۲۴ ۲ او آن‌قدر تعجب کرد که چند ثانیه توان صحبت کردن را از دست داد.
۱) وضع، موقعیت، شرایط ۲) قدرت، توان؛ نیرو؛ برق ۳) حقیقت، واقعیت ۴) ابزار، وسیله

۲۵ ۱ پیشرفت‌های علم و فناوری، مسیر را برای درمان‌های جدید برای بیشتر بیماری‌های مرگبار باز می‌کنند.
۱) علم؛ علوم ۲) انسان، بشر، آدم ۳) اختراع؛ ابداع ۴) اقدام؛ کار؛ فعالیت

۲۶ ۴ اگر به تصویر سیارهٔ ما در شب از فضا نگاه کنید، می‌توانید ببینید لامپ چگونه زندگی روی زمین را تغییر داد.
۱) پوشش؛ دربوش ۲) علامت، نشانه ۳) مدل؛ الگو ۴) حباب
◀ لامپ: light bulb

۲۷ ۲ آن‌ها در نهایت آن درختان پیر خیابان ما را قطع کردند، اما با کمال تأسف برای ما، یکی از آن‌ها روی ماشین ما افتاد.
۱) خوشبختانه ۲) متأسفانه؛ با کمال تأسف ۳) به طور ناگهانی، یه‌هو ۴) به شدت؛ شدید

۲۸ ۱ به نظر می‌رسید به طور کاملاً ناگهانی اتفاق افتاد؛ احساس وحشتناکی داشتم و خواستم که به بیمارستان برده شوم.
۱) ناگهانی، غیرمنتظره ۲) قدرت، توان؛ نیرو؛ برق ۳) مشکل، گرفتاری؛ دردسر ۴) علامت، نشانه
◀ ناگهان، به طور کاملاً ناگهانی: all of a sudden

۲۹ ۱ از آن‌جایی که آن مرد تنبل است و اصلاً حس مسئولیت‌پذیری ندارد، کار نمی‌کند تا برای خانواده‌اش پول در بیاورد.
۱) حس؛ احساس ۲) اساس، پایه ۳) عادت ۴) مقدار، میزان
◀ حس مسئولیت‌پذیری: sense of responsibility

۳۰ ۱ وقتی به خانه برگشتم، از دیدن این‌که آشپزخانه در چه وضعیت وحشتناکی بود وحشت کردم.
۱) وضع، وضعیت؛ حالت ۲) الگو؛ طرح ۳) پس‌زمینه، زمینه؛ تجربیات ۴) ترم، نیم‌سال؛ اصطلاح

۳۱ ۲ اغلب کلمات قدیمی به دلیل اختراعات و فناوری، معانی جدیدی می‌گیرند.
۱) حقیقت، واقعیت ۲) معنی ۳) جزء؛ [در جمع] جزئیات ۴) برنامه، طرح

۳۲ ۲ دانشمندان هنوز در مورد علل سرطان تحقیق می‌کنند.
۱) نگران بودن؛ اهمیت دادن ۲) تحقیق کردن، پژوهش کردن
۳) خلق کردن؛ درست کردن؛ ایجاد کردن ۴) گزارش دادن

@khaneh_book

۳۳ ۴ شما برای نجات جان خودتان در شرایط اضطراری، باید به سریع‌ترین شکلی که می‌توانید اقدام کنید.
۱) درست کردن؛ باعث ... شدن ۲) قرار دادن، گذاشتن ۳) نگه داشتن؛ برگزار کردن ۴) بردن؛ گرفتن
اقدام کردن: take action

۳۴ ۲ پزشکان مشاهده کردند که آن بیماری فقط در زنان بالای ۵۰ سال اتفاق می‌افتد.
۱) اداره کردن، کنترل کردن ۲) مشاهده کردن، دیدن ۳) اشاره کردن؛ مراجعه کردن ۴) اندازه‌گیری کردن، اندازه گرفتن

۳۵ ۳ دختر کوچکم وقتی شنید نمی‌تواند به پارک برود با عصبانیت شروع به بالا و پایین پریدن کرد.
۱) نگه داشتن؛ برگزار کردن ۲) نگه داشتن؛ ادامه دادن (به) ۳) پریدن ۴) بردن؛ گرفتن

۳۶ ۴ گواهی‌نامه‌ای دارید که نشان دهد که دوره را با موفقیت کامل کردید؟
۱) به طور ناگهانی، یه‌هو ۲) فوراً، بی‌درنگ ۳) (به طور) پیوسته، دائماً ۴) با موفقیت

۳۷ ۳ این یک راه‌حل احتمالی آن مشکل است. با این حال، راه‌حل‌های دیگری [نیز] وجود دارد.
۱) نهایی، پایانی ۲) پُر، سرشار ۳) ممکن؛ احتمالی ۴) بی‌دقت؛ بی‌احتیاط

۳۸ ۴ رزرو هواپیمای خودتان را زود انجام دهید چون‌که پروازها در محدودهٔ کریسمس به سرعت پر می‌شوند.
۱) در واقع، در حقیقت ۲) به سختی؛ به ندرت ۳) به طور ناگهانی، یه‌هو ۴) به سرعت، تند، زود

۳۹ ۳ باعث تأسف است که مجبور بودم کارم را درست وقتی که قلق مسائل دستم می‌آمد رها کنم.
۱) پوشاندن ۲) انتخاب کردن، برگزیدن ۳) ترک کردن؛ رها کردن ۴) (قطعه‌ای را) از حفظ خواندن
باعث تأسف است؛ حیف شد: It's a shame
قلق چیزی دست (کسی) آمدن: get the hang of sth

۴۰ ۳ این برایم فرصتی خوب خواهد بود تا از مهارت‌های زبانی‌ام به نفع خودم استفاده کنم و کار بسیار بهتری پیدا کنم.
۱) حقیقت، واقعیت ۲) سود، منفعت ۳) مهارت، چیره‌دستی ۴) ارزش؛ اهمیت؛ قیمت
به نفع خود: to one's advantage

۴۱ ۱ اگرچه جیمی به کیتی در مورد مشکل خودش گفت، نمی‌خواست به هیچ توصیه‌ای گوش کند که او در مورد روش حل کردن آن داشت.
۱) حل کردن ۲) حرکت کردن؛ حرکت دادن ۳) (قطعه‌ای را) از حفظ خواندن ۴) ترک کردن؛ رها کردن

۴۲ ۳ این‌جا به شدت دودآلود است؛ من فقط برای یک نفس هوای تازه بیرون می‌روم.
۱) ناامید شدن؛ [کار، عادت و غیره] ترک کردن، دست کشیدن از ۲) ادامه دادن (به)
۳) بیرون رفتن، خارج شدن ۴) کنار گذاشتن؛ پس‌انداز کردن

۴۳ ۴ ترجمهٔ دستورالعمل‌ها آن‌قدر ضعیف بود که صرفاً بی‌معنی بودند.
۱) گفت‌وگو، مکالمه ۲) مشاهده، ملاحظه؛ نظر ۳) اختراع، ابداع ۴) ترجمه

۴۴ ۴ اطلاعات جمع‌آوری‌شده در پژوهش شما، از ارزش بالایی برخوردار است، هم برای مدیران و هم برای مدرسان.
۱) حقیقت، واقعیت ۲) مورد، نمونه ۳) اقدام؛ کار؛ فعالیت ۴) ارزش؛ اهمیت؛ قیمت

۴۵ ۱ کامپیوترهای آنالوگ، وسایلی با کارکرد عمومی هستند که برای انجام اعمال ریاضی، قوانین فیزیک را به کار می‌گیرند.
۱) ابزار، وسیله ۲) اقدام؛ کار؛ فعالیت ۳) الگو؛ طرح ۴) ترم، نیم‌سال؛ اصطلاح

۴۶ ۱ شوهرم بعد از این‌که مدتی طولانی با بیماری‌اش مبارزه کرد، فوت کرد.
۱) فوت کردن، در گذشتن ۲) [شخص] بزرگ شدن ۳) ناامید شدن از؛ ترک کردن ۴) کنار گذاشتن؛ پس‌انداز کردن

۴۷ ۳ آن‌ها آلیس را فوراً به بیمارستان بردند؛ اما متأسفانه او دو ساعت بعد فوت کرد.
۱) شجاعانه، با بی‌باکی ۲) شخصاً؛ به طور شخصی ۳) متأسفانه؛ با اندوه ۴) اخیراً، به تازگی

۴۸ ۳ مچ پایم نسبتاً ضعیف است، بنابراین وقتی‌که تنیس بازی می‌کنم، همیشه روی آن نوار قرار می‌دهم تا آن را تقویت کنم.
۱) سخت؛ دشوار ۲) عمیق، گود ۳) ضعیف ۴) خوب، سرحال

۴۹ ۴ بعید است که اگر خیلی سخت‌تر درس نخوانید، موفق شوید. درس‌هایتان را جدی نمی‌گیرید.
۱) نهایی، پایانی ۲) [صبر، جد] ۳) علاقه‌مند ۴) موفق؛ موفقیت‌آمیز

@khaneh_book

۵۰ ۲ تاکنون قادر نبوده‌ایم دربارهٔ این فلز چیز زیادی بیابیم، اما هنوز در مورد آن تحقیق می‌کنیم.
۱) به خاطر داشتن؛ به یاد آوردن ۲) تحقیق کردن، پژوهش کردن ۳) گزارش دادن ۴) ربط داشتن، مربوط بودن

۵۱ ۲ دولت هر شش ماه ارقامی را منتشر می‌کند که نشان می‌دهند چند نفر بی‌کار هستند.
۱) اختراع کردن؛ ابداع کردن ۲) منتشر کردن، چاپ کردن
۳) مشاهده کردن، دیدن ۴) جست‌وجو کردن؛ به دنبال ـ بودن

۵۲ ۴ ما دیگر نمی‌توانیم از گذشته استفاده کنیم تا تلاش کنیم و آینده را پیش‌بینی کنیم چون تغییر با آهنگ بسیار سریعی اتفاق می‌افتد.
۱) پرجنب‌وجوش، سرشار از نیرو ۲) مناسب؛ شایسته ۳) خوش‌بخت، سعادتمند ۴) سریع، تند

۵۳ ۳ اگر برای بیش از ۲۰ نفر غذا سفارش دهید، ما می‌توانیم به شما در تمام قیمت‌های ذکرشده تخفیف ویژهٔ ۱۰٪ بدهیم.
۱) در حال توسعه ۲) پیوسته، مداوم ۳) خاص، ویژه، مخصوص ۴) مشهور، معروف

۵۴ ۱ نیکولاس در حال حاضر، با [وجود] مادر بیمارش و ضرب‌الاجل فشرده در سرکار، خیلی گرفتار است.
۱) لحظه، دقیقه ۲) علاقه؛ دلبستگی ۳) عنصر؛ بخش، قسمت ۴) عدد؛ تعداد؛ شماره
◀ در حال حاضر، الان :at the moment
◀ گرفتار بودن، سر [کسی] شلوغ بودن :have a lot on one's plate

۵۵ ۱ این روزها، جهان به دلیل ارتباطات مدرن و سیستم‌های حمل‌ونقل، در حال کوچک‌تر شدن است.
۱) مدرن، امروزی، جدید ۲) موفق؛ موفقیت‌آمیز ۳) ممکن، امکان‌پذیر ۴) ضعیف

۵۶ ۱ بعد از جنگ جهانی اول، صلح بعد از سال ۱۹۱۸، فقط حدود بیش از ۲۰ سال در اروپا دوام آورد، پیش از این‌که جنگ دوباره درگرفت.
۱) صلح، آرامش ۲) جزء؛ [در جمع] جزئیات ۳) حس؛ احساس ۴) تأکید، تکیه؛ اصرار
◀ [جنگ، آتش، توفان] در گرفتن :break out

۵۷ ۳ اگر دقیق نگاه کنید، متوجه خواهید شد که شما و دوستانتان شخصیت‌های مشابهی دارید.
۱) ترجمه ۲) آزمایش ۳) شخصیت ۴) مثال، نمونه

۵۸ ۱ باید وقتی توانایی مالی دارید، کمی پول پس‌انداز کنید. در غیر این صورت، برای خرید آپارتمان پول کافی نخواهید داشت.
۱) نگه داشتن؛ پس‌انداز کردن ۲) ناامید شدن؛ [عادت و غیره] ترک کردن
۳) پی بردن، فهمیدن ۴) ادامه دادن (به)

۵۹ ۴ برای روایت کردن [محتوای] ویدئو، باید یک بازیگر حرفه‌ای را استخدام کنیم.
۱) حاضر شدن (در)، شرکت کردن (در) ۲) نصب کردن، کار گذاشتن
۳) وصل کردن، متصل کردن ۴) بازگو کردن، روایت کردن

۶۰ ۳ افراد تحت فشار روحی زیاد ممکن است سردردها، دردهای خفیف و مشکلات خواب را تجربه کنند.
۱) تأکید، تکیه؛ اصرار ۲) الگو؛ طرح ۳) استرس، فشار روحی ۴) دانش، معلومات؛ شناخت

۶۱ ۱ بعضی از افراد اعتقاد دارند که اگر تلاش کنیم احساساتمان را بی‌پرده ابراز کنیم، می‌تواند سلامتی‌مان را بهبود ببخشد.
۱) بیان کردن، گفتن، اظهار کردن ۲) درگیر کردن؛ مستلزم ـ بودن ۳) پوشاندن ۴) اشاره کردن؛ ارجاع دادن

۶۲ ۴ سیستم مترو در تهران خیلی خوب است. آن جابه‌جا شدن را خیلی راحت می‌کند.
۱) دوام آوردن، طاقت آوردن ۲) [لباس و غیره] درآوردن؛ [هواپیما و غیره] بلند شدن
۳) درست کردن، تشکیل دادن، ساختن ۴) جابه‌جا شدن، این طرف و آن طرف رفتن

۶۳ ۴ تام پیش از این‌که در نهایت تصمیم بگیرد به بیمارستان برود، درد را چند هفته تحمل کرد.
۱) علامت، نشانه؛ تابلو ۲) ترم، نیم‌سال؛ اصطلاح ۳) اندام، عضو ۴) درد
◀ یکی دو تا، چند (تا) :a couple of

۶۴ ۳ باید به این بچه کمک کنید تا اعتماد به توانایی‌هایش را بسازد (شکل دهد)؛ در این‌صورت او قطعاً در تکالیف مدرسه‌اش بهتر خواهد شد.
۱) بردن؛ گرفتن ۲) راهنمایی کردن ۳) ساختن، بنا کردن ۴) نگه داشتن؛ برگزار کردن

@khanehbook

۶۵ ۳ دانشمندان تخمین می‌زنند که در طول ۶۰ سال گذشته، تقریباً دو سوم جهان خشک‌تر شده است.
۱) مخترع ۲) راوی؛ گویندهٔ داستان ۳) دانشمند ۴) مترجم

۶۶ ۴ فکر نمی‌کنم در شرایط فعلی، فروختن خانه‌تان ایدهٔ خوبی باشد. قیمت‌ها خیلی سریع افزایش می‌یابد.
۱) عدد؛ تعداد؛ شماره ۲) دلیل، علت ۳) تصمیم ۴) وضع، موقعیت، شرایط

۶۷ ۴ به طور کلی، ارتباط بین پزشکان و بیماران آن‌ها، مهم‌ترین بخش درمان پزشکی است.
۱) دارو، دوا؛ پزشکی ۲) آزمایش؛ تجربه ۳) آزمایشگاه ۴) بیمار، مریض

۶۸ ۴ فکر کنم او در مورد خانه‌اش در پاریس صحبت می‌کرد. واقعاً گوش نمی‌دادم.
◀ در صورتی‌که در گذشته عملی در حال انجام بوده باشد، ولی در جمله زمان دقیق آغاز و پایان آن مشخص نشده باشد، برای اشاره به آن از فعل گذشتهٔ استمراری (فعل ing‌دار + was / were) استفاده می‌شود. she ضمیر فاعلی سوم شخص مفرد است و برای آن از was استفاده می‌کنیم، نه were.

۶۹ ۳ هیچ‌کس نمی‌خواست به علی و برادرش کمک کند، بنابراین آن‌ها خودشان خیابان‌ها را تمیز کردند.
◀ برای تأکید بر فاعل جمله از ضمایر تأکیدی استفاده می‌کنیم. ضمیر تأکیدی مناسب برای Ali and his brother (علی و برادرش)، themselves می‌باشد.

۷۰ ۴ من و سعید، ساعت ۱۲:۳۰ به کافه‌تریا رفتیم تا برای خودمان نهار بخریم.
◀ در صورتی‌که فاعل و مفعول جمله‌ای هر دو به یک شخص، چیز و ... اشاره داشته باشند، به جای مفعول از ضمایر انعکاسی استفاده می‌شود. ضمیر انعکاسی مناسب برای Saeed and I (من و سعید)، ourselves می‌باشد.

۷۱ ۴ من در کودکی از برادرم متنفر بودم، اما الان با هم فوق‌العاده کنار می‌آییم.
◀ با توجه به مفهوم بخش اول جمله که به گذشته اشاره دارد، در بین گزینه‌های موجود، یکی از گزینه‌های (۱) (گذشتهٔ استمراری) و (۴) (گذشتهٔ ساده) می‌تواند صحیح باشد. دقت کنید که hate (متنفر بودن) یک فعل حالت است و بنابراین کاربرد آن به صورت استمراری صحیح نیست.

۷۲ ۱ دیروز برای پیاده‌روی طولانی به کوه رفتم. اما کفش‌های مناسبی نپوشیده بودم و الان پاهایم واقعاً درد می‌کند.
◀ در جای خالی اول، با توجه به مفهوم جمله، فعل گذشتهٔ استمراری به صورت منفی مدنظر است، بنابراین یکی از گزینه‌های (۱) و (۴) می‌تواند صحیح باشد. علاوه بر این، با توجه به وجود رابطهٔ مالکیت بین کلمهٔ جای خالی دوم و feet، در این مورد به صفت ملکی نیاز داریم که شکل مناسب آن در این تست، my می‌باشد.

۷۳ ۴ در حالی‌که در رودخانه شنا می‌کردم، یک نفر پول را از جیب پیراهنم دزدید.
◀ در صورتی‌که در زمان گذشته عملی در حال انجام بوده باشد و در این بین به طور ناگهانی عمل دیگری انجام شود، برای اشاره به عمل طولانی‌تر، از گذشتهٔ استمراری (در این تست was swimming) و برای اشاره به عمل کوتاه‌تر، از زمان گذشتهٔ ساده (در این تست stole) استفاده می‌شود.

۷۴ ۳ رضا، رادیو را خودت تعمیر کردی یا کس دیگری آن را برایت تعمیر کرد؟
◀ برای تأکید بر فاعل جمله از ضمایر تأکیدی استفاده می‌کنیم. با توجه به این‌که در این تست you مخاطب دوم شخص مفرد است، ضمیر تأکیدی مناسب برای آن yourself می‌باشد.

۷۵ ۴ A: «وقتی تلویزیون آتش گرفت، خواب بودید؟»
B: «بله، وقتی بوی دود به مشامم رسید، بیدار شدم.»
◀ وقتی‌که در زمان گذشته عملی در حال انجام بوده باشد و در این بین به طور ناگهانی عمل دیگری انجام شود، برای اشاره به عمل طولانی‌تر، از گذشتهٔ استمراری (در این تست were sleeping) و برای اشاره به عمل کوتاه‌تر، از زمان گذشتهٔ ساده (در این تست caught) استفاده می‌شود.

۷۶ ۳ امروز صبح چه‌کار می‌کردید؟ از آشپزخانه بوی بسیار عجیبی می‌آمد.
◀ در صورتی‌که در گذشته عملی در حال انجام بوده باشد، ولی در جمله زمان دقیق آغاز و پایان آن مشخص نشده باشد، برای اشاره به آن از فعل گذشتهٔ استمراری استفاده می‌شود. با توجه به گزینه‌ها، می‌توان متوجه شد که در این‌جا شکل سؤالی فعل گذشتهٔ استمراری را با what داریم که شکل صحیح آن در گزینهٔ (۳) آمده است.

۷۷ ۳ دختر علی می‌تواند نقاشی را خودش یکشد، چون‌که او در نقاشی کردن ماهر است.
◀ برای تأکید بر فاعل جمله از ضمایر تأکیدی است... ضمیر تأکیدی مناسب... Ali's daughter (دختر علی)، herself می‌باشد.

۷۸ ۴ به من ده دقیقه وقت بدهید، الان دارم نهار می‌خورم.

◀ در صورتی‌که فعل have به معنی «داشتن» باشد، فعل حالت به حساب می‌آید و شکل استمراری نخواهد داشت، اما با توجه به این‌که در این تست، have را در معنی «خوردن» داریم، شکل استمراری آن نیز صحیح می‌باشد. برای اشاره به کاری‌که در حال حاضر در حال انجام می‌باشد، از زمان حال استمراری استفاده می‌کنیم که شکل صحیح آن برای I در گزینهٔ (۴) آمده است.

۷۹ ۴ فیلم خودش خیلی خوب نبود، اما موسیقی [آن] را دوست داشتم.

◀ برای تأکید بر فاعل جمله از ضمایر تأکیدی استفاده می‌کنیم. ضمیر تأکیدی مناسب برای film (فیلم) که یک اسم غیر انسان مفرد است، itself می‌باشد.

۸۰ ۱ وقتی معلم وارد شد، تعدادی از دانش‌آموزان در پشت کلاس بازی می‌کردند.

◀ در صورتی‌که در زمان گذشته عملی در حال انجام بوده باشد و در این بین به طور ناگهانی عمل دیگری انجام شود، برای اشاره به عمل طولانی‌تر، از گذشتهٔ استمراری (در این تست were playing) و برای اشاره به عمل کوتاه‌تر، از زمان گذشتهٔ ساده (در این تست arrived) استفاده می‌شود.

۸۱ ۴ تو و مکس باید بتوانید تمام کار را به تنهایی انجام دهید.

◀ عبارت by oneself (all) به معنی «به تنهایی، بدون کمک دیگران» می‌باشد. با توجه به این‌که you and Max (تو و مکس) دوم شخص جمع است، به جای oneself از yourselves استفاده می‌شود.

۸۲ ۱ وقتی‌که دیروز در خیابان اکسفورد خرید می‌کردم، بازیکن فوتبال مشهوری را دیدم.

◀ در صورتی‌که در زمان گذشته عملی در حال انجام بوده باشد و در این بین به طور ناگهانی عمل دیگری انجام شود، برای اشاره به عمل طولانی‌تر، از گذشتهٔ استمراری (در این تست was shopping) و برای اشاره به عمل کوتاه‌تر، از زمان گذشتهٔ ساده (در این تست saw) استفاده می‌شود.

۸۳ ۳ آن‌ها ما را به دلیل آن چیزی‌که برای او اتفاق افتاد، سرزنش می‌کردند.

◀ ضمایر به کار رفته در هر دو جای خالی حالت مفعولی دارند، بنابراین در هر دو مورد یا ضمیر مفعولی می‌تواند صحیح باشد، یا ضمیر انعکاسی. پس گزینهٔ (۱) به دلیل کاربرد ضمیر فاعلی (they) نمی‌تواند صحیح باشد. در مورد جای خالی دوم، با توجه به این‌که her به فاعل جمله اشاره ندارد، کاربرد ضمیر انعکاسی (در این مورد herself) صحیح نیست و ضمیر مفعولی (در این مورد her) را انتخاب می‌کنیم.

۸۴ ۳ پدرم باور دارد روزی خواهد آمد که دیگر هیچ جنگی نخواهد بود.

◀ فعل believe (باور داشتن، اعتقاد داشتن) فعل حالت است و کاربرد آن به صورت استمراری صحیح نمی‌باشد. بنابراین کاربرد گزینه‌های (۱) و (۲) صحیح نیست. دقت کنید که my father (پدرم) فاعل سوم شخص مفرد است و در زمان حال ساده، فعل آن s می‌گیرد.

۸۵ ۲ صبح آرامی بود؛ پرندگان در درختان آواز می‌خواندند و گاوها غذا می‌خوردند. ما با شادی قدم می‌زدیم که طوفان وحشتناکی آغاز شد.

◀ برای اشاره به شرایط و اوضاع و احوال مربوط به زمان گذشته و به عبارت دیگر برای توصیف شرایط در گذشته، از زمان گذشتهٔ استمراری استفاده می‌شود. بنابراین در جاهای خالی اول و دوم به فعل گذشتهٔ استمراری نیاز داریم. در مورد جای خالی سوم دقت کنید که چون در زمان گذشته عملی در حال انجام بوده است و در این بین به طور ناگهانی عمل دیگری اتفاق افتاده است، برای اشاره به عمل طولانی‌تر، از گذشتهٔ استمراری (در این تست were walking) و برای اشاره به عمل کوتاه‌تر، از زمان گذشتهٔ ساده (در این تست started) استفاده می‌شود.

۸۶ ۴ وقتی سالی تصادف را دید، فوراً به آمبولانس (اورژانس) زنگ زد.

◀ در صورتی‌که دو عمل در زمان گذشته با فاصلهٔ زمانی کم از یک‌دیگر انجام شوند، برای اشاره به هر دوی آن‌ها از زمان گذشتهٔ ساده استفاده می‌شود.

۸۷ ۱ او دوربینش را با خودش آورد و از خودش خیلی خوشحال بود که آن یادش مانده بود.

◀ چون در جای خالی اول، ضمیر در جایگاه مفعول به کار رفته و از نظر شخصی هم مفعول با فاعل جمله (she) یکسان است، اما روی مفعول کاری انجام نشده، برای آن از ضمیر مفعولی (در این‌جا her) استفاده می‌کنیم. اما در جای خالی دوم، با توجه به این‌که این کلمه در جایگاه مفعول جمله قرار دارد و در عین حال از نظر شخص با فاعل جمله یکی است، به دلیل انجام فعل بر روی مفعول، در این مورد به ضمیر انعکاسی (herself) نیاز داریم.

۸۸ ۳ در حالی‌که منتظر هواپیمای خودم بودم، از وقت خودم به خوبی استفاده کردم؛ تعدادی ایمیل نوشتم.

◀ در صورتی‌که در زمان گذشته عملی در حال انجام بوده باشد و در این بین به طور ناگهانی عمل دیگری انجام شود، برای اشاره به عمل طولانی‌تر، از گذشتهٔ استمراری (در این تست was waiting) و برای اشاره به عمل کوتاه‌تر، از زمان گذشتهٔ ساده (در این تست used) استفاده می‌شود. دقت کنید که بین کلمهٔ جای خالی دوم و plane رابطهٔ تعلق و مالکیت وجود دارد. بنابراین در جای خالی دوم از صفت ملکی (در این‌جا my) استفاده می‌کنیم.

@khanehketab

۸۹ ۴ چرا چترت را با خودت آوردی؟ وقتی خانه را ترک کردی باران می‌بارید؟

◄ در صورتی‌که در زمان گذشته عملی در حال انجام بوده باشد، ولی در جمله زمان دقیق آغاز و پایان آن مشخص نشده باشد، برای اشاره به آن از فعل گذشتهٔ استمراری استفاده می‌شود.

۹۰ ۴ شانسی بود که وقتی صاعقه به درخت اصابت کرد، زیر آن درخت ننشسته بودیم.

◄ در صورتی‌که در زمان گذشته عملی در حال انجام بوده باشد و در این بین به طور ناگهانی اتفاق دیگری بیفتد، برای اشاره به عمل طولانی‌تر، از گذشتهٔ استمراری (were sitting) و برای اشاره به عمل کوتاه‌تر، از گذشتهٔ ساده (hit) استفاده می‌شود. دقت کنید که گزینهٔ (۱) به دلیل مثبت بودن، از نظر معنایی نمی‌تواند صحیح باشد.

۹۱ ۴ نگاه کن! پرندهٔ کوچکی هست که خودش را در رودخانه می‌شوید.

◄ در صورتی‌که فاعل و مفعول جمله‌ای هر دو به یک شخص، چیز و ... اشاره داشته باشد، به جای مفعول از ضمایر انعکاسی استفاده می‌شود. ضمیر انعکاسی مناسب برای little bird (پرندهٔ کوچک)، itself می‌باشد.

۹۲ ۳ او از هر نوع تماس فیزیکی متنفر است؛ او حتی دوست ندارد با شما دست بدهد.

◄ فعل dislike (دوست نداشتن، متنفر بودن از) فعل حالت است و کاربرد آن به صورت استمراری صحیح نمی‌باشد. بنابراین گزینه‌های (۲) و (۴) نمی‌توانند صحیح باشند. دقت کنید که بین کلمهٔ جای خالی دوم و hand رابطهٔ مالکیت وجود دارد. بنابراین در جای خالی دوم به صفت ملکی (در این‌جا your) نیاز داریم.

۹۳ ۲ مادرم در باغ کار می‌کرد، بنابراین وقتی دیروز به او زنگ زدم، [صدای] تلفن را نشنید.

◄ در صورتی‌که در گذشته عملی در حال انجام بوده باشد، ولی در جمله زمان دقیق آغاز و پایان آن مشخص نشده باشد، برای اشاره به آن از فعل گذشتهٔ استمراری (در این تست was working) استفاده می‌شود. بنابراین یکی از گزینه‌های (۱) و (۳) می‌تواند صحیح باشند. دقت کنید که در جای خالی دوم، ضمیر در جایگاه مفعول قرار دارد، اما به فاعل جمله‌واره (I) اشاره ندارد، بنابراین از ضمیر مفعولی (her) استفاده می‌شود، نه ضمیر انعکاسی.

۹۴ ۳ جان برای خودش پولیور تازه‌ای خرید و الان در آینه به خودش نگاه می‌کند.

◄ در صورتی‌که فاعل و مفعول جمله‌ای هر دو به یک شخص، چیز و ... اشاره داشته باشند، به جای مفعول از ضمایر انعکاسی استفاده می‌شود. هر دو جای خالی این تست، دارای جایگاه مفعول هستند و هر دو به فاعل جمله (John) اشاره دارند. بنابراین در هر دو مورد از ضمیر انعکاسی استفاده می‌کنیم.

۹۵ ۱ وقتی دیشب برق رفت چه کار می‌کردید؟

◄ با توجه به مفهوم جمله، در این تست کلمهٔ پرسشی what (چه، چه‌چیزی) دارای مفهوم صحیحی است، نه which (کدام، کدام‌یک). دقت کنید که اگر بخواهیم زمان گذشتهٔ استمراری را به حالت سؤالی در بیاوریم، فعل to be (در این تست were) به قبل از فاعل (در این‌جا you) منتقل می‌شود.

۹۶ ۱ خواهرم همیشه چمن‌ها را کوتاه می‌کند. آن مسئولیت اوست.

◄ با توجه به وجود رابطهٔ مالکیت و تعلق بین کلمهٔ جای خالی و responsibility (مسئولیت) در جای خالی به صفت ملکی (در این‌جا her) نیاز است.

۹۷ ۳ در امتحان تقلب نمی‌کردم، اما استاد فکر کرد که تقلب می‌کردم.

◄ با توجه به کاربرد was در بخش دوم جمله و همین‌طور با درنظر گرفتن مفهوم آن، در جای خالی به فعل گذشتهٔ استمراری نیاز داریم (گزینه‌های ۱ و ۳). علاوه بر این، به دلیل مفهوم جمله، فعل گذشتهٔ استمراری را به صورت منفی استفاده می‌کنیم.

۹۸ ۳ در ساعت هشت دیروز عصر، هواپیما از لس‌آنجلس به سیدنی پرواز می‌کرد.

◄ در صورتی‌که در گذشته عملی در حال انجام بوده باشد، ولی در جمله زمان دقیق آغاز و پایان آن مشخص نشده باشد، برای اشاره به آن از فعل گذشتهٔ استمراری (فعل ing‌دار + was / were) استفاده می‌شود.

۹۹ ۲ ما به عنوان خانواده با هم کار می‌کنیم، اما ما هم‌چنین کارهایی را [هم] به تنهایی انجام می‌دهیم.

◄ عبارت (all) by oneself به معنی «به تنهایی، بدون کمک دیگران» می‌باشد. با توجه به فاعل جمله (we)، به جای oneself، از ourselves استفاده می‌کنیم.

@khanehbook

۱۰۰ ۲ آن‌ها در سینما فیلم تماشا می‌کردند، پس متوجه نشدند بیرون برف می‌بارید.

◀ در صورتی‌که در گذشته عملی در حال انجام بوده باشد، ولی در جمله زمان دقیق آغاز و پایان آن مشخص نشده باشد، برای اشاره به آن از فعل گذشتهٔ استمراری استفاده می‌شود. بنابراین در جای خالی اول، فعل گذشتهٔ استمراری مدنظر است. جای خالی دوم نیز شرایط و اوضاع و احوال مربوط به گذشته را توصیف می‌کند. بنابراین در این مورد هم از فعل گذشتهٔ استمراری استفاده می‌کنیم.

۱۰۱ ۳ او در حالی‌که فوتبال بازی می‌کرد، دستش نشکست. او از پله‌ها پایین افتاد.

◀ در صورتی‌که در زمان گذشته عملی در حال انجام بوده باشد و در این بین به طور ناگهانی عمل دیگری اتفاق بیفتد، برای اشاره به عمل طولانی‌تر از گذشتهٔ استمراری (در این تست was playing) و برای اشاره به عمل کوتاه‌تر از زمان گذشتهٔ ساده (در این تست didn't break) استفاده می‌شود. دقت کنید که با توجه به مفهوم جمله، فعل گذشتهٔ ساده به صورت منفی مدنظر است و در واقع اتفاق نیفتادن آن مورد اشاره می‌باشد.

۱۰۲ ۲ او می‌دانست که مشکلی وجود دارد، اما من به او نگفتم چه خبر است.

◀ فعل know (دانستن) فعل حالت است و کاربرد آن به صورت استمراری صحیح نمی‌باشد. بنابراین گزینه‌های (۱) و (۴) نمی‌توانند صحیح باشند. در مورد جای خالی دوم نیز، با توجه به این‌که فاعل این بخش جمله (I) و مفعول (her) به دو شخص مختلف اشاره دارند، کاربرد ضمیر انعکاسی (herself) صحیح نیست.

۱۰۳ ۳ باید به سحر کمک کنم فرم خودش را پر کند، اما مریم خودش می‌تواند آن را انجام دهد، چون انگلیسی‌اش عالی است.

◀ در جای خالی اول، بین کلمهٔ جای خالی و form رابطهٔ مالکیت و تعلق وجود دارد، بنابراین از صفت ملکی (در این‌جا her) استفاده می‌شود. در مورد جای خالی دوم، با توجه به این که ضمیر موردنظر در جایگاه مفعول جمله به کار رفته است و مفعول به فاعل این بخش جمله (Maryam) اشاره دارد، از ضمیر انعکاسی (در این تست herself) استفاده می‌کنیم.

۱۰۴ ۳ دانش‌آموزان در کتابخانه خیلی حرف می‌زدند، بنابراین از آن‌ها خواسته شد [آن‌جا را] ترک کنند.

◀ در صورتی‌که در گذشته عملی در حال انجام بوده باشد، ولی در جمله زمان دقیق آغاز و پایان آن مشخص نشده باشد، برای اشاره به آن از فعل گذشتهٔ استمراری (فعل ing‌دار + was / were) استفاده می‌شود. بنابراین یکی از گزینه‌های (۲) یا (۳) صحیح است. با توجه به مفهوم جمله، فعل گذشتهٔ استمراری به صورت مثبت مدنظر است و گزینهٔ (۳) صحیح می‌باشد.

۱۰۵ ۳ آن‌ها وقتی دربارهٔ تصادف شنیدند، شام خودشان را می‌خوردند.

◀ در صورتی‌که در زمان گذشته عملی در حال انجام بوده باشد و در این بین به طور ناگهانی عمل دیگری انجام شود، برای اشاره به عمل طولانی‌تر، از گذشتهٔ استمراری (در این تست were having) و برای اشاره به عمل کوتاه‌تر، از زمان گذشتهٔ ساده (در این تست heard) استفاده می‌شود. دقت کنید که بین supper (شام) و کلمهٔ قبل از آن رابطهٔ مالکیت و تعلق وجود دارد، بنابراین در این‌جا از صفت ملکی (their) استفاده می‌کنیم. نکتهٔ آخر این‌که چون have در این تست در معنی «خوردن» به کار رفته، فعل کُنشی است و می‌تواند استمراری شود.

۱۰۶ ۲ تعجب می‌کنم که توانستی همهٔ آن جعبه‌ها را به تنهایی جابه‌جا کنی.

◀ عبارت by oneself (all) به معنی «به تنهایی، بدون کمک دیگران» است و با توجه به مفهوم جمله در این‌جا مدنظر می‌باشد.

۱۰۷ ۴ وقتی دیروز با شما تماس گرفتیم با تلفن صحبت می‌کردید، چون به هیچ‌طریقی نتوانستیم وصل شویم.

◀ در صورتی‌که در زمان گذشته عملی در حال انجام بوده باشد و در این بین به طور ناگهانی عمل دیگری انجام شود، برای اشاره به عمل طولانی‌تر از گذشتهٔ استمراری (در این تست were talking) و برای اشاره به عمل کوتاه‌تر، از زمان گذشتهٔ ساده (در این تست called) استفاده می‌شود. علاوه بر این، به دلیل مفهوم جمله، در جای خالی اول به مفعول یا ضمیر مفعولی (در این‌جا you) نیاز داریم. دقت کنید که چون فاعل و مفعول به یک شخص اشاره ندارند، در جای خالی اول کاربرد ضمیر انعکاسی صحیح نیست.

۱۰۸ ۴ بعد از یک ساعت دوچرخه‌سواری در نور آفتاب، به طور ناگهانی ابر بارانی بزرگی ظاهر شد و باران شروع به باریدن کرد.

◀ در صورتی‌که در گذشته دو عمل با فاصلهٔ اندک از یک‌دیگر اتفاق بیفتند، برای اشاره به هر دو از فعل در زمان گذشتهٔ ساده استفاده می‌شود.

۱۰۹ ۲ همین الان به دختر کوچکمان نگاه می‌کنم و او در آن لباس خیلی زیبا به نظر می‌رسد.

◀ در جای خالی اول، فعل look در معنی «نگاه کردن» به کار رفته است. دقت کنید که look در این معنی، فعل کُنشی است و با توجه به مفهوم جمله که به انجام شدن کاری در زمان حال اشاره دارد، آن را در زمان حال استمراری به کار می‌بریم. اما در جای خالی دوم، look به معنی «به نظر رسیدن» می‌باشد؛ و با توجه به این‌که این فعل در این [illegible] حالت است، کاربرد آن [illegible] استمراری صحیح نمی‌باشد.

@khanehbook

۱۱۰ ۳ پدر و مادرم فعالیت‌های مورد علاقهٔ خودشان را دارند. برای مثال، مادرم دوست دارد در باغ کار کند.

◄ در جای خالی اول، با توجه به وجود رابطهٔ مالکیت و تعلق بین favorite activities (فعالیت‌های مورد علاقه) و کلمهٔ جای خالی، از صفت ملکی (در این‌جا their) استفاده می‌کنیم. در مورد جای خالی دوم نیز دقت کنید که فعل like یک فعل حالت است و کاربرد آن به صورت استمراری صحیح نیست.

۱۱۱ ۲ آن‌ها در پارک من را ندیدند چون با یک‌دیگر حرف می‌زدند.

◄ با توجه به این‌که در این تست صحبت کردن عمل طولانی‌تر در گذشته است، برای اشاره به آن از فعل در زمان گذشتهٔ استمراری (در این تست were talking) استفاده می‌کنیم. اما ندیدن، عمل کوتاه‌تر در گذشته است و برای آن از فعل در زمان گذشتهٔ ساده (در این تست didn't see) استفاده می‌کنیم. دقت کنید که در بخش اول جمله، فاعل (they) و مفعول (me) به دو شخص متفاوت اشاره دارند و بنابراین در این‌جا کاربرد ضمیر انعکاسی (myself) صحیح نیست.

۱۱۲ ۳ آن‌ها کاملاً از یک‌دیگر متنفر هستند و هرگز با یک‌دیگر صحبت نمی‌کنند.

◄ با توجه به این‌که در این تست، مفعول جمله به فاعل آن (they) اشاره دارد، ممکن است تصور شود که جواب themselves می‌باشد. اما در صورت کاربرد themselves، جمله مفهوم مناسبی نخواهد داشت. (آن‌ها از خودشان متنفر هستند ...) بنابراین جمله تنها می‌تواند با each other (یک‌دیگر) معنی مناسبی داشته باشد.

۱۱۳ ۳ دیروز می‌خواستم مقداری نان بخرم، اما فروشنده اصلاً [نان] نداشت.

◄ هم فعل want (خواستن) و هم have (در معنی داشتن)، افعال حالت هستند و کاربرد آن‌ها به صورت استمراری صحیح نمی‌باشد. بنابراین فقط گزینه‌های (۳) و (۴) می‌توانند صحیح باشند. البته گزینهٔ (۴) نیز به دلیل منفی بودن فعل want از نظر معنایی صحیح نیست.

۱۱۴ ۱ وقتی که مهمانان شروع به آمدن کردند، آشپز در حال درست کردن غذایی خوش‌مزه بود.

◄ در صورتی‌که در زمان گذشته عملی در حال انجام بوده باشد و در این بین به طور ناگهانی عمل دیگری انجام شود، برای اشاره به عمل طولانی‌تر از گذشتهٔ استمراری (در این تست was preparing) و برای اشاره به عمل کوتاه‌تر، از زمان گذشتهٔ ساده (در این تست started) استفاده می‌شود.

۱۱۵ ۳ برادر کوچک‌ترم قبل از این‌که به مدرسه برود، ناهار خودش را درست می‌کند.

◄ با توجه به وجود رابطهٔ مالکیت و تعلق بین کلمهٔ جای خالی و lunch (ناهار)، در جای خالی از صفت ملکی (در این تست his) استفاده می‌شود.

۱۱۶ ۳ وقتی بچه‌ها تکالیفشان را تمام کردند، در تلویزیون چه‌چیزی تماشا می‌کردید؟

◄ در صورتی‌که در زمان گذشته عملی در حال انجام بوده باشد و در این بین به طور ناگهانی عمل دیگری انجام شود، برای اشاره به عمل طولانی‌تر از گذشتهٔ استمراری و برای اشاره به عمل کوتاه‌تر، از زمان گذشتهٔ ساده (در این تست finished) استفاده می‌شود. دقت کنید که هر سه گزینهٔ (۱)، (۳) و (۴)، دارای ساختار گذشتهٔ استمراری هستند، ولی به دلیل کاربرد on بعد از جای خالی، فقط ساختار پرسشی با what می‌تواند از نظر معنایی صحیح باشد.

۱۱۷ ۱ وقتی در میان کتاب‌هایتان نگاه می‌کردم، متوجه شدم که یک نسخه از سری کتاب‌های هری‌پاتر دارید.

◄ در صورتی‌که در زمان گذشته عملی در حال انجام بوده باشد و در این بین به طور ناگهانی عمل دیگری انجام شود، برای اشاره به عمل طولانی‌تر از گذشتهٔ استمراری (در این تست was looking) و برای اشاره به عمل کوتاه‌تر، از زمان گذشتهٔ ساده (در این تست noticed) استفاده می‌شود. دقت کنید که شکل صحیح فعل to be برای I، was می‌باشد، نه were.

۱۱۸ ۱ سمیرا و شوهرش صاحب شرکت خودشان هستند، پس می‌توانند هر وقت که بخواهند به خودشان تعطیلات بدهند.

◄ بین کلمهٔ جای خالی اول و company (شرکت) رابطهٔ مالکیت و تعلق وجود دارد، بنابراین در جای خالی اول، به صفت ملکی (در این تست their) نیاز داریم (گزینه‌های ۱ و ۳). در مورد جای خالی دوم دقت کنید که در این جای خالی، مفعول به فاعل این بخش جمله (they) اشاره دارد، بنابراین برای آن از ضمیر انعکاسی (themselves) استفاده می‌کنیم.

۱۱۹ ۳ همگی به مهمانی خوش آمدید! فقط از خودتان با ساندویچ‌ها و غذاهای سرپایی پذیرایی کنید.

◄ با توجه به این‌که در این تست، عبارت help oneself (از خود پذیرایی کردن)، به صورت امری به کار رفته، فعل help را به شکل ساده استفاده می‌کنیم. علاوه بر این، به دلیل جمع بودن مخاطبان، در جایگاه ضمیر انعکاسی از yourselves استفاده می‌شود، نه yourself.

۱۲۰ ۱ نیمه‌شب دیشب چه کار می‌کردید؟ به خانه‌تان آمدم، اما خانه نبودید.

◄ در صورتی‌که در گذشته عملی در حال انجام بوده باشد، ولی زمان دقیق آغاز و پایان آن مشخص نشده باشد، برای اشاره به آن از فعل گذشتهٔ استمراری استفاده می‌شود. با توجه به چینش گزینه‌ها، در جای خالی اول، فعل گذشتهٔ استمراری را با کلمهٔ پرسشی what نیاز داریم که شکل صحیح آن در گزینه‌های (۱) و (۳) آمده است. در مورد جای خالی دوم نیز دقت کنید که فعل come در گذشته، حالت استمراری نداشته و بنابراین برای آن از فعل گذشتهٔ ساده استفاده می‌شود، نه [illegible] از استمراری.

@khaneh_book

@khaneh_book

۱۲۱ ۲ دستگاه بسیار باهوشی است. خودش را خاموش می‌کند.

◀ در صورتی‌که فاعل و مفعول جمله‌ای هر دو به یک شخص، چیز و ... اشاره داشته باشند، به جای مفعول از ضمایر انعکاسی استفاده می‌شود. ضمیر انعکاسی مناسب برای it (آن)، itself می‌باشد.

۱۲۲ ۲ قبل از این‌که برویم، برای خودمان تعدادی کیسه‌خواب گرم خریدیم، چون‌که در آن‌جا هوا می‌تواند سرد شود، حتی در تابستان.

◀ ضمیری که در ابتدای گزینه‌ها قرار گرفته است، در جایگاه فاعل جمله قرار دارد، بنابراین باید از ضمیر فاعلی (در این تست we) استفاده کنیم (گزینه‌های ۲ و ۴). با توجه به این‌که مفعول هم به همین فاعل اشاره دارد، باید برای آن از ضمیر انعکاسی (در این مورد ourselves) استفاده کنیم.

۱۲۳ ۱ اگر در خانهٔ ما چیزهایی برای تعمیر وجود داشته باشد، اگر خیلی دشوار نباشند، پدر و مادرم خودشان آن‌ها را انجام می‌دهند.

◀ با توجه به وجود رابطهٔ مالکیت و تعلق بین کلمهٔ جای خالی اول و parents (والدین، پدر و مادر)، در جای خالی اول به صفت ملکی (در این تست my) نیاز داریم. دقت کنید که my parents (والدین من، پدر و مادرم) فاعل جمله است و ضمیر به کار رفته در جای خالی دوم به آن تأکید می‌کند. بنابراین در جای خالی دوم به ضمیر تأکیدی themselves نیاز داریم.

۱۲۴ ۳ در حالی‌که او به گل‌ها آب می‌داد، باران شروع به باریدن کرد. او چترش را باز کرد و به داخل [خانه] بازگشت.

◀ در صورتی‌که در زمان گذشته عملی در حال انجام بوده باشد و در این بین به طور ناگهانی عمل دیگری انجام شود، برای اشاره به عمل طولانی‌تر از گذشتهٔ استمراری (در این تست was watering) و برای اشاره به عمل کوتاه‌تر، از زمان گذشتهٔ ساده (در این تست began) استفاده می‌شود. دقت کنید که شکل گذشتهٔ سادهٔ فعل put که یک فعل بی‌قاعده است، بدون تغییر همان put است.

۱۲۵ ۱ آن‌ها به دلیل اشتباهاتی که کرده بودند، به خودشان می‌خندیدند.

◀ در صورتی‌که فاعل و مفعول جمله‌ای هر دو به یک شخص، چیز، گروه و ... اشاره داشته باشند، به جای مفعول از ضمایر انعکاسی استفاده می‌شود. ضمیر انعکاسی مناسب برای they (آن‌ها)، themselves می‌باشد. در جای خالی دوم، فاعل بخش دوم جمله را داریم و بنابراین از ضمیر فاعلی (they) استفاده می‌کنیم.

۱۲۶ ۳ مایک در طبقهٔ پایین صدای غیر منتظره‌ای شنید و فوراً بلند شد و به طبقهٔ پایین رفت تا کنترل کند که مشکلی وجود ندارد.

◀ در صورتی‌که در گذشته دو یا چند عمل با فاصلهٔ زمانی اندک از هم انجام شوند، برای اشاره به همهٔ آن‌ها از فعل در زمان گذشتهٔ ساده استفاده می‌شود (جاهای خالی اول، دوم و سوم). در مورد جای خالی چهارم دقت کنید که فعل to be (در معنی بودن) یک فعل حالت است و شکل استمراری آن صحیح نیست.

۱۲۷ ۴ بعد از این‌که شوهر مونا فوت کرد، او دو بچه را به تنهایی بزرگ کرد.

◀ در صورتی‌که دو عمل در گذشته با فاصلهٔ زمانی اندک از هم انجام شوند، برای هر دوی آن‌ها از زمان گذشتهٔ ساده استفاده می‌کنیم (جاهای خالی اول و دوم). عبارت (all) by oneself به معنی «به تنهایی، بدون کمک دیگران» می‌باشد و با توجه به مفهوم جمله، در این‌جا کاربرد دارد. البته چون این ضمیر به مونا اشاره دارد، شکل صحیح آن herself است.

۱۲۸ ۲ امروز صبح وقتی در جاده راه می‌رفتم [صدای] قدم‌هایی را پشت سرم شنیدم. یک نفر دنبالم می‌کرد.

◀ در صورتی‌که در زمان گذشته، عملی در حال انجام بوده باشد و در این بین به طور ناگهانی عمل دیگری انجام شود، برای اشاره به عمل طولانی‌تر از گذشتهٔ استمراری (در این تست was walking) و برای اشاره به عمل کوتاه‌تر، از زمان گذشتهٔ ساده (در این تست heard) استفاده می‌شود. در مورد جای خالی سوم نیز، با توجه به این‌که فعل در زمان مشخصی در گذشته در حال انجام بوده است، اما زمان دقیق آغاز و پایان آن در جمله مشخص نشده، از فعل گذشتهٔ استمراری استفاده می‌شود.

۱۲۹ ۲ ساندرا قادر نبود در بازی شرکت کند چون‌که حالش خوب نبود.

◀ با توجه به این‌که در این تست بعد از because یک جمله‌وارهٔ کامل داریم، در ابتدای آن به فاعل یا ضمیر فاعلی (در این تست she) نیاز است. بنابراین در بین گزینه‌های موجود، فقط گزینهٔ (۲) می‌تواند صحیح باشد.

۱۳۰ ۳ به درس خواندن در آمریکا در سال بعد فکر می‌کردم، اما متوجه شدم که لازم بود اول به پدرم در شرکت جدیدش کمک کنم.

◀ در صورتی‌که در گذشته عملی در حال انجام بوده باشد، ولی در جمله زمان دقیق آغاز و پایان آن مشخص نشده باشد، برای اشاره به آن از زمان گذشتهٔ استمراری استفاده می‌شود که در گزینه‌های (۲) و (۳) آمده است. دقت کنید که بین کلمهٔ جای خالی دوم و father رابطهٔ مالکیت و تعلق وجود دارد و بنابراین برای آن از صفت ملکی (در این‌جا his) استفاده می‌کنیم.

@khanehbook

متن کلوز (۱)

پانصد سال قبل، مردی به نام لئوناردو داوینچی در ایتالیا زندگی می‌کرد. او در سال ۱۴۵۲ به دنیا آمد و وقتی که جوان بود، در شهر زیبای فلورانس زندگی می‌کرد. لئوناردو شاگرد یک نقاش بود و یکی از مشهورترین نقاشانی شد که تاکنون زندگی کرده است. اما لئوناردو هم‌چنین معمار، دانشمند و مخترع [نیز] بود. او دستگاه‌های جالب زیادی را اختراع کرد، اما بسیاری از دستگاه‌های او خیلی خوب کار نمی‌کردند.

۱۳۱ ۱) نامیدن؛ صدا کردن؛ تلفن کردن ۲) به دست آوردن، کسب کردن
۳) (قطعه‌ای را) از حفظ خواندن ۴) دستور دادن؛ سفارش دادن

۱۳۲ ۱ ◀ he ضمیر فاعلی است و طبیعتاً فاعل در ابتدای جمله یا جمله‌وارهٔ خبری مورد استفاده قرار می‌گیرد. در زبان انگلیسی، فعل (در این تست was) بعد از فاعل می‌آید و سایر اجزای جمله بعد از آن قرار می‌گیرند.

۱۳۳ ۳ ◀ با توجه به این‌که در این تست لئوناردو داوینچی از نظر شهرت با تمام نقاشان دیگر تاریخ مقایسه شده است، در جای خالی به صفت عالی نیاز داریم که شکل مناسب آن برای صفت چندبخشی famous در گزینهٔ (۳) آمده است.

۱۳۴ ۴ ۱) آزمایش؛ تجربه ۲) پزشکی؛ دارو، دوا ۳) مسافر ۴) دانشمند

۱۳۵ ۳ ۱) پیوسته، مداوم ۲) ناگهانی ۳) جالب ۴) ممکن، امکان‌پذیر

متن کلوز (۲)

آلبرت انیشتین نزدیک به انتهای سدهٔ ۱۸۰۰ در [شهر] اولم آلمان متولد شد. او در سن ۲۶ سالگی از دانشگاه زوریخ در سوئیس فارغ‌التحصیل شد. آن هم‌چنین هنگامی بود که کار مشهورش در فیزیک را انجام داد. چهارده سال بعد، او برندهٔ جایزهٔ نوبل در فیزیک شد. او در ده سال بعدی در آلمان زندگی می‌کرد. او هم‌چنین خیلی سفر می‌کرد تا با سایر دانشمندان صحبت کند. سپس در اوایل دههٔ ۱۹۳۰، مجبور شد آلمان را به خاطر هیتلر و حزب نازی ترک کند. او به ایالات متحده نقل مکان کرد. او از آن زمان تا [زمان] مرگش در پرینستون نیوجرسی زندگی کرد. او در سن ۷۴ سالگی فوت کرد.

۱۳۶ ۲ ۱) عدد؛ تعداد؛ شماره ۲) سن ۳) وضع، وضعیت، حالت ۴) مدل؛ الگو

۱۳۷ ۱ ◀ با توجه به مفهوم جمله و کاربرد fourteen years (چهارده سال)، later می‌تواند جمله را کامل کند.

۱۳۸ ۲ ◀ با توجه به این‌که در این تست، ضمیر در جایگاه فاعل جمله قرار دارد، از ضمیر فاعلی (در این تست he) استفاده می‌شود.

۱۳۹ ۳ ۱) حاضر شدن (در)، شرکت کردن (در) ۲) رفتن
۳) ترک کردن؛ رها کردن ۴) بردن؛ گرفتن

۱۴۰ ۱ ۱) تا، تا وقتی‌که ۲) بعد، بعد از ۳) وقتی‌که، هنگامی‌که ۴) در حالی‌که

متن کلوز (۳)

ویکتور هوگو در ادبیات شخصیتی مشهور است. او پسر ژنرالی بود که در ارتش‌های ناپلئون اول خدمت می‌کرد. هوگو در سن ده سالگی با مادرش به پاریس رفت. اولین کتاب شعرش به قدری موفقیت‌آمیز بود که تصمیم گرفت نویسنده شود. او عضو اصلی جنبش رمانتیک شد که تلاش می‌کرد سبک و مضمون نوشتار را تغییر دهد. او آثار ادبی زیادی از قبیل رمان، نمایش‌نامه و شعر حماسی را منتشر کرد. بسیاری از رمان‌ها و نمایش‌نامه‌هایش علاقهٔ او را به سیاست منعکس می‌کردند. بعداز این‌که [حکومت] فرانسه جمهوری شد، هوگو به عنوان یک قهرمان به پاریس بازگشت. او در سال ۱۸۷۸ بیمار شد و درگذشت.

۱۴۱ ۴ ◀ با توجه به وجود رابطهٔ مالکیت و تعلق بین کلمهٔ جای خالی و اسم بعد از آن (mother)، در این‌جا به صفت ملکی نیاز داریم که شکل صحیح آن در گزینهٔ (۴) آمده است.

۱۴۲ ۱ ۱) موفق؛ موفقیت‌آمیز ۲) خوش‌بخت، سعادتمند ۳) ناگهانی ۴) قوی، نیرومند

۱۴۳ ۲ ◀ در صورتی‌که در گذشته عملی در حال انجام بوده باشد، ولی در جمله زمان دقیق آغاز و پایان آن مشخص نشده باشد، برای اشاره به آن از فعل گذشتهٔ استمراری استفاده می‌شود.

۱۴۴ ۱ ۱) منتشر کردن، چاپ کردن ۲) توصیف کردن، شرح دادن ۳) اختراع کردن؛ ابداع کردن ۴) گزارش دادن

۱۴۵ ۱ ۱) علاقه، دلبستگی ۲) ارزش ۳) اقدام؛ کار ۴) الگو؛ طرح

@khanehbook

متن کلوز ۴

بقراط دانشمند مشهوری بود. او بیش از ۲۰۰۰ سال پیش در یونان می‌زیست. او پزشکی می‌خواند. بقراط باور داشت که در داخل بدن انسان، چهار مایع وجود دارد. او نوشت که بیماری وقتی اتفاق می‌افتاد که این مایعات نامتعادل باشند. بسیاری از مردم به یافته‌های بقراط اعتقاد داشتند. تا اواخر سدهٔ ۱۸۰۰، بسیاری از کارهایی که پزشکان انجام می‌دادند، هنوز بر مبنای کارهای او بود. بسیاری از یافته‌های او، در پزشکی امروز مورد اعتقاد نیستند. با وجود این، پزشکان جدید هنوز سوگندنامه‌ای را با عنوان سوگندنامهٔ بقراط ادا می‌کنند. آن‌ها در این سوگندنامه متعهد می‌شوند پزشکان خوبی باشند.

۱۴۶ ۲ ۱) حل کردن ۲) مطالعه کردن؛ درس خواندن
۳) سعی کردن، تلاش کردن؛ امتحان کردن ۴) (قطعه‌ای را) از حفظ خواندن

۱۴۷ ۴ ◄ فعل believe (باور داشتن، اعتقاد داشتن) فعل حالت است و شکل استمراری آن صحیح نمی‌باشد (دلیل نادرستی گزینه‌های ۲ و ۳). علاوه بر این، به دلیل این‌که بقراط در گذشته می‌زیست، برای اعمال و تفکرات او از فعل گذشتهٔ ساده استفاده می‌شود، نه حال ساده.

۱۴۸ ۴ ۱) گرچه، اگرچه ۲) مگر این‌که ۳) قبل از، پیش از ۴) وقتی‌که، هنگامی‌که
۱۴۹ ۱ ۱) برمبنای ۲) گیج از، آشفته از ۳) علاقه‌مند به ۴) متفاوت با
۱۵۰ ۴ ۱) در عوض، به جایش ۲) به ویژه، به خصوص ۳) شاید ۴) با این حال، با وجود این

متن کلوز ۵

تلفن سال‌ها قبل اختراع شد. مدت‌ها قبل، همهٔ تلفن‌ها به بزرگی ظرف ناهار بودند. آن‌ها باید روی میز یا دیوار می‌ماندند. تلفن‌ها فقط یک هدف (کارکرد) داشتند. آن‌ها برای صحبت با سایر افراد استفاده می‌شدند. امروزه خیلی از افراد از تلفن‌های همراه استفاده می‌کنند. تلفن‌های همراه می‌توانند از دست شما کوچک‌تر باشند. آن‌ها را می‌توان هر جایی برد. این تلفن‌ها می‌توانند کارهای زیادی را انجام دهند. شما می‌توانید از آن‌ها برای ارسال کردن پیامک استفاده کنید. شما [هم‌چنین] می‌توانید از آن‌ها برای عکس گرفتن استفاده کنید. شما می‌توانید از آن‌ها برای بازی کردن استفاده کنید. یک کار دیگر [هم] وجود دارد که شما برای انجام آن می‌توانید از تلفن‌های همراه استفاده کنید. شما هنوز می‌توانید از آن‌ها برای صحبت با سایر افراد استفاده کنید!

۱۵۱ ۴ ۱) ترک کردن؛ رها کردن ۲) نگه داشتن؛ برگزار کردن
۳) عبور کردن (از)؛ قبول شدن در ۴) ماندن؛ اقامت کردن

۱۵۲ ۴ ◄ با توجه به مفهوم جمله و این‌که تلفن همراه از نظر کوچک بودن با دست انسان مقایسه شده است، در جای خالی به صفت تفضیلی نیاز داریم که شکل مناسب آن در گزینهٔ (۴) آمده است.

۱۵۳ ۱ ۱) حرکت کردن؛ حرکت دادن؛ بردن ۲) سعی کردن، تلاش کردن؛ امتحان کردن
۳) استراحت کردن؛ باقی ماندن ۴) پوشاندن

۱۵۴ ۴ ۱) به دست آوردن، کسب کردن ۲) حاضر شدن (در)، شرکت کردن (در)
۳) اختراع کردن؛ ابداع کردن ۴) فرستادن، ارسال کردن

۱۵۵ ۳ ۱) دوربین عکاسی؛ دوربین فیلم‌برداری ۲) تقویم
۳) عکس ۴) عدد؛ تعداد؛ شماره

متن کلوز ۶

موتسارت که در ۲۷ ژانویهٔ سال ۱۷۵۶ در شهر اتریشی سالزبورگ به دنیا آمد، نه اولین کودک باهوش بود و نه آخرین، اما بی‌شک برجسته‌ترین بود. موتسارت از سن شش سالگی هنگامی که پدرش وی را به اولین سفر خارجی‌اش برد، به مراکز موسیقی اتریش، آلمان، فرانسه، انگلستان، هلند، سوئیس و ایتالیا رفت. موتسارت تقریباً یک سوم از عمر کوتاهش را در حال مسافرت سپری کرد ـ او در سن ۳۵ سالگی از دنیا رفت.

او در خانواده‌ای ثروتمند به دنیا آمد. [خانواده‌ای] که در آن، نبوغ موسیقیایی‌اش خیلی زود خود را آشکار کرد. نخستین اثر مشهور وی در سال ۱۷۶۱، زمانی‌که او تنها پنج سال داشت، تصنیف شد.

۱۵۶ ۱ ◄ از who و that می‌توان به عنوان ضمیر موصولی فاعلی برای انسان استفاده کرد تا در مورد فاعل انسان اطلاعات بیشتری ارائه شود.

۱۵۷ ۴ ◄ برای اشاره به عملی که در زمان مشخصی در گذشته (در [illegible] ش سالگی موتسارت) انجام [illegible] از فعل در زمان گذشتهٔ ساده استفاده می‌کنیم.

@khanenbook

۱۵۸ ۴ ۱) نگه داشتن؛ برگزار کردن ۲) حرکت کردن؛ حرکت دادن
۳) بردن؛ گرفتن ۴) صرف کردن، گذراندن، سپری کردن

۱۵۹ ۳ ◄ در صورتی‌که فاعل و مفعول جمله‌ای هر دو به یک شخص، چیز و ... اشاره داشته باشند، به جای مفعول از ضمایر انعکاسی استفاده می‌شود. ضمیر انعکاسی مناسب برای his musical talents (نبوغ موسیقیایی‌اش) itself می‌باشد.

۱۶۰ ۱ ◄ با توجه به مفهوم جمله، در این‌جا اولین اثر موتسارت مدنظر می‌باشد و بنابراین شکل عالی صفت مورد نیاز است. دقت کنید که در این جمله his جایگزین the شده است و بنابراین کاربرد the در کنار آن صحیح نیست.

متن کلوز (۷)

باکتری‌ها باعث بسیاری از بیماری‌هایی می‌شوند که بر روی انسان‌ها تأثیر می‌گذارند. بنابراین دانشمندان برای سال‌ها تلاش می‌کردند تا ماده‌ای را بیابند که باکتری‌ها را بکشد، اما به بافت انسانی آسیب نزند. باکتری‌شناس اسکاتلندی، الکساندر فلمینگ (۱۹۵۵-۱۸۸۱)، اولین شخصی بود که یک مادهٔ آنتی‌باکتریال را شناسایی کرد. فلمینگ پژوهش خودش را در بیمارستان سنت‌مری [در شهر] لندنِ انگلیس انجام داد. فلمینگ در سال ۱۹۲۸ متوجه شد که کپکی که به صورت اتفاقی روی ظرفی از کشت باکتری شکل گرفته بود، باعث مردن باکتری‌ها شد. در سال ۱۹۴۱، محققان هاوارد فلری و ارنست چین، این کپک [یعنی] پنی‌سیلیوم را تصفیه کردند تا اولین آنتی‌بیوتیک جهان [یعنی] پنی‌سیلین را تولید کنند. پنی‌سیلین در درمان بسیاری از بیماری‌ها، از جمله مننژیت و سینه‌پهلو به صورت گسترده‌ای استفاده می‌شود. فلمینگ جایزهٔ نوبل پزشکی سال ۱۹۴۵ را با فلری و چین سهیم شد.

۱۶۱ ۲ ۱) متفکر، اندیشمند ۲) دانشمند ۳) مخترع ۴) پیامبر

۱۶۲ ۲ ◄ در این تست the first در نقش صفت شمارشی برای person به کار رفته و با توجه به این‌که در زبان انگلیسی صفت قبل از اسم قرار می‌گیرد، گزینهٔ (۲) صحیح است.

۱۶۳ ۴ ۱) بیمار، مریض ۲) اختراع، ابداع ۳) مهارت، چیره‌دستی ۴) تحقیق، پژوهش

۱۶۴ ۴ ۱) ترجمه کردن ۲) مستقر کردن ۳) پاک کردن، تمیز کردن ۴) متوجه شدن، فهمیدن

۱۶۵ ۳ ۱) آزمایش؛ تجربه ۲) گهواره، مهد ۳) بیماری ۴) ابزار، وسیله

متن ۱

قبل از زمان نیوتون، دانشمندان در مورد جاذبه چیزی را می‌دانستند. آن‌ها می‌دانستند که جاذبه باعث می‌شود اشیاء به سمت زمین بیفتند و از پرتاب شدن خانه‌ها و افراد به فضا جلوگیری می‌کند. نیوتون از خود پرسید آیا ممکن است این گونه باشد که زمین ماه را [به سمت خود] کشیده و مانع از دور شدن آن می‌شود؟ و آیا ممکن است چنین باشد که خورشید، زمین و سایر سیارات را [به سمت خود] کشیده و به ماندن آن‌ها در مسیرهایشان کمک می‌کند؟ نیوتون این طور فکر می‌کرد.

او در ابتدا نتوانست اثبات کند که ایده‌اش درست است. او خودش به این نتیجه رسید که در مسیر اشتباهی است. اما سال‌ها بعد، دوباره روی این مسأله کار کرد و [بالاخره] متوجه شد که در هر صورت حق با وی بوده است. او کتابی معروف را در مورد جاذبه نوشت.

نیوتون بسیاری اکتشافات دیگر [نیز] انجام داد. برخی از آن‌ها راجع به نور بودند. به عنوان مثال، او متوجه شد که نور خورشید از رنگ‌های رنگین‌کمان تشکیل شده است. او نور خورشید را تا حدی از طریق درست کردن حباب‌های صابون و تماشای رنگ آن‌ها بررسی کرد. همسایه‌هایش از دیدن این که مردی بالغ هر بار ساعت‌ها به درست کردن حباب می‌پردازد متعجب بودند.

نیوتون می‌خواست دربارهٔ سیارات و سایر اجرام آسمانی بیشتر پی ببرد (بداند). اما از تلسکوپ‌هایی که موجود بودند راضی نبود. او برای به دست آوردن تلسکوپی بهتر، یک نوع جدید [آن] ـ [یعنی] تلسکوپ انعکاسی (بازتابی) را ابداع نمود. آن [تلسکوپ] به او کمک کرد تا در مورد آسمان چیزهای جدید بسیاری را دریابد.

۱۶۶ ۱ دانشمندانی که قبل از نیوتون زندگی می‌کردند ..... .
۱) با آن‌چه ما اکنون جاذبه می‌نامیم آشنا بودند ۲) نمی‌دانستند [که] چرا اشیاء به [سمت] زمین می‌افتند
۳) متوجه نبودند که نیرویی آن‌ها را به زمین متصل نگه می‌دارد ۴) از این واقعیت که خانه‌ها همواره به زمین چسبیده بودند تعجب می‌کردند

۱۶۷ ۱ نیوتون وقتی‌که ..... اولین کتابش را نوشت.
۱) متوجه شد که ایده‌هایش درست است ۲) دریافت که در مسیر اشتباه بود
۳) تصمیم گرفت در کشورش مشهور شود ۴) تصمیم گرفت تحقیقش را در اختیار سایر دانشمندان قرار دهد

@khanen_book

۱۶۸ ۳ عبارت "made up" (تشکیل دادن، ساختن) در پاراگراف ۳، نزدیک‌ترین معنی را به "composed" دارد.

۱) خم کردن؛ خم شدن ۲) ساختن، درست کردن ۳) ساختن، تشکیل دادن ۴) جدا کردن

◄ از ... متشکل بودن، از ... تشکیل شدن: be made up of - be composed of

۱۶۹ ۴ کلمهٔ "one" در پاراگراف ۴ به "telescope" اشاره دارد.

۱) نوع؛ گونه ۲) دید، منظره ۳) آزمایش؛ تجربه ۴) تلسکوپ

متن ۲

آلفرد برنهارد نوبل، مخترع و نیکوکار سوئدی، بیشتر ثروت زیادش را در صندوقی به صورت سرمایه به ارث گذاشت که از آن می‌توان جوایز سالانه‌ای را به افراد و سازمان‌هایی اعطا کرد که در یک سال خاص به بزرگ‌ترین دستاورد برای بشریت دست یافته باشند. در اصل، در وصیت‌نامهٔ نوبل، شش دسته‌بندی برای دستاوردهای برجسته تعیین شده بود، شامل شیمی، فیزیک، فیزیولوژی یا پزشکی، ادبیات و صلح بین‌الملل.

این جوایز توسط بنیاد نوبل در استکهلم اداره می‌شوند. در سال ۱۹۶۹، جایزه‌ای برای اقتصاد که توسط بانک مرکزی سوئد اعطا می‌شود، اضافه شد. نامزدهای این جوایز باید به صورت نوشته، توسط یک مقام واجد شرایط در زمینهٔ مورد رقابت پیشنهاد شوند. دریافت‌کنندگان [جوایز] در فیزیک، شیمی و اقتصاد، توسط آکادمی سلطنتی علوم سوئد؛ در فیزیولوژی یا پزشکی توسط انستیتوی کارولینسکا؛ در ادبیات توسط آکادمی سوئد و در صلح توسط کمیتهٔ نوبل نروژ که توسط پارلمان نروژ منصوب می‌گردند، برگزیده می‌شوند. معمولاً جوایز در ۱۰ دسامبر در استکهلم اعطا می‌شود، در حالی‌که پادشاه سوئد مراسم ادای احترام مناسبی را برای آلفرد نوبل در سالگرد مرگش اجرا می‌کند. هر کدام [از جوایز] شامل یک مدال طلا، یک دیپلم [افتخار] و جایزه‌ای نقدی در حدود یک میلیون دلار است.

۱۷۰ ۲ این متن عمدتاً در چه موردی بحث می‌کند؟

۱) آلفرد برنهارد نوبل ۲) جوایز نوبل
۳) دستاوردهای بزرگ برای بشر ۴) بشردوستی سوئدی

۱۷۱ ۳ جایزهٔ نوبل به ..... داده نخواهد شد.

۱) نویسنده‌ای که رمانی نوشت ۲) پزشکی که واکسنی را کشف کرد
۳) آهنگسازی که یک سمفونی را نوشت ۴) دیپلماتی که یک توافق صلح را مورد مذاکره قرار داد

۱۷۲ ۲ کدام شخص یا سازمان به عنوان اداره‌کنندهٔ صندوق عمل می‌کند؟

۱) پادشاه سوئد ۲) بنیاد نوبل
۳) بانک مرکزی سوئد ۴) آکادمی‌ها و انستیتوهای سوئدی و نروژی

۱۷۳ ۲ چرا جوایز در ۱۰ دسامبر اعطا می‌شوند؟

۱) آن ادای احترامی برای پادشاه سوئد است. ۲) آلفرد برنهارد نوبل در آن روز فوت کرد.
۳) آن تاریخ در وصیت‌نامهٔ نوبل تعیین شده بود. ۴) بانک مرکزی سوئد، صندوق را اداره می‌کند.

متن ۳

لئوناردو داوینچی در سال ۱۴۵۲ در ناحیهٔ فلورانس ایتالیا متولد شد. او کارهای بسیاری انجام داد. او دانشمند، مخترع، موسیقی‌دان، ریاضی‌دان و معمار بود. او در مورد حیوانات و گیاهان هم اطلاع داشت. او می‌توانست کارهای بسیاری را به خوبی انجام دهد. لئوناردو برای نقاشی‌اش مشهور بود. او مونالیزا و شام آخر را کشید. آن‌ها مشهورترین نقاشی‌های او هستند و بسیاری از مردم آن‌ها را می‌شناسند. او کار کردن بر روی شام آخر را در سال ۱۴۹۵ در میلان آغاز کرد و آن را در سال ۱۴۹۸ به اتمام رساند. [هم‌چنین] او کار کردن بر روی مونالیزا را در سال ۱۵۰۳ در ایتالیا آغاز کرد و آن را مدت کوتاهی قبل از این‌که فوت شود به اتمام رساند. آن در حال حاضر در فرانسه است. نقاشی‌های لئوناردو خیلی خوب بودند. او درک می‌کرد که بدن‌های انسان‌ها چه‌طور کار می‌کند. علاوه بر این، او می‌دانست [که] افراد شاد یا ناراحت چه‌طور به نظر می‌رسند، چون‌که می‌دانست احساس چگونه در چهرهٔ افراد دیده می‌شود. از آن‌جایی که او طبیعت، نور و سایه را درک می‌کرد، نقاشی‌هایش طبیعی به نظر می‌رسیدند. لئوناردو ایده‌های بسیاری برای اختراعات داشت. او برای هلیکوپتر و هم‌چنین تانک، طرح‌هایی کشید. او حتی در مورد ماشین‌حساب ایده‌ای داشت. او ایده‌ای برای تولید انرژی خورشیدی یعنی انرژی حاصل از خورشید، داشت. لئوناردو همزمان با میکل‌آنژ و رافائل می‌زیست. او از میکل‌آنژ، ۲۷ سال و از رافائل، ۳۱ سال بزرگ‌تر بود. لئوناردو در سال ۱۸۱۹ فوت شد.

@khanehbook

۱۷۴ ۳ طبق متن، لئوناردو در کدام مورد زیر قوی نبود؟
۱) هنر ۲) زیست‌شناسی ۳) شیمی ۴) روان‌شناسی

۱۷۵ ۴ کلمهٔ "them" در سطر ۴ به چه چیزی اشاره دارد؟
۱) افراد بسیاری ۲) حیوانات و گیاهان ۳) تمامی نقاشی‌های لئوناردو ۴) مونالیزا و شام آخر

۱۷۶ ۱ کدام‌یک از موارد زیر را می‌توان از متن برداشت کرد؟
۱) تمام کردن مونالیزا بیشتر از شام آخر طول کشید.
۲) لئوناردو، مونالیزا را وقتی کشید که هنوز جوان بود.
۳) لئوناردو، مونالیزا را در مدت کوتاهی تمام کرد.
۴) لئوناردو، مونالیزا را در فرانسه کشید.

۱۷۷ ۲ کدام‌یک از موارد زیر را در مورد لئوناردو متوجه می‌شویم؟
۱) او هرگز به اختراع کردن چیزی فکر نمی‌کرد که بتواند در طول دوران جنگ به کار رود.
۲) او علاقه‌مند به یافتن روش‌هایی برای به دست آوردن انرژی از خورشید بود.
۳) او وقتی اختراعی انجام می‌داد از تمام عناصر طبیعی آگاه بود.
۴) او وقتی فوت شد که هنرمند مشهور، میکل‌آنژ، فقط ۳۷ سال داشت.

متن ۴

توماس الوا ادیسون (۱۹۳۱-۱۸۴۷)، دانشمندی آمریکایی، یکی از بزرگ‌ترین مخترعین جهان بود؛ او در [شهر] میلانِ اوهایو در ایالات متحده متولد شد. وقتی یک پسربچه بود تخیل و کنجکاوی زیادی داشت و از مدرسه اخراج شد زیرا معلم [او] فکر می‌کرد پرسش‌های مداوم وی نشانهٔ کندذهنی است. نخستین علاقهٔ بزرگ او شیمی بود و هرچه می‌توانست دربارهٔ آن مطالعه می‌کرد؛ او هنگامی که شروع به پرورش و فروختن سبزیجات کرد تا بتواند برای انجام آزمایشات در خانه، مواد شیمیایی بخرد، فقط ده سال داشت. وقتی ۱۲ سال داشت، با فروش مجله و میوه در قطار کار می‌کرد.

او سپس تصمیم گرفت تلگراف را یاد بگیرد و در چندین دفتر تلگراف کار کرد. بعدها این شانس را داشت [که] درست هنگامی وارد ساختمان یک شرکت تلگراف شد که [دستگاه] تلگراف از کار افتاده بود. مدت کوتاهی بعد از آن، او با فروش طرحش در مورد یک وسیلهٔ تلگرافی معروف به کنترل‌کنندهٔ سهام که اطلاعات مربوط به قیمت‌های سهام را از بازارهای بورس ارسال می‌کرد، پول زیادی به دست آورد.

سپس به تنهایی شروع به کار کرد و کارگاه و آزمایشگاهی برای ساختن دستگاه‌های کنترل‌کنندهٔ سهام و کار بر روی سایر اختراعاتش تأسیس کرد. او هم‌چنین به ساختن نخستین ماشین تحریرِ موفق کمک و روشی برای ارسال همزمان تا شش پیام از طریق یک خط تلگراف پیدا کرد، بدون به تداخل انداختن آن‌ها. او به اختراع گرامافون در سال ۱۸۷۷ خیلی افتخار می‌کرد.

۱۷۸ ۴ ادیسون دست از تحصیل در مدرسه برداشت چون .....
۱) خوب درس نمی‌خواند
۲) مادرش از او می‌خواست که چنین کند
۳) تخیل و کنجکاوی زیادی داشت
۴) معلم فکر می‌کرد او در مدرسه پیشرفت نخواهد کرد

۱۷۹ ۳ در ابتدا ادیسون توجه خود را به ..... معطوف کرد.
۱) فیزیک ۲) تلگراف
۳) شیمی ۴) ماشین‌نویسی

۱۸۰ ۲ او با ..... از لحاظ مالی موفق شد.
۱) کار در یک شرکت تلگراف
۲) فروش طرحش در مورد یک دستگاه کنترل‌کنندهٔ سهام
۳) فروش مجله و میوه در قطار
۴) ساختن مواد شیمیایی در خانه

۱۸۱ ۱ به گفتهٔ معلم ادیسون، پرسش‌های مداوم او نشان‌دهندهٔ ..... او بود.
۱) کندذهنی ۲) تخیل، تصور ۳) کنجکاوی ۴) تلگراف

۱۸۲ ۴ طبق متن، کدام جمله صحیح نیست؟
۱) او در سال ۱۸۷۷ یکی از وسایلی را اختراع کرد که خیلی به آن افتخار می‌کرد.
۲) او تصمیم گرفت تلگراف را یاد بگیرد و در چندین دفتر تلگراف کار کرد.
۳) او به تنهایی شروع به کار کرد و کارگاه و آزمایشگاهی برای ساختن دستگاه‌های کنترل‌کنندهٔ سهام تأسیس کرد.
۴) او با اختراع نخستین ماشین تحریر توانست تا ... ا بدون به تداخل انداختن ... ال کند.

@khanenbook

متن ۵

سقراط (حدود ۴۷۰ تا ۳۹۹ پیش از میلاد) یکی از بزرگ‌ترین فیلسوفان یونانی بود. در مورد اوایل زندگی سقراط اطلاعات کمی موجود است، به‌جز این‌که او چند بار به عنوان سرباز خدمت کرد و شجاعت بسیاری را [از خود] نشان داد. او در آتن [و] هنگامی که آن شهر رهبر جهان در ادبیات، هنر و حکومت[داری] بود، به دنیا آمد.

سقراط همهٔ مشهورترین نویسندگان و سیاستمداران عصر خودش را می‌شناخت، اما هیچ تمایلی نداشت تا خودش [هم] مشهور باشد. او فقط می‌خواست به مردم نشان دهد [که] چگونه خردمندانه و سعادتمندانه زندگی کنند، و آن‌ها را متقاعد کند که خردمندی و صداقت از ثروت یا شهرت مهم‌تر است. قاعدهٔ الگوی او «خودت را بشناس» بود. مردان جوان آتن مشتاق بودند از او درس بگیرند. سقراط تعالیم خودش را نمی‌نوشت یا مکتب فلسفی ابداع نکرد. او به جای آن، هر جا که مردان جوان را ملاقات می‌کرد با آن‌ها صحبت می‌نمود و آن‌ها را ترغیب می‌کرد که دربارهٔ آن‌چیزی که در زندگی خوب است، برای خودشان فکر کنند. بعضی از این مردان جوان بعدها نویسنده شدند و ایده‌های سقراط را نوشتند. مهم‌ترین شاگرد او افلاطون بود. نوشته‌های افلاطون، گفت‌وگوهایی هستند که در آن‌ها گویندهٔ اصلی سقراط است، که با دوستان جوانش دربارهٔ مسائلی بحث می‌کند. [در این نوشته‌ها] سقراط از یکی از آن‌ها می‌خواهد که نظرش را دربارهٔ موضوعی بدهد. بعد از آن، سقراط از او سؤالاتی می‌پرسد. اغلب، شخصی که مورد سؤال قرار گرفته بود واقعاً [دربارهٔ آن] خیلی عمیق فکر نکرده بود و برای نظرش هیچ دلیل مناسبی نداشت. سپس آن‌ها همگی با پرسیدن سؤالات بیشتر تلاش می‌کردند جواب صحیح را پیدا کنند. این روش یادگیری حقیقت به وسیلهٔ سؤال پرسیدن، «سقراطی» یا «دیالکتیک» نامیده شده است.

۱۸۳ ۱ طبق متن، سقراط برای مدتی در زندگی‌اش ..... .

۱) سرباز بود
۲) به سربازها در آتن خدمت می‌کرد
۳) سربازان را تشویق می‌کرد تا شجاع باشند
۴) به سربازان شجاع، فلسفه درس می‌داد

۱۸۴ ۱ طبق متن، سقراط .....

۱) تلاش می‌کرد به مردم بگوید چه‌طور خوب زندگی کنند
۲) می‌کوشید یک مکتب فلسفی ابداع کند
۳) از دانشجویانش می‌خواست که درس‌هایش را بنویسند
۴) از نفوذ نویسندگان استفاده می‌کرد تا مشهور شود

۱۸۵ ۴ همهٔ موارد زیر دربارهٔ افلاطون صحیح هستند، به‌جز این‌که او ـــــ .

۱) یکی از دانشجویان مهم سقراط بود
۲) کمک کرد تا یک روش پی بردن به حقیقت شکل بگیرد
۳) وقتی مرد جوانی بود از سقراط چیزهایی یاد گرفت
۴) کتابی نوشت که در آن از یکی از گوینده‌ها برای حمله به عقاید سقراط استفاده کرد

۱۸۶ ۳ کلمهٔ "him" در سطر ۱۲ به "a speaker in Plato's book" اشاره دارد.

۱) سقراط
۲) خود افلاطون
۳) گوینده‌ای در کتاب افلاطون
۴) یک دانشجوی افلاطون

۱۸۷ ۲ می‌توان از متن متوجه شد که سقراط در زمانی متولد شد که ..... .

۱) یونان تحت کنترل سربازان بود
۲) آتن در بهترین روزهایش بود
۳) هیچ‌کس سعادتمندانه و خردمندانه زندگی نمی‌کرد
۴) کشورش به سربازان بیشتری نیاز داشت تا هنرمندان

متن ۶

سال‌ها قبل، مکان‌ها[ی مختلف] در ایالات متحده قوانینی داشتند که افراد سیاه‌پوست و افراد سفیدپوست را جدا نگه می‌داشتند. در بعضی از شهرها، قوانین بیان می‌کردند که افراد سیاه‌پوست نمی‌توانستند در اتوبوس‌ها کنار افراد سفیدپوست بنشینند. سایر قوانین به افراد سیاه‌پوست اجازه نمی‌دادند که از آب‌خوری‌ها یا توالت‌های یکسان با افراد سفیدپوست استفاده کنند.

روزی یک زن آمریکایی آفریقایی به نام رُزا پارکس، سوار اتوبوس شد. بعد از این‌که نشست، اتوبوس پر شد. رانندهٔ اتوبوس به رُزا گفت که صندلی‌اش را به مرد سفیدپوستی بدهد. رُزا امتناع کرد. او معتقد بود منصفانه نیست که مجبور باشد صندلی‌اش را [به فرد دیگری] بدهد.

رُزا بعد از این‌که از جابه‌جا شدن امتناع کرد، دستگیر شد. مردم از اعتراض رُزا به قانون، مطلع شدند. بعضی از مردم می‌گفتند [که] باید قوانین منصفانه‌تری وجود داشته باشد. به زودی، افراد بیشتری شروع به درخواست تغییر قانون کردند.

کم‌کم، مکان‌ها[ی مختلف] در ایالات متحده شروع به تغییر قوانینشان کردند. راننده‌های اتوبوس دیگر اجازه نداشتند افراد سیاه‌پوست را مجبور کنند صندلیشان را [به بقیه] بدهند. قوانین جدید می‌گفتند افراد سیاه‌پوست باید بتوانند از همان آب‌خوری‌ها و توالت‌های افراد سفیدپوست استفاده کنند.

رُزا پارکس برای آن‌چه که باور داشت اعتراض کرد. او انسانی با شخصیت قوی بود. ما امروزه رُزا را به عنوان قهرمانی به یاد می‌آوریم که برای عدالت و برابری کار کرد (تلاش کرد).

@khaneh_book

۱۸۸ ۲ رُزا پارکس در اتوبوس از انجام چه‌کاری خودداری کرد؟

۱) نشستن به جای ایستادن
۲) دادن صندلی‌اش به یک مرد سفیدپوست
۳) دادن صندلی‌اش به یک پیرزن
۴) مخالفت علیه قوانین ناعادلانه

۱۸۹ ۴ کلمهٔ "demanding" (درخواست کردن، تقاضا کردن؛ مطالبه کردن) در پاراگراف سوم نزدیک‌ترین معنی را به "asking" دارد.

۱) صدا کردن؛ تلفن کردن (به)
۲) ترک کردن؛ رها کردن
۳) پیدا کردن، یافتن
۴) درخواست کردن؛ پرسیدن

۱۹۰ ۲ مخالفت رُزا باعث شد بعضی از افراد شروع کنند به گفتن این‌که قانون باید عوض شود. یک تأثیر درخواست تغییر این افراد چه بود؟

۱) هیچ‌کس به قوانینی که افراد سیاه‌پوست و افراد سفیدپوست را جدا نگه می‌داشتند، توجه نمی‌کرد.
۲) مکان‌ها در ایالات متحده به آرامی شروع به تغییر قوانین خودشان کردند.
۳) رُزا به دلیل امتناع از عوض کردن صندلی‌اش در اتوبوس بازداشت شد.
۴) رُزا شروع به باور [این موضوع] کرد که قوانین عادلانه نبودند.

۱۹۱ ۳ بر مبنای متن، کدام‌یک از موارد زیر رُزا پارکس را به بهترین شکل توصیف می‌کند؟

۱) تنها
۲) خودخواه
۳) شجاع
۴) دوستانه، صمیمی

۱۹۲ ۳ ایدهٔ اصلی این متن چیست؟

۱) رُزا پارکس می‌خواست قادر باشد در اتوبوس بنشیند، اما یک قانون مانع نشستن او می‌شد.
۲) ایالات متحده قوانین زیادی داشت که افراد سیاه‌پوست و افراد سفیدپوست را جدا نگه می‌داشت.
۳) رُزا پارکس با خودداری از دادن صندلی‌اش در یک اتوبوس به مردی سفیدپوست، مخالفت خودش را با یک قانون ابراز کرد.
۴) حتی امروزه افراد سیاه‌پوست و افراد سفیدپوست به طرق زیادی، در جامعه جدا نگه داشته می‌شوند.

متن ۷

گالیله در سال ۱۶۱۰، پادوا را ترک کرد تا «اولین فیلسوف و ریاضی‌دان» دوک توسکانی شود. این [کار] برای پژوهش به وی زمان بیشتری داد و در سال ۱۶۱۳، وی کتابی را به نام یادداشت‌هایی دربارهٔ لکه‌های خورشیدی منتشر کرد و در آن، علاوه بر این‌که برای اولین بار به تشریح لکه‌هایی پرداخت که روی خورشید ظاهر می‌شوند، اعتقاد خود را به تئوری کوپرنیک ابراز کرد که زمین دور خورشید می‌چرخد. این [امر] موجب تعارض گالیله با کلیسای کاتولیک رم شد که هنوز به تعالیم بطلمیوس عقیده داشتند و اظهار می‌کردند که تمامی مسیحیان [نیز] باید به آن معتقد باشند. در سال ۱۶۱۶، پاپ گالیله را مجبور کرد که قول دهد به عقاید کوپرنیک اعتقاد نداشته باشد، [آن‌ها را] آموزش ندهد و [از آن‌ها] دفاع نکند. گالیله برای داشتن زندگی آرام به فلورانس رفت و مطالعاتش را رها ساخت، اما خیلی نمی‌نوشت. با این حال، او در سال ۱۶۳۲ [کتاب] گفت‌وگویی دربارهٔ دو نظام بنیادی جهان خودش را منتشر کرد که در آن باز هم از نظریهٔ کوپرنیک دفاع کرد. این کتاب در سرتاسر اروپا تحسین شد. اما گالیله توسط دادگاه تفتیش عقاید به رم فرا خوانده و تحت تهدید به شکنجه به وی امر شد تا عقایدش را انکار کند. او این کار را کرد و در سال ۱۶۳۴ به او اجازه داده شد تا به خانهٔ خودش بازگردد، مشروط بر این‌که آن‌جا را ترک نکند.

گالیله در سال ۱۶۳۸ کتاب مهم دیگری [به نام] گفت‌وگویی دربارهٔ دو دانش جدید منتشر کرد که عقایدش را دربارهٔ علم نوین مکانیک شرح می‌داد که [این عقاید] بعدها به وسیلهٔ سر آیزاک نیوتون بسط یافت. او در سال ۱۶۳۷ نابینا شد اما تا زمان مرگش در ۸ ژانویهٔ ۱۶۴۲ در آرچتری نزدیک فلورانس، به فعالیت خود ادامه داد.

۱۹۳ ۴ طبق متن، گالیله ..... .

۱) در سال ۱۶۱۳ دربارهٔ لکه‌های خورشیدی تحقیقاتی را انجام داد
۲) در مورد خورشید یادداشتی را منتشر کرد و آن را برای دوک فرستاد
۳) دوک توسکانی را که ریاضی‌دان بود ملاقات کرد
۴) حتی بعد از این‌که نابینا شد دست از کار علمی‌اش برنداشت

۱۹۴ ۴ گالیله در اولین کتابش ..... .

۱) به تعالیم بطلمیوس اعتقاد داشت
۲) بیشتر مسیحیان را مجبور کرد تا عقیده‌اش را بپذیرند
۳) تعارض خود را با کلیسای کاتولیک رم اعلام کرد
۴) اعتقاد خود را به نظریهٔ کوپرنیک دربارهٔ زمین اعلام کرد

۱۹۵ ۳ این متن اشاره می‌کند که گالیله در فلورانس، ..... .

۱) به خاطر نابینا بودن در خانه ماند
۲) تعداد زیادی کتاب نوشت
۳) دست از مطالعه برنداشت
۴) تصمیم گ... صحبت نکند

@khanehbook

۱۹۶ ۱ کلمهٔ "defended" (دفاع کردن از؛ حمایت کردن از) در پاراگراف اول نزدیک‌ترین معنی را به "supported" دارد.

۱) طرفدارِ ... بودن؛ حمایت کردن از ۲) بیان کردن ۳) توضیح دادن، شرح دادن ۴) عوض کردن؛ عوض شدن

۱۹۷ ۳ گالیله به رم احضار شد برای این‌که او ..... را منتشر کرد.

۱) علم جدید مکانیک ۲) کتابی به نام یادداشت‌هایی دربارهٔ لکه‌های خورشیدی

۳) [کتاب] خودش گفت‌وگویی دربارهٔ دو نظام بنیادی جهان ۴) کتاب مهم دیگری [به نام] گفت‌وگویی دربارهٔ دو دانش جدید

متن ۸

در سال ۱۸۷۶ جورج برنارد شاو، یک مرد جوان ۲۰ ساله، از زادگاهش در [شهر] دوبلین ایرلند به لندن آمد، در حالی‌که به دنبال موفقیت خودش به عنوان نویسنده بود، او قرار بود مشهورترین نویسندهٔ تئاتر بشود. با وجود این، اولین تلاش‌های او در زمینهٔ نمایشنامه نبود، و هنگامی که تلاش شروع به کسب شهرت کرد، به خاطر مقالات، کتاب‌ها و سخنرانی‌هایش به نمایندگی از انجمن فابیان بود. شاو به عنوان مردی جوان، نیاز به تغییرات و اصلاحات را در دولت احساس کرد و هنگامی که سوسیالیست (جامعه‌گرا) شد، به انجمن فابیان که برای بیشتر شناساندن و بهتر فهماندن ایده‌های جامعه‌گرایی تشکیل شده بود، ملحق شد.

سیاست تنها موضوع مورد علاقهٔ شاو نبود، زیرا او شیفتهٔ هنر، موسیقی و تئاتر بود و در مورد این موضوعات برای روزنامه‌ها و مجلات [مطلب] می‌نوشت. او خودش ذهن بسیار روشنی داشت و می‌خواست سایر افراد را متقاعد کند تا دربارهٔ همهٔ انواع موضوعات همچون او شفاف بیندیشند. به همین دلیل بود که شروع به نوشتن نمایشنامه کرد، چون‌که احساس می‌کرد که می‌تواند این امر را از طریق آن‌ها (نمایشنامه‌ها) به بهترین نحو عملی کند.

۱۹۸ ۴ طبق متن، برنارد شاو به لندن آمد تا ..... .

۱) از زادگاهش دیدن کند ۲) چیزهای بیشتری دربارهٔ سیاست یاد بگیرد

۳) استراحت کند و به زندگی‌اش ادامه دهد ۴) نویسندهٔ موفقی بشود

۱۹۹ ۱ طبق متن، کدام جمله صحیح نمی‌باشد؟

۱) او قبل از این که به لندن بیاید نویسندهٔ بزرگی بود. ۲) اولین تلاش‌های برنارد شاو [مربوط به] نوشتن نمایشنامه نبود.

۳) شهرتش به خاطر مقالات، کتاب‌ها و سخنرانی‌هایش بود. ۴) برنارد شاو به نوشتن برای تئاتر علاقه داشت.

۲۰۰ ۱ برنارد شاو هنگامی که ..... نیاز به تغییرات و اصلاحات را در دولت احساس کرد.

۱) جوان بود ۲) جامعه‌گرا شد

۳) به انجمن فابیان ملحق شد ۴) باعث شد ایده‌های اجتماعی به طور گسترده‌تری شناخته شوند

۲۰۱ ۲ این متن بیان می‌دارد که آثار برنارد شاو به طور مستقیم به همهٔ موارد زیر مربوط می‌شد، به جز ..... .

۱) نمایشنامه‌ها ۲) هنر نوشتن ۳) هنر و موسیقی ۴) تئاتر

۲۰۲ ۴ کلمهٔ "fortune" (اقبال، شانس؛ موفقیت؛ ثروت) در سطر ۲ نزدیک‌ترین معنی را به "success" دارد.

۱) [بدن] حالت، طرز ایستادن ۲) هدف، مقصود ۳) مناسبت؛ موقعیت ۴) موفقیت

متن ۹

بسیاری اعتقاد دارند که بزرگ‌ترین و مهم‌ترین هدف شخصی الکساندر گراهام‌بل اختراع تلفن بود، اما قضیه به این صورت نبود. بل که در سال ۱۸۴۷ متولد شد، خودش را «معلم ناشنوایان» می‌نامید. پدر بل یک معلم سخنرانی شناخته شده بود. بل نیز سخنرانی [کردن] را تعلیم می‌داد. او آن چیزی را که از پدرش آموخته بود، برای درس دادن در مدرسه‌ای برای ناشنوایان در انگلیس استفاده می‌کرد. بل در سال ۱۸۷۰ با خانواده‌اش به کانادا رفت. او بعد از دو سال، در ماساچوست مدرسه‌ای را برای ناشنوایان دایر کرد.

ایدهٔ تلفن در سال ۱۸۷۴ به ذهن بل خطور کرد. بل در همان زمانی‌که روی تلفن آزمایش می‌کرد، روی تجهیزاتی کار می‌کرد تا به ناشنوایان کمک کند. سال ۱۸۷۶ بود که بل اولین جمله را از طریق تلفن فریاد زد. این کلمات مشهور: «آقای واتسون، بیایید این‌جا؛ کارتان دارم.» (واتسون دستیار بل بود.) بل در همان سال برای تلفن حق ثبت [اختراع] دریافت کرد.

در دادگاه، صدها پرونده بر علیه بل طرح شد. افراد بسیاری ادعا می‌کردند آن‌ها قبلاً به تلفن فکر کرده بودند. اما بل حق ثبت خودش را از دست نداد. او در سوابق، به عنوان مخترع آن باقی می‌ماند. تلفن تنها اختراع بل نبود. او ۱۸ حق ثبت برای کارهای دیگر و ۱۲ [حق ثبت] دیگر برای کارهایی که با شرکا [ی خودش] انجام داده بود، دریافت کرد. چهارده تا از حق ثبت‌ها برای تلفن و تلگرام بودند. بقیه ... اختراعاتی همچون فوتوفون، گرافافون برای انواع مختلف هواپیما بودند.

@khaneh_book

۲۰۳ ۳ ایدهٔ اصلی این متن چیست؟

۱) الکساندر گراهام‌بل می‌خواست ثابت کند که می‌توانست به اختراعات زیادی فکر کند.

۲) الکساندر گراهام‌بل تلفن را اختراع کرد.

۳) الکساندر گراهام‌بل مردی با دستاوردهای فراوان بود.

۴) الکساندر گراهام‌بل در طول حیاتش ۳۰ حق ثبت [اختراع] دریافت کرد.

۲۰۴ ۳ کلمه "its" در پاراگراف سوم به "telephone" اشاره دارد.

۱) جمله ۲) دادگاه ۳) تلفن ۴) حق ثبت [اختراع]

۲۰۵ ۴ بل کدام‌یک از این‌ها را هم اختراع کرد؟

۱) اتومبیل ۲) لامپ ۳) تلویزیون ۴) گرامافون

۲۰۶ ۲ می‌توانید برداشت کنید کدام‌یک از موضوعات زیر بل را بیشتر از بقیه علاقه‌مند می‌کردند؟

۱) برق ۲) صدا، صوت ۳) نور ۴) آب

۲۰۷ ۱ هدف نویسنده از نوشتن این متن چه بود؟

۱) اطلاع دادن، اطلاع‌رسانی کردن ۲) سرگرم کردن

۳) گیج کردن، سردرگم کردن ۴) فهمیدن، متوجه شدن

متن ۱۰

معمولاً جان میلتون (۷۴ - ۱۶۰۸) بعد از شکسپیر به عنوان بزرگ‌ترین شاعر انگلیسی‌زبان در نظر گرفته می‌شود. عالی‌ترین شعر او بهشت گم‌شده (۱۶۶۷) است که داستان روابط خداوند با انسان‌ها را از زمان خلقت جهان [و] به همان نحوی که در انجیل گفته شده، بیان می‌کند.

میلتون در لندن به دنیا آمد و [برای تحصیل] به مدرسهٔ سن‌پُل رفت، جایی‌که آن‌قدر مشتاق یادگیری بود که گفت: «از دوازده سالگی‌ام به ندرت قبل از نیمه‌شب به رختخواب می‌رفتم.» او در سن ۱۶ سالگی به کالج کرایست [واقع در] کمبریج رفت و هنگامی که بعد از بیش از هفت سال [آن‌جا را] ترک کرد، برای ادامهٔ تحصیل در یک روستای بکینگ‌هام‌شایر که هورتون نام داشت، ساکن شد. او از قبل می‌دانست که می‌خواهد شعری عالی بنویسد و معتقد بود که برای انجام این کار، باید نه تنها یک شخص تحصیل‌کرده، بلکه یک انسان خوب [هم] باشد.

اگرچه میلتون هنوز آمادهٔ شروع وظیفهٔ بزرگ خود نبود، [اما] وقتی در هورتون اقامت داشت اشعار دیگری نوشت. آدم بشاش و آدم متفکر در بین آن‌ها بودند (هر دو در سال‌های ۳۲ - ۱۶۳۱). آدم بشاش چیزهایی را که یک فرد بشاش به آن‌ها علاقه دارد و آدم متفکر چیزهایی را که یک فرد جدی به آن‌ها علاقه دارد، توصیف می‌کرد. هم‌چنین کومس (۱۶۳۴)، یک نمایش منظوم در ستایش پاکی و مرثیه‌ای برای دوست (۱۶۳۷)، یک شعر زیبا [و] غم‌انگیز در سوگواری مرگ ادوارد کینگ، یک هم‌کلاسی که غرق شده بود، در هورتون نوشته شدند.

۲۰۸ ۲ متن عمدتاً در مورد ..... می‌باشد.

۱) اوایل زندگی میلتون ۲) زندگی و کار میلتون

۳) شیوهٔ اثرگذاری انجیل بر میلتون ۴) [این‌که] چرا شکسپیر از میلتون شاعر بهتری در نظر گرفته می‌شود

۲۰۹ ۲ متن اشاره می‌کند که میلتون مدرسهٔ خود را ..... آغاز کرد.

۱) وقتی ۱۰ سال داشت ۲) در مدرسهٔ سن‌پُل

۳) در کالج کرایست ۴) چون در لندن زندگی می‌کرد

۲۱۰ ۲ از جملهٔ «به ندرت قبل از نیمه‌شب به رختخواب می‌رفتم» استنتاج می‌کنیم که میلتون ..... .

۱) در خوابیدن مشکل داشت ۲) تا دیروقت برای مطالعه بیدار می‌ماند

۳) خسته نبود ۴) به شب‌هنگام علاقه داشت

۲۱۱ ۳ جان میلتون بعد از بیش از هفت سال [تحصیل] در کالج کرایست ..... .

۱) هنوز به شعر علاقه نداشت ۲) اعتقاد داشت که باید شخصی تحصیل‌کرده باشد

۳) در هورتون ساکن شد تا تحصیل خود را ادامه ... ۴) احساس ... به آرامش و سکوت نیاز دارد

@khaneh_book

۲۱۲ ۱ کدام گفته در مورد اشعار میلتون درست نیست؟

۱) میلتون وقتی در هورتون بود هیچ شعری ننوشت.

۲) آدم بشاش چیزهایی را توصیف می‌کرد که یک شخص بشاش دوست دارد.

۳) آدم متفکر چیزهایی را توصیف می‌کرد که یک شخص جدی دوست دارد.

۴) او کومس که یک نمایش منظوم در ستایش پاکی بود و مرثیه‌ای برای دوست را نیز نوشت.

۲۱۳ ۳ در آشپزخانه سبزی خرد می‌کردم که آن داستان وحشتناک را در خبر ساعت شش شنیدم.

◄ در صورتی‌که در زمان گذشته عملی در حال انجام بوده باشد و در این بین به طور ناگهانی عمل دیگری انجام شود، برای اشاره به عمل طولانی‌تر، از زمان گذشتهٔ استمراری (در این تست was cutting) و برای اشاره به عمل کوتاه‌تر، از زمان گذشتهٔ ساده (در این تست heard) استفاده می‌شود.

۲۱۴ ۲ می‌توانید هر چیزی که می‌خواهید بخرید، به شرط این‌که بیش از سیصد دلار قیمت نداشته باشد.

◄ با توجه به این‌که هر دو فعل want (خواستن) و cost (قیمت داشتن، ارزش داشتن) فعل حالت هستند، هیچ‌کدام از آن‌ها را نمی‌توانیم به صورت استمراری مورد استفاده قرار دهیم.

۲۱۵ ۳ نگران ما نباشید. ما می‌توانیم خودمان را یکی دو ساعت سرگرم کنیم.

◄ با توجه به این‌که جملهٔ اول، یک جملهٔ امری است، کاربرد ourselves به هیچ وجه نمی‌تواند صحیح باشد، چون‌که در جملات امری، ضمیر انعکاسی فقط به صورت دوم شخص (yourself / yourselves) صحیح خواهد بود. در جای خالی دوم نیز با توجه به این‌که ضمیر در جایگاه مفعول جمله است و در عین حال به فاعل (we) اشاره دارد، از ضمیر انعکاسی (در این‌جا ourselves) استفاده می‌کنیم.

۲۱۶ ۴ وقتی پدرم در باغ کار می‌کرد، یک دوست قدیمی [به او] سر زد تا او را ببیند.

◄ در صورتی‌که در زمان گذشته عملی در حال انجام بوده باشد و در این بین به طور ناگهانی عمل دیگری انجام شود، برای اشاره به عمل طولانی‌تر، از زمان گذشتهٔ استمراری (در این تست was working) و برای اشاره به عمل کوتاه‌تر، از زمان گذشتهٔ ساده (در این تست passed by) استفاده می‌شود. دقت کنید که ضمیر آخر جمله (him) به پدر اشاره دارد، ولی فاعل جمله‌واره an old friend (یک دوست قدیمی) می‌باشد. بنابراین با توجه به این‌که فاعل و مفعول به یک شخص اشاره ندارند، کاربرد ضمیر انعکاسی صحیح نیست و به ضمیر مفعولی (در این تست him) نیاز داریم.

۲۱۷ ۱ با آرامش سر شام نشسته بودیم که به طور ناگهانی برق‌ها رفت.

۱) ناگهانی؛ بی‌مقدمه ۲) قدرت؛ نیرو؛ برق ۳) اثر، تأثیر ۴) وضع، موقعیت، شرایط

◄ به طور ناگهانی: all of a sudden

۲۱۸ ۲ محققان باید بر روی این ماده آزمایشات بیشتری انجام دهند.

۱) پس‌زمینه، زمینه؛ تجربیات ۲) آزمایش ۳) نظر، عقیده ۴) توصیف، شرح

۲۱۹ ۳ پدر و مادرها نگرانی [خود] را در مورد میزان خشونت در بعضی از برنامه‌های کودک ابراز کرده‌اند.

۱) (قطعه‌ای را) از حفظ خواندن ۲) نقل کردن، بازگو کردن ۳) بیان کردن، گفتن، اظهار کردن ۴) تصمیم گرفتن (که)

۲۲۰ ۴ متأسفم، در مورد اسم‌ها حافظهٔ بسیار بدی دارم؛ نمی‌توانم به یاد بیاورم اسم دخترتان چیست.

۱) مهارت ۲) حقیقت، واقعیت ۳) ایده، نظر ۴) حافظه؛ خاطره

۲۲۱ ۱ اگر از زبان دوم خودتان به زبان مادری خودتان ترجمه کنید، کم‌تر احتمال دارد اشتباه کنید.

۱) ترجمه کردن ۲) ربط داشتن، مربوط بودن ۳) وصل کردن، متصل کردن ۴) تأکید کردن بر، تکیه کردن روی

۲۲۲ ۴ A: «آیا در رفتار او چیزی غیر عادی را مشاهده کردید؟»

B: «بله، و فکر می‌کنم باید پیش روان‌پزشک برود.»

۱) خلق کردن؛ درست کردن؛ ایجاد کردن ۲) بیان کردن، ابراز کردن

۳) جست‌وجو کردن؛ به دنبال ... بودن ۴) مشاهده کردن، دیدن

۲۲۳ ۴ امروز عصر حال هیچ‌کار خیلی پر از فعالیتی را ندارم. روز خسته‌کننده‌ای داشته‌ام.

۱) ممکن، امکان‌پذیر ۲) پیوسته، مداوم ۳) خوش‌بخت، سعادتمند ۴) پرجنب‌وجوش؛ پر از فعالیت

۲۲۴ ۳ به شما به شدت توصیه خواهم کرد تا کاری را بکنید که رئیس از شما خواست انجام دهید. در غیر این صورت، ممکن است کارتان را از دست بدهید.

۱) شجاعانه ۲) اخیراً؛ به تازگی ۳) به شدت؛ شد... ۴) به سختی؛ به ندرت

@khanehketab

متن کلوز

لئوناردو داوینچی، یک هنرمند و دانشمند بسیار با استعداد، از زمان خودش سال‌ها جلوتر بود. او یکی از بزرگ‌ترین افراد در جنبشی به اسم رنسانس بود، [جنبش] احیای هنر و یادگیری که در قرن پانزدهم در ایتالیا آغاز شد. امروزه، افراد زیادی لئوناردو را برای کشیدن تعدادی از مشهورترین نقاشی‌های زمانش به یاد دارند، اما او به [چیزهای] بسیار فراتر از این دست یافت. او قلعه‌ها و سلاح‌هایی را طراحی کرد، دستگاه‌هایی را اختراع کرد، فیزیک و ریاضی خواند و طراحی‌های علمی دقیقی از گیاهان، حیوانات و بدن انسان انجام داد. احتمالاً او یکی از بزرگ‌ترین نوابغ سرتاسر جهان بود.

۲۲۵ ۴ ◄ برای اشاره به کاری‌که در زمان مشخصی از گذشته (در این تست قرن پانزدهم) انجام شده و به پایان رسیده است، از فعل گذشتهٔ ساده استفاده می‌کنیم. در بین گزینه‌های این تست، فقط در گزینهٔ (۴) فعل گذشتهٔ ساده (در این مورد began) را داریم.

۲۲۶ ۱) به یاد داشتن؛ به یاد آوردن ۲) فهمیدن، درک کردن ۳) وصل کردن، متصل کردن ۴) تأکید کردن بر

۲۲۷ ۳ ۱) لگو؛ طرح ۲) مهارت ۳) عکس؛ نقاشی ۴) جزء؛ [در جمع] جزئیات

۲۲۸ ۲ ۱) جمع‌آوری کردن؛ وصول کردن ۲) اختراع کردن؛ ابداع کردن ۳) حل کردن ۴) حرکت کردن؛ حرکت دادن

۲۲۹ ۴ ۱) (مربوط به) پزشکی ۲) باارزش، ارزشمند ۳) شخصی ۴) انسان؛ انسانی

متن ۱

لویی پاستور مدت‌ها قبل زندگی می‌کرد. اما کارهایی که انجام داد کمک می‌کنند تا شما امروزه سالم بمانید. او پزشک نبود. با این حال راه‌های جدیدی را برای کمک به پیش‌گیری از بیمار شدن مردم پیدا کرد. پاستور میکروب‌ها را مطالعه می‌کرد. او متوجه شد که میکروب‌ها می‌توانند تقریباً در همه‌جا زندگی کنند. او معتقد بود که این میکروب‌ها باعث بیماری می‌شوند.

پاستور ثابت کرد که بیماری‌ها زمانی اتفاق می‌افتند که میکروب‌ها داخل بدن می‌روند و تکثیر می‌شوند. او هم‌چنین متوجه شد که اگر تعداد اندکی میکروب ضعیف داخل بدن یک حیوان قرار داده شوند، بدن حیوان سیستم دفاعی خودش را در برابر آن میکروب شکل خواهد داد. او این [موضوع] را با تزریق میکروب‌های ضعیف به گوسفندها و مرغ‌ها ثابت کرد؛ و آن مؤثر بود! آن حیوانات دیگر به آن بیماری‌های بد مبتلا نشدند.

در سال ۱۸۸۱ او شروع به کار روی واکسنی برای پیش‌گیری از بیماری هاری کرد. چهار سال بعد، یک سگ هار پسری را گاز گرفت. والدین [آن پسربچه] از پاستور خواستند تا پسرشان را نجات دهد. پاستور نمی‌خواست از واکسن خودش روی انسان استفاده کند. او مطمئن نبود چه اتفاقی خواهد افتاد. اما او می‌دانست که آن پسر بدون آن [واکسن] بدون شک خواهد مرد. واکسن تنها شانس او بود. بنابراین پاستور به او اولین واکسن انسانی را داد. آن پسربچه زنده ماند.

پاستور می‌خواست راهی برای جلوگیری از ورود میکروب‌ها به داخل بدن افراد پیدا کند. او راهی یافت تا شیر را عاری از میکروب کند. او متوجه شد که میکروب‌ها نمی‌توانند گرما را تحمل کنند. وقتی او شیر را تا دمای ۱۴۰ درجهٔ فارنهایت حرارت می‌داد و سپس آن را به سرعت سرد می‌کرد و در شیشه‌های تمیزی پلمب می‌کرد، میکروب‌ها می‌مردند. روش او پاستوریزه کردن نامیده می‌شود. این از آن زمان برای شیر استفاده شده است. امروزه آن برای جلوگیری از رشد میکروب‌ها در دیگر محصولات هم استفاده می‌شود.

۲۳۰ ۳ کدام‌یک از این‌ها لویی پاستور را توصیف نمی‌کند؟

۱) بسیار باهوش ۲) مفید؛ کمک‌کننده

۳) پزشک بزرگ ۴) مایل به خطر کردن

۲۳۱ ۳ کدام‌یک از رویدادهای زیر بعد از بقیه اتفاق افتاد؟

۱) یک سگ هار پسری را گاز گرفت. ۲) پاستور واکسن هاری را تولید کرد.

۳) پاستور به یک پسر واکسنی را داد. ۴) والدین [پسربچه] از پاستور خواهش کردند کمک کند.

۲۳۲ ۴ واکسن چه‌طور عمل می‌کند؟

۱) آن میکروب‌ها را در حال وارد شدن به بدن می‌کشد. ۲) آن اجازه نمی‌دهد میکروب‌ها وارد بدن شوند.

۳) آن باعث می‌شود بدن گلبول‌های قرمز بیشتری ... ۴) آن به بدن کمک می‌کند تا در مقابل میکروب‌ها سیستم دفاعی تشکیل دهد.

@khanehbook

۲۳۳ ۱ چرا مایع پاستوریزه باید در یک شیشهٔ تمیز محفوظ شود؟

۱) تا مطمئن شویم که هیچ میکروبی از قبل در شیشه نیست یا نمی‌تواند وارد شیشه شود

۲) تا مطمئن شویم که میکروب‌ها نمی‌توانند هوایی را که برای تنفس نیاز دارند به دست بیاورند

۳) تا مایع را در دمای مناسب نگه داریم

۴) تا مایع را خوش‌مزه‌تر کنیم

متن ۲

کارل بنز اتومبیل مدرن را در سال ۱۸۸۸ در آلمان اختراع کرد. امیل راجر در فرانسه برای بنز کار می‌کرد. او در فرانسه اتومبیل درست می‌کرد. تا سال ۱۹۰۰، افراد زیادی در فرانسه و ایالات متحده، اتومبیل درست می‌کردند. اولین شرکتی که فقط اتومبیل تولید می‌کرد، پانارد و لواسور در فرانسه بود. پانارد در سال ۱۸۸۹ شروع به کار کرد. شرکت اتومبیل‌سازی پژو در سال ۱۸۹۱ در فرانسه شروع به کار کرد. در ایالات متحده، فرانک و چارلز دوریا، در سال ۱۸۹۳، شرکت واگن موتور دوریا را تأسیس کردند. آن اولین شرکت اتومبیل‌سازی آمریکایی بود. در سال ۱۹۰۲، رانسوم ای. اولدز، شرکت اتومبیل‌سازی اولدز موتور را تأسیس کرد. یک سال بعد، هنری فورد شرکت اتومبیل‌سازی فورد را تأسیس کرد. آن کادیلاک را تولید می‌کرد. تمام این اتومبیل‌های مدرن اولیه، سوخت بنزین یا گازوئیل می‌سوزاندند.

فورد در سال ۱۹۱۱، در فرانسه و بریتانیا کارخانه‌هایی را افتتاح کرد. آن‌ها سپس در سال ۱۹۲۳، در دانمارک کارخانه‌ای را افتتاح کردند. بعدها، آن‌ها در سال ۱۹۲۵ در آلمان کارخانه‌ای را افتتاح کردند. فورد یکی از اولین تولیدکنندگانی بود که از خط تولید استفاده کرد. کارگران کارخانه با خط تولید می‌توانستند اتومبیل‌ها را سریع‌تر و امن‌تر از سایر سیستم‌های تولید، درست کنند.

بیشتر اتومبیل‌های مدرن، هنوز سوخت بنزین یا گازوئیل می‌سوزانند. این اتومبیل‌ها باعث آلودگی هوا می‌شوند. آن‌ها هوا را کثیف می‌کنند. الان افراد زیادی دنبال اتومبیل‌های تمیزتر می‌گردند؛ و بسیاری از شرکت‌های اتومبیل‌سازی به دنبال سوخت‌های تمیزتر می‌گردند.

۲۳۴ ۴ کدام شرکت برای اولین‌بار فقط اتومبیل ساخت؟

۱) بنز ۲) فورد ۳) دوریا ۴) پانارد

۲۳۵ ۴ شرکت اتومبیل‌سازی پژو چه زمانی شروع به کار کرد؟

۱) ۱۸۸۸ ۲) ۱۸۸۹ ۳) ۱۸۹۰ ۴) ۱۸۹۱

۲۳۶ ۲ شرکت اتومبیل‌سازی فورد ..... افتتاح کرد.

۱) در سال ۱۹۱۱ کارخانه‌ای را در دانمارک ۲) در سال ۱۹۲۵ کارخانه‌ای را در آلمان

۳) در سال ۱۹۲۹ کارخانه‌ای را در بریتانیا ۴) در سال ۱۹۳۱ کارخانه‌ای را در فرانسه

۲۳۷ ۳ خط تولید ایدهٔ چه کسی بود؟

۱) برای چارلز دوریا ۲) برای امیل راجر ۳) برای هنری فورد ۴) برای کارل بنز

@khanehbook

LESSON 4

Traveling the World

@khanh_book

New Words & Expressions

Session 1

ancient /'eɪn.ʃənt/ *adj.* قدیمی؛ باستانی

Kim is studying the ancient civilizations of the Mediterranean.

کیم تمدن‌های باستانی مدیترانه را مطالعه می‌کند.

attract /ə'trækt/ *v.* جذب کردن؛ جلب کردن

This movie is going to attract a lot of attention.

قرار است این فیلم توجه زیادی را جلب کند.

attraction /ə'træk.ʃən/ *n.* کشش، جذب؛ جاذبه

The lovely countryside is the main attraction of the village for visitors.

برای بازدیدکنندگان، طبیعت زیبا، جاذبهٔ اصلی این روستا است.

attractive /ə'træk.tɪv/ *adj.* جذاب؛ جالب

He's the most attractive man in the office, no doubt about that.

او جذاب‌ترین مرد در اداره است، هیچ شکی در مورد آن نیست.

be located /bi loo'keɪtɪd/ *v.* قرار داشتن، بودن

The school is located near the river.

مدرسه نزدیک رودخانه قرار دارد.

behavior /bɪ'heɪ.vjər/ *n.* رفتار

I was meeting his parents for the first time so I was on my best behavior.

پدر و مادرش را برای اولین بار می‌دیدم، بنابراین کاملاً مراقب رفتارم بودم.

choice /tʃɔɪs/ *n.* ۱- انتخاب، گزینش ۲- حق انتخاب

Because of the storm, we had no choice but to stay at home.

به دلیل طوفان، هیچ حق انتخابی نداشتیم، به جز این‌که در خانه بمانیم.

comfortable /'kʌm.fər.tə.bəl/ *adj.* راحت؛ آسوده، آرام

Grandmother looks very comfortable in that chair beside the fire.

مادربزرگ در آن صندلی نزدیک آتش، خیلی راحت به نظر می‌رسد.

comfortably /'kʌmf.tə.b.li/ *adv.* به راحتی، با آسودگی

The hotel is modern and comfortably furnished.

این هتل، مدرن و به راحتی مبله شده است (مبلمان راحتی دارد).

contrast /'kɑ:n.træst/ *n. v.* ۱- مقایسه ۲- فرق، اختلاف، تضاد ۳- مقایسه کردن ۴- مغایرت داشتن

I like the contrast of the white trousers with the black jacket.

تضاد شلوار سفید و کاپشن سیاه را دوست دارم.

culture /'kʌl.tʃər/ *n.* فرهنگ

There are many countries and many cultures on Earth.

روی زمین، کشورها و فرهنگ‌های ... وجود دارد.

@khanen_book

destination /ˌdes.tə'neɪ.ʃən/ *n.* ۱- مقصد ۲- هدف

I took the bus in order to reach the destination before it got dark.

سوار اتوبوس شدم تا قبل از این‌که تاریک شود به مقصد برسم.

different /'dɪf.ər.ənt/ *adj.* مختلف؛ متفاوت

Let's look at the problem from a different point of view.

بیایید به مشکل از نقطه‌نظر متفاوتی نگاه کنیم.

differently /'dɪf.ər.ənt.li/ *adv.* به طور متفاوتی، جور دیگر

In many cultures, men and women dress differently.

در بسیاری از فرهنگ‌ها، مردان و زنان به طور متفاوتی لباس می‌پوشند.

domestic /də'mes.tɪk/ *adj.* ۱- داخلی، وطنی ۲- خانوادگی، مربوط به خانه ۳- [حیوان] اهلی

I prefer to buy domestic rather than foreign products.

من ترجیح می‌دهم به جای کالاهای خارجی، کالاهای داخلی را بخرم.

entertainment /en.tər'teɪn.mənt/ *n.* سرگرمی، تفریح

What did you do for entertainment while you were staying there – just watch TV?

وقتی‌که آن‌جا اقامت داشتید، برای سرگرمی چه‌کار می‌کردید؟ فقط تلویزیون تماشا می‌کردید؟

exact /ɪg'zækt/ *adj.* دقیق

I do not understand the exact meaning of this sentence.

معنی دقیق این جمله را متوجه نمی‌شوم.

exactly /ɪg'zækt.li/ *adv.* دقیقاً

Harry can't remember exactly where he parked his car.

هری نمی‌تواند به خاطر بیاورد ماشین خودش را دقیقاً کجا پارک کرد.

experience /ɪk'spɪr.i.əns/ *n. v.* ۱- تجربه ۲- تجربه کردن

I know from past experience that you can't judge someone by their appearance.

از تجربیات گذشته می‌دانم که نمی‌توانید در مورد شخص بر مبنای ظاهرش قضاوت کنید.

familiar /fə'mɪl.i.jər/ *adj.* ۱- آشنا ۲- شناخته‌شده

Her name is familiar, but I can't quite call to mind where I heard it.

اسمش آشنا است، اما نمی‌توانم کاملاً به یاد بیاورم آن را کجا شنیدم.

flight /flaɪt/ *n.* ۱- پرواز ۲- ردیف پله‌ها

Excuse me, I have to get to Barcelona. Are there any flights today?

می‌بخشید، باید به بارسلون بروم. امروز پروازی هست؟

international /ˌɪn.tər'næʃ.ən.əl/ *adj.* بین‌المللی، جهانی

In a few minutes we'll be landing at New York International Airport.

ظرف چند دقیقه، در فرودگاه بین‌المللی نیویورک فرود خواهیم آمد.

land /lænd/ *n. v.* ۱- زمین ۲- خشکی ۳- [هواپیما و غیره] به زمین نشستن؛ به زمین نشاندن

The pilot said we would land in about 20 minutes.

خلبان گفت [که] در حدود ۲۰ دقیقه به زمین خواهیم نشست.

@khanebook

local /'loo.kəl/ *adj.* محلی

Most of the local population depend on fishing for their income.

بیشتر جمعیت محلی برای درآمدشان به ماهی‌گیری وابسته هستند.

locate /loo'keɪt/ *v.* جای ... را پیدا کردن، پیدا کردن

Archaeologists located the remains of the ancient pyramid.

باستان‌شناسان بقایای هرم باستانی را پیدا کردند.

obligation /ˌɑ:.blə'geɪ.ʃən/ *n.* ۱- الزام، وظیفه ۲- اجبار

You can just look – you're under no obligation to buy.

شما می‌توانید فقط نگاه کنید؛ هیچ اجباری ندارید که خرید کنید.

possibility /ˌpɑ:.sə'bɪl.ə.ti/ *n.* امکان، احتمال

There is a possibility that I may go to the United States next year.

احتمال دارد که سال بعد به ایالات متحده بروم.

prefer /prɪ'fɜ:r/ *v.* ترجیح دادن

Nowadays more and more people prefer country life to city life.

این روزها افراد بیشتر و بیشتری، زندگی روستایی را به زندگی شهری ترجیح می‌دهند.

prepare /prɪ'per/ *v.* ۱- آماده کردن، حاضر کردن ۲- آماده شدن، حاضر شدن

Father went to a lot of trouble to prepare dinner for our guests.

پدر خیلی به دردسر افتاد تا برای مهمانانمان شام حاضر کند.

probable /'prɑ:.bə.bəl/ *adj.* احتمالی، محتمل

It's highly probable that he'll lose his job.

بسیار محتمل است که کارش را از دست بدهد.

probably /'prɑ:.bə.bli/ *adv.* شاید، احتمالاً

It will probably take you about 10 minutes to solve this problem.

احتمالاً حل‌کردن این مسئله از شما حدود ۱۰ دقیقه وقت خواهد گرفت.

range /reɪndʒ/ *n. v.* ۱- حدود، محدوده؛ طیف ۲- رشته کوه ۳- نوسان داشتن، در نوسان بودن

Cars are now available in a wide range of prices.

در حال حاضر اتومبیل‌ها در طیف گسترده‌ای از قیمت‌ها موجود هستند.

respect /rɪ'spekt/ *n. v.* ۱- احترام ۲- احترام گذاشتن به

I respect my uncle, so I named my first son John after him.

به عمویم احترام می‌گذارم، بنابراین اسم او [یعنی] جان را روی پسر اول خودم گذاشتم.

similar /'sɪm.ə.lər/ *adj.* مشابه، شبیه (به هم)

I bought some new shoes which are very similar to a pair I had before.

یک جفت کفش نو خریدم که خیلی شبیه جفتی است که قبلاً داشتم.

similarly /'sɪm.ə.lər.li/ *adv.* ۱- مثل‌هم، به صورتی مشابه ۲- نیز؛ هم‌چنین

Cars must stop at red traffic lights. Similarly, bicycles have to stop too.

اتومبیل‌ها باید در چراغ قرمز توقف ... هم‌چنین، دوچرخه‌ها هم باید توقف کنند.

@khanen_book

suggestion /səˈdʒes.tʃən/ *n.* پیشنهاد، توصیه

I don't know what to wear tonight – do you have any suggestions?

نمی‌دانم امشب چه‌چیزی بپوشم. پیشنهادی دارید؟

traditional /trəˈdɪʃ.ən.əl/ *adj.* ۱- سنتی ۲- قدیمی

The traditional American dinner includes meat, potatoes and vegetables.

شام سنتی آمریکایی شامل گوشت، سیب‌زمینی و سبزیجات است.

vacation /veɪˈkeɪ.ʃən/ *n.* ۱- تعطیلات ۲- مرخصی

While they were away on vacation, their neighbors looked after the dog.

در حالی‌که آن‌ها به تعطیلات رفته بودند، همسایه‌هایشان از سگ مراقبت می‌کردند.

wonderfully /ˈwʌn.dər.fəl.i/ *adv.* ۱- به طرز حیرت‌انگیزی ۲- فوق‌العاده

Most of the players played wonderfully.

بیشتر بازیکنان فوق‌العاده بازی کردند.

Session 2

actual /ˈæk.tʃu.əl/ *adj.* واقعی

I know Germany won, but I can't tell you the actual score.

می‌دانم آلمان برنده شد، اما نمی‌توانم به شما نتیجهٔ واقعی (دقیق) را بگویم.

bravely /breɪv.li/ *adv.* شجاعانه، با بی‌باکی

The man fought bravely but finally gave in.

آن مرد شجاعانه مبارزه کرد اما در نهایت تسلیم شد.

check in /tʃek ɪn/ *v.* [در فرودگاه و غیره] چمدان خود را تحویل دادن؛ [هتل] اتاق گرفتن

Passengers are requested to check in two hours before the flight.

از مسافران درخواست می‌شود چمدان‌هایشان را دو ساعت قبل پرواز تحویل دهند.

cruel /ˈkruː.əl/ *adj.* ۱- بی‌رحم ۲- بی‌رحمانه

It is cruel of them to make the boy work so hard.

[کارشان] بی‌رحمانه است که آن پسر را مجبور می‌کنند آن‌قدر سخت کار کند.

cruelly /ˈkruː.əl.li/ *adv.* بی‌رحمانه، با بی‌رحمی

I don't like to see animals cruelly treated.

دوست ندارم ببینم با حیوانات بی‌رحمانه رفتار می‌شود.

desert /ˈdez.ərt/ *n.* بیابان، صحرا، کویر

In the desert, camels are more important than cars for transportation.

در بیابان شترها برای حمل‌ونقل از اتومبیل‌ها مهم‌تر هستند.

foreign /ˈfɔːr.ən/ *adj.* خارجی، بیگانه

Children usually pick up foreign languages very quickly.

معمولاً بچه‌ها زبان‌های خارجی را خیلی سریع یاد می‌گیرند.

@khanen_book

generous /'dʒen.ər.əs/ *adj.* ۱- بخشنده، سخاوتمند ۲- سخاوتمندانه

It was very generous of you to buy all these things for us.

[این کارتان] خیلی سخاوتمندانه بود که تمام این چیزها را برایمان خریدید.

generously /'dʒen.ər.əs.li/ *adv.* سخاوتمندانه، با سخاوتمندی

Tom treats the poor generously.

تام با فقرا سخاوتمندانه رفتار می‌کند.

historical /hɪ'stɔ:r.ɪ.kəl/ *adj.* تاریخی

The library has an important collection of historical documents.

این کتابخانه مجموعهٔ مهمی از اسناد تاریخی دارد.

honest /'ɑ:.nɪst/ *adj.* صادق، روراست

To the best of my knowledge, he is not honest and reliable.

تا جایی‌که اطلاع دارم، او صادق و قابل‌اعتماد نیست.

honestly /'ɑ:.nɪst.li/ *adv.* صادقانه

He answered openly and honestly without any hesitation.

او بی‌پرده و صادقانه [و] بدون هیچ تردیدی پاسخ داد.

hospitable /hɑ:'spɪt.ə.bəl/ *adj.* مهمان‌نواز

The villagers were very hospitable to anyone who passed through.

روستائیان با هر کسی که عبور می‌کرد خیلی مهمان‌نواز بودند.

host /hoost/ *n. v.* ۱- میزبان ۲- میزبان ... بودن

Spain was the host country for the Olympics in 1992.

اسپانیا کشور میزبان بازی‌های المپیک ۱۹۹۲ بود.

illness /'ɪl.nəs/ *n.* بیماری، مریضی

She was in the hospital for six weeks because of her illness.

او به دلیل بیماری‌اش به مدت شش هفته در بیمارستان بود.

image /'ɪm.ɪdʒ/ *n.* ۱- تصویر؛ عکس ۲- وجهه، وجههٔ عمومی

I have an image in my mind of how I want the garden to be.

از این‌که می‌خواهم باغ چه‌طور باشد، در ذهنم تصویری دارم.

in fact /ɪn fækt/ در واقع، در حقیقت

I learned the woman I thought was a nurse is, in fact, a doctor.

متوجه شدم خانمی [که] فکر می‌کردم پرستار است، در واقع پزشک می‌باشد.

in front of /ɪn frʌnt ɒv/ *prep.* جلوی، مقابل

My brother was sitting in front of a group of children, telling them a story.

برادرم جلوی گروهی از بچه‌ها نشسته بود در حالی‌که برای آن‌ها داستانی تعریف می‌کرد.

interestingly /'ɪn.trəs.tɪŋ.li/ *adv.* جالب این‌که، عجیب این‌که

Interestingly, none of their three children ever married.

عجیب این‌که، هیچ‌کدام از سه بچهٔ آن‌ها هرگز ازدواج نکرد.

@khanehbook

meal /miːəl/ *n.* ۱- غذا ۲- وعدهٔ غذایی

Most people around here usually eat their biggest meal of the day in the evening.

معمولاً بیشتر افراد در این اطراف، بزرگ‌ترین وعدهٔ غذایی روزشان را عصر می‌خورند.

means /miːnz/ *n.* ۱- وسیله، روش، راه ۲- پول؛ ثروت

We need to find some other means of transportation.

ما باید وسیلهٔ حمل‌ونقل دیگری را پیدا کنیم.

mostly /ˈmoʊst.li/ *adv.* عمدتاً، غالباً، بیشتر

In the smaller towns, it's mostly very quiet at nights.

در شهرهای کوچک‌تر، شب‌ها عمدتاً بسیار ساکت است.

neat /niːt/ *adj.* مرتب، منظم؛ تمیز

He always keeps his room as neat as possible.

او همیشه اتاقش را تا حد امکان تمیز نگه می‌دارد.

neatly /ˈniːt.li/ *adv.* ۱- مرتب، منظم ۲- ماهرانه

Although she did not wear expensive clothes, she dressed neatly.

اگرچه لباس‌های گران‌قیمتی نپوشیده بود، مرتب لباس پوشیده بود.

paradise /ˈper.ə.daɪs/ *n.* بهشت

The hotel felt like paradise after two weeks of camping.

آن هتل بعد از دو هفته اردو زدن شبیه بهشت بود.

patiently /ˈpeɪ.ʃənt.li/ *adv.* باحوصله، صبورانه

There was a line of people waiting patiently for the bus to arrive.

صفی از افراد وجود داشت که با حوصله منتظر رسیدن اتوبوس بودند.

politely /pəˈlaɪt.li/ *adv.* مؤدبانه، به‌طور مؤدبانه‌ای

I met your son yesterday and he greeted me politely.

پسرتان را دیروز ملاقات کردم و او به طور مؤدبانه‌ای به من خوشامد گفت.

popular /ˈpɑː.pjə.lər/ *adj.* محبوب، پرطرفدار

He was famous during his long life and his work was very popular.

او در طول زندگی طولانی‌اش مشهور و کارش خیلی محبوب بود.

quiet /ˈkwaɪ.ət/ *adj.* ساکت، آرام

I ordered the children to stay quiet, but they kept on making noise.

به بچه‌ها دستور دادم که ساکت باشند، اما آن‌ها به سر و صدا کردن ادامه دادند.

quietly /ˈkwaɪət.li/ *adv.* آرام، به آرامی

Ali and Saeed were talking quietly in the kitchen a few minutes ago.

علی و سعید چند دقیقه قبل در آشپزخانه به آرامی صحبت می‌کردند.

real /ˈriː.əl/ *adj.* واقعی، حقیقی

There is a real danger that the disease might spread.

خطری حقیقی وجود دارد که [illegible] است بیماری شیوع پیدا کند.

@khanen_book

risk /rɪsk/ *n. v.* ۱- ریسک، خطر ۲- به خطر انداختن

If you want to succeed in this business, you have to take a lot of risks.

اگر می‌خواهید در این تجارت موفق شوید، باید خیلی ریسک کنید.

rudely /ruːd.li/ *adv.* با بی‌ادبی، بی‌ادبانه، گستاخانه

They were treating me so rudely that I decided to quit my job.

آن‌ها با من آن‌قدر بی‌ادبانه برخورد می‌کردند که تصمیم گرفتن کارم را رها کنم.

safely /ˈseɪf.li/ *adv.* سالم، صحیح و سالم

The plane landed safely in the storm.

هواپیما در طوفان صحیح و سالم به زمین نشست.

set /set/ *n. v.* ۱- مجموعه، سری ۲- تنظیم کردن ۳- غروب کردن ۴- [سفره، میز] چیدن

I always keep a tool set in the back of my car.

همیشه یک سری ابزار در عقب ماشینم نگه می‌دارم.

site /saɪt/ *n.* ۱- [در مورد ساختمان و غیره] جا، محل؛ زمین ۲- سایت

I'd like to make a tour of famous sites in London tomorrow.

دوست دارم فردا از محل‌های مشهور لندن بازدید کنم.

souvenir /ˌsuː.vəˈnɪr/ *n.* سوغاتی؛ یادگار

I bought a model of the Eiffel Tower as a souvenir of Paris.

یک مدل برج ایفل را به عنوان یادگار پاریس خریدم.

speed /spiːd/ *n. v.* ۱- سرعت، شتاب ۲- با سرعت رفتن

The car has a top speed of 215 kilometers per hour.

این ماشین حداکثر سرعت ۲۱۵ کیلومتر در ساعت دارد.

suitably /ˈsuː.tə.bli/ *adv.* به نحو مناسبی، به طرزی شایسته

He is not suitably qualified for this job.

او برای این کار به نحو مناسبی واجد شرایط نیست.

transportation /ˌtræn.spərˈteɪ.ʃən/ *n.* حمل‌ونقل

The city needs to improve its public transportation.

این شهر باید حمل و نقل عمومی‌اش را بهبود بخشد.

Session 3

agent /ˈeɪ.dʒənt/ *n.* ۱- نماینده، کارگزار؛ آژانس ۲- مأمور

Please contact our agent in Spain for further information.

لطفاً برای اطلاعات بیشتر با نمایندهٔ ما در اسپانیا تماس بگیرید.

angrily /ˈæŋ.grəl.i/ *adv.* با عصبانیت

"Don't do that!" the mother shouted angrily.

مادر با عصبانیت فریاد زد «آن کار ...»

@khanen_book

baggage /'bæg.ɪdʒ/ *n.* [در سفر] بار، اثاثیه

Each piece of baggage can weigh up to 20 kilos.

هر قطعه از بار می‌تواند تا ۲۰ کیلو وزن داشته باشد.

balloon /bə'lu:n/ *n.* ۱- بالون ۲- بادکنک

There is an advertising balloon flying above the department store.

در بالای فروشگاه، یک بالون تبلیغاتی معلق است.

Beijing /ˌbeɪ'dʒɪŋ/ *n.* [شهر] پکن

Beijing is the world's third most populous city.

پکن سومین شهر پرجمعیت جهان است.

billion /'bɪl.jən/ *n.* میلیارد

The final cost could be as much as one billion dollars.

هزینهٔ نهایی می‌تواند تا حدود یک میلیارد دلار باشد.

boat /boʊt/ *n.* قایق

Traveling by boat takes longer than going by car.

سفر با قایق بیشتر از رفتن با ماشین طول می‌کشد.

booklet /'bʊk.lət/ *n.* کتابچه، جزوه، دفترچه

They published a free booklet on their latest products.

آن‌ها در مورد آخرین محصولاتشان، کتابچهٔ رایگانی چاپ کردند.

Chile /'tʃɪli/ *n.* [کشور] شیلی

The Atacama Desert – the driest desert in the world – is in northern Chile.

بیابان آتاکاما ـ خشک‌ترین بیابان جهان ـ در شمال شیلی است.

chips /tʃɪps/ *n.* چیپس

He eats a lot of chips with every meal.

او با هر وعدهٔ غذایی مقدار زیادی چیپس می‌خورد.

easily /'i:.zəl.i/ *adv.* به آسانی، به راحتی

When I went to college, I made friends very easily.

وقتی به کالج رفتم، خیلی راحت دوست پیدا کردم.

Egypt /'i:.dʒɪpt/ *n.* [کشور] مصر

Ancient Egypt was a powerful and wealthy country.

مصر باستان، کشوری قوی و ثروتمند بود.

embassy /'em.bə.si/ *n.* سفارت، سفارت‌خانه

Amir went to the Embassy of Sweden to get a visa.

امیر به سفارت سوئد رفت تا ویزا بگیرد.

helicopter /'hel.əˌkɑ:p.tər/ *n.* هلی‌کوپتر، بالگرد

The speed of an airplane is much greater than that of a helicopter.

سرعت هواپیما بسیار بیشتر از هلی‌کوپتر است.

@khanenbook

homemade /ˌhoomˈmeɪd/ *adj.* خانگی

Try one of these homemade cookies. They're delicious.

یکی از این بیسکویت‌های خانگی را امتحان کنید. آن‌ها خوش‌مزه هستند.

hungrily /ˈhʌŋ.grəl.i/ *adv.* با ولع

The two little girls ate hungrily.

آن دو دختربچه با ولع غذا می‌خوردند.

Italy /ˈɪt.əl.i/ *n.* [کشور] ایتالیا

In ancient times, Italy was home of the Roman civilization.

در زمان‌های باستان ایتالیا مرکز تمدن روم بود.

junk food /ˈdʒʌŋk ˌfuːd/ *n.* هله‌هوله

Instead of eating real food, we just ate junk food all day.

ما تمام روز، به جای خوردن غذای واقعی، فقط هله‌هوله خوردیم.

Madrid /məˈdrɪd/ *n.* [شهر] مادرید

Madrid is the capital city of Spain, situated in the central part of the country.

مادرید پایتخت اسپانیا است که در بخش مرکزی این کشور واقع شده است.

midday /ˌmɪdˈdeɪ/ *n. adj.* ۱- ظهر، نیمروز ۲- (مربوط به) ظهر، نیمروز

I just have a sandwich for my midday meal.

برای غذای ظهرم، فقط یک ساندویچ می‌خورم.

next to /nekst tu/ *prep.* کنار، مجاور

The teacher put a mark next to his name to show that he was absent.

معلم کنار اسم او یک علامت گذاشت تا نشان دهد که او غایب بود.

nicely /ˈnaɪs.li/ *adv.* خوب، به خوبی

The table fits in nicely with the rest of the furniture.

این میز به خوبی با بقیهٔ اثاثیه هماهنگ است.

offline /ˌɑːfˈlaɪn/ *adj. adv.* (به صورت) آفلاین

The software allows you to read and write email messages offline.

این نرم‌افزار به شما اجازه می‌دهد پیغام‌های ایمیل را به صورت آفلاین بخوانید و بنویسید.

Peru /pəˈruː/ *n.* [کشور] پرو

Peru is a country on the west coast of South America, north of Bolivia and south of Ecuador.

پرو کشوری در ساحل غربی آمریکای جنوبی [در] شمال بولیوی و جنوب اکوادور است.

piano /piˈæn.oo/ *n.* پیانو

My daughter played the piano for three hours without taking a break.

دخترم برای سه ساعت بدون استراحت پیانو زد.

pilgrim /ˈpɪl.grɪm/ *n.* زائر

More than a million pilgrims come to the mosque each year.

هر سال بیش از یک میلیون زائر به [illegible] مسجد می‌آیند.

@khanehbook

pyramid /'pɪr.ə.mɪd/ *n.* هرم

The pyramid is 50 meters high and 100 meters round the base.
این هرم ۵۰ متر ارتفاع دارد و محیط آن در پایه ۱۰۰ متر است.

spend /spend/ *v.* ۱- [پول] خرج کردن ۲- [وقت] صرف کردن، گذراندن

Sahar spent the whole evening searching the Web for photos of famous people.
سحر تمام عصر را در اینترنت گذراند در حالی‌که به دنبال عکس افراد مشهور می‌گشت.

sunrise /'sʌn.raɪz/ *n.* طلوع آفتاب، طلوع خورشید

We woke up very early in order to see the sunrise.
خیلی زود بیدار شدیم تا طلوع آفتاب را ببینیم.

sunset /'sʌn.set/ *n.* غروب، غروب آفتاب

Mary and her husband sat on the beach, watching the sunset.
مری و شوهرش در ساحل نشستند، در حالی‌که غروب آفتاب را تماشا می‌کردند.

tour /tʊr/ *n. v.* ۱- سفر تفریحی، تور ۲- [از محل‌های دیدنی] بازدید ۳- گردش کردن در

Kim worked as a tour guide in Cambridge last summer.
کیم پارسال به عنوان راهنمای تور در کمبریج کار می‌کرد.

tourism /'tʊr.ɪ.zəm/ *n.* (صنعت) توریسم، جهانگردی

We must make sure that tourism develops in harmony with the environment.
ما باید اطمینان حاصل کنیم که توریسم هماهنگ با محیط‌زیست رشد می‌کند.

tourist /'tʊr.ɪst/ *n.* توریست، جهانگرد، گردشگر

The city is gaining popularity as a major tourist destination.
این شهر به عنوان یک مقصد اصلی توریست‌ها محبوبیت کسب می‌کند.

tourist attraction /'tʊr.ɪst ə'træk.ʃən/ *n.* جاذبهٔ گردشگری

The Statue of Liberty is a major tourist attraction in New York.
مجسمهٔ آزادی یک جاذبهٔ گردشگری مهم در نیویورک است.

travel agent /'træv.əl ˌeɪ.dʒənt/ *n.* کارمند آژانس مسافرتی؛ صاحب آژانس مسافرتی

We asked the travel agent if any discount fares were still available.
از کارمند آژانس مسافرتی پرسیدیم که آیا نرخ تخفیفی هنوز موجود است [یا نه].

traveler /'træv.əl.ər/ *n.* مسافر

80,000 air travelers pass through the terminal every day.
هر روز ۸۰۰۰۰ مسافر هوایی از این ترمینال عبور می‌کنند.

vegetable /'veʤ.tə.bəl/ *n.* [در جمع] سبزیجات

Sarah eats mostly fruits and vegetables, and only eats meat about once a week.
سارا بیشتر میوه و سبزیجات می‌خورد، و فقط حدوداً هفته‌ای یک بار گوشت می‌خورد.

visa /'vi:.zə/ *n.* ویزا، روادید

If you want to study in the United States, you need to get a student visa.
اگر می‌خواهید در ایالات متحد[illegible] بخوانید، باید ویزای تحصیل[illegible]

@khanen_book

Vocabulary Tests

1. I finally reached my ..... after a two-day-long trip. انسانی ۸۴ ـ با تغییر
   1) obligation 2) experience 3) destination 4) expression
2. Write the letter on the computer, then you can make changes ..... on screen.
   1) deeply 2) easily 3) locally 4) similarly
3. What a beautiful .....! Let's hang around for a couple of minutes and watch it.
   1) flight 2) culture 3) sunset 4) means
4. He wasn't ..... dressed for the party. انسانی ۹۰ ـ با تغییر
   1) bravely 2) suitably 3) usefully 4) honestly
5. Food that is not healthy, for example because it contains a lot of fat, sugar etc. is called ..... food.
   1) foreign 2) local 3) junk 4) safe
6. It's nice to see a/an ..... face – I'm afraid I don't know anyone else at the party.
   1) familiar 2) appropriate 3) comfortable 4) probable
7. Dave didn't want to hear about all of Mary's problems, but he sat ..... and listened.
   1) neatly 2) cruelly 3) quietly 4) honestly
8. Bicycles are the most ..... means of transportation on our planet, with over a billion riders worldwide.
   1) energetic 2) rapid 3) fortunate 4) popular
9. I can't believe I am ..... going to see the leader. تجربی ۸۸ ـ با تغییر
   1) locally 2) really 3) carefully 4) briefly
10. In the summer, the temperature ..... from thirty to forty degrees Celsius.
    1) checks 2) lands 3) contrasts 4) ranges
11. Most air travelers are prepared to pay much more to be sure of traveling ..... .
    1) safely 2) bravely 3) locally 4) deeply
12. Your house is always so ..... – how can you keep it so clean with three little children?
    1) familiar 2) neat 3) hospitable 4) safe
13. Most high buildings are ..... in the north of our city. هنر ۹۰ ـ با تغییر
    1) located 2) interested 3) hosted 4) ranged
14. The travel ..... suggested that we should renew our passport before the journey.
    1) inventor 2) scientist 3) agent 4) tourist
15. They drove several miles at ..... of up to a hundred and twenty miles an hour.
    1) contrasts 2) numbers 3) flights 4) speeds
16. The heavy fog made it impossible for us to see anything in ..... of us.
    1) image 2) front 3) range 4) sense
17. The advantage of having a garden is that you can have wonderful fresh ..... every day.
    1) means 2) [illegible] 4) chips

@khanenet_book

18. People look at things ..... depending on whether they are rich or poor.

1) easily 2) similarly 3) popularly 4) differently

19. I think we have just enough gasoline to reach our ..... . هنر ۸۹ ـ با تغییر

1) destination 2) attraction 3) vacation 4) tradition

20. I asked Dad to look after the ..... while I went to buy the tickets.

1) baggage 2) flight 3) means 4) agent

21. These office chairs aren't at all ..... – I wish they'd get some new ones.

1) traditional 2) familiar 3) comfortable 4) hospitable

22. The pilot ..... the plane safely, but there was a crash afterwards. ریاضی ۹۰ ـ با تغییر

1) located 2) landed 3) reacted 4) hosted

23. I have the greatest ..... for his ideas, although I don't agree with some of them.

1) obligation 2) respect 3) emphasis 4) thought

24. They hope to change the image of the city and attract more international ..... .

1) tourists 2) agents 3) cultures 4) experiments

25. A: "You probably wouldn't like going camping with me."

B: "You're wrong. ....., I think I'd like that very much."

1) In fact 2) However 3) Unless 4) Rather than

26. He sensed that his guests were bored, although they were listening ..... .

1) deeply 2) finally 3) sadly 4) politely

27. To be quite ..... with you, I don't think your son will be successful in this field of study. خارج ۹۲ ـ با تغییر

1) honest 2) private 3) natural 4) ashamed

28. If you plan well, you can ..... less time doing unnecessary things and get the work done faster.

1) spend 2) hold 3) recite 4) prepare

29. The doctor said that the most ..... cause of death was heart failure.

1) suitable 2) probable 3) domestic 4) contrasting

30. The Japanese ..... warned Japanese citizens to be careful, and leave that country immediately.

1) destination 2) obligation 3) tourism 4) embassy

31. Can't you see that you're really frightening your little brother? Don't be so ..... .

1) interesting 2) generous 3) cruel 4) traditional

32. Her own twelve pictures sold fairly well, ... to friends and family. هنر ۹۲ ـ با تغییر

1) recently 2) quietly 3) mostly 4) differently

33. It was a difficult ....., but we finally decided that Hannah should have the prize.

1) fact 2) choice 3) range 4) means

34. What ..... me to the job is the salary and the possibility of foreign travel.

1) experiences 2) attracts 3) prefers 4) expresses

35. His ..... age was 45, not 40 as he had stated on his form. هنر ۹۶ ـ با تغییر

1) actual 2) sudd 3) 4) final

@khanen_book

36. He was sitting ..... on a boat reading a newspaper. خارج ۸۹ ـ با تغییر

1) fortunately 2) surprisingly 3) immediately 4) comfortably

37. When you look at these two carpets, you can see that the patterns are very ..... .

1) generous 2) probable 3) fortunate 4) similar

38. The English language is undoubtedly the easiest and at the same time the most efficient means of ..... communication.

1) familiar 2) international 3) patient 4) traditional

39. A: "You played wonderfully in the football match."
B: "Oh thanks, do you ..... think so?"

1) honestly 2) hardly 3) recently 4) naturally

40. Our luggage was checked all the way through to our final ..... . هنر ۹۳

1) situation 2) destination 3) observation 4) connection

41. In order to solve the traffic problem, people need to get out of their cars and use other modes of ..... .

1) experiment 2) research 3) emphasis 4) transportation

42. When they bombed the library, many important ..... documents were destroyed.

1) historical 2) familiar 3) suitable 4) generous

43. Our estimate of the repairs required was much less than the ..... cost. خارج ۹۵ ـ با تغییر

1) cultural 2) contrasting 3) quiet 4) actual

44. I sometimes go to the local pool to swim, but I ..... swimming in the ocean.

1) decide 2) prefer 3) remember 4) offer

45. I can't understand why he's so bad-tempered this week – ..... something at school is bothering him.

1) possibly 2) finally 3) hardly 4) rudely

46. A person who makes a journey, often a long and difficult one, to a special place for religious reasons is called a/an ..... .

1) tourist 2) agent 3) traveler 4) pilgrim

47. There is still not much ..... like movie theaters for young people in some small towns. ریاضی ۹۲

1) employment 2) entertainment 3) connection 4) environment

48. If you don't eat breakfast, you'll ..... be hungry during the morning and won't be as efficient at work as you could be.

1) cruelly 2) patiently 3) probably 4) similarly

49. He always expected the highest standards of ..... from his children.

1) experience 2) obligation 3) behavior 4) attraction

50. It was the first time I'd ever ..... failure. What about you? انسانی ۸۵ ـ با تغییر

1) narrated 2) checked 3) experienced 4) attracted

51. Most of the people I met in Canada were very ..... and kind – I really like to visit there again.

1) hospitable 2) f...vestic 4) international

@khanen_book

52. I had a/an ..... of Paris in my mind that was completely different from how it really is.

1) image 2) choice 3) fact 4) range

53. The ..... from London was delayed, and it was about three in the morning when I finally got to Venice.

1) flight 2) means 3) traveler 4) vacation

54. Most people studying a ..... language will never be able to speak like a native speaker.

1) domestic 2) local 3) traditional 4) foreign

55. I am sorry to say that the plane will arrive at its ..... one hour later than usual. ریاضی ۹۱

1) situation 2) journey 3) destination 4) space

56. My aunt always returns from vacation with a few ....., even if they're very cheap.

1) souvenirs 2) pyramids 3) holidays 4) ranges

57. It's a good idea to study the language and ..... of the country you're going to visit.

1) embassy 2) choice 3) flight 4) culture

58. Both of the sisters were very active and ..... successful in their chosen careers. تجربی ۹۰ ـ با تغییر

1) popularly 2) similarly 3) bravely 4) hardly

59. We welcome any ..... from our viewers as how to improve our service.

1) actions 2) suggestions 3) translations 4) obligations

60. If you eat three good ..... a day, you're less likely to snack on biscuits and chips.

1) parts 2) pieces 3) meals 4) sets

61. The doctor did everything he could to make sure that his instructions were ..... followed. هنر ۸۶

1) strongly 2) possibly 3) recently 4) exactly

62. Unless there is some change in the economy, there is a/an ..... that the factory may close.

1) respect 2) attraction 3) knowledge 4) possibility

63. There are a couple of passengers who didn't ..... on time, so we may be able to get you on the flight.

1) take off 2) give up 3) check in 4) turn off

64. The place to which a person is going or to which a thing is being sent or taken is called a/an ..... .

1) expectation 2) vacation 3) destination 4) situation ریاضی ۸۵ ـ با تغییر

65. I don't have time to do this work for him – I have too many other ..... as it is.

1) obligations 2) experiments 3) moments 4) emotions

66. You should teach your children to be ..... at the dinner table and only speak when they are spoken to.

1) quiet 2) safe 3) quick 4) brave

67. Education and training are the most effective ..... of importing a nation's culture. انسانی ۸۵ ـ با تغییر

1) respects 2) results 3) means 4) contrasts

68. Eighty percent of patients now recover completely from this ..... and are able to lead perfectly normal lives.

1) host 2) illness 3) risk 4) junk

69. The local people still use ..... farming methods which have been used for hundreds of years.

1) hospitable 2) prob 3) 4) traditional

@khanen_book

Grammar

Modals — افعال وجهی

در زبان انگلیسی، دسته‌ای از افعال وجود دارند که با استفاده از آن‌ها می‌توانیم مفاهیمی مانند توانایی، احتمال، اجبار و ... را بیان کنیم. این افعال، هم به دلیل معانی خاصی که هر کدامشان دارند و هم به دلیل ساختارهای گرامری مخصوص به خودشان، منحصر به فرد هستند. تعداد افعال وجهی در زبان انگلیسی زیاد است، اما در این درس قرار است فقط با ۴ مورد از آن‌ها آشنا شوید.

must

از must می‌توان در دو معنی مهم استفاده کرد. البته کتاب درسی فقط به کاربرد اول اشاره کرده است، اما با توجه به سابقهٔ کتاب‌های درسی قبلی، می‌توان حدس زد که ممکن است معنی دوم هم مهم باشد. کاربردهای must عبارتند از:

❶ کاربرد اصلی و اول must برای بیان اجبار و ضرورت در زمان حال و آینده است. مثال:

They must finish the project by Thursday.
آن‌ها باید پروژه را تا پنج‌شنبه تمام کنند.

I must stop smoking.
باید سیگار کشیدن را ترک کنم.

❷ از must هم‌چنین می‌توان برای نتیجه‌گیری یا حدس منطقی نیز استفاده کرد. یعنی وقتی‌که بر مبنای شرایط و نشانه‌های موجود، از وجود امری تقریباً مطمئن باشیم؛ مثال:

You must be worried that she's so late.
حتماً نگران هستید که او این‌قدر دیر کرده است.

It's very beautiful in Paris. It must be nice to live there.
پاریس خیلی زیباست. زندگی کردن در آن‌جا باید خیلی خوب باشد.

should

از should برای بیان اجبار ضعیف یا توصیه و نصیحت استفاده می‌شود. در واقع وقتی از should استفاده می‌کنیم، درجهٔ اجبار از must کم‌تر است و می‌تواند حالت توصیه هم پیدا کند. مثال:

It's getting late. I should go home now.
دارد دیر می‌شود. باید الان به خانه بروم.

You shouldn't tell him what happened.
نباید به او بگویید چه اتفاقی افتاد.

may

از may می‌توان در دو کاربرد زیر استفاده کرد:

❶ اصلی‌ترین کاربرد may برای بیان احتمال و حدس است. در واقع وقتی در مورد حال و آینده حدس می‌زنیم و در مورد این حدس هم خیلی مطمئن نیستیم، از may استفاده می‌کنیم. مثال:

It may rain later today.
ممکن است امروز بعداً باران ببارد.

He's very good. I think he may win the match.
او خیلی خوب (قوی) است. فکر کنم او ممکن است برندهٔ مسابقه شود.

نکته در این معنی، به جای may، از might هم می‌توان استفاده کرد. مثال:

I might go to the movies tonight.
ممکن است امشب به سینما بروم.

❷ وقتی می‌خواهیم به کسی اجازه دهیم کاری را انجام دهد و یا برای انجام کاری، از کسی اجازه بگیریم. در این‌جا هم می‌توانیم از may استفاده کنیم. مثال:

You may leave the classroom now.
الان می‌توانید کلاس را ترک کنید.

May I borrow your ...?
ممکن است خودکارتان را قرض کنم؟

@khaneh_book

can

از can می‌توان در سه کاربرد زیر استفاده کرد:

۱) اصلی‌ترین کاربرد can برای اشاره به توانایی انجام یک کار در زمان حال و آینده می‌باشد. مثال:

I can speak French. *می‌توانم فرانسوی صحبت کنم.*

I can't drive. *نمی‌توانم رانندگی کنم.*

۲) کاربرد دوم can برای اشاره به امکان انجام یک عمل در زمان حال و آینده است. مثال:

You cannot smoke in here. *شما نمی‌توانید این‌جا سیگار بکشید.*

You can leave your car in the parking space. *می‌توانید ماشینتان را در پارکینگ بگذارید.*

۳) از can نیز می‌توان مانند may برای اجازه دادن به کسی یا اجازه گرفتن از فردی استفاده کرد. مثال:

You can use my phone. *می‌توانید از تلفن من استفاده کنید.*

Can I speak to you for a moment? *آیا می‌توانم با شما یک لحظه صحبت کنم؟*

چند نکته در مورد افعال وجهی

۱) بعد از افعال وجهی، همیشه به شکل سادهٔ یک فعل نیاز داریم. یعنی اگر در بین گزینه‌های تست، بعد از فعل وجهی، فعل ing‌دار یا مصدر با to داشتید، آن گزینه حتماً غلط است. برای این‌که منظورم را بهتر متوجه شوید همین الان نگاهی به مثال‌های بالای این صفحه و صفحهٔ قبل بیندازید تا ببینید که فعل اصلی بعد از افعال وجهی در هر صورت به شکل ساده است.

۲) افعال وجهی خودشان صرف نمی‌شوند. یعنی شما نمی‌توانید به آخر فعل وجهی ed یا ing و ... اضافه کنید. باز هم برای این‌که منظورم را بهتر متوجه شوید، مثال‌ها را دوباره بخوانید.

۳) برای سؤالی کردن جملاتی که فعل وجهی دارند، از خود فعل وجهی استفاده می‌شود و do، does یا did کاربرد ندارد. در واقع برای سؤالی کردن این نوع جملات، باید فعل وجهی را به قبل از فاعل منتقل کنید. مثال:

Can you answer the question? *آیا می‌توانید به این سؤال جواب دهید؟*

۴) برای منفی کردن جملاتی که فعل وجهی دارند، به بعد از فعل وجهی not اضافه می‌شود. البته must، should و can در حالت منفی، شکل مخفف هم دارند.

should ⇒ should not (shouldn't) must ⇒ must not (mustn't)

can ⇒ can not / cannot (can't) may ⇒ may not

۵) در صورتی‌که بخواهیم must را در معنی نتیجه‌گیری یا حدس منطقی منفی کنیم، کاربرد mustn't صحیح نیست و باید از شکل منفی can، یعنی can't، cannot و can not استفاده شود. مثال:

I saw him yesterday - he can't be in Europe. *او را دیروز دیدم؛ او امکان ندارد در اروپا باشد.*

Prepositions — حروف اضافه

در این بخش درس قصد داریم رایج‌ترین حروف اضافهٔ زمان و مکان و کاربرد هر کدام از آن‌ها را بررسی کنیم.

۱) **حروف اضافهٔ زمان:** در جدول زیر می‌توانید سه حرف اضافهٔ زمان را که اتفاقاً بسیار هم کلیدی هستند، بررسی کنید.

in	۳ بخش اصلی روز	the morning / the afternoon / the evening
	ماه‌های سال	Mehr / March / December, ...
	فصل‌های سال	spring / summer / autumn (fall) / winter
	سال‌ها	1365 / 2017 / 1998, ...
	دهه‌ها	the 1990s / the 1870s, ...
	قرن‌ها	the 17th century, ...
	گذشته و آینده	the past / the future
	ایام خاص	Norouz, ...

@khanenbook

on	روزهای هفته	Friday / Saturday, ...
	بخش‌های روز به همراه اسم آن روز	Thursday morning / Friday night / Sunday evening , ...
	تاریخ کامل	January 29 / March 5th, ...
at	ساعت‌ها	5 o'clock / 10 p.m. , ...
	طلوع آفتاب / غروب آفتاب	sunrise / sunset
	ظهر / شب	noon / midday / night / midnight
	کریسمس	Christmas
	زمان صرف غذا	lunch / dinnertime, ...

They are leaving at four o'clock in the afternoon on Friday.

آن‌ها ساعت چهار بعدازظهر روز جمعه حرکت می‌کنند.

۲ حروف اضافهٔ مکان: اصلی‌ترین حروف اضافهٔ مکان عبارتند از:

in	شهرها	Tehran / London, ...
	کشورها	Canada / Italy / Iran, ...
	قاره‌ها	Europe / Asia, ...
	جهان	the world
	آسمان	the sky
	داخل مکانی خاص	the room / the car, ...
on	روی چیزی (در تماس با آن)	the table / the desk, ...
	در سمت چپ یا راست	the left / the right
	در طبقه‌ای از ساختمان	the third floor / the fifth floor
	روی دیوار / سقف	the wall / the ceiling
	در وسایل نقلیهٔ بزرگ	the plane / the train / the boat / the ship
	در صفحه‌ای از کتاب	page 13 / page 10, ...
	در رادیو و تلویزیون	the radio / the television
	در محلی با کاربرد خاص (خانه / سینما / دانشگاه و ...)	home / the university / the hospital, ...
at	پشت میز	the table / the desk
	در یک موقعیت دقیق	the bus stop / the door / the window, ...
	در بالا یا پایین	the top / the bottom
	در مهمانی، کنسرت و ...	the party / the concert, ...
in front of	جلوی، مقابلِ	the house / the building, ...
next to / beside / by	کنارِ، در مجاورتِ	the car / the house, ...
behind	پشتِ	the building / the door, ...
under	زیرِ (بدون تماس فیزیکی)	the table
over	بالای (بدون تماس فیزیکی)	the building / the car

My friend lives on the 17th floor of a building in Tehran. He works at the university.

دوستم در طبقهٔ هفدهم ساختمانی در تهران زندگی می‌کند. او در دانشگاه ...

@khaneh_book

Adverbs of Manner — قیدهای حالت

همان‌طور که در درس دوم هم گفته شد، از صفت برای توصیف اسم و ارائهٔ اطلاعات بیشتر در مورد آن استفاده می‌شود. اما در صورتی که بخواهید در مورد فعل جمله اطلاعات بیشتری ارائه کنید و مثلاً بگویید فعل به چه صورتی انجام شده است، یا در چه زمان و مکانی انجام شده است، باید از قیدها استفاده کنید. در این درس با قیدهای حالت آشنا می‌شویم، یعنی قیدهایی که حالت و شیوهٔ انجام فعل را نشان می‌دهند. مثال‌ها را بخوانید تا بعداً درمورد قیدهای حالت بیشتر توضیح دهیم (فقط بد نیست دقت کنید که قیدهای حالت در مثال‌های زیر، در آخرشان ly دارند!):

She speaks very quietly. — *او خیلی آرام حرف می‌زند.*

They planned their trip to Shiraz very carefully. — *آن‌ها سفرشان به شیراز را خیلی با دقت برنامه‌ریزی کردند.*

نحوه درست کردن قید حالت

۱) در اکثر موارد، درست کردن قید حالت بسیار راحت است. کافی است به آخر صفت، ly اضافه کنید تا قید حالت درست شود. مثال:

quiet ⇒ quietly — loud ⇒ loudly — slow ⇒ slowly — quick ⇒ quickly

۲) در صورتی‌که آخر صفت y داشته باشیم، قبل از اضافه کردن ly به آخر آن، y را به i تبدیل می‌کنیم. مثال:

easy ⇒ easily — happy ⇒ happily — funny ⇒ funnily — heavy ⇒ heavily

۳) در صورتی که آخر صفت ble داشته باشیم، برای درست کردن قید حالت، ble را به bly تبدیل می‌کنیم. مثال:

possible ⇒ possibly — probable ⇒ probably — terrible ⇒ terribly — reasonable ⇒ reasonably

۴) در موارد زیر، قیدهای حالت بی‌قاعده هستند و باید آن‌ها را به خاطر بسپارید.

good ⇒ well (به خوبی) — late ⇒ late (با تأخیر) — fast ⇒ fast (به سرعت) — hard ⇒ hard (سفت؛ به شدت)

deep ⇒ deep (عمیق) — long ⇒ long (مدت زیادی) — high ⇒ high (در ارتفاع) — low ⇒ low (در ارتفاع کم)

near ⇒ near (در نزدیکی) — early ⇒ early (زود) — straight ⇒ straight (مستقیم، یکراست)

البته کلمات زیر هم کلمات صحیحی به حساب می‌آیند و اتفاقاً بسیار هم پرکاربرد هستند، اما برخلاف ظاهرشان، قید حالت نیستند و دقیقاً در معنی ذکرشده به کار می‌روند. مثال:

lately (اقیراً، به تازگی) — hardly (به سختی؛ به ندرت) — highly (به شدت، خیلی) — deeply (عمیقاً؛ به شدت)

I studied hard all day. — *تمام روز سخت درس خواندم.*

I could hardly hear her voice. — *به سختی می‌توانستم صدایش را بشنوم.*

صفات غلط‌انداز: در زبان انگلیسی یک تعداد صفت داریم که ظاهرشان شبیه قید است، اما در واقع صفت هستند. اصلی‌ترین صفات غلط‌انداز عبارتند از:

friendly (صمیمی، دوستانه) — ugly (زشت) — lonely (تنها) — silly (احمق؛ احمقانه)

چون این صفات خودشان ly دارند، پس طبیعتاً با اضافه کردن ly به آخر آن‌ها، نمی‌توان قید درست کرد. برای درست کردن قید حالت در این موارد از عبارت in a/an ..... manner استفاده کنید. مثال:

He talked in a very friendly manner. — *او به صورتی خیلی صمیمی صحبت می‌کرد.*

◀ اگر در تست کنکور شک داشتید که باید از صفت استفاده کنید یا قید حالت، به جایگاه کلمه دقت کنید. اگر کلمه در جایگاهی آمده بود که صفت استفاده می‌کنیم که شرایط مشخص است و گزینه‌ای را انتخاب می‌کنیم که در آن صفت به کار رفته. در غیر این صورت و در شرایطی که کلمه در جایگاه صفت به کار نرفته بود و در واقع حالت و چگونگی انجام فعل را نشان می‌داد، از قید حالت استفاده می‌کنیم. گفتیم که صفت در انگلیسی در دو جا استفاده می‌شود.

۱) **قبل از اسم.** مثال:

He has a beautiful car. — *او ماشین زیبایی دارد.*
(صفت — اسم)

۲) **بعد از افعال ربطی و حسی.** مثال:

He seems very calm all the time. — *او همیشه خیلی آرام به نظر می‌رسد.*
(فعل ربطی — صفت)

@khanehketab

Grammar Tests

70. You ..... park here. However, there is a parking lot just around the corner.

1) must 2) should 3) can't 4) didn't have to

71. It ..... seem like a good idea to you, but I think it's a little ..... .

1) should / dangerous 2) might / dangerously 3) may / dangerous 4) can / dangerously

72. Philip waited ..... the movie theater for Simone, so they could buy tickets and go in together.

1) in front of 2) over 3) on 4) under

73. Jane will arrive ..... January 26 ..... 2 o'clock ..... the afternoon.

1) on / on / in 2) in / at / in 3) on / at / in 4) in / on / at

74. Mobile phones are not allowed in this hospital. You ..... take them inside.

1) should 2) must 3) may 4) can not

75. I don't know how to help you. Ask Anton for help. He ..... to find a solution.

1) should able 2) can 3) may be able 4) must being able

76. You got back from the tennis club very ..... the evening.

1) lately at 2) late on 3) late in 4) lately in

77. We met at the restaurant ..... 6:30 and stayed ..... 10:30.

1) at / at 2) until / until 3) until / at 4) at / until

78. This car is in terrible condition – you ..... have an accident anytime.

1) should 2) would 3) have to 4) may

79. You ..... the rent tomorrow. The landlord is very strict about paying on time.

1) should forget paying 2) may forget you pay 3) mustn't forget to pay 4) can forget to pay

80. Everybody was already sitting ..... the table waiting for dinner to be served.

1) on 2) at 3) in 4) next to

81. I ..... give you a lift to the station. My car broke down yesterday.

1) can 2) shouldn't 3) should 4) can't

82. I'm sorry, but I ..... invitation. I have other plans on that day.

1) can accept yourselves 2) can't accept your 3) can accepting your 4) can't to accept your

83. I didn't see the mailbox although I was standing right ..... it.

1) under 2) at 3) on 4) next to

84. Children who are sixteen years old or younger ..... the theater.

1) should enter 2) cannot entering 3) must not to enter 4) may not enter

85. Nicole grew tired from the hours of overtime ..... work. It ..... that she needed a long vacation.

1) in / becomes quite obviously 2) at / became quite obvious

3) on / was becoming quite obvious 4) at / is becoming quite obviously

86. It ..... be necessary for you to do that, but I think you ..... .

1) may not / should 2) [illegible] ht / had to 4) may not / may not

@khanehbook

87. I was sick, so I didn't go to work ..... last Thursday, but I did go to work ..... Friday.

1) in / – 2) in / on 3) on / – 4) – / on

88. She always gets up early ..... the morning, so she can make it to class ..... time.

1) in / at 2) in / on 3) at / in 4) on / on

89. Let's take a short rest here. My legs are tired and I ..... walk any more.

1) can 2) should 3) can't 4) must

90. My car keys were ..... the desk, but I couldn't see them because they were ..... a magazine.

1) in / under 2) at / on 3) on / under 4) at / over

91. Mary's trip took much longer than we expected, so she ..... very tired.

1) can't be 2) should being 3) must be 4) can being

92. You ..... a lot of work, but that's no excuse for failing to meet the deadline.

1) should have 2) may have 3) can't have 4) shouldn't have

93. He and I are such ..... friends that we ..... almost read each other's minds.

1) close / can 2) closely / must 3) close / must 4) closely / can

94. The kids were sitting ..... the floor ..... the TV when Barbara came home.

1) in / at 2) on / at 3) on / in front of 4) in front of / next to

95. When you compare this dictionary with that one, you can ..... which is better.

1) see easy 2) easily see 3) seeing easily 4) easy see

96. The house is completely dark and ....., so there ..... be anyone at home.

1) silently / can't 2) silent / can 3) silent / can't 4) silently / can

97. It snows here every year ..... December. We always go outside and play ..... the snow ..... Christmas day.

1) in / in / in 2) on / in / on 3) on / on / on 4) in / in / on

98. There was a suggestion that the meeting ..... .

1) can take place at October 2) in October should taking place

3) should take place in October 4) on October may take place

99. I know it's ..... . But ..... you where you bought that watch? I would like to buy one like that for my father.

1) rudely / I may ask 2) rude / should I ask 3) rudely / should I ask 4) rude / may I ask

100. She's eight years old, but she ..... read yet. Her parents are getting her extra lessons.

1) can 2) should 3) must 4) cannot

101. The first time you meet people, you ..... about how near you stand to them.

1) can be carefully 2) might be carefully 3) should be careful 4) can't be careful

102. The young football player plays ..... for someone his age. His performance was ..... to say the least.

1) amazingly well / amazing 2) amazingly well / amazingly

3) amazing well / amazing 4) amazingly good / amazingly

103. My best friend moved to a new town ..... January and we ..... see each other now.

1) on / hard ever 2) in / [illegible] 3) [illegible] r hardly 4) in / hardly ever

@khanen_book

104. Melanie ate her lunch ..... . She knew the meeting was ..... and she didn't want to be ..... .

1) quick / important / late
2) quickly / important / late
3) quickly / importantly / lately
4) quickly / important / lately

105. The hotel was ..... cheap. I expected it to be much more ..... .

1) surprisingly / expensive
2) surprising / expensive
3) surprisingly / expensively
4) surprising / expensively

106. I have to ask you some ..... questions that you ..... want to answer.

1) personal / may not
2) personally / may
3) personal / should
4) personally / shouldn't

107. All the houses in this neighborhood ..... so much alike that I ..... tell them apart.

1) are looking / can't
2) look / can
3) are looking / can
4) look / can't

108. Hamid ..... . All of his students seem to like him.

1) should be a well teacher
2) must be a teacher good
3) should being a good teacher
4) must be a good teacher

109. I wasn't planning on doing that, but now that you suggest it, I ..... .

1) might give they try
2) should be giving they a try
3) may give it a try
4) can't give it a try

110. The manager ..... be on holiday. I just spoke to him ..... the phone.

1) can / in
2) can't / on
3) must not / on
4) should / in

111. You want to call them now? It's already after midnight! They ..... .

1) must be sleeping
2) should sleep
3) may being sleep
4) can sleeping

112. You ..... in the mood to hear this now, but I need to tell you something ..... .

1) may not be / important
2) might not be / importance
3) should not being / important
4) must not be / importance

113. Milad turned off his desk lamp and sat ..... the dark thinking about ..... .

1) on / what he should doing
2) in / what he should do
3) in / doing what he should
4) on / what should he do

114. You ..... so much. It doesn't do you any ..... . Either you get the job, or you don't. If you don't, just apply for another one.

1) shouldn't worry / well
2) should worrying / well
3) shouldn't worry / good
4) should worrying / good

115. There is no life ..... the moon, but there are many forms of life ..... the ocean floor.

1) on / on
2) in / at
3) on / at
4) at / at

116. This book is written in such ..... English that even beginners ..... .

1) easily / can understand them
2) easy / can understand it
3) easily / can understanding it
4) easy / understand them

117. Don't be ridiculous; there were no telephones ..... the seventeenth century! The telephone was invented ..... the 1870s.

1) on / on
2) [illegible]
4) in / on

@khanehbook

118. Ted's flight from Amsterdam took more than 11 hours. He ..... after such a long flight.

1) must being tired
2) may be tiredly
3) must be tired
4) may being tired

119. We ..... able to solve all our problems, but we ..... able to solve some of them.

1) may being / should be
2) may not be / should be
3) may be / should being
4) may not be / should being

120. No matter how ..... you may study, you ..... English in a year or two.

1) hard / cannot master
2) hardly / can master
3) hard / can master
4) hardly / cannot master

121. There's a chance that tap water ..... harmful substances like chlorine and lead.

1) should contain
2) might containing
3) may contain
4) must containing

122. It's not easy to give up smoking, but you ..... for the sake of your ..... .

1) might / health
2) must / healthy
3) should / health
4) can / healthy

123. He's not answering the phone; he ..... a shower.

1) should have
2) may be having
3) might having
4) can't have

124. There is an electrical outlet ..... the desk. ..... move the desk, so I can plug in the computer?

1) next to / Can you to help me
2) in front of / You can help myself
3) behind / Can you help me
4) on / You can help myself

125. I'm not really sure where Bahar is. She ..... the living room, or perhaps she's ..... backyard.

1) may be sitting / in the
2) should sit / at a
3) might sitting / at the
4) should be sitting / in the

126. If you want anything to eat, there is a freshly baked chocolate cake ..... the table ..... the kitchen and plenty of food ..... the refrigerator.

1) in / in / in
2) on / on / on
3) on / in / in
4) on / in / on

127. Don't worry. He ..... frightening at first glance, but he's actually ..... .

1) may be looking / the very friendly person
2) may look / a very friendly person
3) might be looking / a very friend person
4) might look / a very friend person

128. Mike was sitting ..... his desk ..... his office ..... work when Bill called; Bill was ..... Asia on business.

1) on / in / in / in
2) at / in / at / at
3) in / at / at / in
4) at / in / at / in

129. My mother always told me that I ..... every month so I'd have enough money in case of an emergency.

1) must put money on the bank
2) in the bank I must put money
3) should put money in the bank
4) on the bank should I put money

130. You ..... photos of the outside of this museum, but you ..... pictures of the exhibits inside.

1) may take / may not take
2) cannot take / may not take
3) may not take / shouldn't take
4) ...e / can take

@khanehketab

Cloze Tests

لطفاً پیش از پاسخ‌گویی به سؤالات کلوزتست، «درس‌نامهٔ طلایی کلوزتست و درک مطلب» را از صفحهٔ ۲۴۷ مطالعه فرمایید.

Cloze Passage 1

Our world has many famous landmarks. A landmark is a building or ..... 131 ..... that is special to an ..... 132 ..... . Some landmarks are built by people. Other landmarks are things in ..... 133 ..... such as a volcano or a waterfall. The Leaning Tower of Pisa, which is a bell tower, is a man-made landmark ..... 134 ..... Italy. It was built on soft soil. That caused the tower to tilt to one side soon after workers began building it more than 800 years ..... 135 ..... . Visitors can climb about 300 steps inside to see a great view of the city.

131 1) culture 2) choice 3) place 4) person

132 1) area 2) image 3) agent 4) action

133 1) peace 2) state 3) value 4) nature

134 1) at 2) on 3) under 4) in

135 1) ago 2) after 3) recently 4) finally

Cloze Passage 2

One of my favorite vacation places is Mexico. I really like the ..... 136 ..... there because it never gets cold. The people are very nice too. They never laugh at my bad Spanish. The food is ..... 137 ..... . It is very delicious. Mexico City is a very ..... 138 ..... place to visit. It has some great museums and lots of fascinating old buildings. The hotels are too expensive to stay but there are more affordable options. ..... 139 ..... you can stay at one of the beach resorts like Acapulco. If you are planning to visit Mexico, you should definitely ..... 140 ..... the Mayan temples near Merida.

136 1) point 2) weather 3) wildlife 4) liquid

137 1) hardly good 2) hardly well 3) well really 4) really good

138 1) dangerous 2) familiar 3) international 4) interesting

139 1) For example 2) However 3) Mostly 4) Instead of

140 1) to see 2) will see 3) see 4) seeing

Cloze Passage 3

Persepolis was an ancient capital of the second Iranian dynasty, the Achaemenid Empire. Ancient Persians ..... 141 ..... it Parsa, meaning the city of Persians. Persepolis is the Greek ..... 142 ..... of the name. In modern Iran, the city is known as Takht-e-Jamshid (Throne of Jamshid). The ..... 143 ..... in Persepolis is the Apadana Hall with 72 columns. The Tachara palace built by Darius I is also ..... 144 ..... building. The Hadish palace in Persepolis was started by Xerxes and ..... 145 ..... by his son Artaxerexes. Persepolis is a UNESCO World Heritage Site.

141 1) solved 2) called 3) created 4) recited

142 1) translation 2) research 3) situation 4) observation

143 1) building largest 2) larger building 3) larger than building 4) largest building

144 1) an important 2) importantly 3) an importance 4) important

145 1) moved 2) ...cted ...ished 4) prepared

@khaneh_book

Cloze Passage (4)

Camping is a leisure activity, usually during summer when school children are on holiday. When camping, people leave their homes and ..... 146 ..... one or more nights outdoors. Usually they seek nature, have adventure, or experience a different environment. They ..... 147 ..... in a campervan, a tent, or in the open air in good weather. Winter camping is less common but in some ..... 148 ..... of the world, tents are people's homes year around. Rich people began camping for fun ..... 149 ..... the early 20th century. When more people could afford it, many more did it. When camping, people usually ..... 150 ..... food to eat that is easy to make. If they hunt or fish, they may cook the animal or fish they caught over a campfire.

146	1) behave	2) quit	3) research	4) spend
147	1) may sleep	2) might slept	3) should be sleep	4) must sleeping
148	1) types	2) halves	3) signs	4) parts
149	1) at	2) in	3) on	4) of
150	1) prepare	2) drop	3) save	4) develop

Cloze Passage (5)

China has a large population of more than 1.3 billion, with two thirds living in eastern China. For ..... 151 ..... powerful emperors ruled China. During this period, Chinese civilization was very advanced, ... 152 ..... most of the population lived in poverty. ..... 153 ..... 1949, after a communist revolution, the People's Republic of China was established. Food, education, and health care ..... 154 ..... available to more people, but there was also a loss of freedom. Today, Chinese people have more freedom, but the government still has tight control over ..... 155 ..... lives. Since 1949, Taiwan has been in dispute with China about who governs the mountainous island of Taiwan.

151	1) thousands of year	2) thousand year	3) thousands of years	4) thousands year
152	1) or	2) then	3) if	4) but
153	1) At	2) On	3) Next	4) In
154	1) became	2) made	3) took	4) went
155	1) their	2) themselves	3) they	4) theirs

Cloze Passage (6)

Many students say that June is the best time of year. In most places, school lets out as summer begins. In the United States, some students don't ..... 156 ..... summers at home or at camp, though. They are in school instead. That is ..... 157 ..... they go to year-round schools. Students in some year-round schools go to school the same ..... 158 ..... of days as students in schools with a long summer break. They get mini-breaks throughout the year ..... 159 ..... one long summer vacation. The mini-breaks are a few weeks ..... 160 ..... . For example, students at some year-round schools get a few weeks off at Thanksgiving instead of just a few days.

156	1) need	2) last	3) cover	4) spend
157	1) however	2) unless	3) because	4) as if
158	1) piece	2) fact	3) model	4) number
159	1) instead of	2) behind	3) in front of	4) over
160	1) deep	2) l	3)	4) wide

@khaneh_book

Cloze Passage 7

The Eiffel Tower moves upwards from the Champ de Mars, an open space in the west of Paris. It was built for the Paris Exhibition of 1889 by the French engineer, Alexandre Gustave Eiffel, who was by then ..... for his construction of bridges ..... France and in several countries abroad. The tower is built of steel bars weighing some 7,000 tons. It is 322 meters high from the base of the structure, ... a 17-metre television space. It is a/an ..... visiting place for tourists seeking a bird's eye view of Paris and, in addition, serves as an important radio and television station and as an office for the study of weather conditions. ..... also a restaurant on the second floor.

هنر ۸۲ ـ با تغییر

161	1) famous	2) recent	3) traditional	4) domestic
162	1) in	2) at	3) on	4) by
163	1) creating	2) including	3) moving	4) connecting
164	1) foreign	2) generous	3) attractive	4) sudden
165	1) It is	2) There are	3) That is	4) There is

@khaneh_book

Reading Comprehension

لطفاً پیش از پاسخ‌گویی به سؤالات درک‌مطلب، «درس‌نامهٔ طلایی کلوزتست و درک مطلب» را از صفحهٔ ۲۴۷ مطالعه فرمایید.

Passage 1

If you ever make it to Denmark, you should visit Bakken, the world's oldest amusement park. Like other amusement parks, Bakken has roller coasters, food, and games, but its history is very different from amusement parks and fairs you might know.

Bakken was popular in the late 1500s as a place to get clean water. People in the nearby city could not drink the dirty water near the town, so they went to the springs at Bakken. Soon, merchants and performers showed up. The merchants sold food and crafts, while the performers did tricks for the visitors.

During the mid-1600s, Bakken was closed to the public. It was part of the land that belonged to the king. In 1669, King Frederick III turned Bakken into a private animal park that was like a personal zoo. The next king, King Christian V, made the park larger in 1670. But the park remained private until 1756, when King Frederick V wanted to share the park with everyone.

Once the park reopened to the public, merchants and performers showed up again. Soon, Bakken became one of the most well-known places in Europe. During the 20th century, roller coasters and other typical amusement park rides were added to Bakken. Today, Bakken is the second most popular place for tourists to visit in Denmark.

166 What is the passage mostly about?

1) the history of Denmark
2) the history of an amusement park
3) the biography of kings from Denmark
4) the biographies of merchants and performers from Denmark

167 The word "its" in the second line refers to ..... .

1) Denmark 2) Bakken 3) world 4) food

168 What roles did the merchants and performers have at Bakken in the late 1500s?

1) They sold things and entertained the crowds.
2) They helped people find clean water.
3) They asked the king to open the park to the public.
4) They caused the king to close the park to the public.

169 Based on the passage, which of these best describes King Frederick V?

1) He cared for animals.
2) He wanted parks to be larger.
3) He wanted people to enjoy what he enjoyed.
4) He cared about protecting his property.

170 Which of these is NOT true about Bakken?

1) It began as a place to get clean water.
2) It is the most popular place in Denmark to visit.
3) It was closed to the public for many years.
4) It has many of the same attracti[illegible] modern amusement

@khanehbook

Passage 2

When Jules Verne published his popular book, Around the World in Eighty Days, travel was still slow. To travel around the world in eighty days seemed impossible in the real world. In 1889, America's first female reporter, Nellie Bly, convinced her editor that she could beat that time and any man who tried to compete with her. On November 14, 1889, Nellie got on board the steamship Augusta Victoria, leaving Hoboken, New Jersey. The race against the clock began at 9:40 a.m.

She traveled to France where she met Jules Verne. They mapped out Nellie's itinerary to match the route in Jules Verne's book. Nellie went on to Italy. She then sailed through the newly dug Suez Canal. She sailed from Yemen to Ceylon (now Sri Lanka) to Singapore. There, she bought a monkey who traveled the rest of the route with her. She learned that a young female reporter had been sent by a magazine and was ahead of her. This did not stop Nellie. She continued on to Hong Kong and Japan before crossing the Pacific Ocean to San Francisco.

Nellie then traveled across the southern part of the United States by train to New Jersey. She set foot on the Jersey City train station seventy-two days, six hours, and eleven minutes after starting her journey. Her amazing race made her a national heroine.

171 What is the meaning of "itinerary" in the second paragraph?

1) a list of books
2) a list of steamships
3) a list of destinations on a trip
4) a list of people to meet

172 What did Nellie probably do on the trip so that people knew where she was and how she was doing?

1) She sent dispatches and articles to her newspaper to be published.
2) She sent letters to the president of the United States.
3) She gave interviews to television reporters.
4) She made telephone calls to her parents.

173 What did Nellie and Jules Verne discuss?

1) how he wrote the book
2) people to meet on the way
3) the route around the world
4) how to write a novel

174 What can you infer from the passage about the success of Nellie's competitor?

1) She didn't finish the race.
2) She didn't win the race.
3) She quit and went home.
4) She won the race.

Passage 3

Camping is an outdoor recreation enjoyed by people all over the world. It is an excellent way to explore the countryside. Many people learn to camp with an organization such as the Scouts. Others may get their first taste of camping on a camping holiday in the mountains or beside the sea. In many countries there are special campsites for tourists, so you do not always have to carry a tent with you. The campsite may provide one.

It is fun, however, to learn the basic skills of camping: how to pitch (put up) a tent, how to make a fire for cooking, how to pack a rucksack, how to keep your camp clean and tidy, how to strike (pack up) camp. Camping organizations can give much help and advice, and there are many useful books to read.

Before making camp, you must always make sure you have permission from the owner of the land on which you want to camp. Next, it is important to choose the right spot – away from cliff edges or wet soft places, and not beneath trees (branches may fall, and if it rains, the water will fall on your tent).

Choose level ground, if possible. Make sure you have fresh drinking water available, perhaps it is necessary to use it later on.

ریاضی ۹۱

@khaneh_book

175 **According to the passage, camping is ..... .**

1) done by people living in the countryside
2) a way to attract tourists
3) a global activity
4) specially for people who are with the Scouts

176 **The word "one" in line 4 refers to ..... .**

1) tourist
2) tent
3) site
4) country

177 **Which of the following best shows the main focus of paragraph 2?**

1) Cooking
2) Organizations
3) Fun
4) Skills

178 **According to the passage, ...**

1) it is not wise to pitch a tent beneath a tree
2) camping near the sea is a rare event
3) cliff edges are wonderful to watch
4) most land owners enjoy letting people camp on their land

179 **Paragraph 3 is intended to give the reader information about ..... .**

1) who to contact before going camping
2) what to do during an emergency
3) where to camp
4) what to take with you on a camping trip

Passage 4

You may have seen pictures of the three pyramids of Giza in Egypt. Experts believe that these pyramids were built for ancient pharaohs, or Egyptian kings. The pyramids served as enormous and elaborate tombs.

Imagine building structures so big and heavy without modern construction equipment! The Great Pyramid of Khufu is the largest of the three pyramids in Giza. The Great Pyramid was built out of over 2 million stone blocks. Most of the blocks weighed about 2.5 tons each. It is amazing that all of these blocks were so skillfully put together.

One thing has always puzzled archaeologists. How did the ancient Egyptians move the blocks? Opinions vary. Many experts think the blocks were moved with ramps and sleds. However, no one knows for sure.

It took many workers to cut the blocks. It took many more to move them. It took even more men to place the blocks on the pyramid. Archaeologists estimate that over 20,000 men worked on the Great Pyramid. Building the pyramid took many years. Today, visitors still come to marvel at this amazing structure.

The pyramids of Giza make up one of the "Seven Wonders of the Ancient World." It is the only wonder of the ancient world that is still around today.

180 **How did the ancient Egyptians build the pyramids?**

1) by using strings and sticks
2) by using giant construction cranes
3) nobody knows for sure
4) by using thousands of camels

181 **The purpose of this passage is to ..... .**

1) give information
2) amuse readers
3) change history
4) provide entertainment

182 **Based on this passage, why are the pyramids one of the "Seven Wonders of the Ancient World?"**

1) They are the largest things ever made by human beings.
2) They are amazing structures and it is unknown how they were built.
3) There were seven pyramids and the pharaohs controlled the whole world.
4) They were among the first seven buildings ever constructed.

183 **This passage is mostly about ..... .**

1) why the pyramids were located in Egypt
2) the pyramids and how they may have been built
3) why some people think aliens h... the pyramids
4) ...ient Egyptians buried their pharaohs in pyramids

@khanenet_book

Passage 5

Choose a place you want to go to in a way that the whole family will enjoy. Children lose interest much faster than adults, so when choosing, keep your young ones in mind and make sure there are activities that will keep them busy and interested.

Going on a long road trip with your kids can be quite stressful if you're not prepared to deal with the short attention span of kids. Take coloring books, toys, video games, CDs that have audio for children, food and water to last the journey and other things you would consider a necessity for your family.

Make sure your family is protected, use seatbelts and child secure seats for children in the back seat; they have been proven to keep kids safe if you run into some trouble on the road. If you plan on going camping remember to carry a first aid kit with the essentials.

If you are heading to a place that has been recommended by a friend or from other travel sources and not sure how to get there, keep a map of geographic area in hand, it could also be an answer to the most common question from your kid – "Are we there yet?"

When on a long trip, it is safer to carry sandwiches, fruits, bottles of water enough for the entire family. Remember to carry a garbage bag so that you don't have to litter the road; it will also reduce the stops you have to make on the journey, reserving the stops to use the restroom and to stretch your legs. زبان ۹۱

184 **What is the best title for the passage?**

1) Where to Go on a Trip
2) Road Trip Ideas for Family
3) Protection during a Long Travel
4) Advantage of Travel for Children

185 **According to the passage, if you see your kids painting a picture in the car during a trip instead of looking at the natural views, you ..... .**

1) may get very stressful
2) should not get surprised
3) have to stop the car so that they can relax
4) must try to get them involved in other activities

186 **You are advised to take a first aid kit with you ..... .**

1) if you are going camping
2) because children may get sick easily
3) because roads are not completely safe
4) to help those who may be injured in car accidents

187 **According to the passage, the question, "Are we there yet?" is the one that ..... .**

1) people ask when they lose their way
2) shows the great interest of children in traveling
3) children ask very often on the way to a place
4) shows children cannot concentrate on one thing for a long time

188 **According to the last paragraph, on a long trip, you ..... .**

1) are not as safe as you are on a short trip
2) can't do anything special to reduce the number of stops
3) may not find many restaurants on the way
4) are not to throw away unwa[illegible]ngs on the road

@khanenbook

Passage 6

Welcome to the city of ice! Beginning in January, the city of Harbin in northeastern China transforms, or changes, into a winter wonderland. The ice festival is a popular tourist attraction. It has been drawing crowds for 33 years. Organizers expect millions of visitors to pour into the city's parks this year. There, they will see hundreds of snow sculptures and some huge buildings made with bricks of ice.

Harbin is the coldest city in China. The temperature in the city is below freezing for more than six months of the year. (The freezing point of water is 32 degrees Fahrenheit.) In Harbin, the temperature can fall below zero. That gives people there a great opportunity, or chance, to build with tons of snow and ice. In fact, they use enough snow and ice to fill 90 large swimming pools!

In December, 3,000 workers began creating the winter amusement park. They carved giant castles, friendly dragons, slippery slides, and even working restaurants out of ice. Some of the buildings and sculptures have colorful lights that are lit up at night.

Many of the ice sculptures are made by teams of artists from around the world. When visitors come to look at the creations, they have to watch their step. Not only are the buildings made of ice, but so are many of the walkways and railings!

189 **Beginning in January, the city of Harbin transforms into a winter wonderland. What effect does this have?**

1) The city of Harbin loses a lot of money.
2) The people who live in Harbin leave the city.
3) Millions of tourists visit the city.
4) Millions of people start to build ice sculptures.

190 **The word "they" in the first paragraph refers to ..... .**

1) organizers
2) visitors
3) parks
4) sculptures

191 **Based on the passage, what might cause people to build hundreds of snow sculptures and huge ice buildings in Harbin?**

1) They want to see these snow sculptures and ice buildings melt in the warmer months.
2) They want to sell these snow sculptures and ice buildings to other cities in China.
3) They want to use these snow sculptures and ice buildings to stop tourists from visiting Harbin.
4) They know these snow sculptures and ice buildings will attract millions of tourists.

192 **According to the passage, not only are the buildings for the winter festival made of ice, but so are many of the walkways and railings. What effect does the passage suggest this might have?**

1) The visitors will most likely decide not to attend the winter festival.
2) The temperatures in Harbin might drop.
3) The visitors might slip on the ice.
4) The builders might break the ice sculptures.

193 **Based on the passage, why does the author call Harbin "the city of ice"?**

1) There is a lot of snow and ice in Harbin.
2) People build a lot of snow sculptures in Harbin for the winter festival.
3) A lot of ice is sold in Harbin throughout the year.
4) People in Harbin live and work in buildings made of ice.

@khaneh_book

Passage 7

Once, the traditional British holiday was a week at the seaside – either in the UK or somewhere with more reliable weather like the Mediterranean. But recently, holidaymakers have been looking for a different holiday experience. Perhaps inspired by wildlife documentaries on television, tourists have been flocking to places like Kenya and South Africa for safaris and bush camp holidays. Interest in China has been growing too. About half a million UK tourists have visited China on cultural tours since the 2008 Olympic Games. Meanwhile, tour companies have been promoting the traditional package holiday with a new twist to attract more customers – but with mixed results. One holiday operator has filled all the places on its spa holidays in Spain for this season, but they have sold only half of their available luxury breaks in Egypt.

One of the most notable changes is that the older generation of British holidaymakers has been travelling like never before. The number of holidaymakers over 60 has doubled in the last three years. Cruise destinations in the Caribbean or even to Antarctica are no longer just for young adventurers. تجربی ۹۵ ـ با تغییر

194 **What does the passage mainly discuss?**

1) tradition and modernity

2) tourism on the rise in the UK

3) a change in a traditional pattern

4) the older generation of British holidaymakers

195 **All of the following are mentioned as places that have gained more attraction for UK holidaymakers than before EXCEPT ..... .**

1) China

2) Egypt

3) Kenya

4) South Africa

196 **Which of the following could best be concluded from the passage?**

1) The 2008 Olympic Games were held in an East Asian country.

2) British people are much more interested in athletic games than culture.

3) Most British people go abroad for swimming in the sea or spending time at the seaside.

4) The habits of the older generation in Britain were healthier than those of the younger generation.

197 **According to the passage, Antarctica used to have not much attraction for ..... .**

1) young British holidaymakers

2) people of the older generation in the UK

3) those involved in arranging tour destinations

4) people living in European c... other than the UK

@khaneh_book

Passage 8

Everybody is a tourist at least some of the time. But being a "good tourist" can take a little practice. While many tourists may already have good travel habits, we have all probably seen those tourists who test the patience and goodwill of local people when they travel. Being a good tourist isn't really that difficult. In fact, by following a few simple rules, tourists can make both their own experience, and that of the people living in the places they visit, a pleasant one.

Don't block traffic. This is the biggest complaint by the natives of a place that gets packed with tourists. If you don't know where you're going, don't stop dead in your tracks at the end of the escalator, causing a human pileup. Keep walking, move out of the traffic flow, and then figure out which direction to head in. Even better, figure out where you're going before you get on or off of any public transport. We all have to take public transportation together, so please remember that many people are hurrying to get to work.

Keep your voice down. You might be excited or even stressed, but there are certain places, like temples or museums, where you should try to speak quietly. Nobody else wants to hear your cell phone conversation or your daily schedule. Pay attention to the people around you, and try to respect the space you share.

Respect the culture and the environment. Take cues from the locals about what is appropriate behavior and what is not. If you don't see the locals picking flowers or wearing a certain type of clothing, then it is probably not acceptable for you to do it either. Be sure to research such things before you plan your trip.

198 **According to the passage, learning to be a good tourist ..... .**

1) tests the patience of locals
2) isn't so difficult, actually
3) is a sign of goodwill
4) requires a lot of practice

199 **In paragraph 2, what does "dead in your tracks" mean?**

1) afraid to step off an escalator
2) pushing people to go by them
3) causing a human pile-up
4) standing somewhere without moving

200 **We can conclude from the rule mentioned in the last paragraph that ..... .**

1) in most places, it's OK for locals to pick flowers, but not tourists
2) if local people aren't seen wearing short pants, tourists probably shouldn't either
3) tourists should always ask locals before deciding what clothing is OK to wear
4) tourists should try to avoid accepting flowers from local people

201 **What is the author's main purpose in writing this passage?**

1) to make tourists speak more quietly when they travel
2) to make tourists plan their travel better
3) to teach local people how to find good tourists
4) to teach some simple rules for b... good tourist

@khanehketab

Final Exam

Grammar and Vocabulary

202. Ali is parking his car ..... a fire hydrant although he knows that he ..... .

1) next to / should 2) in front of / shouldn't 3) next to / must 4) in front of / must

203. Sophie lived in Spain for several years. She speaks Spanish ....., and she knows the culture very ..... .

1) fluent / good 2) fluently / good 3) fluently / well 4) fluent / well

204. You ..... read the instructions carefully before you turn on the machine, otherwise it ..... be dangerous.

1) may / may 2) should / should 3) must / might 4) can / should

205. ..... 1666, the Great Fire of London began in a baker's shop ..... September 2nd, early ..... the morning.

1) In / on / on 2) In / in / in 3) On / on / in 4) In / on / in

206. The traffic was too heavy as it was raining hard, so we reached the ..... two hours late. خارج ۹۲ ـ با تغییر

1) destination 2) attraction 3) observation 4) situation

207. I wasn't entirely ..... with him, but I didn't actually tell him any lies.

1) honest 2) patient 3) actual 4) suitable

208. While there are similarities between the two cultures, there are also great ..... .

1) facts 2) flights 3) ranges 4) contrasts

209. If I don't go to the supermarket, I won't be able to ..... anything to eat this evening.

1) develop 2) solve 3) prepare 4) save

210. A large area of land where it is always very dry, there are few plants, and there is a lot of sand or rocks is called a ..... .

1) range 2) plain 3) desert 4) forest

211. Tom and Mary were very ..... hosts and made us feel right at home at their place.

1) domestic 2) generous 3) fortunate 4) energetic

212. The historical building is one of the major tourist ..... of the city.

1) experiments 2) attractions 3) obligations 4) entertainments

213. I think we started our business with each other ..... two years ago. هنر ۸۹

1) exactly 2) recently 3) brightly 4) silently

Cloze Test

Two thousand years ago, ancient Greek and Roman tourists visited the world's great landmarks just as we do today. Ancient "travel .....214.....," compiled lists of amazing things that travelers .....215..... . These "wonders" were outstanding examples of human artistic or engineering achievement. The seven most .....216..... listed monuments to human endeavor are called the Seven Wonders of the Ancient World. They all had qualities that made .....217..... stand out from the rest. Some were the most beautiful statues, others the largest .....218..... of the day. Of the seven wonders, only one, the Great Pyramids, can still be seen today.

@khaneh_book

214 1) agents 2) vacations 3) experiences 4) pilgrims

215 1) may seeing 2) can't see 3) must not see 4) should see

216 1) deeply 2) hardly 3) commonly 4) neatly

217 1) they 2) them 3) themselves 4) their

218 1) images 2) facts 3) means 4) buildings

Reading Comprehension

Passage 1

Thousands of years ago, the Greek philosopher Plato wrote about a city called Atlantis, located somewhere near the Atlantic Ocean. The city he described was nearly perfect. The people were advanced in math, science, and engineering. The buildings and gardens were beautiful. Fountains flowed with hot and cold water, and stone walls were decorated with gold and silver. Plato told of Atlantis's end – how the city was destroyed in a terrible flood because its people did not properly worship the gods. Ever since, because the location of the city was never clear, people have wondered if Atlantis really existed. Many have searched for evidence around the world, even beneath the sea.

Some people believe Atlantis was once located on the Greek island of Santorini. The island was inhabited by the Minoans, a society with advanced scientific knowledge. Santorini was ripped apart by a volcanic eruption around 1500 BC, which could explain the lack of any remains of the city. Others think Atlantis was on Easter Island in the Pacific Ocean because Plato described enormous statues like the ones that have been found there. Still other people place the lost city in the mountains of Bolivia, in the China Sea, or in Africa. The fact is that no remains from Atlantis have ever been found. This has led many experts to conclude that Atlantis was made up, a perfect city that existed only in Plato's mind.

219 **Paragraph 1 mainly deals with ..... .**

1) the destruction of Atlantis
2) the Greek philosopher Plato
3) Plato's description of Atlantis
4) the possible location of Atlantis

220 **How did Plato describe Atlantis's end?**

1) It was destroyed by a flood.
2) It was ripped apart by a volcanic eruption.
3) It sank to the bottom of the sea.
4) It was destroyed by angry gods.

221 **Which detail best supports the idea that Atlantis never existed?**

1) People think it was in many different places.
2) Plato wrote that the city was perfect.
3) The city's people were advanced in math, science, and engineering.
4) No remains of the city have ever been found.

222 **Which sentence would make the most sense at the end of the passage?**

1) Maybe modern satellite photos will find Atlantis in the future.
2) We may never learn whether Atlantis was real or imaginary.
3) Plato taught the great Greek philosopher Aristotle.
4) Many stories tell about the lost [illegible] Atlantis.

@khanenbook

Passage 2

The Eiffel Tower was built for the 100th celebration of the French Revolution that began in 1789. The Eiffel Tower was the focal point of the 1889 World's Fair in Paris. Seven hundred people submitted designs. Yet all the judges chose the one done by Gustave Eiffel. Work began in 1887. It was done two years later. About 50 engineers, 100 iron workers, and 120 laborers worked on it. When it was finished, Eiffel used the tower to conduct experiments. He studied weather and flight.

The Eiffel Tower weighs about 10,000 tons. It is made of 15,000 pieces of iron. They are held together by 2.5 million rivets. It takes forty tons of paint to cover it! It is painted every seven years. The temperature affects the structure's height. It varies from 984 to 990 feet tall. (It is taller on hot days.) In addition to seven elevators, it has 1,665 steps. The city of Paris owns the building. It serves as a radio-broadcasting tower. It is also an observation tower. It is the most-visited paid monument on Earth. Millions go there each year. On a clear day, a visitor can see about thirty-seven miles at the top. A mountain climber has scaled the Eiffel Tower. Parachutists have landed on it, too. Have you ever been to the Eiffel Tower?

223 **Which of these facts would NOT be relevant to the passage?**

1) Weather experiments included barometers and other devices.
2) Flight experiments dealt with air and wind resistance.
3) About 6.8 million people visit the tower each year.
4) The French Revolution led to many deaths in France.

224 **The phrase "focal point" in the first paragraph refers to ..... .**

1) international tourists
2) a kind of sport
3) something that holds the eye's attention
4) something you want to buy

225 **In a hot summer day, how much taller is the Eiffel Tower than a cold winter day?**

1) 984 feet
2) 990 feet
3) 6 feet
4) 1,665 feet

226 **What can you infer from the passage about Gustave Eiffel?**

1) Eiffel wasn't married.
2) Eiffel didn't plan the tower very well.
3) Eiffel was a man with very few interests.
4) Eiffel was a man with many interests and abilities.

@khanen_book

پاسخ‌های تشریحی

۱ ۳ من در نهایت بعد از یک سفر دو روزه، به مقصد خودم رسیدم.
۱) الزام، وظیفه؛ اجبار ۲) تجربه ۳) مقصد؛ هدف ۴) بیان؛ [چهره] حالت؛ اصطلاح

۲ ۲ نامه را در کامپیوتر بنویسید، سپس می‌توانید به راحتی بر روی صفحه [مانیتور] تغییرات را اعمال کنید.
۱) عمیقاً؛ به شدت ۲) به آسانی، به راحتی ۳) در سطح محل؛ در این حوالی ۴) مثل هم؛ نیز، هم‌چنین

۳ ۳ چه غروب زیبایی! بیا چند دقیقه در این‌جا پرسه بزنیم و آن را تماشا کنیم.
۱) پرواز؛ ردیف پله‌ها ۲) فرهنگ ۳) غروب، غروب آفتاب ۴) وسیله، روش، راه؛ پول؛ ثروت
◀ پرسه زدن، گشتن: hang around / about

۴ ۲ او برای مهمانی به نحو مناسبی لباس نپوشیده بود.
۱) شجاعانه، با بی‌باکی ۲) به نحو مناسبی، به طرزی شایسته
۳) به‌طور مفیدی، به نحو سودمندی ۴) صادقانه

۵ ۳ غذایی که سالم نیست، برای مثال چون‌که حاوی چربی، قند و ... زیادی است، هله‌هوله نامیده می‌شود.
۱) خارجی، بیگانه ۲) محلی ۳) آت و آشغال ۴) امن، ایمن
◀ هله‌هوله: junk food

۶ ۱ دیدن یک صورت آشنا خوب است؛ متأسفانه در مهمانی هیچ‌کس دیگری را نمی‌شناسم.
۱) آشنا؛ شناخته‌شده ۲) مناسب؛ شایسته ۳) راحت؛ آسوده، آرام ۴) احتمالی، محتمل

۷ ۳ دیو نمی‌خواست در مورد تمام مشکلات مری بشنود، اما آرام نشست و گوش داد.
۱) مرتب، منظم؛ ماهرانه ۲) بی‌رحمانه، با بی‌رحمی ۳) آرام، به آرامی ۴) صادقانه

۸ ۴ دوچرخه با بیش از یک میلیارد [دوچرخه] سوار در سرتاسر جهان، محبوب‌ترین وسیلهٔ نقلیه در سیارهٔ ما است.
۱) پر انرژی ۲) سریع، تند ۳) خوش‌بخت، سعادتمند ۴) محبوب، پرطرفدار

۹ ۲ نمی‌توانم باور کنم واقعاً قرار است رهبر را ببینم.
۱) در سطح محل؛ در این حوالی ۲) واقعاً، حقیقتاً ۳) با دقت؛ با احتیاط ۴) برای مدت کوتاهی؛ به طور خلاصه

۱۰ ۴ در تابستان دما از سی تا چهل درجهٔ سانتی‌گراد نوسان دارد.
۱) چک کردن، کنترل کردن ۲) [هواپیما و غیره] به زمین نشستن؛ به زمین نشاندن
۳) مقایسه کردن؛ مغایرت داشتن ۴) نوسان داشتن، در نوسان بودن

۱۱ ۱ بیش‌تر مسافران هوایی آمادگی دارند بسیار بیش‌تر پول پرداخت کنند تا مطمئن باشند صحیح و سالم سفر می‌کنند.
۱) سالم، صحیح و سالم ۲) شجاعانه، با بی‌باکی ۳) در سطح محل؛ در این حوالی ۴) عمیقاً؛ به شدت

۱۲ ۲ خانهٔ شما همیشه خیلی مرتب است؛ چه‌طور می‌توانید آن را با سه بچهٔ کوچک این‌قدر تمیز نگه دارید؟
۱) آشنا؛ شناخته شده ۲) مرتب، منظم؛ تمیز ۳) مهمان‌نواز ۴) امن، ایمن

۱۳ ۱ بیش‌تر ساختمان‌های مرتفع در شمال شهر ما واقع شده‌اند.
۱) جای ... را پیدا کردن ۲) علاقه‌مند کردن ۳) میزبانِ ... بودن ۴) نوسان داشتن، در نوسان بودن
◀ قرار داشتن، بودن: be located

۱۴ ۳ کارمند آژانس مسافرتی توصیه کرد که ما باید پاسپورت‌هایمان را قبل از سفر تازه کنیم.
۱) مخترع ۲) دانشمند ۳) نماینده، کارگزار؛ آژانس ۴) توریست، جهانگرد، گردشگر
◀ کارمند آژانس مسافرتی؛ صاحب آژانس مسافرتی: travel agent

۱۵ ۴ آن‌ها چندین مایل را با سرعت‌های تا صد و بیست مایل در ساعت رانندگی کردند.
۱) مقایسه؛ فرق، اختلاف ۲) عدد؛ تعداد؛ شماره ۳) پرواز؛ ردیف پله‌ها ۴) سرعت، شتاب

۱۶ ۲ مه غلیظ دیدن هر چیزی را در مقابل ما غیرممکن می‌کرد.
۱) تصویر؛ عکس ۲) جلو ۳) حدود، محدوده؛ طیف ۴) حس؛ احساس
◀ جلوی، مقابلِ: in front of

@khaneh_book

۱۷ ۲ مزیت داشتن باغچه این است که می‌توانید هر روز سبزیجات تازهٔ فوق‌العاده بخورید.
۱) وسیله، روش، راه؛ پول؛ ثروت ۲) [در جمع] سبزیجات ۳) مجموعه، سری ۴) چیپس

۱۸ ۴ مردم بسته به این‌که ثروتمند باشند یا فقیر، به مسائل به‌طور متفاوتی نگاه می‌کنند.
۱) به آسانی، به راحتی ۲) مثل هم؛ نیز، هم‌چنین ۳) همگانی، به طور همگانی ۴) به‌طور متفاوتی، جور دیگر

۱۹ ۱ فکر کنم فقط به اندازهٔ کافی بنزین داریم تا به مقصد خودمان برسیم.
۱) مقصد؛ هدف ۲) کشش، جذب؛ جاذبه ۳) تعطیلات؛ مرخصی ۴) سنت

۲۰ ۱ از بابا خواستم در حالی‌که برای خرید بلیت می‌رفتم، از بارها مراقبت کند.
۱) [در سفر] بار، اثاثیه ۲) پرواز؛ ردیف پله‌ها ۳) وسیله، روش، راه؛ پول، ثروت ۴) نماینده، کارگزار؛ آژانس

۲۱ ۳ این صندلی‌های اداری اصلاً راحت نیست؛ کاش تعدادی صندلی تازه می‌خریدند.
۱) سنتی؛ قدیمی ۲) آشنا؛ شناخته‌شده ۳) راحت؛ آسوده، آرام ۴) مهمان‌نواز

۲۲ ۲ خلبان هواپیما را سالم به زمین نشاند، اما بعد آن سانحه‌ای اتفاق افتاد.
۱) جای ... را پیدا کردن، پیدا کردن ۲) [هواپیما و غیره] به زمین نشستن؛ به زمین نشاندن
۳) واکنش نشان دادن، عکس‌العمل نشان دادن ۴) میزبانِ ... بودن

۲۳ ۲ برای عقاید او بیشترین احترام را قائل هستم، هر چند با تعدادی از آن‌ها موافق نیستم.
۱) الزام، وظیفه؛ اجبار ۲) احترام ۳) تأکید ۴) فکر؛ عقیده

۲۴ ۱ آن‌ها امیدوارند وجههٔ شهر را تغییر دهند و توریست‌های بین‌المللی بیش‌تری را جذب کنند.
۱) توریست، جهانگرد، گردشگر ۲) نماینده، کارگزار؛ آژانس ۳) فرهنگ ۴) آزمایش

۲۵ ۱ A: «احتمالاً دوست نداشته باشید با ما به اردو بروید.» B: «اشتباه می‌کنید. در واقع، فکر کنم آن را خیلی دوست دارم.»
۱) در واقع، در حقیقت ۲) با این حال، با وجود این ۳) مگر این‌که ۴) در عوضِ ... به جای

۲۶ ۴ او احساس کرد که مهمانانش کسل شده بودند، هر چند مؤدبانه گوش می‌دادند.
۱) عمیقاً؛ به شدت ۲) در نهایت، بالاخره ۳) با ناراحتی؛ متأسفانه ۴) مؤدبانه، به طور مؤدبانه‌ای

۲۷ ۱ اگر بخواهم با شما کاملاً روراست باشم، فکر نمی‌کنم پسرتان در این حوزهٔ تحصیلی موفق شود.
۱) صادق، روراست ۲) خصوصی، شخصی ۳) طبیعی؛ ذاتی ۴) شرمنده، خجالت‌زده

۲۸ ۱ اگر درست برنامه‌ریزی کنید، می‌توانید وقت کم‌تری را صرف انجام کارهای غیرضروری کنید و کار را سریع‌تر تمام کنید.
۱) [پول] خرج کردن؛ [وقت] صرف کردن، گذراندن ۲) نگه داشتن؛ برگزار کردن
۳) بازگو کردن ۴) آماده کردن، مهیا کردن

۲۹ ۲ دکتر گفت که محتمل‌ترین علت مرگ نارسایی قلبی بود.
۱) مناسب؛ شایسته ۲) احتمالی، محتمل ۳) داخلی، وطنی؛ خانوادگی ۴) متضاد

۳۰ ۴ سفارت ژاپن به شهروندان ژاپنی هشدار داد که مراقب باشند و آن کشور را فوراً ترک کنند.
۱) مقصد؛ هدف ۲) الزام، وظیفه؛ اجبار ۳) توریسم، گردشگری ۴) سفارت، سفارت‌خانه

۳۱ ۳ نمی‌توانی ببینی که واقعاً داری برادر کوچکت را می‌ترسانی؟ این‌قدر بی‌رحم نباش.
۱) جالب ۲) سخاوتمند؛ سخاوتمندانه ۳) بی‌رحم؛ بی‌رحمانه ۴) سنتی؛ قدیمی

۳۲ ۳ دوازده عکس خود او نسبتاً خوب فروش رفتند، عمدتاً به دوستان و خانواده.
۱) اخیراً، به تازگی ۲) آرام، به آرامی ۳) عمدتاً، بیش‌تر ۴) به‌طور متفاوتی، جور دیگر

۳۳ ۲ انتخاب سختی بود، اما در نهایت تصمیم گرفتیم که جایزه باید به هنا برسد.
۱) حقیقت، واقعیت ۲) انتخاب، گزینش؛ حق انتخاب ۳) حدود، محدوده؛ ظیف ۴) وسیله، روش، راه؛ پول، ثروت

۳۴ ۲ چیزی که من را به این‌کار جذب می‌کند، درآمد و امکان سفر خارجی است.
۱) تجربه کردن ۲) جذب کردن؛ جا ۳) ... جیح دادن ۴) بیان کردن، ابراز کردن

@khanen_book

۳۵ ۱ سن واقعی او ۴۵ [سال] بود، نه آن‌طور که در فرم خودش ذکر کرده بود، ۴۰ [سال].
۱) واقعی، حقیقی ۲) ناگهانی ۳) اساسی، پایه‌ای ۴) نهایی، پایانی

۳۶ ۴ او در حالی که روزنامه می‌خواند با آسودگی در قایق نشسته بود.
۱) خوشبختانه ۲) باکمال تعجب؛ به‌طرز تعجب‌آوری
۳) فوراً، بی‌درنگ ۴) به راحتی، با آسودگی

۳۷ ۴ وقتی به این دو فرش نگاه می‌کنید، می‌توانید ببینید که طرح‌ها بسیار شبیه هستند.
۱) سخاوتمند؛ سخاوتمندانه ۲) احتمالی، محتمل ۳) خوش‌بخت؛ سعادتمند ۴) مشابه، شبیه (به هم)

۳۸ ۲ بدون شک زبان انگلیسی راحت‌ترین و در عین حال مؤثرترین روش ارتباطات بین‌المللی است.
۱) آشنا؛ شناخته‌شده ۲) بین‌المللی، جهانی ۳) صبور ۴) سنتی، قدیمی

۳۹ ۱ A: «در مسابقهٔ فوتبال فوق‌العاده بازی کردید.» B: «اوه ممنون، صادقانه این‌طور فکر می‌کنید؟»
۱) صادقانه ۲) به سختی؛ به ندرت ۳) اخیراً، به تازگی ۴) به صورت طبیعی

۴۰ ۲ بارهای ما در تمام مسیر تا مقصد نهایی‌مان کنترل شدند.
۱) وضع، موقعیت، شرایط ۲) مقصد؛ هدف ۳) مشاهده ۴) رابطه، ارتباط

۴۱ ۴ مردم برای حل مشکل ترافیک، باید از ماشین‌هایشان خارج شوند و از شکل‌های دیگر حمل‌ونقل استفاده کنند.
۱) آزمایش ۲) تحقیق، پژوهش ۳) تأکید، اصرار ۴) حمل‌ونقل

۴۲ ۱ وقتی آن‌ها کتابخانه را بمباران کردند، اسناد تاریخی مهم زیادی نابود شدند.
۱) تاریخی ۲) آشنا؛ شناخته‌شده ۳) مناسب؛ شایسته ۴) سخاوتمند؛ سخاوتمندانه

۴۳ ۴ برآورد ما از تعمیرات مورد نیاز بسیار کم‌تر از هزینه‌های واقعی بود.
۱) فرهنگی ۲) متضاد ۳) ساکت، آرام ۴) واقعی

۴۴ ۲ گاهی اوقات برای شنا به استخر محلی می‌روم، اما شنا کردن در اقیانوس را ترجیح می‌دهم.
۱) تصمیم گرفتن (که) ۲) ترجیح دادن ۳) به یاد آوردن، به خاطر آوردن ۴) پیشنهاد کردن، پیشنهاد دادن

۴۵ ۱ نمی‌توانم درک کنم چرا این هفته این‌قدر بدخلق است؛ شاید در مدرسه چیزی ذهنش می‌کند.
۱) شاید، احتمالاً ۲) در نهایت، بالاخره ۳) به سختی؛ به ندرت ۴) بابی‌ادبی، بی‌ادبانه، گستاخانه

۴۶ ۴ شخصی که به دلایل مذهبی، سفری را به جایی خاص انجام می‌دهد، اغلب سفری طولانی و دشوار، زائر نامیده می‌شود.
۱) توریست، جهانگرد، گردشگر ۲) نماینده، کارگزار؛ آژانس ۳) مسافر ۴) زائر

۴۷ ۲ هنوز در بعضی از شهرهای کوچک، برای جوانان سرگرمی زیادی مثل سینماها وجود ندارد.
۱) استخدام ۲) سرگرمی، تفریح ۳) ارتباط، رابطه ۴) محیط زیست؛ محیط

۴۸ ۳ اگر صبحانه نخورید، احتمالاً در طول صبح گرسنه خواهید بود و تا جایی که می‌توانید سر کار، کارآمد نخواهید بود.
۱) بی‌رحمانه، با بی‌رحمی ۲) با حوصله، صبورانه ۳) شاید، احتمالاً ۴) مثل هم، به صورتی مشابه؛ هم‌چنین

۴۹ ۳ او همیشه از بچه‌هایش بالاترین استانداردهای رفتاری را توقع داشت.
۱) تجربه ۲) الزام، وظیفه؛ اجبار ۳) رفتار ۴) کشش، جذب، جاذبه

۵۰ ۳ اولین باری بود که شکست را تجربه کرده بودم. شما چه‌طور؟
۱) بازگو کردن، روایت کردن ۲) کنترل کردن، چک کردن ۳) تجربه کردن ۴) جذب کردن؛ جلب کردن

۵۱ ۱ بیش‌تر افرادی که در کانادا ملاقات کردم، بسیار مهمان‌نواز و مهربان بودند؛ واقعاً دوست دارم دوباره از آن‌جا دیدن کنم.
۱) مهمان‌نواز ۲) مشهور، شناخته‌شده ۳) داخلی، وطنی؛ خانوادگی ۴) بین‌المللی، جهانی

۵۲ ۱ در ذهنم از پاریس تصویری داشتم که با این چیزی که واقعاً هست، کاملاً متفاوت است.
۱) تصویر؛ عکس؛ وجهه، وجههٔ عمومی ۲) انتخاب، گزینش؛ حق انتخاب ۳) حقیقت، واقعیت ۴) حدود، محدوده؛ طیف

۵۳ ۱ پرواز از لندن تأخیر داشت، و وقتی بالاخره به ونیز رسیدم سه صبح بود.
۱) پرواز؛ ردیف پله‌ها ۲) پله، رو... ۳) مسافر ۴) تعطیلات؛ مرخصی

@khanen_book

۵۴ ۴ بیش‌تر افرادی که زبان خارجی می‌خوانند، هرگز قادر نخواهند بود مثل متکلم بومی صحبت کنند.
۱) داخلی، وطنی؛ خانوادگی ۲) محلی ۳) سنتی؛ قدیمی ۴) خارجی، بیگانه

۵۵ ۳ متأسفم بگویم که هواپیما یک ساعت دیرتر از معمول به مقصد خودش خواهد رسید.
۱) موقعیت، شرایط ۲) سفر ۳) مقصد؛ هدف ۴) فضا؛ جا، جای خالی

۵۶ ۱ خالدام همیشه از تعطیلات با چند سوغاتی برمی‌گردد، حتی اگر خیلی ارزان باشند.
۱) سوغاتی؛ یادگار ۲) هرم ۳) تعطیلات؛ مرخصی ۴) حدود، محدوده؛ طیف

۵۷ ۴ ایدهٔ خوبی است که زبان و فرهنگ کشوری را که قرار است از آن دیدن کنید، مطالعه کنید.
۱) سفارت، سفارت‌خانه ۲) انتخاب، گزینش؛ حق انتخاب ۳) پرواز؛ ردیف پله‌ها ۴) فرهنگ

۵۸ ۲ هر دو خواهر بسیار فعال و در کارهای انتخاب‌شدهٔ خودشان مثل هم موفق بودند.
۱) همگانی، به صورت همگانی ۲) مثل هم؛ نیز، هم‌چنین ۳) شجاعانه، با بی‌باکی ۴) به سختی؛ به ندرت

۵۹ ۲ ما پذیرای هر پیشنهادی از طرف بینندگانمان در مورد چگونگی بهبود خدمات خودمان هستیم.
۱) اقدام؛ کار؛ فعالیت ۲) پیشنهاد، توصیه ۳) ترجمه ۴) الزام، وظیفه؛ اجبار

۶۰ ۳ اگر روزی سه وعدهٔ غذایی خوب بخورید، احتمال کم‌تری دارد که [در طول روز] با بیسکویت و چیپس ته‌بندی کنید.
۱) قسمت، بخش ۲) قطعه، تکه ۳) غذا؛ وعدهٔ غذایی ۴) مجموعه، سری

۶۱ ۴ دکتر هر کاری را که می‌توانست انجام داد تا مطمئن شود دستورالعمل‌هایش دقیقاً دنبال می‌شوند.
۱) به شدت؛ شدید ۲) شاید، احتمالاً ۳) اخیراً، به تازگی ۴) دقیقاً

۶۲ ۴ در صورتی‌که در اقتصاد تغییری وجود نداشته باشد، این امکان هست که ممکن است کارخانه بسته شود.
۱) احترام ۲) کشش، جذب؛ جاذبه ۳) دانش، معلومات ۴) امکان، احتمال

۶۳ ۳ چند مسافر هستند که چمدان‌های خودشان را به موقع تحویل ندادند، بنابراین ممکن است بتوانیم شما را سوار پرواز کنیم.
۱) [هواپیما و غیره] بلند شدن؛ [لباس و غیره] در آوردن ۲) ترک کردن؛ ناامید شدن از
۳) [در فرودگاه و غیره] چمدان خود را تحویل دادن؛ [هتل] اتاق گرفتن ۴) [تلویزیون و غیره] خاموش کردن

۶۴ ۳ محلی که شخصی به آن‌جا می‌رود یا چیزی به آن‌جا ارسال یا برده می‌شود، مقصد نامیده می‌شود.
۱) انتظار، توقع ۲) تعطیلات؛ مرخصی ۳) مقصد؛ هدف ۴) موقعیت، شرایط

۶۵ ۱ وقت ندارم این کار را برایش انجام دهم؛ همین الان کلی وظیفهٔ دیگر دارم.
۱) الزام، وظیفه؛ اجبار ۲) آزمایش ۳) لحظه، دقیقه ۴) احساس، عاطفه

۶۶ ۱ باید به بچه‌هایتان یاد دهید سر میز ناهارخوری ساکت باشند و فقط وقتی صحبت کنند که با آن‌ها صحبت می‌شود.
۱) ساکت، آرام ۲) امن، ایمن ۳) سریع، تند ۴) شجاع، دلیر

۶۷ ۳ آموزش و تعلیم، مؤثرترین روش‌های وارد کردن فرهنگ یک ملت هستند.
۱) احترام ۲) اثر؛ نتیجه ۳) وسیله، روش، راه؛ پول، ثروت ۴) مقایسه؛ فرق، اختلاف

۶۸ ۲ در حال حاضر، هشتاد درصد بیماران از این بیماری به طور کامل بهبود پیدا می‌کنند و قادر هستند زندگی‌هایی کاملاً عادی را داشته باشند.
۱) میزبان ۲) بیماری، مریضی ۳) ریسک، خطر ۴) آت و آشغال

۶۹ ۴ مردم محلی هنوز از روش‌های کشاورزی سنتی استفاده می‌کنند که صدها سال است استفاده شده‌اند.
۱) مهمان‌نواز ۲) احتمالی، محتمل ۳) سریع، تند ۴) سنتی؛ قدیمی

۷۰ ۳ شما نمی‌توانید [ماشین را] این‌جا پارک کنید. با این حال، درست آن طرف چهارراه یک پارکینگ هست.
◄ از can't برای بیان عدم توانایی انجام یک کار در زمان حال و آینده استفاده می‌شود.

۷۱ ۳ ممکن است برایتان ایدهٔ خوبی به نظر برسد، اما فکر کنم کمی خطرناک است.
◄ از may برای بیان احتمال در زمان حال و آینده استفاده می‌شود و با توجه به مفهوم تست می‌تواند در این‌جا مورد استفاده قرار گیرد. در مورد جای خالی دوم نیز دقت کنید که بعد از افعال to be (در این تست 's به عنوان مخفف is)، از صفت (dangerous) استفاده می‌کنیم، نه قید حالت.

۷۲ ۱ فیلیپ جلوی سینما منتظر سیمون ماند، تا بتوانند بلیت بخرند و با هم به داخل [سینما] بروند.
۱) جلوی، مقابل ۲) بالای ۳) روی (در تماس) ۴) زیر

@khanehbook

۷۳ ۳ چین ۲۶ ژانویه در ساعت دو بعدازظهر می‌رسد.

حرف اضافهٔ مناسب برای تاریخ کامل (مثل on ،January 26) می‌باشد. قبل از ساعت‌های روز از at استفاده می‌کنیم و قبل از ۳ بخش اصلی روز (morning / afternoon / evening) از in استفاده می‌شود.

۷۴ ۴ در این بیمارستان تلفن‌های همراه مجاز نیستند. شما نمی‌توانید آن‌ها را به داخل ببرید.

از can not (can't) برای اشاره به عدم توانایی و همین‌طور مجاز نبودن انجام یک کار در زمان حال و آینده استفاده می‌شود.

۷۵ ۳ نمی‌دانم چه‌طور به شما کمک کنم. از آنتون کمک بخواهید. شاید او قادر باشد راه حلی پیدا کند.

بعد از تمامی افعال وجهی (مثل should ،can، may و must) به شکل سادهٔ فعل نیاز داریم. در این تست، بعد از افعال وجهی، فقط در گزینهٔ (۳) شکل سادهٔ فعل اصلی (در این مورد be) را داریم.

۷۶ ۳ عصر خیلی دیر وقت از باشگاه تنیس برگشتید.

حرف اضافهٔ مناسب برای evening به عنوان یکی از ۳ بخش اصلی روز، in می‌باشد. بنابراین در این تست یکی از گزینه‌های (۳) یا (۴) می‌تواند صحیح باشد. دقت کنید که late یک صفت بی‌قاعده می‌باشد و قید حالت آن نیز late است. البته lately نیز کلمه‌ای کاملاً صحیح است ولی در معنی «اخیراً، به تازگی» به کار می‌رود و در این‌جا کاربرد ندارد.

۷۷ ۴ ما هم‌دیگر را در رستوران در ساعت ۶:۳۰ دیدیم و تا ساعت ۱۰:۳۰ [در آن‌جا] ماندیم.

حرف اضافهٔ مناسب برای ساعت‌های روز at می‌باشد و با توجه به معنی جمله، در جای خالی اول این حرف اضافه کاربرد دارد. اما در جای خالی دوم، به دلیل مفهوم جمله at کاربرد ندارد و از until (تا) استفاده می‌کنیم.

۷۸ ۴ این ماشین در وضعیت خیلی بدی است؛ ممکن است هر زمانی تصادف کنید.

از may و might می‌توان برای بیان احتمال انجام یک کار و یا وقوع یک اتفاق در زمان حال و آینده استفاده کرد.

۷۹ ۳ نباید فراموش کنید که فردا اجاره را پرداخت کنید. صاحب‌خانه در مورد پرداخت سر وقت خیلی جدی است.

از must not (mustn't) برای اشاره به اجبار بر انجام نشدن کاری در زمان حال و آینده استفاده می‌شود.

۸۰ ۲ همه سر میز نشسته بودند و منتظر بودند تا شام سرو شود.

برای اشاره به این که فرد یا افرادی سر میز نشسته‌اند، از at به عنوان حرف اضافهٔ table استفاده می‌کنیم.

۸۱ ۴ نمی‌توانم شما را به ایستگاه برسانم. ماشینم دیروز خراب شد.

از can't برای اشاره به عدم توانایی و همین‌طور مجاز نبودن انجام یک کار در زمان حال و آینده استفاده می‌شود.

۸۲ ۲ متأسفم، اما نمی‌توانم دعوت شما را قبول کنم. در آن روز برنامه‌های دیگری دارم.

از can't برای اشاره به عدم توانایی و همین‌طور مجاز نبودن انجام یک کار در زمان حال و آینده استفاده می‌شود. دقت کنید که بعد از افعال وجهی (مثل can)، حتماً از شکل سادهٔ فعل (در این تست accept) استفاده می‌شود.

۸۳ ۴ صندوق پستی را ندیدم، هر چند دقیقاً کنار آن ایستاده بودم.

۱) زیر ۲) در ۳) روی (در تماس با شیء) ۴) کنار، در مجاورت

۸۴ ۴ بچه‌هایی که شانزده سال یا کم‌تر دارند، نمی‌توانند وارد این سینما شوند.

بعد از تمامی افعال وجهی به شکل سادهٔ فعل نیاز داریم. بنابراین فقط یکی از گزینه‌های (۱) و (۴) می‌تواند صحیح باشد. از may می‌توان برای اشاره به مجاز بودن انجام یک کار در زمان حال و آینده استفاده کرد. البته در این تست، با توجه به مفهوم جمله، may را به صورت منفی نیاز داریم.

۸۵ ۲ نیکول از ساعت‌ها اضافه کاری در سرکار خسته شد. کاملاً واضح شد که او به تعطیلاتی طولانی نیاز دارد.

حرف اضافهٔ مناسب برای work برای اشاره به این‌که شخص «سر کار» حضور دارد، at می‌باشد. علاوه بر این، بعد از افعال ربطی (مثل become)، از صفت استفاده می‌شود، نه قید حالت. بنابراین در جای خالی دوم حتماً به obvious نیاز داریم.

۸۶ ۱ ممکن است برایتان الزام نداشته باشد که آن کار را انجام دهید، اما فکر می‌کنم باید [آن را انجام دهید].

از may برای بیان احتمال انجام یک کار یا وجود شرایطی خاص در زمان حال و آینده استفاده می‌شود. دقت کنید که با توجه به مفهوم جمله، در جای خالی اول، شکل منفی این فعل وجهی را نیاز داریم. should نیز بیانگر توصیه و نصیحت و اجبار ضعیف است و با توجه به مفهوم جمله، در جای خالی دوم به کار می‌رود.

@khanehketab

۸۷ ۴ بیمار بودم، بنابراین پنج‌شنبهٔ قبل سر کار نرفتم، اما جمعه سر کار رفتم.

◀ در جای خالی اول با توجه به کاربرد last قبل از Thursday (پنج‌شنبه) به حرف اضافه نیازی نداریم. اما در جای خالی دوم، به دلیل این‌که Friday به تنهایی به کار رفته است، قبل از آن به حرف اضافه نیاز داریم. دقت کنید که حرف اضافهٔ مناسب برای روزهای هفته، on است، نه in.

۸۸ ۲ او همیشه صبح زود بلند می‌شود، تا بتواند سر وقت به کلاس برسد.

◀ حرف اضافهٔ مناسب برای ۳ بخش روز (morning / afternoon / evening)، in می‌باشد. علاوه بر این، عبارت on time به معنی «سروقت» می‌باشد و بنابراین در جال خالی دوم از on استفاده می‌کنیم.

۸۹ ۳ بیایید این‌جا استراحت کوتاهی داشته باشیم. پاهایم خسته هستند و دیگر نمی‌توانم راه بروم.

◀ از can't برای اشاره به عدم توانایی انجام کاری در زمان حال و آینده و یا مجاز نبودن انجام یک کار در حال و آینده استفاده می‌شود.

۹۰ ۲ سوئیچ ماشینم روی میز بود، اما نمی‌توانستم آن را ببینم چون زیر یک مجله بود.

◀ با توجه به مفهوم جمله و این که on به معنی «روی (در تماس با شیء)» و under به معنی «زیر» می‌باشد، گزینهٔ (۳) صحیح است.

۹۱ ۳ سفر مری بسیار بیش‌تر از چیزی که توقع داشتیم طول کشید، بنابراین باید خیلی خسته باشد.

◀ از must می‌توان برای انجام نتیجه‌گیری منطقی در مورد حال و آینده استفاده کرد. در واقع must در این معنی برای بیان احتمال بسیار قوی در حال و آینده استفاده می‌شود.

۹۲ ۲ ممکن است کلی کار داشته باشید، اما آن هیچ دلیلی برای نرساندن کار در موعد مقرر نیست.

◀ کاربرد اصلی may برای بیان احتمال انجام یک کار، اتفاق افتادن یک چیز و یا وجود شرایطی خاص در زمان حال و آینده می‌باشد.

۹۳ ۱ من و او چنان دوستان خوبی هستیم که تقریباً می‌توانیم ذهن یک‌دیگر را بخوانیم.

◀ قبل از اسم (در این تست friends) از صفت استفاده می‌شود، نه قید حالت، بنابراین در جای خالی اول از close استفاده می‌کنیم. دقت کنید که از can برای بیان توانایی و امکان انجام کار در زمان حال و آینده استفاده می‌شود.

۹۴ ۳ وقتی باربارا به خانه آمد، بچه‌ها روی زمین جلوی تلویزیون نشسته بودند.

◀ با توجه به مفهوم جمله و معنی حروف اضافهٔ on (روی) و in front of (مقابل، جلوی)، گزینهٔ (۳) صحیح می‌باشد.

۹۵ ۲ وقتی این دیکشنری را با آن یکی مقایسه می‌کنید، به راحتی می‌توانید ببینید کدام یکی بهتر است.

◀ بعد از افعال وجهی (مثل can)، فعل اصلی به صورت ساده به کار می‌رود (در این تست see). دقت کنید که از قید حالت (در این تست easily) برای ارائهٔ اطلاعات بیش‌تر در مورد فعل جمله استفاده می‌شود و با توجه به مفهوم جمله در این‌جا قید حالت کاربرد دارد.

۹۶ ۳ این خانه کاملاً تاریک و ساکت است، بنابراین ممکن نیست کسی خانه باشد.

◀ با توجه به کاربرد صفت (dark) قبل از جای خالی اول و کاربرد کلمهٔ ربط همپایه‌ساز and بعد از آن، می‌توان متوجه شد که در جای خالی اول به صفت (silent) نیاز داریم، نه قید حالت (silently). در صورتی‌که بخواهیم حدس بسیار قوی بزنیم که بر مبنای شرایط و نشانه‌های موجود، امری در زمان حال و آینده امکان‌پذیر نیست، از can't استفاده می‌کنیم.

۹۷ ۴ این‌جا هر سال در دسامبر برف می‌بارد. ما همیشه در روز کریسمس بیرون می‌رویم و در برف‌ها بازی می‌کنیم.

◀ قبل از ماه‌های سال (مثل December) از in استفاده می‌شود. بنابراین فقط یکی از گزینه‌های (۱) یا (۴) می‌تواند صحیح باشد. دقت کنید که the Christmas day (روز کریسمس) به یک روز خاص اشاره دارد و در واقع جایگزین روزی از هفته شده است، بنابراین قبل از آن از on استفاده می‌شود.

۹۸ ۳ پیشنهادی وجود داشت که باید جلسه در اکتبر برگزار شود.

◀ قبل از ماه‌های سال (مثل October) از in استفاده می‌شود. بنابراین فقط یکی از گزینه‌های (۲) و (۳) می‌تواند صحیح باشد. گزینهٔ (۲) نیز از ۲ جهت غلط است؛ اول این‌که بعد از فعل وجهی should، فعل اصلی (take place) باید به شکل ساده به کار رود؛ و دوم این‌که in October قید زمان جمله است و جایگاه آن بعد از فعل اصلی است، نه قبل از آن.

۹۹ ۴ می‌دانم بی‌ادبانه است. اما ممکن است از شما بپرسم آن ساعت مچی را از کجا خریدید؟ تمایل دارم یکی مثل آن را برای پدرم بخرم.

◀ بعد از فعل to be (در این تست 's) قبل از جای خالی اول) از صفت استفاده می‌شود، نه قید حالت (در این مورد rude). از may می‌توان برای درخواست و تقاضا استفاده کرد که شکل مناسب آن برای درخواست کردن در گزینهٔ (۴) آمده است.

۱۰۰ ۴ او هشت سال دارد، اما هنوز نمی‌تواند بخواند. پدر و مادرش به او درس‌های اضافه‌تری می‌دهند.

◀ از cannot برای بیان عدم توانایی انجام یک کار در [illegible] آینده استفاده می‌شود.

@khanehketab

۱۰۱ ۳ اولین باری که افراد را ملاقات می‌کنید، باید مراقب باشید که چه‌قدر نزدیک به آن‌ها می‌ایستید.

◄ از should برای بیان اجبار ضعیف و توصیه و نصیحت در زمان حال و آینده استفاده می‌شود. دقت کنید که بعد از فعل to be از صفت (careful) استفاده می‌شود، نه قید حالت (carefully).

۱۰۲ ۱ آن بازیکن فوتبال جوان، برای کسی در سن او، به نحو حیرت‌انگیزی خوب بازی می‌کند. بی‌اغراق عملکرد او حیرت‌انگیز بود.

◄ بعد از فعل اصلی (play قبل از جای خالی اول) از قید حالت (در این مورد well) استفاده می‌شود. دقت کنید که amazingly شدت قید حالت well را نشان می‌دهد. (یکی از کاربردهای قید حالت، بیان شدت یک قید دیگر است.) اما بعد از فعل to be در جای خالی دوم از صفت (amazing) استفاده می‌کنیم.

۱۰۳ ۴ بهترین دوستم در ژانویه به شهر جدیدی نقل مکان کرد و ما الان به ندرت همدیگر را می‌بینیم.

◄ قبل از ماه‌های سال (مثل January در این تست)، از in به عنوان حرف اضافه استفاده می‌شود. دقت کنید که هر چند hard می‌تواند قید حالت باشد، ولی در این تست، hardly (به سختی؛ به ندرت)، از نظر معنایی با جمله هماهنگی دارد.

۱۰۴ ۲ ملانی ناهارش را تند خورد. او می‌دانست [که] جلسه مهم بود و نمی‌خواست دیر کند.

◄ در جای خالی اول، کلمه بعد از فعل اصلی (ate) به کار رفته، بنابراین از قید حالت (quickly) استفاده می‌کنیم. اما با توجه به این‌که قبل از جاهای خالی دوم و سوم، فعل to be را داریم، در هر دوی این موارد از صفت (important و late) استفاده می‌شود.

۱۰۵ ۱ هتل به طرز شگفت‌انگیزی ارزان بود. انتظار داشتم که بسیار گران‌تر باشد.

◄ قبل جای خالی اول، فعل to be (was) به کار رفته و طبیعتاً انتظار نداریم در جای خالی از قید حالت استفاده شود. اما با دقت به بعد از جای خالی، متوجه می‌شویم که صفت (cheap) بعد از جای خالی قرار دارد و در این‌جا کلمهٔ جای خالی شدت این صفت را بیان می‌کند. بنابراین در این مورد از قید حالت استفاده می‌شود. (یکی از کاربردهای قید حالت، بیان شدت صفت است.) قبل جای خالی دوم نیز دوباره فعل to be را داریم و در این مورد، طبق قاعده به صفت نیاز است که شکل صحیح آن expensive می‌باشد.

۱۰۶ ۱ باید از شما تعدادی سؤال خصوصی بپرسم که شاید نخواهید جواب دهید.

◄ در جای خالی اول، کلمه قبل از اسم (questions) به کار رفته و برای توصیف آن به کار رفته است، بنابراین از صفت (personal) استفاده می‌شود، نه قید حالت. دقت کنید که از may برای بیان احتمال و امکان در زمان حال و آینده استفاده می‌شود که با توجه به مفهوم جمله، در این‌جا شکل منفی آن مدنظر است.

۱۰۷ ۴ تمام خانه‌های این محله آن‌قدر شبیه هم به نظر می‌رسند که نمی‌توانم آن‌ها را از یک‌دیگر تشخیص دهم.

◄ look در معنی «به نظر رسیدن» یک فعل حالت است و بنابراین آن را به صورت استمراری به کار نمی‌بریم، بنابراین یکی از گزینه‌های (۲) یا (۴) می‌تواند صحیح باشد. دقت کنید که با توجه به مفهوم جمله، در این تست فعل can به صورت منفی می‌تواند کامل‌کنندهٔ جمله باشد، نه به صورت مثبت.

۱۰۸ ۴ حمید باید معلم خوبی باشد. به نظر می‌رسد که همهٔ دانش‌آموزانش او را دوست دارند.

◄ در صورتی‌که در جمله نشانه‌هایی وجود داشته باشد، که بتوانیم در مورد موضوعی خاص حدس قوی بزنیم و در واقع از حدس خودمان تا حدود زیادی اطمینان داشته باشیم، از فعل وجهی must استفاده می‌کنیم. دقت کنید که good صفت است و در انگلیسی، صفت قبل از اسم (در این‌جا teacher) به کار می‌رود.

۱۰۹ ۳ برنامه نداشتم آن کار را انجام دهم، اما حالا که پیشنهاد می‌دهید، شاید آن را امتحان کنم.

◄ از may برای بیان احتمال و امکان در زمان حال و آینده استفاده می‌شود. دقت کنید که ضمیر مفعولی مناسب برای that، که در بخش ابتدایی جمله به کار رفته it می‌باشد.

۱۱۰ ۲ مدیر نمی‌تواند در مرخصی باشد. همین الان با او تلفنی صحبت کردم.

◄ در صورتی‌که بر مبنای نشانه‌های موجود حدس بزنیم شرایط یا وضعیت خاصی نمی‌تواند در حال یا آینده وجود داشته باشد و در مورد حدس خودمان تقریباً یقین داشته باشیم، از can't استفاده می‌کنیم.

۱۱۱ ۱ می‌خواهید الان به آن‌ها زنگ بزنید؟ همین الان بعد از نیمه‌شب است! احتمالاً خواب هستند.

◄ در صورتی‌که با توجه به نشانه‌های موجود، در زمان حال و آینده حدسی قوی بزنیم و در واقع از حدس خودمان تقریباً اطمینان داشته باشیم، از must استفاده می‌کنیم. دقت کنید که چون فعل ذکر شده در جمله، در حال حاضر استمرار دارد، بعد از must به فعل استمراری نیاز داریم که شکل صحیح آن در گزینهٔ (۱) آمده است.

۱۱۲ ۱ ممکن است الان حوصلهٔ شنیدن این را نداشته باشید، اما باید به شما چیز مهمی را بگویم.

◄ از may و might برای بیان احتمال و امکان در زمان حال و آینده استفاده می‌شود و با توجه به مفهوم جمله می‌توانند در این تست مورد استفاده قرار گیرند. دقت کنید که در جای خالی د... به مفهوم جمله، به صف... (imp...) نیاز داریم، نه اسم (importance).

@khanehketab

۱۱۳ ۲ میلاد چراغ مطالعه‌اش را خاموش کرد و در تاریکی نشست در حالی که فکر می‌کرد باید چه کار کند.

◄ in the dark به معنی «در تاریکی» است و دارای شکل ثابتی است؛ در نتیجه جای خالی اول با in کامل می‌شود. دقت کنید که بعد از افعال وجهی (مثل should)، فعل اصلی باید به صورت ساده به کار برود (در این تست do).

۱۱۴ ۳ نباید این‌قدر نگران باشید. هیچ فایده‌ای ندارد. یا کار را می‌گیرید، یا نمی‌گیرید. اگر کار را نگرفتید، صرفاً برای کار دیگری درخواست دهید.

◄ بعد از فعل should به عنوان یک فعل وجهی، به شکل سادهٔ فعل نیاز داریم و خود should نیز با توجه به مفهوم جمله باید به صورت منفی باشد. در مورد جای خالی دوم دقت کنید که در این‌جا، کلمهٔ good به عنوان اسم به کار رفته است و کاربرد قید حالت (well) در جایگاه اسم صحیح نیست.

۱۱۵ ۱ روی سطح ماه هیچ نوع حیاتی وجود ندارد، اما بر روی کف اقیانوس، اشکال زیادی از حیات وجود دارد.

◄ با توجه به مفهوم جمله، در جاهای خالی، به روی سطح ماه و اقیانوس اشاره شده. بنابراین در هر دو جای خالی از on استفاده می‌کنیم.

۱۱۶ ۲ این کتاب به چنان انگلیسی راحتی نوشته شده است که حتی مبتدیان می‌توانند آن را متوجه شوند.

◄ کلمهٔ جای خالی اول، قبل از اسم (English) به کار رفته، بنابراین در این مورد به صفت (easy) نیاز داریم، نه قید حالت. در مورد جای خالی دوم نیز دقت کنید که بعد از افعال وجهی (مثل can)، شکل سادهٔ فعل (در این‌جا understand) نیاز است. علاوه بر این، ضمیر مفعولی مناسب برای book به عنوان یک اسم مفرد غیرانسان، it می‌باشد، نه them.

۱۱۷ ۳ احمق نباش؛ در قرن هفدهم هیچ تلفنی وجود نداشت! تلفن در دههٔ ۱۸۷۰ اختراع شد.

◄ هم قبل از قرن‌ها و هم قبل از دهه‌ها، از in به عنوان حرف اضافه استفاده می‌شود.

۱۱۸ ۳ پرواز تد از آمستردام بیش از ۱۱ ساعت طول کشید. او باید بعد از پروازی این‌قدر طولانی خسته باشد.

◄ در صورتی‌که بر مبنای علائم و نشانه‌های موجود، در مورد زمان حال و آینده حدسی قوی بزنیم و در واقع از حدس خودمان تقریباً مطمئن باشیم، برای اشاره به این حدس از must استفاده می‌کنیم. دقت کنید که بعد از افعال وجهی (مثل must و may)، به شکل سادهٔ فعل (در این تست be) نیاز داریم. علاوه بر این، بعد از فعل to be به عنوان یک فعل ربطی، به صفت (tired) نیاز است.

۱۱۹ ۲ شاید قادر نباشیم تمام مشکلاتمان را حل کنیم، اما باید قادر باشیم تعدادی از آن‌ها را حل کنیم.

◄ همان‌طور که گفته شد، بعد از افعال وجهی (مثل may و should) به شکل سادهٔ فعل نیاز است. در بین گزینه‌های این تست، فقط در گزینهٔ (۲) بعد از هر دو فعل وجهی، شکل سادهٔ فعل را داریم.

۱۲۰ ۱ صرف‌نظر از این‌که ممکن است چه‌قدر سخت درس بخوانید، نمی‌توانید در یک یا دو سال به انگلیسی مسلط شوید.

◄ hard یک قید حالت بی‌قاعده است و با توجه به مفهوم جمله، در این‌جا مورد استفاده قرار می‌گیرد. دقت کنید که hardly (به سختی؛ به ندرت) نیز کلمه‌ای صحیح است، ولی از نظر معنایی در این جا کاربرد ندارد. علاوه بر این، با توجه به مفهوم جمله، در جای خالی دوم، فعل can را به صورت منفی نیاز داریم تا به عدم توانایی انجام کاری در زمان حال و آینده اشاره شود.

۱۲۱ ۳ این احتمال وجود دارد که ممکن است آب شیر حاوی مواد مضر مثل کلر و سرب باشد.

◄ برای بیان احتمال و امکان در زمان حال و آینده از افعال وجهی may یا might استفاده می‌شود و فعل بعد از آن‌ها نیز باید به شکل ساده مورد استفاده قرار گیرد.

۱۲۲ ۳ ترک کردن سیگار راحت نیست، اما به خاطر سلامتی‌تان باید این کار را بکنید.

◄ هم از should و هم از must می‌توان برای بیان اجبار و ضرورت استفاده کرد و بنابراین یکی از گزینه‌های (۲) و (۳) پاسخ صحیح است. دقت کنید که صفات ملکی (مثل your) از نشانه‌های اسم هستند و بعد از آن‌ها از اسم (health) استفاده می‌کنیم، نه صفت (healthy).

۱۲۳ ۲ او به تلفن جواب نمی‌دهد. احتمالاً دارد دوش می‌گیرد.

◄ برای بیان احتمال و امکان وقوع یک عمل در زمان حال و آینده، هم می‌توان از may استفاده کرد و هم از might. اما با توجه به این‌که در گزینهٔ (۳)، بعد از فقط وجهی might، شکل سادهٔ فعل را نداریم، در این‌جا فقط گزینهٔ (۲) می‌تواند صحیح باشد.

۱۲۴ ۳ پشت میز پریز برق هست. ممکن است به من کمک کنید، میز را جابه‌جا کنم تا بتوانم کامپیوتر را به برق وصل کنم؟

◄ در جای خالی اول با توجه به مفهوم جمله می‌توان متوجه شد که پریز برق پشت میز است و بنابراین از behind (پشت) استفاده می‌کنیم. در مورد جای خالی دوم نیز دقت کنید که از can می‌توان برای انجام درخواست و تقاضا استفاده کرد که شکل صحیح آن برای این کاربرد در گزینهٔ (۳) آمده است.

۱۲۵ ۱ واقعاً مطمئن نیستم بهار کجاست. ممکن است در اتاق نشیمن نشسته باشد، یا شاید در حیات خلوت باشد.

◄ برای اشاره به حدس و گمان در زمان حال و آینده هم می‌توان از may استفاده کرد و هم might. البته بعد از افعال وجهی، در هر صورت فعل به شکل ساده (در این مورد be) به کار می‌رود.

@khaneh_book

۱۲۶ ۳ اگر می‌خواهید چیزی بخورید، یک کیک شکلاتی تازه پخته شده روی میز داخل آشپزخانه و مقدار زیادی غذا داخل یخچال هست.
◄ در جای خالی اول به روی میز اشاره شده، بنابراین از on استفاده می‌شود. اما با توجه به این‌که در جاهای خالی دوم و سوم به داخل آشپزخانه و یخچال اشاره شده، در هر دوی این موارد از in استفاده می‌کنیم.

۱۲۷ ۲ نگران نباش. شاید او در نگاه اول ترسناک به نظر برسد، اما در واقع شخصی بسیار صمیمی است.
◄ look هنگامی که در معنی «به نظر رسیدن» به کار رود، فعل حالت به حساب می‌آید و شکل استمراری نخواهد داشت. بنابراین در این تست، یکی از گزینه‌های (۲) یا (۴) می‌تواند صحیح باشد. دقت کنید که person (شخص) اسم است و قبل از آن به صفت نیاز داریم. با توجه به این‌که friendly (صمیمی؛ دوستانه) صفت است، اما friend (دوست) اسم می‌باشد، در بین دو گزینهٔ ذکرشده، فقط گزینهٔ (۲) می‌تواند صحیح باشد.

۱۲۸ ۴ وقتی بیل زنگ زد، مایک پشت میزش در دفتر کارش در سر کار نشسته بود؛ بیل برای تجارت در آسیا بود.
◄ برای اشاره به این‌که شخص پشت میز نشسته است، از at استفاده می‌شود. بنابراین فقط یکی از گزینه‌های (۲) یا (۴) می‌تواند صحیح باشد. با توجه به این‌که حرف اضافهٔ مورد استفاده برای قاره‌ها (مثل Asia)، in است، گزینهٔ (۴) صحیح می‌باشد.

۱۲۹ ۳ مادرم همیشه به من می‌گفت که باید هر ماه در بانک پول بگذارم تا در شرایط اضطراری پول کافی داشته باشم.
◄ حرف اضافهٔ مناسب برای bank در معنی ذکر شده در این تست، in می‌باشد، نه on. بنابراین در بین گزینه‌های موجود، فقط گزینه‌های (۲) و (۳) می‌توانند صحیح باشند. البته گزینهٔ (۳) نیز از نظر ترتیب اجزای جمله دارای ساختار صحیحی نیست و فقط گزینهٔ (۲) می‌تواند این جمله را کامل کند.

۱۳۰ ۱ شما می‌توانید از بیرون این موزه عکس بگیرید، اما نمی‌توانید از نمایشگاه‌های داخل عکس بگیرید.
◄ هم از فعل وجهی may و هم از فعل وجهی can می‌توان برای ارائه کردن مجوز و همین‌طور اجازه گرفتن استفاده کرد. اما با توجه به این‌که در وسط جمله but مورد استفاده قرار گرفته است، باید یکی از این دو فعل وجهی مثبت باشد و دیگری منفی. در بین گزینه‌ها، فقط گزینهٔ (۱) به این صورت است و به جمله معنی منطقی می‌دهد.

متن کلوز (۱)

جهان ما مکان‌های برجستهٔ مشهور زیادی دارد. مکان برجسته ساختمان یا محلی است که مخصوص یک ناحیه می‌باشد. بعضی از مکان‌های برجسته توسط انسان‌ها درست می‌شوند. سایر مکان‌های برجسته چیزهایی در طبیعت هستند، مانند آتشفشان یا آبشار. برج کج پیزا که یک برج ناقوس می‌باشد، یک مکان برجستهٔ ساخت بشر در ایتالیا است. آن بر روی خاک نرمی بنا شد. آن [شرایط] باعث شد مدت کوتاهی بعد از این‌که کارگران بیش از ۸۰۰ سال قبل شروع به ساختن آن کردند، آن [بنا] به یک طرف کج شود. بازدیدکنندگان می‌توانند حدود ۳۰۰ پله را در داخل بالا بروند تا منظره‌ای عالی از شهر را ببینند.

۱۳۱ ۳ ۱) فرهنگ ۲) انتخاب؛ حق انتخاب؛ گزینش ۳) محل، مکان، جا ۴) شخص
۱۳۲ ۱ ۱) ناحیه، منطقه ۲) تصویر؛ عکس؛ وجهه ۳) نماینده، کارگزار؛ آژانس ۴) اقدام؛ کار
۱۳۳ ۴ ۱) صلح؛ آرامش ۲) وضعیت، حالت ۳) ارزش ۴) طبیعت
۱۳۴ ۴ ◄ قبل از نام کشورها (مثل Italy)، از in به عنوان حرف اضافه استفاده می‌شود.
۱۳۵ ۱ ۱) پیش، قبل ۲) بعد از ۳) اخیراً، به تازگی ۴) در نهایت، بالاخره

متن کلوز (۲)

یکی از محل‌های تعطیلات محبوب من مکزیک است. من واقعاً آب و هوای آن‌جا را دوست دارم چون هرگز سرد نمی‌شود. مردم [آن‌جا] نیز خیلی مهربان هستند. آن‌ها هرگز به اسپانیایی [صحبت کردن] بد من نمی‌خندند. [در آن‌جا] غذا واقعاً خوب است. آن خیلی خوش‌مزه است. [شهر] مکزیکوسیتی جای بسیار جالبی برای بازدید کردن است. آن تعدادی موزهٔ عالی و تعداد بسیاری ساختمان قدیمی خیره‌کننده دارد. هتل‌ها برای اقامت بسیار گران هستند، اما گزینه‌های مقرون به صرفه‌تری [هم] وجود دارد. برای مثال شما می‌توانید در یکی از استراحت‌گاه‌های ساحلی مثل آکاپولکو بمانید. اگر در نظر دارید از مکزیک دیدن کنید، حتماً باید معابد مایاها را در نزدیک مریدا ببینید.

۱۳۶ ۲ ۱) نقطه؛ نکته ۲) هوا، آب و هوا ۳) حیات‌وحش، طبیعت ۴) مایع
۱۳۷ ۴ ◄ با توجه به مفهوم جمله، گزینه‌های (۱) و (۲) نمی‌توانند صحیح باشند، چون که hardly به معنی «به سختی، به ندرت» است و در این‌جا معنی مناسبی نخواهد داشت. دقت کنید که is که یکی از اشکال فعل to be است، جزء افعال ربطی به حساب می‌آید و بعد از آن، به صفت (good) نیاز داریم، نه قید حالت (well).
۱۳۸ ۴ ۱) خطرناک ۲) آشنا؛ شناخته‌شده ۳) بین‌المللی، جهانی ۴) جالب
۱۳۹ ۱ ۱) برای مثال ۲) با این حال، باوجود این ۳) عمدتاً، بیش‌تر ۴) در عوض، به جای
۱۴۰ ۳ ◄ بعد از افعال وجهی (در این تست should)، ... فعل نیاز داریم که در ... در گزینهٔ (۳) آمده است.

@khareh_book

متن کلوز ۳

پرسپولیس، پایتخت باستانی دومین سلسلهٔ ایرانی، امپراطوری هخامنشی بود. ایرانیان باستان آن را پارسا می‌نامیدند، به معنی شهر ایرانیان. پرسپولیس ترجمهٔ یونانی این نام است. در ایران مدرن، این شهر به عنوان تخت جمشید (تاج و تخت جمشید) شناخته می‌شود. بزرگ‌ترین ساختمان در پرسپولیس، کاخ آپادانا با ۷۲ ستون است. کاخ تچر که توسط داریوش اول بنا شد نیز ساختمان مهمی است. [بنای] کاخ هدیش در پرسپولیس توسط خشایارشا آغاز شد و توسط پسرش اردشیر یکم به پایان رسید. پرسپولیس محل میراث جهانی یونسکو است.

۱۴۱ ۲ ۱) حل کردن ۲) نامیدن؛ صدا کردن ۳) خلق کردن؛ ایجاد کردن ۴) قطعه‌ای را از حفظ خواندن

۱۴۲ ۱ ۱) ترجمه ۲) تحقیق، پژوهش ۳) وضع، موقعیت، شرایط ۴) مشاهده

۱۴۳ ۴ ◀ با توجه به مفهوم جمله و کاربرد the قبل از جای خالی، در جای خالی به صفت عالی نیاز داریم که شکل مناسب آن در گزینهٔ (۴) آمده است. دقت کنید که largest صفت است و در انگلیسی صفت قبل از اسم (در این‌جا building) مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۱۴۴ ۱ ◀ در این تست نیز با توجه به این‌که building (ساختمان) اسم است، قبل از آن به صفت (در این تست important) نیاز داریم. علاوه بر این، به دلیل مفرد و قابل شمارش بودن building، برای آن از حرف تعریف a / an استفاده می‌شود.

۱۴۵ ۳ ۱) حرکت کردن؛ حرکت دادن ۲) جذب کردن؛ جلب کردن ۳) تمام کردن؛ تمام شدن ۴) آماده کردن؛ مهیا کردن

متن کلوز ۴

اردو زدن یک فعالیت تفریحی است، معمولاً در طول تابستان وقتی که بچه‌های مدرسه در تعطیلات هستند. مردم در هنگام اردو زدن خانه‌هایشان را ترک می‌کنند و یک یا چند شب را در فضای باز می‌گذرانند. آن‌ها معمولاً طبیعت را کاوش می‌کنند، ماجراجویی می‌کنند یا محیط متفاوتی را تجربه می‌کنند. آن‌ها ممکن است در کاروان، چادر یا در هوای خوب، در فضای باز بخوابند. اردوهای زمستانی کم‌تر متداول هستند، اما در بعضی از بخش‌های جهان، چادرها در تمام طول سال خانهٔ انسان‌ها هستند. افراد ثروتمند در اوایل قرن بیستم شروع به چادر زدن کردند. وقتی افراد بیش‌تری از پس هزینه‌های آن برآمدند، افراد بسیار بیشتری آن [کار] را انجام دادند. معمولاً افراد در هنگام اردو زدن، غذایی را برای خوردن آماده می‌کنند که درست کردن آن راحت است. اگر آن‌ها شکار یا ماهی‌گیری کنند، ممکن است حیوان یا ماهی‌ای را که گرفته‌اند بر روی آتش ببزند.

۱۴۶ ۴ ۱) رفتار کردن ۲) ترک کردن؛ رها کردن
۳) تحقیق کردن، پژوهش کردن ۴) [وقت] صرف کردن، گذراندن؛ [پول] خرج کردن

۱۴۷ ۱ ◀ از may و might برای اشاره به احتمال انجام یک عمل در زمان حال و آینده استفاده می‌شود و فعل بعد از آن‌ها در هر صورت به شکل ساده خواهد بود.

۱۴۸ ۴ ۱) نوع؛ گونه ۲) نیم، نصف ۳) علامت؛ نشانه ۴) قسمت، بخش

۱۴۹ ۲ ◀ in حرف اضافهٔ مناسب برای اشاره به قرن‌ها و هم‌چنین بخشی از قرن‌ها می‌باشد.

۱۵۰ ۱ ۱) آماده کردن؛ مهیا کردن ۲) انداختن
۳) نجات دادن؛ [پول و غیره] پس‌انداز کردن ۴) پرورش دادن؛ توسعه دادن؛ رشد یافتن

متن کلوز ۵

چین جمعیت بزرگ بیش از ۱/۳ میلیارد نفری دارد در حالی که دو سوم [آن‌ها] در شرق چین زندگی می‌کنند. برای هزاران سال، امپراطورهای قدرتمند بر چین حکم‌رانی می‌کردند. در طول این مدت، تمدن چین بسیار پیشرفته بود، اما بیش‌تر جمعیت در فقر زندگی می‌کردند. در سال ۱۹۴۹، بعد از یک انقلاب کمونیستی، جمهوری خلق چین تأسیس شد. غذا، آموزش و مراقبت‌های درمانی برای افراد بیش‌تری موجود شد، اما هم‌چنین از دست رفتن آزادی وجود داشت. امروزه، مردم چین آزادی بیشتری دارند، امّا هنوز دولت، کنترل سختی بر زندگی آن‌ها دارد. از سال ۱۹۴۹، تایوان در مورد این‌که چه‌کسی بر جزیرهٔ کوهستانی تایوان حکومت کند، با چین در کشمکش بوده است.

۱۵۱ ۳ ◀ با توجه به مفهوم جمله، هم thousand و هم year به صورت جمع مدنظر هستند که شکل مناسب آن‌ها در گزینهٔ (۳) آمده است.

۱۵۲ ۴ ۱) یا ۲) سپس، بعد ۳) اگر ۴) اما، ولی

۱۵۳ ۴ ◀ in حرف اضافهٔ مناسب برای سال‌ها است.

۱۵۴ ۱ ۱) شدن ۲) درست کردن؛ باعث ... شدن ۳) گرفتن؛ بردن ۴) رفتن

۱۵۵ ۱ ◀ با توجه به وجود رابطهٔ مالکیت بین کلمهٔ جای خالی و اسم پس از آن، در جای خالی به صفت ملکی نیاز داریم. در بین گزینه‌های این تست، فقط their صفت ملکی است.

@khanehbook

متن کلوز (۶)

بسیاری از دانش‌آموزان می‌گویند که زودن بهترین زمان سال است. در بیشتر جاها، مدرسه با شروع تابستان تعطیل می‌شود. با وجود این، در ایالات متحده، تعدادی از دانش‌آموزان، تابستان‌ها را در خانه یا اردو نمی‌گذرانند. آن‌ها در عوض در مدرسه هستند. آن به این دلیل است که آن‌ها به مدارس بدون تعطیلات تابستانی می‌روند. دانش‌آموزان در تعدادی از مدارس بدون تعطیلات تابستانی، همان تعداد روزهایی را به مدرسه می‌روند که دانش‌آموزان مدارس دارای تعطیلات تابستانی طولانی می‌روند. آن‌ها به جای یک تعطیلات طولانی تابستانی، در طول سال تعطیلات کوتاهی را دریافت می‌کنند. تعطیلات کوتاه، چند هفته طول می‌کشند. برای مثال، دانش‌آموزان در بعضی از مدارس بدون تعطیلات تابستانی، در جشن شکرگزاری به جای فقط چند روز، چند هفته تعطیل می‌شوند.

۱۵۶ ۴) ۱) نیاز داشتن ۲) طول کشیدن
۳) پوشاندن ۴) [وقت] صرف کردن، گذراندن؛ [پول] خرج کردن

۱۵۷ ۳) ۱) با این حال، با وجود این ۲) مگر این‌که ۳) چون‌که، به دلیل این‌که ۴) گویی که

۱۵۸ ۴) ۱) قطعه، تکه ۲) حقیقت، واقعیت ۳) مدل، الگو ۴) عدد؛ تعداد؛ شماره

۱۵۹ ۱) ۱) در عوض، به جای ۲) پشت ۳) جلوی، مقابل ۴) بالای

۱۶۰ ۲) ۱) عمیق، گود ۲) دراز؛ طولانی ۳) امن، ایمن ۴) عریض؛ پهن

◀ چند روز / هفته / ماه طول کشیدن: be a few days / weeks / months long

متن کلوز (۷)

برج ایفل از شام‌دومارس ـ یک فضای باز در غرب پاریس ـ سر بر آورده است. آن [برج] توسط مهندس فرانسوی الکساندر گوستاو ایفل، که تا آن زمان به دلیل احداث پل‌هایش در فرانسه و چندین کشور خارجی معروف بود، برای نمایشگاه سال ۱۸۸۹ پاریس ساخته شد. این برج از تیرهای فولادی به وزن تقریبی ۷۰۰۰ تن ساخته شده است. ارتفاع آن از پایهٔ بنا ۳۲۲ متر است، که شامل یک فضای تلویزیونی ۱۷ متری می‌باشد. آن [برج] برای گردشگرانی که در پی چشم‌انداز هوایی از پاریس هستند، محل جذابی برای بازدید است، و علاوه بر این، به عنوان یک ایستگاه مهم رادیویی و تلویزیونی و دفتری برای بررسی شرایط آب و هوایی به کار می‌رود. هم‌چنین در طبقهٔ دوم [آن] رستورانی وجود دارد.

۱۶۱ ۱) ۱) مشهور، معروف ۲) اخیر، جدید ۳) سنتی؛ قدیمی ۴) داخلی، وطنی؛ خانوادگی

۱۶۲ ۱) ◀ حرف اضافهٔ مناسب برای کشورها (مثل France)، in می‌باشد.

۱۶۳ ۲) ۱) خلق کردن؛ ایجاد کردن ۲) شاملِ ... بودن ۳) حرکت کردن؛ حرکت دادن ۴) وصل کردن، متصل کردن

۱۶۴ ۳) ۱) خارجی، بیگانه ۲) سخاوتمند؛ سخاوتمندانه ۳) جذاب؛ جالب ۴) ناگهانی

۱۶۵ ۴) ◀ از there is برای اشاره به «وجود داشتن و بودن» برای اسامی مفرد استفاده می‌شود.

متن ۱

اگر زمانی پایتان به دانمارک رسید، باید باکن را ببینید، قدیمی‌ترین پارک تفریحی جهان. باکن، مانند دیگر پارک‌های تفریحی، ترن‌های هوایی، غذا و بازی دارد، اما تاریخچهٔ آن با پارک‌های تفریحی و شهربازی‌هایی که ممکن است بشناسید، بسیار متفاوت است.

باکن در اواخر سدهٔ ۱۵۰۰ به عنوان مکانی برای به دست آوردن آب تمیز معروف بود. مردم در شهر نزدیک به آن نمی‌توانستند آب آلودهٔ نزدیک به شهر را بنوشند. بنابراین به چشمه‌های باکن می‌رفتند. به زودی، بازرگانان و بازیگران ظاهر شدند. بازرگانان غذا و صنایع دستی می‌فروختند، در حالی که بازیگران برای بازدیدکنندگان شعبده‌بازی‌هایی را انجام می‌دادند.

در اواسط سدهٔ ۱۶۰۰، باکن بر روی عموم بسته شد. آن بخشی از زمینی بود که متعلق به پادشاه بود. در سال ۱۶۶۹، پادشاه فردریک سوم، باکن را به پارک خصوصی حیوانات تبدیل کرد که مانند یک باغ وحش شخصی بود. شاه بعدی، پادشاه کریستین پنجم، در سال ۱۶۷۰ پارک را بزرگ‌تر کرد. اما پارک [هم چنان] تا سال ۱۷۵۴ خصوصی باقی ماند، هنگامی که پادشاه فردریک پنجم می‌خواست پارک را با همه به اشتراک بگذارد.

هنگامی که این پارک بار دیگر بر روی عموم باز شد، بازرگانان و بازیگران دوباره ظاهر شدند. به زودی، باکن یکی از معروف‌ترین مکان‌ها در اروپا شد. در طول قرن بیستم، ترن‌های هوایی و دیگر وسایل معمول پارک‌های تفریحی به باکن اضافه شد. امروزه، باکن دومین مکان محبوب برای بازدید توریست‌ها در دانمارک است.

۱۶۶ ۲) این متن عمدتاً در چه موردی است؟

۱) تاریخ دانمارک ۲) تاریخچهٔ یک پارک تفریحی

۳) زندگی‌نامهٔ پادشاهان دانمارک ۴) زندگی‌نامهٔ بازیگران دانمارک

@khanebook

۱۶۷ ۲ کلمهٔ "its" در سطر دوم به "Bakken" اشاره دارد.

۱) دانمارک ۲) باکن

۳) جهان ۴) غذا

۱۶۸ ۱ بازرگانان و بازیگران در اواخر سدهٔ ۱۵۰۰ در باکن چه نقشی داشتند؟

۱) آن‌ها چیزهایی می‌فروختند و جمعیت را سرگرم می‌کردند. ۲) آن‌ها به مردم کمک می‌کردند آب تمیز پیدا کنند.

۳) آن‌ها از شاه خواستند تا پارک را بر روی عموم باز کند. ۴) آن‌ها باعث شدند شاه پارک را بر روی عموم ببندد.

۱۶۹ ۳ بر مبنای متن، کدام یک از این‌ها پادشاه فردریک پنجم را به بهترین شکل توصیف می‌کند؟

۱) او به حیوانات اهمیت می‌داد. ۲) او می‌خواست پارک‌ها بزرگ‌تر باشند.

۳) او می‌خواست مردم [هم] از آن چیزی که او لذت می‌برد، لذت ببرند. ۴) او به حفاظت کردن از دارایی‌اش اهمیت می‌داد.

۱۷۰ ۲ کدام یک از این‌ها دربارهٔ باکن صحیح نیست؟

۱) آن به عنوان محلی برای به دست آوردن آب تمیز تأسیس شد.

۲) آن محبوب‌ترین محل برای بازدید در دانمارک است.

۳) آن برای سال‌ها بر روی عموم مردم بسته شد.

۴) آن بسیاری از همان جاذبه‌های پارک‌های تفریحی مدرن را دارد.

متن ۲

وقتی ژول ورن کتاب محبوبش، دور دنیا در هشتاد روز، را منتشر کرد، سفر هنوز کند بود. در دنیای واقعی، سفر کردن دور دنیا در هشتاد روز، غیرممکن به نظر می‌رسید. در سال ۱۸۸۹، اولین گزارشگر زن آمریکا، نلی بلی، سردبیر خودش را متقاعد کرد که می‌توانست از آن زمان و [از] هر مردی که تلاش می‌کرد با او رقابت کند، گوی سبقت را بگیرد. در ۱۴ نوامبر سال ۱۸۸۹، نلی سوار کشتی بخار آگوستا ویکتوریا شد که از هابوکن نیوجرسی حرکت می‌کرد. مسابقه با ساعت در ساعت ۹:۴۰ صبح آغاز شد.

او به فرانسه سفر کرد، جایی که ژول ورن را ملاقات کرد. آن‌ها مسیر نلی را تعیین کردند تا با مسیر کتاب ژول ورن مطابقت داشته باشد. نلی به مسیر خودش به ایتالیا ادامه داد. او سپس از کانال تازه حفرشدهٔ سوئز کشتی‌رانی کرد. او با کشتی از یمن به سیلان (در حال حاضر سری‌لانکا) [و از آن‌جا] به سنگاپور حرکت کرد. او در آن‌جا یک میمون خرید که باقی مسیر را با او سفر کرد. او متوجه شد که یک گزارشگر زن جوان توسط مجله‌ای فرستاده شده بود و از او جلوتر بود. این نلی را متوقف نکرد. او پیش از این‌که از اقیانوس آرام به سان فرانسیسکو عبور کند، به مسیر خودش به هنگ‌کنگ و ژاپن ادامه داد.

نلی سپس توسط قطار، از بخش جنوبی ایالات متحده به نیوجرسی سفر کرد. او هفتاد و دو روز و شش ساعت و یازده دقیقه بعد از شروع سفر خودش، قدم در ایستگاه قطار نیوجرسی گذاشت. مسابقهٔ حیرت‌انگیز او، وی را به زن قهرمان ملی تبدیل کرد.

۱۷۱ ۳ معنی "itinerary" (برنامهٔ مسافرت؛ مسیر) در پاراگراف دوم چیست؟

۱) لیستی از کتاب‌ها ۲) لیستی از کشتی‌های بخار

۳) لیستی از مقصدها در یک سفر ۴) لیستی از افرادی که باید ملاقات شوند

۱۷۲ ۱ احتمالاً نلی در طول سفر چه کار می‌کرد تا مردم بدانند کجا بود و حالش چه‌طور بود؟

۱) او گزارش‌ها و مقالاتی را برای روزنامه‌اش می‌فرستاد تا چاپ شوند. ۲) او برای رئیس جمهور ایالات متحده نامه‌هایی را می‌فرستاد.

۳) او با گزارشگران تلویزیون مصاحبه می‌کرد. ۴) او به پدر و مادرش تلفن می‌کرد.

۱۷۳ ۳ نلی و ژول ورن در چه موردی بحث کردند؟

۱) او (ژول ورن) کتاب را چه‌طور نوشت ۲) افرادی که باید در طول مسیر ملاقات شوند

۳) مسیر دور دنیا ۴) چه‌طور باید یک رمان نوشت

۱۷۴ ۲ از متن می‌توانید چه چیزی را در مورد موفقیت رقیب نلی برداشت کنید؟

۱) او مسابقه را تمام نکرد. ۲) او برندهٔ مسابقه نشد.

۳) او [مسابقه را] رها کرد و به خانه رفت. ۴) او برندهٔ مسابقه

@khaneh_book

متن ۳

اردو زدن یک سرگرمی در فضای باز است که مردم سرتاسر جهان از آن لذت می‌برند. آن، یک روش عالی برای گشتن طبیعت است. بسیاری از افراد، اردو زدن را نزد سازمانی مثل پیش‌آهنگ‌ها یاد می‌گیرند. سایرین ممکن است اولین تجربهٔ اردو زدنشان را در تعطیلات اردوزنی در کوهستان‌ها یا کنار دریا کسب کنند. در بسیاری از کشورها، برای توریست‌ها، اردوگاه‌های ویژه‌ای وجود دارد، بنابراین شما همیشه مجبور نیستید با خودتان چادر حمل کنید. ممکن است اردوگاه، یکی [از آن‌ها را] در اختیار [تان] بگذارد.

با وجود این، یاد گرفتن مهارت‌های مقدماتی اردو زدن، مایهٔ سرگرمی است: [این‌که] چه‌طور چادر را برپا کنید (بزنید)، چه‌طور برای آشپزی آتش درست کنید، چه‌طور کوله‌پشتی را ببندید، چه‌طور چادر خودتان را تمیز و مرتب نگه دارید، و [این‌که] چه‌طور چادر را پایین بیاورید (جمع کنید). سازمان‌های اردوزنی می‌توانند کمک و مشاوره‌های بسیاری ارائه کنند، [و در این زمینه] کتاب‌های مفید زیادی برای خواندن هست.

شما همیشه قبل از این‌که چادر بزنید، باید مطمئن شوید از صاحب زمینی که می‌خواهید روی آن چادر بزنید، مجوّز دارید. سپس، مهم است که محل مناسب را انتخاب کنید؛ [یعنی] دور از لب پرتگاه‌ها یا محل‌های نرم مرطوب [باشد] و زیر [شاخه‌های] درخت‌ها نباشد (ممکن است شاخه‌ها [درخت] بیفتند و اگر باران ببارد، آب روی چادر شما خواهد ریخت).

در صورت امکان، زمین مسطحی را انتخاب کنید. مطمئن شوید [که] آب شیرین آشامیدنی در دسترس دارید، [چون‌که] شاید لازم باشد بعداً از آن استفاده کنید.

۱۷۵ ۳ طبق متن، اردو زدن ..... .

۱) توسط افرادی انجام می‌شود که در حومهٔ شهر زندگی می‌کنند
۲) روش جذب توریست است
۳) فعالیتی جهانی است
۴) به‌طور خاص برای افرادی است که نزد پیش‌آهنگ‌ها هستند

۱۷۶ ۲ کلمهٔ "one" در سطر ۴ به "tent" اشاره دارد.

۱) توریست، جهانگرد
۲) چادر، خیمه
۳) جا، محل (اردوگاه - campsite)
۴) کشور

۱۷۷ ۴ کدام‌یک از موارد زیر تمرکز اصلی پاراگراف ۲ را به بهترین شکل نشان می‌دهد؟

۱) آشپزی
۲) سازمان‌ها
۳) سرگرمی، مایهٔ سرگرمی
۴) مهارت‌ها

۱۷۸ ۱ طبق متن، ..... .

۱) برپا کردن چادر زیر درخت عاقلانه نیست
۲) چادر زدن نزدیک دریا یک رویداد نادر است
۳) لب پرتگاه‌ها برای تماشا عالی هستند
۴) بیشتر صاحبان زمین‌ها از این‌که اجازه دهند مردم در زمین‌هایشان اردو بزنند لذت می‌برند

۱۷۹ ۳ پاراگراف ۳ در نظر دارد تا به خواننده اطلاعاتی بدهد در مورد [این‌که] ..... .

۱) قبل از اردو رفتن با چه کسی تماس بگیریم
۲) در جریان وضع فوق‌العاده چه‌کار کنیم
۳) کجا اردو بزنیم
۴) در سفر اردوزنی همراه خودتان چه چیزی ببرید

متن ۴

ممکن است عکس‌هایی را از سه هرم جیزه در مصر دیده باشید. متخصصان بر این باورند که این اهرم برای فراعین یا پادشاهان مصری باستان درست شدند. این اهرام به عنوان مقبره‌هایی عظیم و استادانه عمل می‌کردند.

ساختن بناهایی آن‌قدر بزرگ و سنگین را بدون تجهیزات ساخت و ساز مدرن، تصور کنید! هرم بزرگ خوفو، بزرگ‌ترین [هرم در بین] سه هرم جیزه است. هرم بزرگ از بیش از ۲ میلیون قطعه سنگ درست شده بود. بیش‌تر سنگ‌ها هر کدام ۲/۵ تن وزن داشتند. شگفت‌انگیز است که تمامی این قطعه‌ها این‌قدر ماهرانه در کنار هم قرار گرفتند.

یک چیز همواره باستان‌شناسان را متحیر کرده است. مصریان باستان چگونه قطعات [سنگ] را جابه‌جا می‌کردند؟ نظرات متفاوت هستند. بسیاری از متخصصان فکر می‌کنند قطعات [سنگ] با رمپ و سورتمه جابه‌جا می‌شدند. با این حال، هیچ‌کس با اطمینان نمی‌داند.

بریدن قطعات [سنگ] به کارگران زیادی نیاز داشت. جابه‌جا کردن آن‌ها به کارگران بسیار بیش‌تری نیاز داشت. حتی مردان بیشتری نیاز بودند تا قطعات را بر روی هرم قرار دهند. باستان‌شناسان تخمین می‌زنند که بیش از ۲۰۰۰۰ مرد بر روی هرم بزرگ کار می‌کردند. ساختن هرم سال‌ها طول کشید. امروزه، هنوز بازدیدکنندگان برای تحسین این بنای شگفت‌انگیز می‌آیند.

اهرام جیزه یکی از «هفت عجایب دنیای باستان» را تشکیل می‌دهند. آن تنها عجایب دنیای باستان است که امروزه هنوز وجود دارد.

@khaneh_book

۱۸۰ ۳ مصریان باستان چگونه اهرام را بنا کردند؟

۱) با استفاده از رمپ و سورتمه
۲) با استفاده از جرثقیل‌های غول‌پیکر ساخت و ساز
۳) هیچ‌کس با اطمینان نمی‌داند
۴) با استفاده از هزاران شتر

۱۸۱ ۱ هدف این متن ..... است.

۱) ارائهٔ اطلاعات
۲) سرگرم کردن خوانندگان
۳) تغییر تاریخ
۴) فراهم کردن سرگرمی

۱۸۲ ۲ طبق این متن، چرا اهرام یکی از «عجایب هفت‌گانهٔ دنیای باستان» هستند؟

۱) آن‌ها بزرگ‌ترین چیزهایی هستند که تاکنون توسط انسان‌ها ساخته شده‌اند.
۲) آن‌ها بناهایی شگفت‌انگیز هستند و مشخص نیست چه‌طور بنا شدند.
۳) هفت هرم وجود داشت و فراعین جهان را کنترل می‌کردند.
۴) آن‌ها در بین اولین هفت ساختمانی بودند که تا آن زمان بنا شده بودند.

۱۸۳ ۲ این متن عمدتاً در مورد ..... می‌باشد.

۱) [این‌که] چرا اهرام در مصر واقع شده بودند
۲) اهرام و این‌که احتمالاً آن‌ها چه‌طور بنا شده بودند
۳) [این‌که] چرا بعضی از افراد فکر می‌کنند موجودات فضایی به ساختن اهرام کمک کردند
۴) [این‌که] مصریان باستان چگونه فراعین خودشان را در اهرام دفن می‌کردند

متن ۵

محلی را که می‌خواهید بروید به نحوی انتخاب کنید که همهٔ [اعضای] خانواده [از آن] لذت ببرند. بچه‌ها علاقه[شان] را خیلی زودتر از بزرگسالان از دست می‌دهند، بنابراین هنگام انتخاب، بچه‌هایتان را در نظر داشته باشید و مطمئن شوید فعالیت‌هایی وجود دارد که آن‌ها را سرگرم و علاقه‌مند نگه خواهد داشت.

اگر آماده نباشید تا از پس مدت زمان توجه کوتاه بچه‌ها بر بیایید، رفتن به سفر جاده‌ای طولانی با بچه‌هایتان می‌تواند کاملاً تنش‌زا باشد. [با خودتان] کتاب‌های رنگی، اسباب‌بازی، بازی‌های کامپیوتری، سی‌دی‌هایی که دارای صوت برای بچه‌ها هستند، غذا و آب [به میزانی] که برای سفر کافی باشد و بقیهٔ چیزهایی را که برای خانواده‌تان واجب خواهید دانست، ببرید.

مطمئن شوید [که] خانواده‌تان ایمن هستند، در صندلی عقب، برای بچه‌ها از کمربند ایمنی و صندلی ایمنی کودک استفاده کنید؛ ثابت شده است [که] اگر در جاده به مشکلی بر بخورید، آن‌ها بچه‌ها را ایمن نگه می‌دارند. اگر برنامه دارید که برای اردوزنی بروید، به یاد داشته باشید که همراه ملزومات، یک جعبهٔ کمک‌های اولیه ببرید.

اگر به محلی می‌روید که توسط یک دوست یا از [طریق] سایر منابع اطلاعاتی پیشنهاد شده، و مطمئن نیستید چه‌طور به آن‌جا برسید، یک نقشهٔ منطقهٔ جغرافیایی را در دسترس داشته باشید، آن همین‌طور می‌تواند پاسخی برای رایج‌ترین سؤال کودک‌تان باشد: «هنوز آن‌جا نرسیده‌ایم؟»

وقتی در یک سفر طولانی هستید، بردن ساندویچ، میوه، [و] بطری‌های آب به میزان کافی برای همهٔ [اعضای] خانواده، مطمئن‌تر است. به یاد داشته باشید که [با خودتان] یک کیسه زباله ببرید تا مجبور نباشید در جاده آشغال بریزید؛ آن همین‌طور [تعداد] توقف‌هایی را که مجبور هستید در طول سفر داشته باشید، کاهش می‌دهد [و از این طریق] توقف‌ها را [فقط] برای استفاده از دستشویی و قدم زدن اختصاص خواهد داد.

۱۸۴ ۲ بهترین عنوان برای این متن چیست؟

۱) در یک سفر کجا برویم
۲) ایده‌های سفر جاده‌ای برای خانواده
۳) محافظت در طول سفری طولانی
۴) مزیّت سفر برای کودکان

۱۸۵ ۲ طبق متن، اگر در طول سفر ببینید [که] بچه‌هایتان به جای نگاه کردن به مناظر طبیعی، در ماشین تصویری را نقاشی می‌کنند، شما ..... .

۱) ممکن است خیلی پرتنش شوید
۲) نباید متعجب شوید
۳) باید اتومبیل را متوقف کنید تا آن‌ها بتوانند آرام شوند
۴) باید تلاش کنید آن‌ها را در فعالیت‌های دیگری درگیر کنید

۱۸۶ ۱ به شما توصیه شده است ..... با خودتان یک جعبهٔ کمک‌های اولیه ببرید.

۱) اگر برای اردوزنی می‌روید
۲) به دلیل این‌که کودکان ممکن است به آسانی بیمار شوند
۳) به دلیل این‌که جاده‌ها به‌طور کامل ایمن نیستند
۴) برای کمک به آن‌ها ممکن است در تصادفات رانندگی مجروح شوند

@khanehbook

۱۸۷ ۳ طبق متن، سؤال «هنوز آن‌جا نرسیده‌ایم؟» همانی است که ..... .

۱) مردم وقتی می‌پرسند که راهشان را گم می‌کنند
۲) علاقهٔ زیاد بچه‌ها به سفر را نشان می‌دهد
۳) بچه‌ها در مسیر [رفتن به] جایی اغلب می‌پرسند
۴) نشان می‌دهد بچه‌ها نمی‌توانند برای مدتی طولانی روی یک چیز تمرکز کنند

۱۸۸ ۴ طبق متن، شما در سفری طولانی ..... .

۱) به اندازهٔ سفری کوتاه امن نیستید
۲) نمی‌توانید هیچ کار خاصی بکنید تا تعداد [دفعاتِ] توقف را کاهش دهید
۳) ممکن نیست رستوران‌های زیادی را در مسیر پیدا کنید
۴) نباید چیزهای به درد نخور را در جاده بریزید

متن ۶

به شهر یخی خوش آمدید! با آغاز ژانویه، شهر هاربین در شمال شرقی چین به سرزمین عجایب زمستانی تبدیل می‌شود یا تغییر می‌کند. فستیوال یخ یک جاذبهٔ توریستی محبوب است. آن به مدت ۳۳ سال توده‌های مردم را جلب کرده است. سازمان‌دهندگان [فستیوال] انتظار دارند [که] امسال میلیون‌ها بازدیدکننده به پارک‌های شهر سرازیر شوند. آن جا، آن‌ها صدها مجسمهٔ برفی و چند ساختمان خیلی بزرگ ساخته شده با آجرهای یخی را خواهند دید.

هاربین سردترین شهر در چین است. دمای این شهر برای بیش از شش ماه از سال زیر انجماد است. (نقطهٔ انجماد آب ۳۲ درجهٔ فارنهایت است.) در هاربین دما می‌تواند به زیر صفر [درجهٔ فارنهایت] کاهش یابد. آن [شرایط] به مردم آن‌جا یک فرصت یا شانس عالی ارائه می‌کند تا با مقدار زیادی برف و یخ، ساخت و ساز انجام دهند. در واقع، آن‌ها از برف و یخ کافی استفاده می‌کنند که [می‌تواند] ۹۰ استخر بزرگ شنا را پر کند!

در [ماه] دسامبر، ۳۰۰۰ کارگر شروع به ساختن پارک تفریحی زمستانی کردند. آن‌ها از یخ، قصرهایی بزرگ، ازدهاهایی صمیمی، سرسره‌های لیز و حتی رستوران‌های فعال را تراشیدند. بعضی از ساختمان‌ها و مجسمه‌ها نورهای رنگی دارند که در شب، روشن می‌شوند.

بسیاری از مجسمه‌های یخی توسط نیم‌هایی از هنرمندان از سرتاسر جهان ساخته می‌شوند. هنگامی‌که بازدیدکنندگان برای دیدن ساخته‌ها می‌آیند، باید مراقب راه رفتن خودشان باشند. نه تنها ساختمان‌ها از یخ ساخته شده‌اند، بلکه هم چنین تعداد بسیاری از گذرگاه‌ها و نرده‌ها نیز [از یخ درست شده‌اند]!

۱۸۹ ۳ با آغاز ژانویه، شهر هاربین به سرزمین عجایب زمستانی تبدیل می‌شود. این [موضوع] چه تأثیری دارد؟

۱) شهر هاربین، پول زیادی را از دست می‌دهد.
۲) مردمی که در هاربین زندگی می‌کنند، این شهر را ترک می‌کنند.
۳) میلیون‌ها توریست از این شهر دیدن می‌کنند.
۴) میلیون‌ها نفر، شروع به ساختن مجسمه‌های یخی می‌کنند.

۱۹۰ ۲ کلمهٔ "they" در پاراگراف اول به "visitors" اشاره دارد.

۱) سازمان‌دهندگان ۲) بازدیدکنندگان ۳) پارک‌ها ۴) مجسمه‌ها

۱۹۱ ۴ بر مبنای متن، ممکن است چه چیزی باعث شود تا مردم صدها مجسمهٔ برفی و ساختمان‌های یخی خیلی بزرگ را در هاربین بسازند؟

۱) آن‌ها می‌خواهند آب شدن این مجسمه‌های برفی و ساختمان‌های یخی را در ماه‌های گرم‌تر ببینند.
۲) آن‌ها می‌خواهند این مجسمه‌های برفی و ساختمان‌های یخی را به شهرهای دیگر در چین بفروشند.
۳) آن‌ها می‌خواهند از این مجسمه‌های برفی و ساختمان‌های یخی، استفاده کنند تا مانع بازدید توریست‌ها از هاربین شوند.
۴) آن‌ها می‌دانند این مجسمه‌های برفی و ساختمان‌های یخی میلیون‌ها توریست را جلب خواهند کرد.

۱۹۲ ۳ طبق متن، نه تنها ساختمان‌ها برای فستیوال زمستانی از یخ درست شده‌اند، بلکه هم چنین بسیاری از گذرگاه‌ها و نرده‌ها نیز [از یخ ساخته شده‌اند]. متن اشاره می‌کند [که] این ممکن است چه تأثیری داشته باشد؟

۱) به احتمال زیاد، گردشگران تصمیم خواهند گرفت در فستیوال زمستانی شرکت نکنند.
۲) ممکن است دما در هاربین کاهش یابد.
۳) ممکن است گردشگران، روی یخ لیز بخورند.
۴) ممکن است سازندگان، مجسمه‌های یخی را بشکنند.

۱۹۳ ۲ بر مبنای متن، چرا نویسنده هاربین را «شهر یخی» می‌نامد؟

۱) در هاربین برف و یخ زیادی وجود دارد.
۲) مردم برای فستیوال زمستانی در هاربین مجسمه‌های برفی زیادی درست می‌کنند.
۳) در هاربین یخ زیادی در تمام طول سال فروخته می‌شود.
۴) مردم در هاربین در ساختمان‌هایی زندگی و کار[illegible] از یخ درست شده‌اند.

@khanehbook

متن ۷

در گذشته، تعطیلات سنتی بریتانیایی یک هفته در ساحل دریا بود؛ یا در بریتانیا یا جایی با آب و هوای قابل اتکاتر مثل دریای مدیترانه. اما اخیراً گردشگران دنبال تجربهٔ تعطیلات متفاوتی می‌گردند. توریست‌ها که شاید از مستندهای حیات وحش در تلویزیون الهام گرفته‌اند، برای تعطیلات سیاحت اکتشافی و اردوهای بونه‌زارها، به مکان‌هایی مثل کنیا و آفریقای جنوبی هجوم برده‌اند. علاقه به چین نیز رو به رشد بوده است. از بازی‌های المپیک ۲۰۰۸، حدود نیم میلیون توریست بریتانیایی در قالب تورهای فرهنگی از چین دیدن کرده‌اند. در عین حال، شرکت‌های [برگزاری] تور، بستهٔ سنتی تعطیلات را با تحول جدیدی ارتقا داده‌اند تا مشتریان بیش‌تری را جلب کنند؛ اما با نتایج دوگانه. یک اپراتور تعطیلات، تمام جاهای تعطیلات آب‌گرمش را برای این فصل در اسپانیا پر کرده است، اما آن‌ها فقط نیمی از تفریحات لوکس موجود خودشان در مصر را فروخته‌اند.

یکی از قابل توجه‌ترین تغییرات این است که نسل پیرتر گردشگران بریتانیایی متفاوت با هر زمان دیگری در گذشته سفر کرده است. در سه سال اخیر تعداد گردشگران بالای ۶۰ سال، دو برابر شده است. مقصدهای سفرهای دریایی در دریای کارائیب یا حتی قطب جنوب، دیگر مختص ماجراجویان جوان نیستند.

۱۹۴ ۳ متن عمدتاً در چه موردی بحث می‌کند؟

۱) سنت و مدرنیته
۲) توریسم رو به رشد در بریتانیا
۳) تغییری در یک الگوی سنتی
۴) نسل پیرتر گردشگران بریتانیایی

۱۹۵ ۲ تمام موارد زیر به عنوان مقصدهایی ذکر شده‌اند که از گذشته توجه بیش‌تری را برای گردشگران بریتانیایی جلب کرده‌اند، به‌جز ..... .

۱) چین
۲) مصر
۳) کنیا
۴) آفریقای جنوبی

۱۹۶ ۱ کدام‌یک از موارد زیر را به بهترین شکل می‌توان از متن برداشت کرد؟

۱) بازی‌های المپیک ۲۰۰۸ در یک کشور آسیای شرقی برگزار شدند.
۲) مردم بریتانیا به بازی‌های ورزشی بسیار بیشتر از فرهنگ علاقه‌مند هستند.
۳) بیشتر مردم بریتانیا برای شنا در دریا یا گذراندن وقت در ساحل دریا، به خارج می‌روند.
۴) عادات نسل پیرتر در بریتانیا، سالم‌تر از عادات نسل جوان بود.

۱۹۷ ۲ طبق متن، در گذشته قطب جنوب برای ..... جذابیت زیادی نداشت.

۱) گردشگران جوان بریتانیایی
۲) مردم نسل پیرتر در بریتانیا
۳) آن‌هایی که درگیر سازمان‌دهی مقاصد گردشگری بودند
۴) مردمی که در کشورهای اروپایی به جز بریتانیا زندگی می‌کنند

متن ۸

هر کسی حداقل گاهی اوقات توریست است. اما «توریست خوب» بودن می‌تواند به کمی تمرین نیاز داشته باشد. در حالی که بسیاری از توریست‌ها ممکن است همین حالا [هم] عادات مسافرتی خوبی داشته باشند، همهٔ ما احتمالاً آن توریست‌هایی را دیده‌ایم که هنگام مسافرت صبر و حسن نیت افراد محلی را آزمایش می‌کنند. توریست خوب بودن واقعاً آن‌قدر سخت نیست. در واقع، با پیروی کردن از چند قانون ساده، توریست‌ها می‌توانند هم تجربهٔ خودشان، و هم تجربهٔ مردم در حال زندگی در مناطقی که از آن‌ها بازدید می‌کنند را تجربه‌ای خوشایند کنند.

مانع عبور و مرور نشوید. این بزرگ‌ترین گلایه توسط افراد بومی منطقه‌ای است که پر از توریست می‌شود. اگر شما نمی‌دانید [که] کجا می‌روید، به طور ناگهانی در انتهای پله برقی نایستید، که [با این کار] باعث تودهٔ انسانی می‌شوید. به راه رفتن ادامه دهید، از جریان عبور و مرور خارج شوید، و سپس معین کنید [باید] به کدام مسیر بروید. حتی بهتر [است] قبل از این که سوار هر وسیلهٔ نقلیهٔ عمومی شوید یا [از آن] پیاده شوید، معین کنید کجا می‌روید. همهٔ ما مجبوریم حمل و نقل عمومی را با هم سوار شویم، بنابراین لطفاً به یاد داشته باشید که بسیاری از افراد عجله دارند تا به سر کار برسند.

صدایتان را پایین نگه دارید. شما ممکن است هیجان‌زده باشید یا حتی استرس داشته باشید، اما مکان‌های مشخصی، مانند معابد یا موزه‌ها، وجود دارند که شما باید سعی کنید آرام صحبت کنید. هیچ کس دیگری نمی‌خواهد [صدای] مکالمهٔ تلفن همراه شما یا برنامهٔ روزانه‌تان را بشنود. به افراد دوروبرتان توجه کنید، و سعی کنید به فضایی که [با بقیه] سهیم هستید احترام بگذارید.

به فرهنگ و محیط زیست احترام بگذارید. از افراد محلی دربارهٔ این‌که چه چیزی رفتار مناسب است و چه چیزی [رفتار مناسب] نیست الگو بگیرید. اگر نمی‌بینید [که] افراد محلی گل‌ها را بچینند یا لباس خاصی بپوشند، پس شاید برای شما هم قابل قبول نباشد که آن را انجام دهید. مطمئن شوید دربارهٔ این چیزها قبل از برنامه‌ریزی برای سفرتان تحقیق کرده‌اید.

@khanehbook

۱۹۸ ۲ طبق متن، یاد گرفتن توریست خوب بودن ..... .

۱) صبر مردم محلی را ازمایش می‌کند. ۲) در واقع آن قدر سخت نیست

۳) نشانهٔ حسن نیت است ۴) به تمرین زیادی نیاز دارد

۱۹۹ ۴ در پاراگراف ۲، "dead in your tracks" (به طور ناگهانی ایستادن) به چه معنی است؟

۱) ترسیده از پایین رفتن از پله برقی ۲) هُل دادن مردم برای رفتن در کنار آن‌ها

۳) باعث تودهٔ انسانی شدن ۴) ایستادن در جایی بدون حرکت کردن

۲۰۰ ۲ می‌توانیم از قاعدهٔ ذکر شده در پاراگراف آخر برداشت کنیم که ..... .

۱) در بیش‌تر محل‌ها، برای مردم محلی، چیدن گل‌ها مشکلی ندارد، اما نه [برای] توریست‌ها

۲) اگر مردم محلی با شلوار کوتاه دیده نشوند، احتمالاً توریست‌ها هم نباید [شلوار کوتاه بپوشند]

۳) توریست‌ها همیشه باید قبل از تصمیم گرفتن برای این‌که چه لباسی برای پوشیدن قابل قبول است، از مردم محلی سؤال کنند

۴) توریست‌ها باید تلاش کنند از قبول گل از مردم محلی اجتناب کنند

۲۰۱ ۴ هدف اصلی نویسنده از نوشتن این متن چیست؟

۱) تا توریست‌ها را مجبور کند وقتی سفر می‌کنند آرام‌تر صحبت کنند ۲) تا توریست‌ها را مجبور کند سفرشان را بهتر برنامه‌ریزی کنند

۳) تا مردم محلی را آموزش دهد چه‌طور توریست‌های خوبی پیدا کنند ۴) تا چند قاعدهٔ ساده را برای توریست خوب بودن آموزش دهد

۲۰۲ ۲ علی ماشینش را جلوی شیر آتش‌نشانی پارک می‌کند، هر چند می‌داند که نباید [این کار را بکند].

◄ با توجه به مفهوم جمله، در جای خالی دوم به اجبار به عدم انجام کاری در زمان حال و آینده نیاز داریم. در بین گزینه‌های این تست، فقط shouldn't می‌تواند در این معنی به کار رود.

۲۰۳ ۳ سوفی چند سال در اسپانیا زندگی کرد. او اسپانیایی را روان حرف می‌زند و فرهنگ [آن‌جا] را خیلی خوب می‌شناسد.

◄ با توجه به این‌که در هر دو جای خالی، کلمهٔ مورد استفاده در مورد فعل اصلی (speaks و knows) اطلاعات بیشتری ارائه می‌دهد، در هر دو مورد به قید حالت نیاز داریم. در گزینهٔ (۳)، هر دو مورد قید حالت هستند.

۲۰۴ ۳ باید قبل از این‌که دستگاه را روشن کنید دستورالعمل را با دقت بخوانید، در غیر این صورت ممکن است خطرناک باشد.

◄ از must در جای خالی اول برای بیان «اجبار و ضرورت» و از might برای بیان «احتمال» در زمان حال و آینده استفاده شده است.

۲۰۵ ۴ در سال ۱۶۶۶، آتش‌سوزی بزرگ لندن در یک نانوایی در دوم سپتامبر در اوایل صبح آغاز گردید.

◄ قبل از سال‌ها (مثل سال ۱۶۶۶) و همین‌طور بخش‌های اصلی روز (یعنی morning، afternoon و evening) از in به عنوان حرف اضافه استفاده می‌شود. دقت کنید که قبل از تاریخ‌های کامل (مثل September 2nd)، حرف اضافهٔ مناسب on خواهد بود.

۲۰۶ ۱ از آن‌جایی که سخت باران می‌بارید، ترافیک بسیار سنگین بود، بنابراین با دو ساعت تأخیر به مقصد رسیدیم.

۱) مقصد؛ هدف ۲) کشش، جذب؛ جاذبه ۳) مشاهده ۴) موقعیت، شرایط

۲۰۷ ۱ با او کاملاً روراست نبودم، اما در واقع به او هیچ دروغی [هم] نگفتم.

۱) صادق، روراست ۲) صبور ۳) واقعی ۴) مناسب؛ شایسته

۲۰۸ ۴ در حالی که بین این دو فرهنگ شباهت‌هایی وجود دارد، هم‌چنین [بین آن‌ها] اختلافات بزرگی وجود دارد.

۱) حقیقت، واقعیت ۲) پرواز؛ ردیف پله‌ها ۳) حدود، محدوده؛ طیف ۴) مقایسه؛ فرق، اختلاف

۲۰۹ ۳ اگر به سوپرمارکت نروم، قادر نخواهم بود امروز عصر هیچ چیزی برای خوردن آماده کنم.

۱) پرورش دادن؛ توسعه دادن؛ رشد یافتن ۲) حل کردن

۳) آماده کردن، حاضر کردن؛ حاضر شدن ۴) نجات دادن؛ [پول و غیره] پس‌انداز کردن

۲۱۰ ۳ ناحیهٔ بزرگی از خشکی که در آن هوا همیشه خیلی خشک است، گیاهان کمی وجود دارد، و مقدار زیادی شن یا سنگ وجود دارد، بیابان نامیده می‌شود.

۱) حدود، محدوده؛ طیف ۲) دشت ۳) بیابان، صحرا، کویر ۴) جنگل

۲۱۱ ۲ تام و مری میزبانان بسیار سخاوتمندی بودند و باعث شدند احساس کنیم در خانه‌شان درست در خانه [خودمان] هستیم.

۱) داخلی، وطنی؛ خانوادگی ۲) سخاوتمند؛ دانه ۳) خوشبخت... ۴) پرانرژی

@khanem_book

۲۱۲ ۲ این ساختمان قدیمی یکی از جاذبه‌های گردشگری اصلی این شهر است.

۱) آزمایش ۲) کشش، جذب؛ جاذبه ۳) الزام، وظیفه؛ اجبار ۴) سرگرمی، تفریح

◀ جاذبهٔ گردشگری: tourist attraction

۲۱۳ ۱ فکر کنم تجارتمان را با یک‌دیگر دقیقاً دو سال قبل آغاز کردیم.

۱) دقیقاً ۲) اخیراً، به تازگی ۳) به روشنی، به طور روشنی ۴) بی سر و صدا، به آرامی

متن کلوز

دو هزار سال قبل، جهانگردان یونانی و رومی از مکان‌های برجستهٔ بزرگ جهان دیدن می‌کردند، درست همان‌طور که ما امروزه دیدن می‌کنیم. «کارمندان آژانس‌های مسافرتی» باستانی، فهرست‌هایی از چیزهای حیرت‌انگیز را گردآوری می‌کردند که مسافران باید ببینند. این «عجایب» نمونه‌های برجسته از دستاوردهای هنری یا مهندسی بشر بودند. هفت اثر تاریخی که برای کوشش بشر با عمومیت بیشتری فهرست می‌شدند، عجایب هفت‌گانهٔ دنیای باستان نامیده می‌شوند. آن‌ها همگی ویژگی‌هایی داشتند که باعث می‌شدند آن‌ها از بقیه متمایز باشند. بعضی زیباترین مجسمه‌ها بودند، بقیه بزرگ‌ترین ساختمان‌های آن روز [جهان]. امروزه، از بین هفت عجایب، فقط یکی [یعنی] اهرام بزرگ، هنوز قابل دیدن است (وجود دارد).

۲۱۴ ۱ ۱) نماینده، کارگزار، آژانس ۲) تعطیلات؛ مرخصی ۳) تجربه ۴) زائر

◀ کارمند آژانس مسافرتی؛ صاحب آژانس مسافرتی: travel agent

۲۱۵ ۴ ◀ از فعل وجهی should برای بیان توصیه و نصیحت و اجبار ضعیف استفاده می‌شود و با توجه به مفهوم جمله، در این‌جا معنی صحیحی دارد.

۲۱۶ ۳ ۱) عمیقاً؛ به شدت ۲) به سختی؛ به ندرت ۳) معمولاً، عموماً ۴) مرتب، منظم؛ ماهرانه

۲۱۷ ۲ ◀ با توجه به این‌که در این تست ضمیر در جایگاه مفعول جمله به کار رفته، به ضمیر مفعولی (در این مورد them) نیاز داریم. دقت کنید که هر چند در این مورد ضمیر به فاعل جمله (they) اشاره دارد، اما چون بر روی مفعول کاری انجام نشده است، استفاده از ضمیر انعکاسی (در این مورد themselves) صحیح نیست.

۲۱۸ ۴ ۱) تصویر؛ عکس ۲) حقیقت، واقعیت ۳) وسیله، روش، راه؛ پول؛ ثروت ۴) ساختمان

متن ۱

هزاران سال پیش، فیلسوف یونانی افلاطون دربارهٔ شهری به نام آتلانتیس، نوشت که در جایی نزدیک قیانوس اطلس واقع شده بود. شهری که او توصیف کرد تقریباً کامل بود. مردم در ریاضی، علوم و مهندسی پیشرفته بودند. ساختمان‌ها و باغ‌ها زیبا بودند. فواره‌ها با آب گرم و سرد جریان داشتند، و دیوارهای سنگی با طلا و نقره تزئین شده بودند. افلاطون در مورد سرانجام آتلانتیس [هم] گفت؛ [که] چه‌طور آن شهر در یک سیل مهیب ویران شد چون مردم آن، خدایان [یونانی] را به درستی پرستش نکردند. از آن زمان به بعد، به دلیل این‌که موقعیت شهر هیچ وقت مشخص نبود، مردم از خود پرسیده‌اند که آیا آتلانتیس واقعاً وجود داشته است. بسیاری در سرتاسر جهان به دنبال شواهدی گشته‌اند، حتی در زیر دریا.

بعضی افراد معتقدند آتلانتیس در گذشته در جزیرهٔ یونانی سانتورینی واقع شده بود. این جزیره مورد سکونت مینوسی‌ها بود، جامعه‌ای با دانش علمی پیشرفته. سانتورینی در حدود سال ۱۵۰۰ پیش از میلاد، توسط فوران آتشفشانی متلاشی شد، که می‌تواند توضیحی در مورد نبود هیچ باقیمانده‌ای از شهر باشد. دیگران فکر می‌کنند آتلانتیس در جزیرهٔ ایستر در اقیانوس آرام بود چون افلاطون مجسمه‌های بزرگی را مانند آن‌هایی که در آن‌جا یافته شده‌اند توصیف کرد. با این وجود، سایر افراد محل شهر گم‌شده را در کوه‌های بولیوی، در دریای چین، یا در آفریقا تعیین می‌کنند. واقعیت این است که تا به حال هیچ بقایایی از آتلانتیس پیدا نشده است. این باعث شده تا بسیاری از کارشناسان نتیجه بگیرند که آتلانتیس خیالی بود، شهری کامل که تنها در ذهن افلاطون وجود داشت.

۲۱۹ ۳ پاراگراف ۱ عمدتاً به ..... می‌پردازد.

۱) تخریب آتلانتیس ۲) فیلسوف یونانی افلاطون ۳) توصیف افلاطون از آتلانتیس ۴) موقعیت احتمالی آتلانتیس

۲۲۰ ۱ افلاطون، سرنوشت آتلانتیس را چگونه توصیف کرد؟

۱) آن توسط یک سیل تخریب شد.

۲) آن توسط یک فوران آتشفشانی متلاشی شد.

۳) آن به اعماق دریا غرق شد.

۴) آن توسط خدا[illegible] خشمگین ویران شد.

@khanehbook

۲۲۱ ۴ کدام جزئیات [متن] این ایده را به بهترین شکل تقویت می‌کند که آتلانتیس، هرگز وجود نداشت؟

۱) مردم فکر می‌کنند، آن در محل‌های بسیار متفاوتی بود.
۲) افلاطون نوشت که آن شهر کامل بود.
۳) مردم آن شهر در ریاضی، علوم و مهندسی پیشرفته بودند.
۴) هرگز هیچ بقایایی از این شهر یافت نشده است.

۲۲۲ ۲ کدام جمله، در آخر متن منطقی‌ترین [جمله] خواهد بود؟

۱) شاید عکس‌های ماهواره‌ای مدرن، آتلانتیس را در آینده بیابند.
۲) ما ممکن است هرگز متوجه نشویم که آیا آتلانتیس واقعی بود یا خیالی.
۳) افلاطون به فیلسوف بزرگ یونانی، ارسطو، تعلیم داد.
۴) داستان‌های بسیاری در مورد شهر گم‌شدهٔ آتلانتیس می‌گویند.

متن ۲

برج ایفل برای جشن ۱۰۰ سالگی انقلاب [کبیر] فرانسه که در سال ۱۷۸۹ آغاز گردید، بنا شد. برج ایفل کانون نمایشگاه جهانی سال ۱۸۸۹ در پاریس بود. هفتصد نفر طرح‌ها[یشان] را ارائه کردند. با وجود این، تمام داوران آن [طرحی] را انتخاب کردند که توسط گوستاو ایفل تهیه شده بود. کار [ساخت] در سال ۱۸۸۷ آغاز گردید. آن دو سال بعد تمام شد. حدود ۵۰ مهندس، ۱۰۰ کارگر آهن، و ۱۲۰ کارگر بر روی آن کار کردند. ایفل وقتی آن [برج] تمام شد، از آن برای انجام آزمایشات استفاده کرد. او در مورد آب و هوا و پرواز مطالعه کرد.

برج ایفل حدود ۱۰۰۰۰ تن وزن دارد. آن از ۱۵۰۰۰ قطعه آهن درست شده است. آن‌ها با ۲/۵ میلیون پرچ به یک‌دیگر چسبیده‌اند. پوشاندن این [برج] به چهل تن رنگ نیاز دارد! آن هر هفت سال [یک‌بار] رنگ می‌شود. دما بر روی ارتفاع بنا تأثیر می‌گذارد. آن از ۹۸۴ تا ۹۹۰ فوت متفاوت است. (آن در روزهای گرم بلندتر است.) آن علاوه بر هفت آسانسور، ۱۶۶۵ پله دارد. شهر پاریس صاحب این ساختمان است. آن به عنوان یک برج مخابراتی خدمت می‌کند. آن هم‌چنین برج دیدبانی است. آن ساختمان تاریخی پولی دارای بیشترین بازدید کننده در زمین است. هر سال میلیون‌ها [نفر] به آن‌جا می‌روند. بازدیدکننده، در یک روز صاف می‌تواند در بالا [ی برج] حدود سی و هفت مایل را ببیند. یک کوه‌نورد، برج ایفل را پاک کرده است. چتربازان نیز روی آن فرود آمده‌اند. آیا تاکنون به برج ایفل رفته‌اید؟

۲۲۳ ۴ کدام‌یک از این واقعیت‌ها به متن مربوط نخواهد بود؟

۱) آزمایشات هوا شامل فشارسنج و ابزارهای دیگر بود.
۲) آزمایشات پرواز به هوا و مقاومت باد مربوط می‌شد.
۳) هر سال حدود ۶/۸ میلیون نفر از این برج دیدن می‌کنند.
۴) انقلاب [کبیر] فرانسه منجر به مرگ [عدهٔ] زیادی در فرانسه شد.

۲۲۴ ۳ عبارت "focal point" (کانون؛ نقطهٔ مرکزی) در پاراگراف اول به ..... اشاره دارد.

۱) توریست‌های بین‌المللی
۲) نوعی ورزش
۳) چیزی که توجه نگاه انسان را جلب می‌کند
۴) چیزی که می‌خواهید بخرید

۲۲۵ ۳ برج ایفل در یک روز گرم تابستانی چه‌قدر بلندتر از یک روز سرد زمستانی است؟

۱) ۹۸۴ فوت
۲) ۹۹۰ فوت
۳) ۶ فوت
۴) ۱۶۶۵ فوت

۲۲۶ ۴ از متن می‌توانید در مورد گوستاو ایفل چه چیزی را برداشت کنید؟

۱) ایفل متأهل نبود.
۲) ایفل برج را خیلی خوب طراحی نکرد.
۳) ایفل مردی با علائق بسیار کم بود.
۴) ایفل مردی با علائق و توانایی‌های زیاد بود.

@khanenbook

اگر شما نیز جزء داوطلبانی هستید که به درصد بالای درس زبان انگلیسی فکر می‌کنید، طبیعتاً به هیچ‌وجه نمی‌توانید از سؤالات درک مطلب و کلوزتست صرف‌نظر کنید. جالب است بدانید که در کنکورهای چند سال اخیر، ۱۳ تست از ۲۵ تست درس زبان انگلیسی، از کلوزتست و درک مطلب طرح شده‌اند و اگر شما نتوانید مهارت‌های لازم برای این دو بخش را کسب کنید، عملاً در ایده‌آل‌ترین حالت، به ۱۲ تست، یعنی ۴۸٪ از سؤالات انگلیسی، پاسخ خواهید داد.

چند توصیهٔ کلی

۱ درک مطلب و کلوزتست، در اصل مهارت هستند؛ یعنی صرف نظر از این‌که شما چه تعداد لغت بلد هستید و یا دانش گرامری‌تان در چه حد است، اگر مهارت‌های لازم برای این دو بخش را کسب نکنید، عملاً در جواب دادن به تست‌های آن‌ها مشکل خواهید داشت. برای کسب این مهارت‌ها هم باید دو کار را خیلی خوب انجام دهید: **اول** این درس‌نامه را خوب بخوانید و الگوی متن‌خوانی خودتان قرار دهید؛ و **دوم** این‌که تا می‌توانید متن‌های کلوزتست و درک مطلب جدید را تمرین کنید. توصیه‌ام این است که هر شب یک متن درک مطلب یا کلوزتست را در برنامه‌تان قرار دهید.

۲ مهم‌ترین متن‌ها برای شما، متن‌های کتاب‌های درسی هستند. سعی کنید تک‌تک متن‌های کتاب‌های درسی و کتاب‌های کار همراه با آن‌ها را با دقت بخوانید و تحلیل کنید. اگر جمله‌ای را درست متوجه نمی‌شوید، علت آن را تحلیل کنید؛ اگر نیاز بود، از معلم خودتان سؤال کنید. تک‌تک لغات متن‌ها را به خوبی در قالب جمله یاد بگیرید و به طور کلی دل و رودهٔ متن‌های کتاب‌های درسی را در بیاورید!

۳ هر چند جواب دادن به سؤالات درک مطلب و کلوزتست، به مهارت و تمرین خیلی خیلی زیاد نیاز دارد، اما شما برای کسب این مهارت، به یک مادهٔ اولیهٔ خیلی مهم هم نیاز دارید: دامنهٔ لغت بسیار بالا. اجازه بدهید منظورم را بهتر توضیح دهم: دامنهٔ لغت بالا یعنی تسلط به همهٔ لغات کتاب‌های درسی و همین‌طور بلد بودن لغات مهم خارج از کتاب. پس اگر در متن‌هایی که کار می‌کنید، لغتی زیاد تکرار شده بود، آن لغت را همراه با یک جملهٔ مثال یادداشت کنید تا بتوانید آن را بعداً مرور کنید.

۴ حواستان را جمع کنید که یاد گرفتن معنی لغات، بدون یاد گرفتن کاربرد آن‌ها در قالب مثال، خیلی فایده ندارد. از همین الان به خودتان عادت دهید هر لغتی را که یاد می‌گیرید، آن را با مثالش یاد بگیرید. پس قرارمان شد یاد گرفتن همهٔ لغات کتاب‌های درسی و همین‌طور لغات مهم خارج از کتاب در قالب جملات نمونه.

۵ سعی کنید برای تمرین درک مطلب، از کتاب‌های کمک آموزشی استاندارد استفاده کنید. استاندارد بودن کتاب، هم از نظر تیپ و ظاهر تست‌ها و هم از نظر قالب و ساختار کتاب است. متن‌ها وقتی از نظر تیپ استاندارد هستند که سؤالات آن‌ها مشابه تیپ سؤالات کنکور باشد و از نظر دشواری هم، با کنکور شباهت داشته باشد. علاوه بر این، قالب و فرمت کتاب هم باید استاندارد باشد. مثلاً اگر کتاب، ترجمهٔ یک تعداد از لغات متن را در کنار آن آورده باشد، این کار باعث گمراه شدن شما خواهد شد و شما عملاً در جوّ واقعی سؤالات درک مطلب قرار نخواهید گرفت.

۶ احتمالاً شما نیز جزء افرادی هستید که در هنگام خواندن متن، آن را زیر لبتان زمزمه می‌کنید! این عادت را کنار بگذارید. چرا؟ چون زمزمه کردن متن، سرعتتان را می‌گیرد. در کنکور و اصلاً در زندگی، سرعت خیلی خیلی مهم است. پس سعی کنید از همین الان این عادت غلط را کنار بگذارید. متن را فقط با چشمانتان بخوانید و سرتان را نیز اصلاً تکان ندهید.

۷ اولین بار که می‌خواهید به تست‌های متنی جواب دهید، فکر کنید سر جلسهٔ کنکور هستید و باید تست‌ها را در وقت خیلی خیلی محدود خودش جواب دهید. طبیعتاً شما در وقت بسیار محدود کنکور، فرصت نخواهید داشت متن‌ها را ترجمه کنید. پس از همین الان خودتان را عادت دهید که متن‌ها را به انگلیسی بخوانید و به انگلیسی هم تحلیل کنید. (هدف درک مطلب، درک متن‌ها به انگلیسی و پاسخ‌گویی به تست‌ها است، نه ترجمهٔ تک‌تک کلمات و جملات متن.) بعد از این‌که به کل تست‌های متن جواب دادید، حالا می‌توانید بروید سراغ ترجمهٔ آن و تحلیل تک‌تک کلمات.

۸ صرفاً جهت یادآوری! تمرین زیاد را فراموش نکنید. قرار شد هر شب یک متن کلوزتست یا درک مطلب کار کنید. درست است؟

@khanehbook

کلوزتست؛ پازل از نوع انگلیسی

همان‌طور که می‌دانید، کلوزتست یک متن نسبتاً کوتاه است که تعدادی از کلمات آن حذف و به تست تبدیل شده است. این تست‌ها، یا جنبهٔ واژگان و معنی دارند و یا گرامر. خُب؛ پس شما باید هم معنی لغات را در تست‌های واژگانی بلد باشید، هم مباحث گرامری مورد سؤال را بلد باشید و هم این‌که کلیت متن را متوجه شوید.

اولین چیزی که باید به آن دقت کنید ذات و ماهیت کلوزتست است. شاید فکر کنید که اگر یک یا چند کلمه از متن حذف شود، متوجه شدن مفهوم آن خیلی دشوار خواهد بود. اما بی‌تعارف می‌گویم؛ اشتباه می‌کنید! کافی است همین الان یک پاراگراف را به زبان فارسی بخوانید که اتفاقاً تعدادی از لغات آن نیز حذف شده است. متوجه خواهید شد که نه تنها نبودن آن چند لغت مشکلی ایجاد نمی‌کند، بلکه در بیشتر موارد می‌توانید آن لغات را هم به راحتی حدس بزنید!

چند توصیه برای متن‌های کلوزتست

۱) اولین مرحله برای جواب دادن به تست‌های کلوزتست، خواندن خیلی سریع از روی متن است. حواستان باشد که گفتم متن را سریع بخوانید، نه سؤالات آن را. در این مرحله شما فقط می‌خواهید یک ایدهٔ کلی از متن کسب کنید. با توجه به این‌که در کنکور، وقت شما بسیار محدود است، عملاً این مرحله نباید وقت شما را بیشتر از سی، چهل ثانیه بگیرد.

۲) چون‌که نویسنده‌ها، معمولاً ایدهٔ اصلی نوشته‌شان را در همان جملهٔ اول متن ذکر می‌کنند، حواستان به جملهٔ اول خیلی باشد. خوشبختانه، معمولاً طراح کنکور هم حواسش هست و از جملهٔ اول متن، تست طرح نمی‌کند.

۳) بعد از این‌که یک بار سریع از روی متن خواندید، حالا وقت جواب دادن به تست‌های کلوزتست است. ابتدا هر جمله را تا آخرش بخوانید و بعد بروید سراغ گزینه‌ها. یعنی وقتی رسیدید به جای خالی متن، فوری نروید سراغ گزینه‌ها. سعی کنید وقتی جمله را تا آخر می‌خوانید، حدس بزنید که در جای خالی چه کلمه‌ای می‌تواند قرار گیرد. خیلی وقت‌ها همین حدس، درست از آب درمی‌آید. به حس ششم خودتان ایمان داشته باشید!

۴) کلوزتست مثل یک پازل است، اصلاً مهم نیست اول کجایش را کامل می‌کنید ولی وقتی بتوانید یکی از بخش‌های آن را کامل کنید، کارتان برای بقیهٔ بخش‌ها هم راحت‌تر خواهد شد. حالا این موضوع به چه کار می‌آید؟ داوطلب زرنگ کنکور، حواسش خیلی جمع است. داوطلب زرنگ می‌داند که ارزش تست‌ها با هم برابر است. پس اگر ببیند که تست اول کلوزتست برایش خیلی سخت است، می‌رود سراغ تست‌های بعدی. این جوری، او هم مطمئن می‌شود که تست‌های راحت‌تر را مفت از دست نداده و هم این‌که شاید وقتی به تست‌های راحت‌تر جواب داد، بخش‌های سخت‌تر پازل هم واضح‌تر شدند. شما هم سعی کنید در کنکور و زندگی زرنگ باشید و هدفمند پیش بروید.

۵) اگر دیدید از یکی از جملات متن بیشتر از یک سؤال طرح شده است، بی‌خودی هول نشوید. آرامش خودتان را حفظ کنید و یادتان باشد که کلوزتست، پازل زبان انگلیسی است. پس اگر مثلاً از یک جمله ۳ تا تست داشتیم، به ترتیب از تست راحت به سخت جواب دهید.

۶) بد نیست بدانید که خیلی وقت‌ها، تست‌های کلوزتست عملاً تست‌های مستقل واژگان و گرامر هستند. بله؛ قبول دارم که دانستن ایدهٔ اصلی متن هم خیلی مهم است، اما خُب شما هم همان اول کار، ایدهٔ اصلی متن را متوجه شدید و حالا می‌توانید با در نظر داشتن آن ایدهٔ کلی، تست‌ها را به صورت مستقل ببینید. حتماً امتحان کنید. ضرر نمی‌کنید!

۷) گفتم که وقتی جمله را می‌خوانید، حدس بزنید احتمالاً در جای خالی چه کلمه‌ای قرار خواهد گرفت. وقتی خواستید بروید سراغ گزینه‌ها، تک‌تک گزینه‌ها را در جای خالی قرار دهید. جمله با کدام‌یک از آن‌ها معنی درست‌تری خواهد داشت؟ حدستان هم در بین گزینه‌ها بود؟ کلاً روش حذف گزینه‌های غلط را خیلی استفاده کنید.

۸) یک توصیهٔ کلی: هیچ وقت نگویید: «نمی‌توانم فلان کار را انجام دهم.» هیچ وقت نگویید: «نمی‌توانم به سؤالات کلوزتست و درک مطلب جواب دهم.» به خودتان ایمان داشته باشید و تمرین روزانهٔ متن‌ها را فراموش نکنید. بعد از چند ماه، خودتان خواهید دید که کلوزتست، برایتان مثل آب خوردن خواهد شد!

@khanenbook

درک مطلب؛ اوج هنر نمایی طراح زبان انگلیسی

کلاً ما مؤلفان و طراحان زبان انگلیسی، هر وقت بخواهیم بگوییم خیلی کارمان درست است و می‌توانیم تست سخت طرح کنیم، می‌رویم سراغ درک مطلب! طراح کنکور هم جزء همین افراد است و معمولاً بیشترین خلاقیت و هنرمندی خودش را در همین بخش به خرج می‌دهد!

شما داوطلب عزیز کنکور نیز دو راه حل دارید: یا می‌توانید طراح کنکور و آزمون آزمایشی را مورد عنایت خودتان قرار دهید و کلاً از بخش درک مطلب صرف‌نظر کنید؛ و یا منطقی عمل کنید و به فکر یافتن راهکاری برای معضل درک مطلب باشید. اگر مسیر دوم را انتخاب می‌کنید، با من همراه شوید تا با کمک هم شاخ غول زبان انگلیسی را بشکنیم!

مراحل پاسخ گویی به تست‌های درک مطلب

۱ قبل جواب دادن به تست‌های درک مطلب اول یک بار خیلی سریع صورت تست‌ها را بخوانید. یعنی قبل از این‌که بروید سراغ خود متن، اول صورت تست‌ها را بخوانید. البته حواستان باشد که خواندن گزینه‌ها اصلاً لازم نیست؛ فقط خود صورت تست‌ها. حالا فایدهٔ این کار چیست؟ طبیعتاً خواندن صورت سؤال، از شما وقت زیادی نخواهد گرفت و برای هر متن، نهایتاً ۲۰، ۳۰ ثانیه وقت خواهد گرفت. اما با انجام همین یک کار ساده، به راحتی متوجه خواهید شد که در بین اطلاعات موجود در متن، کدام اطلاعات، مهم و اصلی هستند و کدام اطلاعات حاشیه‌ای و زائد.

۲ همهٔ افرادی که خودشان را برای امتحانات معتبر زبان انگلیسی مثل IELTS و TOEFL آماده می‌کنند، با اصطلاح skimming (نگاه اجمالی) آشنا هستند. بعد از این‌که شما صورت تست‌ها را خواندید، حالا وقت skim کردن یا انداختن نگاه اجمالی به متن است. در این مرحله، خیلی سریع از روی متن بخوانید. فقط حواستان باشد که در این مرحله، به خاطر سپردن اطلاعات مختلف، مثل تاریخ‌ها، نام افراد، روش انجام یک آزمایش و ... لازم نیست. شما در مرحلهٔ skimming فقط می‌خواهید جای اطلاعات مختلف را در متن پیدا کنید و اگر با ذهنیتی که از صورت سؤالات دارید، نیاز دانستید، زیر بعضی از کلمات متن خط بکشید. توصیه می‌کنم که در مرحلهٔ skimming جملات اول پاراگراف‌ها و همین طور جملهٔ آخر متن را با دقت بیشتری بخوانید؛ چرا که معمولاً نویسنده‌ها ایدهٔ اصلی هر پاراگراف را در جملهٔ اول آن ذکر می‌کنند و جملهٔ آخر متن نیز برای جمع‌بندی آن است.

۳ حالا بروید سراغ تست‌ها. هر تستی یک یا چند کلمهٔ کلیدی دارد. این کلمات را پیدا کنید و مرحلهٔ scanning (اسکن کردن) و بررسی دقیق متن را آغاز کنید. با توجه به ذهنیتی که از متن دارید، محدودهٔ تقریبی پاسخ تست را پیدا کنید و تک‌تک گزینه‌ها را با توجه به آن بخش متن بررسی کنید. حتماً از روش حذف گزینه‌های نادرست استفاده کنید. معمولاً ۲ تا از گزینه‌ها به راحتی حذف می‌شوند و گیر شما فقط بین ۲ گزینهٔ باقی‌مانده خواهد بود. ببینید کدام گزینه طبق بخش مورد نظر از متن، صحیح‌تر است. به حس ششم خودتان اعتماد کنید و همان گزینه را انتخاب کنید.

۴ خُب؛ طبیعتاً می‌دانید که اهمیت و ارزش تست‌های درک مطلب با هم برابر است. پس در این‌جا هم حواستان باشد که اول تست‌های راحت‌تر را جواب دهید؛ و بعد اگر وقت آوردید، سؤالات سخت‌تر را هم جواب می‌دهید. حواستان باشد که تست‌های راحت کنکور را مفت از دست ندهید.

تیپ‌شناسی سؤالات درک مطلب

در کنکور ما، تست‌های درک مطلب دارای چند تیپ اصلی و یک تعداد تیپ جدید است. طبیعتاً شما برای پاسخ گویی به تست‌های درک مطلب، باید با تیپ‌های مختلف سؤالات آشنا شوید و شیوهٔ پاسخ‌گویی به هر کدام را نیز بررسی کنید. در ادامه، تیپ‌های سؤالات درک مطلب را از آسان به سخت بررسی می‌کنیم:

تیپ ۱: مرجع ضمیر یا کلمه

در زبان انگلیسی هم مثل زبان فارسی، برای جلوگیری از تکرار یک اسم، به جای آن از ضمیر استفاده می‌شود. مثلاً وقتی گفته می‌شود: «علی دانش‌آموز خوبی است. او درس‌هایش را جدی می‌گیرد.»، مرجع ضمیر «او»، «علی» است. در آسان‌ترین تیپ سؤالات درک مطلب، زیر یک ضمیر از متن خط کشیده می‌شود و از شما خواسته می‌شود تا مرجع آن را مشخص کنید. به مثال م... قت کنید:

@khanehbook

یک نمونهٔ عملی

A single-parent family is at greater risk for such negative outcomes as decline in income, poverty, and behavioral problems. Most single parents find it difficult to meet all their financial duties. A decrease in income may require them to move the family to a less expensive home in a different neighborhood, transfer the children from one school to another, and spend less money on goods.

بخشی از متن درک مطلب زبان ۸۵

The word "them" in this paragraph refers to ..... .

1) duties 2) problems 3) single parents 4) negative outcomes

برای پاسخ دادن به این تیپ از تست‌های درک مطلب، تک‌تک گزینه‌ها را در متن جایگزین کلمه‌ای می‌کنیم که زیر آن خط کشیده شده تا ببینیم ضمیر مشخص شده به کدام‌یک از آن‌ها اشاره دارد. برای این‌که منظورم را بهتر متوجه شوید، ترجمهٔ پاراگراف بالا را بخوانید.

«یک خانوادهٔ تک سرپرست، بیشتر در معرض خطر پیامدهای منفی، هم‌چون کاهش درآمد، فقر و مشکلات رفتاری قرار دارد. اکثر **والدین مجرد**، تأمین کردن تمام تعهدات مالی‌شان را دشوار می‌یابند. ممکن است کاهش درآمد، **آن‌ها** را مجبور کند که خانواده را به خانه‌ای ارزان‌تر در محله‌ای دیگر منتقل کنند، بچه‌ها را از مدرسه‌ای به مدرسهٔ دیگر منتقل نمایند، و برای [خرید] کالاها پول کم‌تری خرج کنند.»

همان‌طور که می‌بینید، طبق ترجمهٔ جمله، "them" به "single parents" اشاره دارد. نظرتان در مورد روش حذف گزینه‌های غلط چه بود؟ به کارتان آمد؟!

شکل ظاهری سؤالات تیپ ۱

The word / pronoun X **refers to** ..... .

همان‌طور که می‌بینید، نشانهٔ اصلی سؤالات مرجع ضمیر یا کلمه، وجود refer در صورت سؤال است.

تیپ ۲: معنی کردن کلمه یا عبارت

همان‌طور که گفته شد، در سؤالات مرجع ضمیر، در متن، زیر یک ضمیر خط کشیده می‌شود و از شما خواسته می‌شود مرجع آن کلمه را مشخص کنید. به جز مرجع ضمیر، یک جای دیگر هم هست که در متن زیر کلمه خط کشیده می‌شود و آن هم تیپ دوم سؤالات درک مطلب (معنی کلمه یا عبارت) است.

در این تیپ از سؤالات درک مطلب، زیر یک کلمه (یا در موارد خاص عبارت) از متن خط کشیده می‌شود و از شما خواسته می‌شود معنی تقریبی آن را مشخص کنید. مشکل اصلی این‌جاست که معمولاً کلمه‌ای که در متن مشخص شده، فراتر از سطح کتاب‌های درسی است و شما به احتمال زیاد، معنی دقیق آن را نمی‌دانید! حالا راهکارش چیست؟ راهکارش ساده است! شما باید تک‌تک گزینه‌ها را در متن جایگزین کلمهٔ مشخص شده کنید تا متوجه شوید که متن با کدام‌یک از آن‌ها نیز معنی منطقی و خوبی خواهد داشت. طبیعتاً اگر احساس کردید بیشتر از یکی از گزینه‌ها به متن می‌خورد، سعی کنید حدس بزنید کدام گزینه با کلیت متن بیشتر جور درمی‌آید.

نکته: در تست‌های تیپ ۲، برای معنی لغت، متن را ملاک قرار دهید. مثلاً ممکن است لغت، دو معنی داشته باشد که شما از قبل با یکی از آن‌ها آشنا باشید، ولی در متن، معنی دیگر مدنظر باشد. حواستان باشد که فقط معنی به کار رفته در متن را ملاک قرار دهید.

تمرین: در هر کدام از جملات زیر، مشخص کنید که کدام‌یک از کلمات، می‌تواند جایگزین کلمهٔ مشخص شده گردد؟

1. If global warming continues, many regions of the world will become drier while others may become wetter.

1) wonders 2) areas 3) examples 4) forests

پاسخ ۱: ابتدا جمله را ترجمه می‌کنیم: «اگر گرمایش جهانی ادامه یابد، "regions" زیادی از جهان خشک‌تر خواهد شد، در حالی‌که ممکن است بقیه مرطوب‌تر شوند.»

۱) شگفتی؛ حیرت ۲) ناحیه، منطقه ۳) مثال، نمونه ۴) جنگل

به نظرتان کدام‌یک از این کلمه‌ها می‌تواند به خوبی جایگزین "regions" شود؟ بله درست حدس زدید. گزینهٔ (۲).

2. On the basis of their examination results, it is obvious that most students completely misunderstood the first part of the exam.

1) clear 2) interesting 3) difficult 4) exact

@khanenbook

پاسخ ۲: ابتدا جمله را ترجمه می‌کنیم: «بر مبنای نتایج امتحانات آن‌ها "obvious" است که بیشتر دانش‌آموزان بخش اول امتحان را کاملاً اشتباه متوجه شدند.»

۱) واضح؛ روشن ۲) جالب ۳) سخت، دشوار ۴) دقیق

همان‌طور که می‌بینید، وقتی به کلیت معنی جمله و گزینه‌ها می‌رسیم، عملاً حدس زدن پاسخ صحیح چندان دشوار نیست؛ در این‌جا اگر clear را جایگزین obvious کنیم، جمله معنی منطقی و درستی خواهد داشت؛ بنابراین گزینهٔ (۱) صحیح خواهد بود.

3. The North Americans consume more energy and resources than any other nation.

1) hold 2) give 3) make 4) use

پاسخ ۳: ابتدا جمله را ترجمه می‌کنیم: «مردم آمریکای شمالی به نسبت هر کشور دیگری، انرژی و منابع بیشتری را "consume" می‌کنند.»

۱) نگه داشتن؛ برگزار کردن ۲) دادن ۳) درست کردن؛ باعثِ ... شدن ۴) استفاده کردن

اصولاً طبق جمله، انرژی و منابع را چه کار می‌کنند؟ خُب طبیعتاً آن‌ها را مصرف می‌کنند. (گزینهٔ ۴).

همان‌طور که می‌بینید، این تیپ از تست‌های درک مطلب هم خیلی راحت است و می‌توانید با مقداری تمرین، قلق آن‌ها را یاد بگیرید.

شکل ظاهری سؤالات تیپ ۲

The word / phrase X **means** ..... .

The word / phrase X is **closest in meaning to** ..... .

The word / phrase X **could best be replaced by** ..... .

همان‌طور که می‌بینید، نشانهٔ اصلی تیپ دوم سؤالات درک مطلب، کلمهٔ "mean" (به معنی ... بودن) در صورت سؤال است، اما حواستان به کلمهٔ "replace" (جایگزین کردن) هم باشد.

تیپ ۳: کدام کلمه یا عبارت در متن تعریف شده است؟

این تیپ از تست‌های درک مطلب، نسبتاً جدید به حساب می‌آید. در این تیپ از تست‌ها، برعکس سؤالات تیپ ۲، به شما چهار تا گزینه داده می‌شود و از شما خواسته می‌شود تعیین کنید کدام‌یک از آن‌ها در متن تعریف شده است. یعنی در این‌جا قرار نیست شما خودتان معنی کلمه‌ای از متن را مشخص کنید، بلکه در متن می‌گردید تا ببینید در بین چهار گزینهٔ ارائه شده، کدام‌یک در متن تعریف شده است. کار نسبتاً راحتی است؛ فقط بد نیست بدانید که معمولاً (گفتم معمولاً، نه همیشه) نویسنده‌ها برای تعریف کلمات، از یکی از روش‌های زیر استفاده می‌کنند:

۱) پرانتز

A Swiss described a pencil in a book in 1565. He said it was a piece of wood with lead inside it. (Lead is a very heavy, soft, dark grey metal.)

بخشی از متن درک مطلب انسانی ۹۳

ترجمهٔ جمله: «یک شخص سوئیسی در سال ۱۵۶۵، مداد را در کتابی توصیف کرد. او گفت [که] آن یک تکه چوب است که سرب در داخلش می‌باشد. (سرب یک فلز بسیار سنگینِ نرمِ تیرهٔ خاکستری است.)»

۲) خط تیره (dash)

The information collected from the developed countries suggests that it is only when people's living standards begin to rise that birth rates begin to fall. There are good reasons for this. Poor countries cannot afford social and old age pensions – the money they get from the government when they become old and can't work – and people's incomes are so low they have nothing to save for the future.

بخشی از متن درک مطلب زبان ۸۶

ترجمهٔ متن: «اطلاعات جمع‌آوری شده از کشورهای پیشرفته نشان می‌دهد که تنها هنگامی‌که استانداردهای زندگی افراد شروع به بالا رفتن می‌کند، نرخ تولد شروع به کاهش می‌کند. برای این [موضوع] دلایل خوبی وجود دارد. کشورهای فقیر نمی‌توانند از پس حقوق بازنشستگی تأمین اجتماعی و پیری ـ پولی که آن‌ها وقتی پیر می‌شوند و نمی‌توانند کار کنند، از دولت می‌گیرند ـ برببایند [illegible] مردم آن قدر پایین است که [illegible] برای آینده پس‌انداز کنند.»

@khanen_book

۳ ویرگول

There is concern over the fact that many animals and plants are in danger of dying out, or becoming extinct.

بخشی از متن کلوزتست هنر ۹۴

ترجمهٔ جمله: «در مورد این واقعیت که حیوانات و گیاهان زیادی در خطر نابود شدن، یا [به عبارت دیگر] منقرض شدن هستند، نگرانی وجود دارد.»

۴ استفاده از کلمات تعریف **in other words ، that is (to say)** و **i.e.**

The film is only open to adults, i.e. people over 18.

ترجمهٔ جمله: «این فیلم تنها در اختیار افراد بالغ؛ یعنی افراد بالای ۱۸ سال است.»

The air always contains a certain amount of water vapour (that is, water in the form of gas), which is invisible.

بخشی از متن درک مطلب تجربی ۹۲

ترجمهٔ جمله: «هوا همواره حاوی مقدار خاصی از بخار آب (یعنی آب به شکل گاز) است، که غیر قابل رؤیت می‌باشد.»

۵ استفاده از **are ، is** و **means**

Economy is the system of trade and industry by which the wealth of a country is made and used.

ترجمهٔ جمله: «اقتصاد، سیستم تجارت و صنعت است که ثروت یک کشور توسط آن تولید و استفاده می‌شود.»

شکل ظاهری سؤالات تیپ ۳

Which of the following words or phrases is **defined** in the passage?

همان‌طور که می‌بینید، نشانهٔ اصلی سؤالات تیپ ۳، وجود کلمهٔ define (تعریف کردن) در صورت تست است. البته ممکن است طراح کنکور از شما بخواهد مشخص کنید در بین چهار گزینه، کدام یکی تعریف نشده است! در این صورت، شکل ظاهری تست این جوری خواهد بود:

Which of the following words or phrases is **NOT defined** in the passage?

All of the following words or phrases are **defined** in the passage, EXCEPT ..... .

تیپ ۴: عنوان یا موضوع متن یا یک پاراگراف از آن

یادتان هست گفتم در مرحلهٔ skimming یک بار خیلی سریع از روی متن بخوانید؟ خُب بسیار عالی! اگر یادتان باشد گفتم جملهٔ اول هر پاراگراف و همین‌طور جملهٔ آخر متن را هم خیلی دقیق بخوانید. درست است؟! کارهایی که در مرحلهٔ skimming انجام می‌دهید، در تیپ چهارم سؤالات هم خیلی به کارتان می‌آید.

در تیپ چهارم سؤالات درک مطلب، نویسنده از شما می‌خواهد مناسب‌ترین تیتر یا عنوان را برای متن مشخص کنید و یا این‌که تعیین کنید کدام‌یک از چهار گزینهٔ ارائه شده، موضوع متن را بهتر از بقیه پوشش می‌دهد. چون شما ایدهٔ کلی متن را قبلاً موقع skimming متوجه شده‌اید، پس کارتان خیلی راحت‌تر است. وقتی می‌خواهید به سؤالات این تیپ جواب دهید، ایدهٔ کلی متن را در ذهنتان داشته باشید، جملهٔ اول هر کدام از پاراگراف‌ها را دوباره با دقت بیشتر بخوانید، و طبیعتاً جملهٔ آخر متن را هم دوباره بخوانید.

حالا گزینه‌ها را نگاه کنید. گزینه‌ای داریم که کاملاً به متن بی‌ربط باشد؟! خیلی عالی! فوری حذفش کنید. گزینهٔ کلی‌تر از متن چه‌طور؟ یعنی گزینه‌ای داریم که علاوه بر مطالب متن، مباحث دیگری را هم پوشش دهد؟ اگر چنین گزینه‌ای هم داریم، آن را هم حذف کنید. به هر حال عنوان متن باید خود متن را پوشش دهد، نه موضوعات فراتر از آن را. حالا ممکن است در بین گزینه‌ها موردی باشد که نه تنها از متن کلی‌تر نیست، بلکه فقط بخشی از آن (مثلاً فقط یکی از سه پاراگراف آن) را پوشش می‌دهد. با این گزینه چه کار کنیم؟ طبیعتاً این گزینه هم باید حذف شود.

خلاصه‌اش این طوری می‌شود که عنوان یا موضوع متن، باید خود متن را پوشش دهد، نه مبحث دیگری را و در عین حال همهٔ بخش‌های متن را تا حد زیادی پوشش دهد. بهترین روش یافتن گزینهٔ درست، حذف گزینه‌ها[1] ، مثال:

@khanehbook

یک نمونهٔ عملی

Dolphins are highly social animals, often living in pods of up to a dozen individuals, though pod sizes and structures vary greatly between species and locations. In places with a high abundance of food, pods can go together temporarily, forming a superpod; such groupings may go beyond 1,000 dolphins. Membership in pods is not rigid; interchange is common. Dolphins can, however, have strong social relations; they will stay with injured or ill individuals, even helping them to breathe by bringing them to the surface if needed. This altruism does not appear to be limited to their own species.

The dolphin Moko in New Zealand has been observed guiding a female Pygmy Sperm Whale together with her baby out of shallow water where they had stranded several times. They have also been seen protecting swimmers from sharks by swimming circles around the swimmers or attacking the sharks to make them go away. خارج ۹۶

What is the best title for the passage?

1) Dolphins: Highly Intelligent
2) Humans and Dolphins
3) The Most Playful Animal
4) Social Behavior of Dolphins

خُب! قرارمان به این صورت شد که وقتی سؤال تیپ ۴ را دیدیم، جملهٔ اول پاراگراف‌ها و همین طور جملهٔ آخر متن را با دقت بیشتری بخوانیم. درست است؟ این موارد را برایتان highlight کردم تا ببینیم آیا با توجه به آن‌ها می‌شود به تست جواب داد یا نه. در این جمله‌ها می‌خوانیم:

- دلفین‌ها حیواناتی بسیار اجتماعی هستند و اغلب در دسته‌ها زندگی می‌کنند.
- یک نوعی از دلفین به یک نوعی از نهنگ کمک می‌کند.
- یک نوعی از دلفین به انسان‌ها کمک می‌کند.

گزینهٔ (۱) نمی‌تواند درست باشد، چون اصلاً متن با intelligent (باهوش) بودن دلفین‌ها کاری ندارد!

گزینهٔ (۲) نمی‌تواند درست باشد، چون ارتباط انسان‌ها و دلفین‌ها را فقط در یک بخش از متن داریم (یعنی آخر متن) پس این گزینه خیلی جزئی است.

گزینهٔ (۳) نمی‌تواند درست باشد، چون متن با playful (بازیگوش) بودن دلفین‌ها کاری ندارد!

گزینهٔ (۴) به رفتار اجتماعی دلفین‌ها مربوط می‌شود. علاوه بر این که در اصلی‌ترین جملهٔ متن (یعنی جملهٔ اول آن)، کلمهٔ کلیدی social (اجتماعی) را داریم که خودش نشانه‌ای قوی برای درست بودن گزینهٔ (۴) است، این گزینه، تمام بخش‌های highlight شده از متن را هم پوشش می‌دهد. یعنی رفتار اجتماعی دلفین‌ها با هم، با انسان‌ها و با سایر حیوانات.

البته همیشه هم شرایط این قدر راحت نیست. گاهاً کل متن از یک پاراگراف تشکیل می‌شود. گاهاً نویسنده اصلاً در جملهٔ اول متن، به ایدهٔ کلی اشاره نمی‌کند و آن را نگه می‌دارد برای جملات بعدی و ...! اما چون شما قبلاً در مرحلهٔ skimming از متن یک ایدهٔ کلی به دست آورده‌اید، پس کارتان چندان هم سخت نیست. کافی است تک‌تک گزینه‌ها را با متن بسنجید و گزینه‌های بی‌ربط، کلی‌تر و جزئی‌تر را حذف کنید. با این روش، در هر صورت دو گزینه به راحتی حذف می‌شود و حتی اگر نتوانید به گزینهٔ درست برسید، گیرتان روی دو گزینهٔ باقی‌مانده خواهد بود. اگر در این شرایط قرار گرفتید، به حس ششم خودتان اعتماد کنید و منطقی‌ترین گزینه را انتخاب کنید.

@khaneh_book

موضوع یکی از پاراگراف‌های متن

ممکن است طراح کنکور، از شما، موضوع کل متن را نخواهد و از شما بخواهد موضوع یکی از پاراگراف‌های آن (مثلاً پاراگراف اول، دوم یا سوم) را تعیین کنید. اگر این طور بود که خیلی عالی است. کافی است همان یک پاراگراف را با دقت بیشتری بخوانید و تک‌تک گزینه‌ها را با آن پاراگراف بسنجید. روش، همان روش مربوط به کل متن است: گزینه‌های بی‌ربط، کلی‌تر از پاراگراف و جزئی‌تر از پاراگراف حذف می‌شوند و گزینهٔ درست پیدا می‌شود.

شکل ظاهری سؤالات تیپ ۴

The passage is **mainly** about ..... .

What is passage **mainly** about?

What does the passage **mainly** discuss?

The passage **mainly** deals with ..... .

What is the best **title / subject** for the passage?

Which of the following is the **best topic** for the passage?

What is the **main idea** of the passage?

البته لزوماً سؤالات تیپ چهارم عین همین عبارت‌ها نیستند، اما معمولاً یکی از کلمات کلیدی موارد بالا را دارند. همین طور حواستان باشد که اگر سؤال، مربوط به موضوع یک پاراگراف از متن باشد، معمولاً ظاهر آن به صورت زیر خواهد بود:

What does paragraph 1, 2, 3, ... **mainly** discuss?

What is paragraph 1, 2, 3, ... **mainly** concerned with?

What is **the main idea** of paragraph 1, 2, 3, ...?

تیپ ۵: سؤال از جزئیات متن

رسیدیم به متداول‌ترین تیپ سؤالات درک مطلب. می‌دانید که متن‌های درک مطلب، پر هستند از اطلاعات جورواجور و متنوع. همان‌طور که گفتم، شما در مرحلهٔ skimming یک بار سریع از روی متن می‌خوانید و جای تقریبی اطلاعات مختلف را به خاطر می‌سپارید. اگر skimming را درست انجام داده باشید، حالا در مرحلهٔ پاسخ‌گویی به تست‌ها و به خصوص تست‌های مربوط به جزئیات متن، کارتان خیلی راحت خواهد بود.

وقتی طراح، یکی از جزئیات متن را مورد سؤال قرار می‌دهد، شما اول باید کلمهٔ کلیدی صورت سؤال را پیدا کنید. یعنی باید ببینید طراح، در تست از شما چه چیزی را می‌خواهد. وقتی متوجه شدید کلمه یا عبارت کلیدی تست چیست، حالا می‌توانید بروید سراغ متن. چون متن را قبلاً یک بار skim کرده‌اید، تقریباً می‌دانید جواب تست در کجای متن است. آن بخش متن را پیدا کنید و اطلاعات آن را با دقت بیشتری بخوانید. به عبارت دیگر، حالا دیگر وقت scan کردن بخش مورد نظر از متن و یافتن پاسخ صحیح تست است.

روش جواب دادن به این تیپ از تست‌های درک مطلب هم حذف گزینه‌های نادرست است. یعنی شما تک‌تک گزینه‌ها را با توجه به بخش مورد نظر از متن بررسی می‌کنید و گزینه‌های نادرست‌تر را حذف می‌کنید. معمولاً با روش حذف گزینه‌های نادرست، دو گزینه به راحتی حذف می‌شوند. حالا اگر بین دو گزینه تردید داشتید، هر دو گزینه را با دقت بررسی کنید. قطعاً یکی از آن‌ها نکتهٔ ریزی دارد که باعث می‌شود نادرست باشد. در هر صورت اگر بین دو گزینه شک داشتید، کار منطقی‌تر این است که گزینه‌ای را انتخاب کنید که احساس می‌کنید صحیح‌تر است.

بد نیست بدانید که معمولاً حدود نیمی از تست‌های درک مطلب، از همین تیپ از سؤالات طرح می‌شوند. خوشبختانه این تیپ از سؤالات، چندان هم دشوار نیستند و شما می‌توانید با تمرین زیاد متن‌های درک مطلب، به راحتی از پس این تیپ از سؤالات بربیایید. در ادامه، یکی از متن‌های درک مطلب کنکور ریاضی ۹۶ را همراه با یکی از تست‌های آن بررسی می‌کنیم.

@khanehbook

یک نمونهٔ عملی

There is a big difference between the amount of sleep you can get by on and the amount you need to function optimally. According to the National Institutes of Health, the average adult sleeps less than seven hours per night. In today's fast-paced society, six or seven hours of sleep may sound pretty good. In reality, though, if you sleep that long, you are most probably not getting the sleep you need. Just because you're able to operate on six or seven hours of sleep doesn't mean you wouldn't feel a lot better and get more done if you spent an extra hour or two in bed.

While sleep requirements vary slightly from person to person, most healthy adults need between 7 to 9 hours of sleep per night to function at their best. Children and teenagers need even more. And despite the notion that our sleep needs decrease with age, most older people still need at least 7 hours of sleep. Since older adults often have trouble sleeping this long at night, daytime naps can help fill in the gap.

ریاضی ۹۶

According to the passage, the appropriate number of hours of sleep for people ..... .

1) is on the rise in today's fast-paced society
2) is something between 6 to 7 hours per day
3) depends on their daily function
4) is not exactly the same

اگر متن بالا را به درستی skim کرده باشید، احتمالاً متوجه شده‌اید که پاراگراف اول در مورد ناکافی بودن میزان خواب در جامعهٔ سریع امروزی و پاراگراف دوم در مورد میزان خواب مناسب برای افراد مختلف است. وقتی که به تست مربوط به جزئیات متن می‌رسیم، اولین کاری که انجام می‌دهیم، مشخص کردن کلمه یا عبارت کلیدی است. در تست بالا، عبارت کلیدی را برایتان مشخص کرده‌ام. خیلی از وقت‌ها، کلمه یا عبارت کلیدی را دقیقاً یا با تغییر جزئی در خود متن داریم. اما در این مورد خاص، باید از مفهوم جمله متوجه شوید که منظور از appropriate number of hours of sleep (تعداد ساعات مناسب خواب) همان sleep requirements (نیاز به خواب) در ابتدای پاراگراف دوم می‌باشد.

می‌توان گفت اگر توانسته باشید جای پاسخ تست را در متن پیدا کنید، بیش از نیمی از مسیر پاسخ‌گویی به تست را طی کرده‌اید. حالا گزینه‌ها را یکی‌یکی، طبق بخش مورد نظر از متن بررسی می‌کنیم: گزینهٔ (۱) اصلاً متضاد محتویات متن است چون که متن، از ناکافی بودن میزان خواب در جامعهٔ امروزی انتقاد می‌کند، اما این گزینه دقیقاً متضاد این موضوع را بیان می‌کند. وقتی پاراگراف دوم را بررسی می‌کنیم، نوشته شده میزان خواب مناسب برای افراد بالغ ۷ تا ۹ ساعت است، پس گزینهٔ (۲) هم به دلیل ذکر ۶ تا ۷ ساعت، نمی‌تواند صحیح باشد. گزینهٔ (۳) در هیچ جایی از متن گفته نشده و اگر کل متن را هم زیر و رو کنید، نوشته نشده میزان خواب مناسب، به daily function (فعالیت روزانه) بستگی دارد.

پس فقط می‌ماند گزینهٔ (۴)! حالا چرا گزینهٔ (۴) درست است؟ در گزینهٔ (۴) گفته شده، میزان خواب مناسب دقیقاً یکسان نیست. پاراگراف دوم هم دقیقاً اشاره می‌کند که میزان خواب مناسب برای افراد بزرگسال ۷ تا ۹ ساعت و در بچه‌ها و نوجوانان بیشتر از این عدد است. یعنی میزان خواب مناسب، برای افراد مختلف، یکسان نیست.

البته گاهاً سؤالات تیپ ۵، فقط یک کلمه یا عبارت کلیدی ندارند و هر کدام از گزینه‌های آن‌ها دارای یک کلمه یا عبارت کلیدی است. طبیعتاً پاسخ دادن به این جور تست‌ها، کمی دشوار است و شاید شما حتی مجبور شوید برای پاسخ دادن به یک تست، چهار بخش مختلف از متن را بررسی کنید. بادتان هست گفتم در کنکور زرنگ باشید؟! یکی از مواردش همین نوع از تست‌ها است. اگر احساس کردید تستی خیلی سخت است و برای جواب دادن به آن باید کل متن را زیر و رو کنید، اصلاً اشکالی ندارد که فعلاً به آن تست جواب ندهید و اگر در آخر کار وقت اضافه آوردید، دوباره برگردید و به آن تست با دقت جواب دهید. قبول دارید؟

شکل ظاهری سؤالات تیپ ۵

According to the passage, ...

It is true that ..... .

The writer / passage **mentions / states that** ..... .

مهم‌ترین نشانهٔ تست‌های تیپ ۵، وجود عبارت According to (طبق) در ابتدای تست است. اما چون اصلی‌ترین نوع تست‌های درک مطلب، همین سؤالات از جزئیات متن است، فرض بر این است که اگر تستی هیچ نشانهٔ خاصی نداشت و نتوانستیم آن را در تیپ‌های دیگر قرار دهیم، آن تست هم مربوط به جزئیات متن می‌باشد.

@khanehbook

تیپ ۶: سؤال از جزئیات به شکل منفی!

تیپ ششم سؤالات درک مطلب، خواهر تیپ پنجم است! طراح در تیپ پنجم، از شما می‌خواهد مشخص کنید که طبق متن، کدام گزینه درست است؛ اما در تیپ ششم، شما مشخص خواهید کرد که کدام گزینه درست نیست! یعنی در این تیپ از تست‌های درک مطلب، طبق متن سه تا از گزینه‌ها درست هستند و یکی از آن‌ها نادرست است. اتفاقاً طراح کنکور هم از شما همان یک گزینهٔ غلط را می‌خواهد!

راستش را بخواهید این تیپ از سؤالات هم معمولاً شامل تست‌های دشواری است. دلیلش هم خیلی واضح است: در ۹۰٪ از تست‌های مربوط به تیپ ششم، هر کدام از گزینه‌ها یک کلمه یا عبارت کلیدی دارد. یعنی شما برای پاسخ دادن به تست‌های تیپ ششم، باید بخش‌های مختلف متن را بررسی کنید. به هر حال، اگر می‌خواهید به درصد عالی زبان انگلیسی برسید، چاره‌ای ندارید به جز این‌که به سؤالات خیلی سخت درک مطلب هم پاسخ دهید.

برای پاسخ دادن به این تیپ از تست‌ها، کلمه یا عبارت کلیدی هر گزینه را مشخص کنید و با ذهنیتی که از مرحلهٔ skimming دارید، آن را در متن پیدا کنید. اگر آن گزینه طبق متن درست بود که خُب حذف می‌شود. در غیر این صورت، آن گزینه را به عنوان پاسخ تست نگه دارید و بروید سراغ گزینه‌های دیگر. فقط حواستان باشد که ابتدا هر چهار گزینه را بررسی کنید و بعد به تست پاسخ دهید. ممکن است در تحلیل گزینه‌ای اشتباه کرده باشید، اما اگر هر چهار گزینه را بررسی کنید، احتمال اشتباه پایین‌تر می‌آید.

برای این‌که توضیحاتم را بهتر متوجه شوید، متن زیر را از کنکور هنر ۹۵ با هم بررسی می‌کنیم:

یک نمونهٔ عملی

In 2011, eight percent of children eight years old and younger used mobile devices daily. That's according to a report from Common Sense Media. This organization studies issues of concern to teachers and families. By 2015, their report shows that figure had more than doubled. Many pediatricians are concerned. In my view, they are right to be.

These caring doctors state that this trend is disturbing and needs attention. They focus on data indicating that excessive media use by young children is linked to fatness, lack of sleep, and aggressiveness. They also know that too much media use negatively affects school performance. The American Academy of Pediatrics (AAP) suggests a plan to handle the problem.

The doctors encourage families to set rules about TV consumption, texting, Internet surfing and social media use. They recommend limiting all four. As I see it, they are the people who know best. هنر ۹۵

Which of the following is NOT stated in the passage?

1) Doctors have a plan to make schools forbid mobile use.
2) Young children's use of media devices is on the increase.
3) The American Academy of Pediatrics is concerned about the problem which is the focus of the passage.
4) One cause of young children's aggressiveness can be their using media devices more often than they should.

همان‌طور که می‌بینید، در این تست، طراح از شما می‌خواهد مشخص کنید که کدام‌یک از گزینه‌ها در متن state (ذکر) نشده است. نگاهی که به گزینه‌ها می‌اندازیم، می‌بینیم که تک‌تک گزینه‌ها برای خودشان یک تعداد کلمهٔ کلیدی دارند. پس کارمان سخت است.

در گزینهٔ (۱) گفته شده دکترها قصد دارند مدارس را مجبور کنند که استفاده از تلفن همراه را forbid (ممنوع) کنند. با ذهنیتی که از مرحلهٔ skimming داریم، متن را scan می‌کنیم. کلاً هیچ جایی از متن، صحبت از forbid (ممنوع) شدن تلفن همراه نیست. شاید این گزینه جواب باشد. فعلاً این گزینه را به عنوان کاندید پاسخ نگه می‌داریم و می‌رویم سراغ بقیهٔ گزینه‌ها.

در گزینهٔ (۲) داریم که استفادهٔ بچه‌ها از ابزارهای رسانه‌ای (مثل تلفن همراه) رو به افزایش است. با ذهنیتی که از مرحلهٔ skimming داریم، می‌دانیم که پاراگراف اول به این موضوع مرتبط است. پس پاراگراف اول را دقیق‌تر بررسی می‌کنیم. بله، درست است. در پاراگراف اول گفته شده که در سال ۲۰۱۱، درصد خاصی از بچه‌ها از تلفن همراه استفاده می‌کردند که این عدد در سال ۲۰۱۵ بیشتر از دو برابر شده است. پس گزینهٔ (۲) از نظر مفهومی درست است و نمی‌تواند پاسخ تست باشد.

@khanehbook

در گزینهٔ (۳) گفته شده آکادمی آمریکایی Pediatrics، در مورد مشکل مورد بحث concerned (نگران) هستند. متن را scan می‌کنیم تا ببینیم کلمهٔ کلیدی concerned یا یکی از مترادف‌های آن مثل worried را داریم یا نه. بله، ظاهراً در آخر پاراگراف اول دقیقاً همین موضوع ذکر شده (pediatricians are concerned). پس گزینهٔ (۳) هم از نظر مفهومی درست است و نمی‌تواند پاسخ تست باشد.

در گزینهٔ (۴) کلمهٔ کلیدی aggressiveness را داریم. این گزینه می‌گوید که یکی از علل aggressiveness بودن بچه‌ها، استفادهٔ بیش از حد از ابزارهای رسانه‌ای (مثل تلفن همراه) است. اتفاقاً در پاراگراف دوم هم aggressiveness را داریم و خُب در آن جا هم گفته شده که استفادهٔ بیش از حد از رسانه‌ها با aggressiveness بودن بچه‌ها مرتبط شده است. پس گزینهٔ (۴) هم از نظر مفهومی صحیح است و نمی‌تواند پاسخ تست باشد. در مجموع بعد از بررسی گزینه‌ها به این نتیجه می‌رسیم که گزینهٔ (۱) که همان اول هم به عنوان کاندید انتخاب کرده بودیم، پاسخ تست است.

شکل ظاهری سؤالات تیپ ۶

نشانهٔ اصلی تست‌های تیپ ۶ درک مطلب، وجود NOT و EXCEPT (با حروف بزرگ) در صورت تست است. معمولاً تست‌های تیپ ۶، یکی از موارد زیر است:

Which of the following is **NOT** true (stated) in the passage?

All of the following are true / mentioned / stated, **EXCEPT** ..... .

Which of the following statements is **FALSE**?

تیپ ۷: سؤالات استنباطی

هر چه جلوتر می‌رویم با تیپ‌های جالب‌تر و دشوارتر درک مطلب روبه‌رو می‌شویم. تیپ هفتم سؤالات درک مطلب، هم نسبتاً متداول است و آن را در کنکور زیاد می‌بینیم و هم این‌که پاسخ دادن به آن، مهارت درک مطلب بسیار بالایی می‌خواهد.

در سؤالات تیپ پنجم گفته شد که وقتی با تست‌های جزئیات متن سروکار داریم، پاسخ تست در متن به طور مستقیم ذکر شده است. در تیپ هفتم سؤالات درک مطلب، پاسخ تست در متن به طور مستقیم ذکر نشده است و شما باید پاسخ را از متن استنباط کنید. مثلاً اگر من به شما بگویم: «نود درصد از داوطلبان کنکور به سؤالات درک مطلب پاسخ نمی‌دهند.» من اصلاً حرفی از تسلط داوطلبان کنکور به مهارت‌های متن‌خوانی نزده‌ام. اما شما خودتان می‌توانید از حرف من استنباط کنید که لابد این افراد به مهارت‌های متن‌خوانی تسلط ندارند که نمی‌توانند از پس سؤالات درک مطلب بربیایند.

تست‌های تیپ هفتم هم، یک چنین حالتی دارند. پاسخ این تست‌ها در متن به طور مستقیم ذکر نشده است، اما شما با scan کردن متن و تحلیل کردن گزینه‌ها، می‌توانید پاسخ صحیح را استنباط کنید!

روش پیدا کردن گزینهٔ درست همان روش همیشگی است. کلمه یا کلمات کلیدی صورت تست را پیدا می‌کنیم و اگر هر کدام از گزینه‌ها، کلمه یا کلمات کلیدی خودش را داشت، آن‌ها را مشخص می‌کنیم؛ با ذهنیتی که از مرحلهٔ skimming داریم، می‌رویم سراغ بخش مورد نظر از متن؛ و در نهایت سعی می‌کنیم با بررسی گزینه‌ها و متن، متوجه شویم کدام گزینه قابل استنباط از متن است. مثال:

یک نمونهٔ عملی

The Eskimos' way of life has changed much over the past hundred years, although many traditional customs do persist. And despite the geographical separation between different Eskimo groups, all Eskimos have preserved a similar culture. They are still mainly coastal people who journey inland in the short summers to hunt caribou and birds, and to fish. The major exceptions are some North Alaskan Eskimos and the Caribou Eskimos, who live inland all the year round. The North Alaskan Eskimos are famous for hunting the enormous bowhead whale, weighing 54 tonnes (60 US tons). Elsewhere on the coast, Eskimos hunt seals, walruses, and smaller whales such as the white whale. Fishing for cod is popular among the Eskimos in Greenland and Labrador.

@khaneh_book

It can be reasonably concluded from the passage that some Eskimos hunt the bowhead whale ..... .

1) for fun
2) out of need
3) to show their hunting ability
4) to sell its meat to the US

به صورت تست که نگاه می‌کنیم، کلمهٔ conclude (استنباط کردن، برداشت کردن) جلب توجه می‌کند. پس با تست استنباطی سروکار داریم. کلیدی‌ترین بخش صورت تست hunt the bowhead whale می‌باشد. چون متن خیلی کوتاه است bowhead whale را راحت پیدا می‌کنیم. می‌خواهیم متوجه شویم اسکیموها چرا این نوع whale (نهنگ) را شکار می‌کنند. در متن که چیزی گفته نشده.

به نظرتان آیا دلیل شکار این نوع از حیوانات می‌تواند سرگرمی یا نشان دادن مهارت باشد؟ خیلی بعید است! اسکیموها در سرمای شدید قطب دنبال راهی می‌گردند که شکم خودشان را سیر کنند، نه که دنبال تفریح و سرگرمی باشند. پس گزینه‌های (۱) و (۳) را حذف می‌کنیم. گزینهٔ (۴) را نگاه می‌کنیم. در هیچ جایی از متن از US (آمریکا) و export (صادر کردن) گوشت حرفی زده نشده. پس این گزینه هم اصلاً به متن ربطی ندارد. می‌ماند گزینهٔ (۲) که اسکیموها «از روی نیاز» شکار می‌کنند. به نظر خیلی منطقی می‌رسد. به هر حال اسکیموها در آن سرمای شدید قطب باید یک جوری شکم خودشان را سیر کنند. بنابراین می‌توان گفت شکار حیوانات توسط اسکیموها، از روی نیاز است.

نکته: معمولاً اگر در گزینه‌های تست‌های استنباطی، کلمات مطلق‌گرا (مثل always ،at all ،nobody ،none ،no ،never ،just ،any ،only ،every all و ...) را داشتیم، گزینهٔ مورد نظر نمی‌تواند صحیح باشد. چرا؟ چون معمولاً طراح می‌خواهد شکل ظاهری گزینه، درست باشد، ولی با استفاده از کلمات مطلق‌گرا، آن گزینه غلط شود. البته دقت کنید که گفتم معمولاً کلمات مطلق‌گرا باعث غلط شدن گزینه می‌شود، نه همیشه. از این روش، صرفاً به عنوان یک نشانه استفاده کنید، نه بیشتر.

شکل ظاهری سؤالات تیپ ۷

یک تعدادی فعل وجود دارد که کاربرد آن‌ها در صورت تست نشان می‌دهد که با تست استنباطی سروکار داریم. اصلی‌ترین آن‌ها عبارتند از:

understand (understood) / conclude / infer / imply / suggest / point out

معمولاً تست‌های تیپ هفتم به یکی از شکل‌های زیر هستند:

We (can) **understand** from the passage ..... .
It can be **understood** from the passage ..... .
It can be **concluded / inferred** from the passage ..... .
The writer / author **suggests / points out / implies** ..... .

تیپ ۸: در متن به کدام سؤال پاسخ داده شده است؟

این تیپ از سؤالات درک مطلب، جزء تیپ‌های نسبتاً جدید است که خیلی هم متداول نیستند، ولی طراح گهگاه برای جذاب کردن کنکور و نشان دادن خلاقیت و هوش سرشار خودش، از این تیپ تست‌ها استفاده می‌کند!

کلیتش به این صورت است که گزینه‌های تست، از چهار تا سؤال تشکیل شده است. شما با توجه به محتویات متن، باید تشخیص دهید که پاسخ کدام‌یک از این سؤالات در متن وجود دارد. یعنی از بین چهار سؤال موجود، پاسخ یکی در متن هست و شما باید طبق متن، آن را مشخص کنید.

برای جواب دادن به این تیپ از تست‌ها، کلمه یا کلمات کلیدی همهٔ گزینه‌ها را مشخص کنید؛ سپس بروید سراغ بخش‌های مورد نظر متن و ببینید که آیا می‌توانید پاسخ سؤال را پیدا کنید یا نه. طبیعتاً اگر skimming را دقیق و با حواس جمع انجام داده باشید، این‌جا هم کارتان راحت‌تر خواهد بود و می‌دانید که برای پیدا کردن جواب هر کدام از سؤالات، تقریباً باید کجای متن را بررسی کنید.

البته گاهاً طراح کنکور از شما می‌خواهد مشخص کنید پاسخ کدام سؤال در متن وجود ندارد. یعنی از بین چهار سؤال ارائه شده در گزینه‌ها، پاسخ سه تا موجود است و پاسخ یکی را نداریم. طراح است دیگر! از شما می‌خواهد همان یک سؤال را مشخص کنید. بگذارید یک مورد عملی را از کنکور بررسی کنیم تا تیپ هشتم برایتان روشن‌تر شود:

@khanehbook

یک نمونهٔ عملی

For centuries there have been descriptions of unusual animal behavior happening before and related to earthquakes. In cases where animals show unusual behavior some tens of seconds before a quake, it has been suggested they are responding to the P-waves. These travel through the ground about twice as fast as the S-waves that cause most severe shaking. They predict not the earthquake itself – that has already happened – but only the possible arrival of the more destructive S-waves.

In the 1970s, scientists thought that a practical method for predicting earthquakes would soon be found, but by the 1990s continuing failure led many to question whether it was even possible. Demonstrably successful predictions of large earthquakes have not occurred and the few claims of success are not accepted by all scientists. For example, the most famous claim of a successful prediction is related to the 1975 Haicheng earthquake. A later study said that there was no valid short-term prediction. Extensive searches have reported many possible earthquake signals, but, so far, such signals have not been reliably identified across significant spatial and temporal scales. While part of the scientific community hold that, considering non-seismic signals or precursors and given enough resources to study them extensively, prediction might be possible, most scientists are not that positive and some say that earthquake prediction is inherently impossible.

تجربی ۹۶

There is enough information in the passage to answer which of the following questions?

1) In what cases did scientists fail to predict earthquakes in the 1990s?
2) How much faster do P-waves travel compared to S-waves?
3) What kind of unusual animal behavior can be a signal of an upcoming earthquake?
4) Why is it that S-waves are more destructive than P-waves are?

خُب، همین که در تک‌تک گزینه‌ها یک سؤال داریم نشان می‌دهد که با تست تیپ ۸ سروکار داریم. کلمه یا کلمات کلیدی تک‌تک گزینه‌ها را پیدا می‌کنیم و می‌رویم سراغ متن. در گزینهٔ (۱) سؤال شده «دانشمندان در دههٔ ۱۹۹۰ در چه مواردی موفق به پیش‌بینی زمین لرزه نشدند؟» این گزینه اساساً با ایدهٔ کل متن در تضاد است، چون که متن اساساً امکان پیش‌بینی زمین‌لرزه‌ها را زیر سؤال می‌برد.

در گزینهٔ (۲) سؤال شده «امواج P چه‌قدر سریع‌تر از امواج S حرکت می‌کنند؟» طبیعتاً از مرحلهٔ skimming یادمان هست که در پاراگراف اول از امواج P و S صحبت شده. بنابراین سراغ پاراگراف اول می‌رویم و این پاراگراف را با دقت بیشتری scan می‌کنیم. جواب تست پیدا شد! در متن (بخش highlight شده) گفته شده که امواج P تقریباً با دو برابر سرعت امواج S حرکت می‌کنند.

برای محکم‌کاری می‌رویم سراغ گزینه‌های (۳) و (۴). در گزینهٔ (۳) داریم: «چه نوعی از رفتار عجیب حیوانی می‌تواند نشانهٔ زمین‌لرزهٔ پیش رو باشد؟» باز هم از مرحلهٔ skimming یادمان هست که در پاراگراف اول در مورد حیوانات صحبت شده. در این پاراگراف گفته شده که حیوانات پیش از وقوع زلزله، رفتارهای عجیبی را بروز می‌دهند. اما آیا از نوع رفتارها هم صحبتی شده است؟ نه! پس گزینهٔ (۳) نمی‌تواند صحیح باشد.

در گزینهٔ (۴) داریم: «چرا امواج S مخرب‌تر از امواج P هستند؟» بله، باز هم پاراگراف اول. این پاراگراف را کمی دقیق‌تر بررسی می‌کنیم. گفته شده که امواج S مخرب‌تر از امواج P هستند؛ اما از علت این پدیده، صحبتی نشده است. خُب خدا رو شکر. فقط گزینهٔ (۲) می‌تواند صحیح باشد.

شکل ظاهری سؤالات تیپ ۸

اصلی‌ترین نشانهٔ سؤالات تیپ ۸، وجود چهار سؤال در گزینه‌ها و همین طور علامت سؤال در آخر همهٔ آن‌ها می‌باشد. اما معمولاً صورت خود تست نیز به شکل زیر است:

Which of the following **questions** does the passage **answer**?

There is enough information in the passage to **answer** which of the following **questions**?

البته اگر طراح از شما بخواهد مشخص کنید کدام سؤال پاسخ داده نشده است، ظاهر تست به این شکل خواهد بود:

Which of the following **questions** is NOT answered in the passage?

@khanen_book

تیپ ۹: مشخص کردن هدف و منظور نویسنده!

این تیپ از سؤالات درک مطلب، برادر بد قلق‌تر تست‌های تیپ هفت (سؤالات استنباطی) به حساب می‌آید و مانند تست‌های تیپ هفت، جواب آن را در متن به صورت مستقیم نداریم.

شما در تست‌های تیپ هفت، بر مبنای اطلاعات موجود در متن، موضوعاتی را استنباط می‌کنید و حدس می‌زنید. اما در تیپ نهم، باید مشخص کنید منظور نویسندهٔ متن از نوشتن کل متن، یک پاراگراف آن و یا حتی یک جمله از آن چیست! آیا نویسنده می‌خواسته اطلاع‌رسانی کند؟ آیا برای سرگرم کردن شما این متن را نوشته؟ یا شاید هم قصد و هدف خاصی نداشته و فقط می‌خواسته آستانهٔ تحمل داوطلبان کنکور را مورد آزمایش قرار دهد! در هر صورت، نگران نباشید و آستانهٔ تحمل خودتان را بالاتر ببرید. با کمی تمرین، به راحتی می‌توانید شاخ همین تیپ از سؤالات را هم بشکنید! وقتی در کنکور، سؤالات هدف و منظور نویسنده را دیدید، گزینه‌ها را با بخش مورد اشاره از متن بسنجید. بالاخره هر نویسنده‌ای هدفمند عمل می‌کند و از نوشتن تک‌تک کلمات متن، قصد و منظور خاصی دارد. سعی کنید ببینید کدام‌یک از گزینه‌ها با هدف نویسنده بیشتر جور درمی‌آید.

روش حذف گزینه‌های غلط را هم که اصلاً فراموش نکنید. غیرمنطقی‌ترین گزینه‌ها را حذف کنید تا به منطقی‌ترین گزینه برسید.

برای این‌که منظورم را بهتر متوجه شوید، یکی از متن‌های درک مطلب تجربی ۹۶ را به همراه ۲ تا از تست‌های آن بررسی می‌کنیم:

یک نمونهٔ عملی

One of the most important decisions at the time when people grow up and become adults is what job or career to choose. However, with so many possibilites to choose from, this decision is often a difficult one to make. In addition, there are many factors that may influence an individual in the choice of a career and some of these may be conflicting. For example, family pressure, the potential for earning money, and one's own personal interset may all be factors that pull an individual in three different directions when trying to decide what career path to follow.

Although it is often stated that by the time a person is a young adult they will know what they want to "do with their life," in fact, the process of finding a career may take a long time. It is not uncommon for an individual to try more than one career before finding the one that leads to job satisfaction.

Clearly young adulthood is a period of stress. It is a time for raising a family, finding and maintaining the "right" job, and keeping a balance among self, family, job, and society at large. It is a period of life that requires great energy. Fortunately, in terms of physical development, we are at something of a peak during our 20s and 30s.

As Levinson (1986) has stated, "early adulthood is the era of greatest energy and abundance and of greatest contradiction and stress."

تجربی ۹۶

1. Why does the author mention "family pressure, the potential for earning money, and one's own personal interest," in paragraph 1?

1) to introduce some of the factors that influence an adult's choice of a career
2) to give examples of adult responsibilities
3) to discuss the positive and negative effects of every career choice
4) to explain why adults need to choose a career

2. The passage is primarily intended to ..... .

1) introduce a finding 2) inform 3) provide advice 4) make a suggestion

همراه متن بالا، دو تا تست هدف و منظور نویسنده داریم. ابتدا تست اول را بررسی می‌کنیم. این تست، دلیل ذکر the potential for earning money، family pressure و personal interest را مورد سؤال قرار می‌دهد. خود تست می‌گوید که این موارد در پاراگراف اول ذکر شده‌اند؛ پس آن‌ها را در پاراگراف اول متن پیدا می‌کنیم. بعد از ذکر این موارد در پاراگراف اول، نویسنده می‌گوید که این موارد «ممکن است همگی فاکتورهایی باشند که وقتی شخص تلاش می‌کند تا تصمیم بگیرد کدام مسیر شغلی را دنبال کند، او را به سه مسیر متفاوت می‌کشند.»

حالا می‌رویم سراغ گزینه‌ها. در گزینهٔ (۱) داریم: «تا تعدادی از فاکتورهایی را که انتخاب شغل شخص بالغ را تحت تاثیر قرار می‌دهند، معرفی کند». به نظر می‌آید این گزینه درست باشد. پس آن را به عنوان کاندید پاسخ نگه می‌داریم و می‌رویم سراغ گزینه‌های بعدی.

در گزینهٔ (۲) داریم: «تا از مسئولیت‌های [دوران] [illegible] به مثال [illegible]» به [illegible] مربوط می‌[illegible] (۳) داریم «تا تأثیرات مثبت و منفی هر انتخاب

@khanehbook

شغلی را مورد بحث قرار دهد.» این هم به نظر بی‌ربط می‌آید. می‌رویم سراغ گزینهٔ (۴): «تا توضیح دهد چرا افراد بالغ باید شغلی را انتخاب کنند.» در پاراگراف اول، در مورد علت الزام به انتخاب شغل افراد بالغ صحبتی نشده است. پس این گزینه هم نمی‌تواند منطقی باشد.

نکته‌ای که به درست بودن گزینهٔ (۱) تأکید می‌کند، وجود کلمهٔ factors در این گزینه و ذکر همین کلمه، همراه کلمات کلیدی تست در پاراگراف اول متن است. پس پاسخ این تست، گزینهٔ (۱) است.

دومین تستی که همراه متن داریم می‌گوید که متن اساساً intend (قصد) دارد تا چه کار کند؟ گزینه‌ها را بررسی می‌کنیم:

۱) یافته‌ای را معرفی کند ۲) اطلاع‌رسانی کند ۳) توصیه کند ۴) پیشنهادی ارائه کند

یک نکتهٔ جالب این که گزینه‌های (۳) و (۴) تقریباً هم معنی هستند و اگر مطمئن باشیم با هم تفاوت خاصی ندارند، می‌توانیم هر دو را حذف کنیم. متن را هم که بررسی می‌کنیم توصیه و پیشنهاد خاصی را نمی‌بینیم. پس این دو گزینه را فعلاً کنار هم می‌گذاریم و می‌رویم سراغ گزینه‌های (۱) و (۲). آن چیزی که مشخص است، متن اطلاعاتی را ارائه می‌کند، اما آیا این اطلاعات یافته‌های تحقیق خاصی است و یا این که نویسنده متن را صرفاً برای اطلاع‌رسانی نوشته است؟ با ذهنیتی که از مرحلهٔ skimming داریم، نگاهی به متن می‌اندازیم. در هیچ جایی از متن، صحبت از یافته‌های تحقیق و پژوهش خاصی نشده است؛ پس گزینهٔ (۱) هم خیلی منطقی نیست. در نتیجه، به نظر می‌رسد تنها گزینهٔ منطقی این تست، همان گزینهٔ (۲) خواهد بود.

شکل ظاهری سؤالات تیپ ۹

اصولاً تست‌های تیپ ۹ می‌توانند شکل و ظاهر بسیار متفاوتی داشته باشند. نکتهٔ کلیدی در مورد ظاهر این تست‌ها، اشاره به کلماتی مثل intend (قصد داشتن) در تست و یا why does the author (چرا نویسنده) در ابتدای صورت تست است. رایج‌ترین موارد سؤالات تیپ ۸ عبارتند از:

The passage is primarily intended to ..... .

Why does the author mention / discuss / compare ..... ?

The author mentions / discusses / compares ..... in order to ..... .

تیپ ۱۰: موضوع پاراگراف بعدی (صرفاً جهت اطلاع!)

رسیدیم به تیپ دهم و آخر سؤالات درک مطلب. یک تیپ بسیار سخت که موارد کاربرد آن در کنکور بسیار نادر بوده است؛ اما بد نیست که با این تیپ از تست‌های درک مطلب نیز حداقل تا حدودی آشنا شوید. فرض کنید که در کنکور به شما یک متن با سه پاراگراف داده‌اند. طراح محترم کنکور، در یکی از تست‌های کنکور، از شما می‌خواهد موضوع پاراگراف بعدی را مشخص کنید. یعنی شما باید با توجه به چینش مطالب در متن، مشخص کنید که احتمالاً پاراگراف چهارم این متن در چه موردی بحث می‌کند! طبیعتاً برای پاسخ‌گویی به این نوع از تست‌ها، موضوع پاراگراف آخر و به خصوص جملهٔ آخر آن خیلی مهم است.

یک نمونهٔ عملی

A dream can be defined as a train of thoughts and fancies occurring during sleep. It is now known that everyone dreams, even if they cannot recall doing so. Recording the electrical activity of the brain (EEG) during sleep shows that there are two kinds of sleep. If people are awakened from the deeper kind, they seldom recall dreaming. But if they are awakened from the lighter kind, called REM sleep because of the rapid eye movements which accompany this kind of sleep, they nearly always recall a dream.

The newborn infant spends about half its sleeping time in REM sleep; the adult about one-sixth. Someone who sleeps for seven and a half hours generally spends about one and a half hours dreaming. REM sleep is abolished by sleeping pills; but when a person stops taking these, he dreams almost continuously, as though he needed to catch up on what he had lost. REM sleep also occurs in all species of mammals and animals so far studied.

These facts about dreams suggest that they must serve some important biological function in all higher animals including human beings. But scientists do not agree on what this function is. Although we spend about a third of our lives asleep, and rapidly become confused and ill if we are deprived of sleep, no one fully understands why we have to sleep so much. So it is not surprising that there have been a number of different theories about dreams. خارج ۹۱

The paragraph following this passage would most probably discuss ..... .

1) different kinds of dreams
2) how great the number of our dreams is
3) why it is not surprising that we dream a lot
4) some theories about dreams

@khanen_book

برای پاسخ دادن به این تست، ایدهٔ کل متن را مد نظر داریم و پاراگراف آخر را با دقت بیشتری می‌خوانیم. در آخرین جمله از متن داریم: «بنابراین عجیب نیست که در مورد رؤیاها تعدادی تئوری متفاوت وجود داشته است.» اما نویسنده در مورد این تئوری‌ها، اطلاعات خاصی ارائه نمی‌دهد. پس می‌توانیم حدس بزنیم که نویسنده در پاراگراف بعدی در مورد این تئوری‌ها اطلاعات بیشتری ارائه دهد؛ یعنی گزینهٔ (۴).

چند توصیهٔ پایانی

۱) فراموش نکنید که تمام این تکنیک‌ها و تیپ‌شناسی‌ها، بدون تمرین زیاد بی‌فایده است. همان‌طور که گفتم درک مطلب و کلوزتست را وارد برنامهٔ روزانهٔ خودتان بکنید. البته هر دو را با هم داشته باشید، مثلاً هفته‌ای سه متن کلوز تست و چهار متن درک مطلب.

۲) در کنکور زرنگ باشید؛ قرار نیست همهٔ داوطلبان، تمام درس‌ها را ۱۰۰ درصد بزنند. زرنگ باشید و تیپ‌های راحت‌تر سؤالات را شکار کنید. حالا اگر به چند تست خیلی سخت هم جواب ندادید، فدای سرتان. تفاوت تراز درصد ۸۰ و ۱۰۰، خیلی جزئی است. زرنگ باشید و از مفهوم تراز به خوبی استفاده کنید.

۳) اگر دقت کرده باشید، تیپ‌بندی این درسنامه از آسان به دشوار است. تیپ‌ها را به خوبی بشناسید و تیپ‌های راحت‌تر را اصلاً از دست ندهید.

۴) همیشه عادت داشته باشید اولین بار به تست‌ها دقیقاً در تایم خود کنکور جواب دهید. فکر کنید سر جلسهٔ کنکور هستید و باید در زمان محدود کنکور، از پس سؤالات بربیایید. در ادامه وقتی می‌خواهید تست‌ها را بررسی کنید، رویکرد خودتان را به کلی عوض کنید. حالا باید تک‌تک جملات متن را به صورت دقیق بررسی کنید؛ اگر کلمه‌ای را بلد نیستید و احساس می‌کنید مهم است، آن را در دفترچه‌ای یادداشت کنید؛ شیوهٔ طراحی تست‌ها را تحلیل کنید تا متوجه شوید طراح چه‌طور فکر می‌کند. کلاً در این مرحله، دل و رودهٔ متن را در بیاورید!

۵) همیشه به توانایی‌های خودتان ایمان داشته باشید و مثبت‌نگر باشید!

@khaneh_book

پیشوندها و پسوندهای رایج انگلیسی

پیشوندهای رایج انگلیسی

Prefix	Meaning and Function	Example	
re-	دوباره	rewrite	دوباره نوشتن
		review	مرور کردن
dis-	متضادساز	dislike	دوست نداشتن
		disagree	مخالف بودن
un-	متضادساز	unimportant	بی‌اهمیت
		unfriendly	غیردوستانه
im- / in-	متضادساز	impossible	غیرممکن
		incorrect	نادرست
anti-	ضدِ	antibiotic	آنتی‌بیوتیک
		antivirus	آنتی‌ویروس
under-	زیرِ	underline	زیرِ ... خط کشیدن
		underground	زیرزمینی
over-	بالای؛ روی	overhead	در بالای سر
		overcoat	پالتو
mid-	میانِ، وسطِ	midnight	نیمه شب
		midday	نیم‌روز
sub-	زیرِ	subtitle	زیرنویس
		submarine	زیردریایی
mis-	به اشتباه، غلط	misunderstand	منظورِ ... را درست نفهمیدن
		mishear	اشتباه شنیدن
non-	متضادساز	non-alcoholic	[نوشیدنی] غیرالکلی
		non-stop	بدون توقف
tele-	دور، از راه دور	television	تلویزیون
		telecommunication	ارتباط از راه دور
super-	ماورای؛ بسیار	superhuman	مافوق بشری
		super-fast	بسیار سریع

@khaneh_book